از کتبی است که در ماه شعبان ۱۳۰۵ از صبیه

حاج عطاء الله خریده ام عبد الرشید ...

[illegible]

کتاب موسوم بطبقات شیعه و روضات مفتاح الجنان

مجمع المعارف و مخزن العوارف

[illegible]

مجمع المعارف و مخزن العوارف

بسم الله الرحمن الرحیم

والحمد لله الجواد الکریم وصلی الله علی عباده الذین اصطفی علی محمد وآل محمد الرؤف الرحیم ولا حول ولا قوة الا بالله العلی
العظیم اقترب للناس حسابهم وهم فی غفلة معرضون ما یأتیهم من ذکر من ربهم محدث الا استمعوه وهم یلعبون
اما بعد خامه شکسته نامه فاصح وخادم شرع محمد شفیع بن محمد صالح رحمهما الله بفضله الراجح الواضح بر صفایح قلوب
اولاد و اخوان امجاد و رفیقان سفر پر خطر معاد مینگارد که در مبشرات و منبهات خدای مهربان کرم برای بیداری
هدایت غافلان واتمام حجت خاصان مشاهده می نماید که در زمان رسول نقابت [illegible] هنگام خشیت و ندامت [illegible]
کننده و شفیع روز جزا محمد مصطفی صلی الله علیه وآله با کمال جلال و وحشت تمام اهتمام و دهشت بر اوج منبر رفیع
در خطبه بودند و بر معتقد بعض خواص فرقه ناجیه که در پای منبر حضور بودند بیان عقبات و عقوبات روز
قیامت و زجر و تهدید میفرمودند که علماء عقبات و مواقف روز حشر از روز [illegible] تمام با امت بیان نکردند و در حال انتقال حبیب
ذو الجلال [illegible] استعجال در [illegible] شفقت و اقبال بسوی ابن ذرة بمقدار [illegible]
احوال کربلا [illegible] تمام بمعنی [illegible] واشاره فرمودند حسب الامر الاعلی در مواقف و مقامات
متعلقه در خطبه جمعات و مواعظ جماعات بتفصیل مواقف و عقوبات پنجاه گانه قیامت پرداخت و این
رساله را [illegible] فواید احادیث برای اینکه همیشه در نظر باشد [illegible] بسبب [illegible] از مطولات
[illegible] و مختصرات متفرقه مدینه جمع نموده [illegible] مستطاب [illegible] تمام مسند [illegible] برکت
مصطفوی مسمی بمجمع المعارف و مخزن العوارف نام شد که ناظر [illegible] واضح [illegible] والتکشف شد
با عتراف توصیف کمالیه [illegible] جل جلاله و عم نواله و عظم شانه [illegible] در شرح احادیث [illegible] مرتب
کتاب مفتاح الجنان ملحق [illegible] بعموم نفع خاص و عام [illegible] ساخت و چون [illegible] تنگی زمان و اختلال
حال [illegible] اعوان [illegible] فرصت [illegible] بکمال [illegible] طریق [illegible]

ماند

# عین اول در نصایح

مانند عقبات قیامت ببینها صعب و ضیق است چنانکه استدعا از جناب اقدس الهی من اظهر الجمیل و ستر القبیح اینکه
نقایص آنرا بقلم اصلاح رقم کاملان درپوشاند و از نظر عیب جویان مستور دارد و بعواطف مرضی مقام و منصب القانتا
که مؤلف غریب گشته و بخاک تیره خفته دست از اعمال خیر گسسته بفاتحه و دعایی یاد و شاد نموده ثواب جود را امتنا
سازند و از این رساله که در معرض طراوت و نثر از ابواب بر اهل بصیرت مبسوط نمیکانامند دوازده عین منقسم نمود عین
اول در تقدیم کلماتی چند از مواعظ عین دوم در بیان شدت سکرات موت و اهوال قبر و احوال عالم برزخ
تا هنگام محشر عین سیم در تذکار احوال کبرا بعث است و خروج تعلق روح و شدائد قبر عین چهارم در
در تجلی از وقایع و فتنها یکی پیش از نفخه ثانیه و حشر خلایق در صحرای عالم رستاخیز میشود عین پنجم در ذکر اول
عقبات قیامت و هول خروج خلایق بان صحرای پر وحشت و ندامت و اشاره بنجات از آن عقبه پر حسرت و ندامت
عین ششم در ذکر اجرای عقبه اول و دوم و سیم و جمع کردن مردم از اطراف عالم بمحشر و حال ایشان با اختلال الکنه کاران و
سیاه دلان دشت پر شور و شر عین هفتم در ذکر اعمالی که توفیق اتیان انها در این ایام فرصت موجب ایمنی از آن فزع
اکبر و نجات از عقبات در محاسبه محشر میگردد و جمعیکه بیحساب به بهشت خواهند رفت عین هشتم در تفصیل
میزان قیامت حساب و سؤال که از بالاضطراب عین نهم در بیان مواضع سؤال پر ملال و پرسش از تمام اعمال
سؤال و هر یک از مواقف یازده کانه اصحاب یمین و شمال میخوانند کتب منشوره در عرصه هزار سال عین دهم
در بیان و مواقف دوازده کانه آن عین یازدهم در ماجرای جهنم پر سوز و تاب تفصیل عقبات و
صعبات محشر و مواقف هفت کانه آن محل هول پر دهشت و وحشت و اضطراب و اشتغال ببعض اعمال صالحه
که تقدیم انها در این اوقات فارغه و مهلت غایت بر خلاص از اهوال این عقبات سر اسر عقوبات می نماید عین
دوازدهم در آنچه جاری شود بر زبان قلم شکسته رقم شمه از طیبات اهل نعیم و نبذه از عقوبات اهل جحیم اعاذنا
الله منها و من کل هول بفضله العظیم والحمد لله ولی التوفیق الجواد و منه الاعانة والسداد فی المبدأ والمعاد عین اول در
بچشم بصیرت نظر کن و از خواب غفلت و حسرت بیدار شو و بگوش هوش بشنو ای غافل از سبب هستی و ایجاد خود و بیخبر
از عاقبت کار خود و عقبات مآل متأمل شو و تفکر در کار خود کن و بدانکه پروردگار حکیم ترا از کتم عدم
بمعرکه وجود بخیر تو تمام متوجه ساخته با انواع نعمتهای سابقه و منتهای بالغه ترا بنواخته اعلام کرم با
واضحه و مطالب کاملة را جمع کرده در وجود تو کواری جواهر مطلب تواند بود باز بلطف تو برافراخته پس اسباب و
آلات تحصیل معرفت از عقل و حواس و اعضا بالتمام بتو داده و راه کسب سعادات ابد و فوز نعیم

عین اول در نصایح

# عنوان دیباچه

قرآن و حکمت و رسول بسوی تو فرستادم و فرمودم وما خلقت الجن والانس الا لیعبدون یعنی نیافریدم جن و انس را
مگر برای معرفت و طاعت خودم و در جای دیگر فرموده لیبلوکم ایکم احسن عملا تا بیازماید شما را که کدام یک بهتر است
در جای دیگر فرموده ایحسب الانسان ان یترک سدی آیا می‌پندارند انسان که مهمل گذاشته شده‌اند و مهمل مهمل ساعتی الهی و بیهوده
رسید پس آیات بسیار از پیغمبر فرستاده پیغام دادم و خبر کردم تو را که برای تو بنا و لهو و لعب نیافریدیم بلکه برای امر عظیم
و مطلب جسیمی چند روزی بجهت تکلیف و امتحان تو در دنیا فرستادم تا بتحصیل معرفت و عمل بطاعت من خود را قابل
درگاه قرب و لایق درگاه رحمت و عنایت من ساخته از عقبات جهالت و ضلالت بوعده‌گاه سعادت و کرامت
من برسانی پس بعد از نفس کر و لعان ابلیس که لا دم را ایمان شنت تاخیر در تدارک بغیر ندامت و شقاوت جهت
جهت باز دار تا کار ندارد که تا کار دنیا را ساز کنی خود را هر وقت که باشد نیکی میخواهم کرد و حال آنکه در زیر زمین پوسیده
از حسرت و ندامت آن امثال تو که باراده تدارک بطول امل در عبادت و عمل تاخیر کردند و از حسرت و ندامت بی‌فایده
آرزوی رجوع بدنیا میکنند چنانکه در آیات و احادیث وارد شده یا توهم میکنی که توشه این سفر محنت اثر برای
تو بی‌سعی خود مهیا میشود و حال آنکه حق تعالی میفرماید لیس للانسان الا ما سعی نیست از برای آدمی
در آخرت مگر آنچه در دنیا سعی و کوشش کرده باشد وما تجزون الا ما کنتم تعملون جزا داده نخواهید شد روز
قیامت مگر آنچه در دنیا بعمل می‌آورید و از مضمون کلام الهی مشهور است که بیست ازین دلالت کو تو و کلام خبر
صحیح تو معارض قرآن نتوان رسید که خواطر را جمع کرده باشی یا باین مغرور شده که بعضی اسم شیعه و محبت اهل بیت
بعد از علی الرسالت بر خود گذاشته نجات بخواهی یافت از جهتی که مهیا نشده مگر از برای امثال تو و کار آن
ارشاد اهل مرتبه و عقوبات قبر و عقبات قیامت که فکر آن روز و ذکر آن هول جان سوز شفیع قیامت و محرم مسند
رسالت ذاکر کرد و اخبار اهل بیت و شیعیان واقعی ایشان شب و روز از هول عاقبت کار و خشیت عقوبت
پروردگار محزون و متفکر و بیهوش و بیتاب مضطرب و مدهوش شدند چنانکه حدیث ابو الدرداء و همّام
ابن ... شاهد است و ... که میگوید بخدا قسم که امیر المؤمنین صلوات الله علیه را دیدم در یکی از شبها در
... بیتاب و بیهوش و ... تضرع و استغاثه میکرد بیهوش شد مانند کسی که او را مار گزیده باشد و میگریست مثل
کسی که مصیبت عظیمی باو رسیده باشد و گویا در گوش من است که میگفت و میفرمود آه آه از کمی توشه و طول
سفر و وحشت تنهائی راه و عظمت و شدت هول که مبادا نجات و زاد و عمل نداشته باشم احوال سایر انبیاء
والسلام و کتب اخبار مشحون و مسطور است خلاصه آن در مفتاح الجنان مذکور است پس تو خود را از ایشان

عزیز

# در علامت شیعیان

عزیزتر و نزد خدا گرامی‌تر میگرداند از خدا بترس و بر خود رحم کن و جزم بدان که اگر راستی از شیعیان ایشانی پس باید که
عمل بموعظهٔ ایشان و اجتناب تمام از کردار دشمنان ایشان نمودن چون امروز خواستم دوستی ایشان را از اثر
با فعال شنیعه شرکت دشمنان ایشان در اعمال قبیحه باز نداشت پس فردا ترا حضرت از چنان فزع اکبر و هول اکبر روز
حشر و رفاقت و شراکت ایشان در درجات عالیه بهشت چگونه خاطر جمع میتوانی شد و از این جهت حضرت
امام محمد باقر علیه السلام میفرمایند ای جابر آیا همین بس است کسی را که تشیع بر خود بندد و دعوای محبت ما
اهل بیت می نماید والله که شیعه ما نیست مگر کسی که اطاعت خدا کند و پرهیزکار باشد ای جابر پیشتر
شیعیان ما را نمی‌شناختند مگر بتواضع و بسیاری یاد خدا و نماز و روزه و دادرسی نمودن همسایگان و فقرا و قرض
الحسنه دادن بمومنان و دادرسی نمودن ایتام بقرض دادن و یتیمان و راستی گفتار و تلاوت قرآن و زبان بستن از
غیر نیکی مردم با رحمتهای الهی از راه دور مرو آیا همین بس است مگر که گوید علی را دوست دارم اگر گوید که رسول خدا
دوست میدارم که بهتر است از حضرت امیرالمؤمنین ع و باعمال آنحضرت عمل ننماید پیروی سنت او ننماید از محبت هیچ
بکار او نمی‌آید پس از خدا بترسید و کاری بکنید که ثواب الهی را دریابید بدانید که میان خدا و احدی از خلق خویشی و
قومی نیست گرامی‌تر نزد خدا کسی است که پرهیزکارتر و عملش بطاعت جناب قدس اعلی بیشتر باشد بخدا قسم که تقرب
نمیتوان جست بخدا مگر بطاعت ما برات آزادی نداریم از جهنم برای شما هیچکس را بر حقتعالی حجتی نیست هر که
مطیع خدا است ولی و دوست ما است و هرکه معصیت خدا میکند او دشمن ما است و بولایت و دوستی
ما نمیتوان رسید مگر بپرهیزکاری و عمل صالح و قریب به این مضمون از حضرت صادق ع منقول است و باین مضمون
احادیث بسیار است و حضرت امیرالمؤمنین ع فرمودند که هرکه ما را دوست میدارد میباید که باعمال ما عمل نماید
و استعانت جوید بورع که بهترین معینها است در امر دنیا و آخرت و بحضرت امام جعفر صادق ع عرض شد
که جمعی از شیعیان شما هستند که گناهان میکنند و میگویند که ما امید رحمت خدا داریم و همچنین هستند تا که
مرگ ایشان در رسد فرمودند که دروغ میگویند ایشان شیعیان ما نیستند با آرزوها و نفس خود مایل شده اند
و گمان میکنند که امید دارند هرکه امید چیزی دارد برای تحصیل آن سعی میکند و هرکه از چیزی بترسد از آن گریزان
میباشد این مثل او دعوی است که امید زیاد عشق دارند و ادعا میکنند و اگر بدانند که با فوق نایع شده باشد هرکه
دادرسی نکند دلیل است باعث زیادتی شوق عمل و سعی و میباشد مانع از آن و از بهر حیرت امید در شرع
مقدس ما هرگاه و دانست کرده باشد کی به امید لازم از کرد چنانکه مؤمن حقیقی ستودار ذکرها باشد تا ترسنا

# در علامات شیعه

نموده نا امید نشوند و نمی‌باید معنی کلام خدا را اشتباه کرده بمعجزه که برای اثبات نبوت و امامت بندرت
ظاهر میشود اما کرامتها را بیش از این نمیخواهد که تخم و آب و زمین قابل و اسباب و وقوف زراعت
و فرصت با او داده که بامداد سعی و رنج چند روزی نیک حبه هفتصد خوشه و از هر خوشه صد دانه
داده و خدا در عمل صالح زیاده بر یکی هفتصد حبه صد بقدر سعی و اخلاص هم آنحضرت فرموده نیست شیعه
جعفر مگر کسی که شکم و فرج خود را از حرام بر عفت دارد و کوشش او در عبادت شدید باشد و برای
آفریدگار خود کار کند و امید ثواب و خوف عقاب داشته باشد پس اگر چنین جماعتی را ببینید ایشان شیعه
منند و فرمود که بر شما باد و ورع از حرام و شبهه و ورع دینی است که ما همیشه ملازم آن و با آن خدا را عبادت
کنیم و ان را میخواهیم از موالیان و شیعیان خود پس ما را تعب مدهید در شفاعت خود و از حضرت امام حسن
علیه السلام مرویست که اگر در مقام تمیز شیعه برآییم نیابیم ایشان را مگر وصف کننده بزبان و اگر امتحان
کنیم ایشان را نیابیم مگر مرتد و اگر خلاصه زبده کنیم ایشان را از هزار یکی خالص نباشد تا آنکه فرمودند
تکیه میکنند بر مسندها پس میگویند که ما شیعه علی هستیم نیست شیعه علی مگر کسی فعل و قولش را تصدیق کند
و از حضرت امام حسن عسکری آن بدر زاد گرام خود منقولست که برسول خدا عرض شد که فلان نگاه می‌کند
بجانب همسایه اذا حرم دیده هم مضایقه ندارد آنحضرت غضبناک شدند فرمودند بیاورید او را کسی گفت
یا رسول الله از شیعه شما است و اعتقاد بولایت شما و ولایت علی دارد و از دشمنان شما بیزاری میجوید فرمود
مگو ان شیعه ما است پس بتحقیق که ان دروغ است اگاه باش که شیعه ما کسی است که ما را متابعت کند در اعمال ما
و انچه تو ذکر کردی از اعمال ما نیست در جلالت که روز قیامت عذر خواهند خواست از جمعیکه ما را
معاف داریم از شفاعت خود که ما در دنیا بشما اعلام کردیم و مبالغه و سفارش در تدارک امر فرمودیم و اما
در اینجا بسبب آنها وید نمیشنا بلکه بی اذن حقتعالی کسی جرات سبقت شفاعت نمیتواند کرد پس بعد از ملاحظه
کلام خدا و حجتهای خدا هر بعض خود و شیطان مخور و فرصت غنیمت شمرده بزودی از خواب غفلت بیدار شو
جمعیکه ولایت ایشان را بخود بسته و آرزوی شفاعتشان داری با خود دشمن مکن و وای بر حال کسی که شفعای او
خصمای او باشند در روز قیامت بسبب بدی پرده کما محارم خداوند عبود و خیانتهای شریعت ایشان در
خمس و دیگر و اطفال ایشان و زکوة و حقوق فقرا و مساکین و ایتام که خداوند عیال خود نامیده پس حجت عظیم
است حسرت و عقوبت ابد بخشیدن غافلی که سرمایه عمر خود را که برای کسب سعادت ابدی باو داده بودند

در بعضی نسخه که دیده شد مذکور است

صرف اسباب خسارت و شقاوت ساخته تا غلبه کاهلی از تدارک توشه آخرت در اوقات که فرصت
باندک سعی در تحصیل صالحات نه بتوان رسید خود را بحسرت عذاب مهلک انداخته باشد صریح قرآنست که منکر
شک کننده آن کافر است اما من خفت موازینه فامه هاویة هر که میزان عملش سبک باشد جایش در جهنم است
و من یعمل مثقال ذرة شرا یره هر که بقدر ذره کار بد کند وبال و انتقام او را ببیند و قرآن آنست که مضمون
ان الابرار لفی نعیم و ان الفجار لفی جحیم بتحقیق و یقین که خوبان در بهشت اند و گنهکاران فاجر در جهنم هیچ جا
نفرموده اند که یک فاجر بدکار در نعیم است تا تو مغرور شوی که شاید تو باشی بلکه ممکن است که فجار در ... باشند
و باشند اما انکه شنو جانا آخر توبه از ذلک فساد و تمام دلشان سیاه شود توبه نموده خود را قابل رحمت الاهی نما
سازند که از فوت ملحق با برار نمودند تا کثافات سیئات و ناپاکی و نجاسات باطنی معصیت که بمنزله مرتبه بدتر
از نجاسات ظاهر نیست باب توبه و اشک ندامت پاک سازند لایق نعیم و هم نشین نیکان و پاکان میشوند
چنانکه حضرت امام محمد باقر علیه السلام میفرماید که داخل بهشت نمیشود مگر پاک و طریق پاک شدن
و اهتمام تمام در تحصیل آن و مکافات و عقوبات تاخیر آن به تفصیل در باب توبه و عقبه ... مسطور است
در توریه مذکور است که یا ایها الناس تا چند تاخیر میکنید توبه را و تدارک خود را روز بروز اما شما
امانی رسید از مرگ یا برائی از آتش جهنم بدست یا جزم به بهشت نموده اید ... شما را غافل کرده و طول امل
شما را بجد امغرور ساخته ای بندگان دنیا ... ای انکه روزی ... صرف نموده و تخم عمل خیر در زمین بکارید
پس کتاب ... اگر هستید و ... گذاشته اید یعنی عمل نکرده اید و دنیا را گرفته اید الا ... گذاشته اید
که ... خانهای خود را ... کرده اید تا خانهای ... و بجا خانهای خود ... خانهای من و دشت
پس شما بندگان نیستید بلکه آزادگانید اسما ... سم ... من مستقیم شد رهوا ... 
شما ... موعظه از کتاب من مستقیم میشوید چنانکه ... موعظه هم در دلهای با قساوت تاثیر
میکند ای ... برای ... پیش از انکه اجل ... اگر دنیا را ... گذاشتم ... پیغمبران
میگذاشتم که بندگان ... اطاعت ... بعضی ... بندگان من هستند که ... پشیمان
میشوند و سوال میکنند که ... عمل صالح بجای اورد ... میفرماید ای احمق ...
می ای ... حب دنیا را از دل خود که جمع ... محبت خود را با محبت دنیا در یک دل مانند
و آتش و در جهنم روزی که مقسوم ... روزی ... نخواهد خورد ای ...

# موعظه حضرت رسول صلعم با اباذر

هیچ حرفی نزنی و نگاهی نکنی و قدمی برنداری مگر آنکه دو ملک با تو هستند که می نویسند خوب و بد ترا
و نیست بدهند شما را عاقبت و سلامتی که ایام عمر شما محدود و معلوم است و عدد نفسهای شما معدود و محصور است
پس ای خدا ترسیده‌های صاحبان عقل شاید نجات یابید پیش از آنکه پشیمان شوید که هیچ در دست ندارید برای هول روزی
که در پیش دارید و رسول خدا صلی الله علیه و آله میفرمایند که یا اباذر زنهار که تاخیر مکن در کارهای
خود در طول امل که بعد از این خواهم بود و خواهم نمود چه بسیار منتظر فردائی که بفردا نرسیده ای اباذر اگر ببینی
بینی اجل خود را و سرعت و تندی آمدنش بسوی تو البته دشمن داری امید و امل خود را و فریب نخوری از خود در سرای
کدام بلیه از مؤمنان نزدیکتر است انکه یاد مرگ بیشتر میکند و تهیه او را بهتر سازد و احمق ترین مردم
مشغول شهوات خود میباشد و بر خدا ادعا میکند ای اباذر چون نور در دل درآید سینه گشاده
میشود یعنی برای قبول حقایق و معارف تفکر و اذعان و توطین نفس و حکم یعنی اذعان به چیزی نهد
پس اباذر پرسید که علامت آن نور چیست فرمود که میل و رجوع بسوی مأوای آخرت که خانه جاوید است
و پهلو خالی نمودن از دنیا که خانه فریب است و مستعد شدن برای مرگ پیش از رسیدن آن ای اباذر قدم خود را بدانست
پیدا نمیکنی تا باشی زمان خود که تلف و ضایع نشود ای اباذر باش در دنیا مثل غریبی که در دنیا وطن ندانند
و خود را از اهل قبور شمار و قبر را منزل خود دان و سعی کن در تعمیر آن و بکیر توشه از صحت خود پیش از بیماری و زندگی
خود پیش از مرگ مبادا اینکه فردا هستی یا نه غفلت کن که مبادا از یاد آن در غفلت که ممکن نیست رجوع بکرده را
نمائی ای اباذر کسی که تاخیر کند و بگذارد ای اباذر انتظار میکشند مگر توانگران که او را طاعتی کند یا فقیر که از غنا فراموش
او را بیمار کند که مفسد است یا پیری که از کار باز دارد یا مرگ که ناگاه در رسد و مهلت ندهد یا فتنه دجال
که بدترین چیزهاست که غایبات و آشکار خواهد شد یا قیامت که از هول و مهیبت و تلخی تر است خلاصه
اینکه اقامت با لذت و تاکید به اعلام خود فرموده باشد که البته فردا مهیا شو که برای امر عظیمی بجز تو خواهم طلبید
ندا اینکه قاصدان و پیکهم دیگر بر سند یا دو دیگر یا سال دیگر البته باید کاهلی و سهل انکاری و تاخیر و نافرمانی نمائی
که اینها از همه بدتر فرمان مولای خود هر چه اختیار و مقدم دارد جرات و خطا کرده که چیزهای بیهای
هر ناورند و اهتمام در شان او نموده ترک و تدارک بلکه تا هنوز به نزد او بمرض و مقرب غضب او شده اکثر
مولای او نیز فرمود ای اباذر هر وقت که مصلحت داند و خواهد متوجه سیاست و انتقام او خواهد شد پس ای
عزیز با تمیز بیا و بر خود رحم کن و مهیا شو میلی در دل قلبی به سبب ابتلا روز آخرت خود مباد رسته او توبه

و ای اباذر

# در نصایح از صاحب کتاب

وانابه کن بسوی خدا از جمیع معاصی که بدون انابت محال است و از حقوق خلق و خدا تعالی مقدار
و قضا کن و عزم کن که تمرد را بتدریج بعمل بیاوری و دیگر نافرمانی خدا ننمایی و یقین بدانکه بهشت سعید
بلکه محبوب الهی گشته اگرچه شقی بودی مرحومی آنگاه که بتوفیق الهی که بعد از این شامل حال تو خواهد شد شب
و روز ملازم باشی بتحصیل ذخیره معنویات تا بیابی درجات بهشت برای خود و در شکر این نعمت عظمی کوشی
که پیش از توفیق خود با نیز این فرصت را از تو گرفته بودند بخلاف حینیکه با اعتقاد شنیعه خدا و اراده
تو بیدار دل الحال لاشعوری تا خبر ولذلک کاهلی و تقصیر در بودی بین محبت ابدی و عقوبتی کابدا الاباد بدارد
بمنتهی شد که رفتار نه نها بدنیا شاد تا خبر بهانی که ناگاه وقت مهلت سر آید و هنگام فرصت بگذرد
و یکبار دفعةً اجل بتازد و در کوشتا و کنند از خواب غفلت بیدار و از مستی و حیرت هشیار کند و وقتی
خبر شوی که در سکرات موت باشی و فزع عظیم بر تو غالب شود و از معاینه آثار شقاوت که برای مصلحت
تکلیف مخفی بود بجزع الیم بر تو ظاهر و غفلت مشوش و پریشان و از هول مطلع و دهشت صد هزار عقوبت
که پیش روی تو و آزرده مضطرب شده و دوستان لباس ماتم در بر و اطفال تو در خاک یتیمی بر سر و وارث
که برای که کردن جیفه بدنت طالب کفن هرهنه و مکر و مالت شیاطین که دنیا را بر هم اوقات سعی بر کراهت تو
مینمایند بان حال پر اختلال در سلب ایمان و بسیار از ضعف ایمان و خفیف کان ملائکه رحمان در لنام
غم مؤمنان از وسوسه حفظ مینماید تو مسکین بی ایمان از دنیا رفته نعوذ بالله هرگز از جهنم در نیاید
پس چون بکشند بهیچ تو ابشد و فقر انقلاب بدل شود تا جسمانی تو بصد هزار الم در زمین و مردم بپندارند
غم و محنت و شدت ارادت ساکت شده والله بلکه هو العیاذ بالباطن شدت بکشند و از خاندان عزت بجای کاله
خاری و ذلت عریان و پریشان و از همه عوض بر خود بسیمها در تحصیل آن بوده بودی تهی دست و حیرت
سفر بر خطر بی پایانی بر تو شد و جمیع یاران جان از حسرت مفارقت فانیات تنها که بجای تو کرد خدا و ابا و مالم
الناس تا کنها کرده بودی متأسف که الان و از نقلت اعمال صالحه و نمانشب تلاوت قرآن و غفران که همه
همدم و مونس تو بودند تنها و غریب حیران و عیب که با هزار شدت و محنت دست و پا بر تو بسته محکم
بسته و از هیبت بخلت منکر و نکیر شرمنده و با عجز و شکسته افتاده باشی در وحشت آباد قبر و دهشت آباد
خاک بیا حسرت و ندم بخشی بهر ساعت و تضرع و استغاثه‌های بی اثر و الحق تا ایشان بکردی فکر بهاو عدد
نشنیدی که خبر خود را ندانستی وقت عمر شریف وقت فرصت ندانستی و غنیمت نشمردی و خود را پیش

# عبرت دویم در ذکر پارهٔ از شدائد مرگ

از مرگ و صحت خود را قبل از بیماری و قدرت خود را پیش از عجز و فراغت خود را پیش از شغل دریاب کش غافلی
دو کروه ... را از اعمال زشت خود و منصرف از مارها و عقارب اعمال و خوی زشت خود چه کوه و ظلمات آبادی که
از نور ایمان و شمع الهی نفرستادی و وحشت آباد بیکران از عبادت خالص و تلاوت جمیع ایمنی برای خود مهیا
نکردی و خراب آبادی که بر بساط زکوة و خیرات فرش آبادی نکستردی حسرت آباد یکه بروح الهی نسیم ناکاهی
نفحات رحمت بیابانها اسنا خی میرسانی در این وحشت جائی و چنین تنگنائی مور و مار در بدنت ساکن
روانی و از عفونت هوام بعد زیبکی رخ بسته طاری از چرک و خون و زردابها عقارب کثیرم و حشرات مسکن
در بیرون و ریت جاری بعقوبتهای اعمال خود کرفتار و بصد هزار خواری ... تا آنکه کوشت بدنت لقمه
حشرات زیر زمین شود و استخوانت از سینه جنبی سر بر دیکر کردد تا مشاهده فزع اکبر روز حشر و هول
قیامت هنگام حسرت و ندامت ناکاه مشاهده کنی قیامتی که جمیع شد تنها کن ... فراموش نمائی و مادر
کی کم را فریک و پنهان باشی ... اندر نظاره ... غبار و حشت ... زلزله جوش از زمین و زمان و
استماع صدای شیون و دهشت و لوله و خروش اهل آسمان سراسیمه مدهوش اهل آسمان و از هول انتها
خاک ... بیهوش و ترسان و از شدت حسرات و ندامت و پشیمانیهای بی‌پایان نالان و دل
تنک و با نفس شوم و عاد و تنان خود در مجادله و جنک از فکر جواب ... کار دیتاد در مواقف حساب بعجز
و اضطراب از ... نجات و رسوائی قبایح اعمال و فضایح افعال که اند کم از دلهای ... نجهنم نیت ... و
تا با ز عقبات ... عقوبات بیچاره کاندر که متمامت ... سیاه ... و با خود در ملامت و عتاب ز حلت
آتش خوف ... کران وقت ... شان ... است ... سوز و کداز و از حسرت
تقصیر ... رحمت خدای بنده نواز در معصیت و ندامت ... نعوذ بالله الرحیم من شرور انفسنا و از
سیئات اعمالنا ... افشم که اکر شقاوت و سفاهت نباشد بعید از توفیق بند کرا ... نیکردی خود
غافل و کاهل نساز ... شروع بخلاص نفس عزیز از درکات هاویه و سوی درجات عالیه
بود انبی و تلک ایام ... الله ... همت عزم و جزم میتوان کرد الا که مدت اختیار است و بوم
دیکر که در اختیار تو نیست ... لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم عبرت سوم
در ذکر شمه از شدائد ... احوال قبر با ذکر احادیث در فضیلت ... یاد مرگ و احوال بعد از آن
بیان است که باعث ... از دنیا که منشاء جمیع کناهان و عقوبتها است و رسول خدا صلی الله علیه و آله

بیا

# عبرت [illegible] بدانید که خود مرگ را نیکو یاد کنید

بسیار وصیت میفرمودند بیاد مرگ و میفرمودند که آن شکننده لذات و حایل است میان شما و خواهشهای
نفسانی و فرمودند که حیوانات اگر میدانستند از مرگ آنقدر که شما میدانید گوشت فربهی پیدا نمیکردند زنهار
زنهار که مرگ را یاد کنید که مرگ را چاره نیست البته میرسد یا راحتی برای آنها که برای بهشت سعی کردند یا شقاوت
و عذاب ابدی برای آنها که فریب خوردند و از برای جهنم سعی کردند پس بتحقیق که کسی که دوست خدا است و سعادت ابدی
برای او لازم شده اجلش میان دو چشم او است و آرزوها بر پشت سر او و فرمودند زاهدترین مردم کسی است که فراموش
نکند قبرها و پوسیدن جسدها را و ترک کند زینت دنیا را و اختیار کند باقی را بر فانی و خود را در سلک اهل قبور
شمارد و در حدیث معراج فرمودند که دیدم ملک الموت را و گفت که روح همه را من میگیرم مگر تو و علی که خدا
قبض میکند تمام دنیا در دست من [illegible] و نیست خانه مگر که هر روز پنج بار اهل آنرا ملاحظه میکنم و چون
وارثان بر میتی گریه کنند گویم مکنید که مرا عودی بعد از عودی بشما هست تا یکی را نگذارم گفتم مرگ کافیست ترا
اندوه و درهم شکستن آدمی جبرئیل گفت ما بعد مرگ بسیار بدتر از مرگ است و بدتر است بگو فرمودند که هر که دوبار مرگ را یاد
کند میباید قبر او روضه از ریاض بهشت و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند که مرگ دنیا را رسوا کرده
و برای عاقل در دنیا فرح و شادی نگذاشته است فرمودند بسیار یاد کنید مرگ را و بیرون آمدن از قبرها و ایستادن نزد
خدا در موقف حساب تا مصیبتهای دنیا بر شما سهل و آسان گردد و هر که فردا را از عمر خود حساب کند مصاحبت
نیکو نکرده است مرگ را و فرمودند نیست میان شما و بهشت یا دوزخ مگر مرگ و در مشایعت جنازه شنیدند کسی گفت
گویا مرگ در این دنیا برای غیر ما نوشته شده و گویا حق الهی بر غیر ما واجب شده و گویا این مردهها که میبینند
مسافری چند اند که در اندک زمانی بسوی ما بر میگردند ایشان را در قبرها جا میدهیم و میراث
ایشان را میخوریم و گمان میکنیم که همیشه بعد از ایشان خواهیم بود فراموش کرده ایم هر واعظی و پندگویی را با آنکه
با آنکه هر بلیه و مصیبتی گرفتار شده ایم خوشا حال کسی که نفس خود را ذلیل شمارد و کسبش حلال باشد
و باطنش شایسته و خلقش نیکو و زیادتی مالش را صرف نماید و بگیرد زیادتی سخنش را نگاه دارد و فرمودند
بقیه عمر خود [illegible] میشوید بآن نحو فوت شده و زنده میشوید بآن نحو [illegible] و روزی
داخل قبرستان شدند فرمودند که یا اهل تربت و یا اهل غربت اما خانههای شما پس دیگران ساکن شدند
و زنان شما را دیگران نکاح کردند و مالهای شما را قسمت کردند این است خبری که در نزد ما است پس کاش می
دانستم که در نزد شما چه خبر است نگاه باصحاب متوجه شده فرمودند که اگر در جواب یاد دهند بتو بایشان میگفتند که آن خیر الزاد

# جواب نامهٔ یکی از اهل قم و حضرت المعصومه

الزاد التقوی بحقیقت که بهترین توشهای این راه پرخطر متاع تقوی و پرهیزکاریست که در این بادیه بهمراه ۱
درکار است و در حدیث ثانی است که یکی از متابعین آنحضرت سلام کرد و عرض کرد خبر ده ما را که هر چه از اعمال کرده
بودیم چرا او را ندیدیم و از مال آنچه پیش فرستاده بودیم بما رسید و آنچه را گذاشته بودیم خسارت کردیم
انکار ما التفات باصحاب فرمودند که شنیدید بعرض کردند بلی فرمودند که پس توشه بردارید که بهترین توشهها
تقوی و پرهیزکاریست از فرمایش خداوند و فرمودی که ایها الناس هر که بود و نبود این راه سیر البته لشکم زمین خواهد
رفت شب و روز شمار دم شماست بشتابید در اعمال خود برای هر که روز بی‌قرار است و تو روز بی‌سامان و هر که روز کار را
شناخت غافل هم‌چو از استعداد تدارک نبندد و کسی که خیر خود را از شر تمیز نمیکند بمنزله
بهایم است هیهات هیهات موعظه و ترک تدارک نمیکنند مگر بعلت کاهلی که دارد در هنگام رحلت
وصیت فرمود ای فرزندان آرزوهای خود را کوتاه کنید و مرگ خود را بسیار یاد کنید بلکه تقوی که در کتاب کنید
و اشیائی نوشته‌ای بندگان خدا از مرگ نجات نمی‌یابید پس چند کنید پیش از آنکه برسد تهیه و تدارک بد
کنید که بر شما جاری شد حکم او که آنچه را نیست بشما راجع کرد و اگر کسی بزید شما را مییابد و از شما است تم
نزدیک‌تر است بشما و بر پیشانی شما علم بسته و دنیا از پی شما می‌چیند و عنقریب تمام شده و هر کار هفتها
شما را امتنا کنید بسیار یاد کنید مرگ را برای موعظه و پند کافیست و شیخ مفید رحمه الله روایت
کرده بسند خود از حضرت باقر که خدا عز و جل آن است که چون خدا بتعالی خواهد که روح فاجر را قبض کند
امر میفرماید ملک الموت را که برو با اعوان خود بسوی دشمن من که انعام کردم بر او انواع نعمتهای خود و دعوت
نمودم او را بسوی دار السلام که بهشت است و او نخواست و کفران نعمت من کرد روح پلیدش را گرفته در جهنم
انداز پس ملک الموت آید با روی ترش عبوس چون شب تار و نفسش چون زبانه‌های آتش با دو دیده مانند
برق درخشنده و صدای مانند رعد دهشت شکننده سرش در آسمان و پاها در هوا یکی در مشرق و یکی در مغرب
یکف که شعله‌ها از آن باشد با پانصد ملک با تازیانه‌های مشتعل و با لباسی سیاه و اخگری از جهنم بر دل
باشند پس بسقط که از خازنان جهنم است بر او زند شربتی از جهنم در کام او بریزد که پیوسته تشنه باشد
تا داخل دوزخ شود پس چون نظر آن بی‌سعادت بر ملک الموت افتد دیده‌اش بازمانده عقلش پرواز کند
و استغاثه نماید که مرا بدنیا برگردانید جواب بشنود که کلا انها کلمة هو قائلها این نخواهد شد پس فرزندان
صیحه زد او دختران جزع کنند از عقب پاهای او و چون روح او بزانوهای او برسد گفتن نتواند چیزی امر کند

# کیفیت قبض روح اهل فسق و فجور

گران تا از پا در آتش پا در او ابر او فرود آورند پس سکرات و شدتهای موت را باو چشانند که گویا
هزار شمشیر بر او میزنند و جان را بسختی بکشند مانند سیخ پر شعبه از نمد تر بیرون آن سیخ را در بدن او
بگردانند که شبه جان او را از جمیع رگها و بندها و اعضاها در آورند و چون جان بگلوی او برسد
ملائکه تازیانه بر رو و پشت او زنند و گویند بعنف که بیرون کن جان خود را چنانکه در قرآنست و لو ترى
اذ الظالمون فی غمرات الموت والملائکة باسطوا ایدیهم اخرجوا انفسکم الیوم تجزون عذاب الهون بما کنتم
تقولون علی الله غیر الحق وکنتم عن آیاته تستکبرون پس کرامت یعنی ستمکاران بر خود را بگوی در سکرات و
ملائکه دستها کشیده بقبض ارواح ایشان و گویند بیرون کنید جانهای خود را که امروز جزا داده میشوید بشما
عذاب خواری و مذلت بسبب آنکه میگفتید بر خدا غیر حق و تکبر میکردید از قبول کردن آیات خدا و چون
روحش را در او دمند بدستی را ایشان مطرقه بسیار در هم شکنند از سر انگشتان تا دیدهای او و نیز گویند
بر اینکه تمام اهل آسمانها و زمینها متاذی شوند و خدا و جمیع لعنت کنندگان بر او لعنت کنند چون روح او را
باسمان برند درهای آسمان را بر او بر بندند چنانکه در قرآنست لا تفتح لهم ابواب السماء پس ندا رسد که برگردانید
این روح پلید را در زمین که ایشان را از زمین آفریدم و باز بر میگردانم بزمین و بیرون می آورم باز دیگر چون او را
در تابوت گذارند شیاطین جنازه او را بر دارند و چون نزدیک قبرش رسانند بقعهای زمین بفریاد آیند
بجلال استغاثه نمایند از آن که در کوه آن که مقرر است دفن کنند زمین او را خطاب کند لا مرحبا بک خوش نیامدی
ای دشمن خدا و بر پشت من که راه میرفتی ترا دشمن میداشتم امروز که در شکم من آمدی ترا بیشتر دشمن میدارم
بعزت پروردگار که بر تو [illegible] و بر تو تنگ [illegible] گردانم و گور او از جهنم پس منکر و نکیر در آیند
با رویهای سیاه و چشمهای کبود و صداها مانند رعد و چون برق لامع شکافند بدندانهای خود قبر او را
و [illegible] و با او دو عصا از آتش بر او زنند که جانش بحیره آمده و بپرسند از خدا و دین و
پیغمبر و امام گوید نمیدانم گویند ندانستی [illegible] شک داری [illegible] و هدایت نیابی آنگاه
گرزی بر او زنند که بغیر از جن و انس [illegible] مشرق و مغرب [illegible] بشنوند [illegible]
کنند [illegible] بسبب [illegible]
بلرزد از [illegible] پس ملائکه گویند [illegible] تا او را عذاب کنند
و پیوسته گرزهای آهنین بر او بزنند تا روز قیامت [illegible] چنانکه از او مذکور

# روایتیکه در بیان احتضار و زیارت ملک الموت است در وقت احتضار او

خواهد شد و منقولست از حضرت ابرهیم خلیل که بملک الموت فرمودند که صورتی خود را بمن بنما که قبض
روح مؤمن میبنمائی بمن نمای گفت بلی روی خود را بگردان پس چون دید بخوش صورتی و جامه و شمایل
روی خوش فرمود که گفت اگر بیند مومن حسن و جمال ترا بس است او را پس خواهش کرد دیدن صورتی که بدان
قبض روح میکند گفت تاب دیدن آن نداری فرمود دارم گفت پس روی بگردان پس نظر کرد مردی دید سیاه
موهای استاده در نهایت بد بوی با جامهای سیاه و از دهان و از سوراخهای بینی اش دود
بیرون می آید حضرت بیهوش شد چون بهوش آمد ملک الموت بصورت اول برگشته بود فرمود که اگر فاجر
نه بیند ترا باین صورت کافیست برای عذاب او و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام میفرماید که چون آدمی
روز آخر دنیا و اول آخرت میرسد متمثل میشود برو مال و اولاد و اهل او و بمال میکند که والله من
حریص بودم بر جمع کردن تو و بخیل بودم در صرف کردن تو الحال از برای چه مطلبی میگوید جواب میدهد که کفن
خود را از من بگیر پس بفرزندان التفات کند و گوید والله که شما را دنیا دوست میداشتم و حمایت میکردم
امروز برای من چه دارید گویند تا ترا بقبر برسانیم پس بعمل خود او رو گوید والله که خواهان تو نبودم و در
من گران بودی اکنون چه داری میگوید که قرین توام در قبر و حشر تا من و ترا بر خدا عرض کنند پس اگر دوست خدا
باشد بنزد او آید شخصی که هر کس خوش روتر و خوشبوتر با جامهای فاخر و گوید بشارت باد ترا بنسیم و گلهای
بهشت و نعیم آن بخوش آمدی گوید تو کیستی جواب دهد که من عمل صالح توام و بیرون از دنیا روی جای
تو در بهشت است و چون مرد غسل دهند او را میشناسد و قسم میدهد بر دارندهٔ جنازه اش که مرا زود
برید پس در قبر دو ملک میآیند که موهای خود را بر زمین میکشند و بپا زمین را میشکافند و صداها مانند
رعد بلند و چشمها مثل برق بسیار درخشنده سؤال از خدا و پیغمبر و امام چون جواب گفت گویند
ثابت بدار ترا خدا و ایمن میخواهد پس قبرش را فراخ کنند تا چشم کار کند و دری از بهشت بقبرش کشایند و گویند
بخواب با فرح و شادی و زلفت پس اگر دشمن خدا باشد شخصی نزد او آید بد نهایت زشت و بد بو و گوید
بشارت باد ترا بجهنم و غسل دهنده اش را میشناسد و قسم میدهد حاملان که او را زود بر دارند و
ابرند پس چون داخل قبرش کنند دو ملک آمده از خدا و پیغمبر و امام و دین او پرسند گوید نمیدانم
گویند هرگز ندانی و هدایت نیابی پس گرز بر او میزنند که هیچ جانوری نیست که صدای او را
نشنود و نترسد مگر جن و انس پس دری از جهنم بقبرش کشایند و گویند بخواب ببدترین حالی و قبر چنان تنگ شود و

# در بیان پاره‌ای از حالات میت در قبر

دهد که معصیتش از ناخن پا تا پیش سر او بیرون آید و بر او مسلط گردانند مارها و عقربها و حشرات زمین را که تا روز قیامت او را گزند و از شدت آن روزی قیامت کنند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که بعضی از اصحاب فرمودند که چگونه خواهی بود وقتی که در زمینی بقدر چهار ذراع باشی و دو ملک بیایند بنزد تو که صدای ایشان مانند رعد عاصف و چشمهای ایشان مانند برق خاطف باشد و موهای خود را بر زمین کشند و بدندانهای خود زمین را بشکافند پس سؤال نمایند از تو پرسید که من در آن وقت بر این حال خواهم بود یعنی در هوش و معرفت و اعتقاد و سداد فرمود بلی گفت پس کفایت ایشان خواهم کرد و فرمود و بروایت حضرت امام محمد باقر که چون در قبر شیعه ما می‌کنند اعمال خود را می‌شنوید شکایت می‌کنند برادران و شیعیان ما از شیطان جن و انس که بسبب ایشان مبتلا گشته‌اند و دوستان که با ایشان بودند بستم امر خدا من برای ایشان از فرزندان که برای ایشان خود اختیار کردم مالم را خوردند و مرا واگذاشتند از مالی که بخل کردم و حقوق خدا و آن را ندادم از آنچه برای خود را صرف کردم و تمتع نمودم دیگران نشستند از نسبا مانند که به سبب آن فریاد می‌کنند من خانه‌ام که در آن کرم می‌باشد و خانه ظلمت و وحشت و تنگی با منتو بهتر و شما دیگر می‌بینید از آنچه من مبتلا شده‌ام که مرا بشارت داده‌اند بر آتش و عذاب بر ... ظاهر خدا و دوستان و چه ... که پیش آورم ... ترسی کاش مرا ... بدنها تا ... حضرت امام محمد باقر علیه السلام که احادیث ذکر فرمودند که ... و آن جنازه ... بقبرستان ... و بهشت ... شد بعد از آن فرمود ای برادران برای مثل امروز مستعد شوید ... یا فتی ... باید کرد ... خود را در بهشت ... و با مضمون اخبار ... معتبر ... و از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام منقول است که حرام است بر ... مفارقت کند تا ببیند محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین صلوات الله علیهم اجمعین ... حدیث نبوی صلی الله علیه و آله ... قیامت ... ببینند ... و بروایتی فرمود که ... مگر کنند ...

# در بیان تلخی جان کندن

خوار کند خدا دنیا را بصورت عجوزه و گوید که ای عاصی شرمنده نمیشوی تو گناه کردی و منع نکردی
نفس خود را از معاصی تو طلب من کردی من طلب تو کم نکردم که مفارقت نخواهی کرد از دنیا پس بجهنم تو که
من بیزارم از تو و عمل تو بیزارم الکوید با عاصی کسب کردی مرا بغیر حق و تصدق نکردی بر فقرا مرا و ندادی ام
بدهند پکر حقی مانند اهل دوزخ با ابلیس چنانکه برای تنبیه و تحسر در قرآن مسطور است از این مقوله است
بدانکه شدت سکرات موت برای غیر مؤمن از صنایع دنیا عظیم و الیم خواهد بود حتی نسبت ببعضی مثل شده است
اره کشیدن و بمقراض بریدن و بسنگ کوبیدن و گردانیدن سنگ آسیا در حدقه و در رفتن از سوراخ
سوزن و پوست کندن واقع ولیکن برای شیعه عاصی مثل کفار نیست بلکه بقدر شدت معصیت شدت
میکشد برای تطهیر گناهان و هر گاهی توبه بجبر مظالم و مصائب دنیا پاک نشده باشد و بحدیث صحیح حضرت
صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه وآله از جناب اقدس الهی که فرموده که هیچ بنده نیست که
خواهم او را به بهشت برم مگر آنکه او را مبتلا سازم در دنیا بدرد و آنکه کفاره گناهانش نشد مسلط کنم باو سلطانی
یعنی دفع شر او نکنم اگر بآن کفاره گناهانش نشد روزیش را تنگ کنم و اگر پاک نشد سخت کنم براو وقت مرگ را تا بیاید
بی گناه ایمن از عذاب ببهشت برم او را و هیچ بنده نیست که خواهم او را داخل آتش کنم مگر آنکه تندرست کنم او را اگر
از طلبش باقی ماند وسعت دهم تا باشد تخفیف جان کندن آسان و از جناب حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
علیه منقولست که عاصی نیست از شیعه ما مگر آنکه پیش از مرگ پاک شود از گناهان ببلائی در دنیا اگر چه بفرزند باشد و اگر
پس اگر بماند چیزی بر او شدید شود و از حضرت باقر علیه السلام منقولست که جوانان چند از بنی
اسرائیل در سیاحت بقبرستانی رسیدند برای اطلاع شان از موت دعا کردند که صاحب قبر زنده شود
زنده شد سر از قبر بیرون آورد و موی سفید خاک از سرش فرو میریخت پرسیدند دید که یا ذکر ببینید
اسما ابو سعید که چرا بر قبر ما ایستاده اید بعد دعا کشید گفت نود و نه سالست که در اینجا خوابیدم و هنوز
الم فهم موت از من برطرف نشده و تلخی جان کندن از گلویم بیرون نرفته است و چون حال ما مؤمن
بخروج شدم و خاکها و ریزه‌های بدنم جمع شد و با این سرعت بیرون آمدم از هول تو هم روز قیامت موی
سر و ریشم سفید شد و از کلام قدسی است که کسی که یقین بمرگ دارد بخندد و در بعضی از روایات چنین آمده است
فرموده که عجب دارم بکسی که یقین دارد بمرگ چگونه شادی کند و کسی که میداند که خدا بر او مطلع است
چگونه معصیت میکند کسی که میداند خواهد مرد و داخل قبر میشود و تنها میماند کشیده خواهد شد چگونه نمی

# گفتگو کردن سلمان با یکی از اهل قبور

میکردیم که هیچیک از ما نتوانیم باو سخن توانند کرد بلکه باید بخدا ایمان و عمل صالح داشته باشد
و ذکر خدا گویان باشد که در همه جا همراه او و همدم او و حاضر و ناصر باشد و خصوص سلمان که ستوده
رسول خدا صلی الله علیه و آله بود پس مرده متکلم شد و از احوال او پرسید و خبر داد گفت ای سلمان حکایت کردن مرا
بر من بیک بارها آسان تر است بر من از یک غصه از غصه‌های مرگ و من از اهل خیر و عبادت بودم شخصی بزرگ جثه
مهیب منظر میان آسمان و زمین پس اشاره کرد بچشم و گوش و زبان من که کور و کر و گنگ شدم و در اینحال اهل
من گریستند و جمع خویشان شدند پس گفتم که تو کیستی که مرا مشغول ساختی از اهل و مال خود گفت من ملک الموتم
آمده‌ام جان ترا بگیرم و نقل دهم ترا از دنیا بآخرت که اجلت بسر آمده در این حال دو شخص نیکوترین صورتها آمده یکی
از جانب راست و یکی از جانب چپ نشستند بر من سلام کردند گفتند که نامه عمل ترا آورده‌ایم ببین ما آن دو ملکیم
که در دنیا با تو میبودیم یکی حسنات مینوشت و یکی سیئات مینوشت پس دیدم کتاب حسنات خود خوشحال شدم و
دیدم کتاب سیئات را گریان شدم پس ملک الموت گفت بشارت باد ترا که از اهل خیری نزدیک من آمد و کشید
روح مرا پس هر جذبه بجای هر شد چنانکه از آسمان بر زمین رسید پس همیشه باین منوال میبود و جذب
روح میشد تا رسید بسینه من و بعد از آن یک جذبه کرد که اگر بر کوهها گذاشته شود البته گداخته شود
قبض روح من کرد از تن بیرون چون بلند شد بسوی اهل من پس التفات شد بجسم و گفت ایها الناس
چیست که بر شما والله که ظلمی نکردم براو و کرم کردید نه حقی که شکوه کنید عجز از نیست که ما و شما هر دو بنده
پروردگاریم که اگر بشما امر میفرمود البته امتثال میکردید [illegible] صبر کنید اجر یابید اگر جزع کنید گناه دارید
و چه بازگشتها که بسوی شما دارم برای بردن پسران و دختران و پدران و مادران پس برگشت با روح من ملک
[illegible] روح [illegible] سؤال [illegible]
پروردگار پرسید از گناه [illegible] نماز و روزه و حج و زکوة [illegible] و تلاوت و عبادت
[illegible]
باذن خدا [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

## در مکالمه یکی از اهل قبور با سلمان

و چون در پیش روی من میرفت و میگفت ای اهل و اولاد من باز و بند هر شما را دنیا مثل من که میبینید این
اموالی که من جمع کرده بودم از حرام و حلال واگذاشتم و هیچکس از چیزیکه می بینید در آن مرا یاد کرده برسان
و روح میان در و کفن من بود چون نزدیک قبر رسیدم هول عظیمی مشاهده کردم یا سلمان بدانکه چون
گذاشته شدم خیال آنکه از آسمان بزمین افتادم و بر من خشت چیدند و خاک ریختند بر من عظیم بود
ندای مراجعت آمد و چون من بسوی من برگشت و مرا پشیمانی گرفت و حسرت بیکران دیدم و گفتم ای کاش از آنها
بودم که برگشتند پس از گوشه قبر قائلی در جواب این آیه را خواند کلا انها کلمة هو قائلها و من ورائهم برزخ
الی یوم یبعثون در جواب جمعی که بی تدارک از دنیا رفته اند از مشاهده عقوبت انتقام الهی در روز و استدعا
رجوع کنند خدا میفرماید ممکن نیست رجوع این جواب نیست کما میگویید تا بروز رجوع عهد من وقوع
ندارد روا زیپر ایشان برزخیست تا روز یکه محشور شوند گفتم تو کیستی گفت که من از خدا موکل داشته برای آگاه
کردن خلق که دارشان تا بنویسد همه را از برای خدای عز و جل پس کشید مرا و نشاند گفتم نمیتوانم شمرد گفت
نشنیده قول خدای خود را که احصیه الله و نسوه یعنی شمرده و ضبط نموده آن را خدا و خود فراموش کرده اید
بنویس من املا میکنم گفتم کاغذ ندارم گفت بگیر پاره از کفن خود را پس آن کاغذ و رقی شد گفتم
قلم گفت انگشت شهادت گفتم مرکب گفت آب دهن پس املا کرد بر من آنچه را که گفته بودم و کرده
بودم در دنیا چنانکه در قرآنست یقولون یا ویلتنا مال هذا الکتاب لا یغادر صغیرة و لا کبیرة الا احصیها
و وجدوا ما عملوا حاضرا و لا یظلم ربک احدا یعنی خواهند گفت کافران وقتی که نامه عمل خود را به
بینند که وای برما چیست این نامه را که فرو نگذاشته هیچ عمل کوچک و بزرگ را مگر شمرده و بیابند هر
چه عمل کرده بود نزد حاضر و ظلم نمیکند پروردگار تو هیچکس را پس گرفت کتاب را و مهر کرده بمن داد و بر من
طوق ساخت پس خیال کردم که کوهها را بر گردن من انداخت گفتم یا منکر چرا چنین کردی گفت مگر نشنیده
قول حق تعالی که و کل انسان الزمناه طائره فی عنقه و نخرج له یوم القیمة کتابا یلقیه منشورا یعنی هرکس را لازم کردانیدیم
در گردن نقش نامه عملش را که روز قیامت بیرون و بدست او است بالجمله اینک بیرون خواهیم آورد برای هرکس در روز قیامت
کتابی که ببیند آنرا باز کرده شده پس باز کتاب مخاطب کرده می شود بنده در قیامت می گویند ترا و اینجا برابر هر
چشمت نشر کرده شده و با و شاهد بس است نفس خود پس رفت و من ماندم گریان بر خود از حسرت دنیا که کاش عمل
خیر و نیکی بر من نوشته بودند ناگاه دو ملک منکر با کمال عظمت و هیبت منظر و با نهایت حشمت بهیئت مانند

کوه بزرگی با عمودی از آهن که همهٔ جن و انس جمع شوند نتوانستند جنبانند پس بقدری بلند کرده مرا جمیع و فزع انگیزند کردند
دیدند مرا و بروایتی پیش رو ایشان ایستاده و چشمهٔ بر من زدند که گوئی شنیدند اهل دنیا میشنیدند و گفتند ای بنده خدا
خبر ده مرا که کیست پروردگار تو و کیست پیغمبر تو و کیست امام تو و چیست دین تو و بروایتی عمل تو و
حال اعتقاد و با بوجه کار تو که دو خانهٔ دنیا پس با هم بندا مدّ از ترس و حیرت ماندم که چگونه و بمانند بر جنبشی
نکرا نکه مفارقت کردم از فزع انکار ایشان پس مراد حمتی از حق تعالی دل مرا آگاه داشت و پشتم قوی شد و
هوشم برگشت و زبانم گویا شد گفتم مبدانم که الله تعالی پروردگار من است و محمد مصطفی صلّی پیغمبر من و اسلام دین من و
قرآن کتاب من و کعبه قبلهٔ من و علی ابن ابیطالب امام من و ائمهٔ طاهرین پیشوایان من و مؤمنان برادران من و جمیع
آنچه رسول خدا صلّی خبر داده تمام حق است و قیامت خواهد آمد و خداوند عالم مردگان را بیرون خواهد آورد و هر که را که در قبرها است
گفت نجات یافتی حالا الاسلام بشارت باد ترا بسلامتی و رفتند پس آمد منکر و او از اول شدیدتر بود و زجر از شدم و بلطف
خدا که الهام حجت من بود جواب با صواب گفتم گفت بشارت باد ترا بهشت و بکر و خوابی با بسیار گفت بخواب راحت
بمثل داماد پس گشوده شد از بالای سر من دری از بهشت و از پائین پای من دری از جهنم پس گفت نجات یافتی که نعمت
پروردگار خود و پیغمبر خود و امامان خود بشناختی پس درآئی در و داخل شد از در بهشت نسیم نعیم پس
چراغی از رحمت حق بر من روشن تر از آفتاب پر و بر روضه ایشان احوال من و بشهادت مطلب خدا را که بدرستی که
تلخی مرگ در کام من از تلخی استسقا بیشتر پس از آن سؤال کنند و فتنهٔ قبر را که اطلاع یافتی و اینهم ذکر کردم
با صالح مؤمن بود اما غیر صالح پس در جواب منکر از ترس او میگوید تو خود پروردگار من کیستی که چه
گفتی آیا دشمن خدا و رسول پس بزند ضربتی که حیا شود از هم اعضای او پس نکیر هم ضربتی بزند که برسد
تا بطبقهٔ هفتم زمین و با کفار در آتش دوزخ باشد نعوذ بالله من النار و من عمل الفجار و در حدیث نبوی صلّی
الله علیه و آله ملکی که داخل شوند بقبر پیش از منکر و نکیر و رومان است که میتی خشنود دو رو مثل آفتاب
میت و اینشانند و میگوید بنویس آنچه کرده پس چون برسد به بسیار او از شرمندگی حیا میکند که بنویسد
پس رومان گوید که آنچه کاتب اعمال نگرد بر تو از دنیا و در این وقت از من حیا میکنی پس بروایتی بزند یا نیز
مطرقه و حربه خود و چون تمام شد بلفشش بر هم نوشته و بکرد نش می اندازد البنت قول خدای تعالی و کل انسان
الزمناه طائره فی عنقه الی آخره پس هر کسی بود نامهٔ اعمالی که در صحرای محشر بدهند راست و چپ میدهند
و امر بخواندن آن میکنند همین باشد الله تعالی و حضرت امام محمد باقر علیه السلام میفرمایند از جناب پیغمبر صلی الله علیه و آله و

# در [illegible]

که پیش از نبوت گوسفندان را میچرانیدم و هیچ پیغمبری مبعوث نگردید مگر که گوسفند چرانید پس [illegible]
از چرا باز میماندند تا آنکه از جبرئیل پرسیدم گفت کافر را در قبر ضربتی میزنند که غیر از جن و انس که مکلف اند
همه خلق میشنوند و میترسند و قیس بن عاصم از حضرت رسول التماس کرد که ما را موعظه کن که در بیابانها میباشیم
حضرت فرمود ای قیس با هر عزتی ذلتی است و با هر زندگی مرگی و با دنیا آخرتی و با هر چیز حساب
کننده و گواهی و هر حسنه را ثوابی و هر گناهی را عقابی و هر اجلی را قدری است و بدانکه البته قرینی خواهد
بود که با تو دفن میشود و زنده است و تو مرده باشی و آن عمل تست پس اگر کریم و نیکو است ترا گرامی دارد و اگر
لئیم و بد است ترا خواهد گذاشت و بدانکه آن محشور میشود با تو و از تو سؤال خواهند کرد پس مگردان قرین خود را
مگر عمل صالح که تا انس یابی با آن باشی و اگر صالح نباشد وحشت نداری مگر از آن و در روایتی معتبر وارد
است که هیچ بنده مسلمانی نیست که بگذرد بمقبره از مقابر مسلمانان مگر آنکه اهل قبور با او گویند که ای غافل اگر میدانستی
آنچه ما میدانیم [illegible] گوشت بر جسد و از حضرت صادق منقولست که قبر هر روز ندا میکند منم
خانه غربت منم خانه تنهایی و وحشت منم خانه تاریکی و ظلمت منم خانه خاک و منم خانه کرم و منم قبر
که باغی از باغهای بهشتم و گودالی از گودالهای جهنم و در روایتی باز وارد است [illegible] مهیا کرده
از بعضی روایات حضرت رسول [illegible] عادت من بود [illegible]
پس خوابید بر پشت و سر مبارک خود را در دامن گذاشت [illegible] محاسن شریف را [illegible]
پس فکر کردم [illegible] رحمت خدا از دنیا پس گریستم و قطره از اشکم بر رخساره مبارکش چکید
بیدار شد [illegible] عرض کردم فرمود کدام حال [illegible] گفتم یا رسول الله بفرما
پس فرمود [illegible] و بجا ماندن تنها در تنگی و وحشت قبر [illegible]
است که وقتی که از خانه اش بیرون [illegible] و فریاد کنند [illegible] اهل و عیالش فرمود [illegible] لیکن
این شدیدتر است پس فرمود [illegible] لباسش را بکنند [illegible]
[illegible] اگر همه خلایق بشنوند بجز جن و انس [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

که اولاد و اطفال خود را وا گذاشتم پس با ایشان احسان کنید چون این پیغام را بشنوم حال ایشان را ایشان تقدیم
نمیکنند که فلان بیع میکنند کهنه متاع خانه ما را بفروشند و پس هر شنوند که برای یاران فریب میدهند شمار دنیا
بشما من چنانکه مغرور شده بودند بزرگی دعوت بکنید از من که آنچه گذاشتم همه را جمع کرده بودم برای و بعد از شما داد
که هیچ گناهی از من محمل نشود چون نوبت قبر رسد گویند که بلاد ... بستم که از فنای خود هیچ نگذاشت
در قبر یکی میشناختیم همین قدر دیدم که فراموشم میکنند از دعا و صدقه و احسان و نیکی و نصیحت بکوفتی و کرفتن سر بد
از بهشت بکنید در وقت روح او که پیر و زن کاو امر خصّ کرد و اندر خشید خود را بر سبیل قبض یافته میشود میگویند و نظر میفرماید
بر سبیل خود در حالی که از آب ملح او از دو منخر بیرون میآید و از دهان و گوش و سیلان نموده باشد پس میگوید دنیا
و میگوید برای یک پیاده جو را در خواطر داری ایام ... دنیا را بشنو از من و حسرت بلا و پوسیدن جهای ... آنچه
و ... بیست ... او و بعد از بیست و پنج ... نموده بدین بد یک بدن میآید ناگاه میبیند که چشم و زرد با دنیا ... و
دهان و گوشهای او سرگرده و سیلان نموده پس میگوید برادر کرده چنین شد یک و گویا و حسرت بیچاره من با
هیچ یاد میکنی زنده گاه زنده با دنیا دنیا را میگوید بجز ابرمنزل حسرت و شد ترا اکر تا در گور برای بیچاره پس فرمی بعد
از هفت روز دیگر اوان با قسم که جسد خود را میبیند ناگاه مشاهده کند که سیلاب خون و چرک از دماغ و
دهان و گوشها روان و کرم افتاده پس میگوید به روز آری هر چند تمام تو را کوید که این منزل جای حسرت و عقوبتها
و غرور دنیا گوشت ترا از هم دریدند پوست تو را اعضای ترا ... روان و ایام حیات خود ... اهل بیت
و دوستان خود را اکر بم خواری با فلان عشق تو با کوریم برای تو هیچ کردند هم ... که همه بخاطر و فغا
بودند ... برای خود ... دیگر در اوقات استنباط مسائلی شد ... اسستی در عبادت و ریاضت فرونگذار
در آن شده الهی ... حال ... متنکر میشدند و در عبادت ... میشتر بعد
از طلب مهلت از قبر بر ... عبادت خود بر میگشتند و حضرت صادق ... که میان دنیا و آخرت هزار عقبه
است که سهل ترین آنها مرگست ... از ابو بصیر که ... مثال ... که بگوید بلی والله فرمود
... یاد کن مرگ ... خود را در قبر و بعثت و عقوبات خود را بر ... بعد از آن خود را ... شدن
بندها و خون ... و گوشت ترا و پوست ... منقطع شدن ... دنیا ... بحقیقت که ... عمل و ... دنیا
و ... اکبر ... که جنازه بر ... چنان باشد که گویا در ... جنازه و از ... که تو ... بدنیا برگردانند
تا ... شما ... قبول کرده و برگردانید ... خواهی کرد حالا ... خیال کن

## در مکان روح بعد از سؤال قبر

نداشته خود ظاهر شود بعد از آن عجب دارم از مردم که چرا ایشان را میبرند و میگریند و نمیدانند که روح باقی مانده است و این
ایشان فردند که می‌باید رفت و باز مشغول بلهو و لعب اند صورة گفتگوی بلکه جناب امام علیه السلام تعجب میفرماید
از لهو و لعب بیرون و بر حال غافلی که مشغول معصیتها باشد و ظلم بر خود و بندگان نماید و حلال حقوق مردم و
سادات و فقرا تصرف می‌نماید و بدحال بدبخت جاهلی که به بطالت و ترک تحصیل معرفت و مسائل دین خود که
امر اعظم واجبات است سرمایه عمر عزیز خود را که بهای آن سعادت سرمدی و درجات عالیه ابدی را
خود تحصیل می‌توانند کرد صرف اسباب شقاوت ابدی و درکات و عقوبات دوزخ و حسرت دائمی میکنند حمد او روند
مهر الله بر آن که این معنی بیان کنند بدانکه اجماع امت و آیات و احادیث زنده شدن در قبر و فشار و
سؤال ملائکه و عقوبات بعضی از آن حق است و هر که انکار کند کافر است و عدم احساس ما باحوال قبر و
مانند عدم احساس ما است بعد از آنکه محتاج است که چرا آن اشیاء در حال خواب است که غیر صحیح الحیوة ادراک دنیا احساس احوال
انعام بهشت و مثل نزول ملائکه و عقوبات هم مانند که میت در قبر تمام آن و روح را بین بدن بر میگرداند
و بحدیث حضرت صادق علیه السلام بعد از طی سؤال و جواب ارواح مؤمنان خالص ببدنهای مثالی
که شبیه است ماننده بدنهای جسمانی است در قالب نورانی که برزخ میان کثافت جسمانی و لطافت روحانی است
متعلق و متنعم می‌باشند هر شام از قبرهای خود بیرون می‌آیند بسوی بهشت دنیا که در مغرب است سیر و تعیش
میکنند و از میوه‌های آن میخورند و چون صبح شود در هوا طیران میکنند و در هر جا که خواهند نشستن می‌آیند
و بسر قبرهای خود می‌آیند و زیارت کنند کسان خود مطلع می‌شوند و در وادی السلام یعنی نجف اشرف
که بقعه از بهشت و جنات عدن است حلقه حلقه نشسته و با یکدیگر ملاقات و آشنایی می‌نمایند و چون تازه
بر ایشان کسی می‌آید می‌گویند که ساعتی او را مهلت دهید که از هولهای عظیم رها شده بعد از آن می‌پرسند از
یاران خود پس اگر گفتند امید میدارند که شاید بر ایشان در آید و اگر مرده باشند گویند هوی هوی
بزیر رفته بجهنم واصل شده و بحدیثی دیگر ارواح مؤمنان در حجره‌های بهشت و از طعام و شراب
میخورند و میگویند خداوندا قیامت را برای ما بر پا کن و آنچه با کرامت و وعده فرمودی بکرامت فرمای و
سؤالی که مانده‌اند بما ملحق گردان و اخبار در این باب بسیار است و ارواح اشقیا و بدکاران در بدنهای
مثالی در حسرت و ندامت و تاسف می‌باشند و به بهادوز دوزخ دنیا که در مشرق است در عذاب اند و چون
صبح می‌شود ایشان را بوادی برهوت که در یمن است میبرند و بهمان گشته بدتر از آتش و باز شبها

بکوابند

# در بیان اعمالی که باعث آسانی قبض روح

میکنند تا آنکه بسوی آتش روند و در این حالت تا هنگام قیامت و آن هنگام اعظم پر حسرت و وحشت و ندامت
که باصل جزای اعمال خود برسند و اکثر خلق که در ایمان و شقاوت خالص نیستند متعرض احوال ایشان نمیشوند
و بعد چنانچه حدیث صحیح سوال هم میکنند تا روز قیامت که بجزای ایشان برسند و مرتبه ثواب و عقاب هر یک را
معین نمایند و در بعضی احادیث هست که بقیه تمام شیعیان ما هم در عالم برزخ است که در بسیار اهوال عظیم [illegible]
تا وقتی که روز قیامت بخدمت ما برسید و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام میفرماید که مؤمن کنه کار [illegible]
مهموم و محزون شد تا خدای عزوجل او را با دشمنان ما مساوی نخواهد کرد و بیرون خواهد آورد ایشان را از آتش دوزخ
پس طاعت کنید تا عمل نما شد و خود طرحیم مباشید با ایمان تنها و شفاعت جهت که مینماید که بعد عقوبت عذاب
پس بدرستی که از صبر نترسید و کنه کاران میباشید بشفاعت ما مگر بعد از عذاب الهی بیصد سال و هر
بیصد هزار سال در باب کنه کاران مسلمانان که پاک نشده اند و بدون توبه و حسنات و نرسید بلا الام
و نرسید سکرات موت و نرد رتنگی و شدت و وحشت ظلمت قبر و عالم برزخ و نرسید عقبات عقوبات قیامت
احادیث بسیار است که چون قابل شفاعت و لایق رحمت نخواهند بود مگر بعد از تطهیر کرباتش جهنم بیرون
امیر داخل بهشت خواهند شد هرگاه از کثرت شومی معاصی ایمان او سلب نشده باشد چنانکه در این دوازدهم
خواهد آمد انشاء الله تعالی و بعضی [illegible] نیز ذکر بعضی اعمال صالحه که تقدیم اینها در این ایام فرصت باعث نجات و خلاص
از شدت سکرات و [illegible] میکرد و در بیان تکر اصل کلی در باب رستگاری و نجات کامل و ایمنی از جمیع شدائد
و اهوال تا داخل بهشت شدن تحصیل ایمان خالص و متابعت امر الهی و تقوی از کل معاصی و مناهی است چنانکه
در قرآن میفرماید که ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا فلا خوف علیهم ولا هم یحزنون یعنی بتحقیق که آنها
که میگویند پروردگار ما الله است یعنی ایمان بخدا تعالی دارند پس مستقیم و ثابت باشند بر لوازم این قول
با طاعت پروردگار اند تا آنکه قول خود را نکو بند و عمل بدان نمایند نیست ترسی بر ایشان و نیز هی ان المتقین فی
مقام امین الا ان اولیاء الله لا خوف علیهم ولا هم یحزنون فمن اتبع هدای فلا خوف علیهم ولا هم یحزنون یعنی هر که ار
و دوستان خدا او هر که تابع هدایت الهی باشد که هیچ بیمی و ترسی و الم نخواهد بود و آیات با این معنی
بسیار است در قرآن حق تعالی سوکند یاد کرده و فرموده که همه مردم در زیانکاری و خسرانند مگر جمعی که جامع
چند خصلت باشند اول ایمان دوم عمل صالح سیم وصیت و معاونت با یکدیگر با حق [illegible] تقوا است
حق و صبر یعنی بر عبادت و از معصیت و در مصیبت و ایمان عبارت است از کسب معرفت و اذعان

 

بخدا او بخند فرموده بجو یکه در بین پنجم مذکور وعده شود هر چند شنید عوام باشند از علما که بعلت
تامل فهم اعتقاد ثابت بهم رسانند و خدا لمرحوم ایمان که جز علت نجاست است تر لجمیع معاصی میشود که
دو هر پاکیزه ایمان را بکثافات سیئات ملوث نگردانی و بعد از کسب ایمان خالص هر که زیاد خوف تعالی بدلها
عزت و امنیت و راحت تو نخواهد بود دیگر [illegible] عبادت و فکر و ذکر [illegible] باطن و تهذیب
اخلاق درجات بهشت و قرب الهی را بهم رسانند [illegible] ملک الموت جای مؤمن مطیع [illegible]
بهشت و مثل کند [illegible] های پرچرک و کثافت و [illegible] های سنگین [illegible] و شید [illegible]
ترین [illegible] بخوش ترین بوییها و رکوب بخوش ترین مرکبها و [illegible] بخوش ترین منزلها و [illegible] معتبره
بهم رساند که بشیعیان بگو که مشقت شما همین در دنیا است تا هنگامی که جان شما باین جا رسد و
اشاره بگلوی مبارک فرمودند که آنوقت اول راحت و لذت و روشنی چشم شما خواهد بود و حضرت امام
زین العابدین علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله ذکر فرمود که اگر مؤمن مثل گناهان اهل زمین
باشد که بکفاره آنها مرگ کافیست و حضرت صادق علیه السلام در تفسیر فلولا اذا بلغت الحلقوم میفرماید که در
انحال مؤمن را در بهشت جای او را باو می نمایند و بگویند که [illegible] باخبر در هم اهل خود را بجز می بینم
کشند شود که هیچ راهی بسوی برگشتن نیست و ملک الموت چون به پیش مؤمن آید و او کرب و جزع نماید
گوید که ای دوست خدا بیتابی مکن بحق آنخدائیکه محمد صلی الله علیه و آله و سلم را فرستاده که مهربان
ترم بتو از پدر و مادر تو چشم بگشا و ببین پس ممثل شوند برای او چهار ده معصوم عم آنگاه گوید که رفیق
ایشان خواهی بود پس بیت را او شناسانده بگردد بعید منادی الهی را که میگوید یا ایها النفس المطمئنه
ارجعی الی ربک راضیة مرضیة الخ پس مؤمن را هیچ چیز محبوب تر از قبض روح نیست که در رحمت حق داخل باشد
بهشت در و بجای خود نشیند و گاه گاه چشم او کار کند ملائکه بایشان بشارت دهند که بهشت آنگاه گویند
که ارجعی یا ایها النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیة مرضیة پس حق تعالی میفرماید که فادخلی فی عبادی اد
خلی جنتی پس بکمال نشاط و خوشحالی بر فرن روند و با اهل هر آسمانی که بر سند او را تهنیت کنند و گویند
که چه خوش بوی است بوی تو و چه دنیا که عبث بپرور دگار تو و حق تبست عمل تو با شما هم لیس
ملائکه سفره بنویسند کتاب اعمال او را در علیین و بر کرد آنند او را آنچه [illegible] است معنی قول حق تعالی
که ان کتاب الابرار لفی علیین و ما ادراک ما علیون [illegible] که مشتمل است بر حالات هر شیعه برایت صد و ق

# در بیان قبض روح مؤمن

و فرموده ملک الموت می‌ایستد نزد قبض روح مؤمن چون بندهٔ ذلیل نزد مولای خود با اصحاب خود و پیش او
حاضر می‌شوند ملکی با اکرام و بشارت بهشت هستند و شیخ مفید ره و ابابویه ره بسند معتبر از حضرت صادق ع
روایت نموده‌اند که خدا حضرت عزرائیل را بفرستد که چون حق تعالی اراده قبض روح مؤمن نماید خطاب فرماید با ملک
الموت که برو با اعوان خود بسوی بنده من که در دنیا تعب بسیار کشیده در عبادت من روح او را نزد من آور تا او را
بخشم او را در جوار رحمت خود پس ملک الموت با چهره خوش و خوشبو با جامهای نیکو و بر در خانه او می‌ایستد پس
آنکه پرده بردارد با دیگری بشکند و با قصد ملک با خود دارد دسته‌ای ریحان و دسته‌ای مشک پس آنگاه ندا
کند او را که سلام الهی بر تو باد بشارت باد که پروردگارت سلامت میرساند و از تو راضی است
بشارت باد تو را بروح و ریحان بهشت پس روح و راحت یافتن از نعمتهای دنیا است و ریحان همه خوشبوها
بهشت است ... و کذا شده همه ... بدن شیرین شد ... روح مفارقت
کند پس رضوان خازن بهشت نزد او می‌آید با ... از بهشت ... او میرساند که هر که ... بپیش
و هنگام بیرون آمدن روح او بر ... که خدا جزای خیر دهد ترا که بطاعت الهی مسارعت نمودی ... او ...
بود بر تو باد سلام خدا تا روز جزا و هم چنین بدن با روح وداع کند آنگاه ملک الموت گوید ای روح پاکیزه خوش
بیرون رو از دنیا با ایمان ... پس ملائکه روح او را با ... روح ... بدن ... او را بالای
شوند و جمیع ملائکه آسمانها ... ملائکه ... دیگر را ... که
می‌ایستند تا ... و طلب آمرزش و شفاعت برای او میکنند ملک الموت او را در لذت ... مشغول
میکردانند از جانب خدای کریم تحیت و کرامت و با انواع ملاطفت او را تسلی میفرمایند چون کسی که طفلی را
بازی دهد تا آنکه باسانی قبض روح او را بکند و چون جان ببالای او رسد و ملک که با او بود گویند
ملک الموت که رفق و مدارا کن با صاحب او ... که او نیکو برادری بود ... نماز
شب ... و ... و چون روح از بدن مفارقت کند در میان مشک و ریحان و
سوسن پیچیده باسمان ... آسمان ... که ... گویند ...
که این روح ... پیوسته عمل ... الموت ...
او را ... بالا
برند ... او ... و شفاعت و استغفار نمایند پس خدای کریم و رحیم فرماید رحمت ...

# در بیان استقبال ارواح مؤمنین

او با دو ارواح مؤمنان استقبال او نشانند پس بدان رسد که بر کرامات بگویند که ایشان را از زمین او زیده ام و برای
مومنی کرده ام و باز از زمین زنده میکنم در قیامت پس چون او را در تابوت گذارند ملائکه نعش او را بردارند
بسرعت تمام برند و شیاطین از دو طرف صف کشیده از دور بحسرت نگرند و حجرات قبر او نکسر
و چون نزدیک قبر رسد بقعه های زمین گویند خدایا او را در شکم ما ساکن گردان و چون در لحد نهند
خدا قبر او را فراخ گرداند و مزین کنند متمثل شوند بلا و اهوال پس بحسرت نظر بر ایشان کنند و دانند که از ایشان باری
باو نمیرسد پس صورت بسیار زیبائی بنظر او بیاید پرسد که تو کیستی گوید من عمل تو ام که امروز نصرت و سپر
تو ام از هر ضرر بحق خدا اکرم میدانستم که در چنین محلی بکار من می آئی البته زیاده بر آنچه سعی کرده جهد
نمودم و فریب اهل مال را نخوردم گوید باید دوست خدا بشارت باد ترا اینکه ها و بجدا هستم چون قبر او را پر کرده
بر گردند می شنود صدای پاها و دستهای مردم که خاک بر او می افشانند برای که روح او بیدار او برگشته انگاه زمین
او را ندا می کند که مرحبا خوش آمدی ای دوست خدا والله وقتی که بر من راه میرفتی ترا دوست می داشتم امروز
که بشکم من آمدی دوست تر میدارم و با تو نیکو مجاورت مینمایم و برای تو باغی باشم از بهشت پس ملکی قبر او را
از هر بابی چهل طرفه برای او گشاده کند ببال خود و بر هر طرف چهل مشعل نور بر او فرود در آنگاه نکیر و منکر
بر او داخل شوند که بدندانهای خود زمین را بشکافند در موی خود راه روند و حدقه های ایشان چون دو
دیگ مس برنج باشد پس سؤال کنند از خدا و پیغمبر و امام و دین و کتاب و قبله پس مؤمن بتوفیق خدا بجرات و توکل
بخدا جواب با صواب بگوید که پروردگار من و شما و کل اشیا خدای یگانه بی همتا است و پیغمبر من و شما محمد مصطفی پیغمبر آخر
الزمان است و دین من اسلام است که خدا غیر از او قبول نمیکند و کتاب من قرآن است که شاهد و مصدق
جمیع کتابها است و امامان من ائمه طاهرین اند و قبله من کعبه است پس گویند حق گفتی و توفیق یافتی چنانچه اراده
کرده بودی پس نظر کن بجانب پا پس چون نظر کند آتش جهنم ببیند گوید انا لله و انا الیه راجعون پس گویند که
نترس این جای تو نیست پس بر دست راست بنگرد و ملائکه ندا کنند ای دوست خدا شاد باش که این جای تو است بهشت خواستم که
بنمایم تو را که از چه عذابی نجات یافته و الحمد لله پس بهشت را که از بهشت با خود
تصدیق کرده بودی ... اراده نمائی که بر جهت با حوریان معانقه نمائی ... ای دوست
قیامت برپا شود داخل بهشت شوی ... بشادی و ... ملائکه بهشت ... در قبر او
... بر او ... بهشت ...

# در بیان قبض روح

قبر تا قیامت و پیوسته مشتاق قیامت و لقای الهی باشند و تمام این خبر در محل دیگر خواهد آمد و شیخ
حدیث دیگر از حضرت باقر علیه السلام از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت نموده در احوال قبض روح کفار و
منافقان که همه احوال ایشان بر خلاف حال مؤمنانست که مذکور شد و حضرت صادق میفرماید که چون روز جمعه
یا عید اضحی یا عید فطر میشود حق تعالی منادی را امر میفرماید که ندا کند ارواح مؤمنان و دوستان ما را که در غرفهای
بهشت ساکنند که خدا شما را مرخص فرموده که بروید بزیارت اهل و دوستان خود از اهل دنیا و بامر الهی
روحها را از بهشت حاضر سازند که بر ان قبها باشد از نور و بر جهت سبز پرده از یاقوت زرد و حلها بر قبهها
از سندس و استبرق پس زنان ازواج طیبه بر انها سوار و حلهای بهشتی بدیشان پوشانند و تاجها از مروارید بر سر که نور
انها ساطع باشد مانند نور زهره از نزدیک پس در میان بهشت را آیند و امر کند جبرئیل را با ملائکه آسمان
که ایشان را استقبال کنند و ملائکه هر آسمانی تا آسمان دیگر ایشان را مشایعت نمایند پس بصحرای نجف اشرف
ایند و از انجا هر یک بشهر و دیار خود متوجه شوند با اذن خود از [illegible] کنند و با ایشان ملکی چند باشند
تا رویهای ایشان را مستور دارند که عیان نشوند و بر قبرهای خود ایند و زیارت کنند و چون اهل
دنیا از نماز جمعه و عیدها فارغ و بجانهای خود در روند جبرئیل ندای رحیل کند که روحها بمنازل خود در بهشت
برگردند پس مردی از اهل مجلس گریست عرض کرد فدای تو گردم اینها که فرمودی حال مؤمنانست حال کافران
چگونه است فرمود بدنهای ایشان ملعون است در برهوت [illegible] ایشان معذبست در وادی برهوت
تا قائم آل محمد صلی الله علیه و آله ظهور کند پس ارواح خبیثه را با ابدان ملعونه رجعت کنند در رجعت و کردن
ایشان را میزنند ابد الاباد معذب خواهند بود و از اخبار بسیار وارد شده که محمد و آل محمد برای شیعیان
صالح و محبان خود امر بملک الموت سفارش نمایند و در نهایت سهولت و آسانی قبض روح او را
کنند و حضرت صادق علیه السلام میفرماید که [illegible] اشک چشم او را معاینه [illegible] که معاینه می
بیند رسول خدا صلی الله علیه و آله را پس شاد و متبسم می شود و اشک از چشم او ظاهر میشود و در تفسیر
امام حسن عسکری میفرماید که بنشیند نزد سر او محمد و علی و حسن و حسین صلوات الله علیهم [illegible]
ها و دوستان ایشان [illegible] پس رسول خدا صلی الله علیه و آله بملک
الموت میفرماید عمل کن بوصیت و سفارش حق تعالی در خوبی و محبت [illegible]
در این بود که [illegible] عقبه [illegible]

# در بیان ثواب شیعه

اونرا همه کردیم ولیکن شاد و بمحبت تو تا بایشان مربی بود بتو پس سایر انبیا و اولیا و حضرت پیغمبر
اهل بیت را دعا میکردیم بتو پس خوب عمل کن بوصیت و بحدیث حضرت صادق علیه السلام بعد از آن
میبرد با آن جمع بسوی ریاض جنان و کشف حجب شد آن بیمار گوید با ملک الموت زود بر گیر روح مرا زود
ممکن که یکره صبر ندارم و ملحق کن مرا با ایشان پس در آن وقت که اذن داد روح او بهوا پریدن میکشند بشارت
کشیدن و از او در عقب ایشان می پیوندند کرده و شادی ... تا ما در شادی ... چون داخل قبر شد
بنا بجماعت ... نکیر و منکر که بیایند با هم گویند که ... محمد مصطفی و علی مرتضی و حسنین صلوات
الله علیهم و اصحاب ایشان در حضور ما باید باید با ادب بخدمت ایشان بوسیم پس چون ایشان سلام و تحیت عرض کنند
که ای السیدیم یا رسول الله زیادت شفقت شما از برای خود و موالی خود را آگو این بود که حق تعالی میخواهد اظهار
کند فضیلت او را بر ملائکه هر آینه سوال میکردیم از او ولیکن امر حال از امتثال چاره نیست پس میپرسند
از پروردگار و دین و نبی و امام و قبله و برادرانش چون جواب گفت او را دعا کرده مرخص میشوند و
بعضی اخبار هست که او از آن ترس و دهشت زبانش بجواب مساعدت نکند حضرات تلقین و جواب
گویند و شهادت بحقیقت اعتقاد او دهند و بعضی آیات قرآنی هم بتفسیر اهل بیت علیهم السلام در این باب
نازل شده و در مفتاح الجنان مذکور است در حدیث حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقولست که گفتم
یا رسول الله حق شیعیان ما در ... چه ثواب خواهند بود ... میباشد ... مرد و زن
و ملک الموت ... میکنند که او را اطاعت کند و ... است که تشنه
... مانند که دل ... کند ... شیعیان ما چنین از دنیا بیرون روند که
کسی را نهایت استراحت ... بیند ... ثواب ... رسول خدا صلی
از ... میفرماید ... که هول روز قیامت شدید است پس هر که میخواهد ... شود از هول
و شدائد روز ... بیاید که وصی من علی ... را دوست دارد و حضرت صادق علیه السلام میفرماید که
چون مؤمن ... افتاد ... رسول خدا صلی الله علیه و آله ... خدا خواهد ... است او
... رسول خدا صلی الله علیه و آله میفرماید که ... دوستی ... بیش ...
بتحقیق ... بهشت ... شود و میفرماید ... است ... تو ...
... ذکر ... بهشت ...

# در بیان محبت امیر المؤمنین

که حب امیر المؤمنین بچهار چیز پیش از دنیا از کوثر بنوشاند [illegible] و کاملی نمود دیگر آنکه بادیه بهشت بشنید
و ایشان می‌کنند تا تمام باو سکرات موت را و میفرستد ملک الموت را بسوی او برفق و مدارا و دفع کنند از او
هول منکر و نکیر و قبرش را منور و روضه از ریاض بهشت گرداند و در روز قیامت با صدیقان و شهدا در زیر
سایه عرش الهی جای دهد و [illegible] تاج کرامت بر سر و حله سعادت در بر و بی حساب ایشان را
میزان داخل بهشت شود از هر دری که خواهد و [illegible] فرمود که هر که بمیرد با محبت آل محمد صلی الله علیه و آله
ضامنم برای او در بهشت و در حدیث دیگر بعد از [illegible] و شرف و ملائکه بشرف محبت علی علیه السلام بتحقیق
که ملک الموت ترحم می‌نماید بر مؤمنان مثل ترحم [illegible] ایشان و قبض روح ایشان [illegible] مادر [illegible]
خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت میفرماید که محبت اهل بیت نفع میکند در هفت جا که هول آنجاها عظیم
است یکی هنگام مردن و در قبر و در حشر [illegible] و در وقت [illegible] و وقت حساب و نزد
میزان و نزد صراط [illegible] الاعمال [illegible] موالات
علی و اولاد او [illegible] روایت ابن بابویه که [illegible] یا علی [illegible] ناکثین و قاسطین و مارقین و بتحقیق که
[illegible] ایشان شفاعت [illegible] از شیعه خود [illegible] فراش [illegible]
خصمان [illegible] حضرت [illegible] علیه السلام میفرماید که [illegible] روزی نشسته بودم نزد
رسول خدا صلی الله علیه و آله [illegible] علی علیه السلام فرمود یا علی بشارت دهم ترا [illegible] جبرئیل گفت
بلی فرمود [illegible] که عطا کرده محبان و شیعیان ترا هفت خصلت رفق
و مدارا در هنگام مردن و انس در وحشت قبر و نور در ظلمت قبر و امنیت در فزع [illegible] در وقت میزان
و گذشتن از صراط و داخل شدن بهشت پیش از سایر مردم [illegible] امیر المؤمنین [illegible] فرمود
[illegible]
[illegible] امت در پیش روی رسول خدا صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible]
[illegible]
ایشان [illegible]
[illegible]

# در بیان محبت امیر المؤمنین است

خدا صلی الله علیه و آله که علی افضل است از ملائکه فرمود ملائکه شرف یافتند مگر بمحبت محمد و علی و قبول
ولایت ایشان و هر محبت علی که دلش را از غش و حسد و گناه پاک کند افضل است از ملائکه و در این حدیث شریف
اشاره است باخبار معتبره که در تفسیر الست بربکم و محمد نبیکم و علی امامکم و الائمة هداة که در عالم ذر به ارواح
خطاب شده که محبت و ولایت اهل بیت عصمت و رسالت عرض شد بر اهل آسمان و زمین هر که قبول
کردند پس هر که سبقت گرفت و مبادرت نمود بقبول آن از انبیاء اولو العزم شدند و از ملائکه مقرب
شدند و باین مضمون صدوق و شیعیان کتب موافق و بطون کتب مخالف مشحون است و متواتر است از طریق
شیعه و اهل سنت از رسول خدا صلی الله علیه و آله منقول است که داخل بهشت نمی‌شود مگر بجواز علی علیه
السلام و در حدیث معراج فرمودند که بهیچ گروهی از ملائکه نرسیدم و نگذشتم مگر آنکه ملائکه از حال علی ع
پرسیدند و میگفتند که علی و شیعیان علی را از ما دعا و سلام برسان و در زیر عرش که رسیدم دیدم
که علی ایستاده گفتم پیش از من آمده جبرئیل گفت این ملکی است بصورت علی که خلق شده چون گروه ملائکه
مشتاق او بودند که او را زیارت کنند بکرامت علی نزد حق تعالی و در کافی حدیث جلیلی است در جلالت و شأن
علی و شیعیان بجناب و ضبط ملائکه احوال ایشان را و خواندن نامه مشتمل بر اسامی ایشان را شیعه و دوستان بیت
المعمور و احاطه انوار ائمه و اسامی شیعیان در عرش جعلنا الله منهم بحق محمد و علی و اولادهما الطیبین صلوات الله
علیهم اجمعین و روایت است از پیغمبر که بنوشند از حوض کوثر شش طایفه پیش از فیض درخشان اول کسی که
جمیع شام نزد علما باشد علما هدایت کند و کسی که فرزند خود را بتعلیم دهد و کسی که مسلمانان را قرض
الحسنه دهد منت و کسی که پدر و مادر را از خود خوشنود باشند و کسی که زن خود را گوید که سائل را
از در خانه محروم مکن و زنیکه عزت شوهر خود را خوب بدارد و روایت است از ابوذر که یکجا آمدند سه نفر
نزد پیش رسول خدا یکی آمد میان حلقه نشست و یکی آمد میان صفها نشست و یکی برگشت پس بعد از فارغ
جبرئیل نازل شد و گفت آنکه در میان حلقه نشست حق تعالی او را در میان دو بهشت جای داد و
آنکه پشت صفها نشست آمرزید و آنکه برگشت از رحمت خدا نومید گردید و حضرت صادق علیه السلام
از آباء کرام خود روایت میفرماید که رسول خدا صلی الله علیه و آله عبای تازه پوشیده بود
پرسید که آیا کسی را که تو پوشانید عزوجل حبیب من و صفی و برگزیده و خاصه و خلاصه
من ولذا کنند بنزد جانب من وصی من وارث و برادر من و اول مومنان در اسلام خالص

# در ثواب کثرت نهایت بلیت

ترتیب این شنایان دهانهان سعی ترتیب و جواهر تربیت مردم در وعظ است باید ناس بعد از من پیشوای
پشینیان و دست و پا سعیدان امام اهل زمان علی بن ابی طالب اینها را امیر نمود و از کمال شوق
و کلا اینها با انجا بکه میکرد و چندان گریست که دیگهای زمین تر شد از اشک دیده‌ها و از حبیب العالمین
از نهایت شدت محبت و غلبه مودت و اشتیاق سوی آنحضرت علی را قدر پیغمبر شناسد که هرکس خوب اینرا
بهتر شناسد و معلوم بود که علی را بمنزله سر امت از بدن و رشحات زلال سرّ و اخبار در بین هشتم
و دهم بعضی جا نخواهد بین بوفت و اعمال و خصال دیگر در روایات صحیحه وارد شده که توفیق اینها در
ایام و اوقات مهلت مؤمن و شیعه مخلص را هم باعث نجات از سکرات موت و عقوبات قبر میشود و از
انجمله تحصیل علم دین و تعلم و تعلیم مسائل شرع مبین و فضایل این شغل که بعد از ایمان عملی از آن افضل
توانیست به مفتاح اول هما گوشزد و خلاصه آنها در عین دهم همین رساله مسطور است و منقول است
از وهب بن منبه که یاد کرد خبر را او با دره پس بتحقیق که نور الهی میکنم قبرهای مسلمانان و متعلقان خبر را تا که
نکبتها از جای خود و از رسول خدا صلعم در حدیث طولانی منقولست که طالب علم از دنیا بیرون نمیرود و فقط
روح هم میشود تا از کوثر سیراب شد و از میوه بهشت تناول کند و جسد او در قبر کرم نمیخورد و خوشا بحال
طالب علم و بعد از فضایل بسیار فرمود که اینها همه بخاطر آنست که یرفع الله الذین امنوا والذین اوتوا العلم درجات
و غیر آن که عالم جاهل و امیر عادل هیچون نمیرند زمین گوشت ایشانرا نمیخورد و استخوان ایشان نمیپوسند
بلکه تازه میمانند تا قیامت مشهور است که در شیراز حکیم حدیث قبر ابو شهر را از آن که پیغمبر صلی الله علیه
و آله از علامات خبر داده بود شکافت و صحیح یافت و ثقات نقل کرده‌اند که بعضی قبر سید مرتضی را در
شکافتند جسد ش تازه بود و مشهور است که مولانا عبدالله شوشتری را وقت نقل تازه یافتند هر جای که گشتند
که از اهل دنیا بعد بیرون قبول نموده بود و از پیغمبر صلی الله علیه و آله منقولست که هر که در مجلس علم بنشیند
و نتواند یاد گرفت حق تعالی ده چیز با و عطا کند ثواب عالمان و حفظ از گناه و نزول رحمت و ثبت
حسنات در نامه او و محو سیئات و محبوب الهی شود و مجالست ملائکه و شفاعت آن قوم او را رغبت
بعلم و بی رغبتی بمعصیت و از آنجمله زیارت و گریستن و گریانیدن و سعی نمودن در مصائب اهل بیت
رسالت خصوصا سرور اولی العبا و خصوص سالار و افتخار رتبه شهادت و هدیه برای ایشان فرستادن
نماز و صلوات حضرت منادی فرمود که هر که گریه کرد بر امام حسین علیه السلام که نبود باشد

که بر بینی وقت مرگ که پدران من نزد تو حاضر شوند و سفارش کنند ملک الموت را برای تو و بشارت
دهند ترا که دیده تو روشن شود و شاد گردی و ملک الموت بر تو مهربان تر باشد از مادر مهربان مشفق
بر فرزند و من گریستم بعد از آن فرمود که هر که گریان شود برای ترحم بر ما البته حقتعالی رحمت خود را
شامل حال او گرداند پیش از آنکه اشک از دیدهٔ او بیرون آید و چون آب از دیده بر روی او جاری گردد اگر
قطره‌ای از اشک او در جهنم ریزد حرارت آنرا فرو می‌نشاند و هر که دلش برای ما بدرد آید در وقت مردن چون
ما را ببیند شاد شود و آن شادی از دلش برطرف نشود تا در حوض کوثر بر ما وارد شود و کوثر شاد می‌شود
از لذتهای طعامها و آشامها که دوستان ما میرسانند که میخواهند از آنجا بیرون کرده نشوند و جمیع نعمتهای بهشت را بیشام او
مهربان تر و میگوید که من راضیم که مرا در اینجا بگذارند و نعمتهای دیگر منظور و هر کس که محبت ما دارد لذت
از آن آب بیابد و در آن هنگامی قطره‌ای از اشک را ضبط و در سلک اعمال او گذاشته قیمت آنها در روز ظاهر خواهد
شد و ابن بابویه فرموده که آنحضرت امام حسین علیه السلام نظر میکند بسوی زیارت کنندگان خود
و ایشانرا بهتر میشناسد از کسی که فرزندان خود را و بسوی گریه کنندگان نگر است و طلب آمرزش میکند برای ایشان
و از پدران خود نیز سؤال میکند که برای او استغفار کنند و فرماید ای گریه کنندگان بر من اگر بدانید که چه
حق تعالی برای تو مهیا کرده از ثوابها البته شادی تو زیاده بر اندوه تو خواهد بود و از خدا سؤال میکند که هر گناهی
که او کرده بیامرزد و فرمود که اگر گریه کنی بر حسین تا اشک تو جاری شود خدا جمیع گناهان ترا بیامرزد از صغیره
یا کبیره کم باشد یا بسیار و اگر خواهی که خدا را ملاقات کنی پاک بی گناه پس زیارت کن حسین را و اگر خواهی در غرفات بهشت با ما باشی
پس لعن کن بر قاتلان امام حسین علیه السلام و اگر خواهی مثل ثواب شهدای کربلا داشته باشی هر گاه مصیبت آن
حضرت را یاد کنی بگو یا لیتنی کنت معهم فافوز فوزا عظیما و ثواب ایشان هدیه باد و ارواح مطهر ایشان ثواب عظیمت
و ابن طاوس را بسند معتبر از جمال الاسبوع از ائمه طاهرین روایت فرموده که هنگام مرگ پیش از آنکه روح
بیرون رود با او گویند بانگ آن رسیدند هدیه تو با الطاف تو برای ما پیش ما در روز الالف و مکافات شما
پس خوشحال شد و چشم روشن باش بسبب آنچه حق تعالی برای تو مهیا کرده راوی گوید که از کیفیت هدیه
پرسیدم فرمود که نماز شب نافله ثبت میکند برای رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم اجمعین و اگر توانند
بر نماز پیشکان در آن یاد کند اگر چه دو رکعت باشد عمل بر روایت شیخ در مصباح بهتر است و آنها در بیشه صلوات مذکور
خواهد شد از آنجمله روزی در نجف اشرف و جعبه و تلقین بروایات از نماز های نافلهٔ امامت

# دیباچهٔ مستحبّات

سقوط سؤال و عذاب قبر باخبار صحیحه از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین و از آنجمله است
و استشفا باسحار و گریه‌های شب تار که اکمل علامات ایمان و انور و افضل اسباب بهجت و شادی و ضیاء قبر مؤمنان
است چنانچه در عین دوازدهم مذکور خواهد شد و بحدیث نبوی نماز شب چراغ است در ظلمت قبر و از جمله
ادخال سرور بر مؤمن و اعانت و قضاء مطلب اوست و در صحیح حضرت صادق ع میفرماید که هر که بر مؤمنی سروری
کند حق تعالی از آن سرور خلقی بیافریند که هنگام موت او را استقبال نماید و گوید ای دوست خدا بشارت
باد ترا بکرامت از جانب خدا و رضوان همیشه با او است تا داخل قبر شود و باز چنین بشارت دهد و چون
از قبر محشور شود بشارت دهد تا به پیوسته با او است و از هر هول ایمن شود و بهر هولی و شدتی برسد باز
بشارتش داده مسرورش کرده اند آنگاه میپرسد تو کیستی خدا ترا رحمت کند گوید منم آن سروری که داخل کردی
بر فلان و بحدیث نبوی همه اعمال خیر نسبت بادخال سرور بر دل مؤمن مثل ذرّه است در جنب عرش الهی و در
احادیث در این معنی بسیار است که سروری که بمؤمنی یا اهل خانهٔ مسلمانی برسانی ما از او راضی‌ایم و در رهش
انیس و مبشر او در لحد مونس و رفیق او و در قیامت معین و شفیع او است تا به بهشت هم چنین در قضاء حوائج
و اعانت و دفع کربات وارد شده اند هر که بپوشاند برهنهٔ مؤمنی را بپوشاند از ثیاب سندس و استبرق بهشت
و در حفظ و ضمان خدا است تا تاری از آن باقیست و حق و لازم است بر خدا که آسان کند بر او سکرات موت را
و توسعه دهد او را در قبرش بلکه استقبال کنند با بشارت وقتی که از قبر در آید و این است معنی کلام خدا
وتتلقیهم الملئکة هذا یومکم الذی کنتم توعدون یعنی استقبال میکنند ملائکه ایشان را که این است روز شما
که در دنیا بشما وعده میدادیم و در اخبار متواتر است که عبادت خدا نشد بچیزی دوست تر از ادخال سرور
بر مؤمن و در چند حدیث صحیح که حج بیک از هزار تا شد و حضرت سجاد علیه السلام میفرمودند که هر که بحاجت
مؤمن روا کند اول بحاجت خدا ابتدا کرده و حاجت خدا را روا کرده و خدا صد حاجت او را روا کند
که یکی از آنها بهشت باشد و هر که دیگری را یاد کند و تفریج کند که با او انس گیرد خدا در تنهائی و وحشت قبر مونس او
کرامت فرماید که با او انس گیرد به بهشت رود و بهترین اهلش بجا افتم که برآوردن حاجت مؤمنی دوست تر
است نزد خدا از روزهٔ دو ماه پی در پی با اعتکاف آن دو ماه در مسجد الحرام و در صحیح حضرت صادق علیه السلام
میفرماید که هر که خواهد که تخفیف دهد خدا از او سکرات موت را پس باید که صلهٔ رحم و بر والدین بجا آورد و از
رسول خدا صلی الله علیه و آله منقول است که سه دسته اند که حق تعالی عذاب قبر را از ایشان بردارد و حشرشان با

# در فضیلت نماز و در مسجد

با او ظاهر شوند و او را نخواهند بود و صبر کننده بر غیبت شوهر و بر بد خلقی او و بخشنده و مهربان باشند بر شوهر
خود و از آنجمله ملازمت مسجد و جماعت چنانکه بسند معتبر از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت است که هرکه
در مسجد رود و نماز جماعت بجا آورد بهر قدمی که بر میدارد هفتاد هزار حسنه و هفتاد هزار درجه داده و اگر بر این
ملازمت کند تا بمیرد حقتعالی هفتاد هزار ملک موکل کند که در قبر او عبادت کنند و در تنهائی قبر مونس او
باشند و برای او استغفار نمایند تا مبعوث شود و فرمود که هرکه جماعت را ترک کند به دوازده بلا گرفتار
شود اول بی برکتی در رزق دویم بی نوری در رو سیم بغض خلق چهارم صعوبت موت پنجم گرسنه و تشنه مردن
ششم تشنه شدن بسؤال منکر و نکیر هفتم ظلمت و ضیق قبر هشتم نرسیدن دعا باجابت نهم صعوبت
حساب دهم عقوبت شدید یازدهم رسوائی جان کندن دوازدهم عقوبت مانند کفار و فرمود هرکه
اوقات نماز را تفحص و ملاحظه و ضبط نماید ملک الموت با او در هنگام قبض روح تلقین شهادتین نماید
و او را از شیاطین دور کند و فرمود خدا سفر را از عذاب قبر حفظ فرماید و ثواب شهید را او کسی را
که شب جمعه فوت شود و از پیغمبر صلی الله علیه و آله منقولست که هرکه توفیق یابد که ملازمت نماید و باشد تبع
وقت نماز را بجماعت بجا آورد حقتعالی به هفت خصلت او را کرامت فرماید اول برکت عمر یافتن دویم دوام اولاد
سیم عصمت از اطفال چهارم نام در بهشت نوشتن پنجم مغفرت ششم سایه عرش هفتم نور قبر هشتم توفیق
طاعت نهم نجات از دوزخ دهم کرامت بهشت عطا فرمودند تارک نماز جماعت ملعونست در توریه و ملعونست
در انجیل و ملعونست در زبور و ملعونست در قرآن و ملعونست بزبان جبرئیل و ملعونست بزبان
عزرائیل و ملعونست بزبان محمد صلی الله علیه و آله و در اخبار معتبر منقولست که هرکه نماز صبح را
بجماعت مسجد در یابد و حاضر شود حقتعالی میفرماید که نظر کنید ای ملائکه بسوی بنده مؤمن که تنها
اختیار کرده از خواب برای جماعت آمده بعزت و جلال خود سوگند که نسوزانم او را باتش جهنم که
بیاید بهم خلقی را که دوست دارند نماز صبح را بجماعت و بجای خود تا آفتاب برآید و لحم حرام کنند
برای ایشان مرغان ... در باد در حدیث معراج میفرماید که دیدم بر در آسمان ششم نوشته
بود که لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله و هرکه توسعه قبر خواهد باید که مساجد بسازد و هرکه دوست
دارد که کرم او را نخورد باید در وسط مساجد ساکن شود و هرکه خواهد تازه و جوان باشد در زیر زمین
و خوشبو باید مساجد را فرش نماید و در حدیث دیگر فرموده که هرکه مسجد را روشن کند

# در فضیلت بجا آوردن سنتها

قبر او را روشن سازد و تا چراغ روشن است در مصلی ملائکه برای او استغفار کنند و بروایت ابو
الدرداء منقولست هر که بعد از نماز صبح بنشیند در مصلی بتعقیب تا آفتاب برآید حق تعالی هفتاد چیز باو عطا کند
از آنجمله با ایمان و با توبه بمیرد و وسعت قبر و بجستن چون تیر از صراط بگذرد بهشت و در حدیث از حضرت
صادق ع منقولست که هر که رکوع را تمام بجا آورد وحشت قبر نبیند و ایضا از حضرت صادق ع منقولست که
چون مؤمن را داخل قبر میکنند نماز از جانب راست او می‌ایستد و زکوة از جانب چپ و احسان او
بالای سر و صبر در [illegible] چون ملائکه سؤال می‌آیند صبر میگوید که اگر [illegible] باشد بشفقت [illegible]
با صبر [illegible] که [illegible] است بکنار می‌ایستد پس چون منکر و نکیر داخل قبر میشوند صبر
[illegible] میگوید [illegible] صاحب خود را اگر عاجز شوید من او را دریابم و بروایتی چون در قبر عذاب
متوجه او شود هر که مداومت نموده بر سوره الم سجده و سوره تبارک و سوره ملک نزد او ایستاده مانع شود
و سوره الم گوید پروردگارا من شفاعت او کنم [illegible] و مایل کنند و نماز
شب و زکوة از طرف پا [illegible] میشود و صبر [illegible] که شما اگر [illegible] کرم [illegible] شدم
یاری [illegible] میزان و صراط و عرض اعمال [illegible] ایستاده [illegible] موعظه [illegible]
و توشه سفر آخرت [illegible] از این سفر [illegible] ده روز شدت گرما [illegible]
روز [illegible] دو رکعت نماز بگذارید در تاریکی شبها برای وحشت قبر
خیر بگوید از شر ساکت باشید و صدقه بمساکین بدهید شاید که نجات یابید ای مسکین از آن روز
و در [illegible] بخود با آخرت [illegible] درهم [illegible]
میکنی [illegible] برای آخرت [illegible]
[illegible] علیه السلام [illegible] نماز [illegible] قبر باو [illegible]
[illegible] قبر را نماز کنند [illegible]
[illegible] شده [illegible] و از [illegible]
[illegible] مشاهده میکنند [illegible]
[illegible] قرآن [illegible] تلاوت [illegible] و ارکان [illegible]
[illegible] باخبار صحیح در [illegible] سکرات موت

وعقوبات قبر می نماید علی الخصوص سورهٔ نساء و زخرف و نبی و دخان و محمد صلی الله علیه وآله و قٓ
والذاریات و طلاق والنازعات و قیامة و ذکر لذة والهیکم و مداومت توحید اشرف هی که در باب هر ...
مفتاح رو منهج چهارم مرقوم است حضرت باقر علیه السلام میفرمایند هر مؤمنی که انا انزلناه را ...
روز دنیا و آخرت ... آورد دنیا پیش ملک الموت و بشارت میدهد هنگام مردن و امّا در آخرت پس بعد هر
حق تعالی وارد بهشت خانهٔ کرامت نماید یا ابیت یا اسمع السامعین و یا ابصر الناظرین و یا اسرع الحاسبین
و یا ارحم الراحمین و یا احکم الحاکمین و مناسبت بعد از سورهٔ مذکوره در هر حال خصوصاً در سجده یا
کریم حالی که شیخ ره در مصباح روایت کرده اللّهمّ بارک لی فی الموت اللّهمّ اعنّی علی غمرات الموت اللّهمّ اعنّی
علی سکرات الموت اللّهمّ اعنّی علی غمّ القبر اللّهمّ اعنّی علی ضیق القبر اللّهمّ اعنّی علی ظلمة القبر اللّهمّ
اعنّی علی وحشة القبر اللّهمّ اعنّی علی اهوال القیمة اللّهمّ بارک لی فی طول یوم القیمة اللّهمّ
زوّجنی من الحور العین و صبر امانت در صحیح خود از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت کرده که هر که این دعا را
بخواند باسانی و سهولت قبض روح او شود که نداند که جان داده یا خوابیده اللّهمّ یا مالک الموت طیّبنی
واستلبنی قبل الموت وارحمنی عند الموت و هوّن علیّ سکرات الموت ولا تعذّبنی بعد الموت و ارضنی الی
طلب الموت یا فاطر السموات والارض انت ولیّی فی الدنیا والآخرة توفّنی مسلماً والحقنی بالصالحین
و در تصاحیف ادعیه و اوراد بوجه در این باب بسیار است خصوصاً تسبیح حضرت زهرا علیها السلم
که در معنی تمام است و لکن بخصوص در دفع شدائد قبر و عالم برزخ ملکیه و فزع اکبر محشر بهتر و مناسب
تر از مناجات امیر المؤمنین عم استغاثه نیست که در صحیفه بعد از هجرت که سنّت است بهبود که عنقریب در
مسجد خواهی خواند بمثل ها ... اختلال العقول ... بنظر عبرت و بصیرت مشتمل است با کمال تضرّع و زاری
و ... و بیقراری بخوان الهی کانّی بنفسی و قد اضجعت فی حفرتها وانصرف عنها المشیّعون من جیرانها
و بکی الغریب علیها لغربتها وجاد بالدموع علیها المشفقون من عشیرتها و ناداها من شفیر القبر ذوو مودّتها و رحمها
المعادی لها فی الحیوة عند صرعتها ولم یخف علی الناظرین الیها عند ذلک ضرّ فاقتها ولا علی من راها قد توسّدت
الثری عجز حیلتها فقلت ملائکتی فرید نأی عنه الاقربون و وحید جفاه الاهلون نزل بی قریباً و اصبح فی
اللحد غریباً و قد کان لی فی دار الدنیا داعیاً و لنظری الیه فی هذا المقام راجیاً فتحسن عند ذلک ضیافتی و تکون
ارحم بی من اهلی و قرابتی الهی کیف آیس من حسن نظرک لی بعد مماتی وانت لم تولّنی الا الجمیل فی ایّام

# مناجات حضرت امیر المومنین علیہ السلام

حیوتی فصل علی محمد وآله وارحمنی صریعا علی الفراش تقلبنی ایدی احبتی وتفضل علی ممدودا علی المغتسل یقلبنی صالح
جیرتی وتحنن علی محمولا قد تناول الاقرباء اطراف جنازتی وجد علی منقولا قد نزلت بک وحیدا فی
حفرتی وارحم فی ذلک البیت الجدید غربتی حتی لا استانس بغیرک یا سیدی ان وکلتنی الی نفسی هلکت
سیدی فبمن استغیث ان لم تقلنی عثرتی والی من افزع ان فقدت عنایتک فی ضجعتی والی من التجی ان لم تنفس
کربتی سیدی من لی ومن یرحمنی ان لم ترحمنی وفضل من اؤمل ان عدمت فضلک یوم فاقتی والی من الفرار من
الذنوب اذا انقضی اجلی بعد ان اخنیت بالتسویف فی الامال عمری وقد نزلت منزلة الآیسین من خیری فمن
یکون اسوء حالا منی ان انا نقلت علی مثل حالی الی قبر لم امهده لرقدتی ولم افرشه بالعمل الصالح لضجعتی
ومالی لا ابکی ابکی لخروج نفسی ابکی لظلمة قبری ابکی لضیق لحدی ابکی لسؤال منکر ونکیر ایای ابکی لخروجی من قبری
عریانا ذلیلا حاملا ثقلی علی ظهری انظر مرة عن یمینی واخری عن شمالی اذ الخلائق فی شان غیر شانی الهی
ما انقطعنا من التلذذ عن الدنیا وان لم توحشنا هنالک من مرافقة الابرار الهی ارحمنا غرباء اذا تضمنتنا
بطون لحودنا وعمیت باللبن سقوف بیوتنا واضجعنا مساکین علی الایمان فی قبورنا وخلفنا فرادی
فی اضیق المضاجع وصرعتنا المنایا فی اعجب المصارع وصرنا فی دار قوم کانها ماهولة وهی منهم بلاقع الهی
جئناک حفاة عراة مغبرة من ثری الاجداث رؤسنا وشاحبة من تراب الملاحید وجوهنا وخاشعة من افزاع
القیامة ابصارنا وذابلة من شدة العطش شفاهنا وجائعة لطول المقام بطوننا وبادیة هنالک للعیون سوآتنا
وموقرة من ثقل الاوزار ظهورنا ومشغولین بما قد دهانا عن اهالینا واولادنا فلا تضعف المصائب علینا
باعراض وجهک الکریم عنا وسلب عائدة ما مثله الرجاء منا الهی للنار ربتنی امی فلیتها لم تربنی ام للشقاء ولدتنی
فلیتها لم تلدنی الهی انهملت عبراتی حین ذکرت عثراتی وما لها لا تنهمل ولا ادری الی ما یکون مصیری والی ماذا یهجم
عند البلاغ مسیری واری نفسی تخاتلنی وایامی تخادعنی وقد خفقت عند راسی اجنحة الموت ورمقتنی من قریب
اعین الموت فما عذری وقد حشی مسامعی رافع الصوت الهی لقد رجوت ممن البسنی بین الاحیاء ثوب عافیته
ان لا یعرینی منه بین الاموات بجود رافته ولقد رجوت ممن تولانی فی حیاتی باحسانه ان یشفعه لی عند
وفاتی بغفرانه یا انیس کل غریب آنس فی القبر غربتی ویا ثانی کل وحید ارحم فی القبر وحدتی ویا عالم السر
والنجوی ویا کاشف الضر والبلوی کیف نظرک لی من بین سکان الثری وکیف صنیعک الی فی دار الوحشة و
البلی فقد کنت بی لطیفا ایام حیوة الدنیا یا خیر من دعاه داع وافضل من رجاه راج بذمة الاسلام اتوسل

# دورنمائی از آخر الزمان

الیک و بحرمة القرآن یا منتهی آمال الیک و بحق محمد و الیه اتقرب الیک فصل علی محمد و آل محمد و اعترف بذنبی
التی تحوت بها فقضاء حاجتی برحمتک یا ارحم الراحمین و اجتناب ولایت مآب بعد از مناجات خطاب بنفس نفیس
خود فرموده ندید رنا خبر تدارک این سفر پر خطر و قولی عملی عتابی میفرمودند که در قبر سؤال نجات دهنده کو د
است و بدانکه بعضی از اعمال میباشد که موافق آیات و روایات برای مؤمن هم باعث شدت سکرات موت و
اهوال قبر میشود مثل فساد و نفاق و درشتی با مردم و تند خوئی خصوصا با اهل خود و ناشکر نعمت بودن
دنیا و غیبت و تهمت و سخن چینی که بحدیث نبوی صلی الله علیه و آله عمده عذاب قبر از این سه امر است و
تکرار شراب و بر وایتی فرمودند که یا علی هر که موی لب را نگیرد از ما نیست و شفاعت ما را در نیابد و هر که
شراب بگذارد همیشه در لعنت خدا و ملائکه باشد و دعایش مستجاب نمیشود و قبض روحش دشوار
باشد و عذاب قبرش شدید باشد و بهره ور نمی شود و مار و عقرب بر او مسلط باشد و در عذاب باشد تا قیامت
و چون از قبر بر خیزد بهشت را نبیند و بوی آنرا نشنود اهل آتش یا علی هر که شراب خورد بهره ور نشود ثواب صدقه و من طلب
دارد که مرد هفتاد رطل و مرد هفتاد من و مردی چون کوه احد و بحدیث نبوی صلی الله علیه و آله که
منکر غضبناک بر او وارد خواهد شد و بقیه مدت بدن باعث ظلمت قبر است و سخن چینی کننده در
شب باعث ظلمت در قبر است و توسل کردن مؤمنین به حاجت که بحدیث صحیح مار عظیم در قبر همیشه
او را خواهد گزید تا در محشر و بی احتیاطی در طهارت و عدم پاکی از نجاست خصوصا بول و غیر اینها بنفسه بلکه
که در مطعومات شبهات بهم رسانیده خواهد بود بعون الله تعالی تعالی این اولی از برای شمه از طوفان وسوسه
آخر الزمان که پیش از حضرت قائم عجل الله فرجه واقع خواهد شد که سبب امتحان و دشواری در غیبت آن امام
و غفلت از حضرت و مخذول دانند بدانکه وقایع موحشه آخر الزمان بسیار است و ذکر بعضی
مناسب اینجا بعرض کتاب که از اخبار متواتره و آثار معتبره بر سبیل اختصار آنچه موجب عبرت صاحبان بصیرت
گردد و عبرتی شود و روزی از احوال هایله در این ایام تا اندازه عبر فکر و تدبر در آن نمایند و راحت و آسایش خود
مجهول حسابی از دنیا و آن بلاهایی کلیه که واقع است که عموم خلایق را واقع میشود از خروج دجال و یاجوج و
ماجوج و شایع شدن وقوع بطون شکستن در دولت شاهی و ظلم سلاطین و امیر و ... از علامات اصلی و
خروج آنانی که نام اصحاب ... و نزول حضرت عیسی علیه السلام و ظهور دابة الارض و دخان و امثال آن از مهالک بد بینی
اهل قبور و قیامت صغری که بعضی مردگان است بلکه ... مثل حضرت امیر المؤمنین علیه السلام ... که هر که ...

احادیث

# در شمه از فتنه آخر الزمانست

معاد وبعد وقایع نکو نیده وکیفیت وقوع واقعه هایله ادهی وامر وفزع اکبر ونفخه اولی وثانیه تا هنگام حشر ومجاری
حالات مذکوره بترتیبی که حقیر تتبع واز اخبار متفرقه وآثار منتقله جمع ومرتب نموده در سه جدول
سمت بیان پذیرفت جدول اول در بیان کیفیت ظهور آنحضرت وکیفیات ووقایع سلطنت آنحضرت
که باعث تنبیه وتبصر ناظران گردد جدول دویم در ذکر سوانح بعد از آن تا قیام قیامت کبری
جدول اول در وقایع متقدمه بر قیام قائم آل محمد صلی الله علیه وآله از آنجمله خروج جمع کثیر به سلطنت از قبیل سفیانی
ویمانی وغیره ودیگر سفیانی بر ایشان باید آنکه پیش از ظهور وخود رشید برج امامت وولایت بخروج
وسلیمان ظلمت فتنه وبلا ومحنت وابتلا عالم را فرو خواهد گرفت وبحدیث حضرت امیر المؤمنین وائمه
صلوات الله علیهم اجمعین اول کسی که خروج میکند از اصحاب فتنه یعنی در مقدمه ظهور حضرت قائم
صهیب نامی است که بمرض برص مبتلا باشد از بلاد جزیره باشد وشوکت عظیم پس جرهمی از شام و
قحطانی وبروایتی یمانی از یمن وجمع دیگر پس هر که ظلم وفتنه وولایت ایشان آنگاه خروج کند بر ایشان
سمرقندی از خراسان با علم سیاه وسفیانی از اولاد عتبة بن ابی سفیان از شام با علم سرخ بتدبیر
زنهد وقلوبا واباش همان روز خروج او یمانی خروج کند از یمن با علم سفید پایند ودو اسم که
رفتار پس سفیانی با قحطانی واصهب وجرهمی غالب در اطراف عالم فتنه وقتل وفساد وبلیغ خراسانی
متوجه روم شده نصرانی بگیرد پس قصد یمانی نموده بعد از محاربات منهزم کرده واخر یمانی او را بالشکر
بنا از بند جدا کنند ویمانی سید حسنی از اقصای بلاد مشرق خروج کند وجیحون وهند وترک وخراسان
بقصر که پس یعنی کربلا وطالقان وهزار بن اجابت نمایند واو کوفه را آباد وبصره را خراب خواهد
که چون بمقادیر قیام قائم در جهاد سفیانی شهید میشوند با یمانی وقائم آل محمد صلی الله علیه وآله
بیعت نماید چون یمانی وپیرش با نظار آل محمد رحمت رویند دجال وسفیانی دیگر خروج کند
وفتنه ورد الغوی واضلال خلق نمایند تا آنکه قائم صع بعد از ظهور او ودیگر فرشکرها لشکرها متفرق
سازد وبرای دفع دجال املاخذاص کیفیت دجال بد سگال که اشد فتنه است وپیغمبران
واوصیاء از شر او تعوذ از امیر سانیده اند بمخالفت وصحبت سکریه ند وظاهر سفیانی ثانی
همانست بحدیث بعضی علما که روایت بهم خلط کرده اند واظهر در نزد حقیر اینست که
عیسی وابنتا ما با او وامیر لشکر او است که بجمال خروج میکند او با قائم آل محمد صلی الله علیه وآله و

# ده رشحه از آخر الزمانست

و بحدیث محمد بن مسلم از حضرت باقر علیه السلام هر یکسال خواهد بود روایت کرده است که مردم در
سه سال پیش از این به قحطی عظیم مبتلا شوند سال اول بحبس شدن باران و تلف شدن ثلث محصولات
سال دویم دو ثلث سال سیم بر همه جا قحط و غلا استیلا یابد و حیوانات و اکثر مردم بر طرف شوند و در حین
شدت این احوال علیه اللعنه خروج کند با اطعمه و آلات لغتش فراوان و بسا بعلت شدت ایسته خلقی بیحد و بی پایان
اینها کم مانند که او ساحر است و باطل است دجال خروج او احادیث مختلف نقل شده که از مشرق خراسان و
میان شام و عراق و باصح روایات خاصه از اصفهان بیرون می آید و یک چشم دارد چون ستاره درخشان و بر پیشانی
صبیح و صبیان و در پیشانیش نوشته که هر عامی بخواند و از ضمیر خبر دهد و عجایب بسیار نماید نان و در پیش او باشند
کیاهها و ظاهر کنجهای زمین و زنده نمودن کشتها و نمودن بهشت و دوزخ اما هیچ مؤمن و عاقلی
باظهار فریب نمیشوند و بر این شبهات مبالغه زند و چون اظهار میکند بر طبق دعوی الوهیت است
باطل است و حال جسم و مرئی و کور بینیت و محتاج پس مؤمنان باید که بولایت اهل بیت عصمت متمسک
و صبر کنند بر تنگی چند ماه که فرج ایشان البته ظاهر خواهد شد و بعد از استقرار دولت او نه ماه و بحدیث
حضرت صادق علیه السلام از هشت ماه یکروز بیشتر نخواهد بود که در عقبه شام سه ساعت از روز گذشته
یوم جمعه قائم آل محمد ص او را خواهد کشت و آن ملعون چون خروج کند بر سر کوهی نشسته نعره نماید که
صدای آن بهزار فرسخ برسد و بحدیث حضرت صادق علیه السلام هر که میان مشرق و مغرب است از جن و انس
همه بشنوند و گوید که بیایید نزد من ای دوستان من خالق و پروردگار شمایم پس خلق عالم رو بسوی او روند
اول روز خروج او هفتاد هزار یهود و نصاری و بادیه نشینان و زنان و اولاد زنا و اهل شراب و ساز و غنا
متابعت او نمایند و سحره جن و انس باو ملحق شوند با او باشند ابلیس و شیاطین و متمرده هر که را بکشند
شیاطین بصورت او خود را بنماید و باین نوع وانماید بمردم که من میکشم و زنده میگردانم و گمراه میکنند مردم را با
گمراهی و مباح میکند هر حرامی بر مردم که با زنها و با پسرها در کوچها و راهها علانیه و عریان زنا کنند و گوشت
خوک و شراب خورند و اسنام سازها و ناز زنند و اکثر لشکر او اولاد زنا و صاحبان کلاهها سبز خواهند
بود و باندک زمانی بگردد تمامی بلاد دنیا سواره بر الاغی کالکون که هر گامش بحدیث علوی ثلث
فرسخ است و بحدیث نبوی گوشش بکمیل و سایر اعضا از این قرار و فسیح نماید همه آفاق را بغیر از
مکه و مدینه و مراقد ائمه علیهم السلام و بهره ولایت که کذا دست انند زلزله بکوه و دشت ببلاد و بخلق اطراف

برا

# در خروج دجال علیه اللعنه

بدام ان نافرجام افتاده مرتد کوفه اند و سفیانی لشکری پیش عبد بنه فرستد اسیر داری یکی از بنی امیه بنام
که بر چشمها او ناخنک باشد و بر روایتی یکچشم او کور باشد پس مدینه را بتازد و غارت کند و صد و پنجاه هزار
نفر بکوفه فرستد که پس شصت هزار نفر از اینها با اهل کوفه هجوم آرند روز عید و امیر ایشان جبار ساحری باشد
و سید علوی که نفس زکیه است با هفتاد هزار نفر از صلحاء از نجف اشرف بیرون آید حضرت صادق علیه السلام
میفرماید که گویا نظر میکنم بتیرها و شمشیرها و متاعهای ایشان که او نخیله در پشت نجف اشرف روز دوشنبه
و شهید خواهد شد روز پنجشنبه و کوفه بهم برآید و لشکر سفیانی را که در نخیله منادی او ندا می کند
که هر کس از شیعه علی را بیاورد ده هزار درهم جایزه یابد پس همسایه بر همسایه خود را آورده جایزه گیرد
و کوفه بهم نقاب برآید حال او میشناسد شما را و شما او را اما پس آنگاه یکی شما از ابتدا
مهد هدیت و مکر و لداز نا و آتش فتنه بالا گیرد و میان ... و کوفه بلکه تا گرمی و در یکساعت و دو روز در
کوفه چندین هزار نفر کشته شوند بحدیکه مردم تا سه روز از آب فرات نفرت کنند از شدت خون و کنده شدها
و خوشا حال کسیکه از فرات عبور نماید و در کوفه در دهات باشد هر اهرمن که بهتر بلادها است و از شخصی
پرسید که چه باید کرد حضرت صادق علیه السلام فرمودند که مردان رو پنهان کنند و بر عیالها کی دست تا آنکه
سفیانی دجال یا سر را در بلاد شام مستولی شود پس بکوفه چند سوی صاحب خود یعنی قائم علیه السلام که البته مرفوع
کند بحدیث نبوی صلی الله علیه و آله پیشتر داد شهر ملعون بغداد شوند و قتل مردان و اسیر زنان کنند پس بکوفه
فرود آیند و حوالی آن را خراب کنند و متوجه شام شوند آنگاه علم هدایت از کوفه برای ایشان تا آنکه آنجا بر ادها
کنند و اسرا و غنایم را بر کرده اند و لشکری که آن ملعون بمدینه فرستند بعد از غارت مدینه بعزم
خرابی با کوفتن کر بنجها بعضی و عکر دروند و بر صحرای بیدا فرود آیند و بحدیث علوی بیرون آید از
بغداد سر را در یا بپنجه و ساحر و کشته خواهند شد بر سر جسر هفتاد هزار نفر بحدیکه سه روز از فرات
نفرت کنند و هفتاد هزار دیگر از کوفه ظاهر یعنی از بغداد با حوالی کوفه اسیر شوند دست زده بجملها
کند شتر ببرند و اخراز کوفه صد هزار نفر مشرک و منافق بدمشق حرکت کنند پس عمانی که از مشرق خروج نموده
و خسته باشد میفرماید که بیتها طالقان طاعت کنند گویا می بینم عصا سرخی بر سر دوازده هزار نفر از
فرات عبور کنند و همین که مشغول بکشتن باشند سوی اگر چه دست و پا بروی برف باشد و شاید عمانی اول باشد
با خراسانی وارد کوفه شوند بطلب خون کشتگان و پدران و دردان و فتنه میان مشرق و مغرب بسیار است

# در علامات آخر الزمان

نفر کشته شوند پس در شب جمعه بیست و سیم ماه رمضان ندای آسمانی میشود و فردای آن آفتاب تیره و سیاه
می گردد و عنقریب حضرت قائم صلوات الله علیه خروج میکند و شک نکنید که آن صدای جبرئیل است و از آنجمله
مصیبت و قحط عظیم و خوف شدید و کمی اموال و تجارات مردم و محصولات با آفات ملخ و غیر آن چنانکه
در احادیث معتبره بآیه تفسیر و تأویل شده ولنبلونکم بشیء من الخوف والجوع ونقص من الاموال والانفس و
الثمرات وبشر الصابرین و ابوبصیر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که ناچار است که پیش از قیام قائم
صلوات الله علیه برسد بمردم گرسنگی و خوف شدید پس از آن ابتلا ظاهر و بشارت است بر اهل صبر بتعجیل فرج که متعاقب
خواهد شد جابر گوید که حضرت صادق علیه السلام فرمود که جوع عظیم در کوفه مخصوص دشمنان آل محمد
که هلاک ایشان خواهد کرد و در شام عام خواهد بود که جوع و خوف عظیمی خواهد شد که هرگز نشده
و جوع پیش از قیام قائم آل محمد صلی الله علیه و آله خواهد بود و خوف بعد از آن و بروایت ابوبصیر در آیه
سنریهم آیاتنا فی الآفاق وفی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق تا آخر فرمود که خواهد بود در نفسهای ایشان
مسخ و در آفاق تنگی ایشان تا دانند که خروج آل محمد صلی الله علیه و آله حق است و بحدیث حضرت صادق علیه السلام
آیات خسف و مسخ و قذف است و فرو رفتن مردم بزمین در مشرق و مغرب و پیدا خواهد شد و فرمود که
در معنی عذاب الخزی فی الحیوة الدنیا وفی الآخرة که یا ابابصیر کدام رسوائی از این شدیدتر که مردم در خانه و حجره
خود باشند با اهل و عیال ایشان که ناگاه اهلشان گریبان چاک زده و فریاد کنند که فلان حالا مسخ شد و این پیش
از قیام قائم آل محمد خواهد بود و از آنجمله بر طرف شدن دو ثلث مردم بسه موت موت احمر و ابیض و اسود و موت
احمر بشمشیر و ابیض بقحط و غلا و اسود بطاعون عظیم و باکه بحدیث حضرت صادق پنج سبع مردم تلف میشوند
و از آنجمله ظهور بادی سیاه در بغداد و پس از آن زلزله شود که اکثر شهر بزمین فرو رود و از آنجمله با آفاق ظاهر شدن
کوکب دنباله داری است از مشرق که چون ماه روشنی دهد و بروایت حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله
علیه ظاهر میشود که چون آن را ببینید توبه کنید و از آنجمله سرخی از طرف آسمان و آتش طولانی بزرگ
از مشرق تا چند روز و این علامتی است که در قیامت ظاهر خواهد شد و مردم را بسوی محشر خواهد
راند که حضرت باقر علیه السلام میفرمایند که در آنوقت متوقع فرج آل محمد باشید و از آنجمله کسوف آفتاب
است در نصف رمضان و ماه در آخر آن بعکس قاعده نجوم و طلوع آفتاب از مغرب بعد از حبس سه شبانه روز
در زیر کره زمین و اجتماع آن با ماه و از اعجب علامات قریبه قیام است و مجمل این قصه عجیبه بحدیث ابن عباس چنانچه

است

# ودر علامات آخر الزمانست

عباس بنهاد نشت که هر شام که آفتاب بر زمین سر عبودیت که نهاد و سحر بابن حدید بطلوع می آید
و مضمون والشمس تجری لمستقر لها تنبیه حدیث نبوی که خالش بواین جری مجاز است که ظلمت معاصی از
اول الی واقعی ثنا دیع و نور امر معروف و ترحم بهم و نهی منکر مختل و ضایع کرده چون آفتاب در شب معهود
عرض سجود و استیذان نماید بهیچ جواب مشرف خطاب نیاید تا ماه تابان نیز رسیده هر دو در عقده تعویق
بمانند تا مقدار سه شبانه روز و طول آن شب را متهجدان دانند که اقل قلیل باشد و چشم انتظار همیشه
بر رو هکند در بیابان سیار و بعض عوالم اسرار و انوار رسیده‌اند که بعد از اوراد خود مترقب صبح میباشند
چون طول کشد بیرون شتابند و نظر باسمان نمایند کواکب را بمحل و منتظر صبح یابند پس دیگر بخوابند چون
بیدار شده بیرون آیند شب را بجای خود ملاحظه نمایند متفکر متوجه بنماز و مناجات گشته به تخفیف
درانکار و قیام پیش از وقت قرار در فکر بخواب روند چون بیدار شوند مقام اول شب بینند در وحشت
و دهشت عظیم مانند و غافلان نور کرامت محروم مانده بعضی سیاه دست در فراش غفلت سر بر بستر بخوابی
و بستر را از پهلو به پهلو منقلب معطل میباشند عارفان دانند که همان شبی است که همیشه دانان
ترسان و هراسان میبودند و بامید فضل الهی و بشارت بشر المشائین الی المساجد فی الظلم بالنور الساطع یوم
القیمه بساجد شتافته مشغول تضرع و زاری باشند پس فرمان الهی بجبرئیل علیه السلام رسد که آفتاب و
ماه را از مغرب بنور رها دری از مغرب طالع کردانند پس ماه و آفتاب چندان بگریند و چندان از خوف ترهیب
قیامت لرزان و نالان کردند که تمامی اهل آسمانها و آنچه در آنها است و سرادقات عرش بگریه ابتلا کرده بانی
شوند پس آفتاب بیتاب و ماه سیاه مکدر و مکدر از افق مغرب برآید هر دو مضمون و جمع الشمس و القمر با هم
روعنت مسابقت نمایند و چون این امر عظیم و مهیب و چنین حادثه واقعه غریب نصب العین مردم گردد شور و لوله و غوغا
و شیون در دنیا بجز آدم بلکه تمامی ذرات عالم از زمین و زمان بلکه کائنات ساکنان زمین و آسمانها مشتغل باید
کار زمهایت دهشت چون روز عالم سوز قیامت بیدامت و وحشت کسی را اضطراب بحال خود و فکر خود و خوف مکالمه
اهتمام پیدا از توبه و متوجه نالان و زاری و توجه تضرع و توبه را نماید که بر و فا نشده بیقرار باشند ولیکن باخبار
نبوی صلی الله علیه و اله فکر و ذکر و توبه فایده ندارد بحال کسی که با وجود مواعظ و نصایح و اتمام حجت
پیشتر بکسب معرفت و اطاعت امر و ایمانی برای خود تحصیل نکرده باشد پس چون آفتاب و ماه تا
انتهای دایره سه حیثیت بقرار بمقدار چهل قرون هر دو در اکر منازل یا بمغرب فرود آوردها از عنزلهت

توبه در آن حال پرسید کسی که یا رسول الله باب توبه کدام است فرمود که حق تعالی دری آفریده بسمت
مغرب دو مصراع از طلا مرصع بجواهر پهنای هر دو تا چهل ساله راه است پس آن در باز است تا صبح آنشب
هیچ کس توبه نصوح نکرده تا امروز و نیکویان توبه داخل آن باب شده باشد و آن در بسته می شود پرسیدند
یا رسول الله توبه نصوح کدام است فرمودند پشیمانی از گناه و عزم روانا بر سبیل که دیگر بر نگردد بسوی گناه
چنانکه شیر به پستان بر نمیگردد پرسیدند که بعد از آن حال آفتاب و ماه بچه منوال قرار خواهد گرفت فرمودند
بحال اول و باز مردم باصلاح امور دنیا و زراعت بنا پردازند باحادیث از وقوع پیش از نزول عیسی و بعد
از خروج دابه مذکور شده و همچنین طلوع آفتاب و طوفان دخان قال الجبار فارتقب یوم تاتی السماء بدخان مبین
شیعه و سنی نقل کرده اند از حضرت رسول و امیر المؤمنین علی بن ابی طالب که در عالم دودی پیدا خواهد
شد که در گوش و دماغ کفار داخل خواهد شد و سرشان مانند سر بریان کرده باشد و بحدیث نبوی
مانند دستار پر کند میان مشرق و مغرب را تا چهل شبانه روز و میان آسمان و زمین چون خانه ای بی روزنه
باشد که آتش در آن افروخته باشند و دود از سوراخهای گوش و بینی و دبر شان بیرون می آید و مؤمنان را
مثل زکامی عارض شود و مردم بتضرع و زاری در آمده عهد کنند که خدایا این عذاب را از ما کشف کن که ما
مؤمن میشویم و آخر بار بگناهان اقرار کنند و حق تعالی بعد از ذکر این مراتب میفرماید انی لهم الذکری وقد
جاءهم رسول مبین یعنی کجا متنبه و متذکر می شوند از این حالت و حال آنکه اعظم موجبات تنبه و تذکر پیغمبر آشکار
با آیات بینات و مواعظ بینات آمد بسوی ایشان اما اطاعت نکردند و این علامت اول مقدمات قیامت است و از
آنجمله دیگر استماع صداهای آسمانی چنانکه بروایت صدوق و شیخ از حضرت امام رضا علیه السلام می
فرماید که ناچار است شیعیان را از فتنه عظیمی که در آن فتنه بسیاری از شیعیان خاص برگردند و آن وقتی
است که سیم فرزند من وفات یابد و بعد از او امام ایشان غایب باشد و اهل آسمان و زمین براو گریه
و چه بسیار از مؤمنان که برای او بسوزند و محزون باشند و بعد از آن حیثیت امامت از ایشان مختفی باشد و چون
ظهور او نزدیک شود در ماه رجب سه ندا از آسمان بایشان برسد که همه بشنوند اول الا لعنة الله
علی الظالمین یعنی آگاه باشید که لعنت خدا ثابت بر ستمکاران و از دوم ازفت الآزفة یعنی نزدیک شد
امری که روز بروز در بدم نزدیکتر میرسید سیم بدنی پیش قرص آفتاب ظاهر شود و ندا رسد که اینست امیرالمؤمنین علیه
که برگشته بامر کردد برای هلاک کردن ستمکاران پس آنوقت فرج مؤمنان شده و مرده ها آرزوی حیات کنند و

# در احوال آخر الزمانست

بروایت بسیار از حضرت باقر و صادق علیهما السلام اول روز ظهور حضرت قائم علیه السلام ملکی ندا کند
که بتحقیق که حق با علی بن ابیطالب و شیعیان او است و آخر روز شیطان ندا کند که حق با عثمان و شیعیان او
و مظلوم کشته شد پس بسیاری از آنها که بحبل معرفت دست بهم نرسانیده باشند بشک افتند و شبهه نمایند
و حضرت صادق علیه السلام میفرماید که می آید زمانی که امام غایب شود از خوف کشتن و خدا بغیبت او شیعیان را
امتحان فرمود و در شک خواهند کرد اهل ضلالت و باطل و مکثر ثواب جمعی که ثابت باشند بر اعتقاد حق و ولایت
اهل بیت رسالت اینست که خدا ندا کند ایشان را که ای بندگان من که ایمان آورده اید بر از پنهانی من و غیبت
من بشارت باد شما را ثواب نیکو از جانب من بتحقیق که شما بحق و راست بندگان و کنیزان من اید از شما قبول
طاعت و عفو میکنم و بسبب شما باران رحمت میفرستم و دفع بلاها میکنم زراره عرض کرد یابن رسول الله در
این زمان چه عمل بهتر است فرمود زبان نگاه داشتن ملازم خانه بودن و بروایت زراره اگر آن زمان را دریابی
مداومت نما باین دعا اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنِی نَفْسَکَ فَاِنَّکَ اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی نَفْسَکَ لَمْ اَعْرِفْ رَسُولَکَ اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنِی رَسُولَکَ
فَاِنَّکَ اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی رَسُولَکَ لَمْ اَعْرِفْ حُجَّتَکَ اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنِی حُجَّتَکَ فَاِنَّکَ اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی حُجَّتَکَ ضَلَلْتُ عَنْ دِینِی و ابن
بابویه از حضرت صادق روایت کرده که خواهد رسید شما را شبهه که بی علم و هدایت و امام آشکار خواهید
ماند و نجات نخواهد یافت از آن مگر آنکه این دعا را بخواند بسم الله الرحمن الرحیم یا الله یا رحمن یا رحیم
یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک و حضرت سجاد علیه السلام میفرمایند که طول خواهد کشید غیبت
امام دوازدهم بدرستی که اهل آن زمان که قائل بامامت او و ظهور او باشند بهترین اهل هر زمانی خواهند
بود زیرا که حق تعالی بایشان داده از عقل و فهم آنقدر که غیبت نزد ایشان بمنزله مشاهده شده و ایشان را ثواب
جمعی باشد که در پیش رسول خدا جهاد می کردند ایشانند صاحبان اخلاص بحقیقت و شیعیان ما براستی
و خوانندگان مردم را بدین الهی در پنهان و آشکارا و انتظار فرج کشیدن بهترین فرجها است و باحادیث
معتبره هر که اعتقاد بامامت حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه دارد و انتظار فرج آنحضرت کشد بمنزله کسی است که در
زیر علم آنحضرت بلکه مثل جهاد آنحضرت بلکه در خون خود در جهاد دست و پا زده باشد و باحادیث معتبره هنگام ظهور
آنحضرت اینست که جبرئیل یک پای بر کعبه و دیگری بر بیت المقدس باواز فصیح چنان ندا کند که همه مردم بشنوند
اتی امر الله فلا تستعجلوه امر الهی رسید شتاب در آن مکنید و بروایتی بنام و نسب آنحضرت چنان صدا زند که
هر که در خواب باشد بیدار شود و هر که نشسته باشد برخیزد و هر که ایستاده است بنشیند

## در بیان علامات ظهور آن حضرت

و بعضی علامتهای دیگر از دابة الارض و امثال آن در محلش خواهی شنید و بروایت دیگر پنج علامت پیش
از ظهور آن حضرت ظاهر میشود صدای آسمانی و خروج سفیانی و فرو رفتن لشکرش میان مکه و مدینه و قتل
نفس زکیه از فرزندان حسین با هفتاد نفر از صلحا در نجف که در اسم خود بیده مسمی بحضرت قائم علیه السلام
و بروایتی بعد از پانزده روز از شهادت او حضرت قائم علیه السلام خروج کند و در حدیث وارد شده که هر
قومی را دولتی است و دولت اهل بیت پیغمبر در آخر الزمانست پس ملازم خانهای خود باشید تا علامات
آن دولت را ببینید و نزدیکترین علامات مختوم قتل نفس زکیه و غلبه سفیانی است بر ولایت شام
و حضرت صادق علیه السلام میفرماید که در آن وقت بکوچه بسوی صاحب خود و مقدمات خروج مهدی ع
با حادیث متفرقه بی ترتیب بسیار است شاید بعضی از آنها واقع شده باشد و از آنجمله خروج
خواهد بود از بحرها دسو و بنی خالد از مشرق و قتل بسیار میان دو طائفه عجم و عبور علم سیاه از
انفرات بکوفه و خروج عرب بر شاه عجم و توطن ایشان در خراسان و استیلای ایشان بر شهرها و
آبادی کوفه و قتل سفیانی شیعه را در آن و خرابی بواد مسجدان و مسجد دمشق و خرابی و فتنه در شام
و مصر و اختلاف سه رایت در هر رایت و مخالفت ترک و روم و خرابی بسیار ببلاد بغداد بقتل عام و زلزله
در ری و اسطرطوس و هفت سال در عراق عرب قحط و وباء عظیم بکرر در بصره و روم و نزول روم
در رمله و آنطاکیه و حکام مستبطنه و آب بر آوردن اکثر قری و دریای نجف مساوه و اجتماع هفت
ستاره سیاره و بعضی از اینها حتمی است و بعضی احتمال تغییر دارد و بحدیث نبوی صلی الله علیه و آله که
بحضرت ایشان روایت نموده که چون هنگام خروج قائم علیه السلام میشود علم آن حضرت که پیچیده
گشوده میشود و ندا میکند آن حضرت را که بیرون بیا ای ولی الله پس بکش دشمنان خدا را و شمشیر
آن حضرت از غلاف بیرون می آید و ندا میکند که خروج کن که جایز نیست ترا نشستن از جهاد دشمنان خدا
و بعضی احادیث دلالت میکند که زود تر ظاهر میشد کما ها ان ما باعث تاخیر شد و در توقیع که
آنحضرت بشیخ مفید نوشته در فتنهای آخر الزمان میفرمایند که اگر شیعیان ما جمع میشدند
بوفای عهد تاخیر نمیشد از ایشان شرف خدمت و لقای سعادت با برکات ما پس ما را
حابس نکرده از ایشان مگر آنچه میرسد بما از چیزی چند از ایشان که ما خوش نداریم و ظهور هر علت
از شیعیان باید عمل نماید بچیزی که او را بمحبت ما مقرب سازد و اجتناب کند از هر چه او را بغضب

و کراهت

## در بیان ظهور آنحضرت

وکراهت داشته اند دیگری هم کرده اند که بتحقیق که امر ظهور ما پیش خبر دادگان هم هست تحقق که خدا بعمل نخواهد
داشت توبه و بجائش نخواهد داد از توبه و ندامت **جدول دعوت** در امر آن شعراء الصلاه احادیث
وکیفیت ظهور آن حضرت با جمیع کائنات و همه موجودات و قبائل اهل ایمان تکافه ساکنان ارض و سموات واستیلای
آنحضرت بر کل سلاطین و دشمنان دین و ظالمین عرصه زمین جعلنا الله بعزته الکامله و قدرته الشامله
من خدام الحضرته و الانصار المنتظرین بحق محمد و آله الاطهار صلوات الله علیه و علیهم ما دامت الارض والسماء
بدانکه وقتی برای ظهور آنحضرت معین نشده و باید منتظر امر او شود و بحسب حضرت صادق علیه السلام
هر که تعیین وقت نماید خود را در علم غیب با خدا شریک کرده و اوصی بر سید که بیرون آمدن معلوم میشود
که آنحضرت است و چون ظاهر شود آنگاه خواهند شناخت او را و بجهت تمام شود بر عالم و بروز آثار منقول
و بر طبق آثار معتبره آنجناب بلا دیده قیام بعد از تمام امر حج در سال طاق از هجرت در روز جمعه روز دهم
محرم الحرام داخل مکه معظمه شود تنها بصورت جوان کامل چهل ساله با کمر تمام و زره ببر و لباس رسول
خدا صلی الله علیه و آله در بر و نعلین آنحضرت در پا و عصای آنجناب در دست و بعد از جمعه در پیش او
کسی آنحضرت را نشناسد تا در کعبه آید و تنها داخل خانه شود پس چون شب شود ملائکه فوج فوج نازل
شوند از جانب حق تعالی بر آنحضرت جبرئیل و میکائیل صف صف از ملائکه پس جبرئیل با آنحضرت
عرض کند که ای آقای من قول تو مقبول و فرمان تو جاریست پس دست مبارک بروی خود کشد
و فرماید الحمد لله الذی صدقنا وعده و اورثنا الارض نتبوأ من الجنة حیث نشاء فنعم اجر العاملین آنگاه
میان رکن و مقام ایستاده ندا کند و نقبای خود را طلب اندی سیصد و سیزده مؤمن که اصحاب او از در فراش
خود بخواب باشند از همه بلاد متفرقه بغیر [illegible] جمع آیند و بعضی شب در بستر خواب [illegible] پیدا شوند
و بعضی علی اثر سوار ابر شده [illegible] طی الارض [illegible] آنحضرت ایستاده باشند و قول حق اینست تمام
این ما تکونوا یأت بکم الله جمیعا ان الله علی کل شیء قدیر پس خواهند سیصد و سیزده شمشیر که از آسمان بنام
هر یک و پدر او مدینه بایشان قسمت کنند و [illegible] نوری از آسمان بلند شود که هر کدام مؤمنی باشد تا آن نور پیچ
تا بر [illegible] بپیشت و پشت کعبه تکیه نماید و فرماید این دست خدا و از جانب خدا و بامر خدا
پس این آیه را خواند ان الذین یبایعونک انما یبایعون الله پس اول کسی که دست مقدس آنجناب را
بوسد و بیعت نماید [illegible] مشرف میشود جبرئیل علیه السلام باشد و بعد از آن ملائکه و

## در ظهور آنحضرت است

و نجباء جن و نقباء و آنگاه اهل مکه فریاد بر آورند که ایشان کیستند و در شب چهارم علامتی بود که مثل ۴۰
آن ندیده بودیم چون نظر کنند بغیر از چهار نفر از اهل مدینه کسی را نشناسند چون آفتاب بلند شود
از پیش قرص خورشید منادی ندا کند بزبان فصیح که همه اهل آسمانها و زمینها بشنوند که ای گروه خلایق
این مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله و بنام و نسب و کنیت جدش او را ذکر کنند تا علی بن ابی طالب علیه السلم
بیعت و اطاعت او نمایید تا هدایت یابید و مخالفت او نکنید که گمراه شوید پس صاحب گوشی در عالم
مگر آنکه این صدا را می‌شنود و شیعیان دعا می‌کنند و هجوم می‌آورند از شهرها و صحراها و دریاها
و از هم خبر این ندا را می‌گیرند و نزد غروب شیطان از مغرب ندا کند که ای خلایق پروردگار شما عثمان سفیانی در
وادی یابس بزمین فلسطین ظاهر شده برویید و متابعت او نمایید پس هر صاحب شکی و منافقی بندای
آخر گمراه می‌شود و حضرت قائم علیه السلام همچنان پشت بکعبه ایستاده و میفرماید که ای خلایق آگاه باشید
که هر که خواهد نظر کند بآدم و شیث و نوح و سام و ابراهیم و اسمعیل و موسی و یوشع و عیسی و شمعون
و نظر نماید بسوی محمد و علی و حسن و حسین و ائمه هدی صلوات الله علیهم اجمعین پس بمن نظر
کند که علامات و کمالات همگی با من است و سؤال کنید از من تا خبر دهم بآنچه انبیا خبر داده‌اند و هر که
کتابهای آسمانی و صحف انبیا را خواهد از من بشنود آنگاه شروع فرماید بصحف آدم و شیث و نوح و
و ابراهیم و توریه و انجیل و زبور و فرقان و بخوبی تلاوت فرماید که همه اهل ملل تصدیق نمایند
که بی تغییر و نقصان از ما فوت شده بود همه را خواند آنگاه مردی رو بقفا گشته بخدمت حضرت
عرض کند که منم بشیر امر کرد مرا ملکی که بشارت هلاک لشکر سفیانی را بحضرت تو برسانم حضرت فرماید
که قصه خود و برادرت را برای مردم نقل کن گوید که ما دو برادر در لشکر سفیانی بودیم و بعد از خراب کردن
دنیا از دمشق تا بغداد و کوفه و مدینه بعزم قتل اهل مکه و خرابی کعبه سیصد هزار کس آمدیم تا بصحرا
بیدا که رسیدیم از آسمان ندائی آمد که هلاک کن ستمکاران را آنگاه زمین شکافته شد و تمامی لشکر را
با اسب و اسباب چنان فرو برد که چیزی و کسی را نگذاشت بغیر از من و برادرم پس ناگاه ملکی روی ما را به پشت
سر گردانید و بما گفت ای نذیر تو برو بدمشق و بترسان ملعون سفیانرا از هلاک لشکر و ظهور مهدی آل محمد علیهم السلم
و مرا گفت ای بشیر بخدمت حضرت مهدی علیه السلام در مکه برو و او را بشارت ده بهلاک ستمکاران و توبه کن
بدست آنحضرت که قبول توبه تو خواهد فرمود پس دست مبارک بروی او مالد روی او را درست و بیعت کند پس

حضرت

# در ظهور آنحضرت

حضرت اهل مکه را موعظه و هدایت کند و مسجد و کعبه را باساس قدیم بنا کند و دستهای بنی شیبه را که کلید
دار و خازن بودند ببرد و بکعبه آویزد و در مکه اقامت نموده بعد از تعیین خلیفه از اهل خود با ده نفر
از ملائکه و جن و نقبا بسوی مدینه توجه فرماید پس اهل مکه خلیفه را بکشند چون حضرت برایشان
برگردد و بتضرع پیش آیند پس بعد از نصیحت خلیفه از خود بشان تعیین فرموده متوجه مدینه شود و آن
خلیفه را بکشند پس آنحضرت جن و نقبا را برگرداند تا بکشند هر که ایمان نیاورده و از صد بلکه
از هزار یکی ایمان نمی آورد و چون حضرت مدینه را بنور قدوم مشرف فرماید گوید این قبر جد
من است چه اینها کیستند گویند حبیب و خلیفه و پدر زن پیغمبرند فرماید شاید غیر اینها باشند آیا
هرکس ایشان را میشناسد گویند نعم بلی بعد از سه روز امر فرماید که هر دو را از قبر
بیرون آورند و چون شروع بکندن دیوار کنند بجهت حضرت صادق علیه السلام فرمود برای
امتحان بادی شدید و صاعقه و رعد بعضی بهم رسد تا آنکه اهل شک گویند که اینها از جهت بی ادبی
باصحاب حضرت است همه متفرق شوند و حضرت کاملان اصحاب مبارک خود که مانند مشغول کندن شوند تا
آنکه اصحاب باز گردند و هرکدام که افضل باشند و دو تن برگردند پس آن دو را اخراج کرده هر دو را از قبر
در آورند با بدن تازه و تر پس حضرت هر دو را از کفن عریان کرده و لعن نموده بر درخت پوسیده بیاویزد
در حال آن درخت برای فتنه و آزمایش مردم سبز شود آنگاه ستایان گویند این است والله شرف ثابت
که این دو نفر داشتند نعمتی که ما رستگاریم بمحبت ایشان و اظهار ولایت ایشان کنند هر که ذره از ایمان
دوستی ایشان پنهان میکرده پیش همه ظاهر شود و اظهار محبت تمام نسبت بایشان نموده و خود را بزیارت ایشان
رسانند آنگاه منادی حضرت ندا کند که هر که این دو مصاحب پیغمبر صلی الله علیه و آله را دوست دارد
باید طرفی بایستد پس خلق دو فرقه شوند فرقه که دوست اینها اند حضرت تکلیف کند که از اینها بیزاری
جویند گویند وقتی که ما ندانستیم که این منزلت داشتند از ایشان بیزار نشدیم حالا بیزار نمیشویم بلکه
بیزاریم از تو و هر که بتو ایمان می آورد و بایشان ایمان نیاورده و از خارجیان ایشان دست بیزار پس حضرت
امر فرماید باد سیاهی که همه را هلاک کند پس آن دو ملعون را پایین آورده حضرت علیه السلام ایشان را
بقدرت الهی زنده گرداند و امر فرماید که خلائق جمع شوند پس هر ظلمی که کرده از اول عالم تا انقراض
بنی آدم شده گناهانش را بایشان لازم آورند از زدن سلمان و سوختن در خانه اهل بیت رسانا

# درر نجف الخص

بجزم سوختن اهل خانه و شکستن دست مظلومه صابره و اسقاط طفل معصوم آن مظلومه و زهر دادن
حضرت امام حسن علیه السلام و شهید کردن حضرت امام حسین علیه السلام و ریختن سر اطفال و خویشان و یاوران او و اسیر کردن
اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و ریختن خونهای ایشان و هر خون و فرج و مال و امر حرام که واقع
شده بر ایشان ثابت و اعتراف کنند که همه به شومی غصب حق خلیفه خدا واقع شده آنگاه امر فرماید از شیعیان
هر که حاضر باشد از ایشان قصاص کنند پس ایشان را با درخت کشیده به آتش امر فرماید که از زمین
بیرون آمده ایشان را با درخت بسوزاند و باد را امر فرماید که خاکستر ایشان را به دریا پاشد پس مردی از
اصحاب خود را به مدینه حاکم کند و متوجه کوفه شود آنگاه نامه سفیانی به مدینه رسد که حضرت از مدینه می
گذارد به مدینه های شام لشکر و زنان و ذریه ایشان را اسیر خواهم کرد پس عامل آن حضرت را می کشند خبر به حضرت رسد باز
به مدینه آید و قتال بسیاری در مدینه خصوصا از قریش میکند پس حاکم دیگر تعیین فرموده و بر میگردد به نجف اشرف
و حضرت باقر علیه السلام میفرماید که گویا نظر میکنم به آن حضرت که به نجف و کوفه بالا میرود با سیصد و سیزده
نفر که دلهای ایشان مانند پاره آهن است جبرئیل از راست آن حضرت و میکائیل از چپ و رعب پیش او و پشت
او یکماهه راه و مدد فرماید خدا او را به پنج هزار ملک و چون به نجف میرسند با اصحاب خود فرماید که امشب
عبادت کنید پس مشغول طاعت و عبادت و تضرع باشند تا صبح روانه شده از راه نخیله به مسجد ابراهیم ع
رسیده حضرت دو رکعت نماز بجا آورده و از کوفه که خندق محکمی بار دیگر اهل ایشان و غیر ایشان از لشکر
سفیانی پس به اصحاب خود میفرماید که بروید و ایشان را پیش کشید که عصا و خندق دستشان زنهار
ایشان برگردید ایشان پس حضرت باقر علیه السلام فرماید که والله یکی را نخواهند گذاشت که از خندق
گذشته باشد پس به کوفه هجوم آرند و سفیانی اول از در تسلیم و بیعت درآید بعد به حضرت صادق ع
سفیانی را که فریب داده و گوید ابن عم من برو با پس بعد از مکالمه با حضرت بیعت کند و قوم او بنی کلب او را
توبیخ نموده و بجاریه حضرت باز دارند پس بعزم کارزار روز چهارشنبه بیرون آیند حضرت ایشان را نصیحت کند
و حقیقت مظلومی خود را با ایشان بشناساند و گویند از آن راه که آمده برگرد ای پسر فاطمه که ما را به تو
حاجتی نیست پس از روز چهارشنبه قتال متفرق شوند و روز جمعه به جنگ بیرون آیند و بهترین مسلمانان از لشکر آن حضرت
بکشند پس در آن وقت فرستادن اسد الله علم رسالت پناه را باز کند و نازل شوند ملائکه جنگ بدر پس
آن حضرت و اصحابش لشکر سفیانی را چنان بکشند که همه فانی شوند و بقیة السیف کوفه را بیجانها

کوفه داخل کنند و حضرت میکشد ایشانرا تا بازارها و شهرها که یکی از آنها اهواز است که بعد از
حضرت از آن شجاع تر و قوی تر نیست کو با امام حسین است که بعد از حضرت صاحب الامر باد و از ده نفر
از طالقان بکوفه آیند و بحضرت ملحق شده و بدیشان انتقام میکشی با عهدی از رسول خدا صلی الله علیه و آله
داری آنگاه یکی از موالیان حضرت با او گوید ساکت میشوی یا گردنت را بزنم حضرت عهد نامه از رسول
خدا صلی الله علیه و آله با او بنماید پس از آن بجد بیعت نماید پس حضرت بدیت نود امیر لشکر سفیانی را که اسیر
شده در زیر درخت جبر طرف شام ذبح کند و کافران در کوفه نگذارد و هر سنانند و بنحوی که دشمنان ما را
برده او را از ایشان دهد و سباع و وحوش و طیور از گوشت کفار سیر شوند پس حضرت بنجف اشرف
فرود آید با چهل و شش هزار ملک و شش هزار جن و سیصد و سیزده مؤمن در خدمت آنحضرت باشند
و ملائکه که بودند با نوح در کشتی و با ابراهیم در آتش و با موسی در شق دریا و با عیسی در عروج آسمان
و چهار هزار مسومین و هزار مردفین و هم جمعیکه در جنگ بدر با رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شدند
و چهار هزار که بر حضرت امام حسین علیه السلام نازل شده و رخصت جهاد نیافتند در آن وقت و ملائکه
و جن با مردم الفت و معاشرت میکنند از پشت کوفه هفتاد هزار [illegible] مبعوث کنند که صفا
آنحضرت باشند و گنجها و معدنهای زمین بر آنحضرت ظاهر شود و انواع بادها مسخر آنحضرت گردد
حضرت را شوکتی باشد که بهر جا توجه فرماید بیکماه راه رعب او لشکری [illegible] اشتر باشد که
بر و کتر بت دیگری تا از [illegible] کنار که دست آن را از آنحضرت [illegible] باشد که هر کار در دنیا کوهها صدها
بزند هم از هم فرو ریزند و او را فراستی باشد که هر که را ببیند بسیما بشناسد که او مؤمن است یا منافق
نیکوکار است یا بدکردار و خود سایه ندارد و همیشه ابر بر سر او سایه کند و عصای شعیب را برابر که
این مهلک [illegible] زمین در زیر پای آنحضرت [illegible] و با او باشد آثار انبیا و از آنجمله
عصای موسی که هر وقت بیندازد اژدهائی شود که میان دو کامش چهل گز باشد هر چه را فرو برد
بر و سنگ اشتر باشد آنحضرت که بار شتر [illegible] از مکه ندا کند که کسی توشه برندارد [illegible]
نصب کنند هر منزل از دو چشمه از آن جاری شود و طعام و علف بیرون آید و چون بکوفه [illegible]
آب شیر از او جاری باشد و پای تخت در کوفه خواهد بود و محل غنایم در مسجد سهله [illegible] نجف
اشرف و مؤمنی نماند مگر بکوفه یا حوالی کوفه یا مایل کوفه باشد و قیمت جای اسبی ده هزار درهم باشد

## در ظهور آنحضرت

و مردم آرزو کنند که شبری از آن زمین را بخرند بشبری از طلا و وسعت کوفه به پنجاه و چهار فرسخ برسد و
قصرهای او متصل شود بکربلا که پیوسته محل تردد ملائکه باشد و مؤمنان شان عظیمی خواهند داشت بلقعه
برکت در آنجا باشد که اگر مؤمنی در آنجا دعا کند حق تعالی هزار برابر بنا عطا کند پس در این مقام جناب حضرت
صادق علیه السلام آهی کشیدند و فرمودند بتحقیق که بقعه‌های زمین بهم تفاخر کردند پس کعبه بر کربلا تفاخر کرد
حق تعالی فرمود بکعبه که ساکت شو و فخر مکن بر کربلا او فرمود که برای شیعیان ما خیر و برکت در آنجا مهیا است تا
قیام نماید قائم ما و بروایتی از پشت قبر حضرت امام حسین علیه السلام نهری بسوی نجف جاری شود که
بدریای نجف بریزد و بر آن نهر آسیاها ساخته شود و حضرت فرمودند که گویا می بینم که ضعیفه مکتله
بر سر می‌گذارد بکربلا که آسیا کند بی کرایه و چنان امنیت بهم رسد که سباع ضرر بحیوانات نرسانند پس
حضرت مهدی صلوات الله علیه جمیع بدعتها را برطرف کند و قرآن تمام را و سنتها را که متروک و معطل
مانده برپا دارد و بغیر اسلام راضی نشود و جزیه و نفاق برطرف شود و زانیه محصن را سنگسار کند و هر که
زکوة نداده باشد گردن زند و بعلم خود عمل کند و بینا از دل کسی که در خدمت آنحضرت ایستاده امری
باو ظاهر شده فرماید که او را گردن بزنند و در روایت دیگر مشهور و معتبر است که پیش از ظهور او واقع شده
خواهد شد چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله در زمان جاهلیت مبعوث شد و کسی که در غیر زکوة و زنا مخو
بود و دست مبارک خود را بر سر مؤمنان کشد که عقلشان کامل شود و هر شیعه را قوت چهل مرد باشد
با دل محکم تر از قطعه آهن و حق که اگر خواهند کوه را از جا بکنند و همه اشیا اطاعت ایشان بکنند
حتی بودن نه که آن زمین و فخر کنند که یکی از اصحاب حضرت قائم علیه السلام پا بدان بگذارد و گوش و چشم
ایشان را نوری باشد که در هر جا که باشند بمخاطبه آنحضرت مشرف شوند و جمیع امراض و کوری و نابینائی
ببرکت حضرت از ایشان برطرف شود و بعضی شیعیان که مرده اند زنده کند حق تعالی و برکت عظیم
در مال و عمر و اولاد ایشان بهم رسد و فقیری برای زکوة بهم نرسد و مردمان مؤمنان یکدیگر را زیارت کنند
و بظهور آنحضرت ایشان را بشارت دهند از قبل ایشان هر که خواهد زنده شود و بخدمت آنحضرت
آید چنانکه در بعضی [illegible] مذکور خواهد شد چون [illegible] کتاب [illegible] نوشت
[illegible] لشکر [illegible]
لشکر دجال [illegible]

سوند

# در شرح بعد از ظهور آنحضرت

و از این جهت در احادیث آن دو را ابدال گفته‌اند و چون جنگ برود که بر سفیانی و لشکرش چنان
کشته شوند که کسی نماند که خبر برای دجال ببرد و آنحضرت بعد از نزول عیسی ع بر دجال غالب شود و او را
در شام و بروایتی بر روی صخره بیت المقدس بقتل رساند و بعد از طی کار سفیانی و دجال لشکرها را با اطراف
فرستد و هر یک از سیصد و سیزده نفر را در ولایتی والی گرداند و ایشانند حکام الهی در زمین بر خلق
او و حضرت صادق علیه السلام میفرماید که گویا می‌بینم قائم علیه السلام را در نجف اشرف و کوفه در زره
رسول خدا صلی الله علیه و آله را در بر و بر اسب سیاهی سوار که پیشانی او سفید باشد و آنرا حرکت دهد
که با مجاز اهل هر شهری پندارند که آنحضرت با ایشان است پس بگشاید علم رسول خدا صلی الله علیه
و آله را که چوبش از عمود عرش و باقی اجزای آن هیئت نصرت ظفر باشد و آنرا متوجه هر جا نماید خدا
اهل آنجا را هلاک نماید و لشکری باستنبش فرستد و چون بخلیج رسند چیزی بپاهای خود نوشته بروی
آب عبور نمایند و اهل شهر از مشاهده آن دروازه‌ها را گشوده اطاعت نمایند و بنی امیه بغزات فرار کنند
چون نصرانی شوند و چلیپا بگردن اندازند اهل فرنگ ایشان را راه دهند و لشکر قائم ایشان را تعاقب
کرده و نصاری آنان را طلبند اصحاب قائم علیه السلام بشرط امان دهند که بیرون آیند همه را
گردن بزنند و تمامی بلاد فتح شود و نام کفر و شرک از روی زمین برطرف شود و احادیث در قلت
سلطنت آنحضرت مختلف است بقدر مکث اصحاب کهف سیصد و نه سال وارد شده و چهل و هفت سال
و هفتاد سال وارد شده است ممکن است مبدأ اول بعد از فتح کل بلاد در یک زمین باشد و الله تعالی یعلم و عاقبت
حال سلطنت آن بزرگوار حضرت متعال در عالم و بعد از سیم جای خواهد شد ان شاء الله چهارم و سیم
در بیان ماجرای و وقایع غریبه‌ها که بعد از ظهور آنحضرت در عهد آنحضرت یا بعد از آن تا وقوع
بلیه عظمی و قیامت کبری و از آنجمله نزول حضرت عیسی از آسمان اعلیٰ است استقبال جناب رسالت قباب سعادت
انتساب و نیز حضرت خاتم الاوصیاء صلوات الله و سلامه علیهما و بعثت نبوی صلی الله علیه و آله است که آنحضرت
نمایند بر قتل و دفع دجال شقاوت انتما و قلع و قمع عساکر حسن لان ما نری یخرج احسنا ان اشقی الاشقیاء
و بیت المقدس که از انبیای پاک از مرکز خاک بمعراج افلاک نهاده نزول نماید با تمکین و
حلهٔ رنگین و هوا هر قرات زمین و بدستهای جناح دو ملک امین گرفته چون هوبج نور از
در بیت آسمان حضور از آسمانها اندازد و خلق کل آفاق و انفس و هر کس نظر بفرج نور الهی با استقبال روم

# در کیفیت یاجوج ماجوج

الهی متوجه ساز و جان مؤمنان از ذلت مردم عاجز طاعت پناهند و هر کافر و جاحد نفوذ ایمن بود و هر شریر به
حرب دجال با او باشد از مرد و اربی مثل آن یکو زنخ مانند شهاب ثاقب و چشم دجال که در بیت المقدس
بقتل مؤمنان اشتغال دارد از نور جمال آن رسول با عزم ذو الجلال خبر شده از فرط حیرت و دهشت قرار و
حرکت نمی‌توانند کرد پس یکمرتبه بسوی چندان سیلاب خون از پیکران نحس آن ملعون دوان شود که صحرای
بیت المقدس سرخ گردد و شاید این منافی نباشد با احادیث صدق که قتل آن ملعون از حضرت قائم
صلوات الله و سلامه علیه چون حضرت روح الله خدمت جناب برگزیده اله و ارث علم قدس سازد و
سایر انبیاء الله را بر شریعت تبال الحنیفه اقتدا به حضرت بلو تکلیف ما فتنه انفرمایند انعارف معارف
لولایه و ذلک مرتبه ولایت بر رسالت بعد قلد الدنیا باذن الهی دست جناب رفیع اقدس ید الله فیر اکو
بخورد مقدم و بشرف متابعت و اهتمام با حضرت مشرف و مکرم باشد و این یکیست از ادله جزم بر افضلیت
اهل بیت رسالت از پیغمبران اولوالعزم والحمد لله پس کن نحو بجانه آفاق لحوت و وفاق با اتفاق نا پره فتنه
منا داهل شقاق را بانداز ما بی باب شمس رو نشانند پس حضرت روح الله محمد امره از اهل بیت
ولایت حبال عقد خود دراورد و بعد از طی واقعه هایله یاجوج و ماجوج احرام حجة الاسلام بتمام
بجد هماوی پیش از وصول بمکه در سجده طرقه فردوس پیش کبرد و بعد بیشوی شرف دفن در بناه آن
حبیب الله عابر گردد و اما قصه یاجوج و ماجوج که در قرآن صحبت پس بحدیث حضرت صادق
علیه السلام ایشان اکثر خلق اند بعد از ملائکه و هیچ یک نمیرند تا هزار فرزند از صلب ایشان
بهم رسد و در آخر الزمان سد خراب شود و بیرون آیند و مردم را بخورند و مروی است که هر یک از
ان دو گروه چهار صد هزار امت اند که بهم مشابهت ندارند و بروایتی چهار صد فرقه اند و هر فرقه
اند و هر فرقه چهار صد برابر امت محمد صلی الله علیه و آله اند چون وعده الهی بخروج ایشان رسد سد را
شکسته چهار گروه شوند و سردار گروه اول طوالان نام دارد که هر چه بیند از اشجار و اثمار و زلال انهار
و امثال آن ناخوش گوار باشد تمام کنند و گروه دویم آنچه که اینجا در باغات از ریاحین و نبات مانده با بخارهای تلخ
و شور فانی نمایند و چهارم سیم شاکر از درخت و درو و دشت و کوه و خاک و آبخیز از حیوانات و حشرات
درو هار و معالک یابند بشکم بر آیند و هر چه زمینی پر کاهی و ذره گیاهی و قطره ماهی ... ملک آنکه در بیدار
باید ساند چهار ... که از جنه توشکی ... سد ... دشمن ... یا بیکه ... ره باشد

# در کیفیت یاجوج و ماجوج

تلف نمایند و چون محیط زمین را احاطه کنند که یک گز زمین از ایشان خالی نماند و چون بکوه بیت المقدس
برسند تیرهای طغیان بجانب آسمان از کمان کین بآسمان اندازند و بعزم مصاف خداوند عالم
انشاء الله تا بجهنم رود و قرص آفتاب هدف خدنگ کفران سازند و گویند چنان مهار ... در تیر اندازی
کمتر از پشت صافی شصت اشرار بعد ... راه بشکوه بنالند و چون ظلم و جفای ایشان بمرتبه
علیا رسد و بشدت قحط و غلا مبتلا شوند مؤمنان که در خدمت حضرت خاتم الاوصیا و خضر علیهما السلام
بامر الهی در کوه طور و بروایتی در بیت المقدس محبوس ... شده اند بدعای مستجاب جناب لایتناب
هم بطاعون یا بازبت کرمی که در گلوی ایشان ... [illegible] ... ایشان
و واصل جهنم شوند و از کثرت ... ایشان عالم بتنگ که جای یک ذرع از زمان خالی نباشد متعفن گردد تا آنکه
بامر فراش باد مراد و سقای ابر رحمت جواد عرصه بلاد را از دنس اجساد ایشان پاک نموده و مؤمنان از بفراغ
بال بشکر ذو الجلال اشتغال دارند و مرویست که مؤمنان هفت سال از تیر و کمان ایشان آتش برافروزند
بسوزانند مدت تسلط ایشان چهل سال ... [illegible] ... شده و بعد از چند سال مؤمنان برحمت الهی رسند
مگر بدان که قیامت بر ایشان قیام کنند و از آن جمله قیامت صغری یعنی رجعت ائمه هدی و خلص
شیعیان ایشان در عهد قائم صلوات الله علیه و بعد از آن تا دیدهای ایشان روشن شود بدولت و سلطنت
ائمه خود و فوز بعضی از جزای اعمال حسنه و بانتقام از ظالمان و دشمنان خود که هرگز نخواهند شد برای
عقوبت فی الجمله این معنی اجماعی شیعه است و همیشه چون سنی منکر این بوده از راه تقیه این معنی شهرت نیافته
و آیات بینات که تفسیرها ... مؤلف شمرده و روایات متواترات در این معنی بسیار وارد شده و در حدیث
طولانی رجعت ... مفضل گوید که عرض کردم بخدمت حضرت صادق علیه السلام که جمعی از شیعیان
و دوستان شما قائل برجعت شما نیستند فرمود مگر نشنیده اند ... [illegible] ... و احادیث
ما و جد ما رسول الله صلی الله علیه و آله خبر داده ایم و جمیع پیشینیان ... تصدیق کرده اند ... سلطنت قائم ما
می گویند ... ایشان که پادشاهی ... [illegible] ... شیعیان ما در
قرآن ... [illegible] ... نکنند و در کتب مشایخ شیعه روایت کرده اند از سلمان فارسی رضی الله عنه که گفت
داخل شدم بر رسول خدا صلی الله علیه و آله چون مرا دید فرمود ... [illegible] ... مکرر ...
... [illegible] ...

## در رجعت ائمه علیهم السلام

ما را که خدا ایشان را بهتر کرده است با مامت بعد از من گفتم پدر و مادرم فدای تو باد چه ثواب است
عارف بودن ایشان را فرمودند ای سلمان هر که ایشان را بشناسد البته حق را شناخته و انکه ایشان را
دوست دارد ایشان را او دوست دارد دوستان ایشان را و دشمن ایشان را دشمن دارد پس بخدا
سوگند یاد میکنم که او از ما است و وارد خواهد شد هر جا که ما وارد شویم و ساکن میشود انجا که
ما ساکن میشویم گفتم یا رسول الله ایمان بایشان بی شناختن نام و نسب ایشان درست میشود فرمود نه گفتم
الحسین علیه السلام را شناختم فرمودند بعد از او سید العابدین علی بن الحسین تا اخر او علیهم السلام
یکان یکان فرمودند پس من گریستم و گفتم ای وای که سلمان از ادراک خدمت ایشان فرمود یا سلمان ادراک
ایشان خواهی کرد تو و امثال تو که بحق معرفت با ایشان پیروی کرده باشید گفتم من تا زمان ایشان می
رسم فرمود ای سلمان بخوان ثم رددنا لکم الکرة که در باب رجعت بدینها نازل شده پس گریه و شوق من شدید شد
گفتم در خدمت تو خواهد شد فرمودند بلی بخدا انکه محمد صلی الله علیه و آله را براستی فرستاده که
خواهیم بود من و علی و فاطمه و یازده امام و هر که از ما باشد و از برای ما ظلم کشیده باشد بعد از ان البته حاضر
خواهند شد شیطان لعین با لشکرش و هر که ایمان خالص داشته باشد یا کفر خالص تا قصاص کرده شود
سلمان گوید بیان نعمت رسول الله امر خواستم و پروا نداشتم هر وقت که بمیرم و حضرت صادق علیه السلام
در حدیث سابق میفرماید که بعد از قیام قائم علیه السلام و قتل سفیانی حضرت امام حسین با هفتاد
دو تن شهدا که با او بودند و از دوازده هزار صدیق و بروایتی هفتاد و پنج هزار و بعد از ان صدیق اکبر امیر المؤمنین
صلوات الله علیه بیرون میاید برای او قبه در نجف برپا شود که یک لنگرش در نجف و یکی در هجر و یکی در
صنعای یمن و چهارم در مدینه و گویا میبینم چراغهای قندیل که روشنی میدهد باسمان و زمین مانند افتاب و ماه بلند
از ان سید اکبر محمد مصطفی صلی الله علیه و آله با هر مؤمن از مهاجر و انصار و شهداء با او بیرون آیند
هر که تکذیب و شک کرده باشد تا در بنا هم بجای خود بستند و همچنین بر میگردانند یک یک از
ائمه صلوات الله علیهم السلام با یاوران ایشان تا خوشحال شوند و معاندان ایشان تا معذب و خوار شوند
و گویا میبینم ان روز را که ما گروه ائمه نزد جد خود ایستاده شکوه کنیم از انچه بر ما واقع شده از امت
جفاکار و چون رسول خدا صلی الله علیه و آله نظر بمظلوم کربلا افکند که بخون خود اغشته چنان
بگرید که اهل اسمانها و زمینها بگریه آن حضرت گریه کنند و حضرت فاطمه صلوات الله علیها نعره

نعره زند که زمین از نعره او بلرزد و بگریند بر او ملائکه آسمانهای هفتگانه و عرش الهی و هر که در دنیا
و تحت الثری باشد بجز وحوش پس نماند احدی از کشندگان و ظالمان ما و راضی نگردیم از ایشان مگر آنکه از هر یک
هزار مرتبه کشته شوند باز فرمود که پس برخیزم من و ملائکه از دور ایستاده باشند با جماعتی رسول خدا
صلی الله علیه و آله که در جنگ احد از زخم پیشانی و دندان آن حضرت خون آلوده شده بود و گوید مرا وصیت کردی
برامت بنام و نسب پس انکار من و حق من کردند و گفتند که متولد نشده یا مرده و گوید با بعد غیبت هیچ
پس نگیرم تا باذن الهی ظاهر شدم و فرمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین با صاحب الزمان
البته کل زمین را خواهد گشت حتی پشت کوه قاف و ظلمات و جمیع دریاها را تا نماند جائی مگر آنکه دین
خدا را بر پا دارند و بر همه دینها غالب گردانند و حضرت امام حسین علیه السلام در حدیثی که بحدیث حضرت
باقر علیه السلام که پیش از شهادت باصحاب خود خواند میفرماید که اول کسی که زمین را شکافد بیرون خواهد
آمد من باشم و موافق باشد بیرون آمدن من و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه با قائم اهل بیت و نازل شوند
بر من جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و لشکری چند از ملائکه و ائمه هدی پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و
شمشیر خود را بقائم صلوات الله علیه بسپارد بعد از آن انقدر در زمین بمانیم که خدا خواهد پس
امیر المؤمنین صلوات الله علیه هند شمشیر رسول خدا را بفرستد از مشرق و مغرب تا جمیع دشمنان خدا را
بتها را بسوزانند و کل هند را فتح کنند و حضرت یوشع و دانیال زنده شده بخدمت حضرت امیر المؤمنین آیند
و گویند راست گفت خدا و رسول خدا آنچه شما را وعده داده بودند و حضرت ایشان را با لشکری بصره
فرستد که دشمنان را بکشند و شیعه نماند مگر آنکه ملکی هستند که بر ... دیگر و پاک کند و زنان
و ... برکت نا ... و تنگی در زمین نماند و در روایتی دیگر حضرت امام حسین علیه
السلام ... پادشاهی کند که موهای ابروی ... بر چشم ... چون معرفت حضرت امام حسین
در دنیا مستقر گردد حضرت قائم رحلت فرماید و حضرت امام حسین او را غسل دهد و کفن نماید
و دفن نماید و از حضرت صادق منقول است که گویا می‌بینم حضرت امام حسین را ... از نور ... از یاقوت
سرخ ... بانواع جواهر ... و در آن نور هزار ... سبز باشد و مؤمنان فوج فوج بدیدن آن حضرت
آیند و سلام کنند و از جانب خداوند عالمیان بایشان ندا رسد که ای دوستان من ... از ... دنیا
دنیا و اجرتان ... که ظلم و خواری بسیار کشیدید ... طعام بهشت برای ایشان آید

## در رجعت ائمه علیهم السلام

و بروایتی آنحضرت بعد از حضرت صاحب الامر سیصد و نه سال پادشاهی کند بعد از آن نوبت سلطنت
امیر المؤمنین ع باشد در خطبه دیگر که از حقایق معرفت معارف رجعت مشحونست میفرماید که رفع
سبب رجعت خواهد بود که یعنی الله ایمانهای بدرستی تا فرمود که باید هر کس آماده کند نفس خود را و عمل شوق
مکر ... و تفصیل معرفت و تسلیم و اطاعت حضرت اینست که شک و معصیت در دل اثر انداخت
از ما و برای ما و نزدیک تا آنکه فرمود که بشارت باد شما را بتحقیق که از ما اهل بیت مهدی خواهد بود
خالص از کفر که خدا نصرت خود را بآن کامل خواهد نمود تا آنکه فرمود بدرستی که کار ما سخت و صعب است دشوار
متحمل آن نتواند شد مگر ملک مقرب یا پیغمبر مرسل یا بنده که خدا دل او را بایمان امتحان نموده باشد
پس مکرر فرمودند یا عجبا کل العجب بین جمادی و رجب پرسیدند که این چه امر است که از آن تعجب میفرمائی
فرمودند که کدام عجیب تر است از مردهائیکه خواهند بر فرق مردها ... کنند با آنکه دانند اشکار
و اسرار ... که گویا می بینم مردکان که داخل کوچهای کوفه شده اند و شمشیرهای برهنه بر دوشها نهاده
میزده باشند بر دشمنان خدا ... تا آخر پس شروع فرمودند بتفصیل و کیفیت خروج قائم علیه السلام
و علامات آن و بروایت حضرت امام محمد باقر ع فرمودند که حق تعالی فرد و فرداست متفرد است و اول
از همه چیز کلمه فرمود و آن نور شد و از آن حضرت رسالت پناه و ما را خلق نمود پیش از کل خلایق پس عهد ...
گرفت از کل ارواح انبیا که ایمان او ... یاری ما بنمایند اینست معنی این آیه و اذ اخذ الله میثاق النبیین تا
لتؤمنن به و لتنصرنه یعنی ایمان بمحمد بیاورید و وصی او را یاری کنید و عنقریب همه وصی پیغمبر را یاری
خواهند نمود بتحقیق که خدا پیمان مرا با پیمان پیغمبر گرفت که هر یک یکدیگر را یاری کنیم و من وفا کردم و برای
آنحضرت با دشمنان او جهاد کشتم و احدی از پیغمبران هنوز یاری من نکرده اند که پیش از من رحلت کرده اند بعد از این
خواهند کرد تا وقتی که عالم از من باشد و بعد از همه پیغمبران از آدم تا محمد صلی الله علیه و آله را زنده کرده اند و
در پیش روی من جهاد خواهند کرد و شمشیر بر سر کفار خواهند زد از زنده و مرده در برابر من و چگونه
تعجب نکنم از مردها که زنده شده فوج فوج آیند و صدا بتلبیه بلند نمایند که لبیک یا داعی الله یعنی اجابت کردیم
و در حضرت تو ایستاده ایم در کوچه و بازارها ... تا ... جباران اولین و آخرین بتحقیق
که مرا است ... صاحب ... صاحب ... صاحب
... صاحب ... منم ... خدا و ... منم امین خدا و خازن علم ...

منم

# در رجعت ائمه علیهم السلام

منم اسماء حسنی منم امثال علیا و آیات کبری منم صاحب بهشت و دوزخ و با من است تزویج اهل جنات ٨
و بسوی من است بازگشت خلق در قیامت و حساب ایشان منم مؤذن در اعراف منم ظاهر در آخر الزمان در پیش
چشمه آفتاب با عصای موسی و انگشتر حضرت سلیمان که نشان کنم پیشانی مؤمن و کافر را که نقش کند مؤمن حقا
و کافر حقا منم امیر همه مؤمنان و خاتم اوصیاء پیغمبر آخر الزمان منم آنکه خدا مسخر من ساخته ابر و رعد و برق
و نور و ظلمت و باد و کوهها و صحراها و دریاها و آفتاب و ماه و ستارگان را و بسند حدیث معتبر از حضرت صادق منقول است که
چون شیطان مهلت خواست تا روز قیامت و خدا تا وقت معلوم مهلتش داد پس آن روز ظاهر می‌شود تا
جمیع لشکر و تابعانش از خلق آدم تا آن روز و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام برگردد با اصحاب خود و
آن آخر رجعتهای آن حضرت است و بعزم محاربه همه را ملاقات نمایند در جائی از فرات نزدیک کوفه
پس جنگی کنند که هرگز از اول خلق عالم تا آخر نشده باشد و گویا می‌بینم اصحاب حضرت را که شکست
خورند و صد قدم پس نشینند و گویا می‌بینم که پاهای بعضی داخل فرات شود و آنگاه خداوند قهار ابری
فرستد پر از ملائکه و حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله پیش آن ابر باشد با حربه از نور چون شهاب ثاقب
چون نظر شیطان بر آن حضرت افتد از عقب برگردد گویند الحال که ظفر یافتی بکجا میروی گوید می‌بینم چیزها را
که شما نمی‌بینید و من میترسم از عقاب پروردگار عالمیان که ناگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله در
رسد و نیزه چنان در میان دو کتفش زند که بهمان یک ضربت او و جمیع اصحابش هلاک شوند و بعد از آن
عبادت الهی خالص از شرک و کفر در زمین کرده شود و حضرت امیر المؤمنین چهل و چهار هزار سال پادشاهی کند
و از هر شیعه هزار پسر بهم رسد و در هر سالی یک پسر و دو باغ سبز که خداوند منان در سوره الرحمن
فرموده در مسجد کوفه بهم رسد تا وقتی که خدا خواهد و در حدیث دیگر فرموده که آن حضرت را حضرت
امام حسین علیه السلام یک رجعت فرمایند و از معاویه و تابعانش انتقام می‌کشند در همان صفین بعد از
آنکه سی هزار از یاران آن حضرت و هفتاد هزار از یاران دیگر زنده شوند و معاویه و اصحابش زنده شوند
و همه را بکشند و یاران ایشان را بسیار بدترین عذابها معاقب گردانند و بار دیگر آن حضرت با رسول خدا صلی الله علیه و
آله برگردد و جمیع پیغمبران ظاهر شوند رسول خدا صلی الله علیه و آله علم خود را به آن حضرت علیه السلام
دهد و همه انبیا در زیر علم آن حضرت باشند و سایر امامان عمال و نواب او باشند در اطراف
عالم و حق تعالی به پیغمبرش عطا فرماید چندان پادشاهی که تا از جمیع اهل و بروایت دیگر فرموده

پنجاه هزار سال و در تفسیر ان الذی فرض علیک القرآن لرادک الی معاد فرموده اند و الله که دنیا
منقضی نشود تا رسول خدا و امیر المؤمنین صلوات الله و سلامه علیهما در ثویه یکدیگر را ملاقات
نمایند و در آنجا مسجدی بنا کنند که دوازده هزار در داشته باشد و در بعضی احادیث معراج مذکور است که
وحی شد که علی آخر کسی است که قبض روح او خواهم کرد از امامان و او است دابة الارض که با مردم سخن خواهد گفت
و ابن عباس روایت کرده که عمر دنیا صد هزار سال است بیست هزار سال با مردم است و هشتاد هزار سال
ملک اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله است و در روایتی چون حضرت قائم صلوات الله علیه خروج کند
بیست و هفت نفر از مردگان زنده شده یاوران و حکام آن حضرت باشند در شهرها و پانزده نفر
از قوم موسی که مردم را هدایت و بحق دلالت می کردند و اصحاب کهف و حضرت یوشع و سلمان و
ابودجانه و مقداد و مالک اشتر و بروایت دیگر چون آنحضرت ظاهر شود ملکی بقبر مؤمنی آمده گوید
امام تو ظاهر شده اگر خواهی برخیز که با آن ملحق شوی و الا در نعیم پروردگار خود بمان تا اینجا
و بروایتی نزدیک ظهور آنحضرت در ده آخر ماه رجب و اول جمادی الاخر بارانی بیاید که نشده باشد و بدان
گوشتهای بدن مؤمنان بروید و گویا می بینم ایشان را که بیرون می آیند و خاک از موهای ایشان می‌ریزد
و در بعضی اخبار معتبره هر که رجعت کند و بر می خواهد بود و در تفسیر و لئن متم او قتلتم لالی الله تحشرون
احادیث معتبره وارد شده است که هر که از امت بمیرد و قتل هست یکی پیش از رجعت و یکی بعد از رجعت و
بروایت دیگر رجعت نخواهد کرد مگر کسی که ایمان خالص یا کفر خالص داشته باشد و از آنجمله خروج دابة الارض
چنانکه قرآن بآن ناطق است و مشهور خروج او در مسجد الحرام یا کوه صفا است بعد از نزول حضرت
عیسی علیه السلام و قتل دجال و قامت او شصت ذرع است و بروایتی سر او برابر ابر است و الوان مختلف
در بدن او باشد و هر عضوی از او بمثابه حیوانی باشد و چهره او چون برق درخشان باشد و جبین مبارک
او چون آفتاب تابان و پیکر او چون کوه راسخ و میان دو قرن او یک میل است و بحدیث علوی سه روز متصل
بیرون می آید که مردم سر او ببینند و هنوز ثلث او بیرون نیامده باشد و بروایتی سه روز سر او و باقی بدنش چهار روز
بیرون می آید از زمین چون تن طیور و موی دارد و چهار دست و پا دارد و هر صنفی از دواب اصل قوائم او دوازده
گز بذرع آدم علیه السلام و در تفسیر ملا فتح الله مذکور است که حضرت موسی علیه السلام خواست
که دابة الارض را ببیند پس سه شبانه روز بیرون می آمد از زمین و هوا با خلقت مهیبه و موسی علیه السلام

# در رجعت ائمه علیهم

ترسیده دعا کرد تا بصورت خود برگشت بالجمله حقتعالی از برای امتیاز خوب از بد از بهر مؤمن و دیگر زبان ج
فصیح بمؤمن تا مؤمن خطاب کند و بکافر تا کافر تکلم کند بزبان بلیغ که ان الناس کانوا بآیاتنا لا یوقنون
و گویند که گویند الا لعنة الله علی الظالمین و عصای کلیم الله بدستی و انگشتر سلیمان بن داود بدست
دیگر و میان دو چشم کافر و مؤمن نقش میکند باذن سبحانه و روی مؤمن نورانی و نوشته میشود
میان دو چشمش که هذا مؤمن بالله و روی کافر سیاه و ظلمانی گشته در میان دو چشمش نوشته میشود که هذا
کافر بالله و بروایتی مؤمن را بخاتم و کافر را بعصا نشان میکند گویا یا فلان تو از اهل بهشتی و یا فلان تو
از اهل دوزخی پس بعد از آن مردم را بنام نخوانند بلکه روسفید یا بهشتی و روسیاه یا دوزخی خطاب
نمایند و باحادیث متواتره شیعه دابة الارض خطاب بجناب قدس مآب امیر المؤمنین ع و از انجمله نفخ صور است
دو بار یا سه بار و بروایت مختلفه صور شاخی است بسیار عظیم بیست و یک و بروایتی هفتاد دایره دارد هریک
بوسعت دنیا مشتمل بر ارواح اصناف ذی روح و از حجرها [illegible] بسوراخها و شکافها و اراده بعد
ارواح اهل آسمان و زمین و از اسرافیل در زیر عرش بدم کوفتن منتظر فرمانست قوله تعالی ما ینظرون
الا صیحة واحدة تاخذهم وهم یخصمون در حالتی که مردم با هم در معامله و مخاصمه مجادله باشند چنین بی
بخاطرشان نمیرسد امر نفخ [illegible] که بناگاه باذن الله بدمد بنحوی که جمیعا از وحشت و فزع و دهشت
هراسان و مضطرب بیهوش شوند و کسی نداند که این چه بود و چه حادثه هایله روی نمود و بعضی جبال در نفخ
طول دهد که مانند آن من فواق پس کوهها از هم بپاشند و زمین بمثابه کشتی در طوفان بجهد و موجها زند تا آنکه
و شیاطین هر بار بعزم فرار در اقطار انتشار یابند بعضی ملائکه در آفاق متفرق گردند و بهمین نفخه تا دفعه
دوم از صولت نهیب و هیبت اسرافیل که باسمانهای معلق و زمینها مطبق پیچید [illegible]
و کل خلایق را [illegible] پیش گیرند که از عرش مجید تا فرش صعید [illegible] نماند حضرت سجاد علیه السلام در کیفیت
نفخ صور میفرماید که اول اسرافیل بامر الهی بر زمین می آید با صور و آن دو شعبه دارد میان هر دو طرف با آسمانها
و زمین چون ملائکه و اهل زمین ببینند که اسرافیل بر زمین می آید گویند که فرمان حق شده که اهل
آسمان و زمین همگی بمیرند پس در بیت المقدس رو بکعبه بگیرد پس چنان می دمد که بصدای شعبه طرف آسمان
اهل آسمان و از صدای شعبه زمین اهل زمین جمیعا بمیرند پس خدا باسرافیل فرماید که بمیر با بحالی میمانند
تا که خدا خواهد آنگاه فرماید آسمانها را که از هم بپاشند و کوهها را [illegible] شوند

# در کار اجرای قیامت کبری

و زمین را ابدال کنند بزمینی که بر آن معصیت الهی نشده باشد و گشاده باشد و بلند و گیاهی بر آن
نباشد چنانکه روز اول همین بود و عرش را بر روی آب بقدرت خود قرار دهد آنگاه از صدای پادشاه الملک
ندا کند لمن الملک الیوم صد هزار سال بگذرد پس هیچکس نباشد که جواب گوید پس خود فرماید لله الواحد القهار
منم یگانه که جمیع خلایق را بسبب قدرت خود آفریدم و بمشیت و قهر خود همه را معدوم کردم اینکه و
بقدرت خود زنده میکنم پس باذن الهی صدای از آن صور برآید که اهل سما همه زنده شوند و اسرافیل
میدمد تا اهل زمین بشنوند همه ملائک عرش عرش را برداشته ملائکه بهشت و دوزخ را حاضر میکردانند
و ملائکه محشور میکردانند برای حساب چون حضرت ایجاد نمودند شروع بگریستن نمودند و مشغول
بگریه شدند و بروایت حضرت صادق علیه السلام چهل روز باران رحمت باران سلطه چنان ببارد که
از همه اجزای متفرقه قوالب اموات از مشرق و مغرب عالم حلیه التیام بپوشند و بروایت دیگر اول
جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل را زنده نموده به بهشت فرستند تا از برای محمد و آل محمد تشریفات
ایشان زینت و آرایش دهند و براق با لوای حمد و حله و تاج برای سلطان سریر لولاک لما خلقت
الافلاک با هفتاد هزار ملک مقرب متوجه تقبیل مرقد منور خیر البشر و شفیع یوم محشر کردند و بهمانجا
عمود انوار که از قبر احمد مختار تا افلاک دوار کشیده بسر تربت مقدس رسیده جبرئیل قطرات عبرات بر
آنجناب بارید که بر رو ماتمکده سؤال نموده جواب گوید که الحال این بزرگوار مثال از مطلع مرقد مطهر معطر
بدیده هجران مرا دو بجمال خورشید مثال خود منور سازد اول حال از امت خود سؤال خواهد فرمودند
جواب صواب آنجناب چگونه بگویم بعد از عرض سلام ندای عروج زنند برای حساب روز جزا و عرض و فصل
وقت آنگاه قبر شکافته و آنجناب بیست سالانه مانند جوان جلال فرماید و طوطی ناطقه اش باین حمد سراید که
الحمد لله الذی احیانی بعد ما اماتنی و الیه النشور پس مکشوف شود درین حضرت بجانب تحت الثری
و دیگر جانبها الا نا منازل اسرار و درینجا اسرار را بر ببند پس خطاب فرماید که یا جبرئیل ای یوم هذا جبرئیل
گوید روز هنگام قیامت است هنگام ندامت و حسرت فرماید مرا بشارتی دیگر بده یا رسول الله لوای حمد
با تحفه و حله اجرای بعاد دیده ام فرماید از این نپرسم گوید درهای بهشت برای قدوم میمنت لزوم
تو گشوده ام و ابواب دوزخ بسته همان جواب فرماید گوید ملائکه انتظار شرف حضور موفور السرور
تو میکشند همان خطاب فرماید گوید تو اول کسی که شفیع و مقبول الشفاعه فرماید یا جبرئیل خبر ده مرا

# در ذکر احوال قیامت کبری

از حال امت من که خواهد گذشت با ایشان چه کرده همه پس مرا از حال امت کنند کار خود کو به اسرافیل نفخ صور که
بصور بدمید و کسی محشور نکردید و برای ایشان غم خوارو وفادار امت جفاکار روی صبا داده او باز بر
حال مرقد او زنده فرماید من امت خود را در حالت وجود را بر من نخواهم فرمان الهی در رسد که ای حبیب من
تو سر از امتی وسالار عرصه قیامتی باید که پیشتر بمحشر درآیی پس خلعت الهی در بر و تاج شاهنشاهی بر سر
بر براق سوار شود و بعرش مجید در رود و پای عرش سر بسجده کذارد و مناجات کند که با محمد امروز روز
رکوع و سجود نیست روز حسابست و ثواب نیکوکاران و عقاب بدکاران روز حسرت و ندامت عاصیان
قیامت سر بردار و سوال کن تا برآورده کار عطا کند هرچه خواهی عرض نما که بر قدر کار او تو من وعده
شفاعت امت عطا فرموده بودی خطاب مستطاب در رسد که لا عطینک ما ترضی پس بفرمان جبار دنیا
از دامنه ما کن بیا ورند بتفاوت احوال بحسب اعمال زمانیان منور بقدر نور ایمان که مشعل نور
نور محمدی که بجا آورده باشند و از ظالمان مکدر و با ساحت حیوانات در صورت او ندانند مضطرب
شدند که نفخه حشر در دمد که ناگاه دفعه جمیع ذرات که در صور متمکن باشند از منافذ طلبه قوالب خود
صفا در نت نماید و ادوام اولین و آخرین بمثابه زنبور عسل میان آسمان و زمین پر باشند و بفرمان
کردگار بیایند و از مرقد خوابهم باشتیاق بیمر در آیند و بموجب ثم نفخ فیه اخری فاذا هم قیام ینظرون
که از ابتدا عالم تا انقراض بنی آدم و دیگر سر از نقاب کشیده اند دفعه سر از زوایای لحد برآیند برهنه
عریان و مدهوش و حیران از شدت گرسنگی نالان و حدت تشنگی زبانها از دهان آویزان روی ها خاک
آلوده و بدنها بخاک لحد فرسوده میان زمین و آسمان پریشو و ریش و غوغا خلایق از نشر محیط بال و جز اعمال
خود بی پرده و سواکر کسی که در دنیا هتک ستر عورات الهی ننموده و پرده محارم بر روی کار خود ولیکن
عرض نموده باشد که مستور با خاطر مسرور محشور میشود و اعمال صالحش مجسم شده همراه او میشود
مونس او از اهوال نجات و مثوبات الهی بشارت دهد و بحدیث نبوی آگاه باشی که روز قیامت با عورت
پوشیده با نیکی دنیا و برزخ خود آنگاه دار و بروایت صحیح ملائکه بر قبر مومنان آیند و صورت ایشان از خاک
پاک کنند مگر پیشانی که پاک نشود در رسد که این از خاک قبر نیست بلکه اثر تراب محراب و اثر سجود
معنوی امت تو گذارید بلکه از صراط گذشته داخل بهشت شود که هر که به بیند داند که ایشان خدام و عباد
کوامند و بموجب یوم نطوی السماء آسمانها نورد پیچیده شود تا بهشت که بالای آسمانها است نزد سدرة المنتهی

# در ماجرای پنجاه عقبه

اشکار کردد و هم چنین زمینها از منبابر خیزد و ماد و زخ کرد پر انهما است نمایان شود و زمینی از نقره خام
که بهشت بران قرار کرد بد بلا باید عاین زمینی که بران معصیت رب العالمین واقع شده سقر جهنم کرد که
کد اتش دوزخ بران اشتمال پید بر پس عبور بهشت که پل صراط است از روی جهنم تبور بهشت کشیده
شروع بحساب خلایق شود ایعزیز از هول حساب امروز خلاص نخواهی شد تا امروز تفکر و توبه تدارک
بروزی حساب خود را بالت نکنی ولا حول ولا قوة الا بالله عقبه بیست و یکم در اجرای عقبه اولی از پنجاه عقبه
روز هائل شود قیامت و اجرای شیء از طرفان اهوال نشود و خروج خلایق از قبور تا بدشت محشر برود
و وحشت و ملامت و اشاره بشاه راه نجات از ان فزع اکبر و چنان عقبه پر حسرت و ندامت بدانکه
شیخ کلینی ره و ابا اسناد معتبر با سناد خود از امام بحق ناطق جعفر بن محمد الصادق علیه السلام روایت کرده
که فرمود که خود حساب خود را بکنید پیش از انکه حساب کرده شوید پس بتحقیق که روز قیامت پنجاه موقف
از اعمال و بجز و عمل را از انیستادن است که موقفی هزار سال به حساب خلایق تا با ز خواهند داشت پس
تلاوت نمود این آیه را فی یوم کان مقداره خمسین الف سنة یعنی در روزیکه پنجاه هزار سال است و در روایت
رسول خدا صلی الله علیه و آله است که ایا از محاسبه خود را بنفس خود بکن قبل از انکه بیا بسبب ان بسند لکند
این اسان تر است برای حساب از فردای قیامت و کسب نفس خود را ... از انکه سنجیده شود ... شود
تدارک توشه خود کن برای عرض اکبر و فزع یوم محشر روزیکه عرض کرده خواهی شد بر خدای قیامت که
نیست بر او از تو هیچ پنهانی و حق تعالی پیغمبرها بلفظ و ربک لنسئلنهم اجمعین عما کانوا یعملون
بحق پروردگار تو یا محمد که البته سؤال خواهیم نمود از جمیع ایشان انچه در دنیا می کردند و پیغمبر ما
و ان تبدوا ما فی انفسکم او تخفوه یحاسبکم به الله یعنی اظهار نمایید انچه در دلهای شما است
یا پنهان کنید که خدا بر او جزا به انها شما را بحساب خواهد فرمود و حضرت کاظم ع میفرماید که نیست
از ما هرکه حساب خود را با نفس خود نکند در هر روز پس اگر عمل خیر کرده از خدا طلب توفیق زیادتی کند و اگر
بدی کرده استغفار کند از حق تعالی و توبه و باز گشت نماید بسوی جناب اقدس الهی ... گوید ... عقبه
مذکوره را ترتیب روایت عبدالله بن مسعود از جناب ولایت ماب امیرالمؤمنین صلوات الله علیه که مبسوط تر از ان بنظر نرسید
متفرق و شروع با ... ولا حول ولا قوة الا بالله ... سر برهنه تا
برهنه کرسنه ... ایشان ... و از شدت دهشت با ...

# در علاج مهمات عقبه

اسرافیل مدهوش وسراسیمه وهراسان واز مشاهده غبار وحشت وخروش از زمین وعقاب بهوش ۱۳۴
ودیدها حیران از زمانه تنگ اسمان واز معاینه اثار غضب صاحب دیوان وانتقام جبار عادل بپایان بهر طرف
نگران واز اعمال خود متاسف ومتحیر وپشیمان قال الله تعالى یا ایها الناس اتقوا ربکم ان زلزلة الساعة
شیء عظیم یوم ترونها تذهل کل مرضعة عما ارضعت وتضع کل ذات حمل حملها وتری الناس سکاری و
ما هم بسکاری ولکن عذاب الله شدید یعنی ای گروه مردمان بترسید از پروردگار خود بتحقیق که زلزله
وجنبش هنگامه ونقیامت چیز عظیمی است روزیکه از هراس وشدت ودهشت وحیرت او غافل خواهد
شد هر شیر دهنده از طفل خود وغافل شود که هر چیز شیر شاید با این همه شفقت ومرحمت که با او میداد
در نهایت پیچ وتاب فزع واضطراب وضع حمل خواهد کرد هر حامله ومی بینی مردم را که از شدت فزع مدهوش
ومست وحال انکه مست نیستند ولیکن عذاب الهی شدید است یوم یفر المرء من اخیه روزیکه خواهد
که بگریزد ادمی از برادر و پدر واز زن ومادر وفرزند خود هر کسی را شغلی است که باحوال خود مشغول
واز احوال دیگری بی خبر است اذا زلزلت الارض زلزالها یعنی هنگامیکه بجنبش اید وهر زمین بجنبش
شدیدیکه بیرون اندازد انچه را در دل زمین نهان است وشهادت هر جائی بهر عملی که در ان واقع شده
بسبب انکه خداوحی کرده باو روزیکه بیرون ایند مردم بمراتب متفرقه بعضی مؤمن وبعضی عاصی تا ببینند
مزد کردار خود را پس هر که ذره خیر یا ذره شر در دنیا کرده خواهد بود انرا یوم ترجف الراجفة
تتبعها الرادفة قلوب یومئذ واجفة ابصارها خاشعة روزیکه از زلزله بشکافد زمین با اهلش
وصیحه عظیم در میان باشد ودلها در ان روز بسیار مضطرب وترسان باشند ودیدها گریان وحیران و
هراسان اذا السماء انفطرت در هنگامیکه اسمانها شق شود واز هم بشکافد ان کهکشان بتفسیر علوی
افتاب وستارها سیاه وپراکنده شوند ودریاها بهم از یکی شوند وبروایتی یکوار نیران واتش سوزان
برافروخته شود ومقبرها مقلوب وزیر وبالا کرده وزمین هنگامه میانه هر کس هر چه کرده وبجا
هر عملی که کرده چنان منکر شود که گویا خالا کرده ونفخ فی الصور فاذا هم من الاجداث الی ربهم ینسلون و
دمیده شود در صور دمیدن ثانیه پس ناگاه ایشان از قبرها بسوی حساب پروردگار خود بشتابند وگویند
تا از ان خواب گاه ما که بیدار کرده ملائکه موکلند بر ایشان جواب دهند این است که خدا وعده فرموده بود
در معاد ودرست گفتند پیغمبران وبیک صیحه دیگر ناگاه جمیع خلایق نزد ما حاضر شوند امروز که مخوف

# در احوال قیامت کبری

شما جزا و هیچ کسی جزا نخواهد یافت مگر موافق عمل خود وامتازوا الیوم ایها المجرمون الم اعهد الیکم یا بنی
آدم خطاب شود در روز قیامت بگنهکاران که امروز جدا شوید از مومنان و صالحان آیا من عهد نکردم
در دنیا با شما که اطاعت مکنید شیطان را که دشمن شما است و اطاعت من کنید که راه راست است با شما بتحقیق
که جمع کثیر شما را گمراه نموده آیا هیچ عقل نداشتید اینک جهنم است که شما گنهکاران را وعده میدادیم و تری الظالمین
لما راوا العذاب یقولون هل الی مرد من سبیل و خواهی دید ظلم کنندگان را بر خود بسبب معصیت الهی
یا بر دیگران که دیدند عذاب را گویند آیا مفری یا راه برگشتی هست که توبه و تدارک بجا آریم و خواهی
دید ایشان را در معرض عذاب بخشوع کنند و از خواری و مذلت که از هراس ... نگاه کنند القارعة پنجم
ما القارعة وما ادریک ما القارعة یوم یکون الناس کالفراش المبثوث وتکون الجبال کالعهن المنفوش
یعنی قیامت که از شدت هول میکوبد گنهکاران را چه میدانی چیست قارعه روزیکه خلایق از
کثرت وحشت و مذلت و دهشت مانند پروانه منتشر و حیران و مضطرب و سرگردان اند و کوهها در
فزع اکبر مثل پشمهای الوان حلاجی شده و در هوا و افاق پران فکیف تتقون ان کفرتم یوما یجعل الولدان
شیبا السماء منفطر به کان وعده مفعولا ان هذه تذکرة فمن شاء اتخذ الی ربه سبیلا پس چگونه میترسید
اگر کافر میشوید از روزیکه هم و غم و شدت و بیم و الم کودکان را پیر خواهد کرد و بنده در آن روز آسمان
خواهد شکافت وعده الهی شدنیست بتحقیق که این تنبیه و یاد آوردنیست شما را پس هر که خواهد
کند برای خود در این ایام مهلت بسوی پروردگار خود راه نجات توبه و عمل الا یظن اولئک انهم مبعوثون
لیوم عظیم آیا گمان نمی کنند ایشان جرات معصیت الهی مینمایند که برانگیخته خواهد شد برای روز بسیار
بزرگ آن روزیکه ایستاده خواهند بجهت حساب برای پروردگار خود ایحسب الانسان ان لن نجمع عظامه
آیا می پندارد انسان که ما جمع نخواهیم فرمود استخوانهای او را بلی قادرین علی ان نسوی بنانه بلی قادریم
بر ساختن نوک انگشتان او بل یرید الانسان لیفجر امامه بلکه میخواهد انسان که فجور و خطا کارها
پیش اندازد و توبه و تدارک این روز خطا سوز را دور و دور پندارد انکار یا منکر یا ... و یسئل ایان یوم
القیمة فاذا برق البصر وخسف القمر وجمع الشمس والقمر یقول الانسان یومئذ این المفر میپرسد
از قیامت روز قیامت پس هنگامی که در شدت هراس چشم بماند و دیدها تاریک شود و ماه آفتاب
در نهایت حرارت و شدت تاب بر سر گنهکاران باضطراب باز ایستد خواهی گفت در آن هنگام این

روز

# ذکر احوال قیامت کبری

روز کو مفرجا شاکه مفری باشد بجز سایهٔ رحمت الهی برای کسی که خود را پیش از آن ساخته باشد ینبؤ
الانسان یومئذ بما قدم واخر بل الانسان علی نفسه بصیرة ولو القی معاذیره خبر خواهند شد رایشان روزی که
گروه از خیر و شر بلکه خودش بینا است و کردار خود را میداند اگرچه از بیم عذرهای ناموجه بیرون میآرند
استجیبوا لربکم من قبل ان یاتی یوم لا مرد له من الله ما لکم من ملجا یومئذ وما لکم من نکیر اطاعت و اجابت
کنید پروردگار خود را پیش از آنکه بیاید روزیکه دیگر مفری از خدا نخواهد بود و نه پناهی و نه انکار
میتوانید کرد که زمین و اعضا شهادت خواهند داد ان یوم الفصل میقاتهم اجمعین بدرستی که روز جدا
کردن گناهکاران از نیکان است که از روی تابکاری و باریدن دمی انکه خلق او را ترحم کنند که در دنیا با طاعت
و توبه خود را مستحق رحمت الهی کرده باشد وانذرهم یوم الازفة اذ القلوب لدی الحناجر کاظمین ما
للظالمین من حمیم ولا شفیع یطاع بترسان یا محمد ایشان را وقتی که دلها و جانهای گنهکاران از شدت و فزع
و هول جزع بحنجره بند میشود و بترسان ایشان را از روز قیامت که روز نزدیک و ساعت بساعت نزدیک
میشود وقتی دلها و جانهای گنهکاران لب تقصیر و ندامت را باری نه شفاعت کننده که قبول شود و یوم نسیر
الجبال وتری الارض بارزة وحشرناهم فلم نغادر منهم احدا وعرضوا علی ربک صفا لقد جئتمونا کما خلقناکم
اول مرة بل زعمتم ان لن نجعل لکم موعدا یعنی روزیکه پراکنده و بر طرف خواهیم کرد کوهها را و زمینها را خواهی
دید هموار و حشر کنیم مردم را پس وانگذاریم ایشان یکی را و عرض شوند به پروردگار تو صف کشیده
و بحقیقت آمده باشند چنانکه خلق کرده بودیم اول بار شما را برهنه و مادرزاد بلکه بود
حشر شما را وعده نداده بودیم ازفت الازفة لیس لها من دون الله کاشفة افمن هذا الحدیث تعجبون وتضحکون
ولا تبکون نزدیک شد قیامت که نزدیک شدن موصوف است کسی که بغیر حق الله تعالی کشف شداید
او را نمیتواند نمود آیا از این حدیث شما تعجب دارید و میخندید و بر حال خود گریه نمیکنید یوم تاتی کل
نفس تجادل عن نفسها وتوفی کل نفس ما عملت وهم لا یظلمون روزیکه خواهد آمد هر کسی که مجادله و سعی کنان
از طرف خود که نفس خود را خلاص سازد و اصلا بدیگری نپردازند از دهشت هول و خواهد یافت
هر کس جزای آنچه در دنیا کرده باشد بی کم و زیاد ومن اظلم ممن ذکر بآیات ربه فاعرض عنها ای نیست نفس
خود بظلم کننده تر از کسی که یاد آورده شود بآیات پروردگارش و بفکر اخروی نیفتد و از خواب غفلت
بیدار نگردد و بسراغ اعراض کند از آیات الهی و قبول نکند نصایح را فذرهم یخوضوا ویلعبوا حتی یلاقوا

یومهم الذی یوعدون یوم یخرجون من الاجداث سراعا کانهم الی نصب یوفضون خاشعة ابصارهم ترهقهم
ذلة ذلک الیوم الذی کانوا یوعدون پس واگذار یا محمد ایشان را که بموعظه متنبه و منتفع نمیشوند
در لهو و لعب باشند تا روز وعده که از قبرها بیرون آیند بسوی حساب و جزای خود بتعجیل بدیشان رسان و
خواری فرو گرفته باشد ایشان را بهشت روز و مه و بروایت شیخ مفید بعد از آنکه بشومی غفلت دنیا
صد هزار زحمت و عناد و رکود کشیده اند در روز حشر مبعوث و چنانکه در حدیث وارد است که ندا نوشته همه را
فراموش و آرزو کنند که کاشکی بگور برمیگشت پنجهزار سال باین حال شقاوت مآل باز داشته میشوند
تا بعد از آن خالق قهار چه حکم فرماید و برو از شدت حیرت و شور و نشور و حسرت تا سی هزار سال
یکقدم در لحد یکقدم در لب قبر باشند حضرت صادق ع از امیر المومنین ع ذکر فرمود که نیست احدی
که بیرون آید از قبر مگر آنکه دو ملک در بازوی او چسپند گویند که اجابت کن امر پروردگار خود را البته
حسابی از رسول خدا صلی الله علیه و آله منقولست که محشور می شوند عریان و ختنه نشده با هر موی و ناخنی
و عضوی که در مدت عمر از او قطع شده و فرمود با آنکه حق تعالی را ملائکه چند هست که همیشه
ایستاده اند و از خوف الهی سر بالا نمیکنند تا نفخ صور دمیدن در آن حال زبیم جمیع ملائکه گویند خدایا منزه
میدانیم ترا از هر عیبی و از اینکه عبادت ما لایق درگاه تو باشد و ترا بر نعمتها شکر نکردیم و حق عبادت
ترا بجا نیاوردیم و اگر کسی عمل هفتاد پیغمبر داشته باشد البته سهل شمارد از شدت هول آن روز جهان سوز و چون
جهنم در صحرای پر شور و شر محشر بجوش شد نماند ملک مقربی و نه پیغمبر مرسلی مگر آنکه بزانو در آمده و
استغاثه کنند و از ترس گویند بنفسی یعنی ای پروردگار من خود مرا نجات ده حتی ابرهیم خلیل پسر خود
اسمعیل را فراموش کند و گوید خدایا منم خلیل تو امر مرا امروز از رحمت خود فراموش مکن و بحدیث
حضرت امام محمد باقر ع که مصطفی ص فریاد بر آورد که امتی امتی یعنی امت مرا نجات ده پرسیدند یا رسول الله
چه چیز نجات می دهد از این هول محشر و چنین فزع اکبر فرمود نجات می دهد که بنشیند بدو زانوی خود برابر
علما و مسائل دین خود را و اعتقادات شرع مبین را از ایشان تعلیم بگیرد و امیر المومنین ع روایت است
میفرماید در این موقف اقل هرکه ایمان آورده باشد بر آنچه پیغمبر صلی الله علیه و آله از جانب خدا آورده
که اصول الهیات ناجی و رستگار است و هرکه شک در اینها داشته باشد که تحصیل یقین و معرفت باینها
در دنیا نکرده باشد هزار سال باین شدت و حسرت که مذکور شد در عذاب و فضیحت خواهد ماند با آنکه عرصه

# در اصول الاعتقادات مرکبه

اصل وجود حق تعالی احتیاج باکثار و گفتگوی بسیار ندارد چه وجود صانع از کل اشیا ظاهرتر است و هر که
خود را شناخته میداند که نبوده و بوجود آمده بهم رسانیده و خالقی او را آفریده و این معنی فطری و جبلی
او است مثل علم بالم و لذت و المی که بسبب مولم و جوع و نوم و سایر حالات نفسانی که در اطفال بلکه در حیوانات
هم کسی منکر آن نمیباشد و قطع نظر از احادیث بسیار بلکه متواتر است در این معنی که در این مقام ذکر آنها مناسب نیست
و دلیل عقلی هم در این معنی تمام است که حق تعالی اول معرفت خود را بدون سعی و کسب و اختیار به بنده داده و بعد
از آن تکلیف شروع نموده بکسب و تحصیل ایمان و طاعات و الا لازم می آید که حجت بر خلق تمام نشود چنانکه در
کتاب مفتاح الجنان که این رساله مجملی است از آن اخبار و دلائل از دو ضد آن مفصلا مذکور است و چون
معنی را تجربه و وجدان تصدیق میکند محتاج کوتاه نمائی از طول و عرض بیشتر نیست و از دو مبدا نیست
حکیم افلاطون را گوا نشان دهد که خدا را بالهام و اعلام شناسند باید که و فلاسفه و منکرانند که شناختن هم
چند تامل میکنند ابتدا وقت و کیفیت آن شناختن را نمیدانند از این است که در اخبار و روایات در خصوص بوده
خدا بغیر منتها است که آدمی پیدا ساز و دو بفکر التفات بمعنی فطری نداده و اداده نشده بلکه از راه تعجب
در قرآن میفرماید افی الله شک فاطر السموات والارض یعنی آیا شکی هست در خدائی که آفریننده آسمانها و زمینها
است و حضرت امیر المؤمنین ع فرموده که تعجب دارم از کسی که شک کند در خدا که خلق او را و حال آنکه می بیند خلق
او را و این برای اعلام انتباه است یعنی کسی که خدا را باشد پیدا کردن او کافی نیست بیدار که شده بهمان حالت
جبلی ایضا که خدا را به اختیار یاد آورد و می بیند که انکار ثابت کو باز چشم پوشد و انکار کند اتمام حجت بر
شده و منکران خواهد بود و بعد از این جا است که کفار را اول بتوحید خدا و بگفتن لا اله الا الله امر کرده اند
و بعد از عقیده اولی با ایمان بما جاء به النبی ص که باعث نجات میشود و اول اینها توحید است و اعتقاد بوجود خدا
و اهل اینها است هر چند لازم اینها باشد بلکه تواند بود که بعضی بعلت تشکیکات شیاطین انس
تعلیم معلمان بد اعتقاد و معاندان صوفی نژاد و دهریه عقده و خبری که بشومی صحبت از علمای اهل بیت سلام الله
که اهل علم و واقفی عقاید ایشان نمیباشد سلب توفیق الهی و فهم و شعور فطری از او شده شبهاتی که غیر ضروری
البطلان در نظر ایشان نظری نماید و مثل سوفسطائیه و اشباه بلکه وسواسیه که هر گول بدیهی شک بلکه انکار
بدیهی کنند و دیگر بیچیز بر رسیده که در ادنی تشکیکات و تفتیش در مسئله سهل باعث شک و تشویش
باشد لازم است که امیر المؤمنین ع میفرماید لا ترتابوا و تشکوا فی دین الله یعنی تشکیک و ریب نباید با شک

# در تحولات قبا کبری

بهم رساند دین خدا و بر همه فهمی کرد که لابد است همه بر اثبات واجب الوجود و نبوت و امامت و معاد افاده
اطمینان قلب بنظر و برکه عقیده از جمیع ارادات مسلم باشد و دو قیامت که آنها باید طریق شرعی اثبات کنیم با
میکنیم ایمان و یقین بهم رسانیده باشد بحث نخواهند کرد که چرا این عقاید را بان دلیلهای دیگر هم
نشناختند پس بهر حال مسلم و اقرب این طریقه شد که در اثبات حقتعالی که موقوف علیه کل عقاید است گویان
بود دلایل ابطال دور و تسلسل بنا از دو کرد با تو ابدیت هزار ناقض و مانع و معارض باده خود زاد در نام عق
و سرگردانی معطل نساز و هم چنین در سایر مراتب بعد از اثبات نبوت چنانکه بعون الله تعالی در کمال سهولت
میشود آنکه منقول معنی صادق نمائی و بعد از تصحیح اعتقادات که موقوف علیه صحت عبادات است بکثرت طاعت
با خدا و حضور و فکر و ذکر او بهانه یاد بدی دیانت معرفت و یقین روز بروز بر دیگر خود بکشاید ولا حول ولا
قوة الا بالله العلی العظیم اما اثبات نبوت بدانکه اصل آنهم بدلیل عقل ثابت است قطع نظر از معجز او علامات
دیگر چنانکه از [illegible] سوال از [illegible] علم دین اشاره بان میشود اما یقین حصول شخص بی پس بتواتر و وقوع
معجزات و ظهور خوارق عادات [illegible] واقع میشود بجهة آنکه هر گاه معجزه که بعد از آن حق تعالی باختیار است
محقق میتواند شد بدست مدعی بیاید لازم می آید که حق تعالی بباطل راضی باشد دیگر هر گاه معجزه بدست
کاذب ظاهر شود جزم است که فسادها [illegible] خواهد شد پس خدا با اطلاع بر این مفاسد عظیمه که در میان
بندگان ضعیف [illegible] حادث میشود و قوت در دفع شر آن مفسده دارد باید و اگر داند و ممکن لازم است
اید بر خدا [illegible] آنها [illegible] اگر اطلاع یا قوت بر منع آن ندارد جهل یا عجز
خواهد داشت و هر دو بالضروره با خدائی و خلق عالم منافی اند و با مخالفت فطری و منبها اتفاق
النفس هر چه صانع ظاهر میشود صانع [illegible] ظاهر میشود و ظهور معجزات انبیا از [illegible] مصطفی
دعوی نبوت متواتر است مثل شق قمر و برگردانیدن آفتاب و تکلم او و سوسمار و گرگ و شتر و غیرها اما
[illegible] خطابهای حادث و ثابت که اطاعت جمیع ذرات کائنات [illegible] که
اینکه کمتر [illegible] باشد که چندین معجزات [illegible] صحیح ایام ظهور [illegible] مثل ظلم بر اهل بیت رسالت
و ظهور ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین باسامی [illegible] و غلبه بنی امیه و بنی عباس [illegible]
و ترکان که در کتب [illegible] ایشان دیده شده و بعد [illegible] هنوز بعضی از آنها که [illegible] ظهور خواهد
[illegible] کثرت معاندین و معارضین [illegible] خلاف [illegible] و از جمله قرآن

# در اثبات امامت ائمه اثنا عشر

که بعضی از معجزات مشتمل است بر بعضی از نهانیها و امثال آن و اخبار از غیب که بنا بر ثبوت
نبوت که نقل آن اشاره شد بعضی از انبیاء بنوت بر جنابت که جمال الدین است نبوت آنحضرت
بلشکر معجزه هم معاین و مبین می شود و با وجود پیغمبر سابق که اسامی شان مبین و معین اند و نبوت بحال الله شد
هر پیغمبر نبی فرماید اصول و فروع بسبب فرمود حق تعالی است و یقین ثابت که عبادات ان
مبنی است اصل چه شود در امامت و معاد و مخصوص صفات جمال که کمال قدرت علم و ادراک و اراده
و سمیع و بصیر ازلی و ابدی بودن صفات جلال که تنزیه نفی و حق و مثل ترکیب و عقل
است و بدانکه امامت که مثل نبوت و اعظم ارکان و اصول دین است چنانکه نبی و رسول و امام
سابق ثابت شد پس در این خصوص هر قدر بیشتر کرد دلالات و ذکر صفات و احوالات و تتبع طرق تعریف ائمه
اهل بیت رسالت بیشتر باشد معرفت و ولایت ایشان که فرمانکه مقربان و مباهات انبیاء اولوالعزم
بااینست بیشتر شود و اهتمامی که خدا و رسول در خصوص ولایت اهل بیت رسالت فرموده اند در هیچ امری
اند چنانکه حضرت امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید که صد و بیست مرتبه رسول خدا صلی الله علیه و آله
معراج واقع شد و در هر مرتبه سفارش و وصیت در باب علی ابن ابی طالب در امور بیشتر میشد
بروایت موافق و منافق رسول خدا میفرماید که حق تعالی مرا هیچ باز نبست به سوی آسمان مگر در کلام فرمود
تا آنکه فرمود یا محمد علی را از من سلام برسان و بگو به تحقیق که او امام و پیشوای دوستان و نور
اهل طاعت من باید او را باور آورد یا علی این کرامت حضرت امام رضا علیه السلام از آنحضرت ذکر فرمود
که هر که ما اهل بیت را دوست دارد این مبعوث شود و فرمود یا علی هر که ترا دوست دارد روز قیامت
با پیغمبران خواهد بود در درجه ایشان و اول چیزیکه در روز قیامت سوال میشود محبت ما اهل بیت خواهد
بود و اخبار باین مضمون متواتر است و در بعضی از آنها این است که هیچ کس را اقرار به ولایت کرده و اعمال او
و غیر آن قبول شود و الا هیچ عمل او را قبول نمیکنند حضرت امام الجن فرمود از احادیث متواتره بطرق سنی و شیعه
با جماع که اگر کسی میان رکن و مقام کعبه بنده عبادت کند تا آنکه از هم بگسلد و تمام استخوانهایش بشود با عمل
همه پیغمبران کرده باشد اگر اقرار بولایت و محبت ما اهل بیت نداشته باشد هر عبادت بی ثمر است
اگر عوض دادن هزار انسان است بخل برای حج بیت و اگر عقوبت خدا الحق ... معصیت محض اگر ...
است و شادمی شود و اگر ترا هم اکبر ایمن ... و اگر صراط را ایمن ...

# در شمه‌ای از فضیلت رضا بقضا

شیطان گفته که اگر میکنم غافل چرا میشوی و چون فنای بنیاد می بینی اطمینان چرا بآن داری و بروایتی عجب دارم از کسی که یقین دارد بجهنم چرا می خندد و بخشایش گناه می کند و بنشاء اولی چرا در آخرت شک دارد و در چند حدیث از حضرت امیرالمؤمنین ع ذکر فرموده که هیچکس لذت ایمان را نمی یابد تا بداند که آنچه باو رسیده گذشت چون همه بتقدیر شده و میشود و هرچه نرسیده نمیرسد و در صحیحه دیگر از زیادتی هست که بداند خدا است ضار و نافع و رسول خدا صلی الله علیه و آله از جبرئیل در تفسیر یقین باین زیادتی ذکر فرموده که خدا را چنان عبادت کن که گویا او را می بینی پس اگر تو نمی بینی خدا را او ترا می بیند و فرمود یا اباذر هیچ بنده بیقین درست نمیرسد و در نرسی از حسن خلق و زود عمل و ترک حرام و خوف الهی پس قصه شاوان اسرائیلی فرموده فرمود یا ابا یقین میباید و در صحیحه از حضرت امام رضا علیه السلام از حضرت امام محمد تقی نقل میفرماید که قسمت نشده میان خلق هیچ چیز کمتر از یقین بودن پرسیدند از حد یقین فرمود توکل و تسلیم بخدا و رضا بقضای خدا و تفویض کارها بسوی خدا و در حسن حضرت صادق ع از حد یقین فرمود آنکه نترسی با وجود خدا از هیچ چیز

عین ششم در شمه‌ای از فضیلت رضا بقضا و صبر و قناعت بداده و کرده حق تعالی که اعظم و اقدم خلق ایمان و از اوثق و احکم اسباب مؤمنان است بسوی عالم نور و قرب پروردگار عالمیان چنانکه دلالت میکند صحیحه محمد بن مسلم از ... از حضرت امام محمد باقر علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله برخورد بکاروانی در بعضی از سفرها پرسید چه کسانید شما گفتند مؤمنان فرمود چیست حقیقت ایمان شما عرض کردند رضا بقضای حق تعالی و تسلیم امر خدا و تفویض امور بسوی خدا پس فرمود علما اند حکما اند نزدیک اند که از حکمت مرتبه پیغمبران باشند آنگاه فرمود اگر راست میگوئید پس بنا مکنید جائی که در آن ساکن نخواهید شد و جمع مکنید چیزی که نخواهید خورد و بترسید از خدائی که بسوی او راجع خواهید شد بدانکه چاره نیست مؤمن را از سعی و رسیدن باین دو صفت در دار تکلیف که بنای اساس او بر ابتلا است والا پیوسته مثل جهنم در عذاب دنیا و عقاب عقبی است چنانکه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام میفرماید که حق تعالی فرموده که تو اراده میکنی و من اراده میکنم و نمیشود مگر بخواهش و اراده من پس اگر منقاد شوی باراده من با آنچه میخواهی ترا عطا میکنم و الا ترا بتعب میاندازم در سعی مراد خود و آخر نمیشود مگر مراد من و فرموده هر که راضی شد بقسمت من در راحت است و در صحیح حضرت صادق ع میفرماید که داناترین خلق کسی است که بقضای او راضی باشد سر ایمان صبر و رضا است از حق تعالی در آنچه خواهی یا نخواهی هیچ

دارد

# در شمه از فضل رضا بقضا

نمیشود از خدا در آنچه خواهد نخواهد تا آنکه همه خیر او باشد و این معنی متواتر است و فرمود وحی شد که
صرف نمیکنم از بنده مؤمن چیزی را مگر آنکه خیر او است پس باید راضی شود بقضای من و صابر باشد در
بلای من و شاکر باشد بر نعمتهای تا بنویسم او را با محمد از صدیقان نزد خودم و در صحیح فرمود عجب دارم از مسلم
که خدا هر قضائی برای او کند خیر او است که بمقراضها پاره پاره شود او را اگر مالک مشرق و مغرب گردد و فرمود علامت
مؤمن که راضی است در آنچه بر او میرسد [illegible] و فرمود خدا اجر راضی را زیاد میکند و خشمناک را [illegible] قضا جاری
میشود و اجرش برطرف میشود و فرمود که پیغمبر صلی الله علیه و آله هرگز نفرمود که کاش نحو دیگر بود چگونه
کسی مؤمن باشد که از قسمتهای پروردگار خود بخشم آید و منزلت خود را حقیر شمارد و حال آنکه اینها از جانب خدا
برای او مقرر شده و منم ضامن برای هر که خواطرش بغیر رضا خوش نشود از خدا باید که چون دعا کند
مستجاب شود و فرمود که شیطان گفت که مرا در پنج کس چاره و حیله نیست و تتمه در قبضه منند کسی که
در مقام توکل و متوسل شود بخدا در همه امور و کسی که در شب و روز یاد خدا کند بسیار و کسی که بپسندد
برای برادر مؤمن آنچه برای خود می پسندد و کسی که در مصیبتی جزع ننماید کسی که راضی باشد بقسمت و غم
روزی نخورد و رسول خدا صلی الله علیه و آله میفرماید که قسمت را باندازه کرده اند پس آنچه برای تو مقدر شده
بتو میرسد هر چند ضعیف باشی و آنچه از برای [illegible] مقدر شده دفع آن [illegible] نمیتوانی نمود و هر چه از او فوت
شده قطع امید نماید در امت است و هر که راضی باشد همیشه خوشحال و چشمش روشن است و به
سندهای معتبر از حضرت منقولست که خدا فرمود هر که رضا بقضای و ایمان بتقدیر من ندارد پس خدائی دیگر
طلب نماید و فرمود که حق تعالی میفرماید که ای پسر آدم اطاعت من کن در هر چیز که امر کنم و تعلیم مکن مصالح خود
که من بهتر میدانم و فرمود با ابا ذر مستعد باش بقضای الهی و قانع شو بآنچه خدا [illegible]
مردم [illegible] فضای خدا فرمود [illegible] یک روز یک شام و جناب امیر المؤمنین علیه السلام
فرمود که هر که راضی شود بآنچه از دنیا او را کافیست و هر که راضی نشود بآنچه او را کافی است
تمام دنیا او را کافی نیست و در حدیث دیگر است از حضرت امام رضا علیه السلام که سزاوار است هر کرا که عاقل
باشد از جانب خدا که متهم نکند خود را در قضای او و تعجیل ننماید در روزیش و در خطبه وداع است که هر که
راضی نباشد از روزی خود و پهن کند شکوه خود را و صبر ننماید حق تعالی هیچ حسنه او را قبول نکند و ملاقات کند
خدا را و غضبناک باشد و فرمود هر که صبح کند غمگین در دنیا صبح کرده باشد خشمناک بر پروردگار خود و فرمود

# در مذمت نفاق است

خرج باندازه نصف معیشت است و بهترین روزیها آنست که کافی باشد و فرمود که حضرت لقمان میفرماید
ای پسر دنیا را فراهم آوردن تو مانند تشنه ایست از کرده نانی فرستادن نانی را تعقیب خواهد انداخت و لعنت
پسر خود را گفت باید کسی که حیله بقیمتش ضعیف باشد تفکر نماید و عبرت گیرد که خدا او را افریده و در سه ظلمت
رحم مادر خود کرد و طفلی که چاره نداشت روزی او را داد پس باید که در حالت چهارم نیز خواهد داد و باشد
اینها چون بزرگ شد و عاقل و قادر شد بر کسب کار را بر خود تنگ دید و بگمان شد به پروردگار خود و حقوق
خدا را در مال خود انکار کرد پس چنین بنده بد بنده است ای فرزند و حضرت صادق ع میفرماید که من ضامنم
برای کسیکه میانه روی کند که محتاج نگردد و اخبار فضیلت قناعت و کمال وی است بر امر معرفت بسیار است
و مناسبت مقام همین قدر قناعت نموده بعلت ... مثال و علاوه ... ام فصلی مشتمل بر خصوص
قناعتی که از قناعت که یعنی است در موقف صوم ذکر مینمایم انشاء الله و باید دانست که از علامات اهم
رضا و قناعت شکر است که با یات و اخبار موجب ازدیاد نعمت و کفران نعمت موجب ... و عقوبت
حرمان و نقمت است و بقول حضرت صادق ع هر که توفیق چهار چیز یافت دعا و استغفار و شکر محروم از چهار
چیز محروم نگردید اجابت و امرزش و زیادتی نعمت و اجر و فرمود سه چیز است که با آنها هیچ چیز ضرر
نمیرساند دعا در الم و شدت و استغفار در معصیت و شکر در نعمت و از رسولخدا صلی الله علیه و آله که
فرموده که طعام خورنده شاکر ثواب روزه دار دارد و سالم شاکر ثواب مبتلای صابر و غنی ثواب فقیر قانع
و حضرت سجاد میفرماید که خدا دوست میدارد هر دل محزون و هر بنده شکور را و از حضرت صادق
هر که بشناسد نعمت را که از خدا است شکر آن کرده و فرمود هر که بگوید الحمد لله شکر نعمت را ادا کرده با
نیز راه و کوچک باشد که اصل شکران نعمت است و صرف آن در چیزی که منعم برای آن داده و مقرر فرموده والا کفران نموده
چنانکه حضرت میفرماید که شکر اجتناب از معصیت و نافرمانی است و تمام شکر قول الحمد لله رب العالمین
و حضرت امیر المؤمنین ع میفرماید شکر هر نعمتی ورع از محارم الهی است و هم چنین تفکر در نعمتهای
الهی و عجز از احصاء آن شکر است و شکر واسطه هم ضرور است و الا دو نعمت حق تعالی میفرماید
شاکر مرا نکردی چنانکه حضرت سجاد فرموده و فرمود شاکرترین شما کسی است که شکر مردم را بیشتر کند
اما اعتماد بر مخلوقات که سبب و واسطه ساختند و الا احدی قادر بر نفع کسی نیستند از اینجا است که
وارد شده است که باید کسی را ملامت نکرد بر چیزی که خدا نداده چنانکه ... در مذمت نفاق و حیله

شقون

# در مذمت نفاق است

شقوق واخس رذایل واعظم ذمایم اهل شقاوت وشقاق چنانکه در موثق حضرت صادق از حضرت رسول
صلی الله علیه وآله ذکر فرموده که مثل منافق مثل چوبیست که صاحبش هرچند آنرا راست نماید واخر می
سوزانند وبدانکه اشد مراتب نفاق با خدا ورسولست یا در اصل ایمان که صاحبش اظهار اسلام مینماید
ودر باطن کافر است واو بعلت غش وخدعه بدتر از کافر است واز کشاکش بیکی اسفل درکات است یا در اعمال مثل
ریا که شرک خفی است یا نفاق با مؤمنین مثل غش وترک نصح مسلمانان ودروغ وحسد ومجادله وخیانت ودوروئی
وخلف وعده وغیبت وتحقیر علما اینها همه نفاق بالنسبه است یا با ما یا بواسطه چنانکه در موقع مناسبه
مذکور خواهد شد واسباب وعلامات نفاق مثل غنا وملاهی وفحش وحرص برخوردن وخوابیدن وتکلف
وقول بعمل که بقول حضرت صادق علامت منافق بودن هم هست وتاثیر بدن از موعظه ورعایت نمودن
آداب نماز چنانکه حضرت باقر علیه السلام وحضرت سجاد علیه السلام میفرماید که منافق در فکر عشا
خوردنست بی آنکه روز بروزه بود وصبح در فکر خوابست بی آنکه شب بیخوابی کشیده باشد ورسول
خدا صلی الله علیه وآله فرموده که حقیر شمارد طالب علم را منافق است وروایت دیگر فرموده سه نفرند
که حقیر نشمارد حق ایشانرا مگر منافق امام عادل وعالم وکسی که موی در اسلام سفید کرده باشد واز
الحق افراد نفاق است که ظاهر صالح وباطن فاسد باشد بقول حضرت امیر المؤمنین ع بروایتی سبب موجب عقوبت
عقوبت سیم است چنانکه گذشت بنوف بکالی فرمود که اگر چنین باشی ترا رسوا خواهد کرد روز قیامت واز رسول
خدا صلی الله علیه وآله منقولست که هرکه پنهان کند چیزیرا که باعث خوشنودی خداست خدا ظاهر کند
چیزیرا که موجب خوشنودی او است وهرکه پنهان کند چیزیرا که باعث سخط خداست خدا ظاهر
کند چیزیرا که باعث خواری او است ودر روایت دیگر در قیامت که خدا ملاقات کند او را وبر وی خشم باشد
اخبار در این معنی بسیار است بلکه بهتر بودن ظاهر هم نفاقست چنانکه حضرت صادق ع از رسول خدا ص نقل فرموده
که هرکه که حسنه زیاده بر دلیل باشد ان نفاق است نزد ما وحضرت باقر ع که در صحیح میفرماید که هرکه ظاهرش بهتر
از باطنش باشد میزان عملش سبک خواهد بود در روز قیامت واینها است که بیان ساختن ظاهر برای موافقت
باطن هم بد است بلکه بدترست چنانکه از ملاحده وصوفیه خذلهم الله شنیده ایم زیرا که نیکو کردن هردو مکلف بهما
انشعابا فرموده در وصیت با ابا ذر که خوشا حال کسی که خوب وصالح باشد سر وباطن او ونیکو باشد ظاهر او بلکه
باطن اهم است چنانکه فرموده خدا نظر نمیکند بصورتها واموال شما ولیکن نظر میکند بدلها واعمال شما بسوی سینه اشاره

## در ذکر خلاص شدن از عقبات

اشاره و سیر فرموده اند بتقوی اینها میباشد و حضرت امیرالمؤمنین ع میفرماید که هر که باطن خود را اصلاح
کند خدا آشکار او را اصلاح نماید و هر که میان خود و خدا را بسازد خدا میان او و مردم را بسازد و شبها و مثال
نفاق شوم بی شمار است از بعضی اخبار ظاهر میشود که منشاء اکثر معاصی ضعف ایمان است پس اینکه بعضی از
اخبار مرادا افراد شیعه خواهد بود بلکه منشاء کل اینها است زیرا که عاصی گویا یقین ببزرگی خدا و صدق
وعدهای او ندارم ولازم بی تردد معصیت است پس البته اصرار در معصیت بشقاق و نفاق برمیگردد و سبب
اینکه در عاشق مذکور میشود دلالت بر اینمعنی میکند عیاذا بالله هم در ذکر خصال و اعمالی که تقدیم آنها
در این اوقات فرصت باعث خلاصی از این عقبات بر عقوبات و حسرات اهل معاصی میگردد و آنکه جمعی که بی
حساب و بی تعب عقاب بدر بهشت خواهند شد جعلنا الله منهم ببرکت محمد و آل الطاهرین صلی الله علیه و علیهم
اجمعین الی یوم الدین زلال خصالی چند در جداول عیون سابقه سمت جریان پذیرفت و سابقا مذکور
شد که نجات کلی کامل برای هر که مطیع و محبت اهل بیت رسالت باشد موقوفا حاصل است و از حضرت صادق ع
منقول است که قیامت عروسی پرهیزکاران است و فرمود که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام از رسول خدا ص
پرسید از تفسیر یوم نحشر المتقین الی الرحمن وفدا یعنی روزیکه محشور میکنیم پرهیزکاران را بسوی
خداوند رحیم در حالتی که مهمان وارد بر خدای خود باشند سواره فرمود یا علی ایشان نیستند مگر
سواره و چنین نیکه از نافرمانی پرهیز کرده اند بخدا سوگند که از قبرها بیرون خواهند آمد با روهای چون برف
نورانی و سفید و جامهای سفیدتر از شیر و کفشهای طلا و ملائکه استقبال ایشان نمایند با ناقه های بهشت ایشان
سوار شوند و بصحرای محشر پرواز کنند تا هر یکی از ایشان بمنزل خود با کمال اکرام و احترام بیاورند تا درگاه بهشت
بهشت نزد چشمه طهور غسل و شرب نمایند که از هر ناخوشی باطن و ظاهر مصفا شوند پس ندا رسد بملائکه که
دوستان مرا ببهشت برید داخل سازید خلایق نگه ندارید که من همیشه از ایشان خوشنود بوده ام و رحمت من
بر ایشان لازم شده پس چون ملائکه حلقه بر در بهشت زنند آوازی بلند شود که جمیع حوریان ایشان شاد
شوند ببشارت … که آمدند دوستان امیرالمؤمنین ص عرض کرد یا رسول الله ایشان چه جماعتی اند
فرمود که شیعیان تواند تو امام و پیشوای ایشانی فرمود یا علی در عالم ارواح اینها که شیعیان
بر تو و شیعیان تو و استغفار کردم برای شما گفت یا رسول الله دیگر بفرما از فضائل شیعیان ما فرمود تو و شیعیان
تو بیرون آیند از قبرها با روهای چون ماه و جمیع شدتها و غمها از شما زایل شود در زیر سایه عرش الهی خواهند بود

## در اعمالی که باعث خلاصی از عقبات

و مردم بترسند و شما ایمنید و خلایق در حزن و اندوه و شما مسرور و خوشحال و برای شما خوان نعمت الهی
آورند و مردم در حسابها باشند و بروایت دیگر فرمود بعلی ع که شیعیان تو بیرون آیند از قبرها و میگفته باشند
لا اله الا الله محمد رسول الله و علی بن ابی طالب ولی الله و حجة الله و حدیث حضرت سجاد نیز مثل این است و بروایت
دیگر گویند الحمد لله والله اکبر و نجات گویند الحمد لله الذی اذهب عنا الحزن و از ذکر فرموده از جبرئیل و میکائیل و اسرافیل
لوح و قلم ان الله تعالی جعل حب علی ولایت و محبت علی حصنا و حصن من است هر که داخل آن شود ایمن است از
عذاب و مشهور است که فرمود حب علی حسنة لا یضر معها سیئة و باسانید معتبر بطریق شیعه و سنی از حضرت منقول است
که اگر مردم جمع بودند بر ولایت و حب علی بن ابی طالب اتفاق مینمودند البته خدا جهنم را نمی آفرید یا علی اگر دوست میداشتند
ترا اهل زمین مثل اهل آسمان البته حق تعالی باتش معذب نمیشد و فرمود حق تعالی محبین را مبعوث خواهد گردانید رویهای
نور و جامه‌های نور بر ایشان نور در سایه عرش باشند پیغمبران و پیغمبر نیستند و بمنزله شهدا و شهید نیستند
پس سنت مبارک بر سر علی کشید فرمود که این و شیعیانش چنین خواهند بود و روایات بطرق عامه و
خاصه دلالت میکند متواتر است و مفتاح ستم ابواب جلا صغیر صفحه و امیر المؤمنین
میفرماید که ... هر که دارد روز قیامت هیچ ... در محبت ما اهل بیت و معنی
محبت ایشان مذکور شد ... و باسم تعالی ولایت و محبت ... و رهین
هم مذکور خواهد شد و حضرت امام رضا ع میفرماید که ... هر که ما اهل بیت را دوست
دارد خدا او را دوست دارد و روز قیامت ... شفاعت ایشان را
خواهد کرد ... با کسانی از اهل دنیا ... و یکی آنکه دوست دارد ایشان را
و دل ... و یکی آنکه سعی نماید در حاجات ایشان در وقت اضطرار و یکی آنکه ببخشد مال خود را با ایشان در هنگام
تنگی بروایت دیگر فرمود ... ایشان و حضرت صادق ع میفرماید که چون روز قیامت شود منادی
ندا کند که ای خلایق ساکت باشید که محمد مصطفی ص تکلم میفرماید ... میفرماید یا معشر الخلایق
هر که از نزد من نعمتی ... کدام خوبی و نعمت است کسی را
از خدا است و رسول ... خلایق ... و دیگری از اهل بیت ما با ایشان نموده باشد یا برهنه
ایشان را پوشیده باشد یا گرسنه ایشان را سیر کرده باشد ... تا من مکافات دهم آنگاه ...
... یا حبیب من ... که مکافات ایشان

## در خواص آخر شیعیان

واگذاشتم شیعه مرا که خواهی در بهشت ایشان را ساکن کن پس جا میدهد ایشان را در وسیله در
جایی که هیچ حاجبی میان ایشان و محمد و اهل بیت او نداشته باشد و ذکر فرموده از آباء کرام خود از امام صادق که چون
قیام کند قیامت در مقام محمود که حق تعالی وعده فرموده شفاعت میکنیم از اهل کبائر امت خود پس قبول شفاعت
من میفرماید بعد سوگند که شفاعت نخواهم کرد کسی را که آزار ذریه من کرده باشد و منقول است از آن حضرت
که مؤمن نمی باشد بنده تا مرا دوست تر از خود نداشته باشد و اهل مرا از اهل خود و عترت مرا از عترت خود
و فرمود که هر که احسانی کند بیکی از اولاد عبد المطلب و تلافی نکند من تلافی خواهم کرد فردا که مرا ملاقات
کند و فرمود که هر که شربتی به ایشان دهد اگرچه میان دریا باشد شفاعت کنم اگرچه گناهان اهل دنیا
باشد و فرموده که شیعیان ایشان از برای حق او و غیر صالح برای خاطر من و در خصوص عبادات و دیگر
چیزها هم که باعث رستگاری و نجات در شرع اثبات شده بذکر آنها اکتفا میکنیم و از الجمله هدایت
و ارشاد مؤمنین به تبیین علوم دین و تحقیق مسائل شرع مبین بهتر از همه چیزها که در احادیث مستفیضه
بلکه متواتره از رسول خدا و امیر المؤمنین و ائمه هدی صلوات الله علیهم اجمعین واقع شده که عالمی که
هدایت و تعلیم شیعیان آل محمد میکند با ما خواهد بود در رفیق اعلی و بیاید روز قیامت محشور
با تاج سعادت بر سر که روشنی بخشد که اهل عرصات را و با حله ای که یک تار آن بهتر باشد از دنیا و آنچه در آنست
و تا ابد هزار هزار بار و از حق تعالی ندا رسد که ای بنده کریم که ایتام و موالیان محمد را و اهل بیت کریم مرا
بدهید در بهشت به هر یک تعلیم کرده هزار هزار قصر با آنچه مناسب آنها باشد از نعمتها و فرماید که ای
بندگان من اینها شاگردان آل محمد که هر که در دنیا با او از جهل برهد که هدایت و مواعظ او را
قبول نموده و بگوش هوش شنیده امر نمود و چنگ زنند تا از ظلمات و حسرت قیامت نجات یابند به بهشت
رسند و بحضرت کاظم ع ندا رسد که ای کفیل یتیمان آل محمد که جدا مانده بودند از پدران حقیقی و
امامان خود باش شفاعت کن هر که را خواهی که علم از تو اخذ کرده پس شفاعت کند تمام از شاگردان و
شاگردان شاگردان ایشان تا قیامت و هر فاطمی صد هزار امت بر تست فاطمه از رسول خدا آمده علما بعد در
علم و ارشاد خلق خلعتهای کرامت پوشند و شاگردان خود پوشانند قدر علمی که فرا گرفته اند و آنها هم شاگرد
خود خلعت دهند و هم چنین ندا رسد که عوض نعمتها که بخشیدند مضاعف دهند و در این باب احادیث
بسیار است از حضرت صادق و کاظم ع یکی از ایشان بهتر است از هزار عابد که همت به بندگان خود است

## در اعمالیکه باعث خلاصی از عقاب است

و بحدیثی از هفتاد هزار عابد مثل فضل ماه بر ستارها و بحدیث دیگر از جهاد کننده با کفار هزار هزار
بار و منقولست که در نزد رسول خدا صلعم مذکور شد که شخصی بعد از نماز فریضه نشست بتعلیم و دیگری روزها
بروزه و شبها بنماز است فرمود که فضیلت اول بر ثانی مثل فضیلت من است بر کمترین شما و بسند حسن قدسی
هدایت یک فقیه بهتر است از عبادت صد سال که روزها بروزه و شبها در تمام باشی و بحدیث نبوی طالب علم را شفاعتی
هست مثل شفاعت انبیا و فرمود مداد علما در میزان قیامت زیاد آید بر خون شهدا و فرمود بسند صحیح حضرت صادق ع
که در روز قیامت سه طایفه شفاعت میکنند اول پیغمبران دوم علما سیم شهدا و از آنجمله گریستن بر اهل بیت عصمت
و طهارت و رسالت و زیارت و مجاورت و تقبیل عتبات خاندان نبوت و امامت و عزت و معرفت و اخلاص علی الخصوص
سرخ روی دشت کربلا و پیشوای زهر غریب بلا چنانکه بطون کتب زار و متون اخبار از این مضمون ملزوم و مشحون
است بسند صحیح از حضرت امام علی بن موسی الرضا مرویست که بدرستی که هر امامی را عهدیست در گردن
شیعیان و دوستان که از تمام وفای آن عهد زیارت قبور ایشان است پس هر که زیارت قبور ایشان نماید با
رغبت و معرفت شفیع او خواهند شد در روز قیامت و بروایتی دیگر گویا زیارت کرده خدا را در عرش عظمت
و جلال و بر کریم لازم است که گرامی دارد زایر خود را و در روز قیامت عطا کند باو آنچه خواهد و بسند صحیح حضرت
صادق ع میفرماید که سید حسن مجتبی از رسول خدا صلعم از ثواب زیارت او فرمود هر که زیارت کند مرا یا پدر ترا
یا برادر ترا یا ترا در حیات ما یا وفات ما حق و لازم است بر من که نجات دهم او را در روز قیامت ابن
بابویه از حضرت امام حسین ع روایت کرده که فرمود حق و ثابت است بر من که زایر خود را زیارت کنم روز قیامت
و نجات دهم او را و در حدیث حضرت امیر المومنین ع فرمود ضامن شدم برای او که روز قیامت خلاص کنم او را از هول
و شداید آن روز تا آنکه ببرم او را با خود بدرجه خود در بهشت و در حدیث دیگر صحیح بروایت حضرت امیر المومنین
و حضرت سجاد و زینب خاتون صلوات الله علیهم فرمودند که جبرئیل ع گفت که ملائکه باذن الله تعالی روی
او را بمهری از مهرهای عرش الهی نشان میکنند تا روز قیامت معروف باشد و نور الهی و نوران مهر بدیدها
اهل محشر را خیره کند گویا ماه [illegible] که محشر [illegible] و میکائیل [illegible] و علی [illegible] روی ما و با ما
ملائکه باشد که عدد آنها بغیر از خدا کسی نداند [illegible] اهل محشر و هر که اثر مهر بر روی
هست از هول و شداید آن روز نجات یابیم و در حدیث و اخبار تقریر زیارت قبور ایشان جناب حضرت
امام حسین ع که زیارت مرا که خواهد کرد با [illegible] روز قیامت

# در ثواب زیارت امام حسین ع

جستجو خواهم کرد و دوستانش را خواهم گرفت و از شدائد روز نجات خواهم داد و زیارت حضرت امیرالمؤمنین ع
از زوار آن جناب بمقدس الهی و با افواج ملائکه و انبیاء و افضل است از سایر ائمه مانند فضل خود در
اعمال خود و حضرت صادق ع میفرماید که هر که بزیارت آنحضرت رود پیاده بهر قدمی حجی و عمره کرده باشد
پس اگر پیاده برگردد بهر قدمی دو حج و دو عمره و ثواب زیارت آنحضرت در دنیا و عقبی زیاده از حد و حصر است
و زیارت حضرت امام حسین ع بروایات متواتره افضل بهتر از حج است با مغفرت گناهان و حضرت صادق ع
فرمود بکسی که نوزده حج کرده بود و نوزده عمره که یکی دیگر بجا بیاور که بیست تمام باشد برای یک زیارت
حضرت امام حسین ع خواهد بود راوی گوید که پرسیدم که چنین فرموده گفت کدام را دوست تر داری
بیست حج و بیست عمره را یا حشر با حسین ع گفتم بلکه حشر با حسین ع را فرمود پس زیارت کن او را و بسند صحیح
ثواب هزار رقبه یا هزار اسب ملجم و بهر قدمی حسنه و محو سیئه و بهر قدمی حجی وارد شده و در بعضی زیارات
مخصوصه مثل عرفه یا هر ماه هزار حج و هزار عمره مقبوله و هزار غزوه و اجر صد هزار شهید بدر و مرافقت
محمد ص و بهشت و ضامن بودن علی مرتضی حوایج و دفع شدائد او را در دنیا و آخرت وارد شده و در روایت
از حضرت امام موسی کاظم ع فرموده روایت کرده زیارت قبر پسرم علی در سنه برابر هفتاد حج مقبول است خواند
چون راوی تعجب نموده فرمود بلی هفتاد هزار حج و هر که یک شب نزد او صبح کند گویا خدا را در عرش زیارت
کرده پس فرمود چون روز قیامت شود بر عرش خدا باشند چهار نفر از اولین نوح و ابراهیم و موسی و عیسی ع
و چهار نفر از آخرین محمد علی و حسن و حسین صلوات الله علیهم اجمعین آنگاه کشیده می شود اندازه پس با ما
می نشیند هر که زیارت کرده قبور ائمه را آگاه باش بدرستیکه بلندترین ایشان در درجه و نزدیکترین ایشان
در عطیه و بخشش زوار قبر پسرم علی خواهد بود و در امالی بهمین حدیث هر که حضرت امام رضا علیه السلام
را در طوس زیارت کند و یکشب در آن روضه بهشت بیاید را چنانست که حق تعالی را در عرش زیارت نموده
باشد و بسند صحیح از سلیمان مروزی از آنحضرت منقولست و بسند صحیح از بزنطی روایت کرده اند که خواندم
بخط شریف حضرت امام رضا ع که برسان بشیعیان که زیارت من برابر هزار حج و هزار عمره مقبولست
عرض کردم بحضرت امام محمد تقی ع که هزار حج فرمود که بلی بخدا سوگند هزار هزار حج برای هر که زیارت او کند با
معرفت و فرمود من با پدرانم شفیعان او هستیم در روز قیامت هر چند بر او باشد گناهان جن و انس و در روایت
کرده از حضرت صادق ع که هزار سالی از اولیای شهید از ثواب زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام

# در ثواب زیارت امام رضا ع

فرمود بخدا آمرزد گناهان گذشته و آینده او را با معرفت و قبول کند شفاعت او را در حق پنجاه گناهکار
و نطلبد حاجتی نزد قبر او مگر آنکه روا شود آنگاه حضرت امام موسی کاظم ع که طفلی بود درآمد پس بر زانوی
خود نشانید پیشانی مبارک و چشمان او را بوسید پس روی خود را بسوی ما کرد و فرمود یا طوسی این امام است بعد از من و از صلب
او بیرون آید مردی که اسم او رضا نام باشد برای خدای عزوجل در آسمان و برای بندگان او در زمین و کشته
خواهد شد بزهر در زمین طوس بظلم و عدوان و در آنجا مدفون خواهد شد غریب تنها آگاه باش که هر که زیارت
کند او را در غربت او و داند که امام واجب الاطاعه است بعد از پدرش از جانب خدا مثل کسی باشد که رسول خدا را
صلی الله علیه و آله و همین فضیلت وارد شده در زیارت عموم ائمه و در زیارت حضرت کاظم ع در صحیح حضرت
جواد ع میفرماید که هر که در طوس قبر پدرم را زیارت کند بیامرزد خدا تعالی گناهان گذشته و آینده او را
پس چون روز قیامت شود نصب کنند برای او منبری برابر منبر رسول خدا ص تا خدا از حساب بندگان فارغ شود و
روایت نموده کلینی بسند صحیح از ابی هاشم که پرسیدم از حضرت جواد ع که زیارت حضرت امام رضا
علیه السلام افضل است یا زیارت حضرت امام حسین ع فرمود زیارت پدرم چرا که حضرت ابی عبدالله را
همه مردم زیارت میکنند و پدرم را زیارت نمیکنند مگر خواص شیعه و در صحیح حضرت صادق ع مکرر وارد
یعنی قلیلی یگانه خوبان و بسند صحیح حضرت صادق ع زیارت حضرت امام حسین ع مقدم است در زیارت
کاظمین علیهما السلام جامع است و عظیم است اجر و ثواب گریستن در مصیبت ایشان در اخبار متواتره زیاده
از حد کرامات از جمله روشنی قبر و ایمنی از فزع اکبر در روزی که دیدها حیران و دلها در دهشت بیم
مرده باشد و بودن ایشان روز قیامت در درجات ایشان و آمرزش گناهان و بسیاری از ثوابهای یاد
مذکوره و غیر اینها و حضرت صادق ع بزراره فرمود که هیچ دیده نزد خدا محبوب‌تر نیست از دیده که بر حسین ع
بگرید و نیز هیچ گریه از اشکی که بر آن حضرت بریزد و هر که گریه کند خوبی بحضرت فاطمه علیها السلام نموده
و حق ما اهل بیت را ادا کرده و در قیامت هیچ بنده محشور نمیشود که دیده اش گریان نباشد مگر کسی که بر
جدم حسین مظلوم گریسته باشد که محشور خواهد شد با دیده‌های خندان و بشارت باو میرسد از جانب
خدا بحسن و آثار سرور و خوشحالی ظاهر و خلایق همه در ترس و بیم باشند و گریه کنندگان بر حسین ع ایمنند
و همه را بمقام حساب میبرند و ایشان در زیر عرش الهی نشسته از حساب نمیترسند و ملائکه نزد ایشان آمده تکلیف
بهشت مینمایند و ایشان ابا میکنند که ما مجالست و صحبت حسین را بر بهشت برگزیده‌ایم و لقاء حضرت الحضر را

# در بیان صبر است

بهتر از بهشتها است باز ملائکه پیغام از زبان ایشان بحوران بهشتها ایشان می آورند و وصف
نعمتها و کرامتهای الهی که برای ایشان مهیا شده بیان نمایند ایشان جواب گویند که خواهیم آمد ان شاء الله نزد شما
چون جواب ایشان بحوران و غلمان و خادمان بهشتهای ایشان میرسد و میشنوند در خدمت حضرت
امام حسین ع در روز عرش نشسته اند شوقشان بملاقات ایشان زیاده میگردد پس همه ایشان آنحضرت
گویند حمد و سپاس خداوندی را که فزع اکبر و هول آنرا از ما برداشت و ما را نجات بخشید از آنچه میترسیدیم پس
اسبها و شترها و محملها از بهشت می آورند و ایشان سوار شده مشغول حمد و ثنای الهی و صلوات بر محمد و آل
محمد میفرستند تا داخل منازل خود گردند اللهم اجعلنا منهم وصل علی محمد و آل محمد الابرار و از انجمله تهجد و نماز شب
و گریه از خشیت الهی چنانچه در عین دوازدهم مذکور است و بحدیث نبوی ص حق تعالی روز قیامت خلق اولین
و آخرین را جمع خواهم کرد و میفرماید که برخیزند جماعتی که شب بیداری کشیده اند پس برمیخیزند جماعتی و
ایشان کم باشند پس میفرماید برخیزند آنها که تجارت و معامله ایشان را از ذکر خدا غافل نمیکرد پس برمیخیزند
و کم باشند پس ندا رسد که برخیزند آنها که حمد الهی میکردند در خوشحالی و بدحالی پس برخیزند و کم باشند
بعد از آن حساب سایر مردم را خواهند کرد و باحادیث صحاح هر چشمی گریان خواهد بود مگر چشمی که برای خدا
گریان و چشمی که شب بیداری کشیده و چشمی که از محارم الهی پوشیده باشد و از انجمله صبر که راس
ایمان و مکارم نفس و فضایل مؤمنانست و شعبها بسیار دارد صبر بر طاعتها است و از محرمات ورع
و از شبهات تقوی و از شهوات عفت و در روز وطء مصیبتها و از فضلات دنیا زهد و در غضب حلم بلکه
اکثر اخلاق حسنه از فروع این اصل است منقولست از رسول خدا ص که صبر بر سه قسم است صبر در مصیبت و بر طاعت
و از معصیت حق تعالی در اول سیصد درجه کرامت میفرماید که رفعت هر درجه از زمین تا آسمانست و در
ثانی ششصد درجه که هر درجه از انتهای زمین تا عرش باشد و در سیم نهصد درجه از منتهای زمین تا منتهای عرش
باشد و فرمود هیچ صبری در نزد خدا دوست تر نیست از دو صبر در مصیبت و غضب و هیچ قطره از قطره خون شهید
و اشک پشیمانی در شب ظلمانی و نزد تجار و دو قدم بسوی جماعت و صله رحم و فرمود خدا میفرماید که صابر در مصیبت را
شرم میدارم که میزان و دیوانی و حساب برای او بیارم و فرمود هر که صبر کند در بلای او را است اجر هزار شهید و فرمود
که چون مؤمن بیمار شود بملائکه وحی شود که گناه بنده مرا ننویسید تا در بند من است و بنویسید حسناتی که برای او مینوشتید
و فرمودند که اهل عافیت در روز قیامت خواهند کرد که کاش پوست بدنشان به مقراض بریده شده

# در فضیلت صبر است

بوده و بسبب ثوابهای اهل بلا که مشاهده خواهند نمود و فرمود بتحقیق که حق تعالی محافظت مینماید
دوست خود را به بلا و پرهیز میدهد او را از دنیا چنانکه بیمار را از طعام پرهیز میدهند و بدرستی که مؤمن بمنزله کفه ترازو است
بقدر ایمانش زیاد میشود بلای او و فرمود بلای دنیا نعمت آخرت است و نعمت دنیا بلای آخرت است و از حضرت کاظم
علیه السلام روایت است که مؤمن نخواهید بود هرگز تا بلا را نعمت شمارید و مصیبت را راحت و حضرت باقر
میفرمایند از آنحضرت که در روز قیامت از جانب رب العزة ندا رسد که جمیع اهل محشر بشنوند که کجایند اهل
صبر آنگاه جمعی برخیزند و ملائکه استقبال ایشان نمایند و گویند چه بود صبر شما گویند نفس خود را بر مشقت
عبادت و ترک معصیت داده ایم پس ندا رسد که راست می گویند بگذارید تا بی حساب به بهشت روند پس
ندا رسد که کجایند اهل فضل گروهی برخیزند که حلم و عفو میکردند از بدی و سفاهت مردم برای خدا
و بی حساب به بهشت روند ندای دیگر رسد که کجایند همسایگان خدا گروهی برخیزند که برای خدا با هم دوستی
و برادری میکردند بی حساب به بهشت روند پس حضرت فرمود ایشان همسایگان خدایند و مقربان خدا پس مردم میترسند
از اهوال قیامت و ایشان نمی ترسند مردم را حساب کنند و ایشان را حساب نیست و در حدیث طولانی ابن مسعود
فرمود بدرستی که در کتب منزله من و انبیاء سابق بیان نموده ام که کسی به بهشت رود بی حساب مگر صابران که اجر ایشان
بی حساب است و بدانکه توبه و صبر از گناه اکمل و اقدم و افضل و اعظم افراد صبر است و فضایل بسیار دارد و فضایل عموم
صبر بخصوص صبر دخل عظیم در نجات از کل عقبات وارد چنانکه منقول است از آنحضرت که فرمود چون مؤمن
توبه کند بگشاید خدا تعالی بر او در دنیا و آخرت هزار در رحمت و بنویسد بهر رکعتی از نافله او ثواب عتاق
یکساله و بهر اشکی که بریزاند نوری در صراط و شهری در بهشت و بهر روز و شبش را ثواب شهیدی و بهر حرفی از
استغفار و تسبیحش حج و عمره و منور گرداند قبر او را و روح او را و بعدد ستارها بنده آزاد و بهر تار مویش نوری
عطا کند و گویا بوزن خود طلا تصدق نموده میرسد باو بشارت روز قیامت و وحشت قبر و ترس
روضه ای باشد از بهشت و وارد شود هر روز بقبرش هزار ملک برای انس او و روز قیامت با هفتاد حله
و تاج رحمت در سایه عرش با پیغمبران و شهدا باکل و شرب و عیش مشغول باشد تا خدا از حساب مردم فارغ
شود و او را به بهشت فرستند و بعضی قرآن و احادیث تائب محبوب الهی است و طریق توبه و عقاید و مفاسد
ترک و تاخیر آن در مقصد چهارم مذکور خواهد شد و از آنجمله اخوت و دوستی با مؤمنان است بجهة خدا و اعانت
ایشان چنانکه در احادیث بسیار از رسول خدا صلعم و ائمه هدی صلعم وارد شده که ایشان اصفیاء و برگزیدگان خدا

# در فضیلت فقرا

ودر وقت قیامت بر کرسیهای نور در سایهٔ عرش الهی از طرف راست خواهند بود با روی سفیدتر از برف و
روشن‌تر از آفتاب و شادتر ... بر ایشان هر ملک مقرب و پیغمبر مرسلی و حضرت صادق ع از رسول خدا ص
ذکر فرموده که حق تعالی در بهشت عمودی از یاقوت سرخ آفریده و بر سر آن هفتاد هزار قصر و در هر قصری
هفتاد هزار غرفه و آنرا برای جمعی آفریده که در دنیا برای حق تعالی با هم دوستی و مزاورت نمایند از فضایل دوستی
واعانت و قضای حوایج برادران مؤمن که در موقف خود خواهد آمد در این مقام اکتفا کنیم بچند حدیث صحیح
حضرت صادق ع میفرماید که هرکه رفع کرب و اندوه مؤمنی نماید یا اعانتی او کند و حاجتی که داشته باشد برآورد
حق تعالی از جهت او لازم گرداند برای آن ... هفتاد و دو رحمت که بیکی امور دنیای او را با صلاح آورد
و هفتاد و یک رحمت دیگر را ذخیره کند برای اهوال و شدتها و فزعهای قیامت و در هر خلایق بخود گرفتار
باشند و فرمود هرکه زیارت ... از قبر خوشحال و خوشحال و حضرت سجاد ع فرمود که حق تعالی غمهای قیامت را از او
بردارد و ... که ... باشد هرکه او را سیر کند خدا او را از میوه‌های بهشت خوشنود گرداند و ملائکه با او مصافحه
و مباهات کنند ... و حضرت میفرماید بخدا سوگند که سرور ... بر اهل خانه داخل کند مگر آنکه خدا تعالی بیافریند از آن سرور
خلقی که نجات دهد او را در قیامت ... که رسد که بهتر ... خدا و حضرت صادق ع فرمودند که براید
از قبر ... بشارت دهد بکرامت از جانب الهی و ... و ایمن میگرداند او را از هر هولی و
شدتی که او را باشد ... و ... و حشتی او را داخل بهشت کند پس میپرسد که تو
کیستی خدا ترا رحمت کند گوید منم آن سرور و خوشحالی که داخل برادران و اهل خود میکردی و فرمود که هرکه
شاد کند مؤمنی را خدا او را شاد کند در روز قیامت که گفته شود در ... تمنای لازم بر خدای خود ... 
... که در دنیا ... سرور ... دوست او را پس هر چه تمنا مینماید خدا عطا میفرماید
زیاده بر آن از پیش خود عطا کرامت میکند که بخاطر او خطور نکرده از نعمتهای بهشت که زوال ندارد و
فرمود که مؤمنی نیست که یاری برادر مؤمن خود کند مگر آنکه حق تعالی یاری او کند در دنیا و آخرت و نیست
مؤمنی که ترک یاری او کند با قدرت مگر آنکه خدا او را وا گذارد در دنیا و آخرت و از ... فقراست چنانکه حضرت
صادق ع میفرماید که روز قیامت دو مؤمن را در مقام حساب باز دارند یکی فقیر و یکی غنی فقیر گوید خدایا امر برای چه
باز میدارند ... در دنیا حکومتی نداده بودی که عدل یا جور ظلم کرده باشم و مالی که حق آن را عطا یا منع کرده باشم
همیشه روزی مرا بقدر کفاف میدادی خدا میفرماید بندهٔ من راست گفت بگذارید که ببهشت رود و

# در فضیلت فقر است

ان غنی را انقدر نگه دارند که چهل شتر از عرقش سیراب شوند بعد از انکه به بهشت رود و فقیر از همه کس
اول پرسید که بگو به ازای حساب و بسیاری سؤال که هر ساعت چیزی پیش آمد که مستحق عذاب میشدم و خدا
می بخشید دیگر میپرسید باز هم چنین تا خدا مرا به رحمت خود بخشید و به نیکوکاران ملحق گردانید تو کیستی
گوید فقیری که با تو بودم گوید نعیم بهشت ترا تغییر داده که نشناختم و فرمود که فقرای مؤمنین در باغهای بهشت
نعیم میمانند پیش از اغنیاء بچهل سال بمثل دو کشتی که بر گمرکچی بگذرند انکه خالیست گویند بگذرد و انکه پر از متاع
گویند نگه دارید تا تفتیش بکنیم و فرمود فقرا ملوک بهشت اند همه خلق مشتاق بهشت اند و بهشت
مشتاق فقرا است ابوذر پرسید از رسول خدا که ای رسول الله اما سابقین بهشت چه جماعت اند که با خدا در مقام تضرع و خشوع باشند
و با خدا ابتدا میکنند فرمود نه ولکن با فقرای مسلمانان که پابرهنه اهل محشر گذشت و صفهای اشکافند به او انها
بهشت خواهند شد پس خازنان بهشت گویند باشید تا حساب شما را بکنند گویند به چه چیز حساب ما را میکنند
سلطنتی نداشتیم که از جور و عدل پرسند ونه مال زیادی داشتیم که از انسانی و عطا پرسند لیکن بندگی میکردیم
تا خدا ما را طلبید ما بیم و با این معنی در مصباح وارد شده و بدانکه ایات و احادیث در فضایل فقر و تفضیل
ان با غنیا که زهد است بسیار است و فقر هم موهوم احتیاج بخلق برشت و الا صبر بر عفت جیفه دنیا
و توفیق ان سعادتیست عظمی و کرامتیست کبری از جانب خدای مشفق اهلی و امری است از الام و مصائب
دنیا و عقبی و افتخار دنیا برای انبیاء و اولیاء و رسول خدا ص میفرماید و چه صبر کرده که ادعا است مرا که راحت
مؤمن و کمی مال که حساب او سبکتر است و در حدیث دیگر با مشتریها و مشهود فرموده فقر فخر من است
و سایر انبیاء و از دعای حضرت است که اللهم احینی مسکینا و امتنی مسکینا واحشرنی فی زمرة المساکین و
فرموده یا اباذر به پروردگار خدا سؤال کرده ام که روزی دوستان مرا بقدر کفاف دهد و دشمنان را مال و دنیا
و اولاد و در چند حدیث از حضرت پیغمبر و حضرت صادق علیهما السلام که انحضرت مکرر این دعا را میکرد و در
بعضی از انها این مضمون است که خدایا محمد و ال محمد را و اصحاب و دوستان انها روزی کن عفاف از شبهات و کفاف در روزی
و امثال این ایات و روایات بسیار است که بتاکید به این معنی شده است و عقل عقلا با این است که فقر
بر هفت چند روز با دولت و راحت و سعادت ابدیست و فرموده مؤمن چون بقدر ارزاد در دنیا نمیند خیلی دل
اتباع شیطان چون بر او سیم دنیا میل میکنند مانند پیشوای خود بر انها شان در دنیا است چون خدا اعمل ایشان و عامل ما
تابع میکنند و فرموده که حق تعالی میفرماید اگر نه این بود که شرم میدارم از بنده مؤمن خود هر اینه نمیگذاشتم برای او

# در فضیلت فقرا

نمیگذاشتم که ستر عورت خود نماید و بنده که ایمانش کامل باشد مبتلا میکنم بضعف قوت و کمی روزی
پس هرگاه دنیا بر او تنگ شد باو بر میگردانم و اگر صبر نمود باو مباهات میکنم بملائکه خود و فرمود یا علی هیچ
کس از اولین و آخرین نیست مگر آنکه آرزو کند در قیامت که کاش زیاده بر قوتی در دنیا نداشتم و فرمود که بهره
هر که در دنیا وافر باشد در آخرت ناقص باشد هر چند گرامی باشد و فرمود تکلم نمود با من پروردگار من که یا
محمد هرگاه بنده را دوست دارم سه چیز باو کرامت کنم دل محزون و بیماری و فقر و هرگاه دشمن دارم دل شاد و صحت
و ثروت باو دهم و بحدیث حضرت کاظم ع مخصوص شده اند انبیاء و اولاد انبیاء و اتباع ایشان بسه چیز خوف
سلطان و بیماری و فقر و فرمود یا اباذر هر که ترک تجمل و زینت کند و قادر باشد بر آن از روی تواضع برای
خدا حق تعالی بپوشاند بر او حله کرامت ای اباذر خوشا حال کسی که عمل کند بعلم خود و انفاق کند زیادتی
مال خود را و نگاه دارد زیادتی حرف را و از سید فقرا علی مرتضی ع منقولست و فرمود فقر زینت می
دهد مؤمنان را بیش از لجام نیکو بر اسب و فرمود فقر مخزونست نزد خدا بمنزله شهادت عطا نماید بهر که خواهد
و بحدیث حضرت صادق ع فرمود که خدا بنده که دوست دارد غوطه میدهد او را در بلا غوطه دادنی و چون دعا
کند فرماید لبیک ای بنده من خواهم برای مطلبی زود بفرستم اما اگر ذخیره کنم از برای تو بهتر است و حضرت
صادق ع فرمودند که هر چند ایمان زیادتر شود تنگی معاش او بیشتر شود و فرمود مصائب دنیا عطاهای خدا
است و فقر را خدای تعالی برای مؤمن در خزینه های خود ضبط میفرماید و از رسول خدا صلی الله علیه و آله ذکر فرمود که
فقرا امانت خدا است هر که امانت پنهان دارد ثواب روزه روزها و عبادت شبها دارد و اگر اظهار کند بکسی که قادر
بر حاجت او باشد و بر نیاورد او را گویا کشته باشد او را نه بشمشیر و نیزه ولیکن بجراحت دل او و فرمود عطا نکرده
خدا دنیا را مگر برای عبرت و دور نکرده مگر برای آزمایش و فرمود که خدا میفرماید بخوشحال تر و مقرب ترین خلق
نزد من مؤمنی است که بهره عظیم از اصلاح بردارد و عبادت نیکو نماید و پنهان بندگی خدا کند و میان مردم گمنام
باشد و انگشت نما نباشد و بقدر کفاف روزی صبر نماید تا بمیرد و میراثش کم باشد و گریه کنندگانش کم باشند و در حدیث
اخبار فرموده اند که روز قیامت حق تعالی التفات فرماید بفقراء شیعه مانند معذرت خواهی و گوید بعزت
و جلال خودم سوگند که شما را فقیر نکردم برای آنکه خوار بودید نزد من امروز ببینید که با شما چه خواهم
نمود و هر که نوشته چیزی بشما داده دستش را گرفته داخل بهشت کنید و در حدیث دیگر است که نیست
از شما مگر آنکه حق تعالی جل جلاله بی واسطه با او تکلم خواهد فرمود بعد هر چه بینی در بازار و نواهی

# در فضیلت فقرا است

خوبا حسنه داری حضرت کاظم علیه السلام ذکر میفرماید از حق تعالی که اغنیا را غنی نکردانیدم برای کرامت
ایشان ونه فقرا را فقیر جهة اهانت ایشان ولیکن فقیر را وسیله امتحان اغنیا ساختم واکر فقرا نبودند
اغنیا مستوجب بهشت نمیشدند ونیز فرمود سلمان مشتاقند بهشت فقرا شیعه علی را که هر یک در قیامت شفاعت
میکنند مثل ربیعه ومضر که دو قبیله بزرک‌اند وحضرت امام رضا عم فرمودند که هرکه سلام کند فقیر را
بخلاف سلامی که بر اغنیا میکند در مقام حساب حق تعالی بر او در خشم باشد فرمود فضیلت نان جو بر کندم مثل فضیلة
ما است بر سایر مردم وفرمود که هیچ قوت پیغمبران بهتر از نان جو نبود وحق تعالی ابا کرده که قوت پیغمبران را قوت اشقیا کند
وار وحی الهیست که یا موسی چون به بینی که فقر رو بتو آورده بکو مرحبا بشعار صلحا وچون توانکری رو بتو کند بکو
عقوبت کناهیست که در دنیا بان کرفتار شده‌ام واز رسول خدا صلی الله علیه وآله منقولست که فرمود خوشا بحال
مساکین که در فقر صبر نمایند ایشانند جمعی که می‌بینند ملکوت آسمان وزمین را وفرمود فضل ایشان بر امت من مثل
فضل من است وخنده ایشان عبادتست ومزاح وخوش طبعی ایشان تسبیح است وخواب ایشان صدقه است وحق تعالی
رحمت میکند بسوی ایشان سه مرتبه هر روز وهر چیزی را کلیدی هست وکلید بهشت دوستی فقرا ومساکین است وفرمود
دو رکعت نماز مؤمن فقیر بسوی خدا محبوبتر است از هفتاد رکعت نماز غنی شکر کذار وفرمود هر که کرسنه یا محتاج شود
واز غیر خدا پنهان کند حق است بر خدا تعالی که روزی یکساله با او برساند از مر حلال وفرمود ای کروه مساکین
بفقر راضی وخوشحال باشید تا خدا از دل شما بیابد تا ثواب عظیم دهد والا چندان اجر نخواهید داشت وهرکه
باحوال سید المرسلین وائمه طاهرین وسایر انبیاء واولیاء صلوات الله علیهم اجمعین بنظر عبرت وبصیرت
نظر کند البته با غنیا رو ایشان بر فقر اختیار فقر نموده زهد خواهد ورزید اللهم اغننا علی کل برکة
محمد وآله وعترته الطاهرین وصلی الله علیه وآله فی الدنیا والآخرة واز انجمله حفظ قران ومواظبت قرائت
چنانچه در عقبه سؤال از حق ان خواهی سید حضو صا سوره اعراف وطه ویس وفرقان وآلم سجده وحم
سجده وشوری ودخان وق وقمر وواقعه وصف ومعارج ومطففین وتین ولم یکن وعصر وماعون ونشرح
که برای هر یک وارد شده واز اعظم منجیات از اهوال ومهلکات قیامت ونور ومصابیح ان روز حسرت وذلت
وملامت عالیا ذا ب شب وروز جمعه است که بحدیث نبوی مظاهر وعضران قیامت تمام خواهد نمود چنانکه
حضرت صادق عم میفرماید که هر ثواب کناهی در ان روز مضاعف است وجمعه در قیامت پیش ایام خواهد بود
شهادت خواهد داد براو هرکه صلوات فرستاده بر محمد وآل محمد شفاعت خواهد کرد در بهشت وحسن فرمود که باید کسی

۹۷ در روز جمعه بغیر عبادت مشغول نشود بتحقیق که آن روز بخشیده می‌شود گناهان بسیار و نازل میشود رحمت
جواد و در آن روز پاکیزگی و خوشبوئی و زینت و عید مسلمین و بهتر از عید اضحی و فطر است و از او حرمت عظیم و
حق واجب یاد داده است نهار او ضایع مکن و تقصیر منمای در هیچ چیز از عبادت خدا که در این روز مضاعف میشود حسنات
و محو سیئات و رفع درجات میفرماید و نیز جمیع اعمال شایسته و شبش مثل روزش میباشد پس اگر توانی که
احیا داری به نماز و دعا تا صبح پس بکن که حق تعالی ملائکه را برای مزید کرامت مؤمنین باسمان اول میفرستد که
حسنات ایشان را زیاد و سیئات ایشان را محو نمایند پس تا توانی در روز و شب خود را بمعرض رحمت الهی در آور
با عمال صالحه و در حدیث صحیح فرمود که خدا فضیلت داده روز جمعه را بر سایر ایام بتحقیق که بهشتها را زینت میدهند
در روز جمعه برای آنها که نماز جمعه میگذارند و در روز قیامت اهل جمعه سبقت خواهند گرفت بسوی بهشت بقدر
سبقت نماز جمعه در روز جمعه درهای آسمان گشوده خواهد شد برای بالا رفتن اعمال صالحه و در حدیث صحیح حضرت امام
رضا از رسول خدا صلعم ذکر میفرماید که هیچکس حق را نشناسد مگر آنکه لازم است بر خدا که او را از آزاد
کرده های خود گرداند از جهنم و هیچکس ضایع نمیکند حق و حرمت او را که نماز جمعه حاضر نشود یا مرتکب گناهی شود
مگر آنکه توبه کند و از اعظم عبادات روز جمعه احیای شب است که خوابیدن بحدیث حضرت سجاد خواب حسرت
است هنگامی که زنده داران آن شب با اجر و کرامت عظیم مشاهده خواهند شد و حضرت امام حسن
ع میفرماید که مادرم شب جمعه از اول شب تا صبح مشغول عبادت حق تعالی میبود و پیوسته برای مؤمنین
و مؤمنات دعا میفرمود و نام میبرد ایشان را و در حدیث صحیح حضرت باقر ع میفرماید بتحقیق که حق تعالی امر
ندا میفرماید در شب جمعه از بالای عرش از اول شب تا آخر شب که آیا مؤمنی هست که مرا بخواند برای آخرت
و دنیای خود پیش از طلوع فجر تا اجابت کنم آیا مؤمنی هست که شفا طلبد پیش از طلوع فجر تا او را عافیت
دهم آیا مؤمنی هست که زیادتی در روزی طلب کند تا او را توسعه دهم آیا مؤمنی نیست که رهائی خواهد
از حبس تا نجات دهم آیا مؤمنی هست که گرفتن مظلمه خود طلبد پیش از فجر تا انتقام و حق او را بگیرم و شبها
دیگر هم بعد از نصف شب چنین ندا میشود تا صبح در شب و روز جمعه هیچ عملی بهتر از صلوات بر محمد و آل
محمد نیست حضرت صادق ع میفرماید که صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد در شب جمعه میدرخشد نورش در
آسمان تا قیامت و ملائکه آسمانها و ملائکه که موکلند بر قبر آنحضرت استغفار میکنند و ایضا از آنحضرت
ذکر شده که صلوات بر من بسیار بفرستید در شب و روز جمعه که ثواب صد برابر … در قیامت نوری شود

# در فضیلت صلوات است

هر قدر زیاده بهتر و در بعضی روایات بابت زیادتی هست که هر که روز جمعه بر من بیشتر صلوات فرستد
روز قیامت منزلش عظیم‌تر و بمن نزدیکتر خواهد بود و بروایت دیگر فرمود که هر که شب و روز جمعه صد
مرتبه صلوات فرستد حق تعالی هشتاد گناه او را بیامرزد و بروایتی صد حاجت او را برآورد
و موکل نماید ملکی را وقتی که مدفون میشود در قبرش که او را بشارت دهند مانند کسی که هدیه‌ها برای
کسی بیاورند و اگر هزار بار صلوات فرستد نمیرد تا جای خود را در بهشت ببیند و بروایتی بشارت
دهند او را به بهشت و در صحیح حضرت صادق ع میفرماید که هیچ عملی در روز جمعه بهتر از صلوات نیست
و در صحیح دیگر فرمود که سنت است روز جمعه هزار بار و روزهای دیگر صد بار و در روایت صحیح دیگر فرمود
که صلوات میان ظهر و عصر جمعه برابر هفتاد حج است و بروایت دیگر هفتاد رکعت نماز و کیفیت صلوات
با فضایل بسیار در کتب علما مسطور است و بعضی فضایل مطلق صلوات در مقدمه مذکور است فرمود
که خدا را ملائکه‌ای هست که مخصوص میگرداند بندگان را بنهایند در شب و روز جمعه بسوی ما بتسبیح و
تهلیل و حمد و ثنا و صلوات بجا آورند فرمود که هر که بگوید بعد از عصر روز جمعه هفتاد بار استغفر الله
و اتوب الیه گناهان گذشته او آمرزیده شود و خدا در بقیه عمرش از گناه حفظ نماید و اگر گناهی نکند
باشد از والدینش ببخشد بروایتی فرمود و حق لازم است بر هر بالغ که روز جمعه ناخن و شارب بگیرد و
خود را خوشبو کند غسل جمعه لازم است بنابر ظاهر احادیث مگر از برای سفر بعضی ترک آن کفاره گناهان و
است تا جمعه دیگر و بعضی گفته‌اند هر قطره آب غسل فرشته خلق شود و استغفار نماید برای او تا روز قیامت و بعضی
دیگر فرمود هر قطره در بهشت حوری دارد و هم ... ازدیاد ثواب ... خطای او بریزد تا جمعه دیگر و اگر هم میرد
ثواب شهید پیدا کند و بروایتی فرمود ... روز جمعه ثواب ... حضرت کاظم ع میفرماید روز
جمعه ... که هر بنده ... خواهد عطا میفرماید هر که بعد از عصر جمعه صد مرتبه سوره
قدر بخواند ... مضاعف ... کرامت فرماید اعمال موکده بسیار و مبالغه و فضایل آن بیشمار است
و از آنجمله رفتن مساجد بعبادت و محافظت بر نمازهای جماعت رسول خدا صلی الله علیه و آله میفرماید با
آباد کنید ... حال ... که ... باشند ... بیشتر خواهند گرفت آگاه
باشید که ایشان گروهی اند که بیشتر ... آباد کنندگان مسجد ... در هر نفس ...
در بهشت است ... ملائکه ترا دعا و صلوات میفرستند تا با در مسجد نشستی

# در فضیلت مساجد است

لغو است مکروه برای سجده قرائت مصلی و ذکر و سؤال علم دین و فرمود مسجدها نیز هر کاری دیگر و در روایتی فرمود
هر که در مسجد حرف دنیا گوید خدا عمل چهل ساله اش را حبط نماید و خنده نیز در مسجد حرام چنین حدیث روایت شده
و در روایتی دیگر هر که در مسجد بخوابد بیمار شود به دردی که دوا نداشته باشد و اجابت مؤذن
رحمت است و ثوابش جنت و هر که اجابت ننماید روز قیامت با او خصمی کند و بروایت حضرت باقر ع از جبرئیل
پرسیدند از دوست‌ترین بقعه‌ها گفت مسجدها و احب اهلها بخدا کسی است که زود داخل مسجد شود و دیرتر
بیرون رود و در روایتی آمده بیست و سه رحمت فرستاد بصاحب تیر و فرمودند که خدا ترحم کرد او را
بسبب تعاهد مسجد بجا بیخ چون قیامت شود خدا فرماید کجایند همسایگان من سه مرتبه ملائکه گویند
سزاوار است عمار فرماید مسجد تا سه مرتبه فرماید ایشانند همسایگان من و از حضرت مجتبی علیه السلام
منقول است که هر که داخل مسجد شود مهمان خدا است تا برگردد و هم چنین زائر برادر مؤمن و از تورات
منقول است که خانهای من در زمین مسجدها است خوشا حال کسی که در خانه خود طهارت کرده مرا در
خانه‌ام زیارت کند که بر زیارت شده لازم است که گرامی دارد زائر خود را بشارت ده ایشان که مساجد را
در تاریکی شبها بنور ساطع در قیامت و در حدیث حضرت صادق ع است که آبادی هشت چیز بسیار کنید در
اینها نمازها و دعاها در مساجد در جاهای مختلف نماز کنید که هر بقعه روز قیامت برای نماز کننده شهادت
خواهد داد و فرمود بنا نماید مسجد از قبله و اهل بیت مکو بند و جنب اهل بیشان و فرمودند هر که
مسجد رود یا بر هر تر و خشکی که گذارد برای او تسبیح کنند تا طبقه هفتم و جناب امیرالمؤمنین علیه السلم
میفرماید که نیست همسایه مسجد را نمازی مگر در مسجد پرسیدند که همسایه مسجد کیست فرمود هر که بشنود
صدای اذان او فرمودند یک نماز در مسجد جامع برابر صد نماز است و در مسجد بازار دوازده برابر و بعضی
بیست و هر که قدم بسوی مسجد جماعت بردارد اگر پیاده باشد خدا هولهای قیامت را بر او آسان کند و او را به بهشت
برساند و حدیث دیگر هر که بنا بر همین دارد که مسجد جماعت نماید دقیقه شود برای او آزادی آتش دوزخ
و برائت از نفاق و بهر گام از رفتن و برگشتن ده حسنه و محو ده سیئه و رفع ده درجه دارد و در روایتی
نماز در جماعت بهتر است از نماز خود چهل سال فرمود و چون بنده پشت سر پیشنماز باشد نوشته
شود برای او صد و پنجاه درجه و در حدیث طولانی ثوابهای عظیم از جبرئیل ذکر شده که با جماعت
اگر دریاها مداد گردد در فضیلت هم نمیتوان نوشت و حضرت باقر ع میفرماید سجده که ماده

# در فضیلت مساجد

گناهان است کامل ساختن وضو در سحرهای سرد و رفتن شب‌ها در تاریکی به نمازها به مسجد و محافظت
نمازهای جماعت حضرت صادق فرمود هرکه پنج نماز را به جماعت دریابد بدو گمان نیکو ببرید و قبول کنید شهادت
او را و از احادیث بسیار ثابت شده که یک نماز به جماعت تا اثر برابر بیست و چهار نماز است بوقوع مسجد و نقل
ماموم ثواب مضاعف می‌شود و ماموم که به اندرسد حضر ثواب آن معتبر بیست و در حدیث نبوی صلی الله علیه
و آله است که صفهای امت من مانند صفهای ملائکه است در آسمان و فرمود که جبرئیل آمد گفت حق تعالی ترا
سلام می‌رساند و هدیه برای تو فرستاده که برای هیچ پیغمبری نفرستاده گفتم ای جبرئیل چیست آن هدیه گفت پنج
فریضه را به جماعت کنادن فرمودند که امت مرا چه ثواب است گفت هرگاه دو نفر باشند برای هر یک به هر رکعتی صد
و پنجاه نماز است و در سه نفر برای هر رکعتی ششصد نماز و در چهار نفر هزار و دویست و در پنج نفر هزار و صد
تا نه نفر و در ده نفر هفتاد و دو هزار و هشتصد و چون از ده نفر زیاده شوند جن و انس از تقدیر ثواب آن عاجز اند
یا محمد تکبیری که مؤمن ادراک کند با پیش نماز بهتر از هفتاد هزار حج است و عمره و غیر فریضه و یک رکعت چنان
بهتر از صد هزار صدقه است و یک سجده چنان بهتر از صد عتق و بهشت بر کسی که به هر روز به جماعت عقاب
قبر و شدت قیامت یا محمد هرکه دوست بدارد جماعت را خدا و ملائکه او را دوست دارند و فرمود عثمان
بن مظعون رحمه الله و اباتا بو حمزه که هرکه نماز صبح را به جماعت کند و بنشیند تا که به حد آفتاب بر آید برای
او خواهد بود در فردوس بهشت هفتاد درجه که میان هر دو درجه یکسال راه اسب تندرو باشد و هرکه نماز
ظهر را به جماعت کند در پنجاه درجه جنات عدن دارد و هرکه نماز عصر را به جماعت کند ثواب هشت عتق از
فرزندان اسماعیل دریابد و هرکه عشا را به جماعت کند گویا شب قدر را دریافته و احیا کرده و تکبیر اول با
پیش نماز بهتر است از دنیا و آنچه در آنست و کسی که در جماعت فوت شود بنده را ذکر کرده باشد از آنحضرت
پرسید که آیا ادراک ثواب جماعتی کرده ام فرمودند بلی که یکبار ذکر فرمودند هر آنچه نفقه کنی آنچه در راه
است و بروایت ابن عباس که جماعت از تو فوت شود در صبح روز را روزه دارد و در ظهر تا عصر نماز
کند و در عصر بذکر خدا کند تا مغرب و در مغرب سیما نماز کند تا عشا و در عشاء آن شب را احیا کند تا ثنا
ادراک نماز جماعت را نماید و از جمله چیزها که سبب داخل بهشت شوند و موافق احادیث کسی است که پنجاه
رکعت نماز جماعت دریابد چنانکه از رسول خدا صلی الله علیه و آله منقولست که کسی که آن شاز کند به خود
باشد چنانکه مذکور خواهد شد کسی که متحمل ظلم مردم باشد شهید شده باشد و مرویست که رسول خدا صلی الله

# در ثواب آغاز کفن

که چون روز قیامت شود ندا رسد که هرکه را حقی بخدا هست برخیزد پس خلقی گویند ملائکه بایشان گویند ۹۱
متحمل ظلم گویند چه را است که خدا ای بندگان من شما درست میگویند داخل بهشت شوید که بر شما حساب و عقابی
نیست پس ملائکه گویند خوشا حال شما که عمل شما کم و ثواب شما زیاد حق تعالی دنیا و کسی که نفس خود را
دشمن دارد و کسی که آب بتشنگان داده باشد و کسی که توقیر پیران نموده و کسی که در سفر کعبه معظمه یا گوید
فوت شده باشد و کسی که در حرم مکه یا مدینه مشرفه مدفون شده باشد و در مطلق حاج و مؤذن هم وارد
شده که سواره و ایمن محشور میشود و ثابت است که تا هفتاد هزار کس از خیر ایشان محشور و بی حساب بهشت
خواهند رفت و از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هفت کس در سایه عرش زنه
الهی خواهند بود در روزی که غیر از سایه نیست یکی پیشنماز عادل و جوانی که در عبادت بر آمده باشد
و کسی که دلش بمسجد متعلق باشد و چون بیرون آید برگردد و دو دوستی که برای خدا با هم برادری نمایند
و محبت کنند و کسی که یاد الهی کند و اشکش فرو ریزد و مردی که زن صاحب جمال او را بخواند و گوید که من
از خدا میترسم و فریب نخورد و زن را نخورد و شخصی که تصدق نهانی دهد و در صحیح حضرت باقر ع سه نفر
دیگر فرموده اول آنکه عطا کند بمردم آنچه توقع کنند دویم آنکه قدمی پیش و پس نگذارد تا داند خدا
راضی است یا نه یعنی خشنود باشد دامن خود سیم آنکه عیب مسلمانان را از خود دور کند عیب دیگری
ظاهر شود و کسی که عیب مردم را نبیند و عیب خود را دارد و در حدیث دیگر مؤذن حافظ و قاری
و کسی که دویست آیه از قرآن هر روز بخواند با امام محشور است در حدیث حضرت صادق ع تا جوان
که پیر شده در عبادت و پیشنماز عادل که شده که بی حساب بهشت روند در خصوص هر یک از اینها
فضیلت بسیار وارد شده و مرویست که هیچکس نیست که واگذارد لهو و لعب دنیا را و رو آورد بطاعت
الهی مگر آنکه حق تعالی اجر هفتاد صدیق باو عطا کند و فرموده که ای کهنه کننده شباب خود و ترک کننده
شهوات خود نزد من مثل بعضی ملائکه منی و موافق اخبار دنیا کسی که ذکر الهی کند با حضور وقت قلب روز
قیامت در زیر سایه عرش الهی خواهد بود و بحدیث نبوی اول کسی که داخل بهشت خواهد شد سه نفر اند
شهید و مملوکی که بندگی او را از طاعت پروردگارش مشغول نساخته باشد و فقیر عیالداری اول کسی
که داخل جهنم خواهد شد سه نفر اند حاکم جابر و توانگری که حق خدا را نداده باشد و فقیر متکبر کنند لذتها را
عبادات منا و [illegible] اعمال جزئیه ... و محنت و عناء ... بسیار است خدا را

برسانا

# در ثواب اذان گفتن

طالب را برساند پس وای بر حال عاجزه و صالح که مدت عمر خود را با طول امنیت و تاخیر مهلت بگذراند
این فضائل بسیار و اعمال بی شمار را برای شد بعد اهوالی که در پیش دارد کسب نکرده و تا از روز ازل فات
سالم و مجموع نباشد ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم چنانکه جمعی بجانب بهشت خواهند رفت
گروهی از شدت بی باکی و نادانی پیش از حساب دوزخ خواهند ساخت چنانکه از رسول خدا صلی الله
علیه و آله منقول است که چون روز قیامت شود حق تعالی مسلط گرداند بادی را بر دریاها که همه آتش شوند آنگاه
گردی از آتش برآمده و بر سر اهل محشر ایستد تا آنکه عقاب کوششی کرده که در دنیا باشد ایشان گویند که یا کسی
تواند حرفی زد که در امر حساب ما تا خدا حکمی فرماید تا بسوی بهشت یا بسوی جهنم و هیچ کس جرأت نکند مگر من
آنگاه بسوی من آیند که یا حبیب الله الامان الامان بفریاد ما برس شفیع ما شو بسوی خدا و بحدیث حضرت صادق
علیه السلام که اهل محشر از شدت قیامت کار چنان تنگ شود که عرق تا دهان ایشان برسد پس آنگاه گویند نزد
آدم رویم شاید شفاعت ما کند و چون بیایند گویند که آدم برو به نزد نوح و هم چنین نزد هر پیغمبری
که ایشان بسوی دیگری بفرستند تا آنکه حضرت عیسی گوید که بحضرت پیغمبر آخر الزمان بروید چون بحضرت
آیند فرماید پس بیائید بیاورد ایشان را به در بهشت و رو به درگاه رحمت سجده در آید پس ندا رسد
که سر بردار که شفاعت تو مقبول است و این است تفسیر عسی ان یبعثک ربک مقاما محمودا و بروایت
دیگر سجده مانند در زیر عرش بقدر بیست و یک روز دنیا آنگاه ندا رسد که نظر بخواهم کرد بسوی
ایشان تا بیرون رود از دنیا ایشان سفر گویند بعزتم که هستند ایشان تا جبرئیل اخراج کند ایشان را
پس امر فرماید جبرئیل را تا بیرون کند شیطان را با دوستان و متکبران را آنگاه می آورند بیار الصوت
عجوزه و امر کنند تا بدو دوزخ اگر بکشید و را بسوی جهنم دنیا گوید خداوندا تو حاکم عادلی و جور نکنی
دنیا بمن اهل خدمه و شوهران و دوستان مرا بمن بسپارند تا و آنگاه می آورند فرعون را با کلاهی
از آتش و پیراهنی از قطران در بر کرده خوکی سوار او را که با شود که کجایند کسان من و متکبران و جباران
و همه را بان ملحق ساختند و پیشوای ایشانست پس قابیل را می آورند بسوی ندا رسد که کجایند سادات
و با و ملحق ساخته و او پیشرو ایشانست بسوی آتش دوزخ پس آورند کعب بن اشرف یهود را و علمای ایشان
آنگاه ندا کنند که کجایند آنها که علم و حق را کتمان کردند با و ملحق کنند پس آورند بعد از آن بسوی را با شعرا
کنندگان و ابوجهل با پسران و امرؤ القیس را با شعرا بحکم دروغ می بستند بر خدا و رسول صلی الله علیه و آله

# در بیان حساب

۹ پس مستحق اند و ابد سوزند با مدعیان و مفتریان پیرها و دیگرها مانند ایشان که مشغول مال و اولاد و خدمت پادشا
هان اند و پیشوای ایشان بسوی آتش دوزخ بعد از آن ندا رسد کجا است ابلیس پس میکشند او را و هفتاد هزار
ملک بسوی آتش جهنم او را فرو می کشند تا که عادل دنیا مرز و بوم را که کاهنان و ساحران و موبدان
لعنت کنان و قرائتی عیب کنند کاف و شعبده بازان و قرینه داران که همه شرابند و بجا که تو بطونوا
و طالع کرا اهل دنیا و طنبور ند و شکار که اکثر ایشان اند آنگاه بیرون اید ماری از جهنم که گردنگی سر و گردنش
هفتاد سال راه باشد و جمع می کند جمیع ایشان را بسوی آتش دوزخ بعد از آن میطلبد ایشان را که سایر خلق باشند
بسوی حساب و هم از آنحضرت منقولست که چون روز قیامت شود بیرون اید از جهنم عقربی که نامش صریش است
و سرش با آسمان هفتم و دمش بزمین هفتم و دهانش از مشرق تا مغرب و گرد اهل محشر گردد و طلب کند شش
گروه را تارک نماز و مانع زکوة و شراب خوار و ربا خوار و صورتگر و کسی که در مسجد حساب دنیا کند و
بروایتی کسی که سخن دنیا گوید هم در بعضی اخبار وارد شده که در قیامت حاضر نمایند هر بنده را اول سؤال
کنند از مال اگر از حرام جمع کرده بود رستش بزنند و اگر حلال بوده فرمان اید که حسابش را بکشند عقبۀ
هشتم در تفصیل بعضی ادقات حساب و سؤالات که در آن عقبات پر اضطراب قال الله تعالی وقفوهم
انهم مسئولون یعنی باز دارید ایشان را بتحقیق که ایشان سؤال کرده خواهند شد و لتسئلن عما کنتم تعملون
از هر چه در دنیا میکردید سؤال کرده خواهید شد و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلم
منقولست که چون روز قیامت شود مردم را برای حساب محشور کنند میگذرند بر اهوال قیامت تا بعرصۀ حساب
میرسند و در آن مقام از کثرت و ازدحام و شدت مشقت عظیم می کشند و بروایتی فرموده عریان و پا برهنه
بر راه محشر ایستاده ایشان را باز دارند که عرق از ایشان بریزد آنقدر که نفسهای ایشان تنگ شود و مدتی چنین
بمانند پس ندا کنند از نزد عرش خدا بندایی که جمیع خلایق بشنوند که کجا است نبی امی پس باید بگو الله
رسند که کجا است نبی رحمت محمد بن عبد الله قرشی عربی پس آنگاه آنحضرت برخیزد و در پیش همه خلق روانه شود
چون او را بجانب راست عرش بدارند پس حضرت امیر المؤمنین و ائمه معصومین صلوات الله علیهم را بطلبند
و در پیش راست عرش وا میدارند پس امت آنحضرت را طلبند و در دست چپ ایشان وا میدارند پس
از جانب حق تعالی ندا رسد که ای محمد ای علی ایشان الهام کردیم تبو در لوح نوشتی عرض کنند بلی فرماید که کی
گواه است گویند خداوندا تو میدانی و گواهی بر آن تحفیف فرماید تمام کردی حجت خود را پس بیاورند لوح را

رسول

# در بیان امامت

بصورت آدمی از او پرسند که آیا قلم ثبت کرده در لوح آنچه باو وحی کردیم گوید بلی پروردگارا آنچه در من
نقش کرد با سرافیل رسانیدم پس اسرافیل بصورت آدمی با ایشان بایستد و از او سؤال فرماید که لوح بتو رسانید
آنچه قلم باو رسانیده از وحی من گوید بلی خداوندا من بجبرئیل رسانیدم هم در آن پس جبرئیل را طلبند و در
پهلوی اسرافیل بایستد از او پرسند که اسرافیل تمام وحیها را بتو رسانید گوید بلی پروردگارا من بجمیع پیغمبران
رسانیدم و باخر کسی که وحی رسالت و حکمت و کتاب و علم و کلام ترا خواندم حبیب تو محمد بن عبد الله بود پس
اول کسی که از بنی آدم سؤال طلبند آنحضرت باشد و خدا او را نزد خود در مرتبه قرب و کرامت از همه کس بالاتر بدارد و
سؤال فرماید که یا محمد صلی الله علیه و آله جبرئیل بتو رسانید آنچه را که من وحی کرده بودم بسوی تو از کتاب و
علم و حکمت گوید بلی فرماید همه را بامت رسانیدم و همه را در راه دین تو جهاد کردم و زحمت بودم خطاب رسد
که کی برای تو گواهی میدهد گوید پروردگارا تو گواهی و ملائکه و نیکوکاران امت و گواهی تو کافیست پس
ملائکه را طلبند و گواهی بر تبلیغ رسالت دهند پس امت آنحضرت را طلبند و سؤال کنند که محمد صلی الله علیه و آله
بشما رسانید رسالتهای مرا و کتاب مرا و علم مرا بر شما خواند همه گواهی دهند آنگاه ندا رسد بسوی محمد که
چون از میان امت رفتی خلیفه گذاشتی که کتاب و علم مرا بیان کند و آنچه اختلاف کنند حجت من باشد بعد از
تو گوید علی بن ابی طالب که برادر و وزیر و وصی من و بهترین امت من بود در دنیا خود خلیفه نصب کردم و مردم
را باطاعت او خواندم که بعد از من پیروی او نمایند پس علی را طلبند و خدا از او فرماید که آیا محمد صلی الله علیه و آله ترا
وصی و خلیفه خود نمود و بعد از او بامر امامت قیام کردی عرض کند بلی خداوندا محمد صلی الله علیه و آله
مرا وصی خود کرد اما بعد چون او بجوار رحمت تو رفت امت انکار امامت من کردند و با من مکر کردند و
مرا ضعیف گردانیدند و نزدیک شد که بکشند و هر که سزاوار نبودند بر من مقدم داشتند و بعضی
مرا نشناختند پس ... در راه تو جهاد کردم تا کشته شدم پس خطاب رسد که یا علی خلیفه
بر او خود نصب کردی که بندگان مرا بدین من بخوانند و براه من هدایت نماید گوید بلی حسن که فرزند من
و فرزند دختر پیغمبر تو بود نصب کردم و همچنین هر امامی را طلبند با اهل عالم و جمیع پیغمبران را طلبند
تا حجت همه بر امتشان تمام شود پس حق تعالی فرماید که هذا یوم ینفع الصادقین صدقهم یعنی امروز روزی
است که نفع میدهد راستگویان را براستی ایشان و حضرت صادق فرمود که چون خلایق را روز قیامت
جمع کنند و نوح را طلبند پرسند که آیا تبلیغ رسالت کردی گوید بلی گواه خواهند گوید محمد بن عبد الله و امتش

# در سؤال موقف اول

آنحضرت که با امیرالمؤمنین علیهما السلام بر بلندی ایستاده باشند و گوید که حق تعالی از من گواه بتبلیغ ۹۰
رسالت میخواهد آنحضرت فرماید که ای جعفر یا حمزه بروید بشهادت دهید برای نوح پس ایشان و جعفر گواهی میدهند پیغمبران
باشند کسی پرسید که چرا علی بشهادت نمیآید فرمودند که رتبه او از آن عظیمتر است که تکلیف شهادت باو
نمایند مترجم گوید که حقیر گمان دارد که مراد دقت حساب از روایات منقولست از حضرت امیرالمؤمنین ع مشروحاً بعون
الله تعالی در دره جلد اول موافق آنها جاری میسازد فصل اول در بیان سؤال موقف اول بعد از طی صحرای
ظلمت اهل محشر رانده می شوند بسوی سراپرده های حساب و در هر جا موقف باز داشته خواهند شد و در موقف
اول سؤال خواهند کرد از محارم الهیه که خدا حرام کرده است هر که پرده از آنها چون ستر عصمت خود دریده و با
رستن توبه ننموده باشد ... ... شدت کند شاید استاده ملیشود و محارم شامل جمیع محرمات
از افعال و تروک و شاید اینجا غیر این بخصوص خواهند مراد باشد یا اینجا از مطلق گناهان پرسند و بعد این
از مطلق گناهان پرسند بعد از آن از خصوص اینها یا اینجا از عموم اینها سؤال شود و از شدت اهتمام از بعض
اینها مکرر سؤال بر نقدیر ضبط روایت و عدم خلط و خبط رواة که از بعض مواضع آن بعلت تعارض قوی ظاهر
میشود بدانکه بحسب نوعیه برود کار عالم عفو و غیرتش از همه سلطان عفوی بیشتر و بالاتر است و از کمال
غیرتش حرام و قرق فرموده بولایت محارم را محدود و مقرر ساخته پس بهر او رعایت بران ملک قهار که
انتقام کشنده از کسی که بر آنکه رعیت قرق و نهی آن جباء عادل که نهیه و در حرای حسابهای الهی و از اعظم
نعمتهای الطاف نامتناهی هیچ شرح رعیتانکه ره یی باکا نرمی... شمسان ان قادر منان برهتک
او جرات نماید حضرت صادق ع میفرماید که خدا نظر رحمت میکند بنده را که ترک فرماید از
فرایض نماید با مرتکب کبیره از کبایر شود راوی تعجب نمود حضرت فرمود نداری بتحقیق که شرک بخدا آورده
تعجب راوی زیاده شد حضرت فرمود پس بعد از شنیدن این اخبار وحشت آثار که بیانات مقام عضب
حق تعالی و طاقت انتقام از شاهد جلال احکام الابد ... بیکس خود بشناسی از صغیره
و کبیره البته بر حذر باشی و بگو هیچ گناهی نگاه مکن بلکه بحدیث نبوی بعظمت و جلال آن بزرگواری
که حرمات معصیتش را بسیاری نظر کن و در شهوت کم که ضبط خود نکنی پس بسیاری چگونه نگه میتوان
داشت و از گناهان عظیمه که امر بیعت عفو ... ... دست گناه است هر چند خورد نماید چنانکه گوید حیوان
حال من که عذر از گناه نداشته باشم چنانکه در احادیث بسیار وارد شده است و از اینجا است که بسیار

علما صغیره را فی نفسه قابل بخشند و میکویند که مکروهات را هم سهل نباید شمرد و حضرت امیر المؤمنین ع
میفرماید که کوچک نباشد چیزی که بدر قیامت بعذاب ضرر کند ... است که بسیار آزار دهند مؤمن
از گناه منظر بهتر است از ... که گناهش چنان عظیم می بیند بعضی را که کفر است
است که ببینید که ... که کافر چنان سهل شمار بنگر که او را کسی که ... و حضرت امام
و سلم میفرماید که گناه خود را ببینید ... نه از ... خدا
خلق را آگاه از بهشت و دوزخ ... واجب است که اطاعت و ترک معصیت او کنند که بفضل و احسان ... گرچه
استیفا کرامت فرموده و بسند صحیح منقولست که حق تعالی به پیغمبری که هرگاه اطاعت کرده راضی شوم و چون راضی شوم
برکت دهم و برکت مرا نهایت نمی باشد و هرگاه عصیان من کنید غضب کنم و چون غضب کنم لعنت کنم و لعنت من به
هفت پشت شما و در حدیث است که بکو بعلمای ... که مرا یاد کنند که ناچار من ایشانرا یاد کنم و یاد من ایشانرا رحمت است
به هر که خواهد ایمان آورد و هر که خواهد کافر شود و در حدیث حضرت صادق ع از
پدرانش از رسول خدا صلی الله علیه و آله منقول است که حق تعالی فرماید که هر بنده که اطاعت من کند ... او را
بغیر خودم و هر بنده که نافرمانی من کند او را واگذارم بخودش بعد از آن پروا ندارم که در کدام وادی هلاک
شود و فرمود که خدا میفرماید هر که مرا شناسد و نافرمانی من نماید مسلط گردانم بر او کسی که مرا نشناسد شب
و روز ... ندامی شود که ای بندگان باز ایستید از محارم و گناهان که اگر نبودند حیوانات چرنده و
اطفال شیرخواره و پیران خمیده نماز کنند هر آینه بر شما عذابی ریخته شد پس ای بنده از خدا بترس و چنان
بدان که او را می بینی و اگر تو او را نمی بینی او ترا می بیند و اگر گمان میکنی که او ترا نمی بیند کافری و اگر میدانی
که در همه حال ترا می بیند و احوال ترا میداند و در حضور او معصیت میکنی پس او را از جمیع نظر کنندگان کمتر شمرده
و فرمود ... بنده ... از آنچه ... در گذشت و فرمود ترک گناه آسانتر از طلب توبه است
و چه بسیار شهوت یک ساعت که باعث اندوه و حزن دور و دراز میشود و در حدیث صحیح است که هرگاه اراده کنی گناهی
پس مکن آنرا که بسا مطلع شود ... بر بعضی از افعال و فرماید که بعزت و جلال خودم سوگند که ... هرگز
و در حدیث ... از رسول خدا ... که فرمود که تعجب میکنم از مردم که پرهیز کنند از طعام از ترس درد و الم
چگونه پرهیز نکنند از گناه از ترس آتش جهنم و فرمود ... بسوی من
بعبادت مثل ورع از محارم ... ایشان جنات عدن را ...

# در سؤال در عقبات

او کرام و در حدیث صحیح از حضرت صادق ع روایت فرموده که بدبختی که شک و معصیت از ایشان اندوزد ما ۹۱
ببینند و نه بشنوند ما و فرمودند ادعی نامؤمن شما بیم مگر آنکه جمیع اوامر ما را متابعت نماید و اراده فرموده‌های ما را
داشته باشد و از متابعت اراده امر ما ورع و پرهیزکاری است پس ورع را زینت خود سازید تا مورد رحمت الهی گردید
و فرمود پرهیزکارترین مردم توقف و احتیاط کننده است نزد شبهات و در حدیث است که گناه باشد بنده به
یاد آن گناه ایشان صد سال در محشر در موقف حبس بماند و نظر کند به زنان که در بهشت متنعم اند و احادیث
بسیار است در آنکه گناهی که صادر شد یک سیاهی در دل بهم رسد اگر پشیمان شد و توبه کرد که واجب فوریست
آن اثر زایل میشود و الا که بیاچیز بکند باز گناه دیگر است لکن هر بار اصرار داشتن که زیاد میشود تا همه
دل او را فرو گیرد صاحبش رستگار نشود هرگز و مؤید این است مضمون آیه شریفه که جرأت در هر گناه نماید باز روی
تر باشد چنانکه از شیعه ما باشد که گناه به مرتبه میرسد که صاحبش از ولایت ما بیرون میرود پس حضرت شاهد می
آورد قصه عابد را که بجز گناهی کارش بکفر منجر شد و حضرت صادق علیه الصلوة والسلام میفرماید
که البته نخواهد مرد کسی که مبتلا شود بکبر و فخر بر دل شقاوت کبر و زشت خو و ترش روی و فحش
گو و کم حیا میشود چون خدا کشف پرده او نماید دشمن او شود و بهل بر رفتار مردم و مرتکب محارم شود پس توبه
هم نکنند بعد از آن ارتکاب معاصی خدا نماید دشمن طاعات او شود و سر نشود از خصومتها و
ملبس شود او را دیگر ترک خصومتها پس طالب عافیت کس با زنها او حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله
و سلامه علیه فرمودند به بهشت بنده مگر آنکه چهل پرده بر روی او پوشیده باشد تا چهل گناه کبیره کند
پس تمام پرده‌ها دریده شود خداوند بملائکه فرماید که او را ببالهای خود بپوشانید پس منع نکند
که مرتکب نشود و این فخر کند میان مردم پس ملائکه حفظه گویند خدایا این بنده هیچ گناهی را ترک
نمیکند و ما را شرم میآید فرماید بالهای خود را بر دارید پس اظهار عداوت ما اهل بیت نماید در
آن هنگام خدا او را در آسمان و زمین رسوا کند ملائکه گویند خدایا این بنده تو چنین رسوا
ماند فرماید که اگر خیری در او میدانستم نمیگفتم که بالهای خود را بردارید و فرمود که هر که عزت خود
به قوم و عشیره و هیبت بی سلطنت و غنای بی مال و متاع بودن بی عطا بیخواهد در رود از ذلت
و معصیت الهی بسوی عزت و طاعت او و شخصی از حضرت صادق ع بعد ملازمت ما طالب وصیتی طلبید
وصیت میکنم به پرهیزکاری و ورع از محارم و سعی اهتمام در عبادت و این را بدان که عبادت نفع ندارد بی

اجتنا

## در سؤال کردن در عقبا

اجتناب از محارم و ورع صحیح فرموده در تفسیر وقدمنا الی ما عملوا من عمل فجعلناه هباءً منثوراً آگاه باش
بدانکه هر چند عملهای ایشان که مثل ابر طرفه بوده باشد و سفیدتر از قباطی مصریه بوده ولیکن حرام
که دوم بیاید میگذاشتند و فرموده که روزی حضرت موسی گذشت بشخصی یا جدید و چون بر
گشت دید هنوز در سجده است گفت اگر حاجت تو در دست من بودی برآوردم وحی شد که اگر این
قدر سجده کند که گردنش بریده شود قبول نکنم تا برگردد از آنچه من نخواهم و بیاید بآنچه من میخواهم و فرمود
که حفظ نمایید بطن خود را که بیع از حرام که عنوان رسیده چیزی که تر بهشت است مگر باین آیات و روایات
در این معنی بسیار است و در حدیث نبوی است که یا اباذر اصل دین ترک گناهانست و سر دین اطاعت
خدا است و بدانکه اگر از نماز چون کمان خم شوید و از روزه مانند زه باریک شوید نفعی بشما نبخشد مگر آنکه
داشته باشید ورع و ترک گناهان ای اباذر اهل ترک حرام دنیا نمودند اختیار و زهد ورزیدند بحق
راستی اولیا و دوستان خدا بند و هیچ چیز نزد خدا دوست تر از ایمان و ترک محارم نیست یا اباذر هر که
بیاید روز قیامت با سه خصلت پس بحقیقت که زیان کار و خاسر نیست در روایتی از مومن و از خدا نیست
اول ورعیکه او را از محارم الهی مانع بوده باشد دوم حلمی که بیان دو جهل سفیه بر خود نموده سیم خلقی
که باعث مدارای با خلق بوده باشد و فرمود مطیع خدا یاد او بسیار نموده هر چند نماز و روزه و تلاوت
کم باشد و عاصی خدا او را فراموش کرده هر چند نماز و روزه و تلاوتش بسیار باشد و فرمود در وصیت
علی که ذکر خدا به سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر نیست بلکه آنستکه چون حرامی رو
دهد از خدا بترسد و ترک آن نماید و در حدیثی فرموده که در بهشت حوریست لعبت نام که اگر آب دهان
دریا را شیرین میکند از برای پرهیزکار از ریه شده مؤلف گوید که باخبار بسیار و تجربه هشیار
گناه باعث جرأت شیطان و سلب توفیق عبادت و لذت مناجات و ایمان و قساوت قلب و دوری از خدا
و بغضا و بلیات و بستگی راه حاجات و دعوات و طاعات و منع روزی و منع باران و کمی خیرات و نفی برکات دنیا
و آخرت و سوء عاقبت و حسرت و ندامت میگردد و احادیث بسیار از ائمه که شکایت میکردند از مصیبتها
و آفات و فقر و امراض و انواع بلیات ... را استغفار میفرمودند و حضرت صادق میفرمود که نیست هر کس
رگی نمیزند قدمی بر دو سبب گناهان چنانکه حق تعالی میفرماید ما اصابکم من مصیبة فبما کسبت ایدیکم و یعفوا
عن کثیر یعنی هر مصیبتی که بشما میرسد بسبب گناهانیست که شما کرده اید و عفو میفرماید خدا بسیاری از آنها را که عقوبت

میکند اما در حدیث صحیح منقولست که مؤمن قصد گناه میکند از روی شهوت مانع میشود و در حدیث صحیح موثق منقولست
اند که خدا حکمی و قضای حتمی فرموده که هیچ نعمتی را سلب نکند مگر بسبب گناه و در این معنی قرآن مجید امت
و در حدیث صحیح فرموده که وحی کرد حق سبحانه به پیغمبری که بقوم خود بگو که هیچ قریه و اهل بیتی که بر طاعت من باشند
پس خوشحالی با ایشان رسید از آن گناه برگشتند از آنچه میخواهم بسوی آن چیزی که ناخوش دارم مگر آنکه من هم برگردم
از آنچه دوست دارند بسوی چیزی که نمیخواهند و هیچ اهل بیتی که بر نافرمانی باشند پس بدحالی با ایشان رسد
پس برگشتند بعد از آنکه ناخوش دارم بسوی چیزی که دوست دارم تا آنکه من هم برگردم از آنچه ناخوش دارند
بسوی چیزی که ناخوش دارند و حضرت باقر عم میفرماید که گاه هست که بنده حاجتی میطلبد و نزدیک آنکه خدا
روا کند گناهی میکند پس ملک وحی میفرماید که حاجت او را روا مکن که مستوجب غضب و حرمان گردید بعد از
گویند آشکار ارتکاب گناه کردن شناعت عقوبتش در دنیا و عقبا از اصل گناه بیشتر است و باعث
شیوع گناهان و رفع قبح آن و هتک پرده ناموس ستر عرض خود می شود که خدای مهربان از کمال شفقت
بان راضی نشده و معلوم است که تظاهر بنده میان مردم بنافرمانی آقای خود باعث زیادتی
غضب و شدت و عقوبت و میگردد و اخبار در این مطلب بسیار است و حضرت امام رضا صلوات الله
و سلامه علیه میفرماید که فاش کننده گناه مخذولست و آمرزیده نخواهد شد و حدیث نبوی صلی الله
علیه و آله نیز بهمین مضمون است و حضرت صادق علیه السلام میفرماید که امید نجات دارم برای همه این
امت که حق ما را بشناسند مگر برای یکی از سه طایفه سلطان جور کننده و بدعت کننده در دین و
فاسقی که علانیه گناه کند و پروا نکند و فرموده که چهار نفرند که شریک شیطانند که دخل در نطفه
ایشان کرده کسی که پروا نکند در خصوص که آنچه گوید یا آنچه بار گویند و کسی که بی پروا باشد از
اینکه مردم او را در معصیت خدا ببینند و کسی که غیبت مؤمن کند بی عداوتی از او و کسی که بشهوتی زنا محبت
حرام شعف شود و خواهش را رو در بعضی احادیث دیگر از جمله است کسی از اهل بیت رسالت و سب
دارند و دیگر کسی که از بی دینی در حضور بد گوئی کند و بد آنکه توبه کننده از گناه مثل کسی است که هرگز
گناه نکرده چنانکه بعد وقت بحال اتفاق خواهی شد انشاء الله و ... در ابتدا سؤال موقت تا آنکه از
هوای نفس اجتناب نماید چنانکه حق تعالی میفرماید فاما من طغی و آثر الحیوة الدنیا فان
الجحیم هی المأوی و من خاف مقام ربه و نهی النفس عن الهوی فان الجنة هی المأوی ... تا آنکه شاید

# در سؤال کردن وقت ...

خواهد آمد که هر چه کرده فراموش شده پشیمان شود و رنج هر معصیتی را ببیند پس هر که نافرمانی کرده و
دنیا را اختیار نموده دوزخ است جای او و هر که ترسیده باشد از ایستادن در برابر
پروردگار خود در مقام حساب که یقین بامر قیامت داشته باشد یا خدا را حق دانسته و دنیا را فانی دانسته
چون یقین بخدا داشته و منع کرده نفس خود را از هواها و خواهشهای نفسانی پس بهشت جای او است حضرت
صادق ع در این آیه میفرماید این بنده ایست که قادر بر معصیت باشد و ترک میکند از خوف خدا که مکافات او بعقوبت
و حضرت کاظم ع میفرماید که بترسید از هوا که سرانجام صعب باشد و ابو عبدالله ع میفرماید که نفس را امر
و مگذارید که خواهش او سبب هلاک خود است و منع نفس از خواهش او دوای او است و امیرالمؤمنین ع
میفرماید که بیشتر بترسید از دو خصلت متابعت هوا و طول امل اما پس فراموش میکند امر آخرت را و حضرت باقر ع
میفرماید که حق تعالی فرموده قسم بجلال و عظمت و بلندی خود که هیچ بنده اختیار نمیکند خواهش خود را بر
خواهش من مگر آنکه کارهای او را پریشان و دلش را مشغول دنیا گردانم و دنیا را باو نمیدهم مگر آنچه مقدر
فرموده ام و بعزت و جلال و بلندی رتبه خود سوگند که هیچ بنده ترجیح نمیدهد هوای مرا بر هوای نفس
مگر آنکه میگردانم غنا و توانگری او را در نفس خودش و ضامن رزق او میشوم و امور او را متکفل باشم و
هستم برای او عوض تجارت هر تاجری یا تجارت را بسوی او میرسانم و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع از
رسول خدا ص ذکر فرموده که هر که طلب رضای خلق کند بغیر رضای خدا او را مذمت کند و مدح کننده او ذم کننده
او گرداند و هر که اطاعت رضای خدا کند بغیر که غضب خلق در آن باشد کفایت کند خدا از او شر هر دشمنی
و هر ستمکار و ظالمی و پشت و پناه او باشد ... که هر که خالقی را راضی نماید بغیر از رضا و خدا ... از
خدا و ... این احادیث ... مجاری ... خواهیم
یافت ... ترک هوا و ترک دنیا است که سرمایه سعادات و افضل از کل عبادات است چنانکه
ارشاد ... عقل و ... حب الدنیا رأس کل خطیئة معلوم و مفهوم میشود حضرت سید علیه السلام
میفرماید که ... معرفت ... بهتر از بغض دنیا نیست ... الحق فهو ...
دنیا و ... و ... ما الامل ... در این آخر الزمان ... و روایات ...
ان کا ... حضرت صادق ع میفرماید که حرام است بر شما که بیابید حلاوت و لذت ایمان تا ترک دنیا
نکنید ... کننده صاحب ... که ... از ... دنیا ... مانند ...

# در سؤال کردن در موقف ثالث

پل که هر چه بخود بیشتر نهند از نجات دورتر شود تا حذف شود و از وصیت نبوی ص است که با ابوذر
بخدا سوگند که جان محمد در قبضه قدرت اوست که اگر دنیا را نزد خدا قدر بپر پشه ای بود بکافر شربت آبی نمی داد
و ملعونست دنیا و آنچه در دنیا است مگر چیزی که غرض از آن رضای خدا باشد دنیا خانه کسی است که در
آخرت خانه ندارد و دنیا کسی جمع می کند که عقل ندارد و از مواعظ الهی است که ای آدم بهره ای که دولت دنیا
میل می کنند برفتن او و محبت خود را از دل تو یا موسی ترک کن از دنیا آنچه احتیاج نداری و هر چه که مفتون
دنیا شده اند ایشان را واگذاشتم بحال خود و بدانکه هر فتنه که هست تخم محبت دنیا است یا موسی
بندگان صالح من ترک دنیا کرده اند بقدر علمشان و دیگران اختیار نموده اند آن بقدر جهلشان و نیست
هیچ احدی که بزرگ شمارد دنیا را و چشمش بان روشن شود و نیست کسی که حقیر شمارد دنیا را مگر آنکه منتفع
گردید بدنیا یا دنیا اتعبی من خدمک واخدمی من رفضک بتعب انداز هر که ترا خدمت کند و خدمت کن هر که
ترا ترک کند امیر المؤمنین ع میفرماید که هر که خواهد از احوال دنیا عبرت گیرد دنیا او را بعیوب خود بینا گرداند
و هر زینت بان نگرد که روش میکند فرموده حب دنیا آدمی را کور و کر میسازد و در بعض فضایل نهاده در بعض بهشتم
نفریفته که همه که بچشم بهشت خواهند رفت جز بان پدید نمیند لا حول ولا قوة الا بالله
بذکر موقف سیم از عقوق والدین بدانکه حق تعالی در آیات بسیار بر والدین احسان والدین را در کمال مبالغه و
تاکید مقرون توحید خود نموده و فرموده که اعبدوا الله ولا تشرکوا به شیئا وبالوالدین احسانا و در جای
دیگر فرموده فلا تقل لهما اف و در صحیح حضرت صادق ع میفرماید که اگر چیزی کمتر از اف بود از ان نهی میفرمود
و نظر تند از عقوق است و در صحیح فرموده که بخشم نگرد بایشان پدر و مادر اگر ظلم کرده باشند هیچ نماز او را خدا
قبول نکند و فرموده که چون روز قیامت یکی از پرده های بهشت را بردارند هر جاندار بوی او را از
پانصد ساله راه میشنود مگر عاق والدین و نمیشنود مگر قاطع رحم و پیر زانی و متکبر هم نمیشنود و پیغمبر
صلی الله علیه و آله در عیادت بیماری رفت فرمود بگو لا اله الا الله نتوانست فرمود که زنی که بالای سر او نشسته
بود که او مادر او است گفت من مادر اویم فرمود از او راضی هستی گفت بلی فرمود راضی شو تا خدا راضی شود گفت
راضی شدم برای رضای تو آنگاه فرمود جوان را تا تهلیل و او گفت فرمود چه می بینی عرض کرد مرد سیاه زشت
بد بوی که با جامه های چرک بمن رو کرده فرمود بگو یا من یقبل الیسیر ویعفو عن الکثیر اقبل منی الیسیر واعف
عنی الکثیر انک انت الغفور الرحیم چون گفت فرمود که الآن چه می بینی عرض کرد مرد سفید خوشبو با جامه های

با جامه‌های نیکو بطرف من می‌آیند والدین همراه فرمود باز بخوان دعا را پس بر سبیل حیرت می‌نبی گفت شما را می‌ ۲
بینم و نور را بینم نزد من می‌آید هر ایشان را بردید فرمود دعا از چند کو مستجابست پدر برای فرزند نیکوکار و نفرین
بر فرزند عاق و مظلوم بر ظالم و شفیع از او و مؤمن بر مؤمن و بعد هر که ترک گناه کند با آنها رفت و از حدیث نبوی است
صلی الله علیه و آله که یا علی پدرم بر در بهشت نوشته بود که تو حرامی بر بخیل و سخن چین و بحدیث مکرر هر که پدر
و مادر خود را برنجاند پس و انعام بهم رسید و فرمود بکو بار تعالی الدین را هر چه خواهی کن که داخل دوزخ نخواهی
شد هر که رو بحدیث قدسی بنا مرتبت هر که و در صحیح نبوی است که عاق والدین و بد خواسته در جهنم
است و نیکوکار البته در بهشت و در صحیح شخصی را که وصیت طلبید بعد از حمد از شرک فرمود اطاعت
و خوبی کن به پدر و مادر خود زنده باشند یا نه و اگر چه امر کنند که بیرون رو از اهل و مال است پس بحقیقت که از
ایمان است حق والدین اقدم و اعظم است و بحدیث نبوی هر که پای مادر شرا ببوسد عتبه بهشت را
بوسیده و بروایتی کسی با آنحضرت عرض کرد که هیچ قبحی نیست که نکرده‌ام آیا مرا توبه فرمودید و مادرت
هست عرض کرد پدرم زنده است فرمود با او نیکویی کن چون برفت فرمود کاش مادرش زنده بود و فرمود
هر که پدر با پدر و مادرش را و سعی کنند که امرزیده شود دور است از رحمت الهی و هم چنین در سعی ماه رمضان
و صلوات در ذکر آنحضرت و در حدیث باقر فرمود در سه چیز رخصت نیست عام است که بر و فاجر امانت
و وفا بعهد و بر والدین و در صحیح فرمود که چهار صفت است هر که دارد خدا او را ساکن کرداند در اعلی علیین در
بالاترین غرفه‌های شرف و پناه و تکفل یتیم چون پدر مهربان و ترحم و اعانت ضعفاء و صرف مال بر پدر و مادر و
مدارا با ایشان و ترک تندی و سفاهت بر بنده زیر دست خود و در خدمات و در صحیح فرزند باید با
تصدق برای والدین که مخالف باشند و در صحیح فرمود بحقیقت که بنده نیکوکار به پدر و مادر می‌باشد که بعد
از مردن ایشان عاق شود بترک استغفار و ادای دین ایشان بیچرا او را عاق می‌نویسند عاق می‌باشد که
بعد از موت با ادای دین و استغفار برای ایشان خدا او را بر می‌نویسد مؤلف گوید که هر شب پنجشنبه
دو رکعت نماز با فضایل بسیار وارد شده و هر روز چهار رکعت وارد شده و حضرت صادق می‌فرماید که چه مانع
است هر یک از شما را از برّ والدین زنده باشند یا مرده بنماز و تصدق و حج و روزه پس ثواب آنها برای ایشان و برای
او مثل آن و زیاد میکند خدای عز و جل بجهت صله او خیر بسیار جلد و رابع در بیان سؤال موقف
چهارم از حقوق همی که حق تعالی با و تفویض فرموده از اهل و اولاد که با تعلیم قرآن و شرایع و آداب ایمان و تربیت

## در بیان حقوق اولاد و اهل

ایشان نموده یا ایشان را مهمل و ضایع گذاشته حق تعالی میفرماید قوا انفسکم و اهلیکم نارا وقودها الناس
والحجارة یعنی حفظ نمایید خود را و اهل خود را از آتشی که هیزم آتش مردم و سنگ کبریت است و فرموده است ان
الخاسرین الذین خسروا انفسهم و اهلیهم یوم القیمة بتحقیق که زیان کاران آنها اند که خود را و اهل
خود را افکنند بجهنم و زیانکاری و [illegible] و آیات باین مضمون منقول است و از رسول خدا صلی الله
علیه و آله منقول است که لازم است بر پدر و مادر و برای فرزند صالح هر حقی که ایشان را هست بر او و بتحقیق بسیار
بعضی اطفال و فرمود وای بر اطفال آخر الزمان از پدران ایشان که تعلیم واجبات با ایشان نخواهند نمود تا فرمود که
من بیزارم از ایشان و ایشان بیزارند از من و [illegible] کرده که جهنم را در بستر دارند بحدیث نبوی که اهل
خود را امور دنیا آموختند و امر آخرت را نیاموختند چنانکه در [illegible] اهل بیت و فرمودند که
اتقوا ولاد [illegible] بکصاع طعام [illegible] فرزند خود نمودن و فرمود که روز قیامت [illegible]
پوشانند به مؤمنی که تعلیم قرآن بفرزند خود نموده و فرمودند هر که تعلیم قرآن بفرزند خود نماید گویا ده هزار
حج و عمره و عتق و جهاد و اطعام نموده و بهر حرفی ده حسنه [illegible] دارد و با او خواهد بود در قبر
و میزان و صراط و او را وحشتی نمیشود قرآن تا در محل کرامت او را حاضر سازد و افضل [illegible] میکنند
اخبار در فضیلت تعلیم و تادیب و نصیحت و اصلاح و رعایت ایشان و مذمت عقوبت و تضییع سوء تربیت
ایشان بسیار است و نحوی باید با ایشان سلوک کرد که دفع حجاب نشود چنانکه در حدیث صحیح حضرت صادق
علیه السلام از آبای کرام خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که خدا رحمت کند کسی را که اعانت نماید بر
نیکی خود و اولاد نخود و همچنین والدین [illegible] سلطان و مصاحب خود را و در احادیث معتبره
نبویه منقول است که بهشت را دری است [illegible] داخل آن نمیشود مگر شاد کننده اولاد خود و حب اولاد
[illegible] از آتش و نظر بروی اولاد خود نظر بر [illegible] و چیز خوردن با ایشان [illegible]
آتش جهنم و گرامی داشتن ایشان باعث گذشتن از صراط و کرامت بهشت است و هر که طفلی داشته باشد
با اطفال بازی کند شخصی گفت که هرگز اطفال خود را نبوسیده ام چون رفت حضرت فرمودند
این مرد از اهل جهنم است و هر که بیازار رود و تحفه از برای عیال خود بیاورد مثل حامل صدقات است بسوی
فقیر و باید که اول بدختر بدهد که شاد کردن دختر مثل [illegible] از فرزندان اسمعیل است و
شاد کردن [illegible] مستوجب بهشت نعیم است و [illegible] فرزند [illegible]

## در سؤال کردن وقت مرگ موجها

باشد بدانکه آبادات دنیا یعنی بینایی است که او را دوست ندارند بلکه دشمن شما بیند از ایشان حذر کنید غرض از دوستی
از افراط شرعیت است که تبعیت ایشان بحرام و شبهه افتند از تحصیل معرفت و اسباب سعادات ابدی و بدانکه تو شاید از
محروم مانی و شب و روز مسرا اثر عمر بیزار که بهره همه رحمات عالیه سعادت باقیه برای خود ذخیره باید کرد نه
خرج تحصیل ایشان و صرف توفیق میراث ایشان نمود و چون شمع خود را برای دیگران بسوزاند و حفظ حد
درهم تا ب ملامت یابی است حضرت سجاد فرمود که حق ولد است که بدانی که او از تو و منسوب بتست
در دنیا خیر و شر و بحقیقتکه سؤال کرده خواهی شد بسر امرت از چیزیکه ترا متولی آن کرده اند از حسن ادب
راهنمائی او بسوی پروردگار خود و یاری بر طاعت و سعی عمل او و در عمل کسی که میداند مثالی نیست بخوبی او
و مکافات بدی بر او وا ناشاد بشنود امت که هر که شفاعت مرا خواهد باید که دختر خود را بفاسق تزویج
نکند که هر که چنین کند نازل شود بر او هزار لعنت و بالا نمیرود از او هیچ عملی و دعائی و هر که
تزویج بفاسق راضی شود چون از قبر برخیزد میان دو چشمش آیس من رحمة الله نوشته و ملعون باشد در دنیا
و آخرت و هر شب و روز او را هفتاد خطا و گناه است و بحدیث دیگر هر که شراب خوار دهد هفتاد او را بزنا دایه
و در حدیث دیگر فرموده که هر که اهل خود را ضایع گذارد و قطع رحم کند خدا او را ضایع و محروم گرداند در
جزا و هر که در وزن دارد بعدالت میان ایشان سلوک نکند از خود و مالش دو قیامت محشور گردد با یک طرف
کج تا داخل دوزخ شود و هر که ظلم کند بزن در مهر او نزد خدا زناکار است در قیامت و پیغمبر فرمود که ای بنده
من تزویج کردم کنیز خود را بتو بر عهد من وفا نکردی با من خود ان مطالبه نمایند تمام حسنات او و وفا نکند
فرماید او را بسوی جهنم برند و بعد از آن فرمود زنیکه از شوهر خود شکایت کند نماز و هیچ عبادت او مقبول نیست
تا شوهرش را راضی کند و فرمود مثل این عقوبتی است بر مرد هر گاه از زن ناید بخشیده که مضاعف بر
این زن چنانکه برای یتیم و حضرت کاظم فرمود که خدا غضب نمیکند بر چیزی مثل غضبش بر ظلم زنان و
طفلان و در حدیث حضرت باقر پیغمبر فرمود بازگو رسول خدا که فرموده با خبرتان بدترین شما کسی که بگویید
کار با کسی نکرده باشد عیاش تنها خورد تنها و خود را منع کند و زننده بنده خود و ملجا کند عیال
بدیگری و بروایت دیگر فرمود که هر که زنش او را دشنام بزنا دهد بیرون رود از حسنات مانند ماران
پوست و بر او است بهر موی بدنش گناهی و نازل شود بر او لعنت الهی و قبول نشود از او هیچ عملی و
دشنام میدهد زن خود را مگر ملعون تا آنکه فرمود منافق و فرمودند که دشنام مده بسیار زن خود را

# در سؤال نوبت موقف پنجم

بزنا کرده مثل طلا دشت و غیبت میکنند که شبیه ایشان است و بدانید که مرا این هر دو خراب میکند عمل صد سال را
دشنام مدهید زنان خود را که در آن پشیمانی بسیار و عقوبت شدید است و فرمود ملعونست هر که نفقه
خود را بر مردم اندازد و ملعونست هر که عیال خود را ضایع کند و فرمود نزدیکترین شما بسوی من در روز
قیامت کسی است که خلقش نیکو و با اهل خود بهتر سلوک کند و فرمود هر که زن را بزند بناحق من خصم اویم
در قیامت و فرمود عجب دارم از آنکه خود بزدن سزاوارتر است بلکه بال و پر ایشانرا کوتاه کنید ترک لباس
و زینت و هر که راضی باشد به بیت و بیرون رفتن زنش از خانه پس در روز قیامت بنامی شود برای او و هر کار که
برای در خانه در جهنم و فرمود هر که اطاعت زن کند خدا او را بجهنم اندازد پرسیدند از اطاعت فرمود که زن
اذن می طلبد که بحمامها و عروسیها و باغها برود قبول میکند فصل پنجم در ذکر موقف پنجم سؤال
از احسان بمملوکات از غلام و کنیز بلکه حیوانات و حقوق اینها حضرت سجاد علیه السلام فرمود حق مملوکت اینست که
بدانی او آفریده پروردگار تست مانند تو و نشده برای آنکه خلقش کرده باز زیش از تست بلکه از خدا است و
مسخر تو ساخته و ترا امین دانسته برای نفع تو بتو سپرده پس احسان کن چنانکه خدا بتو احسان کرده و اگر
نخواهی بدل کن و آزار مخلوق خدا را مکن و در وصیت امیرالمؤمنین علیه السلام است که از خدا بترسید
در زنان و مملوکان خود که آخر سخنی که پیغمبر شما فرموده این بود که وصیت میکنم شما را در حق این دو ضعیف
و در حدیث مبالغه شده در احتراز از ظلم کسی که پناهی و یاری بغیر از خدا ندارد و باید دانست که مضمون
کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیته هر کسی را رعیتی و زیر دستی مقرر شده از اهل و عیال و شاگرد و اخوان و رفقا
و جوارح و بهایم که رعایت و محافظت اینها لازم است و واجب هر یک را حقی هست و احادیث بسیار است
در حق حیوانات که بر قوت و مدارا سر کنید در پا بدوانید و بحمل اینها تعلق مینمائید و از منزل نکنید و بدست سوار
نشوید و در منزلها نبندید سواری ننمایید و بجا بر رویش نزنند و هر که مراعات این آداب نکند بهر سید حکم شرع را
بلکه هر صاحب قدرتی را از باب امر معروف کار او را جبر کنند بفروختن آن مملوک یا رعایت او و فصل ششم
در ذکر سؤال از موقف ششم بیرون که میشود بسوی سرادقات حقها و از حق همسایه میپرسند در قرآن
بعد از حق والدین مبالغه عظیم در حق همسایه شده و حضرت صادق علیه السلام فرمود از ما نیست کسی که همسایگی
نیکو نکند و از رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده که حرمت همسایه مثل حرمت مادر است و از رسول خدا صلی الله علیه روایت منقوله که هر که
ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید گرامی بدارد همسایه خود را و حرف خیر گوید یا ساکت باشد و فرمود علی ع

باسهای

## ماجرای در موقف ششم سؤال الامانت

با سلمان و اباذر که ندا کردند در مسجد که ایمان نیاورده هر که همسایه‌اش از ضرر او ایمن نباشد پس خود بدست اشاره کرد بچهل خانه در چهار جانب و بروایتی چهل گز و در خطبه وداع فرمود که هرکه از همسایه منع کند اسباب خانه متاعی را و بدهد باو که محتاج باشد منع کند خدا احسان خود را در روز قیامت و او را واگذارد بخود و هرکه را بخود واگذارد هلاک شود و هیچ عذری از او قبول نکند و هرکه بخانه همسایه نگرد پس عورتی یا چیزی ناخوش از مردی یا زنی یا چیزی ببیند و ببیند حق و ثابت است بر خدا که او را داخل دوزخ کند با منافقان که عیوب مسلمانان را میجستند و از دنیا بیرون نرود تا خدا او را رسوا کند و در آخرت عیوبش را ظاهر کند و در روایت حضرت باقر علیه السلام فرمود که ایمان نیاورده هرکه شب بخوابد و همسایه‌اش گرسنه باشد و نیست اهل قریه که گرسنه بدارند شبی یکی را بگذارند و خدا نظر کند بسوی ایشان و بروایتی دیگر فرمود آزار مکنید همسایه خود را اندرون نزد اهل خود و فرمود که هرکه یک شبر از زمین همسایه خود را خیانت کند خدا آن زمین را تا طبقه هفتم طوق کند در گردن او افکند تا روز قیامت و بهمان هیئت بمقام حساب در آید و فرمود ملعون است هرکه آزار رساند به همسایه اگر چه کافر باشد حضرت کاظم علیه السلام میفرماید که جوار حسن نیست که آزار او نرسانی بلکه باید صبر بر اذیت همسایه کنی و در وصیت علی است که خدا را بیاد آورید در حق همسایه بتحقیق که رسول خدا صلی الله علیه و آله در باب ایشان آنقدر در باب ایشان سفارش فرمود که گمان کردیم که میراث برای ایشان مقرر شد **جلوه هفتم** در ماجرای سؤال موقف هفتم از صله ارحام و حقوق ایشان است و عقوبات آن از رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه هدی صلوات الله علیهم متواتر است که قاطع رحم خراب کننده خانه‌ها و هلاک کننده جانها و بر اندازنده خانوادها است و قطع کننده نسلها است و بر طرف کننده مالها و عمرها است و در احادیث وارد شده یعجل الفناء و ما القنة الدین یعنی بر طرف کننده دین و عملی بهتر از احسان نیست و نیکی که با صله ارحام کند باعث طول عمر و سعادت دنیا و عقبی است و باحادیث بسیار در حدیث نبوی است که پرسیدند از افضل صدقات فرمود بخویش اگر چه دشمن باشد فرمود صله نیست مثل آنکه خویش محتاج باشد فرمود که یا علی حق تعالی بهشت را آفرید و بکلم بهشت فرموده لا اله الا الله الحی القیوم قد سعد من دخلنی بتحقیق که خوش بخت و رستگار شد هرکه داخل من شد حق تعالی فرمود بعزت و جلالم که داخل تو نخواهم کرد شراب خوار و سخن چین و دیوث و مخنث و شرطی و نباش و قطع کننده رحم و قدری را و بصحیح حضرت امام رضا علیه السلام که دیدم در معراج رحمی بعرش چسبیده و شکایت مینمود پرسیدم که چند پشت بهم میرسید گفت در چهل و در موثق حضرت امام

# در ذکر موقف هشتم نهم

محمد باقر ع فرمود که در کنار صراط یکی رحم است و یکی امانت پس کسی که صلهٔ رحم و اداء امانت نموده بگذرد به
سوی بهشت و چون خاین و قاطع رحم باشد و خواهند بگذرند ایشانرا بجهنم افکنند و هیچ نفع نمیکند با این
دو عمل هیچ عبادتی و جمعی از حضرت صادق ع پرسیدند که چیست دشمن ترین عملها بسوی خدا فرمود شرک بخدا بعد
از آن فرمود قطع رحم پرسیدند بعد از آن فرمود ترک امر بمعروف و نهی از منکر و بسیار در قرآن قطع کنندهٔ رحم ملعون
است جلد ششم در ذکر پرسش موقف هشتم که از حسد خواهد بود و آن اول معصیتی بود که صادر در دنیا
شد و منشاء اکثر گناهان و ستمهاست چنانکه با [illegible] هر کس میفهمد اظهار آن از کبایر و بقول حضرت سوی
صلی الله علیه و آله که [illegible] و کبر و حرص [illegible] اصول کفر [illegible] متواتر از حضرت [illegible] باقر ع منقول است که ایمان را چون آتش
هیزم را و [illegible] عجیب [illegible] آنکه حسد خواهش زوال نعمت است از غیر تا بار سد با او و چون نعمای الهی
پیوسته میرسد که [illegible] متواتر است همیشه حسود در رنج و عذاب است چنانکه وارد شده مانند بخلق
که با خلق بلکه با خالق همیشه در نزاع و جدال است و اگر بزبان نتواند بدل و بجسد بیشتر بزودی حق شد [illegible] که
حسد [illegible] را [illegible] داده ام از فضل خود و نظر بنفس خود دارد بپایها مضرت که حسود دشمن نعمتها و مانع
قسمتهای منست [illegible] و از من نیست [illegible] علامت است غیبت کسی و غیبت [illegible] و
تملق در حضور و شماتت در مصیبت [illegible] غبطه که خواهش مثل است برای خود ممدوح است حضرت صادق ع می
فرماید که مؤمن غبطه میکند نه حسد و منافق حسد میبرد و غبطه نمیکند فرمود حسد [illegible] الا دستی [illegible]
[illegible] جلد [illegible] سؤال موقف نهم و دهم از مکر و فریب و عدم وفا بعهد و از خدعه یعنی
فریب مسلمانان خدا میفرماید و لا یحیق المکر السیئ الا باهله [illegible] [illegible] [illegible] و بقول نبی
هر که عهد را بشکند داخل آتش شود و منقولست که [illegible] پیغمبر موده که [illegible] لا ایمان لمن لا امانة له
و لا دین لمن لا عهد له و در بعض روایات این زیادتی هست و لا صلوة لمن لا یتم رکوعها و سجودها و امیر المؤمنین
علیه السلام میفرماید مکار و خاین و غدار بجز داخل آتش اند [illegible] [illegible] مثل اشکا
و هم چنین قلب و حضرت صادق ع فرماید هر که بر خورد با مسلمانی [illegible] و روز [illegible] در قیامت با دو زبان
در آتش و [illegible] بوده [illegible] باشد [illegible] [illegible] از [illegible] کشد تا [illegible] و [illegible] و با یمعروف
باشد و [illegible] که واجب است بر مؤمن مناصحه [illegible] خیر خواهی مؤمن در حضور و غیاب و
[illegible] [illegible] از رسول خدا ص ذکر فرموده که از ما نیست هر که غش و مکر کند با

# در ذکر حقوق مؤمن

با مسلمانان و مسلمان نیست هر که اهتمام بامور مسلمانان نداشته باشد و احادیث بمعنی قریب بمتواتر است
و بعضی پیش از این مذکور شد و هر که بشنود استغاثهٔ مسلمانی را و اجابت نکند مسلمان نیست و فرمود بر تو باد بخیر
خواهی و نصیحت مسلمانان که ملاقات نخواهی کرد عملی بهتر از آن و در چند حدیث باین مضمون وارد شده که فرمود
شخصی را ملائکه در قبرش نشانیدند گفتند صد تازیانه از عذاب بر تو میزنیم گفت طاقت ندارم یکی
یکی کم کردند گفت طاقت ندارم گفتند از یکی چاره دیگر نیست سبب پرسید گفتند روزی بی وضو نماز کردی
و گذشتی بر ضعیفی و یاری نکردی پس تازیانه از عذاب الهی بر او زدند که قبرش پر از آتش شد و در حدیث وارد
که هر که غمی برطرف کند از مسلمانی در دنیا باشد در حفظ الهی باشد تا برطرف نماید اگر توبه نکرده بمیرد بغیر
اسلام مرده باشد و فرمود بخدائی که جان محمد در قبضهٔ قدرت اوست که داخل نمیشود در رحمت خدا مگر
کسی که رحم کند گفتند ما همه رحم داریم فرمود رحم آن نیست که بر خود و اهل خود بلکه رحم بکنید مسلمانان را و باخبار بسیار
مسلمان کسی است که از دست و زبان او خلق سالم باشند و در حدیث وارد شده که همیشه اعمال امت بر رسول
خدا عرض میشود آنحضرت برای همه استغفار میکند مگر دو نفر که با هم قهر باشند که خدا فرموده واگذارید ایشان را
دو نفر تا آشتی کنند صاف شوند و گویا شمول رحمت الهی منوط بالفت و محبت مؤمنان است با هم و لهذا در
حدیث وارد است که اصلاح افضل است از عموم عبادات و حضرت صادق فرمود که هر که سعی کند در
حاجت برادر مؤمن خود و باخلاص خیرخواهی نکند خیانت کرده باشد با خدا و رسول و ائمه علیهم السلام
و این معنی در احادیث متواتر است و در بعضی آنها هست که خصم او باشد خدا و فرمود هر که در پیش او غیبت
خیر بگوید خدا را بهش را ساکت کند و فرمود هر که گوشت هم بخورد بخواهند سر بر گوشهاو ریخته شود روز
قیامت و فرمود خدا بهیچ پیغمبری نفرستاد دیگر آنکه امر کرد مردم را براستی سخن و اداء امانت بخوب
بد و فرمود نظر مکنید بطول رکوع و سجود مردم که عادت مردم شد و وحشت میرساند لیکن براستی
امانت و نظر کنید و فرمود هر کلمه شنیدم ما پنج ... ایشان بنما ... از عقدهای انشا کردن
خود کشوده باشد پس اداء امانت نماید باداء امانت بدرستی که چون بکسی بسپارند صد شتر ... باو کما
میشوند که او را و سر ... امر ... کنند مگر کسی را که خدا نگاه دارد و حضرت سجاد فرمودند اگر قاتل
پدرم مرا امین کند شمشیر که پدرم را بآن کشته است او را میکنم و در حدیث نبوی است که هر که امانتی را
خیانت کند و بصاحبش رد نکند تا بمیرد بر غیر ملت من مرده باشد خدا را که ملاقات کند بر او غضبنا

# در بیان نامهای اعمال

باشد و هر که بخرد چیزی را که خیانت در آن دانسته باشد برابر است مثل گناه خیانت کننده و در خطبه وداع
است که هر که امین شود بر مالی یا حرمی و آن را خیانت کند خدا بر او غضب کند و در آتش مخلد باشد
و هر که بیرون نیاورد و در صحیح حضرت صادق ع میفرماید که وعده برادر مؤمن نذریست که کفاره ندارد
ولیکن هر که خلف آن نماید بخلاف خدا کرده و بسخط خدا متعرض شده پس خواند این آیه را کبر مقتا عند الله ان تقولوا
ما لا تفعلون یعنی بزرگست در غضب نزد خدا گفتن چیزی را که نکنید و در صحیح از حضرت رسول ص ذکر فرمود که هر که
ایمان بخدا و روز جزا دارد باید وفا کند هر وعده که کرده است و در روایت دیگر فرمود وعده دین است
هفتم در بیان شمهٔ از احوال پرسش نامهای اعمال و سؤال موقف پانزده گانه پرسشها و ملال ذکر کردار عباد
ابرار و اشرار و نامه عمل خوانند هر یک از اصحاب یمین و شمال قال الله تعالی وکل انسان الزمناه طائره فی
عنقه ونخرج له یوم القیمة کتابا یلقیه منشورا اقرأ کتابک کفی بنفسک الیوم علیک حسیبا و از این آیه چون
چشم ارباب بصیرت و ارباب بینا روشنست منجر گردد نهم اوقات دیگر احوال ماجرا و موقف و اول سؤال در آن عقبه صعب
تعلق منازل و مراتب سابقه از مراحل و موقف چنین منقولست که بعد از طی عقبات مراتب تحت حساب بی حشو میشود
سبکو کن نامهای عمل بدست داشت و چون در آنجا سؤال میکنند از یازده چیز اول صدقات واجب خدا در
مال لازم فرموده از جنس زکوة و کفارات و اطعام و صله ارحام و عطاء فقرا و مساکین و ایتام و بیوه زنان
و غیره از عملهٔ صدقات در صعب ترین عقبات که از فرایض و اعظم مبانی اسلام که ضمیر پسند خواهد آمد در این
مقام بذکر شمهٔ از عقوبات ترک صدقات غیر مشهوره و حقوق مجهوره لازم در مال و فضیلت تمام بآنها
اکتفا مینماید حضرت صادق ع میفرماید که حق تعالی فرموده که ایمان بنا فرستاده بمن کسی که سیر خوابد و برادر
مسلمانش گرسنه باشد و فرمود هر که از مالش منع کند مؤمن محتاج را نخواهد چشید بخدا سوگند از
طعام بهشت و نه از شراب مختوم و هر که بسکنای خانه او مؤمنی محتاج باشد و منع نماید حق تعالی فرماید
ای ملائکه من بخل ورزید این بنده من بر بنده من بسکنای خانه دنیا قسم بعزت و جلال خود که ساکن نخواهد
شد در بهشت من هر که روزی مؤمنی را منع نماید چیزی از مال که محتاج او را و قادر باشد از خود یا از
غیر خود بازدارد حق تعالی او را در روز قیامت رو سیاه و چشم کور و دستها بگردن بسته نگاه داشته شود که
اینست خائنی که خدا و رسول را خیانت کرده پس امر فرمایند او را بجهنم و در صحیح فرمود که مبتلا کند خدا
او را بقضای حاجت دشمن ما که بران معذب باشد و بصحیح دیگر فرمود که مسلط کند خدا بر او ماری

# در ذکر گناهان اعمال

از آتش که بگو برادر او در قبرش تا روز قیامت که ببخشد یا عذاب کند و او را کو طالبم او را بعذاب داد در آتش
بدتر از اوست و در حدیث صحیح فرمود که خرج کن و جزم عوض هم داشته باش و بترس از آنکه هر که خرج نکند در طاعت
الهی مبتلا شود بخرج در معصیت الهی و هر که در حاجت دوست خدا راه نرود مبتلا شود بآنکه در حاجت
دشمن خدا راه رود و هر که جامه زیادتی دارد و داند که مومنی بآن محتاج است و ندهد حق تعالی او را برو در
جهنم اندازد و هر که سیر خورد و مومنی نزد او گرسنه باشد خدای عزوجل می‌فرماید که ای ملائکه گواه
میگیرم شما را براین بنده که من او را امر کردم پس نافرمانی من کرد و اطاعت غیر من کرد و او را بعمل
خویش واگذاشتم بعزت و جلال خود که نیامرزم او را هرگز و حضرت امام موسی کاظم ع میفرماید که رسول خدا صلی الله علیه و آله لعنت کرد
سه نفر را کسی که توشه خود را تنها خورد و کسی که سفر تنها رود و کسی که در خانه خالی تنها بخوابد
در خطبه وداع فرمود که هر که منع کند حاجت طالبی را با قدرت بر آن پس بر اوست گناه عشار و پرسیدند که گناه
عشار چیست فرمود بر اوست هر روز لعنت خدا و ملائکه و جمیع خلایق و از آنحضرت منقولست که خدا را بندگانی چند
هست که ایشان را مخصوص گردانیده است بنعمتها برای نفع بندگان خود پس اگر منع کنند بدیگری [illegible]
هر که منع کند مال را [illegible] از خوبان با اختیار و معروف نماید حق تعالی مال او را باشرار بدهد و فرمود هر که سائل
گرسنه را از در خانه اش رد کند خدا او را و مال او را عذاب کند [illegible]
غضب کند خدا او را و دشمن دارد [illegible] در رد سائل [illegible] وارد شده و فرمود که شب سائل را رد
مکنید و فرمود که رد مکن سائل را اگر چه سواره باشد و بروایتی هر چند [illegible] باشد و بروایتی حضرت
صادق ع فرمود از آنحضرت پرسیدند که آیا در مال حقی میباشد بغیر از زکوة فرمود آری بر مسلمانان هست
اطعام گرسنه هرگاه سؤال نماید و پوشیدن برهنه هرگاه سؤال کند گفت میترسم که دروغ گوید فرمود که آیا نه
میترسی که راست گوید [illegible] دیگر فرمود که اگر نه اینست که دروغ میگویند [illegible] ایشان [illegible] و حضرت
باقر ع میفرماید [illegible] بتحقیق ملائکه [illegible] هستند [illegible] عطا کرده ام تو [illegible]
خواهی [illegible] که موسی ع [illegible] جز آنکه کسی که مسکینی را اطعام کند برای رضای خدا
شد که پیغمبر [illegible] روز قیامت [illegible] که منادی ندا کند [illegible] آتش جهنم و فرمود [illegible]
تو دارم از همسایه [illegible] از مسلمانان که گرسنه [illegible] ایشان را سیر [illegible] ایشان را بپوشانم [illegible]
باز دارم [illegible] و در حدیث صحیح حضرت صادق ع میفرماید که اطعام برادر مومن برای خدا [illegible] الطعام

هزار نفر از مردم دیگر و بحدیث دیگر بهتر از بیست و در صحیح است که خدا او را طعام دهد از بهشت 111
در ملکوت آسمان و زمین فردوس جنت عدن و طوبی فرمود بهتر است از ده عتق و ده حج و دوست دارم
زیادتی که بهتر از ده عتق است واجب شود برای او بهشت و بصحیح دیگر فرمود چرا بنده از ادا مکنی کنند عالم
وفا نمیکنند فرمود طعام ده مرد مسلمانرا گفتم فقیر را یعنی فرمود غنی هم گاهی که بهشت میباشد فرمود
اطعام مؤمن مثل آنست که برده عتق کند از اولاد اسماعیل است که از کشتن خلاص کند و مؤمن محتاج صد برابر
است فرمود اجر سیر کردن مؤمن زیاده از حرمت عبد خدا است نزد ملک مقرب نه پیغمبر مرسل و هر که ابشود هند جهنمی
زنانرا بسر عبد بهشت البته میشود فرمود هر که جگر گرسنه سیر کند واجب شود برای او بهشت و فرمود هر کی کند
خدا او را و بهره بهشت از رسول خدا صلی الله علیه و آله ذکر فرمود هر که آب دهد مؤمن را جائیکه قادر بر آب باشد
بر آب بهر شربتی هفتاد حسنه دارد و جائیکه قادر نباشد ثواب عتق ولد اسماعیل دارد و از امیر المؤمنین ع که
فرمود که اول چیزیکه اجر داده میشود در آخرت صدقه است و بحدیث دیگر خدا دوست میدارد سرد کردن جگر گرم هر که
آب دهد جگر تشنه را اندر سایه عرش خدا او را در سایه رحمت خود جای دهد در روزیکه سایه غیر از آن نیست
و در حدیث فرمود بعضی صحابه که آیا دوست میدارید برادران خود را گفتم بلی گفت نفع میرسانید
ایشانرا گفتم فرمود حق و ثابت است بر تو که دوست داری کسی را که خدا ایشانرا دوست میدارد آیا میطلبی ایشانرا
بخانه خود گفتم بلی چیزی نمیخورم مگر با دو سه از ایشان یا زیاده یا کمتر فرمود آگاه باش که زیادتی و فضیلت ایشان
بر تو عظیم تر است بر سبیل ایشان و تو بخانه تو می آیند با آمرزش تو و عیالت و در حدیث دیگر بار و بخانه بیرون
میبرند گناهان شما را و مرویست که امیر المؤمنین ع را هفت روز مهمان وارد نشد که گریست فرمود میترسم
اهانتی باشد از خدا و در احادیث نبوی ص وارد شده که هر خانه که مهمان وارد نشود ملائکه نمی آیند حق مهمان
واجب است بر هر مسلمانی و اگر صبح کند در خانه او نیامد بر او لازم است باشد و خواهد طلب کند در حدیث وارد شده
که مهمان تا سه روز است و زیاده صدقه است و باز حدیث هست نهادن مهمان صدقه است حرام است
فرمود هر چیزی را منت است بر مهمان مگر طعام اولاد من که ایشانرا بر ضیافت کنند منت نیست با مهمان هر که
و هر که برکت داخل شود بر مؤمن مهمان میشود بهر یکتا ای حج و عمره زیاده بر کاه ثواب رت خود باید با مهمان انس بگیرد و اگر
بطلبی پیش کلاف کن برای او و هر که دعوت اجابت نماید یا فرمان خدا و رسول کرده و حدیث حضرت صادق ع از آباء کرام
خود از امیر المؤمنین ع که ... انسبها خود فرمود جهد کن تا ... مؤمن نباشد که مکافات کنند

# در ثواب تصدق دادن است

طوق نور خدا است بر بهشت و محمد مصطفی است بتحقیق شفاعت حسن و حسین بجوش حلّه و بدانکه باتفاق
اخبار تصدق باعث برکت مال و عمر و اولاد و سعادت دنیا و آخرت و دفع بلاها و امراض و فقر میشود و از همه چیز سنگین
تر است بر شیطان و حضرت صادق ع میفرماید که اول بدست خدا میرسد پیش از دست سائل و فرمود تصدق شب
کبار و حساب قیامت را آسان میکند و روزی و عمر را زیاد مینماید خدا برای هر چیز خازنی مقرر فرموده و تصدق
که خدا او را میگیرد و حفظ مینماید پس چون تصدق میکرد چیزی در کف سائل میگذاشت پس بر میداشت و می
بوسید و میبوسید باز بدستش میگذاشت از رسول خدا صلی الله علیه و آله منقولست که تصدق پنهان آتش غضب
خدا را فرو مینشاند و همیشه این ادب ائمه ما بوده که بعد از رحلت آن پینهای بدوش مبارکشان و پیشانی و
هویدا ان فقرا ظاهر میشد و بعضی پرسیدند از آنحضرت که کدام صدقه افضل است فرمود آنکه بصاحب صادر شود
از قلّه پس این آیه را فرمود و یؤثرون علی انفسهم و لو کان بهم خصاصة و فضیلت پنهان تصدق بافقرا و
گذشت و در وصف انصار میفرماید که دیگران را بر خود اختیار میکنند هرچند خود احتیاج دارند و تکیه
حسن فرمود چرا تصدق نکند بقوت روزش بتحقیق که سجل موت بدست ملک الموت داده می شود پس تصدق
میکند کمتر میشود باو که پس ده و در موثق از حضرت سجاد علیه السلام ذکر فرمود که هیچکس بر مسکین
ضعیفی تصدق نمیکند پس او دعا بکند که مستجاب شود و در حدیث از آنحضرت است که فرمود
که اول چیزی که روز قیامت ابتدا میشود با صدقه است و فرمود واسطه خیر مثل خیر کننده است اگر هفتاد
دست جاری بشود اجر دادند بی نقصان صاحبش و رسول خدا صلی الله علیه و آله میفرماید که خدای از صدقه مکرر
شده است و مکرر بوزن تجربه شده و اخبار در این باب بسیار است و بعضی این زیادت است که خدای از منع
زیاده نشد فرمود تصدق کنند اول کسی است که داخل بهشت وارد میشود بر من در حوض کوثر فرمود یکدانه
تهی تصدق کردن بهتر است از هزار اشرفی بعد از مرگ و در حدیث دیگر فرمود که یکخرما پیش فرستی بهتر است
از صد مثقال طلا که بعد از تو بفرستند و بروایت باید فرمود که صدقه بیخبر فکو بگو با اولادانکه مرا باقی کردی
فانی بودم دنیا بودی ماندنی بودم بزرگ ساختی و خوردنی بودم دوست خود کردی و دشمن تو بودم
حافظ خود نمودی و حافظ من بودی از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله و سلامه علیه منقولست که پرسیدند
از آنحضرت از تلاوت قرآن فرمود برتو باد بصبر که نور است در صحراها کفر بوده چه طور است فرمود
برتو باد بصدق پس بتحقیق که آن نور است که بیشتر چه طور است فرمود برتو باد بصدقه که مهر ... المبین

# در ثواب تصدق است

گفتم بیرون از شب فرمود که افضل است از نماز شب بهزار رکعت یا علی یک لقمه نان در صدقه بهتر است از ده هزار
رکعت نماز شب و بروایت دیگر فرمود یا علی تصدق پنج قسم است یکی بر ده تصدق بر فقرا است که سالم باشند
و یکی بهفتاد اگر مبتلا باشند و یکی بهفتصد اگر خویش باشند یکی بهفت هزار اگر مرده باشند یکی بهفتاد هزار
اگر مرده باشند و بروایتی صد هزار اگر طالب علم باشند و حضرت صادق ع فرمود که صله ارحام بیکدیگر افضل
است از هزار درهم در راه خدا و فرمود هر که قادر بر صله ما نباشد صلحای شیعه ما را صله نماید که ثواب
صله ما را دارد و باید دانست که محتاج نیز بسائل از همه افضل است و آنحضرت فرمودند که امیرالمؤمنین ص
بشخصی که سؤال میکرد از آنحضرت و از هیچکس بجز تو حاجت نخواستم کسی عرض کرد که و خود چیزی از ایشان نه
طلبید بگو تو نیم کافی بود فرمود که مثل تو در میان مؤمنان زیاد نکند ... نامیکنم و تو بخل میکنی هرگاه
کسی که امید و توقع از من دارد و ندهم پس اگر بعد از سؤال بدهم نداده باشم مگر بقیمت چیزی که او را از گرفتنم
از ملجا ساختن او بر بخت آب و بی پیشانی که بر زمین می گذارد برای پروردگار بعبادت و طلب بهر که برایش
چنین کند است که گفته باشد بخدا در طلب مغفرت و بهشت برای او که بزبان میگوید اللهم اغفر للمؤمنین و بعمل
اینها را عیب میکند و تصدیق آن نمیکند بجای طعام از ما الله و باید دانست که چون سؤال و گدائی حرام است
چنانکه مذکور خواهد شد پس مهیا ساختن و موقوف نداشتن عطا بر سؤال اعانت بر حرام است و
موجب بادتی اکرام و در حدیث صحیح حضرت صادق ع میفرماید که خدا رحمت کند بنده را که عفت و استغنا ورزد
و سعی و تکلف خود را باستغنا و عفت بدارد و باز ایستد از سؤال کردن پس بتحقیق که آن تعجیل میکند مذلت
دنیا و آخرت را و از چیزیکه هم بینیاز میکند و فرمود که دو بیهار سؤال میکند از خلق که موجب ذلت در دنیا
و فقر عاجل و حساب طویل روز قیامت میکرد و فرمود چه بسیار قیمت طمع و رغبت ذلیل کنند و اخبار در
اینمعنی بسیار است که بیا بنده است چنین بنده و در بعضی احادیث هست که بهتر از شیعه ما سائل بکف تملکن
دهنده مردان از خود و فرمود طلب حاجت از خلق بر طرف کنند عزت و حیا است و یأس از آنچه در دست مردم
است عزت مؤمن است و طمع فقر بیست حاضر و کسی از رسول خدا ص عملی خواست که باعث دوستی خدا و خلق
باشد فرمود رغبت کن با آنچه نزد خدا است تا ترا دوست دارند و از آنچه نزد خلق است بی رغبت شو تا ترا دوست
دارند و از اجله صحابه آنحضرت کاسه و کلیم که سنت سائلی را فرو خفته و بکش باز داشت فرمود حلال نیست تصدق
براهن غنی و نه صاحب مرض ... فرمود که ... بهشت نخواهد ... اهل ... خود را

## در ثواب قصد اهل کرامت

عرض برای تعظیم نمایند با ایستند بر در خانه او اگرچه یک ساعت باشد و در حدیث دیگر فرمود که هر که تعظیم نماید
دنیادار را و دوست دار باو برای طمع غضب کند خدا برو و با قارون بدترین سفل جهنم باشد و فرمود یا
ابا ذر اگر همه مردم باین آیه یقین و عمل کنند البته همه را کافی است و من یتق الله الآیه یعنی هر که پرهیزکاری نماید
از نافرمانی خدا برای او راه بدر رفتی از اضطرار و احتیاج میگرداند و روزی میدهد از جائی که گمان ندارد
باشد و هر که توکل کند بر خدا بس است او را و این مضمون صریح است در آنکه بسی کم کار دعا ضرورت
معاش میکنند و جرات از تکالیف روزی [illegible] مشروع مینمایند و حضرت صادق فرمودند هر مومنی که
فروتنی نماید صاحب سلطان یا مخالف دین خود برای طمع دنیا خدا او را خار کند و دشمن دارد و بخویش
واگذارد و اگر چیزی بدستش آید برکت ندارد و اگر در راه خدا خرج کند اجر ندارد و بدانکه اکثر معاصی
توکل و یقین و امید بخلق داشتن ناشی میشود و هر که در تحصیل روزی توکل تمام داشته باشد بتدبیع
عظمت و سعت قدرت الهی و حکمت و خزاین رحمت نامتناهی در مفرح و اطراف مستقر و مخلوق و رزق [illegible] سهل
طمع و الحاح بمردم بسیار قبیح و ضیع مینماید [illegible] سعادت جاودانی و کرامت جاودانی اقبال میکند بجواد
و هیچ صفا ملکی در او مجتمع میشود چون امیدش بخدا منحصر شد در هیچ امری بهیچ امری نافرمانی نمیتواند
بلکه بتدریج [illegible] محبت بمرتبه میرسد که هیچ گناهی نمیکند و نمیکند مگر آنچه محبوب کند و
خواهد و حضرت امام [illegible] میفرمایند که اگر [illegible] سوال کننده [illegible] هر که سوال نمیکند و
عطا کنند [illegible] در عطیه [illegible] جماعتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله استدعای بهشت
نمودند آنحضرت بعد از تامل بسیار فرمودند که ضامن شدم که چیزی از کسی نطلبید پس بجائی [illegible] میکردند
که سواره که تازیانه از دستش میافتاد از پیاده نمیطلبیدند که مبادا سوال کرده باشند خود فرود آمده بر
میداشتند یا از کسی که نزدیک تر بود نمیخواستند بلکه خود برمیخواستند و فرمودند که استغنا [illegible] محبوب
مستوانی باشد و فرمودند که از مردم سوال مکنید اگرچه بند نعلین باشد و حضرت امیرالمومنین فرمود متابعت
کنید قول پیغمبر را صلی الله علیه و آله که فرمود هر که دری از سوال بر خود بگشاید خدا بر او دری از فقر و احتیاج بر او بگشاید
در روایت معتبر دیگر فرمود یا ابا ذر اگر آدمی بگریزد از روزی خود چنانکه از مرگ میگریزد البته روزیش را مثل مرگ
ای ابا ذر اگر چیزی طلبی از خدای خود بطلب و اگر [illegible] طلبی از خدای خود بخواه بتحقیق که قلم بقدرت جاری شده با آنچه
واقع خواهد شد تا روز قیامت پس اگر جمیع خلق جهد نمایند برسانند نفعی که نوشته نشده برای تو قدرت ندارند

## در ثواب تصدق کردن

نداری پس عملی که توانی برای خدا بکن تا راضی و یقین باشی و در قدر و الا صبر کن بر مکروه که خیر بسیار و نصرت
و فرج و با صبر است و بروایت حضرت صادق ع فرمود یا اباذر سؤال مکن و اگر چیزی بدهند قبول کن و فرمود
هرکه بی سؤال چیزی برسد و رد کند رد بر خدا کرده و بروایت عامه پیغمبر صلی الله علیه و آله برای عمر فرستاد او
رد کرد حضرت گفت شنیدم که فرمودی خوب شما و بهترین شما کسی است که چیزی از مردم قبول نکند فرمود
آن از روی سؤال است اما چیزی که بی سؤال برسد پس آن روزی است که خدا بسوی تو فرستاده و احادیث بسیار
قبول هم وارد شده است و بهتر آن است که ثلث آنرا صدقه بدهند و باید دانست که گدائی بدعت است و طمع از مردم گدائی باطنی است
هرچند اظهار نکند [illegible] یک لقمه نان داشتن است بلکه هزار تومان از
خلق مفت خواستن گدائی و حرام است حتی از اغنیاء و ائمه نیز طلب خوب نیست و تجویز بعضی فقها در اضطرار
مسلم نیست و اینجا اضطرار هم معنی ندارد مگر احتیاج و گوئیا بعضی احادیث مذمت سؤال بدون احتیاج که اشد
از دانسته و هم این جوانانست چنانکه ابن بابویه از حضرت امام جعفر صادق ع روایت کرده که هرکه سؤال کند از
مردم و قوت سه روزه داشته باشد ملاقات کند خدا را روز قیامت و خواهد کرد در حالتی که هیچ گوشتی
در روی او نباشد و فرمود هرکه سؤال کند بی حاجت نمیرد تا خدا محتاج کند او را و اسباب فقر را برای او
ثابت نماید اینها دلالت بر شدت سؤال بی حاجت میکند نه بر جواز سؤال با حاجت بلکه جهت هست که
حلال نیست سؤال مگر بجهت فقر شدید یا دین فضیح و لیکن بضعف سند و قوت اثبات حکم شرعی نمیکند و اما
استعانت از غیر خدا در امور و غیر اگر حرام نباشد کراهت شدید دارد چنانکه در صحیح مفضل از حضرت
صادق ع که وحی شد بداود ع که هر بنده که بمن اعتماد نموده و از خلق ببرد بیابم صدق نیت او را پس
اگر آسمان و زمین و آنچه در آنهاست با او در مقام کید در آیند البته که مفری و چاره برای او قرار دهم
و هر بنده که متوسل بمخلوق از خلق شود و قطع کنم از دستش سببهای آسمانها را و فرو برم زمین را از زیر
او که دستش از همه کوتاه شود و پروا نکنم که در کدام وادی هلاک شود و در حدیث عالی فرمود هرکه متوجه
امری شود که خدا میخواهد البته خدا متوجه میشود که او میخواهد و هرکه طلب پادشاهی و عصمت از خدا نماید
او را حفظ میکند و هرکه متوجه احوال حفظ او باشد پروا نکند اگر آسمان بر زمین افتد یا بلیه نازل شود آسمان عالم را
فرو گیرد که او بسبب تقوی از آنها سالم است از همه بلیه‌ها نمیبینی که خدا میفرماید ان المتقین فی مقام امین و
کلینی بسند معتبر از حسین بن علوان روایت کرده که در مجلسی طالب علم میبودیم و خرجی من در بعضی از

# دربیان لمعهٔ از سؤال از عقبهٔ دوم

سفرها آخر شد بعضی از رفقا پرسیدند که امیدواری برای نجات کفتم ملاذ انا کفت والله حاجت توا
او را نمیشنوی و با اینکه تو خواهی رسید کفتم چه میدانی کفت بتحقیق که حضرت صادق علیه السلام خبر داده که در
بعض کتب خوانده ام که خدا میفرماید بعزت و جلال و رفعت شان خودم و بعرش و بزرگواری خودم
که قطع میکنم امید هر امیدواری را از غیر خودم بنومیدی و لباس خواری میپوشانم او را نزد مردم و از د
قرب منزلت و فضل خود دورش میکنم آیا در شدائد بغیر من امید دارد آنکه شدائد بدست منست غیر مرا امید دارد
و بحلقه فکر غیر درکاه دیکرانرا میکوبد و حال آنکه کلید تمام درها بدست منست غیر مرا امید میدارد
و همه درهای بسته و در فضل و احسان من باز است برای هر که بخواند مرا پس کدام بنده من در بلائی رو بمن آورد که
قطع امید او کردم و کدام بندهٔ من برای مهم عظیمی بمن امیدوار شد که من او را از درکاه خود محروم و نا امید
کردم آرزوهای بندکان نزد من محفوظ است که تا هنکام ملاقات با ایشان برسانم و راضی نیستند بحفظ من
و آسمانها را پر کرده ام از ملائکه که ملال نمیشوند از عبادت من و امر کرده ام که ایشان درهای فیض و رحمت مرا
نبندند میان من و بندکان من پس اعتماد نکردند بکرم من آیا نمیدانند که بلائی از من بر او وارد شده
که هیچکس نمیتواند که دفع کند مکر باذن من پس چرا چنین غافل از منند بتحقیق عطا کرده ام باو بجهت جود
و بخشش خود چیزهای چند که از من سؤال نکرده بود و بعد از آن باز کرفتم پس از من نطلبید تا رد کنم و سؤال
از غیر من نمود آیا پندارد که سؤال کرده می شد بعد از سؤال بخواهم یا در عطا بخل دارم مکر بخیلم که بنده من مرا بخل
منسوب دارد آیا جمیع جود و کرم مخصوص من نیست آیا عفو و رحمت بدست من نیست آیا نیست چنین که
من محل آرزوهای خلایقم پس که قطع امید شان از من تواند کرد آیا نمیترسند آنها از غیر من امیدوار شدند پس
اکر اهل آسمانها و زمینها از من بخواهند هر یک را بجز همه طلبیده اند و از ملک من قدر عضو مورچه کم نشود
و چکونه کم میتواند شد ملکی که من قیم آنم پس بحال ناامیدان از رحمت من و بحال کسی که عصیان
و نافرمانی من کند و هیچ حیا و شرم از من نکند **فصل دوم** دربیان لمعه از سؤال عقبه دوم که از قول حق
و انصاف مطلق در همه حال و احوال و عفو و تنزیه منت و کمال مبالغه تمام و اهتمام بمحافظت این صفت است
چنانکه در صحیح معتبر منقول است از حضرت امیر میفرماید که رسول خدا در آخر خطبهای خود بسیار میفرمود که خوشا حال
کسی که خلقش نیکو و طبیعتش پاکیزه و باطنش صالح و ظاهرش خوب باشد و زیادی مالش را انفاق
کند و زیادی سخنش را نکاه دارد و انصاف دهد مردم را از خود و حضرت صادق علیه السلام فرمود سید و زبدهٔ

# [illegible]

و فیه ایضا بسند معتبر منقولست انصاف مردم از خود تا آنکه نخواهی چیزی برای خود مگر آنکه مثل آنرا برای ایشان خواهی
و مواسات برادر مؤمن در مال و یاد خدا در همه حال نه همین گفتن سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله
ولیکن اطاعت او امر و نهی که از خدا بتو رسد و در حدیث دیگر فرمود که مؤمنان شدیدترند از این سه بلا از جایش
نشد الله و در حدیث دیگر فرمود که این سه تا اشد امور الله است و رسول خدا ص بر خیر فرموده و در حدیث
فرموده سه نفرند در روز قیامت نزدیکترین خلق‌اند بخدا تا از حساب خلایق فارغ شود کسی که قدرت او در حال غضب
باعث حیف بر زیر دستش نشود و کسی که در میان دو کس برود و بقدر ذره میل بیکی نکند بر ضرر دیگری و کسی که حق گوید
در هر چه نفع یا ضرر باشد و در حدیث حسن از پیغمبر فرموده منصف از خود مردمی مقبول است در حکم برای غیر و فرمود
هر که بیک انصاف ندهد بغض خود رو کند مگر آنکه غلبه کند بر او و در حدیث دیگر از حضرت باقر علیه السلام
ذکر فرمود که خدا را بهشتی هست که داخل آن نخواهد شد مگر سه نفر یکی آنکه بحق حکم کند بر خود و در حضور
عفو از خلق ترک غضب بر او و خصومت که اهم لوازم ایمان و اتم و اهم فضایل اهل جنانست [illegible] و در ها
بیشمار است در حضرت صادق ع ذکر فرموده از رسول الله که جبرئیل [illegible] انفقد مبالغه و اهتمام عظیم
کرده [illegible] در اخبار صحیح [illegible] که با حضرت امر شد بعفو [illegible] و از لوازم مؤمن
کدر [illegible] خصومت مجادله [illegible] که [illegible] مشغول [illegible] و نفاق [illegible]
و کشف عیوب [illegible] از اخبار [illegible] روز قیامت [illegible] که [illegible]
است [illegible] کنند [illegible] ابن [illegible] و اصلح فاجره علی الله و فرمود رسول الله
که هر که [illegible] خدا از [illegible] کند اهل [illegible] بهشت [illegible] حسن خلق و [illegible]
در [illegible] که حق باشد فرمود که حضرت عیسی [illegible] فرمود که هر گاه بدی
در حق تو گویند که داری بدانکه گناهی بیاد تو آورده اند از آن استغفار کن و الا ثواب برای تو نوشته
شد و امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود باید که [illegible] انتقام نکشد [illegible] حلیم [illegible]
و [illegible] پرسیدند از [illegible] که حلیم تر باشد پرسیدند کیست حلیم تر [illegible] فرمود
آنکه [illegible] حضرت صادق ع فرمود در حدیث که [illegible] چیزها [illegible]
بهشت [illegible] و افشاء سلام در عالم [illegible] و [illegible] اگر چه بر حق باشد و انصاف دادن مردم
از خود [illegible] که هر کس [illegible] از خود [illegible] خشم [illegible]

[illegible]

## در مذمت غضب و فرو نشاندن خشم

خشم فرو بردن و صبر فرمود بر آن پناه خدا در دین و مال و ... میسر باشد تواند کرد و فرمود هر که چیزی را دید ۸
حضرت الهی از او نخواهد که اول بانده بر ظلم و فرو خوردن خشم در پناه خدا و عفو از تقصیر مردم و خدا او را بیجساب
داخل بهشت کند و شفاعت نماید مثل ربیعه و مضر و فرمود چون در روز قیامت کنند ... ندا کند و
و با آنکه شفاعت شدی مردم کو ... که یند اجر تو که می خود ... و عفو نمی ... کنید بر
خوانی ... و با آنکه حلم کرده کو سپید حلم و صبر نمودی و ... شوی که حلم را بالتمام ...
آگاه ... کو حواب ادب الامین ... بجا تا با علما ... تصحیح فرمود که
پرسید ند از حضرت علیه السلام که چیست شدید ترین چیزها فرمود غضب الهی گفتند چه چیز از آن نجات
یابد فرمود با آنکه غضب نکند پرسیدند از منشاء غضب فرمود تکبر و تجبر و حقیر شمردن مردم و در توریه
است که یا ابن آدم مرا یاد کن وقت غضب تا من ترا یاد کنم وقت غضب هلاک نکنم ترا و اما لکن و راضی
باش بانتقام من که بهتر از انتقام تو است و از رسول صلی الله علیه و آله منقول است که غضب ایمان را فاسد میکند چنانکه
سرکه عسل را و فرمود کلید هر شر است و هلاک دل حلیم او است هر که مالک غضبش باشد خدا عقاب
و فرمود در صحیح که ملائکه ... شنید ... غضب ... خلقتنی من نار
و خلقته من طین هر که غضبش را نگه دارد خدا عیوبش را بپوشاند و فرمود ... بیان جوامع
کلم یعنی آنکه ... خشم ... باشد ... غضب مکن ... انصاف ... بهتر
از ... ظلم ... غضب لشکری از لشکرهای
شیطان ... شیطان است ... شیطان ... غضب کند ... شیطان
... پیوسته ... اول
کبر ... غضب ... و دست ... برادر
... غضب ... که غضبش ...
... که غضب ... باد
... شیطان و ... ساکت شود و فرمود هر که ... شود
خو ... خشم ... فرمود هر که حلم کند ... انتقام ...
در قیامت ... رضا و خوشنودی ... است

# در عقوبت اهل ذوالجبال

پشیمانی در عفو بهتر است ... خدا دوست میدارد ... و الد ماجد خود نکر فرمود که هیچ چیز
موجب خوشحالی پدر ... نمیشود و چون ... خشمی که عاقبتش صبر است و در روایت دیگر فرمود که خوشی
ایمان از کسی که حالش هنگام غضب ... باید یکی بعضی را ناسزا گفت ... فرمودند او را
واگذارید که بدیهای پوشیده او زیاده از آن است ... یکی حضرت را دشنام داد فرمود اگر این عقبه
دشنامها صعبی در آخرت پیش داریم اگر از آن بخواهم گذشت پروائی از گفته تو ندارم و اگر از آنجا حیران مانم بدترم
از آنچه تو گفتی ... یکی هم ناسزا گفت ملتفت نشده گفت ترا میگویم فرمود منم ترا عفو کردم و گذشت و
جمعی که عیبش میکردند فرمود که اگر راست میگوید خدا مرا بیامرزد و الا شما را بیامرزد و امیر المؤمنین علیه
کسی را دید که در معامله حیف بر ضعیفه مینمود منع فرمود او را نشناخت و دست بر سینه آن سلطان
سریر لولاک ... با تضرع بمقام استرضا شتافت ... چون حق ... را پیدا ...
شدم ... در معامله کرد ... بدست خود چون از دست خلق ... آسمان ...
مکین روان گردید و بشدت تضرع و بکا ... عرش اعلا رسید ... سفینه
نجات دریای حلم ... از عالم علاج ... حسن خلق با عفو ...
عنایت ... استجابت فرموده ... جمیع پیشوایان راه دین با ...
و علما ... میکردند و تبلیغ افعال ایشان و تحصیل این فضیلت ... قیامت میسر
میشود و حضرت صادق ع میفرماید ... حلم ... اگر نداری ... خود را بحلم بدار و
هیچ عفو کننده نیست مگر آنکه حق تعالی عزت او را در دنیا و آخرت زیاده میکند و رسول خدا صلی الله علیه
و آله میفرماید ... که کسی را بجهالت ... عزیز نکرد و ... بحلم ذلیل ... دیگر فرمود که اگر حلیم
نباشی پس ... و متشبه شو بحلیمان ... کم است که کسی متشبه بقومی ... شود مگر آنکه ... ایشان
ایشان شود یا نزدیک بمرتبه ایشان شود و لا حول و لا قوة الا بالله فصل چهارم در ...
عقوبت تارک امر بمعروف ... نهی از منکر و از محرمات است ... روایات ... از حضرت
صادق ع از رسول خدا صلعم منقول است ... فرمود که چون امت من ترک امر بمعروف و نهی از منکر نمایند منتظر بلای ...
عقوبت باشند ... فرمود ظاهر نشد ... که فاحش و آشکارا کنند مگر
آنکه طاعون ... ایشان ظاهر شود و دردها ... که پیشتر نبوده و در حدیث دیگر ... زیادتی است

کر انشار

# وجوب امر بمعروف و نهی از منکر

کار شرار مسلط شوند و دعای اخیار در حق مردم مستجاب نشود و حضرت صادق ع فرمود که بدرستی که گناه کار گناه پنهان
کند بمردم سرایت نکند و انکار او ننمایند ضررش بغیر او نمی‌رسد بآنکه دلیل می‌نماید بر حال ای عزیز جلیل از او متابعت
او مینماید شما نان خدا بر گناه و در حدیث دیگر منقولست که تشبیه شده گناه شخص بکشتی که در آن جمع کثیر غرق و هلاک
شوند اگر یکی از ایشان سوراخ کند ترک دفع اهل آن کشتی لازم است فرمود که حقست بر آنکه مواخذه کنم بگناه شما
بگناه کار چون نزد ما آنکه شما از شخصی کار قبیحی می‌بینید او را انکار و از آن منع نمیکنید تا ترک کند و فرمود
هر که را بینا قومی تا دیدش ننماید بر ایشان اول عقوبتی که خدا ایشان را می‌کند آن روزی ایشان است فرمود
هر که را بینان قومی تا دیدش تا اینکه مقلد ردان ظلم کنند و او منع ننماید و از ایشان ظلم او خدا مسلط نماید بر او کسی
که بر او ظلم کند پس چون دعا کند مستجاب نکند و خبر او بدهد و بسندهای صحیح از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که
یافتم در کتاب رسول خدا ص که چون بعد از من ظاهر شود زنا بسیار شود مرگ مفاجات و در حدیث دیگر زلزله و کم فروشی
بقحط و کمی حاصل مبتلا شوند و منع زکوة بمنع برکت زمین از زرع و میوه‌ها و معادن بالتمام و در حدیث
دیگر از مواشی و جور در احکام معاونت ظالم و از نقض عهد تسلط دشمن و از قطع رحم باز ایستادن مال
بدست اشرار و در ترک امر معروف و نهی منکر و متابعت اهل بیت نکنند تسلط بدان و دعای خوبان
هم مستجاب نشود و فرمود امت من همیشه بخیر اند تا امر بمعروف و نهی منکر نمایند و هم می‌نمایند بر خیر و چون
ترک کنند باز گرفته شود از ایشان برکتها و بر هم مسلط می‌شوند و ناصری نداشته باشند نه در زمین و نه
در آسمان و فرمود ابن بابویه ... از خلق خدا پس هر که یاری کند خدا او را عزیز دارد و هر که ترک نماید
خدا او را خوار گرداند و در تفسیر فرمود خدا هر سال باران بی تفاوت میفرستد ولیکن صرف می‌کند از گناه
کاران بسوی دشت و کوه و دریا و بحقیقت که خدا عذاب میکند جعل را در سوراخ شکم جانوران بگناه اهل آن
محل بحال آنکه راه در رفتن از ایشان اهل معصیت باو داده آنگاه فرمود فاعتبروا یا اولی الابصار یعنی عبرت
گیرید و متنبه شوید از این کلام ای صاحبان بصیرت بدانکه اقل مراتب انکار بقلب است که دشمن دارد
معصیت کسی که در او است چنانکه در حقیقت خدا العباد ... بسید و بالاتر از آن انکار
بزبانست که با یکدیگر تاثیر کرده و در وطن ... و توبیخ و دشنام در حضور و غیبت اگر فایده
نکند ترک معاشرت و اجبست و بالاتر از این تادیب است بزدن و حبس نماید شرعیا تا قتل جایز یا
واجبست و در هر مرتبه اول که واجب عینی مطلقا است واجب کفائی مشروطست بعدم ضرر و تجویز تاثیر

## در مدح حسن خلق

احتمال عدم تأثیر مشروط بوده باشد اتمام حجت باید ظاهراً او اظهار منکر کند هر چند تجویز تأثیر نباشد
و در صحیح مسعدة بن صدقه از حضرت صادق ع منقول است که از رسول خدا صلعم ذکر فرمودند که خدا دشمن دارد مؤمن ضعیف
را که دین نداشته باشد پرسیدند که کدام است فرمود مؤمنی که منع نهی منکر نشود و مسعده گوید که سؤال
کردند که آیا امر بمعروف و نهی از منکر بر همه امت واجب است فرمودند بلکه مخصوص جمعی است که قدرت بر آن
داشته باشند و مردم اطاعت ایشان کنند و دانند معروف و منکر را و دلیل این قول خداست ولتکن منکم امة
یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر یعنی میباید از شما جماعتی باشند که بخوانند بسوی خیر
و امر بمعروف و نهی از منکر کنند مؤلف گوید که مراد حضرت اختصاص بعضی صور است که وجوب با شرایط
و الا عام است بحسب احادیث سابقه و در صحیح فرمود سزاوار نیست مؤمن را نشستن در مجلسی که در آن معصیت
خدا میشود و نتواند تغییر آن داد و آیات و احادیث را بهمین مضمون بسیار است در حسن فرمود که هر که ایمان بخدا
و روز قیامت داشته باشد نمی‌نشیند در آن مجلسی که در آن نقص مؤمنی یا غیبت او مذکور میشود فصل پنجم
در ذکر سؤال و فضیلت حسن خلق است که از صفات و اخلاق نفسانیه است بعد از طریق عقل حکم و شرع هم
شایع کرده است که حضرت رسول برای تتمیم مکارم اخلاق مبعوث شده بود و مقید و تأکید کرده در
هر جا صفات حمیده بود در دنیا باید و خلق هر صفتی است که در نفس خود مستقر شده باشد و آثار بر او
مترتب شود بی‌تکلف و کسی که آن را خلق نیکو و ثواب بیشمار است مثلاً و بخصوص البته و معاشرت
مردم هم استعمال میشود چون مرد کامل و حسن خلق است چنانکه از حضرت صادق منقول است که حسن خلق
اینست که پهلو از جانب خود نرم کنی و سخن خود را نیکو کنی و برادران خود را بروی گشاده ملاقات کنی
بر خود و بخشی پیش ایشان و در روایت دیگر پرسیدند از حضرت رسول افضل اعمال و حسن خلق نیکو و تکبر پسندیده از سؤال
حسن خلق نیکو و بی‌راه فرمود حق تعالی هر که راه خوبی و روی خوب و نیکو کرامت کند و صحبت
با او نرم کند و خلق نیکو که بهترین چیز است که از آن زبان ندارد و خلق
نیکو بهتر است و خیر دنیا و آخرت در آن است و نیکی را دوست دارد و در روایت
ایشان باشد و حکایت آنکه و کسی که پیش او حسن خلق دارد و اخلاق
واجب شده است که حسن خلق بر او واجب است که با ناس نیکو باشد و بد خلقی
نکند و با خدا از خلق حسن اخلاق اعمال الصالحه فقط است و تحصیل ... اعمال اعلم

## در مدح حسن خلق است.

ایمان و موجب خیر دنیا و عقبی است و از رسول خدا صلعم منقولست که فرشتگی در بهشت است ایمان و
دیگر نیم امت ایمان و در میزان عمل هیچ چیز بهتر از حسن خلق نیست و از امام علیه السلام که در میزان خوبان
و اکثر امت من با ایمان و تقوی داخل بهشت میشوند و بهترین شما خوش خلق ترین شما است در حدیث
نزدیک ترین شما بمن روز قیامت خوش خلق ترین و خوش سلوک ترین شما است با اهلش و از حضرت پیغمبر صلعم
تو با ایمان حسن خلق که خیر دنیا و آخرتست امیر المؤمنین صلعم میفرماید بر اینست باز داد بفضل خود با الله
حسن پس تحقیق که مسلمان ایمن کسی هست که روزها بروزه و شبها بعبادت باشد فرمود که بنواید مر این اعمال
فراگرفت پس هر که بخوش خوئی در مر خود کرد که همه فرمود بنگر که خلق خود را خالص کرده از ایشان و مر یک کرد الله
و حضرت صادق ع در حدیث صحیح فرمود که حسن خلق گناهان را میگدازد چنانکه آفتاب یخ را و فرمود که خلق
اسلام را برای شما شبهیات ان پسندیده پس نیکو مصاحبت نمائید بسخاوت و حسن خلق فرمود این دو خصلت
خانها را معمور و عمرها را زیاد میکند و فرمود که ما ذاکر با منافق بزبان وفا کرده دو خصلت در منافق جمع نمی شود
و اگر بخوئی با تو هم نشین کنند نیکو بگذار و در حدیث صحیح فرمود چهار خصلت هر که دارد ایمان او کامل است هر چند از سر
تا قدم گناه داشته باشد که نقص نیاورد راستی و امانت و حیا و حسن خلق و در حدیث نبوی است که بنده
تا به بهشت رسد و گناه او در آن سبب میکند فرمود حق تعالی بنده را بحسن خلق ثواب مجاهد فی سبیل الله میدهد
و فرمود هیچ عملی بهتر نیست از فراگرفتن مردم بخوش خلقی و فرمود که خوش خلقی البته بر سر اسلام
چنانکه سرکه عسل را و ابریشم متواترست از رسول خدا صلعم منقولست که حق تعالی با کرده است توبه بد خلق که
چون از گناهی توبه کند در گناه بزرگتر از آن افتد یعنی بدخلق بیشتر مبتلا باید بغیر ازاده و هیچ
حال دست از جهاد و نفس بد خلقی بیرون بر نداشت و الا عقبت هر چند که ادمی با عزت و با عقل از آن
و چاره مقصر بد خلقی میکند نعوذ بالله و فرمود خلق بد صاحبش را همیشه در عذاب دارد و حضرت باقر ع هم
فرماید هر که میخواهد رفق و تندی بر او محبوب است از ایمان و در حدیث صحیح فرمود کاملترین مردمان در ایمان
خوش خلق ترین ایشان است و از رسول خدا صلعم ذکر فرمود که اگر بد خلقی و درشتی خلقی بود نمایان نوشته شد
از آن نفاق بود و حضرت به نیکی فرمود دو خصلت است که جمع نمیشود در هیچ مسلمی بخل و بد خلقی و فرمود که
مؤمن هموار و نرم و ملایم با حسن خلق است و کافر غلیظ و درشت و بدخو و بد سیرت است و فرمود با ایمان
بنده چیزی بهتر از داشتن حسن خلق نیست و خلق نیکو با ایمان همراه است که همه خلق را صلی الله علیه و آله و سلم میفرماید

# در مدح صلحا و مذمت فسقا

و در بیان تعظیم ملائکه مشایعت جنازهٔ او بیرون آیند و خود متوجه غسل و کفن و دفن او بشوند فرمودند تا قبر با او برسید چون که ما اهل ش کج مخلوق خود فهمیدیم شیعیان را سؤال موقف ششم که از حقوق

و بعضی فاعلان و عاصیان برای حقوق تمام است که با احادیث صحیحه اعظم شعب ایمان و اکمل صفات مؤمنان است

آیات و روایات متواتر است با تأکید تمام رسیده است اهتمام بشأن ایشان از اشراف ایام بسیار وارد است و در بعضی

ایشان مبالغه فرموده که ایمان همین است و تارک این خاصیت از دین و هم چنین در شدت عقوبات تارک

این و لوازم این کردیده بنا و عقوبت عظیم است و عقل [illegible] او نهایت الیم و جمیع فضایل مجاهدین فی الله به تقریب کرامت

از فرع آکه که شیعه بسند صحیح از حضرت صادق ع منقولست که هر که دوستی و دشمنی و عطا و منع و [illegible] باشد

ایمانش کامل است حضرت باقر ع فرمود اگر خواهی بدانی که خیری در تو هست بر دل خود نظر کن اگر مطیع خدا را دوست و دشمن عاصی

خدا را داری پس خیری در تو هست و در حدیث دیگر فرمود که هر چند خلاف واقع باشد و حضرت صادق ع می

فرماید بتحقیق که خدا مؤمنان را از نور عظمت جلال و کرامت خود آفریده پس هر که طعن زند در قول ایشان با

خدا رد کرده و در عرش او و هر که اراده حرمت ایشان کند اذلیل کند بنده مؤمن را او را [illegible] غضب هر که

اکرام او کند [illegible] متواتر است و در صحیح فرمود که حرمت مؤمن عظیم تر از کعبه است و در موثق فرمود که

مؤمن را هیچ کس نمیتواند [illegible] فرمود مؤمن را برای مؤمن میگویند که امان میان جانب الهی پس خدا میفرماید

و [illegible] صف آسمان و [illegible] ستارها مینمایند فرمود شما [illegible] میکوید و [illegible] ملک عظیم جبرئیل

و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل چون نظر کنند در زمین بشما و برادران مؤمن شما نور شما از در آسمان

زیاده از [illegible] بینند و کویند [illegible] اینها [illegible] مؤمنان و در صحیح فرموده سوره مؤمن شما

است [illegible] که [illegible] خدا ملکی [illegible] بیافریند که [illegible] استغفار

کند تا قیامت و در حدیث قدسی است که [illegible] زمین و آسمان و [illegible] مؤمن [illegible]

خدا [illegible] فرمود بتحقیق که مؤمن در آسمان معروفست مثل اهل [illegible] و کرامی تر است [illegible]

و [illegible] عامه و خاصه [illegible] ابوذر رضی الله [illegible] که جبرئیل بصورت دحیه کلبی [illegible]

[illegible] ابوذر [illegible] سلام میکرد جواب [illegible] حضرت فرمود [illegible]

[illegible] که [illegible] ملکوت [illegible] آسمان [illegible] است [illegible]

[illegible] مؤمن [illegible] مسلمانان [illegible]

[illegible]

# در ثواب دوستی با صالحان

بر مسلمانان که ترک هر یک از ان معصیت خدا و اطاعت او به رضا و او را از خدا منتهی نیست پیم و هفتم آنکه ترحیط
او را همت بثواب است که برای او همین خواهی که برای خود میخواهی و نخواهی برای او آنچه برای خود نمیخواهی دویم آنکه از
از رد کی او اعراض نمایی و در پی خوشنودی او طلبی و اطاعت امر او نمایی سیم آنکه او را یاری کنی بجان و مال و دست و زبان
و پای چهارم آنکه دیده او و راهنمای او و آینه او باشی پنجم آنکه سیر نباشی و او گرسنه باشد و پوشیده نباشی و او
برهنه باشد ششم آنکه اگر خادمی داری و او ندارد خادم خود را بفرستی که جامه او را بشوید و طعام او را مهیا کند و فرش
او را بگستراند هفتم آنکه قسمش را اجابت نمائی و دعوتش را قبول نمائی و بیماریش را عیادت کنی و بجنازه اش
حاضر شوی و حاجتش را بدانی پیش از آنکه سؤال کند روا کنی پس اگر اینها را بعمل آوری ولایت خود را بولایت او
ایمانی بان ثواب او استوار خواهد بود و حضرت باقر ع فرمودند که هیچ مؤمنی و انکار ندارد برادر مؤمن خود
با قدرت بر نصرت او مگر آنکه خدا او را ذلیل کند در دنیا و آخرت و در احادیث معتبره فرمودند که
هر که بمنفعت اکل طعام خوردی بمؤمنی رساند خدا او را ملاقات کند در قیامت و خوشنود باشد ...
که ایمن بهشتی و هر که نظر نماید و یاد کند که ترسانیده او را خدا او را ترساند و هر که بسر ساند او پناه
نباشد و هر که حقیر شمارد مؤمنی را خدا او را دشمن و حقیر دارد تا توبه کند و اگر بحقیر بعلت فقر او باشد
او را رسوا کند در روز قیامت بر سر خلایق و هر که مسلمانی را که برای غیبت بزیارت او آمده باشد محجوب
کند از ... لعنت خدا باشد تا پایان ... و هر که ... در حاجت کسی که ... برای ثواب حق
مثل آنکه ... و هر که بترساند مؤمنی را ... آتش جهنم خواهد بود
اگر از دیگری رساند با فرعون باشد با او در جهنم و هر که تجسس عیب او نماید اگرچه در خانه اش باشد
چون قیامت شود ندا رسد که کجایند دشمنان دوستان و منافقان من پس قومی برخیزند که گوشت
بر صورتها نداشته باشند که ایشان آنانند که آزار و دشمنی کردند با مؤمنان و در عیب ایشان ... حضرت
فرمودند که بودند ... قابل قبول ایشان ... ولیکن حقوق ایشان را
و سر ایشان را فاش کردند و فرمودند که هیچ مؤمن بمؤمن ... است ... و هر که ... برای
مسلمانی ... حق تعالی ...
جای ... کسی که ذخیره کند از مؤمنی ...
دنیا ... مال خود باو دهد ...

# در ثواب اعانت برادر مؤمن

مؤمن شود یعنی عرض و اعتبار خود را محافظت نماید و حاجت او را برنیاورد شیطان در نطفه او شریک شده و از
رسول خدا صلعم ذکر نموده که هر که سرزنش نماید مؤمنی را بچیزی نمیرد تا مرتکب آن شود و بروایتی خدا او را ملامت
و سرزنش کند در دنیا و آخرت و فرمود بدترین احوال آدمی حفظ عیوب و لغزشهای برادر خود است که روزی
با نها ملامت او کند و در حدیث دیگر واقع است که هر که فقیر را حقیر شمارد خدا او را در قیامت مانند مور حقیر محشور
نماید تا داخل دوزخ شود و هر که برادر دینی با و محتاج شود و فرو نشاند حرام کند حق تعالی بر او بهشت را
در روز قیامت احسان کند و اجر خواهد داد و هر که با احسان برادر دینی منت نهد عملش حبط و باطل شود و فرمود
هر که مؤمنی را غمگین کند پس دنیا را باو دهد کفاره خون او نشود و اجر نداشته باشد و آزار او آزار من است و آزار من
آزار خدا است و آزار دهنده خدا ملعونست در همه کتابها مؤلف گوید که چون مذکور شد عقوبات ترک حقوق
مؤمن شنیده شد هم از فضایل رعایت ایشان و حضرت صادق ع فرمود باید که خدا خلقی انتخاب کرده برای برآوردن
حاجت فقرای شیعیان تا بدل آن بهشت بایشان کرامت فرماید پس اگر توانی از ایشان باش و فرمود امید
روز قیامت و فرمود هر که یک حاجت مؤمنی را برآورد خدا روز قیامت صد هزار حاجت او را برآورد که اول آنها
بهشت باشد و از جمله آنها شفاعت خویشان و آشنایان است تا ناصبی نباشند و فرمود که این بهتر است
از عتق ده بنده و فرستادن هزار اسب با براق در راه خدا و بهتر از بیست حج و در روایت آمده که ده طواف
که هر طوافی شش هزار حسنه و محو شش هزار سیئه و رفع شش هزار درجه است و در روایت عام با قضای شش
هزار حاجت فتح هشت در بهشت و در صحیح است که محسوب برابر یک حج و عمره و روزه دو ماه پی هم که با اعتکاف
در بیت الحرام باشد و اگر چه حاضر بوده و در آن شود ثواب یک حج دارد پس رغبت کنید در خیر و در صحیح فرمود که
قدمی حسنه و محو سیئه دارد با ده حسنه دیگر و قضاء حاجت و فرمود هر که باو گوید حاجتی دارم خدا بنویسد
برای او تا قیامت بحقیقت که نعمتهای مؤمن است که خدا را باو می شناساند برای او در حوائج خود اگر چه اندک باشد
و چیزی بسیار دهد بهشت و این است قول خدا تعالی و یؤثرون علی انفسهم ولو کان بهم خصاصة اشاره میباید برادر
مؤمن را هر چند خود احتیاج دارد پس فرمود و من یوق شح نفسه فاولئک هم المفلحون هر که برادر استدلال
حرجی نبل بر نفس خود پس او ایشانند رستگاران و هر که را خدا نعمتها را نیز دوست دارد که داخل بهشت
پس نمود بهشت ... روایت کن برادران خود که در آن ترغیب بر اهانت فرمود هیچ
مسلمانی زیادت نکرد برای خدا برادر دینی را مگر آنکه خدا ندا کرد که ای زائر پاکیزه شدی و پاکیزه است برای تو بهشت

# در ثواب بعض از طاعات

حاجت او را روا نکرده مگر آنکه خدا اکرم کند که ثواب تو مرا فانی نه و راضی نیستم بکمتر از بهشت حضرت کاظم علیه السلام

فرمود باید هیچ چیز شیطان و لشکرش را مجروح نمیکنند مانند زیارت مؤمنان یکدیگر را و بحضرت صادق فرمود که دو مؤمن

با هم خدا را یاد میکنند و فضایل ما اهل بیت را گوش میدهند شیطان تمام صورت [illegible] و از شدت الم فریاد

کند و ملائکه سموات و خازنان بهشت حال او را یافته لعنتش میکنند و بسند صحیح حضرت باقر فرمود ملکی با جمعی

شخصی بدر خانه ایستاده بود پرسید گفت میخواهم برادر مسلم خود را ببینم گفت حاجتی با او داری گفت نه

برادر دینی گفت من رسول خدایم بسوی تو و ترا سلام میرساند و میفرماید مرا اراده کردی و برای من زیارت کردی

بتحقیق که واجب شد برای تو بهشت و معاف داشتم ترا از غضب خود و در خطبه وداع است که هر که بدیدن

برادر دینی خود رود بهر گامی که بردارد ثواب صد هزار عتق بنده و صد درجه و محو صد هزار سیئه و ثواب صد هزار حسنه دارد تا باز

گردد بخانه خود و هر که شفاعت کند خدای عز و جل نظر رحمت کند بسوی او و خواهش او را و که عذاب بکند

او را هر که [illegible] باشد اجر هفتاد شهید دارد و فرمود واجب است بر من که تلطف نمود برادر خود را

در راه خدا بهیچ چیزی مگر آنکه حق تعالی بهشت را بر او واجب گرداند و هر که بخورد بشخصی چیزی او را

کند در روز قیامت شاد و خرم داخل بهشت شود و فرمود قرض دادن بمسلمانان هیجده برابر بودن که اجر

حسنه دارد و اگر در مطالبه قرض با او مدارا کند بکند راه از صراط مثل برق لامع بگذرد و بحضرت فرمود هر که تزویج کند مؤمن

نامحرم را بخدا او را در بهشت هزار حوری تزویج کند هر یک در قصری از در و یاقوت و بهر قدمی که کلمه عبادت سال

دارد و هر که کوشش نماید در تزویج هر قدمی ثواب عتقی دارد و ملائکه برو صلوات و رحمت فرستند تا آنکه

مفارقت نماید و هر که در حاجتی سعی کند تا روا کند خدا در برابر او هر قدمی برای او از آتش دوزخ یکی از نفاق

و هفتاد هزار حاجت او را روا کند و همیشه در رحمت الهی فرو رفته باشد تا بر گردد و اجر ثواب شب قدر

دارد و فرمود اصلاح بهتر است از عامه نماز و روزه و در حدیث صحیح است که صلح میان دو نفر دوست‌تر از دو اشرفی

است در روایت دیگر فرمود هیچ کس عبادت بهتر بیماری نکند مگر برخی میرود با او هفتاد هزار ملک استغفار

کنند برای او تا بر گردد و فرمود که هر گاه کند در رحمت خدا و در مناجات مشغول است که موکل میکنم ملکی را

که در قبر عبادت کند تا حشر و غسل میت را فرمود از گناهان بیرون مثل روزی که متولد شده و در تشییع جنازه

مؤمن فرمود ملائکه را موکل کردم که با علمها در محشر او را مشایعت کنند و در قبر با گفتن فرزندهر ده

فرمود او را در سایه عرش جا دهم روزی که غیر از سایه نباشد و فرمود که باشد که بنده را بقرب

# در ثواب قرض دادن

بغریب بیچون بیاورند با سند حکم فرمایم که در بهشت هر جا که خواهد باو دهند و موسی بن بهید از آن حضرت
فرمود در راه رفتن بحاجت برادر مؤمن نه هزار حسنه بنویسم و هر که در بازار شفیع مؤمن راه رود ثوابش مانند مجاهد فی سبیل الله دارد
و هر که مؤمن را گرامی دارد خدا او را گرامی دارد و چه گمان کنید که خدا با گرامی دارنده خود چه خواهد کرد و حضرت
سجاد عم میفرماید که هر که یک حاجت برادر خود را بر آورد اول حاجتی که از خدا طلبد حاجت او را بر آورد که یکی از آنها
بهشت باشد و حضرت صادق عم میفرماید هر که بمؤمنی قرض بدهد و مهلت دهد مالش در زکوة و خود در صلوات
ملائکه است تا ادا کند و فرمود هر که روزی بگذرد از و عملش ثواب تصدق بآن ناشی دارد و فرمودند
هیچ مسلمی قرض نمی دهد بمسلمی برای خدا مگر آنکه حساب کند صدقه برابر آن است تا پس گیرد و بسند صحیح فرمود که ثواب
قرض یکی به هیجده است و اگر بمیرد از زکوة محسوب باشد و فرمود هر که قادر بر صله ما نباشد پس صله کند صالحان
شیعیان ما را ثواب صله ما دارد و هر که زیارت ما نتواند زیارت صالحان شیعیان ما کند ثواب زیارت ما دارد و مصافحه اجر مجاهدان است
و چون دو مؤمن ملاقات و مصافحه نمایند حق تعالی نظر رحمت بایشان کند و گناه ایشان میریزد تا از هم
مفارقت نمایند با سند معتبر فرمود که خدا رحمت میان دو ابهام ایشان فرستد نود و نه از آن برای او است
که بیشتر دارد دیگری را دوستی بیشتر داشته باشد و چون معانقه کنند دریای رحمت ایشان را فرو گیرد پس اگر کشت
کنند تعرض ننموده فرماید که امر بد شد بهم اللهم را از سر گیرید و چون روی بهم آورند پرسش میکنند هم
دیگر را ملائکه میشوند که شاید سخنی داشته باشند و در حدیث است که هر که مصافحه با معانقه
عمل الهی نماید بهشت از او واجب شود و مصافحه مؤمن بهتر از مصافحه ملائکه است و در حدیث نبوی
مصافحه کنید با هم که حق تعالی بیامرزد گناهان را و برادر خود را داخل بهشت کرده اند و هر که برادر دینی
برادر مسلمان ثواب عشرا هل دنیا را دارد باید دانست که مؤمن بچند معنی در شرع استعمال
میشود و مؤمنی که محبت مودت و ولایت او لازمست و رعایت او بهمه فضیلت و ثواب دارد و معاونت
عقوقش و حقوقش لازمست و حقوق بسیار دارد شرایط از معانی کسی است که اقل با تحلیل
پیغمبر و امامان و ولایت اهل بیت علیهم السلام داشته باشد و نماز و زکوة با مشروعه و روزه و حج است در عمل
بواجبات و اجتناب از محرمات و متوجه کمال اهتمام داشته باشد اگر بدعت نا مشروعی و آداب بد کنند
و اتفاق بر تکیه جائز شود و ترک تو به کنند تا ایمان بگذرد این زمان مؤمن و عادل بعضی علما و عاملان روایات
ایشان هم بر سالت سالم بچه دم مرجع الاتشیع معرفت تمام دارند بلکه بیان علم و حکمت کنند سنت کار نباید

# در معاشرت با خلق

واجب و بدانکه مصاحبت و الفت اهل معصیت و دشمنان خدا مانند ترک دعا بر مؤمنان و مصافحه با
است و بروایت کلینی حضرت صادق ع میفرماید که هر که سبکی کند از اکل و شرب بحق [illegible] لازم است بر
خدا که پر کند شکم او را از زقوم جهنم و با آیات و احادیث بسیار که هر که [illegible] زکوة مال [illegible]
با اهل خود رساند و موالات دوستان خدا را بجا آورد لازم نداند [illegible] که با ایمان
با اغنیا بجهت چیزی خورد [illegible] قتل جمعی از پیغمبران و اوصیای ایشان محرم [illegible] هر که
سلام کند با مصافحه با معانقه کند [illegible] هر که با ایشان نشیند
روز قیامت کور محشور شود و آگاه باش که هر که [illegible] بسیار بدها و
و بیشتر از صد سال جهنم روز قیامت و هر که [illegible] اهانت نموده بغیر اسلام و
و کشته شدن مؤمن را و هر که بر او سلام دهد لعنت کنند بر او هفتاد هزار ملک و هر که سلام کند با اغنیا
[illegible] و هر که دعا کند ببقای عمر او [illegible] کشته شود که اعانت او کند
کلمه از علم باشد [illegible] بجهنم با آنکه مصاحبت [illegible] مؤمن را و بخوران طعام خود
مگر پرهیزکار و مخور طعام فاسقان ای ابا ذر بخوران طعام خود را بکسی که برای خدا او را دوست میداری
و بخور طعام کسی که ترا دوست دارد برای خدا [illegible] دعوت فاسقان بطعام ایشان و بروایتی
با فاسق [illegible] از شر [illegible] بعضی گفتند
با که هم نشینی کنیم فرمود با کسی که دیدن او خدا را بیاد شما آورد و سخن او در علم شما افزاید و عمل او شما را
راغب بآخرت سازد و فرمود [illegible] از هم نشینی مردگان گفته شد که ایشان کیستند فرمود
اغنیا و بروایت حضرت صادق ع میفرماید [illegible] ایشان [illegible]
و اغنیا و بروایت ابن عباس [illegible] پیش از خلق [illegible] فرموده که اگر کسی [illegible]
با بدان نشیند روز قیامت با بدان محشور شود و اگر با [illegible] اهل دین با خوبان نشیند با خوبان محشور
بود و امیرالمؤمنین صلوات الله علیه [illegible] تهمت [illegible]
که هم نشین بد [illegible] هم نشین خود را [illegible] هر که خود را در محل تهمت بدارد
ملامت نکند مگر خود را و در حسن [illegible] صادق ع میفرماید که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید [illegible]
در مقام [illegible] مگر خود را [illegible] مسلم [illegible]

بهتر است که لغو نازل شود و همه اهل مجلس از ذکر و خدمت امام رضا ع بعض اصحاب خود فرمود نه چرا با فلان ۱۲
نشستی دیگر با او منشین که سبب هلاک تو نزد او ما میگویی که ما آنرا حضور ندارد که بر طریقه او نباشم و مؤکد همین که
بلاکت نازل شود و همه شما را فرو گیرد بیان کرد مرعوبی را از اصحاب وصیتی که برای مضیعت پدرش بشکند دعوی
برکت و اخبار در مذمت و مصاحبت و مسافرت در صحبت فساق و کذاب و احمق و بخیل و بدخو و قاطع رحم و اهل
دنیا بسیار است فهرست هفتم در بیان سؤال و فقه هفتم که از زنان الحرام است که تدام تمام انام و احادیث
هیچیک از این معصیت غالب بنا مثل این مقام است و وجوه ان بسیار از زندی که حدیث نبوی صلی الله
علیه و آله در روز قیامت بیرون خواهد آمد از قبر سیاه و ازرق چشم و بر شاخ و بر آتش جهنم امت که رشوه کرده
و شوکت بصفات و غضب که متصرف شدن صاحب هست و دوم عقیبه مظالم عباد خواهی بد تجارت که بی
معرفت و اذا بت جمیع باشد با حرام که ما بیشتر شده بحق فقرا مثل زکوة و خمس باشد چنانکه در روایت و با
و هم اینها خواهی بسیار بالاصل کسب حرام باشد مانند غنا و قصه و شعر حرام و نوشتن کتب ضلال و تمات
شبیه و امثال اینها و مال زخمت اهل جور و ظلم چنانکه حضرت صادق ع در تفسیر فاجتنبوا الرجس من الاوثان
فرمودند که مراد شطرنج است و قول الزور غنا است و احادیث نگه داشتن شطرنج کفر است و بدتر از بدی است
و بازی با آنها شرکت است تعلیم کننده هلاک کنند و نظر با نها چون نظر بفرج مادر است و حب مساز
ان کردن چون مردار گوشت خوک است و نماز کسی که بآن مشغول باشد قبول نیست تا شود اهل مجلس بیاعث
مستوجب لعنت و عتاب الهی و بازی خود را بآتش جهنم و متابعت ابلیس لعین کرده باشند هرچه خواهد بود
اکل گوشت خوک باید که او محرم است بگذاشتن دست بان گوشت خوک و بازی باین مال که ای باقی میکند کرد
فکر و غم باین اشتغال ابنها که تمام قمار است ملاعبت باعث غفلت و سلام کننده بر کناه حرامان بد هر کس
حرام است مکر بحق اوی فی اندازی و تبع بیان باز آب مقرره و در فضول مذکور است و تا دین و با
مناز که شیطان با تو بیان ندهد از که عذر بدی مکش هر کجا داخل سبیل بیره اید و مرد بجهنم برند
جواد و کم رد حیا اهل تقوا استفاده شده است که بر آنها مشرح در نوشتجات نامعلوم و طلسمات و اشکال نامعلوم
عیدها و بیان مذکور باقرام مینمایند از اینها آنکه هیچ قرآن هیچ نخواهد داشت نیز بعضی هنوز دو وصل
اکثر مستحق تعلیم است و هر که تحصیل علم مشغول دعوت اند ما نماز صلوات الله علیهم منع مطالع و اردشده از تحریم
و نوشتن هر قید که ختنه ندارد و معادش معلوم نباشد زیرا که بسیار کلمات کفر از این قسم دیگر میکند که تعلیم

# در سؤال از حرام

سلطان محمد سید ... [illegible] باب حلال با سند ... [illegible] بالله ... [illegible] حرام
و صوم و نماز ... [illegible] شود بدترین مردم روز قیامت ... [illegible]
و تاوان تلف شده ... [illegible] و قرض ... [illegible] و ... [illegible] و انداختن و کرد
آن چنانکه گذشت همه اینها حرام است و در احادیث نبوی صلی الله علیه و آله وارد شده که هر که لقمه حرام
بخورد لعنت کنند ... [illegible] روایت است که شخصی از رسول
خدا صلی الله علیه و آله ... [illegible] کنند فرمود ... [illegible]
است ... [illegible] دوست تر است از دنیا و آنچه در او است و در حدیث است که برای ...
... [illegible]
که ... [illegible] تمام زمین را ... [illegible]
... [illegible] اگر در شکم مؤمن یک لقمه حرام باشد هیچ دعای او مستجاب نشود ... [illegible] هر که حرام خوار
باشد لعنت کند او را هر ملکی که در آسمانها است و زمینها تا از شکم او بیرون آید و خدا نظر رحمت بسوی او
نمیکند ... [illegible] باشد بهشت بر او حرام است و فرمود
یا علی ... [illegible] حرام ... [illegible] حرام دوست تر است نزد خدا از هزار
رکعت نماز و هر که مال حرامی ... [illegible] یا رب ... [illegible] حق تعالی فرماید
لا لبیک ... [illegible] حرام را از خود دور ... [illegible]
و هر که در ظرف طلا و نقره چیزی بخورد ... [illegible] آتش جهنم و از ظرف طلا و نقره
بهشت محروم باشد ... [illegible] چیزی بخورد ... [illegible] که حرام خورده و در روایت حضرت کاظم علیه السلام
از ... [illegible] که اکل ... [illegible] در صحیح حضرت باقر از رسول خدا صلی الله علیه
و آله ذکر فرموده که روح الامین در دل من دمید که هیچ کس نمیرد تا روزی خود را تمام کند پس ...
... [illegible] طلب روزی ... [illegible] حرام مطلبید ... [illegible] که خدا روزیها
حلال قسمت فرموده نه حرام ... [illegible]
... [illegible] حلال ... [illegible] روز قیامت حساب ...
طلبند و حضرت صادق علیه السلام میفرماید که ... [illegible] حرام ... [illegible]

# در طلب حلال

استغنا بجویند از طلب حوائج از سلطان و حکام پس بسیار از چیزها که ثابت و محکم باشد در ایمان از ضعف دین بیفتد
افعال و از چیزها که بیرون می‌کنند از ایمان مردم را طمع بابدانست که چنانچه تحصیل مال از وجوه حلال از عبادات
است ترک کسب روزی از حلال هم موجب عتاب بلکه موجب حرام و عقاب عذاب است چنانکه حضرت صادق ع
در روایتی که میگفت در خانه خود می‌نشینم و نماز و روزه و عبادت الهی میکنم روزی من میرسد فرمود یکی از آن سه
نفر است که دعای ایشان مستجاب نمیشود و بسیار احادیث از آن حضرت باخذ در صوفیه که از بسیاری تنبلی باین سخنان
مشهور بوده دکان و خانه را مذکور است فرمود که ترک مکن طلب روزی را از حلال که معین تو است بر دین و یاری
مرکب خود زانو ببند و توکل کن بر خدا و بجای خود دکان را بگشا و پهن کن بساط خود را و توکل کن بر خدا
و فرمود نیست چیزی هر کسی که بخواهد جمع مال از حلال برای حفظ آبرو و ادای قرض و صله رحم و حضرت
با قرع امیر بایند که هر که طلب بنا کند برای غناء از خلق و مهربانی با همسایه ملاقات کند خدا را در روز قیامت که
رویش مثل بدر تابان باشد در حدیث قدسی فرمود یا احمد عبادت ده جزء است افضل آنها طلب حلال است
چون طعام و شراب خود را طیب و پاکیزه کردی در حفظ و کنف حمایت من باشی و در حدیث دیگر مذکور است
که حق به بنده هستی ولیکن معاش تو از بیت المال است پیغمبر بیت المال تا چهل روز تا ذره ساز تعلیم
او شد و در حدیث نبوی است که طلب حلال فریضه است بر هر مرد مسلمان و زن مسلمه و هر که از کد یمین خود
حلال خورد از صراط بگذرد مانند برق خاطف داخل بهشت شود و روز قیامت در صف انبیا باشد هر که حلال تناول میکند
انبیاء را استغفار میکنند تا فارغ شود کاسب دوست خدا است بحقیقت که خدا دوست دارد مؤمن پیشه ور
صاحب حرفه را دشمن میدارد بیکار بی‌سامان را و اگر در کار دنیا و در کار آخرت عطالت و قساوت قلب
می آورد و بروایات بعضی آن حضرت چون از کسی خوشش میآمد پیشه اش را میپرسید اگر میگفتند کسبی ندارد
میفرمود از نظرم افتاد زیرا که مؤمن چون کسبی ندارد ناچار از دین خود معاش میکند و در روایت حضرت
صادق ع میفرمود که بهترین عملها در روی زمین سه کار است طلب علم و جهاد و طلب حلال و طالب علم
حبیب و دوست خدا است و غازی ولی خدا و کاسب خلیل خدا است و در اخبار متعلقه وارد شده
که ده جزء روزی و برکت ده جزء است نه جزء در تجارت است و یک جزء در گوسفند و در خصوص فوائد زراعت که
بهترین تجارتها و کیمیای اکبر وارد شده احادیث بسیار است از جمله در مدح مطلق تجارت هم احادیث
وارد شده و در حدیث است که عقل را زیاد میکند ما در همان باب تمام اینها را نقل نموده که زیب ثواب

# در مذمت شراب خوردن

شروط است بچند شرط اول نیت صحیح در کسب تا عبادت گردد و از علاماتش احتیاط از خلاف شریعت و الا
حرفت عشار و دیناداری هم اینست که کسب بعد ذی برای عیال ضرور است بقدر کفایت بقدر کفاف لا اقل تحمل مواظبت
او با در سنن مؤکده که فراغ برای آنها اکثر اصل این فریضت نشود سیم آنکه اعتماد بفضل و برکت خدا داشته باشد
چنانکه در احادیث گذشت بجهت تحصیل و اکتساب که سبب روزیست چنانکه هر عبادتی مقدمه و وسیله
نجاتست و امید نجات هم و رحمت الهیست چه بسیار کاسبی هست که از دست پریشانی سینه چاک
و بسیار غنائی که روز قیامت از روی نجات هلاک گشت و لا حول و لا قوة الا بالله فصل هشتم در
اجرای شیعه از طوفان بجهة اجرای شرابست که در عقبه هشتم جگر ارباب خبیث ملعوم تا منتوار
خواب سؤال بجهت او هول و بیم آن دشت پر شور و شر است و دل تشنگان آن سراب زنا بالتی حسرت و اضطراب
کباب در قرآن مجید از کثرت فتنه ام الخبائث و مفاسد و شدت حرمت آن مراتبه بخشیده فرموده است بجهة
علی الاطلاق محکمات تعالی شده و در حدیث نبوی صلی الله علیه و آله وارد شده که شرابخوار مثل بت پرست
است بانحالتیکه مرا بحق فرستاده است که شرابخوار می آید روز قیامت رو سیاه و از دهانش گندی بر آید
که اهل محشر از گند آن بجد شکوه نمایند میمیرد تشنه و در قبر باشد تشنه و محشور شود تشنه و هزار سال فریاد
کند که واعطشاه انگاه آب بیاورند مانند مس گداخته که از دور روی او را تباه کند چنانکه روایت واقع شده
و هر که بیلولد آشامد ... از قرآن باشد شراب بر آن ... قرآن خصم او است روز قیامت و شراب اصل
خبائث و مجمع گناهان و کلید همه شرها است قسم یاد کرده ... که البته بیاشامانم
از چرک اهل جهنم مثل بجهة تجرع نموده تا آخر بیامرزم یا نه و هر کس از ترس من ترک آن کند بیاشامانم او را از
شراب خاص بهشت ملتفت با او و اگر بیمار شود عیادتش مکنید و چون بمیرد بنمازش حاضر مشوید که او بتحقیق
که از سکان جهنم است قسم بانخدائیکه مرا بحق بخلق فرستاده پیغمبری که شراب بخورد ملعون در
در جهاکتاب چون بنده بار اول شراب خورد دلش متفاوت گردد و در مرتبه دویم جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و
جمیع ملائکه از او بیزار شوند و در مرتبه سیم جمیع پیغمبران و اوصیا از او بیزار می‌شوند و در مرتبه چهارم
خدای عالم بیزار می‌شود و هیچ کس نیست که شب مست بخوابد مگر آنکه عروس شیطانست و محفوظ انفاسق
ملعونست تا صبح پس چون صبح شود غسل جنابت بر او واجبست و الا نه از او قبول نیست و در روایت دیگر
غسل نکنید چنانچه از جنابت غسل می‌کنید و راه ... دانا و دشمن ... و جمع ... شراب ... در دیگر

یا ابن مسعود زنا کننده با مادر سهلتر است نزد خدا از یکجرعه ربا و شراب مست کننده شدیدتر است از ربا
زیرا که مفتاح هر شر است و در جهنم میماند یکی از امت من     بعد از هفتاد سال خدا امر کند جبرئیل را
که بیاید او را غرق در هفتاد هزار نوع عذاب در شکنش آتش و زقوم و لباسش از آتش و تاج آتش بر سر
زیر پایش عقربها و بدکردنش مارهای سیاه و میگفته باشد یا حنان یا منان پس چون باز دارندش مقام
خطاب خدا فرماید چگونه بود خطاب ده بنا گوید پروردگارا مرا رسوا مکن فرماید نجات بنا پس مگوید
کو بیدترک کردم فرمان ترا و مرتکب شدم نهی ترا پس مست بودم ملک الموت در رسید این بود جزای من که
کشیدم خلق فرماید برانیدش سوی جهنم پس گوید خدایا مرا رحم کن پس کجا است رحمت تو و من از امت محمد صلی
الله علیه و آله و فتعن بودم شد تشنه مدفون شدم و معذب شدم هفتاد رنگ عذابها میدید و امروز بعد کم
چون بپرهیزد او را بر این نکردی فرماید برانیدش سوی جهنم آنگاه می کردند او را و در راه میکند که پروردگارا بفرما
شربتی آب پس هفتاد فرماید برانیدش گوید پروردگارا ایکدارند تا بگیرند بگویم فرماید برانیدش سوی جهنم گوید خدایا
قطع امید من مکن که انا متعهدم میگفتم اشهد ان لا اله الا الله محمد رسول الله و شربی کیجا برای تو اقرار بنا داده ام
فرماید بتحقیق که واجب که ذم کردم ام برای تو آتش جهنم را آنگاه گوید بحق محمد مرا نجات ده بعد از آن فرماید که
اهمال مکن امر بدم او را پس با خدا بگیر مرا بخاطر فرستاده که هر که یک شربت از مسکر بیاشامد تا چهل روز نمازش
مقبول نیست و اگر در این چهل روز بمیرد کافر مرده باشد خدا فرموده داخل بهشت نمیشود تا توبه کند
داخل بهشت نخواهد شد مدمن و مصر بر شراب خمر یعنی چوب و دیوث و شرطی و مخنث و کمن دزد
و بر واینجا هیچ عمل شرابخوار مقبول نیست تا توبه نکند و هم چنین عامل و فروشنده و خرنده آن
یا علی میکند در شراب خمر ساعتی که منشا سد و پروردگار جود را با علی هر که ترک کند خمر را برای غیر خدا
سیراب شود از شربت سر بمهر بهشت پرسید برای غیر خدا فرمود بلی و الله برای حفظ خود تا بخدا بازله آن
امر مدارا و را و امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرماید سه چیز باعث گراهی مردم میشود محبت زنان و
شمشیر شیطانست و شراب که تله شیطانست محبت زنان کمند شیطانست و پیوسته زنان بیاطل فایده از عمر نبرد
دوست شراب بهشت بر او حرام است و دوست زن بدنیا است تحقیق صادق که ابن هدیه از سفله ترین مردم
زیرا که کسی که شراب میخورد و طنبور میزند عقوبت و مفاسد بسیار دارد این شوم ترین متاع است و بعضی در شب
علم در سلک حیوانات میرود نخ خواهند شدند مکو را نسب هر چه مست کننده مثل بنگ و چرس و غیره

# در مذمت زنا کردن

حکم شراب دارد و دیگر در آتش حرام است و از رسول خدا صلعم منقولست که هر که زنا کند گویا که
کرده باشد کعبه را هفتاد بار و هفتاد بار با پیغمبر مرسل و هفتاد ملک مقرب کشته و هفتاد مصحف سوخته
دیگر سؤال عقبه نمود که از زنا و فرج حرام است روایتست از امیرالمؤمنین ع از رسول خدا صلعم که فرمود بپرهیزید
کنید از زنا که در آن شش عقوبت است سه در دنیا که بر طرف میشود بها و بد بو میشود و عمر کم میشود و سه در آخرت
غضب پروردگار و بدی حساب و خلود در آتش و بدرستیکه بد چیزیست آنچه پیش فرستادند از برای خود ان سخط الله علیهم و فی العذاب هم
خالدون و روایتست که هر که زنا کند با زن مسلمه یا غیر مسلمه یا حرّه یا کنیز بر او میگشاید در قبرش
سیصد و شصت هزار در از آتش که از آنها بیرون میآید مار و عقرب و شعلهای آتش و میسوزد تا قیامت و فرمود هر که با زنی حرام جماع
کند محشور شود از قبر گندیده تر از مردار که مردم همه از بوی او متاذی باشند تا به جهنم رود و همه اعمال او حبط شود و در تابوت
از آتش پنهان او را در آورند و در عذاب باشد که اگر رگی از رگهای او بر اهل دنیا رسد همه بمیرند و از همه
عذابها بیشتر باشد و هر که با زن شوهرداری زنا کند از فرج هر دو در روز قیامت چرک و ریم روان شود پانصد سال
راه و همه اهل جهنم از گند ایشان متاذی باشند و هر که بکند این را یا بگوید شوهر شهید بر خدا لازم است که او
را با آتش بسوزاند بعد از آنکه در قبر عذاب کرده باشد و فرمود که شب معراج گذشتم بر زنانی که بپستانها آویخته بودند
زیرا که از زنا فرزند بهم رسانیده و بشوهرهای خود ملحق ساخته و ارث شوهرها با ایشان رسیده و متواتر
است روایات که هر که زنا کند او را عقوبتها و چنین کنند و از امیرالمؤمنین ع منقولست که روز قیامت بادی
متعفن وزد که اهل محشر متاذی شوند تا بجائی رسد که همه ایشان را دریابد پس ندا کنند که این بوی زناکارانست که بی توبه
از دنیا رفته اند و حق تعالی ایشان را لعنت کند و فرمود لعنت خدا بر ایشان است و فرمود که مکر انکه لعنت کنند ایشان را
و فرمود در دوزخ کفش هر که گمان کرد که ملک الموت را ... حلال است و دوست میدارد زنا را و هر که گمان کرد که خدا را ...
بر عرش ... و ... و ... حضرت صادق ع ... شیطانست که در او ... بر
... و فرمود ... زنا ... بپرسند از رسول خدا صلعم ذکر فرمود که چهار چیز
است که ... خانه ... خراب شود و هر که برکت ندارد ... امانت ... و ... شرب
و زنا و ... بر زمین هر که ... از ... حرام ... که بر او ... شود و ...
... زنا ... و عقوبت زنا ... است و ...
... و ... زنا ... حرام است ... واجب است چنانکه منقولست از رسول خدا

# در مذمت جماع لواط

گناهی نیست بعد از شرک بدتر از وضع نطفه در رحم حرام و حضرت صادق ع از آنحضرت ذکر فرمود که آدمی
هرگز کاری نکرده عظیم‌تر نزد خدا از قتل پیغمبر یا امام یا خراب کردن کعبه که قبله عالم ساخته و بعد از آن منی حرام در رحم زنی
و فرمود که روز قیامت بدترین مردم در عذاب قرار دهنده نطفه است در رحم حرام و فرمود چون روز قیامت
شود بیاورند زنانی که با هم مساحقه کرده اند جامه‌ها از آتش در بر و مقنعه‌ها از آتش بر سر و زیر جامه‌ها از آتش بپوشند
و عمودی از آتش در جوفشان و داخل جهنم کنند و از آنحضرت پرسیدند از مساحقه فرمود عمل قوم لوط است
یاد کنید که ایشان را ... خبر دهید بعد از قسم فرمود هر دو داخل جهنم خواهند شد و هفتاد حله از آتش بالا
آنها پوست کنده بر ایشان می‌پوشانند و عمودی که بند آتش ... ایشان می‌بندند و موزه آتش بر پاهای ایشان
می‌کشند و در جهنم می‌باشند فرمود هر دو ملعونند شرعا حد زنا بر ایشان است و فرمود که مردی بر بالای مردی
رود عرش الهی بلرزه در آید و خدا ملوط ... جهنم ... تا از حساب خلایق فارغ شود آنگاه امر
کند او را به جهنم افکنند و در هر طبقه عذاب کنند تا طبقه زیرین و از آنجا بیرون نیاید هرگز و فرمود ... از بقیه سنگی
است که از شهرهای قوم لوط بود و باید شرعا هر دو را کشت مطلقا و فرمود که سه نفرند که روز قیامت خدا با ایشان سخن نگوید
و نظر رحمت بر ایشان نمی‌کند و ایشان راست عذاب الیم کسی که موی سفید خود را بکند و کسی که با خود چنین
و کسی که در دبر او چنین کند و حضرت باقر ع فرمود که خدا فرموده که بعزت و جلال خود قسم که بر
استبرق و حریر بهشت نخواهد نشست کسی که در دبر او وطی کنند امیرالمؤمنین ع فرمود لواطه بدتر از زنا
است ... از رسول خدا ص و فرمود هر که لواط کند در روز قیامت جنب محشور شود و آب
دنیا او را پاک نکند و خدا او را غضب و لعنت کند و برای او جهنم را مهیا نماید و بد جای بازگشتی است جهنم
و هر که اصرار کند ... به روایت حضرت صادق ع فرمود که چون قوم لوط کردند آنچه کردند
گریست زمین ... تا گریه اش به آسمان رسید و آسمان تا گریه اش به عرش رسید پس وحی شد به آسمان که سنگ بر سر
ایشان ببارد ... و حضرت صادق ع فرمود که هر که بمیرد با اصرار بر لواطه البته خدا فرماید
که یکی از آن سنگها را بر او زنند که مرگش با او باشد کسی آن سنگ را نبیند و در حدیث با این معنی تفسیر شده
آیه وما هی من الظالمین ببعید یعنی عقوبت قوم لوط از ظالمان امت تو که این عمل کنند دور نیست و محمد
ابن شهر آشوب گوید که مردی غلامی را که آقای خود را کشته بود به حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه
آوردند طلبید از او قتل پرسید گفت بزور با من وطی کرد حضرت از اولیای مقتول که او را دفن کردید گفتند

آری

# در مذمت لواطه

اری حالا دختر کو بیم فرمودند بیمار از سر و دنتر من ابیه فرمود بعد که غلام را ببوسد کن بیلع غلاف از سمر روز
با عتر به قبر رفتند تیر را شکافتند کفنی یافتند خالی حضرت تکبیر گفتند و فرمودند الله در وقع نکفتنام رسول
الله که شنیدم از رسول خدا که هر که از امت من عمل قوم لوط کند بمیرد آن حال یعنی بی توبه و انابه بمیرد
انتظار مهلت میدهند که در لحد گذارند سه روز بیشتر نکشند که زمین او را فرو برد تا بقوم لوط
ببرد تا با ایشان محشور شود و حضرت صادق ع فرمود که حد لوطی که او را با آتش میسوزانند یا دیواری بر سرش
خراب میکنند یا شمشیر بر او زنند که کشته شود و خواهر و مادر و دختر لوطی بر او حرام است و در قیامت او را
از حلق میکشند در کنار جهنم و بعد از حساب او بجهنم می اندازند و هر طبقه معذب خواهد بود تا آن
طبقه لواطه بدتر از زنا است چه خدا بدان شهری چند خراب کرد و در حدیث نبوی است که بکوبید از
و فرمود بترسانید از نظر و صحبت ساده کان که فتنه ایشان بدتر از دختران پرده نشین است و در خطبه
وداع است که هر که پر کند چشم خود را از زن نامحرم خدا پر کند در روز قیامت چشمهای او را از آتش و میخهای
آتش بر چشمهای وی فرمایند و شدید است غضب الهی بر زن شوهردار که نظر بغیر شوهر خود کند که محرم نباشد
پس حبط کند عمل خیر کرده و هر که شوخی کند با زنی که مالک او نباشد در برابر هر کلمه که گفته هزار سال در آتش محبوس
میشود و همین عقوبت است بر هر زنی که اطاعت کند مردی را و مرد او را در بغل گیرد یا ببوسد یا بدان نظر او رسد
یا شوخی کند یا قبیح بعمل آورد و اگر مرد جبر کند وبال بر هم با او است و هر که بحرام دست بدست زنی رساند
محشور شود دست بگردن بسته در آید و هر که پسر را بشهوت ببوسد حق تعالی روز قیامت لجامی از آتش
در دهانش زند و او را در آتش عذاب کند و در حدیث است گویا با مادر خود زنا کرده هفتاد بار و فرمود که ده کس
بخدای عظیم که از امت من فاسق و ساحق و جماع کننده بر زن بحرام و با حیوان و ساعی و دیوث
و بنا و فروشنده حر و بر بکار و مانع زکوة و تارک حج و فرمود ملعون است هر که با حیوان وطی کند شرعا گوشت
نسل او حرام میشود و واجب است کشتن و سوختن او و غرامت قیمت آن و اگر سواری باشد از آن بلد بیرون
میکنند بدانکه قیادت هم از گناهان کبیره است و بحدیث نبوی ع بهشت بر او حرام است و همیشه خلق او را لعنت
است تا میمیرد و شرعا باید هفتاد و پنج تازیانه زنند و اخراج بلد و تشهیر میکنند اگر مرد باشد حضرت صادق ع فرموده که
نظر تیری است از تیرهای زهرآلود شیطان و هر که ترک نظر حرامی کند برای خدا ایمانی کرامت فرماید که لذت آن را بیابد
و فرمود که نظر بعد از نظر در دل میکارد و همین نظر بسیار بود عاقبت حقیقی مانند که غالبا منشأ عشق مجازی میشود

# در مذمت غنا کردن

که کفر است و از قبیل بت پرستی است که نام شرعی معشوق بهم رساند به مضایقه نمیکنند فرمود بسا باشد که عشق
کهنه بدلهای فارغ از یاد خود و محبت غیر خود را بپوشانند فرمود که آنها دلهای سرنگونند از برای سؤال از عقب تو هم که از غنا و
خوانندگی و این سخن حرامست بدانکه این زمزمه شیطان و نوحه شوم اهل ضلالت و شغل ارباب شقاق و اشباه اهل
نفاق بالاجماع و اتفاقا اهل بیت عصمت صلوات الله علیهم علمای شیعه اهل وفاق حرامست چنانکه متقدمین
و متاخرین نقل کرده اند بلکه بمثل زنا حرامست و حرمتش ضروری مذهب شیعه است و از کبایر گناهانست که مرتکب
آن فاسق و فاجر است و هر که حلال داند ظاهرا مرتد و کافر است و آیات متکاثره و روایات متواتره در حرمتش
وارد شده و حال آنکه از علمای ما قایل بحلیت آن نشده اند مگر جمعی از صوفیه که مانند تصوف از مخالفین
میراث برده اند و ازآنها و اعم عبادات میدانند و تصوف مدار امر تعبد خود ساخته اند و لیکن برای حفظ ظاهر کلام متصفه
اند و بحثی که اگر اصل و صحت این معنی هم داشته باشد بجهات شتی ضعیف و استناد آن باطل خواهد بود بتعارض
اصح و اصرح و اکثر از آیات و روایات و اجماع موافق و مطابق مخالف و غیر ذلک و گاه بادعا و یا بجمال معشوقی
بسماع و حال آنکه آهنگ نای کمانچه خوش نغمگی اوقات معشوقها معشوقان دلربا و نغمه با اصوات غمزهای دلربا
بتان روح افزای بسیار این معنی بعید چون مقتضای خواهش نفس این مزخرفات بر هم ناملایمات اهل تقوا میخواهد
که غنا چیست با کلام الله است و حال آنکه هر کدام میدانند که با نغمه خوانند کلام الله تا که مغلوب است
هر که حکم خدا را تابع خواهش خود خواهد چنین رسوا شود و گاهی تشبث میکنند بغنا را باشعار باطل و حال
آنکه کلام حق و باطل را در حرمت غنا فرقی نیست با شعار فسقه و عوام اخبار از قبیل بیست که بیان و نه هم
حلال که حلالست تا که مثال این عذرهای نامشروع بیست که از شیطنت و نفاق که اثر و آن ماهیت عناد و شقاق
است و از کوری چشم بصیرت بر حسب حال النفع بهر ریسه و شایعه فق بیتاب باشد اینها از رسول الله صلی الله علیه و آله منقولست که محشور
خواهد شد صاحب غنا و خواننده که از قبر کور و گنگ و کر چون زناکار و ساززننده و بهمچنین نیست که
بلند کند آواز خود را بخوانندگی مگر آنکه خدا دو شیطان فرستد که بر دوش او سوار شده و پاشنه‌های پای
خود بر سینه و پشت او زنند تا وقتی که او ترک کند و فرمود که هر که یک عمارت ساز زدن است بغنا از سر خداش
ترانست از زنا پاما دخول ... و فرمود که غنا توشه زنا است ...
دو وقت ... امت ...
غنا از گناهانیست که خدا وعید آتش داده پس خواند این آیه را ...

# در مذمت غنا

صادق علیه السلام میفرماید غنا نکه خوانند کی ملائکه امین نیست و نزول بلاهای در آن و دعا مستجاب نشود و ملائکه
نازل نشوند و فرمود خدا اعراض نموده از اهل غنا و دوری جست بر کرم یابند و فرمود غنا شیاطین نفاق آ
و شنیدن لهو و غنا میرویاند در دل نفاق را چنانکه آب گیاه را و این متواتر است که مجرب مثل بدن موجود با
بیتکی کار و ذکر فکی و قساوت قلب عیب برکت و رحمت دعا کرد دلها رحمت وارد شده و فرمود غنا نیکی باعث فقر
و فقر و پریشانیست در دولتی کی از انحضرت پرسید که من کاهی در خلا نشستن و اطول صبد همراه شنیدن غنا و ساز
میشا حضرت که از شنید بنهایت خشمت و اهتمام بحد نهی فرمود که سایل منتظر شد که فقیر ای ابن ...
بلکه بکوش صبر سبیل فرمود والله مکو نشنیدی قوله ان السمع والبصر والفؤاد کل اولئک کان عنه مسئولا
یعنی بتحقیق که گوش و چشم و دل از هر سؤال خواهد شد گفت الحال الله گویا این آیه را نشنیده بودم دیگر نخواهم کرد
و استغفار کردم فرمود بخیزو غسل کن و نماز بکذار بتحقیق که در گناه بزرگی بوده و چه بسیار بد بود حال تو
اگر بر این حال میمردی طلب توفیق از خدا بنما و استغفار کن و توبه کن از هر چه او ناخوش است که او ناخوش ندارد
قبیح را مگذار قبیح را باهلش که هر کار را اهل است و فرمود بعد از موت آدم شماتت نمود ابلیس و قابیل با هم
و غنا آدم را ... آنجا است فرمود هر که در دنیا ساز بنواز
که از این ... صحیح عالم ... سوال میکنم از او ... بهشت غنا نخواهد
فرمود در دنیا هست که نعیم بهشت را بنده خدا را محروم سازند که هر که با خوشی ملک اشنیده نشده و عوض
ثواب ... کرد ... از حضرت امام رضا علیه السلام پرسیدند
روایت شده و در تفسیر ... کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله در حجة الوداع حلقه
کعبه را گرفت و دعا کرد و فرمود با خبر از هم شرایط قیامت ... امتیان کمتر ... گفت بلی یا رسول الله
فرمود ... شهوات ... خواهند ... فرمود قومی بهم خواهند رسید که قرآن را بغنا خوانند
و حرمت غنا ... احادیث ... با وجود آنکه ... آیات و روایات کافیست برای حرمت غنا
در قرآن و مرثیه هم ... خواندن قرآن و مراثیه که بطور و قصد خوانند کی
نباشد جایز بلکه ممدوح است اما ... حرام کرده این مقام مذکور است بقرینه
غنا عبادت است از آنها ... انکه که مطرب بغنا مقرون میسازد و ...
انها که ... کرده ... تعالی ... چیزی چند

نسبت می‌دهند که اگر بعرض و تهمتی کسی نسبت دهند از ننگ آن البته جاری نمی‌کنند و ادل روز ۱۲
جزا حکم خواهد کرد میان ما و ایشان و چون غنا در قرآن تفسیر شده بلهو و حدیث شامل هر
سخن است که از ذکر خدا غافل نماید بالجمله اظهر آنست که سخن حرام هم عام باشد و از جمله آنست شعرهای مذکوره
بلکه هر کلام شعری اگرچه منظوم نباشد که مهیج شهوات نفسانی و ملهی و مشاغل از یاد الهی یا هجو و هتک عرض
مسلمانی باشد آیات و اخبار در مذمت این شعرها بسیار است و از آنجمله قصص باطله و حدیث دروغ
نباشد بقول بعض علما چنانکه حضرت جواد ع از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل فرمود که ذکر علی علیه السلام
عبادت است و از علامات منافق است میل از ذکر او و اعتقاد شنیدن قصه‌های دروغ و افسانه‌ها مثل حسین و شاه
وغیره بر فضائل او و از امیرالمؤمنین ع منقولست که هر چیز از خدا غافل کند میسر است و حضرت صادق علیه
میفرماید هر مجلسی که ذکر خدا نشود روز قیامت حسرت خواهد بود بر اهلش پس فرمود که ذکر ما از ذکر
یاد خدا است و یاد دشمنان ما یاد دشمنان خدا است و از آنجمله سخنیکه بسخریه یا تقلید کسی یا برای مضحکه
زده شود و نادر است کسیکه خود را از همه افراد جزئیات این قبایح شایع متراهون باشد حال آنکه شکی
در شدت حرمتش نیست چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود باز کسیکه سخنی میگوید که جمعی را بخنداند
آسمان فرو میرود در طبقات جهنم بقدر آسمان و زمین وای بر کسیکه دروغ گوید که مردم را بخنداند وای بر او
وای بر او و در روایت حضرت صادق ع چهار نفر آزار با اهل دوزخ میرسانند با اینهمه آزار یکی میدانند یکی که چرک
و خون از دهانش سیلان میکند پرسیدند این چه بود این بجز گوینده تقلید میشود پرسیدند هر سخن خبیثه
و آن فاسد را حکایت میکرد و تمه حدیث در مظالم عباد مذکور میشود و در روایت دیگر هر که خود استهزا
کنند در بهشت دری باز کرده خواهند طلبید چون بیاید با تعب و محنت بسیار در رو بر بندند و
چنین کنند تا آنکه مایوس شود و فرمود هر که سخن بکند مردم را بینفتد که عیب خدا را بموزه خلق و
قسم بعزت و جلال خود که هر که عیب چیزی انفاق میکند آنگاه که ملاقات میکند با جمیع اعمالش قبول نکنم و او
داخل جهنم کنم مگر توبه کند و در نسبت که نوح ع بر سگی گذشت و گفت ما اقبح سگ باذن الهی بسخن آمد
نشست و گفت که اگر ذا منی بپسندی تا بر تو خدا پس مرا تغییر ده یا نبی الله حضرت متغیر شد و خود را ملامت نمود
نوحه میکرد چهل سال تا ندا رسید که قبول کردم توبه ترا تا کی گریه کنی و احتمال دارد که سخن حرام که اعم از
ملاهی هم باشد پس از آنجمله خواهد بود در حرف لغو بلکه باعث آزار و دل شکستگی مسلمانی باشد پس هم.

# در مذمت دروغ

کسی است که از این بری باشد حتی آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله در خطبهٔ وداع فرمود که هر که با غیر پدر
خود را منسوب کند یکو لا لبیک و لا سعدیک نخواهد بود و دید آتش فرمود هر که بر مؤمن
یا مؤمنه بهتانی گوید که در او نباشد خدای تعالی او را بر تلی از آتش باز دارد و از جملهٔ بهتان است
که تهمت و لعنت حرام باشد و در حدیث از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که لعنت
از دهان کسی که بیرون آید اگر محل لعنت باشد بر او واقع میشود و الا بر گوینده بر میگردد و در حدیث حضرت
باقر علیه السلام فرمود که هر که شهادت دهد بر کسی بکفر مگر آنکه بر گشت یکی بسوی او بهتان است بیرون خدا و قرمود
هیچ کس نیست که طعن کند در چشم مؤمن یعنی رو برو مگر آنکه بمیرد بدترین مرگی و سزاوار است که خیر نبیند و در
صحیح علی بن النعمان از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که کسی را بر مؤمن اف گوید از ولایت او بیرون رود و اگر
گوید تو دشمن منی کافر میشود و خدا قبول نمیکند از مؤمن عملی که نیکی از برادر مؤمنش بدل کند و از جمله
سخنان بیکار از حرف کشیدن و ناشی میشود و در حدیث حضرت نوشته است که ملاحظه نمایید اگر تکلم کنید بکار
نیاید هر چند ترک آنکه گوئی بیار نخورد و از رسول خدا صلی الله علیه و آله ذکر فرمود که بدترین شرور در خصوصیات
است و رواتی فرمود که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید که حق گوید یا ساکت باشد و بر
بود فرمود هر که خاموش شد نجات یافت و احادیث در فضیلت سکوت متواتر است لیکن نظر بعضی
مرجوح است چنانکه حضرت سجاد علیه السلام فرمود چون سایلی از افضلیت سکوت و سخن فرمود که هر یکی را آفتها
هست با سلامتی تکلم بهتر است زیرا که خدا پیغمبران را بخاموشی نفرستاد بلکه به سخن امر فرمود و بهشت مستحق بهشت
الهی و نجات از آتش نمیتوان یافت مگر به سخن و از اینجا بدان که امیر المؤمنین علیه السلام میفرمود که هر سخنی
در سلامتی نطق و سکوت و سخن است پس هر نظری که عبرت نباشد لهو است و هر سکوتی که فکر نباشد سهو و سخن که یاد خدا نباشد لغو
پس خوشا حال کسی که نطق او عبرت و سکوتش فکر و سخنش ذکر و بر گناهان خود گریان و مردم از شرّ او
در امان باشند فرمود بیشتر تکلم شما با یاد خدا باشد و فرمود کلام خود را از اعمال خود حساب
کنید تا کمتر شود مکر در خبر و در صحیح حضرت کاظم علیه السلام گذشت بر مردی که حرف دنیا میزد پیل پستاند
و فرمود بیفلان بلکه از ادب است آنکه سخن نشنیده و بلکه خود تا مشغول کار خود باشد سخنی بگو
که بکار آید و از آن دور است که زبان گویان در تکرار گفت و میدانند
نهر تا نبود و هر دو چشم فتنه باید که از قسم دروغ است و در صحیح حضرت باقر علیه السلام

# در مذمت ربا خوردن

فرمود که در کتاب علی ع است که سه چیز است که نمیرد صاحب آنها تا وبال آنها را ببیند
بغی و قطع رحم و قسم بدروغ و فرمود که زودتر از همه ثواب صله رحم میرسد و زودتر از همه عقوبت قطع رحم و بغی
میکند و در این معنی احادیث بسیار است و در حدیث دیگر منقولست که هر که سوگند بدروغ یاد کند بر سر منبر پیغمبر
دروغ یاد میکند نزد حاکم برای آنکه مال مسلمانی ببرد خدا او را بلای عظیم مبتلا گرداند و جای او را در جهنم قرار
دهند و در بعضی احادیث وارد شده که خدا را ملکی هست که عرض نرمی گوشش
سال راه است و پیوسته میگوید سبحانک ما اعظمک من عظیم ما اعظمک خدا میفرماید کسی که بدروغ
سوگند یاد میکند و رسول خدا ص میفرماید که برای تعظیم و اجلال حق تعالی ترک کنند قسم یاد دادن غیر را که مانند
پروا نکنند روز قیامت خدا راضی نمیشود و برای او جای مکرمی از خلیل ابراهیم ع فصل دوم در بیان مذمت ربا
بدانکه عقوبت ربا عظیم است و حق تعالی فرموده الذین یاکلون الربوا لا یقومون الا کما یقوم الذی یتخبطه
الشیطان من المس یعنی آنها که ربا میخورند برنمیخیزند در روز حشر مگر مانند کسی که مخبط کرده است او را شیطان و در آیه
دیگر میفرماید یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و ذروا ما بقی من الربوا یعنی باقی مانده از ربا اگر ایمان آورده اید پس اگر نکنید اعلام حرب خدا
و رسول را بشنوید و احادیث در این باب بسیار است و از رسول خدا صلی الله علیه و آله منقولست که شب معراج دیدم
جمعی را که هر چند میخواستند برخیزند از بزرگی شکم نمیتوانستند گفتم اینها کیستند ای جبرئیل گفت اینها ربا خورانند
و در حدیث دیگر فرمود که شکم ایشان از آتش جهنم پر است و هر که ربا خورد خدا شکم او را پر کند از آتش جهنم به قدر آنچه خورده است و قبول
نشود هیچ عملی از او تا در آن مالی از ربا باقی است و فرمود که یک درهم ربا از هفتاد زنا بدتر است
... که هفتاد زنا بدتر است که همه با محرم خود کرده باشد و فرمود خدا لعنت کرده
کسی را که ربا میخورد و نویسنده و شاهدان و هر که ربا خورد شکم او را در قیامت پر از آتش باشد و ...
بدن او پیدا باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون خدا اراده هلاک قومی
کند ربا در ایشان پیدا شود و گفتند که چرا ربا حرام است فرمود که اگر حلال میبود مردم
ترک تجارت و قرض دادن میکردند و از شهرهای کرم و احسان و نیکی با یکدیگر دست بر میداشتند
است که حق تعالی ربا را حرام کرده است تا مردم از یکدیگر قرض بگیرند و نیکی کنند
او را روشن شود که ... است که خدا را ... که ربا ...
هر ... که ... ظاهر شود که ربا ... خواهد شد و ...

# در مذمت فحش و ناسزا

در این موافقات از حضرت صادق سؤال شود والله یعلم بسند معتبر از حضرت ... منقول است
روز ... که از شر ایشان ... در حدیث صحیح از حضرت صادق منقول است که فرمود که بدترین و دشمن
ترین خلق خدا در روز قیامت کسانی اند که مردم از زبان او ایمن نباشند ... در حدیث صحیح
فحش و بدزبانی از ... علامات شرک شیطان در نطفه کسی آنست که فحاش باشد و پروا نکند که
پروا نکند که چه میگوید و چه میشنود و در حدیث صحیح از رسول خدا صلی الله علیه و آله منقول است که فرمود ... حرام است
در موثق از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه منقول است ... که حرام است بهشت بر هر فحاش
نباید ... الا آنکه شرک شیطان در نطفه او ... در خطبه ... فرمود ... دشنام دهد
هر ... در روز قیامت ... مدار ...
و ... و بعد از آن ... اهل جهنم ... دهان او ...
... اهل بهشت ... فحاش ... در روایت معتبر از حضرت صادق منقول است که فرمود
دشنام مؤمن ... دشنام او ... مثل
خوردن ... در حدیث صحیح از حضرت باقر علیه السلام منقول است که اگر فحش را صورتی میبود ...
که خدا دشمن دارد فحاش ... که ...
... در حدیث صحیح از حضرت کاظم منقول است که فرمود ... ابتدا کننده
به دشنام ظالم تر ... در حدیث صحیح ... مظلوم
... صادق ... فحش ...
لعن کننده ... والله ... که ...
... استغفار ...
دعا کرده ... خدا ...
... الشخال ...
... حضرت ...
... مرتبه ... حضرت
... الله ...

## در مذمت شهادت دادن بناحق

مادرش را مزد می‌دهی بدو چیزی بدهم گفت فدای تو شوم مادرش مشرکه است حضرت فرمود با اینها [illegible]

هر چیزی را نکاحی می‌باشد که از زنا پاک کند پس هر که پدر و مادر را [illegible] **در مذمت شهادت دادن** بدانکه گواهی

بناحق که اقبح اسباب کفر و نفاق است و بیشتر و اشنع و افضح افراد دروغ است و مفاسد آن زیاده از حد است

منقولست از رسول خدا صلی الله علیه و آله که شهادت دهنده بناحق او بچنین خواهد شد در قیامت

از زبانش با منافقان در درک اسفل و در روایتی فرمود که همچنین است [illegible] کرده شوند [illegible] و مصر بر

شراب و شهادت ناحق دهنده و منکر و [illegible] عاق والدین و [illegible] فرمود هر که کتمان شهادت

نماید حق تعالی گوشت او را بخوراند باو در حضور خلایق و داخل جهنم شود در حالتیکه زبان خود را

میخاید باشد و بحدیث دیگر [illegible] بروی او باشد تا چشم کار کند [illegible] خلایق باشد [illegible]

که [illegible] نام [illegible] بحدیث [illegible] شاهد [illegible] مثل بت پرست است **در مذمت [illegible]** پیامبر سؤال

عقبه [illegible] که از بهتان است در حدیث حضرت صادق علیه السلام فرمود هر که بهتان زند بمؤمن یا مؤمنه

بچیزی که در او نیست حق تعالی او را محشور کند [illegible] در [illegible] تا از عهده گفته خود بیرون آید و در روایت

ابو [illegible] از رسول خدا صلی الله علیه و آله منقولست [illegible] که جزای او [illegible] آتش و بحدیث

جابر فرمود که بدترین مردم کسی است که بهتان و فحش گوید [illegible] خود زند [illegible]

بدیگری [illegible] بهتان در زنا [illegible] افراد بهتان و قذفست [illegible] صاحب این [illegible]

و موافق [illegible] ملعون دنیا و آخرتست در حدیث حضرت [illegible] فرستاده که روز قیامت امر فرماید

محصنه را [illegible] قذف کنند [illegible] انگاه امر فرماید او را بسوی جهنم بدانکه [illegible]

باطل است و از جمله [illegible] در صحیح حضرت صادق علیه السلام فرمود که هرگاه مؤمن متهم کند برادر خود را ایمان

از دلش [illegible] در آب [illegible] فرمود [illegible] نیست میان ایشان و هر که معامله کند با برادرش

با مردم [illegible] بهشت [illegible] و از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل فرموده که عمل کن امر برادر

خود را [illegible] تا [illegible] گمان بد مبر [illegible] حدیث معتبر حضرت

باقر علیه السلام فرمود که اگر کسی [illegible] سنت [illegible] باشد [illegible] سخن [illegible]

و از او [illegible] بازگشت [illegible] حق تعالی

که [illegible] دنیا است [illegible] شهید ثانی از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت

# در مذمت بیبان

نموده که خدا حرام کرده از مسلمانان خون و مال و گمان بد بردن و بروایت سابقه هر که در اینجا زده
موقف بری الذمه بوده باشد بکمال امنیت در زیر لوای حمد نازل شود و نامه عملش بدست راستش دهند
و در هر جا که بری بوده باشد بی توبه ارزد بنار رفته هزار سال نهایت شدت و ملال موقوف و محبوس ماند
بعد از آن ایستاده شوند برای خواندن نامهای عمل هزار سال دیگر دهشت دیگر واقع شد که بر یک نامها
نظاره و پریدن و رفتن بدست امیر المؤمنین هم در حال مؤمن گنهکار میفرماید که چون در نامه خود
نظر کند ازبس اعمال ناشایسته خود بیند ها بند باو لرزه آید آنگاه تنها داوری ندا کند که ای آقای من تو تعالی
توئی و بهتر حکم کنندگان پس ندا رسد که ای بنده من آیا شرم از من نکردی و از عقوبت من نترسیدی که ارتکاب
معصیت و جرات نافرمانی من نمودی پس آن بنده با نهایت خجالت و شرمساری گوید ای پروردگار من وای
سید و مولای من بد کردم و خطا نمودم تو خدای کریمی مرا رسوای خلق مکن که در این وقت همه
میگریزند هر گناهی که براو شمرده گوید ای آقای من آتش جهنم برمن گواراتر است از این خجلت پس ندا رسد
که فلان گوسفند بسر که بری خواطرداری و احسان کردی برادر مؤمن در دنیا یاد کنید بمکان لبیک تو در کار من
بلند کردی و در روز از ترس عذاب من بگواد دیدها روان کردی شبها از ترس من بعبادت و بیدار ماندی
و دیدها از خوف عقاب من از نامحرم پوشیدی این جهت گناهان ترا بخشیدم و بجهت تو ثوابهای بسیار
دادم پس ندا رسد و بسیار اعمال او شاکر دو تاج شاهی بر سر و زیورهای بهشت براو کرده امر شود بجبرئیل
که بر بنده من کرامت فرما او بنما پس چون روانه شود نامه خود را گشوده بمؤمنان نماید و از روی افتخار و
استبشار گوید هاؤم اقرأوا کتابیه انی ظننت انی ملاق حسابیه پس در عیشی باشد پسندیده و چون بدر
بهشت رسد ملائکه گویند نامه گذشتن خود را بما بنما نامه را او داده براو نوشته باشد بسم الله الرحمن
الرحیم این نامه گذشتن است از خدای عزیز حکیم برای فلان بن فلان آنگاه ندا رسد که فلان مؤمن سعادت
یافت که بعد از آن بشقاوت مبدل نشود هر که رد حق او را نکرد و بروایت سابقه هر که سخی و مال خود را
برای روز حاجت خود پیش فرستاده باشد نامه اش را بدست راستش دهند و مقدار التماس نماید برای خواندن نامه
با لباسها جنت تاج کرامت بر سر او گذاشته عزت و امنیت بنشانند حضرت صادق علیه السلام میفرماید جاهل سخی بهتر
از عابد بخیل است و ذکر نموده از رسول خدا صلی الله علیه و آله که جوان گنهکار سخی دوست تر از پیر عابد
بخیل است نزد خدا و سخاوت درختی است در بهشت شاخهای آن در دنیا و هر که بچسبد بشاخی

# در بیان ترازوی اعمال

اذان او را بسوی بهشت کشند و ابن عباس از آنحضرت روایت نموده که بگذرید از گناه سخی که حق تعالی ۱۴
دست او را گیرد هر وقت بلغزد و در روایت دیگر فرمود تحقیقکه بدلای امت من داخل بهشت نمیشوند بنماز و روزه
ولیکن ببخاوت نفس و بسلامت نفس و صفای سینه و خیرخواهی مسلمانان داخل بهشت خواهند شد و فرمود زمین
قیامت همه‌اش آتش است مگر سایه مؤمن که تصدقاتش سایه بر سرش افکند و بسیار از فضایل سخی در صدقات
گذشت و در روایت سابقه وارد شد که نامه بدعت چپش بدهند با البسه‌ها و اینکه ایستاده شود در برابر خلق
هزار سال که سیر و تشنه تا عادل درد قیامت چه حکم فرماید در این چون شوق خواهد که نامه اش را
بگیرد ملکی بر دستش زند و بر پشت سرش بیرون کشند و در روایت دیگر نموده نامه بدعت چپش داده شود
و قرآن باین مشعر نیست و سابقا مذکور شد که بظاهر احادیث نامه که در این مقام خوانده می‌شود همان
کردهای در قبر است و در روایت است که چون کناهکار در اثنای نامه خواندن بگناهی که میرسد
که چون کناهکار در اثنای نامه خواندن بگناهی که میرسد ساکت می‌شود پس خدا میفرماید چرا ساکت شدی
گوید از شرم تو پروردگارا فرماید چرا در دنیا شرم نکردی بگیرید او را و ببرید بسوی جهنم

## در بیان میزان و تحقیق معنی و تفصیل موافقان قال الله تعالی والوزن یومئذ الحق فمن ثقلت موازینه

فاولئک هم المفلحون ومن خفت موازینه فاولئک الذین خسروا انفسهم بما کانوا بآیاتنا یظلمون و فرموده
ونضع الموازین القسط لیوم القیمة یعنی نصب خواهیم کرد میزانهای عدالت را در روز قیامت باید دانست
که ظاهر معنی آیات و بعضی روایات میزان ترازوی حقیقی است که دو کفه دارد می‌سنجند اعمال را
و بدیهی است که مصور خواهند شد و هر یک را مثالی خواهد بود و هم چنین صراط جسری است بر سر جهنم و
معبر است بسوی بهشت و هم بمعنای وارد شده که هر دو عبارتند از عدل و دین قویم و صراط مستقیم
و حجج الهی و ولایت امیرالمؤمنین و ائمه هدی علیهم السلام و منافاتی نیست که هر دو راست میتواند بود چه هر
چیز را صورتی است ظاهر که بعالم ملک و شهادت در روز قیامت از باطن از عالم غیب و ملکوت و اینمعنی
عمومیار حضور [illegible] در روزه و سکوت و قرآن و سر مؤمن و غیر اینها وارد شده چنانکه منقولست از امیر المؤمنین
صلوات الله علیه و آله که [illegible] تاویل را نخوردی که نماز تاویلی دارد [illegible]
بلی بعد تحقیق که خدا محمد را فرستاده با [illegible] امور مگر آنکه تاویلی دارد و تاویلش همان اشهد ان لا اله الا الله
کند بیان تاویل نماز را چنانکه در نقد مذکور است و در تفسیر امام است که قرآن بصورت نیکی محشر اید و حاملان

## در بیان ثواب اعمال

خود را شفاعت کند را شفاعت کند راوی پرسید آیا قرآن سخن میگوید فرمود بلی خدا رحم کند
ضعفاء شیعیان ما را که ایشان از ما میشنوند تسلیم و اذعان میکنند بعد از آن فرمود ای سعد نماز سخن میگوید و صورتی
دارد و خلقتی و امر و نهی میکند راوی گوید که رنگ من متغیر شد گفتم این سخنی است که من نمیتوانم گفت فرمود مگر مردمان
بغیر از شیعیان ما کسی هستند هرکه نماز را نشناسد حق ما را نشناخته و انکار ما را نموده میخواهی سخن قرآن را بتو بشنوانم گفتم بلی فرمود قرآن است ان
الصلوة تنهی عن الفحشاء والمنکر ولذکر الله اکبر چون نماز نهی میکند سخن میگوید فحشاء و منکر مردی چند
اند و مائیم ذکر خدا و ما بزرگتریم و تحقیق این معنی بتقریر علما می شود [illegible] مثل حدیث با انکار باطن خود
از درجات بسیار و ثوابهای بیشمار محروم کردند [illegible] انکار ظاهر معنی الحاد و زندقه [illegible] لیکن در خصوص میزان
اخبار بسیار صحیح وارد است اینکه میزان [illegible] حجتهای خدا است [illegible] از ذریه مصطفی [illegible] معتبر که گویند با آیات
هم چنین تفسیر شده و هم چنین در اخبار معتبره و سنگینی و سبکی ان [illegible] حسنات است نه اینکه حسنا
را بیاورند و هم در روز [illegible] چنانکه اهل سنت گویند بخلاف صراط که [illegible] معنی است هم ظاهر و هم باطن چنانکه من
خواهی [illegible] بعد از طی طومار [illegible] نامه های کردار میکشند [illegible] که هر کسی را با
سیئات ش بسنجند پس در مقام [illegible] خواهند شد [illegible] و هرکه میزان حسنات ش راجح
سنگین باشد نجات یابد [illegible] و در روایتی [illegible] که بنده را بمقام حساب باز دارند خدا فرماید بسنجید نعمتهای
مرا با عمل او پس نعمتها عملها را فرو گیرد آنگاه فرماید نعمتها را باو بخشیدم [illegible] او را بسنجید پس اگر برابر باشد بهشت
امر فرماید و اگر خیرش بیشتر باشد بتفضل و احسان [illegible] و اگر شرش بیشتر باشد پس اگر اهل ایمان باشد محل
رحمت الهی است اگر خواهد می آمرزد و از رسول خدا صلی الله علیه و آله منقول است که روز قیامت آدمی را می آورند در برابر
دو کفه میزان باز می دارند و ملکی را بر او می گمارند پس هرگاه عملش سنگین باشد ندا میکند [illegible] که همه خلائق
بشنوند که سعید رستگار شد فلان شخص سعادتی که شقاوتی بعد از آن هرگز [illegible] باشد ندا
کند که شقی و بدبخت شد فلان شخص شقاوتی که دیگر سعادت نبیند بعد از آن هرگز [illegible] و ملائکه
عذاب با گرزهای آتش [illegible] لباسهای آتش [illegible] آتش [illegible] ای امت [illegible]
کمی حسنات و بسیاری سیئات بسوی آتش [illegible] چون [illegible] رسول معاینه [illegible] بعد جزع کنند [illegible] استغفا
نماید که یکدم [illegible] جواب گویند [illegible]
[illegible]

# در سؤال از قرآن

جمع کنند و ببینند اهل بیت محمد صلعم ایستاده نزد پروردگار خود پس با او استغاثه کن و اگر نه بها و بر صراط نخواهم شد
آنگاه فرمایند که بلند کنند ترجیح اعمال خود با محمد اهل بیت او ملتفت شده فرمایند او را بمن سپارید تا بار دیگر
اعمال او در میزان تمام بعد از آن بر می‌آورند صحیفه از نور و بر کفه حسنات گذاشته شد راجح باید پس فرمایند این صحیفه
صلواتیست بر ما فرستاده باید که بهشت برو پاپوس پاهای مبارک آنحضرت را بوسید گوید اگر تو و صلوات تو نبود
ملحق بها و بر بودیم و در حدیث حضرت صادق ع میفرماید که هیچ عملی در میزان سنگین‌تر از صلوات بر محمد و آل محمد
نیست و بتحقیق که میزان عمل آدمی در قیامت سبک می‌باید و رسول خدا صلعم صلوات میزان او را سنگین میکند
بدانکه فضایل و فواید صلوات زیاده از حد حصر است و اربعین و رساله‌ها در این خصوص نوشته شده و زیاده
اخبار در رخصت رمضان در عین یازدهم مذکور است در روایت سابقه آنگاه باز داشته خواهد شد در دوازده
موقف و هر موقفی هزار سال **موقف دهم** سؤال از عتق و آزاد نمودن بندگان خواهد شد بدانکه
اخبار چند در مدح همه مکلفین را که عتق و آزاد نمودن رقبه بر ذمه او قرار گیرد چنانکه در مفطر دفع کفاره روزه
ماه مبارک رمضان ظهار با زن خود و قتل و حنث قسم و در معصیت کبیره که بگناه دیگر که مستوجب آن
باد و غیر اینها و همچنین بر اینها پس باید در غم خود را بری کند پس از حسنات و آزاد کردن بنده ثواب عظیم دارد
در حدیث حضرت باقر ع از رسول خدا صلعم روایت فرمود که بهر عضوی عضوی از آتش جهنم آزاد شود **موقف یازدهم**
آنکه از قرآن مجید سؤال خواهد شد در حدیث متواتر متفق علیه کل امت است که رسول خدا صلعم می
فرماید که از میان شما میروم و دو چیز عظیم در میان شما میگذارم که اگر با ایشان متمسک شوید گمراه نخواهید
شد که از هم جدا نمیشوند تا سر حوض کوثر بر من وارد شوند یکی بروایتی بزرگتر از دیگری کتاب خدا
که حلالست در میان آسمان و زمین و یکی عترت من پس نظر کنید که ببینید چگونه میسپارید
حرمت ایشان را و فرمود روز قیامت حق تعالی خطاب میفرماید بقرآن که بعزت و جلال خودم که امروز گرامی
میدارم هر که ترا گرامی داشته و خوار میکنم هر که ترا خوار نموده و بروایتی حرمت قرآن بر خدا مانند حرمت
والد است بر ولد و فرمود هر که او را پیشوای خود داند او را بهشت کشاند و هر که پشت سر اندازد او را بجهنم
راند و فرمود یا علی قرآن افضل همه شما است بعد از جناب الهی پس هر که بقرآن نموده لو بر خدا نموده و
بروایتی فرمود بغافلان محسوب باشد از قرائت قرآن هر گاه صبح کنی و هر گاه که شام کنی پس بایستی که قرآن زنده میکند
دل را که مرده باشد و باز میدارد از فحشاء و منکر و فرمود بخوانید قرآن را که هر کس بخواند او را باید بجهنم که بر کسی ندد

# در ثواب خواندن قرآن

حدیث سلمان میفرماید چون مؤمن قرآن بخواند خدا درهای رحمت برا و بگشاید و بهر حرفی که از دهانش
درآید ملکی آفریند که تا قیامت برای او تسبیح گوید و در حدیث فرمود خوبان شما آنهایند که تعلم و تعلیم قرآن
کنند و فرمود هر که قرآن را ختم قرآن کند بجهة ثواب طبع بخواند گویا پیغمبری را میان دو پهلوی خود جا داده است الا آنکه
وحی باو نمیشود و حدیث است که حسد نیست مگر در دو نفر یکی آنکه خدا قرآن را باو عطا کرده پس قیام میکند باو
اوقات شب و روز و دیگری آنکه مالی باو داده پس انفاق میکند برای خدا اوقات شب و روز و در حدیث
طولانی حارث همدانی از امیرالمؤمنین علیه السلام منقولست که گفتم برسول خدا صلی الله علیه وآله مخرج چیست از فتنه‌ها
فرمود کتاب خدا که خبر گذشته و آینده در اوست فیصل است هزل نیست [illegible] هواها و سیر نمیشوند از او علما
و فرمود هر که طلب هدایت کند از غیر آن خدا او را گمراه کند و هم از آنحضرت ذکر فرمود که هر که قرآن بخواند و گمان کند
که کسی را از آن بهتر عطا شده پس بتحقیق که حقیر شمرده چیزی را که خدا عظیم شمرده و عظیم شمرده چیزی را که خدا
حقیر شمرده و فرمود که هر که قرآن را یاد گیرد پس فراموش نماید عملی از او [illegible] حشر نماید
ماری بر او مسلط سازد که در جهنم با او باشد مگر خدا بیامرزد او را و هر که قرآن را یاد گیرد و بجا نیاورد
در دین منفعت [illegible] سلطان [illegible] هر کاری که [illegible] باشد
در آتش جهنم و فرمود هر که با خواندن قرآن [illegible] باشد [illegible] قرآن اعتنا کند مستحق غضب
الهی گردد [illegible] و فرمود که حاملان قرآن بسبب او تواضع کن تا ترا رفیع گرداند و از خلق طلب عزت
مکن که خدا ترا ذلیل گرداند [illegible] شوی [illegible] خدا تا ترا زینت بخشد و در خطبه الوداع فرمود
که هر که قرآن بخواند برای [illegible] ملاقات کند خدا را روز قیامت در روی او هیچ گوشت
نباشد قرآن پشت سر او را زند تا داخل جهنم گرداند هر که قرآن خواند و عمل با آن نکند کور محشور شود و گوید
خدایا چرا مرا کور محشور کردی من بینا بودم [illegible] آیات ما پس ترک کردی و فراموش
نمودی آنها را [illegible] فراموش [illegible] انگاه امر فرماید او را بسوی جهنم و فرمود در حدیث
و [illegible] باشد کسی که کتاب خدا را پشت سر انداخته [illegible] ضایع کنند [illegible] شدید
عذاب بت پرستی و بسا قرآن خوان که قرآن او را لعنت کند [illegible] عمل [illegible] غلط [illegible] خواند و
فرمود روز قیامت [illegible] نعمتها و حسنات [illegible] تمام [illegible]
را [illegible] گناهان [illegible] این حال القرآن [illegible]

## در ادای حق قرائت

قرآن فرمایند که مؤمن است که خود را بسبب آنکه حفظ بتلاوت می‌ورزد در درازی شب با ترتیل میخواند و ۱۴۶
چون میرسد بجائی که میخواند آیه که از جا آگر رحمت باشد سؤال کند و آنرا چنانکه مرا امر کرده خدا فرماید ای بنده
مؤمن دیدی آنچه است خود بگشا پس بر کند از را از خوشبوی و دست پیش را از رحمت گوید این بهشت
مباحثه ترا بخوان و بالا رو بهر درجه ترقی نماید یعنی از ائمه طاهرین صلوات الله علیهم متواتر است
که درجهای بهشت بعدد آیات قرآن است و در حدیث صحیح از امیرالمؤمنین ع این زیادتی هست که نمیباشد در بهشت بعد از
پیغمبران و صدیقان و شهدا بلند مرتبه تر از او و فرمودند در خانه که تلاوت قرآن و یاد خدا میشود برکت و ملائکه نازل
شوند و نور میبخشد باهل آسمان و دور از شیاطین میشود و فرمودند بدرستی که خدا اراده میکند باهل زمین
کند که یکی از آنکه از ایشان نظر میکند بسوی آنان قدم بسوی نمازها میدارند و اطفال که قرآن یاد
میگیرند از ایشان رحم کرده تاخیر عذاب میکند و در صحبت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند که بر تو باد بخواندن
قرآن زیرا که در آن نور است و پیش اهل آسمان شب بیداری و تلاوت آن در شب و روز بدرستی که این عهد بهشت با
نامه از خدا بسوی بندگان پس واجب است بر هر مسلمانی که در هر روز نظر نماید در عهد خدا اگر چه پنجاه آیه باشد
و فرمودند هر که از اهل اسلام شود و قرآن بخواند پنج ای وانسته هر سال دویست شرعی از بیت المال مسلمین
و اگر منع کنند در قیامت خواهد گرفت تمام محتاج ترین وقتی و از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند یا علی ده چیز
از جمله است دعای والدین هر روز قرآن خواندن و بیغا و سلام از اهل تو گذاشتن و در مسجد دو
رکعت نماز نکردن و بیرون رفتن و از عالم هم مسائل تعلیم دین نگرفتن و بغفلت ضایع نمودن و حرمت پیران
نداشتن و حاجت بمرد از حلال نکردن سیر خوردن با همسایه گرسنه و پیش از نماز جمعه از شهر بیرون رفتن و حضرت
صادق ع میفرماید که سزاوار نیست مؤمن را که بمیرد و قرآن را یاد نگرفته باشد و فرمودند دوست دارم که در خانه
مصحف باشد و برکت آن خدا شیاطین را از آنها دفع کند و موافق احادیث نظر بقرآن کردن عبادت
و ثواب تلاوت از مصحف بهتر است هر چند از بر باشد و فرمودند سه چیز است که در قیامت شکوه خواهند کرد
از مردم قرآن که بر او غبار نشسته باشد و خوانده نشود و عالمی که مسائل دین را از او نپرسند و مسجدی که
در آن نماز نکنند و فرمودند که شش چیز است که بعد از موت نفع میرسد اول فرزند صالح و مصحف و چاه و درخت برای
خدا و صدقه جاری و سنت نیکو و طبرسی از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که اهل قرآن اهل الله اند
خاصه او و بدانکه افضل عبادات قرائت قرآن است بتدبر بدانکه قرآن نامه خدا است پس تعلیم

# در ذکر سؤال از جهاد اکبر

کربلا یا زیان نا توانسته تحمل ما به الرتبا بر عهده کار است چه کهنه بمشق از تکرار پس بخوانید تا اگر خدا اجر صد هد
شما را بتلاوت آن بهر حرفی ده حسنه که با شرکه الم یک حرفست بلکه الف ده لام ده میم ده و بحد شما که
حضرت سید الشهداء علیه السلام با بن زیاد فرموده است که اگر شب ختم کند ملائکه تا صبح بر او صلوات فرستند
و اگر روز ختم نماید تا شام و فضایل حفظ قرآن در روضه هشتم عین با در هم مذکور خواهد شد و اما آیات زیاد
در ترغیب بمواظبت تلاوت حضور صادر نماز شب بسیار است و لابد قرائت و قواعد واجبه مستحبه را که ضرور است
باید تحصیل نمود موقف ششم از جهاد اکبر و اصغر سؤال خواهند کرد که آیا در راه خدا با دشمنان دین مجاهده
نموده صبر و ثبات قدم ورزیده تا با حدی الحسنیین ظفر و سعادت شهادت فایز گشته یا نه و جهاد اصغر با دشمن
ظاهری از واجبات است با شرایط و احکام آن از کتب فقه باید روایات خوارج رسول خدا و ائمه هدی و
بالاتر اند و جبر دنیا شهادت تمام شد که منتهای آرزوی دوستان خداست و جهاد اکبر که اهم و اعظم و
مکابد و اصعب مطلق و مسئولست جهاد اصغر بمراتب است مجاهده و مجادله با نفس اماره است که اعداء و دوستان
است و مفاسد شرح عظیم و ضرر ویش بیشتر و باقی تر باشد بدتر است که از دشمنان کافر بهتر است ز جهل این اهل
شیطان و شب و روز در هلاک دین و نفوس عقب انتقام رقابا لما لمن دولت کرهنت و راحت و تاراج کند
لذات و سعادت مراتب سعی جهد می نماید چنانکه جناب امیر المؤمنین صلوات الله علیه میفرماید که رسول امین
صلی الله علیه و آله لشکری بعد از مراجعت فرمود مرحبا بقومی که از جهاد کوچک برگشتند جهاد اکبر
مانده پرسیدند از جهاد اکبر فرمود که مجاهده نفس اماره بعد از آن فرمود که بهترین جهاد دلی است که در میان
دو پهلوی تست و فرمود مجاهده کنید با ن بگرسنگی و تشنگی که بتحقیق که اجر این مثل اجر جهاد است
در راه خدا و بدرستیکه هیچ عملی دوست تر از این نیست بخدا و فرمود با ابا ذر که بلی ز منشیان است
تا از نفس خود حساب کشند شدیدتر از محاسبه شریک با شریک پس بداند که از کجا است شرابش و از کجا
است خوراک او و از کجا است لباس او و از حلال است یا از حرام و حضرت باقر علیه السلام فرمود که فریب
ندهند ترا اعمال مردم از نفس خود که بقول یا عمل ترا غافل نمایند پس بدرستیکه امر تو بتو خواهد رسید
نزد ایشان و قطع مکن روز خود را با ین و ان که بتحقیق که کسی که با تو هست که حفظ می نماید
تو عمل تو را و بجا آر حسنه که ندیدم چیزی بهتر و زود تر در یابنده از حسنه بجهت گناه که از حسنه
تازه و حضرت کاظم علیه السلام فرمود از ما نیست هر که هر روز حساب نفس خود را نکند پس اگر حسنه

نموده طلب توفیق زیادتی از خدا نماید و اگر معصیت کرده استغفار و انابه نماید بسوی پروردگار 
و حضرت صادق ع فرمود باید که دنیا دار که غفلت مکنید که از نفس خود غافل شده اید و زنهار
تهاون و کاهلی ننمایید در امر الهی که هر که چنین کند خدا او را اهانت و خواری رساند روز قیامت
و فرمودند هر کرا دو روزش مساوی بوده باشد مغبونست و اگر بدتر باشد ملعونست و
هر که نشناسد فوتی در نفس خود بنقصان از تب خواهد بود و هر که چنین بوده باشد پس
مرگ برای او به از زندگانیست و حدیث نبوی هم باین مضمونست و در موثقه فرمود هیچ
بدنی ضعیف نشد از اینکه نیت قوی شد و در صحیح است محبوبیه زهد و من رفتار شد از هواهای
نفس مانند دشمنان که بتحقیق در او هیچ چیز دشمن تر از متابعت خواهشهای نفس خود و در
دیده و دنیا نیست بهشت خدا میفرماید در روز قیامت شیطان بگمراهان خود خواهد گفت که مرا
بر شما تسلطی نبود مگر آنکه شما را خواندم اجابت کردید پس نفس خود را ملامت نمایید نه مرا و آنکه
هرانچه که باو میرسد بعض قرآن هم از شومی نفس و مطاوعت خواهش است و هیچ عبادتی عظیم
تر و با منفعتی نافع تر و شریف تر از معارضه و مخالفت نفس نیست و فوز در تبعه شیعه محبت الهی
که مناط نجات کامل و اعلی مقاصد انبیا و اولیا است بهمین میسر است چنانکه خدا میفرماید
قد افلح من تزکی بتحقیق که رستگار شد هر که بریاضت و تزکیه و تطهیر نفس خود و غرض اصلی
مطلب کلی بلکه کل مطلب از ایجاد و تکلیف عباد و ارسال رسل و انزال کتب مهلت چند
روزه دنیای فانی در نوبت پیکر کثیف خاکی نیست که جوهر قابل خود را از امراض رذایل
کدورات جسمانی الانیه عش و کثافات نفسانی که بران مجعول و مجبور گشته بایمان مشوب
و مالوف گشته بتاب مجاهده و ریاضت پیش از آتش قیامت و ندامت تصفیه و تمام صاف کرده الهی
و ان شهباز رفیع پرواز عالم ملکوت و لاهوت را از دام عالم ملک و ناسوت بکمال استعجال
باستعمال دو بال علم و عمل از ان منزل شیاطین و حشرات زمین محنت و ضلالت و اسفل
السافلین درکات ظلمانی اهل شقاوت و جهالت باوج معارج روحانی و مقربان بارگاه
عزت و جلال و اعلی علیین درجات نورانی اهل کرامت و سعادت برسانی و طریقه این
مجاهده و ریاضت بعد از استمداد جناب حضرت ملهم السداد آنکه در سلک ارباب عزیمت

غیرت و دین والذین جاهدوا فینا ثابت قدم یقین بوده و وعده ظفر یافتنی لنهدینهم سبلنا
قوت فطرت و قدرت لوای متعالی همت صدق عزم و اخلاص افراشته طریق شرع انور را نصب العین رایه
بپا داشته همت بالا نهمت براستیصال احزاب نفس کاشته بجنود تعقل و تدبر آیات و روایات و تامل و تفکر
در عواقب حالات و عبرت از تغیر احوالات است سرکش نفس را بضرب تیغ خوف و خشیت عنان تازیانه شوق
و رجاء و ندامت بکام قطره دنان در مضمار ریاضت عبادت بتازی بتدریج در قلع و قمع جنود متفرقه
دوم اهمد مثالی طریق مستقیم عقل برانعه دوز مواخذه و قصاص که موجب توبه ابدیست تقصیر
جانبدار شد مطیع منقاد عقل و قاضی بلکه شاکر بر تحمل مشاق و تکالیف شرعیه شد بنابر آن زینت جانب
عقل و ثبوت بینکه ملک بی و الست سرشت راحت افزا و فنا تا انکه لشکرهای جنود و قوای نفس
از طبیعی و سبعی و شیطانی که منشاء شهوت و غضب تلبیس است بالتمام بحیطه تصرف خدام قوت ملکی و عقلی
نبند اذی تا روز برز تاد فرمان سلطان شرع و انوار عدل و تدبیر عقل بحال از مقر سلطنت ابتواجی
جوامع آبادهند بیعلاقاتشان و تکمیل ملکات نفسانی و نجات از ظلمت غرور و میل کلی بسوی عالم نور سرمایه
سعادت ابد قرب و محبت پروردگار همیا باید لا اکرد این جهاد نمودی بالله تقصیرا انی و تا این شاهزاده عقل را که
تمام اهل سما و زمین و کل اهل عالم علوی و سفلی هم از غلامان و منسوبان بهتر کسی ملک نام برای قوای بعد
تو نهاده اند بدست خواسته در ذلیل غلامان ایشان و اهل سوا کوتکش کن که مانند همه بزیبا الان اطاعت
تسخیر شرع دارد حسب الحکم خویش خود بهر طرف که میل دارند براند و همه اوقات شریف و ساعات عمر
لطیف ترا صرف تحصیل مشتهیات خویش نمایند از یکطرف قوت غضبی مانند اکثر ابناء دنیا ترا برای نیل مراد خود
همیشه با مردم در مقام عداوت و نزاع باز دارند و از طرف دیگر خواهش قوت شهوی شب و روز در تلاش اسباب
عیش و فرح و شکم سرگردان نگاه پیوسته ابلیس مع تلبیس پلام پرتزویر مکر و تدلیس ابناء از ... و نیز سرکش
را لامکان چاره برهان زده دست تبسیر منتظر رحمت خود باز دارند که بهر جا صحتی کما صر
فرماید سر قدم ساخته بکمال اهتمام و استعجال در سر انجام نمودن آن کوششها نمایند در سانی و بسیار
چنان سرگرم ملازمت و بندگی خود سازند که ستو هم انکه بلکه برای همین شغل خلق ترا فرمود ساخته
بتهیه اسباب انواع لذات و کامرانی ایشان نموده یکی بکی مشرع انی تا شاید بسوی یکی میل کنند بلکه بصلح
و مصو و سیلها سازی و در این بهم پیاده ها و حیلها انگیزی بی توقف ده بنده کی و خدمت کار این عادت

جلال و غنا و بر طول عمر بمال و شباب بین غرور و خدعه پر و بال کردن انداخته بدانو و اه به
پرستش انها قیام و بفرمان برداری ایشان تمام اهتمام اقدام نمائی و شب و روز در این خیال که از جانب
انها چه اشاره صادر تا فوراً خود را بسعادت انجاح شرف تقدیم آن فایز داری فی الحقیقه حصر یا نفیه
که هر روز در مقام اخلاص مکر مجنونی مغلوب ساخته خود را بتعرض الم اعهد الیکم یا بنی آدم ان لا تعبدوا
الشیطان انه لکم عدو مبین و توبیخ و تقریع افتتخذونه و ذریته اولیاء من دونی و هم لکم عدو بئس للظالمین
بدلا هلاک حسرت و ندامت بکی کرده نعوذ بالله من الخذلان و طول الغفله و بدانکه مقدمة الجیش لشکر ظفر
اثر این جهاد اکبر شیر پر فتوح توبه نصوح است که بعد از آن هر عبادت و ریاضت ضایع منکوبست و الحمد لله
ببرکت اهل بیت رسالت صلوات الله علیهم برای شیعه مرحوم آسان شده که اگر هزار سال هر روز هزار کبیره
نموده شقی ترین اشقیا باشی سیاه و مجرم بیت حرم بطرفة العینی از سیه ترینا و لیا گردی که گویا گناه
نکرده بلکه بفرموده خدا و رسول برتبه علیا محبت الهی فایز شوی باینکه از کرده خود پشیمان شوی و
میان خود و خدا قصد و عهد کنی که من بعد نافرمانی ننمائی و اگر قضا یا کفاره یا حق الناسی بر ذمه
داری تا توانی ادا و قضا کنی و هر چه نتوانی تلافی و بر خدا است تا هفت ساعت گناه مؤمن را ننویسند
بانتظار آنکه شاید از مستی معصیت هوشیار و از خواب غفلت عاقبت کار بیدار شده بتوبه یا حسنه تدارک
نماید بعد از نوشتن هم خدا نیکی آن در عمل بپوشد چنانچه رسیده از حضرت صادق که چگونه می
پوشد فرموده محو میکند از خواطر دو ملک آنچه برا و نوشته اند و وحی میکند باعضا و بقعهای زمین کتما
نها را پس در قیامت هیچ چیز برا و گواهی نمیدهد و در حدیث است که زنی بعرض رسول خدا صلی الله
علیه و آله رسانید که زنی فرزند خود را کشته توبه دارد فرمود بلی بخدا قسم که جان محمد در دست اوست
که اگر هفتاد پیغمبر کشته باشد و نادم شود و خدا از نیت او داند که بر نمیگردد بمعصیت قبول کند توبه او را و
عفو نماید از او و پس بتحقیق که در توبه گشاده است ما بین مغرب و مشرق و توبه کننده مثل کسی است که
گناه نکرده مؤلف گوید که انچه پیشمانی نیست باینکه کشنده مؤمن توفیق توبه نمیابد همیشه
با سالهای بیشمار در جهنم خواهد بود چنانکه در این وعده بیشتر واقع شده و فرمود که ماده پشیمانیست و فرمود
که هیچکس نزد خدا محبوبتر از مرد و زن توبه کننده نیست و حضرت صادق علیه السلام فرمود عجب است
از ناامید رحمت الهی و حال آنکه محو گناهان با او است پرسیدند چه چیز فرمود استغفار و فرمود که او را

## در توبه کردن است

نماید باستغفار و در حدیث است که هر دردی را دوائیست و دوای درد گناهان توبه و استغفار است و آنحضرت
فرمود که فرح و شادی خدای مهربان از توبه بنده اش زیاده بر خوشحالی کسیست که در شب تار توشه و راحله
خود را گم کرده باشد و آنگاه بیابد یعنی بکمال رضامندی و نهایت سرعت قبول نماید و در وحی داود علیه السلم
است که اگر کسی که پشت بمن کرده اند بدانند که چگونه است انتظار من برای ایشان و مدارای من با ایشان
و شوق من بسوی ترک معصیتشان البته بمیرند از شوق بسوی من و بندهای ایشان از هم جدا شود
از محبت من ای داود این اراده من است در جماعتی که از من رو گردانیده اند پس چگونه خواهد بود اراده من
در مقبلین که رو بمن آورده اند و در موثق فرمود که هیچ گناهی نیست مگر آنکه مومن بران مطبوع است
ترک میکند مدتی پس مبتلا میشود اما از سلیقه اش نیست و در صحیح فرمود که مومنی نیست مگر آنکه برای
او گناهی هست که مدتی ترک میکند پس مرتکب آن میشود و در حدیث است که اگر شماها گناه نمیکردید هر آینه
جمع میکرد خدا فریقی که گناه میکردند و میامرزید باظهار عفو و در صحیح فرمود خدا دوست میدارد بنده را
توبه کننده را که چون مکرر فریب خورده بگناه کند باز توبه نماید و در صحیح حضرت باقر ع فرمود هر وقت که مومن
عود بگناه کند باستغفار و توبه خدا برمیگردد بمغفرت و بتحقیق که غفور و رحیم است قبول میکند توبه را
و عفو میکند از سیئات و زنهار مومنان را از رحمت خدا مایوس مکن و در صحیح ابن عمیر فرمود که پروردگارا
شیطان را بر من مسلط و جاری گردانیده مجرای خون را از من پس مقرر کردان برای من چیزی فرمود هر که از ذریه
تو قصد گناهی کند نوشته نشود پس اگر بعمل آورد یکی نوشته شود و بقصد حسنه یکی نوشته شود
و اگر بعمل آورد ده نوشته شود عرض کرد پروردگارا زیاد کن فرمود مقرر کردانیدم برای ایشان توبه را
تا نفس بگلو رسد گفت کافیست و از حضرت کاظم ع پرسید پسر شیخ عبد الله که آیا دو ملک میدانند
گناه و حسنه را فرمود بلی با توکل کند و خوش مسا و بهشت و در تو نیز منقولست که بانزام اگر نه عفو از شما
است البته مبتلا میشدید باعظم از گناه و در صحیح حضرت صادق ع فرمود صغیره نمی باشد با اصرار و کبیره نمیشود
و کبیره نمی ماند با استغفار و در حضرت باقر ع فرمود که اصرار اینست که گناهی بکند و توبه نماید و بخاطرش توبه
نرسد همین است اصرار و در صحیح فرمود بخدا که هیچ چیز از طاعت را قبول نمی نماید با اصرار در گناه و از رسول
خدا صلی الله علیه و آله ذکر فرمود که از علامت شقاوت است خشکی چشم و قساوت قلب و شدت حرص بدنیا و اصرار
بر گناه و حضرت صادق ع فرمود چون خدا خیر بنده را خواهد او گناهی کند او را ببلائی مبتلا میکند که استغفار

زیادتی او را در توبه کنند و الا در نعمت ابد از دوزخ و فرمود یا اباذر نفس مؤمن اضطرابش از گناه بیشتر از اضطراب
گنجشک است که در دام افتد و حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود که اشک خشک نمیشود مگر بعلت
قساوت دل و قساوت دل نمیباشد مگر بکثرت گناهان و فرمود هیچ بنده نیست مگر آنکه در دلش نکته سفیدی هست
را یکی آنکه هر روز گناهکار خیری از یاد کند و یکی آنکه توبه بعد از توبه شکستن خود نماید بدانکه توبه واجب فوری است
و تاخیر نفس تا خیر آن جایز نیست بلکه حرام است زیرا که معصیت بمثابه زهر قاتلست بدن دین را اگر کسی زهر خورده باشد
باستفراغ و استفراغ و رجوع بسوی پروردگار نشود منجر بهلاکت نشود و بنا بر صحیح بعدم قبول دوا
کرده که بسبب قساوت و زنگ سیاهی منکوس شده بفکر توبه نیفتد مبادا دیگر تا فوت فرصت که هرچند
تضرع و استغاثه کند یکساعت مهلت رجوع بدنیا نیست چنانکه در آیات بسیار و اخبار بیشمار واقع شده و
در تفسیر الهکم التکاثر تا آخر سوره منافقون روایت کرده اند که در وقت جان کندن چون پرده غفلت
از روی کار آدم برداشته شود و بر تمامی اعمال مطلع شود گوید یا ملک الموت چه شود یک روز
دیگر مهلت دهی که عذر گناهان خود را از خدا در خواهم و چنین سفر پر خطر خود توشه از تصدق
و عمل صالح بردارم جواب شنود که ایام عمر تو گذشت و روزی تو فانی شد و مجال مهلت دادن
تو نماند پس بعجز و الحاح گوید یکساعت مرا فرصت ده جواب شنود که ساعات عمر تو
تمام شد مهلت نیست پس در آن وقت در توبه بروی او بسته شود و بوحشت بسوی دوزخ
کشیده شود ساقی با تمامی شربت تلخ حسرت و ندامت طول برای او مهیا باشد بسا از شدت
هول سکرات و کثرت سیئات و ضعف ایمان و غلبه جنود شیطان تزلزل در بنیاد ایمان او راه
یابد تا اصل دین برطرف نماند و بالا با کفار و اهل عناد در درک دوزخ عذاب نعوذ بالله من شرور انفسنا
در حدیث است که بخاطر تو رسد که در اجل شما تاخیری خواهد شد چون تا امال رسیده بود پس گویا که
در رسیده شما را گویا بندید پس از حال ملک الموت را در گوشهای خود دارید تا فایده بخشد بر نفس خود
توجه کنید و از حال امهال باشوید تدارک و مبادرت نمائید توبه و حضرت صاحب الزمان ع فرموده اند
که باید هر یک از شما شیعیان عمل کنید بآنچه شما را بمحبت ما نزدیک می کند پس اجتناب نمائید از آنچه او را
بکراهت و غضب ما نزدیک میکند پس بتحقیق که امر ما ناگاه خواهد رسید وقتی که توبه او را نفعی ندارد و نجات
نخواهد داد از عقوبت ما پشیمانی و ندامت و قطع نظر از احتمال هلاکی این آفات توبه هر قدر زود در توبه

# در توبه کردن امت

و فوائد و ثوابش بیشتر و محبت و قرب الهی نزدیکتر است و بنا بر اگر از همه تکلیف هم برای تدارک تقصیر ۵۹
که لازمه اهمال و تاخیر است هرگز نخواهد شد مگر با انتقام الهی در دنیا یا عقبی یا نقصان در ثواب یا حبط
و حسرت عظیم یا عفو الهی و حضرت باقر علیه السلام فرمود که همه گناهان شدید است و شدیدتر از همه آنها
آنست که بر آن گوشت و خون بروید زیرا که یا آمرزیده یا معذب و داخل بهشت نخواهد شد مگر پاکیزه و در حدیث حسن بن عمیر که
از افاضل علما و صلحای اصحاب ائمه معصومین است گوید که بحضرت کاظم علیه السلام عرض کردم که چگونه
شفاعت خواهد شد برای صاحب گناهان کبیره و حال آنکه خدا میفرماید لا یشفعون الا لمن ارتضی یعنی شفاعت
نمیکنند مگر برای کسی که خدا پسندیده باشد مرتکب کبایر نشود و فرمود یا ابا احمد هیچ مؤمنی نیست که مرتکب
گناهی شود مگر آنکه او را غمگین و بد حال کند و پشیمان گردد و رسول خدا فرمود که کافیست ندامت
توبه را و فرمود هر که را حسنه خوشحال کند و سیئه بد حال مؤمن است و کسی که نادم نشد از گناهی که کرده مؤمن
نیست و ظالمست و خدا میفرماید که ظالمین را شفاعت کننده نیست عرض کردم که چون مؤمن نیست کسیکه
از گناه پشیمان نشد فرمود که هیچکس نیست که گناه کبیره کند و بداند که بر آن گناه معاقب خواهد بود مگر
آنکه پشیمان شود و نادم شود و تائب مستحق شفاعت است و هر که پشیمان نشود مصر خواهد بود و مصر بخشیده
نخواهد شد زیرا که ایمان نیاورده بعقوبت گناهانش اگر ایمان داشت بآن البته نادم میشد و رسول خدا فرمود
کبیره نمیماند با استغفار بلکه بخشیده میشود و نه صغیره با اصرار که کبیره میشود و فرمود که معنی اینکه انبیا
که شفاعت نمیکنند مگر کسی را که پسندیده باشد دین او و دین اقرار است بجزای حسنه و سیئه پس هر که او در دنیا
راضی باشد پشیمان نشده از گناهانش چون معرفت ندارد بعقوبت آن گناه در قیامت پس وای بحال کسی که
خود را مؤمن پندارد و با این همه شاد باشد و نادم و تائب نشود و از جمله اعانت نفس بر سهولت صعوبت توبه آنکه
او را در معرض عتاب و خطاب نمائی که ای نفس احمق دنیا را در دنیا سرمایه کرده وسیله نجات از جهیم و کسب درجات نعیم
توانی ساخت سوای این چند روزه عمر فانی نیست و هرگاه بیجا کنی در مثل اینست که کسی را گنجی عظیم
که تدارک ممکن نتوان داشت بر اساس المال تو واقع است بعض حال که در دست داری و اجل مهلت باشد
غنیمت شمرده و در تدارک بر آی و نه در ما بر چیزی گرفته و در سلک مردگان میبودی که مانند تو در خیال
بخواب بوده لیکن تا حال مهلت نیافته البته بتضرع و استغفار از عذاب الهی رستی که برای تدارک بدنیا برگرد
ساعتی را به تمام دنیا و آنچه در آن است ... والله که استطاعت ... روزا

## در بیان توبه نمودن امت

و تاخیر در عمل مکن و بدان ای نفس که در حدیث نبوی است که یا اباذر اکر بر شبی سرعت کن در اجل را و انچه
در تو حادث میشود دانسته و وحشت خواهی کرد از هر روز دیکر تو غافل میکند یا اباذر دنیا را تاخیر مکن بر
خود بطول امل که خواهم نمود و خواهم نمود چه دنیا منتظر نیست که بعمر تو نرسد ای اباذر جهد کن که غافل از
یاد پروردکار نباشی بکو بر که هستی و تدارک محاسبات اولی با ذات تاخیر کنید و توبه و تدارک چه انتظار میکشید ایا
انتظار میبرید غیر توانکری که او را بطغیان کند یا افلاسی که انرا فراموش کند یا بیماری که مفسد است یا پیری
که از کار باز ماند یا مرکی که بتعجیل در رسد و مهلت ندهد یا فتنهای دجال که بدترین فتنهای غایبست که ظاهر
خواهد شد یا قیامت که از همه هولناکتر و فزعی شدیدتر است ای نفس حدیث است که هر که زاد جنبید و اشود
غنیمت است مرحمت را زیرا که میدانند کان در کی بسته خواهد شد پس چون دیکران تاسف و حسرت خواهند
بر بار کناه تاسف و حسرت تو مضاعف خواهد بود بتقییع الطاف حضرت این تنبیهات و انبه هر کس را اتفاق
نیفتد و باو اصغا نتواند کرد که در توبه بروی تو ممنوع شده البته بسته خواهد شد و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
بعد از مناجات مشهوره مسمی به الهی یحبنی اذا انقطع من الدنیا اثری با عتاب بنفس نفیس خطاب بهفرمود که
ای مناجات کننده با پروردکار بانواع کلام و طالب مسکن از او در دار السلام تاخیر مکن و توبه بر
رجوع نما را هر عام بعد از عام منصف توبه نما تو را زمان ایام پس کریه مادامی که نزدیکی روز خوردن را ای
غافل از انچه در پیش داری بر ما هنت صیام و اکتفا و صبر نمائی و باندک چیزی از طعام و احیا داری شب
خود را بعبادت و سعی نماز و قیام سزاوارتر خواهی بود برسیدن اشرف مقام ای نفس بیا مهر شب بود و خود را
ندکر کنند کان شاید ساکن کردی در ریاض جنان با متقیان و متشبه مانند جمعی باش که ضعیف و لاغر کشته
بر مجوالی پهلوهای ایشان و پیوسته است در خلوتها و عبادتکاهشان شدت کریه و نوحه و زاری ایشان
و بکریه در آورده از ترحم بر او صعقا را افزایدون الهه و بی قرار نی شان که این جماعت نفوسی چند اند که فرق
الله زینت دنیا را و اهتمام نموده اند سعادت عقبی را ایشانند که مهمان وارد خواهند شد بکرامت
و سعادت روزی که خواستن با نکار خواهند شد بسوی کرمت مرهمهای خود در رسید ثوابهای پروردکار
خود بسبب بخوف حالی دنیا بتقوی و طاعت و امثال این کلمات تکرار با بیل مجروح و سینه مشروح در
محاسبه نفس و سبب نمودن شما را بار ذار بر نفس و ابلاذ بر تفکر و مدامت تذکر شدت خطر تاخیر توبه
از نزدیکی و عقوبت و انتقام قهر جبار و تاسف بر فوت چه ... عظمت دنیا و عقبی و چه نعمتهای الهی و چه

کناهها

# در بیان تفکر است

اگر امتهای نامتناهی که هر کس بشومی معصیت و تاخیر توبه خود را از نها قوم و لی نصیب کرده ٨
و میکند پس مهلت تو طلبی نفس نباید بر توبه و مغتنم دان   در فضایل تفکر اخبار بیشمار است
امیر المؤمنین صلوات الله علیه میفرماید که بیدار کن دلت را بتفکر و فرمود تفکر باعث خیر و عمل بر آنست و در
صحیح حضرت رضا ع میفرماید عبادت بسیاری نماز و روزه نیست بلکه تفکر در امر الهی و حضرت صادق ع فرمود
تفکر یکساعت بهتر از نماز یکشب است و در صحیح فرمود افضل عبادت دوام تفکر در خدا و قدرت خدا
و بحدیثی بزرگ اعظم و معظم عبادت ابا ذر تفکر بود و بدانکه توبه رکنهایست هم متعدد و شرایط ایشان ندامت
است چنانکه حضرت باقر ع میفرماید که کافیست پشیمانی در توبه و همین معنی در حدیث نبوی صلی الله
علیه و آله گذشت و حضرت صادق ع فرمود که هیچ بنده نیست که گناهی کند پس پشیمان شود مگر انکه خدا
بیامرزد او را پیش از انکه استغفار نماید باید دانست که عزم بر ترک لازم ندامت است النهایه بلکه حاصل
اینست چنانکه از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه ذکر فرموده که بتحقیق که پشیمانی بر بدی باعث
بر ترک آن میشود و از حضرت عیسی ع روایت میفرماید که گذشت بر جمعی که میگریستند بر سینه کفتند
که بر گناهان خود گریه میکنیم فرمود ترک کنید تا خدا بیامرزد پس معلوم شد که هر که از معصیت باز نایستد
و توبه نکرده استغفار کند خود را استهزا کرده است چنانکه در چند حدیث از حضرت باقر و حضرت رضا ع
منقولست که استغفار کسیکه در گناه باشد مانند استهزا است و حضرت امیر المؤمنین ع استغفار از کسی شنید
فرمود مادرت بعزایت بنشیند میدانی استغفار درجه علیین است بر شش چیز اطلاق میشود
اول پشیمانی از گذشته دوم عزم بر انکه دیگر نکنی سیم رد حقوق الناس برصاحبانش چهارم اینکه ملاقات کنی
خدا را پاک و بری الذمه باشی پنجم قضاء هر فریضه که فوت نموده پس تبدیل گوشتی که از حرام
بهم رسانیده باشی بگوشتی که از شستم العبادات ششم آنکه بچشانی بر نفس الم طاعت چنانکه لذت معصیت چشانیده
منقولست از رسول خدا صلی الله علیه و آله که هر گاه اثار توبه بر تایب ظاهر نباشد پس توبه نکرده راضی کردن خصما
و قضاء ایام روزه ها که نکرده یا درست نکرده و شکستگی و تواضع با مخلوقات و پرهیز نفس از شهوات
و احیا کردن شب بعبادت و روزها و روز دیگر را از نشاء بیداری تا صفا باطن بهم رسد و بیم خوف و غم بدن
از خوف نار جهنم بادی که لاغر شود از شوق بهشت باری و بت قلب هول ملک الموت چشیده
پوست باستخوان ان جسد فکر آخرت بچسبد چون بر سری بنده را اینها در صفت او تائب کامل وصاحب نفس

# در مذمت غیبت کردن

۱۵۹ خود است و بروایت ابوذر فرمود که ای اباذر چند چیز قوی بر قبول بهشت حق الناس و غیبت و شراب و جادو و زنا
بجا کو بخشش و دیگر فرمود چه توبه رجوع است از هفت چیز بهفت چیز از جهل بعلم و از معصیت بطاعت
و از ریا باخلاص و از کذب بصدق و از تکبر بتواضع و از حرام بحلال و از خواب شب بیداری بطاعت فرمود
الا امیدانید تا بیک بهشت تا بیبینست کسی که خصمها از او راضی باشند یا در عبادت زیاد نماید و تغییر بعد
لباس و مجلس با هم نشین و خلق و نیت دل خود را و ایثار نماید بنا بر قوت خود را و مراتب توبه کمال بسیار
است و از کمال مرتبه میرسد که حق تعالی گناهان او را حسنات مبدل میگرداند و بسبب این گناهان او را
بدرجات رضوان میرساند چنانکه عدلی قرآن و حدیث بر این شاهد اند موقعه چهار دهم
سوال شود از غیبت مسلمانان که نان خورش سگان جهنم است آیات بسیار و روایات بسیار از آن
گناهان و اخبار واجب استماع است با شدت شود چه مردم باین شغل میشوم مبتلا خاص و عام نهایت شیوع
و ظهور دارد و از رسول خدا منقولست که غیبت امرزیده نمیشود تا صاحبش نبخشد و در خطبه وداع فرمود که هر که
بشنود و افشا نماید مثل کسی است که خود انرا کرده باشد و بروایت حضرت صادق علیه السلام فرمود که فاسد میکند
غیبت مسلمانان را از زودتر از آنکه خوره در جوف آدمی و روزه را باطل میکند و وضو را میشکند در قیامت
کسیکه از او ظاهر شود بدتر از مردار که اهل محشر را متاذی کند و فرمود غیبت مکن که ترا غیبت میکنند
و چاهی برای برادر مؤمن خود مکن که خود در آن می افتی و هر چه کنی بیابی و فرمود هر که مؤمنی را سرزنش
کند برای گناهی نمیرد تا خود مرتکب آن شود و بر حق خدا او را در دنیا و آخرت سرزنش و ملامت کند و
بحدیث دیگر فرمود از صفت منافقانست چون مخالطنا او کنی ترا غیبت کند هر که غیبت برادر دینی
کوید خود عیب بیابد در دو دوزخ حدیث است که نماز و روزه غیبت کننده تا چهل روز مقبول نیست مگر
انکه توبه کند و بحدیث دیگر غیبت کننده روز قیامت از نامه خود تعجب نماید که این نامه من نیست چون
حسنات خود را نمی بیند کویند بطرف شده و حضرت صادق علیه السلام میفرماید هر که بقصد خفت مؤمنی روایتی
کند خدا او را از دوستی و ولایت خود بدر میکند بسوی ولایت شیطان پس شیطان هم او را قبول نکند و فرمود
که غیبت البته حرام است چنانکه آتش هیزم را در حدیث معتبر فرمود هر که غیبت برادر مؤمن کند بی
علمی شیطان در نطفه او شریک شده و بحدیث معتبر سوال شد از آنحضرت از کسی که شهادت او مقبول
است فرمود هر که فطرت اسلام باشد پس چشم در گناهش نبیند و دو گواه بر او شهادت ندهند او

اهل

## در مذمت غیبت کردن است

اهل ضلالت که گواهیش مقبول نیست هرچند واقع کند کبائر را باشد هر که غیبت او کند بخصلتی که دارد
خدا هر که هر دو ایشان را در بهشت جمع نکند اگر ندارد عصمتهائی از ایشان قطع شود و بدانکه غیبت
کنند هم بیننده دانش است تهمتی است جای او و شخصی بحضرت سجاد علیه السلام عرض نمود که فلان ترا
بگمراهی و ضلالت نسبت میدهد فرمود حق همنشینی را رعایت نکردی که حرف او را نقل نمودی و حق ما را
ازبرای ما چیزی که بنده ندانستیم ما گفتی بتحقیق که مرگ همه را در خواهد یافت و روز محشر که جمع
کرده همه است بیکجا آنجا حکم خواهد شد میان ما و ما حکم خواهد کرد زنهار اعراض کن از غیبت که نان خورش
سگان جهنم است و امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود بپرهیز از غیبت که نان خورش سگان جهنم است
دروغ میگوید دروغ کسی که گمان کند که حلال زاده است و گوشت مردم را بغیبت میخورد و فرمود گوش
کننده غیبت مثل غیبت کننده است و از رسول خدا صلی الله علیه و آله بسند معتبر منقولست که فرمود
هر که احسان کند برادر مؤمنش را در مقام غیبت او رد کند حق تعالی او را هزار نوع بدی از دنیا و آخرت
دفع نماید و بهشت را برای او واجب کند البته و اگر رد نکند و منع نکند و تواند هفتاد برابر وزر و گناه غیبت
کننده بر او است و بحدیث حضرت باقر هم خدا او را خوار کند در دنیا و آخرت و در وحی موسی علیه السلام
که غیبت کننده اگر توبه کند آخر کسی است که به بهشت میرود و الا اول کسی است که بدوزخ میرود موافق
خبر طویل مشهور معاذ عبادت مغتاب اگرچه مانند انبیا باشد نبخشد ملک موکل بر آسمان اول
رد نموده بر روی صاحبش زند و بعضی افراد غیبت را استثنا کرده اند و اسلم اهمیت کذب
غرض صحیح حرف کسی را نزد که اگر بشنود ناخوش دارد تا از مفاسد غیبت سالم مانی و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که هر که ترک غیبت نماید بهشت برای او است و در ترک غضب و ترک حسد هم
چنین فرمود و در حدیث معتبر نیز میفرماید که پرسیدند از رسول خدا صلعم از کفاره غیبت فرمود
استغفار برای غیبت شده و احوط آنستکه تا دسترس داشته باشد حلیت از او طلب نماید هر وقت
پنجم از عیب و سخن چینی بپرهیزند که در قرآن مجید بمذمت تعبیر شده و از امثال کبایر است و رسول خدا
صلی الله علیه و آله میفرماید یا اباذر تمام راحت میشود از عذاب الهی یا اباذر مجالس امانت است
و افشای راز برادر خیانت است و فرمود هر که سعی کند میان دو نفر خدا ملک الموت را بفرستد
بقبض روح او در حالتیکه برا و غضبناک باشد و در صحیح حضرت صادق علیه السلام از اشقیا ذکر فرمود که بد

در ذم سخن چینی

# در مذمت دروغ گفتن

ترین خلق اینهایند که راه روند بسخن چینی و جدائی اندازند میان دوستان و عیب جویند برای ۱۶
ایشان و فرمود چهار نفرند داخل بهشت نمیشوند کاهن که خبر میدهد از جنیان و منافق و شرابخوار دایم
و سخن چین و بحد ... کسی که خوبی ببیند باشراب خواره باسخن چینی کند در صحیح حضرت باقر ع میفرماید که
بهشت حرام است بر سخن چینان و در حدیث دیگر بر بخیل و نمام و حق فرمود از شنیدن آن **موقف ششم** سؤال
شود از دروغ که شومترین گناهانست و اخس صفات منافقان بهر نوعی است چنانکه حضرت باقر علیه السلام
میفرماید که خدای عز و جل برای شر قفلها قرار داده و کلید آن قفلها را شراب قرار داده و دروغ بدتر از شراب است
و حضرت امام ... پدرم باولاد خود گفت بپرهیزید از دروغ که کوچک و بزرگ آن در هر جد و شوخی که بگ
هرزه دلیت بهم میرسد و در صحیح فرمودند اول کسی که تکذیب کاذب میکند حق تعالی است و دیگر دو ملک
که همیشه با او میباشند دیگر خود که میداند دروغ گویست و در صحیح دیگر فرمود از علامت دروغ گوی که خبر
میدهد از آسمان و زمین و مشرق و مغرب اما از مسئلهٔ دین که بپرسی خبری ندارد و از رسول خدا صلی الله
علیه و آله منقولست که کاذب ملعونست و مؤمن بخیل و جبان میباشد و دروغگو نمیباشد و دروغ
گو را لعنت میکنند هفتاد هزار ملک و از دهانش گندی در آید که بعرش میرسد پس حمله عرش او را لعنت
نمایند و براو است گناه هفتاد زنا و عذابش بدتر از ... و غیبت و دروغ است و فرمود یا اباذر
میباید از دهانت دروغی هرگز نباید البته و امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود هر که راست
گو است عملش پاکیزه و مقبول است و فرمود که امیرالمؤمنین صلوات الله علیه صاحب امر ... شد نزد
رسول خدا صلی الله علیه و آله براستی و اداء امانت و فرمود خدا را است گویان دروغ گو را از ایمان
دور است بدرستی که راستگو بر لب نجاتست و دروغ گو بر کنار ... هلاکت که بعضی مردن هر ...
خود میرسند فرمود هر دروغ را لعنوا هند ... مگر برای مصلحت جنگ و صلح و وعدهٔ اهل خود و رسول
خدا صلی الله علیه و آله چنین فرموده و در خصوص دروغها که افحش و اشد افراد است آیات و احادیث وارد
شده و بعضی در عقابات شهادت ... و حلف ... و انکار ... و بهتان و حکم و فتوای بعلم
که افترا است بر خدا و رسول بلکه کبر و عجب ... منکرات ... که در کل حال و همه اقوال و
اعمال راستگو باشد خصوصا با قاضی الحاجات در عبادت و مناجات پس با طاعت ... و ...
... بعبادت ... از دروغ و ... با طلب اعانت از

حق

## در سؤال نمودن از علم و تعلیم

حق محض افتراست و دروغ تا بدانی که اکثر آنها که خود را از اولیاء خدا می‌دانند مفتریان و دروغ ۶۲
گویانند و سرّ که قصد بیان در مواضع بسیار از قرآن و حدیث با انبیاء و اوصیا و شهدا و اولیا بغیر از ائمه هدی
علیهم السلام بآن ظاهر شود خدا همه را از خواب غفلت بیدار نماید و پیش از فوت گوش شنوا و چشم
بینا کرامت فرماید **موقف هفتم** در محل سؤال از طلب علم دین و تعلیم مسائل شرع مبین بدانکه باتفاق
اهل عقل و نقل خداوند حکیم عز و جل عالم و آدم را نیافریده مگر برای غرض همه سعادت تا بدانچه موقوف
است بر معرفت و عبادت خود و هر دو موقوفند بر تحصیل علم پس همین که آدمی خود را شناخت و بعقل خود
اینرا یافت که خالق با کمال حکمت و دانا او را بی فایده و عبث نیافریده بلکه پیش از خلق مطالب بسیار عظیمی و خطب
بسیار جسیمی که باعث و داعی چنین کار پر درد کار جلیل تواند بود نظر در حکمت بالغه خود در آورده بعد از آن عالم
و او را خلق نموده بدیع تامل مبادرت نماید بتفحص و تجسس آن مطالب هم طریق شکر نعمتها که در خود مهیا بدهد چون
حق تعالی مقدس و منزه است از مخالطه و مکالمه هر کس باید پیغمبری اکر ذوجهتین و قابل این معنی باشد برای اعلام و
تحقیق این مطالب بفرستد و الا باز خلق عبث خواهد بود و پیغمبر را فرستاده و چون پیغمبر همیشه در دنیا نمی‌ماند
البته باید خلیفه تعیین نماید باذن خدا که باطلاع باطن هر کس قابل خلافت را میداند و الا باز خلق عبث
خواهد بود نسبت باکثر خلق و خلیفه را تعیین نموده و هم چنین هر خلیفه خلیفه دیگر را و چون وصی
آخر الزمان برای تقیه و مصلحتهای بسیار غایب است و کسی باستفاده از او مشرف نمی‌شود مگر بندرت و
ضرورت تا هم نشناختن بایمکان پس باید البته شیعه و رعیت خود را در ایام غیبت از حیرت در آورده بر
نهایتی دلالت نماید و الا باز فی الجمله عبث و نقض حکمت کامله و اتمام حجت لازم می‌آید زیرا که هم چنانکه اصل
وجود حجت بجهت نظام عالم لازم است هم چنین برای انتظام امر دین تعلیم و ارشاد مکلفین ضروریست
از آن جهت ائمه و شیعیان خود را از حیرت در آورده و فرموده که در مسائل حوادث شرعیه که واقع شود رجوع
نمایند و بیابند بسوی عالمان مذهب ما و راویان حدیث ما بتحقیق که ایشانند حجت من بر شما و منم حجت
الله و این مضمون از احادیث صحاح ثابت شده و در بعض آنها چنین است که ما او را حاکم کردانیدیم
بر شما پس هر گاه حکمی نماید قبول نکنید حکم خدا را خفیف و سبک شمرده اید و حکم ما را رد کرده اید
و رد کننده بر ما بر خدا رد کرده و رد حکم خدا در مرتبه شرک است بخدا و حضرت باقر علیه السلام می
فرماید که بعد از غیبت ما علما می‌شوند که مردم را بر امام دلالت نمایند و از دامها و مکر شیطان و

# در سؤال نمودن از علم

شبهها نجات دهنده همه شیعیان مرتد میشوند و ایشانند بهترین مردم نزد خدا و از رسول خدا صلی الله علیه
واله متواتر است که علماء امینان پیغمبرانند بر بندگان خدا و علما وارثان پیغمبرانند و علماء امت مثل پیغمبران بنی
اسرائیلند و روایتی سرشته فرمود اللهم ارحم خلفائی پرسیدند از خلفاء آنحضرت فرمود که ایشانها مرانند بعد از من
ایمان آورند و متابعت سنت و طریقه من نمایند و حدیث مرا روایت کنند گفتند ما برادران تو نیستیم فرمود
شما اصحاب منید ایشانها برادران منند و احادیث در این معنی بسیار است و از این تقریر مختصر فواید امر بسیار ظاهر
شد اول تنبیه بمعرفت الهی و اینکه اصل او بمجرد عقل ثابت نمی توقف بر نقل و بر کسب تا دور و تسلسل لازم آید دوم ظهور
فایده خلق باختیار تحمل و استکمال و اثبات معاد از عقل خالی از اختلال سیم اثبات نبوت باسهل و اکمل از طریق
مشهور لطف و معجزات چهارم اثبات امامت پنجم هدم اساس مذهب سنی بالزام نص در تعیین امام ششم جواب
شافی مسکت از شبهه مخالفین در غیبت امام غایب و حصول تعلیم و هدایت پیش از ظهور هفتم نیابت علماء اهل
بیت رسالت از ایشان در امر دین بلکه دنیا هم هشتم صفت عالی که اینها و متابعت او و مثل متابعت خدا
حج خدا است نهم تعیین علم بکمال و باعث نجات از متفاوت مآل و فوز بدرجات جنان در رضوان ذی الجلال
است که با وجود اذا بجناب متعال اصادر و استفاده شود و تفصیل هر دو مذکور میشود نهم اصل ما نحن فیه که اذا
بعد تکلیف که رسید از هر واجبات فرض همین است که فورا بصحبت و ملازمت علما مبادرت نموده علم
خلقت خود و مسائل مذهب ملت خود را و کیفیت شکرگذاری ولی نعمت تفصیل اخذ و برای عمل
حفظ نماید تا از ایشان مستغنی شود یا بتقلید و اطاعت ایشان خدا را ملاقات کند و هم اثبات تبعی
و شقاق و کفر و نفاق هر که از عوام و خواص که برای علما رد و استخفاف کند و از کبر یا عدم صرفه از
امر و اطاعت ایشان سر بپیچد رجوع کند باحکام عرف که با عدم قابلیت اجتهاد در احادیث و علوم
اهل بیت رسالت بفور در مسند فتوی متصدی احکام و مسمی بشیخ الاسلام شده از جهل حکم خود را
پیدا زند یا از شرایط مثل آن شمارند و اصلاح خود و بر مردم رحم نموده همه را موافق احادیث معرض
لعنت خدا و جمیع ملائکه ارض و سما و هلاکت ابدی عقوبی دار دنیا ما نمایند تحصیل معرفت و مذمت
ترک آن زیاده بر آن است که از آیات و روایات آن هزار یکی و از بسیار اندکی شمارد و برای
اختصار بذکر آیات از ابتدا دعوت خود اکتفا نموده از اخبار هم سواد را اکتفا می نماید باتفاق موافق
و مخالف متواتر است و از رسول خدا صلی الله علیه واله است که طلب علم فرض است بر هر مرد و زن مسلمان

بلکه

# در فضل طالب علم

بدرستی که خدا دوست میدارد طلب کنندگان علم را و فرمود عبادت الهی نشده بچیزی بهتر از تفقه
و تعلیم دین و فرمود طلب علم کنید اگرچه باید بچین روید و فرمود حضرت عیسی ع بدرستی که نیکو در کسی را عالی که
اطاعتش کنند و شنونده که عمل کند و بحدیث حضرت صادق ع فرمودند که عمل کننده بی علم فسادش از زیاده بر
صلاحش است و مؤید اینست حدیث مستفیض که علم بی عمل وبالست و عمل بی علم گمراهی است و ضلال زیرا که گمراه
هرچند راه بیشتر رود از مقصد بلکه از راه هم دورتر میشود و همین تشبیه منبر در حدیث بهشت و براینجه فرمود که بدرستی که
فرشتها بالها را زمین فراز کنند بعلم و بروایات متفرقه فرمود که هر که راهی رود بطلب علم هفتاد هزار ملک او را
متابعت کنند و بهر قدم ثواب شهیدی دارد و حق تعالی راهی بسوی بهشتش گشاید بدرستی که ملائکه بالهای
خود را فرش میکنند از برای طالب علم از روی خوشنودی و استغفار کنند برای او هر که در آسمان و زمین
است و هر خشک و تری حتی وحشیان صحرا و ماهیان دریا و تعلیم برای خدا صدقه و حسنه است و تعلم
عبادت و مذاکرهٔ علم ثواب تسبیح و نماز و تفکر در آن برابر روزه است زیرا که بعلم واضح میشود حلال
و حرام را و بندگی ملک علام و صلهٔ ارحام و راه دار السلام و مونس است در وحشت و مصاحب است
غربت و وحدت و همدم است در تنهائی و خلوت و راهنما است برشادی و معین است بر بلا و سلاح است برای اعدا و زینت
است نزد دوستان خدا بعلم جماعتی را بلند خواهد کرد پیشوایان خیر بوده اند و ملائکه رغبت می نمایند
در دوستی ایشان و بال خود را بایشان میمالند و برکت میطلبند با ایشان هنگام افضل نماز بدرستی که
علم حیات دلها و نور دیدها و قوت بدنها است میرساند بنده را بمرتبه برگزیدگان و درجات عالیه در
دنیا و آخرت علم را الهام می کنند سعداء و محروم اند از او اشقیا پس خوشا حال کسی که از آن بهرهٔ خود را گرفته
محروم نمانده باشد و هر طلب کننده علم مثل کسی است که روزها بروزه و شبها بعبادت ایستاده باشد و عبادت
کرده نشده بچیزی بهتر از فقه در دین و عالم میان جهال مانند زنده است میان مردگان و طالب علم را شفاعت
مثل شفاعت انبیا و نظر بروی عالم بلکه بدر خانهٔ او عبادت است هر که علم علما را دوست دارد گناهانش
نوشته نشود ایام حیات و بهشت او را واجب گردد و صبح و شام میکند در خوشنودی خدا هر که عالم را حرمت
نماید مثل کسی است که خدا را عبادت نموده هفتاد هزار سال و بهر حرفی ثواب هزار شهید دارد و بهر حرفی
میشود او را مینویسید شهری در بهشت و هر که عالم را زیارت کند بخشیده گردد از زیارت کرده و هیچ
کس نمی نشیند ساعتی نزد عالم مگر آنکه خدا او را ندا کند که نشستی نزد حبیب من قسم بعزت و جلال

# در فضل طالب علم

البته ساکن خواهم کرد ترا در بهشت پس از آنکه بدان درین باب لمعه از امام مثل طعام جمیع امت محمد ص
است فرموده یاباذر یکساعت مجلس عالم بهتر است از تشییع جنازهٔ هزار شهید و عبادت هزار شب هر شبی
هزار رکعت نماز و هزار جهاد و دوازده ختم قران نیز اگر دین بعلم ذا [illegible] شود یاباذر بتحقیق که فضیلت
علم بهتر و زیادتر از فضیلت عبادت است و فرموده که یک باب از علم یاد گیرد قطع نظر از عمل بهتر است
از هزار رکعت نماز نافله و برای وی روز قیامت فردا بهزار قلاده نور مزین و هزار گناه او را عفو و هزار
شهر باو عطا کند و امیر المومنین صلوات الله علیه فرمود ایها الناس بدانید که کمال دین در طلب علم و عمل
باست [illegible] و روزی [illegible] عادل او را قسمت نموده و ضامن شده که البته وفا کند و علم را نزد اهلش
سپرده و امر فرموده اند شما را بیاد گرفتن از ایشان پس طلب کنید تا بیابید و در بعض احادیث تشبیه
شده کسی که بی شعور بنظر نمود نادر امور بنا ضایع نموده صرف رفع ظلمت جهل و امر حق نخود نکند
بکسی که چراغ را روز روشن کند شب در تاریکی بماند و فرموده پیغمبر به حضرت [illegible] که با علم بمسائل نبا
و حضرت صادق ع می فرماید هر که علم دین یاد نگیرد روز قیامت خدا نظر رحمت بسوی او نکند و هیچ
عملی را از او قبول ننماید و فرمود چون خدا خیر بنده را خواهد او را در دین فقیه نماید [illegible]
گویند که چون شیطان همیشه در فکر گمراهی مؤمنان است و برای شغل مهلت خواسته هر قدر آدمی
بکمال هدایت نزدیک تر شود سعی در اضلال او بیشتر کند از اینجا است که شقاوت و امت اهل معرفت
که اتفاق افتد شدید تر از شقاوت اهل جهالت است چون [illegible] انتهی نقل
میل بهشت صرف نمودند و ایشان را نتوانست [illegible] جهل گمراه کرد با تمام تمام [illegible] تقلید امام [illegible]
صعب تر از جهل هلاک میکند لذا خواص را بسبب اعتبار علوم [illegible] که طلبه [illegible]
علم [illegible] زیاده [illegible] امر [illegible]
شرایط [illegible] سؤال از او و قبول اقوال [illegible] مطالب [illegible]
اول [illegible] علومی که نافع است [illegible] علوم [illegible]
شرط لازم است [illegible] عبادات که توفیق است [illegible] علم که افضل و اقدم و اشرف و اهم آنها
است و معلوم است که [illegible] عبادت [illegible] طلب علم که
[illegible] علم [illegible]

## در بیان علمیکه نافع است

که کتاب و سنت است و غور در غیر اینها لغو و مذموم است بلکه بموجب تقریر مذکور بدعت و باعث ضرر عظیمی
مگر آنکه بعضی از آنها از صناعت باشند و نه از اهل علم و عبادت و بعضی متواتر است از ائمه هدی علیهم السلام
که هر علمی که از ما اهل بیت صادر نشده باشد باطل و باطل است و امیرالمؤمنین صلوات الله علیه بکمیل فرمود
که ای کمیل مگر از ما تا از ما باشی و در وصف فقیه حقیقی فرمود قرآن را ترک نکند برای رغبت بچیزهای
دیگر و فرمود بدترین عالمی که مردم اتفاق کرده اند بعلم او و بعزم خدا و رسول خدا و اهل بیت و حواشی او را گذاشته
و غیر آن را اخذ کرده که خدا و رسول باز نموده اند اخذ علم نکرده بلکه از آن را اخذ کرده و فرمود بعضی از شما
تعاطی کنند حضرت صادق علیه السلام می فرماید که اهل دین که از دلهای مردم کنند هم مردم او را زایل کنند و هر که
از کتاب و سنت فرا گیرد زایل نشود کوهها و او ثابت است و فرمود هلاک شد اهل کلام مگر کسی که از ما
کند و فرمود از مرها می طلبید و امی که از ایدی بیفزاید علم بر اکه رسول خدا است خدا می فرماید که بگو یا
محمد صلی الله علیه و آله خبر دهم شما را بزیانکارترین مردم در عمل جماعتی اند که گمراه و ضایع شد سعی ایشان در حیات دنیا
و حال آنکه ایشان پندارند از کمال حمق که کار خوبی کرده اند و فرمود بدانید بیشتر آنها از دانایانها
و در جند بن حارث فرموده اند که با آن هلاک شود عالم مگر در اینجا و در حدیث است که علم نافع آن است که موجب
بهبودی نفس باشد و منقول است که حکیمی هشتاد صندوق کتب جمع کرده بود پس وحی شد بسوی پیغمبر آن
عصر که بگو با آن حکیم که مثل انعام با آن جمع کردن نفعی نخواهد داشت تا عمل به سه چیز نکنی اول آنکه محبت
دنیا که خانه مؤمنان نیست دوم آنکه مصاحب شیطان نباشی که رفیق مؤمنان نیست سیوم
آنکه آزار مؤمنان نکنی که کار مؤمنان نیست و فرمود علوم را محض در چهار یافتم اول آنکه خدای
خود را بشناسی دوم آنکه بدانی چه نعمتها بتو داده سیم آنکه بدانی از تو چه خواسته چهارم آنکه بدانی چه چیز
ترا از دین بیرون می کند و از امام حسن علیه السلام نقل فرموده که پرسیدند که کدام علامت است اول آنکه
پروردگار را بشناسد دوم آنکه مراد او را داند تا بعمل آورد سیم خلاف خواهش او را داند تا ترک
کند حضرت کاظم علیه السلام فرمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله دید که گرد شخصی جمع شده بودند پرسید این کیست گفتند
علامه فرمود چه علامه است گفتند داناترین مردم است بانساب و وقایع و اشعار عرب فرمود که این علمی است که ضرر ندارد
کسی را که نداند و نفعی ندارد کسی را که داند علم همین سه تا است آیه ظاهر الدلاله یا فریضه که خدا عادله
فرموده یا سنتی که باقی است تا قیامت و هر چه غیر اینها است فضل و زیادتی است و بکار نمی آید تمت

# در بیان علمیکه نافع است

و تعبیر بعض روات بران به تمیز اعظم که از اهل کتاب حکمت و معارف منسوبست مشهور است و فرمود یا اباذر بد
ترین مردم نزد خدا در روز قیامت عالمی است که بعلمش منتفع نشود و فرمود یا اباذر هر که از علمی اجتناب کند
که باعث خوف و گریه او نشود سزاوار است از اهل علم نباشد که نفع از آن نبرده زیرا که خدا میفرماید ان الذین
اوتوا العلم من قبله اذا یتلی علیهم یخرون للاذقان سجدا یبکون و یزیدهم خشوعا مؤلف گوید اشتغال و
تداول این علوم بالذات که بواسطه احداث یا شبهات و منع جمع یا سنن مؤکد است بلکه اخلال
با داب شرایع کمال منول واجبات حرام یا مکروه در نهایت شد دست ضررش اگر همین باشد که دلها
از اقبال بمواظبت اعمال و تفقد و محافظت اوراد مرتبه و حضور در شبانه روزی با کمال حضور و فراغ بال مشغول
و متفرق میسازند با نکار و تنفر بکار در خیالات تحصیل چنانکه بر متصفی ظاهر است کافی است و خواص
عرفا که امانات سنن مؤکده را ضایع نموده ضایع و مهمل گذارند و محافظت قیام دیگران چه رتبه
میدارد و در حدیث معتبر وارد شده که دلهای بدگویان در عنبر که الهی شقاوت دارد و خویشان
میدانند که بمعنی بتر بر رسیده است پس هر گاه چند روزی گذارند متنبه میشوند لیکن بسیار شده است
ترک شغلی که عمرها در تکمیل و تشیید بانی آن ضایع شده باشد لاحول و لا قوة الا بالله سابقا عذری
برای خود میساختیم که بسبب تشحید ذهن معین است بر فهم معنی علم نافع و این از تسویلات
شیطان بوده که بمصداق حبک للشیء یعمی و یصم چون از عنفوان شباب بتقلید اصحاب
شیخنا ان علوم نامربوط بود میدانستیم بخواب و الحمد لله نمودید با قطع نظر از خطاء اجتهاد در
برابر نص و تسلیم اعتنائی از جهتی مضر است بجهات شتی از احتمال کلی بدعت اهم و اقدم و اعظم آنها حرام
است و خطرات شبهات و تقویت اوهام و تحیر و فطرت مستقیمه فهم جبلی چنانکه از بعض مشایخ حکیم شنیدم
که در منزل احادیث میکردند میدیدیم و از حجی که در اواخر متاسف میبودند میشنیدیم و بدیهی است که هر معین فی
الجمله مطلوب نیست و الاهم موسیقی و بعض انواع قمار و کهانت و شعبده در تقویت فکر بر که از فلسفه و نحو او کمتر
نیست علی سوتون علیه مطلق مطلوبست با وجود هر مطلبی که از فلسفه کم بر فضلا و بطلی بعقاید ایمانیه
در متعاملات انها بر تقدیر توقف و نیز با بیست اکتفا شود بقدر توقف نه بیش بقدر سعقل سر و اکتفا بطریق
ارکه شیر در شرع بیع یا تم تکلیفنا انها خوب تعلیم انها بعینه از قبیل است که در بهلکه عظمی مرد را الکمال تاکید
و استعمال نمیکنند که هر که از آن افات تغافل هم سالم ماند در روز بزرگ نجات تحصیل هزار درجه با قیم برای خود بعتا

## در بیان علت تالیف کتاب

ابد به ستم و غنایم باشد باید فوراً تا فرصتی دارد بتعجیل هر چه تمامتر از این امر بهر طرق باز ایام برساند و تو نیز دو باز ایستاد
بر بینی که موانع و علایق از شش جهت هجوم آورده مردم را از بالا رفتن باز میدارند و با هر کس که بدست آید دنبالش
و کمرها را زده و از صد هزار یکی بند تا از دست اینها جسته خود را پیش تو رساند سیلابها را دروازه زده و ابنیه کرده
تو را دنبال عنقریب خود را بتو میرسانند و هر کس باندک تاخیر و غفلت از بالا رفتن باز مانده ظلمها بینند هلاک
ابدی میان ایشان زنند و دنبال خویش هالا را دم دیگر یا ماه دیگر یا سال دیگر برای هنگامه غوغا و شورش و غلغله و فتنه
و بلا و قلت فرصت و ضیق مجال مهلت و کثرت عوایق و ازدحام علایق و هجوم رحلت خلایق تو حکیم
گوش و چشم هوش بسته و بخواطر جمع نشسته شروع بفکر و مطالعه غور و با امثال خود در مطارحه و شوق
که الیتی بجهت صعود باعلی مراتب سطح ضرور و هر قدر محکمتر و پاکیزهتر بهتر و هر چه قویتر از شکست
کبر و مسلمتر بهتر سلمی که باید شمشیر بلکه فولاد خراسانی بیکار است و هیکل شمار بلکه مقربی محکمتر و بر جوهر
تر است انگاه بخیال آن فولاد و اسباب و لوازمات سفر مرافات بیار مغرب ظلمات سالها مشغول مزدوری استاد
و کتابی تجار بلکه محبوس و کفا و قیام بعد از آن شروع بوده تدارک اهمال و انفعال مسافرت با قدام فرمایی و
در گفتن و نوشتن هر مبادی از عقول و اسما معاملات آن اسما تحقیقات و تدقیقات و احتمالات و
و خیل شبهات و طرق اشتقاقات میدولد در هر معنی و وضع هر کلمه شرط وقت بهاری در منازل و قرب
بحجت و استقرا و تحقیق اتحاد وجوه و بقای اشیا و شرح حواشی غواشی اشارات شفای مرضی کیفیات
طبایع و ترتیب استقصاءات اولی و ترک اجتناب از جزء اجزاء متجزیه لایتناهی بالایتجزی و اشتغال الاحوال شاغل هر فضا
از خلا و ملا و کشف کیف فعل و انفعال ازدواج و حصول مزاج از حرکت و سکون عناصر امشاج و توالد
ثلثه و ربط معلول حوادث تقدیم و کیفیت علت محدث و احداث و تشخص ماده و صورت در هیولای نا
مشخص و تخصیص بعضی صنایع معانی از تباین و تساوی و اعم و اخص و تحدید مقولات جواهر و اعراض و تهذیب
هر ایراد و اعتراض و تنقیح قواعد و امثال بطریق عکس نقیض قیاسات صغری و تقسیم و املال و انتاج صغری و کبری
خارج از حد وسط و اعتدال و اشکال عقیم الاشکال و تعیین عالی و سافل و وصول نسب از کلی و جزئی
از انواع و اجناس و تهیید قضایا با مهمل یا محصور متصله منفصله و کذب تصور تباین تکرر خطابات شعری
و جمله الاساس با کمال دقت و وقار بضبط اوراق و اشجار عمر کرده و مدارج سطوح مرای
بهشتا و طول و عرض و محیط سیاره و تاریخ طالع منحوس و مسعود موارد هر یار و حفظ از این نواد

# دیباچهٔ نافعه

مقبول خاطر طالبان باد که بر ساعات عمر و دقایق اشتغال لیل و نهار بر ذخیره کمال شعف داشته باشی که هیچ کس 1
بمثابت وقت من تحصیل الذی ترقی اوج بام سعادت نکرده و اگر هم در ضلال [illegible] نزول [illegible] شرم موت
فوت فرصت [illegible] که در مقدمات خبر [illegible] خواهد بود [illegible] زحمت و مشقت بسیار
و قطع [illegible] و طی ممالک [illegible] الاخطار [illegible] برکشند حالی داشته باشد
بهمین چیز راجع کرده و با استفاده [illegible] از سوانح طریقه و وقایع ظریفه متحقق شده معطل
و [illegible] ناگاه با [illegible] ملال و تفاوت مجال [illegible] الاینا [illegible] از عروج اوج سعادت
محروم و در اسفل السافلین [illegible] مطرود و محشور گردند [illegible] که [illegible]
سالم [illegible] مشوبات و تقرب
الهی [illegible] در حسرت و [illegible] و ندامت و خسارت [illegible]
بمانند [illegible] که از اول [illegible] از آن راهی که شارع واضح نموده بود بمامن رسیده بنصرت و
توفیق و رحمت تایید الهی که [illegible] با علا مدارج عزت و سعادت
ابدی [illegible] ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم [illegible]
[illegible] علوم [illegible] تحقیق [illegible] و غوص
و غوص [illegible] فنون [illegible] حکمت فلسفه
اشرف و [illegible] استفاده و افاده [illegible]
نموده [illegible]
بیشتر [illegible] تمام در استفادهٔ
این علوم [illegible] چشم خود [illegible]
چشم [illegible] با کمال صفا و جلا ساخته و بالوان تکلف
و تصنع [illegible] اشعار منظوم و افادات شعریه [illegible] حاصل
نمی شد [illegible] و اصل [illegible] محروم [illegible] بعضی
از ذرها [illegible] و اشاره
[illegible] از ضلالت [illegible] قواعد [illegible] بوده اند

دهال

## در بیان علماء فلسفه

بودند و حال آنکه گمراهی ایشان که بدو و در اسلام بدع عاطله و مذاهب باطله تصوف و الحاد و غیر ذلک از
ایشان ظاهر شد چنانکه نقل کرده‌اند بو علی خود در پیش اهل دنیا فاجر و آخر در پهلوی اسمعیلیه اشقیا
کافر مرد و اعتقاد در حقیقتهای الهی و معراج و حدوث عالم الهی و علم بجزئیات نداشت و از شاگردانش عمر خیام
جبری و تناسخی و شهود بسا خوبی شاگرد بهمنیار ارشد تلامذه بو علی بود که بسیار که از عجایب دعای نبوت
مینمود و حسن صباح از دلائل فلسفه ترویج مذهب اسمعیلیه و ملاحده کرد و در بعضی روایات نموده که اسحق
کندی فیلسوف عراق بود شروع نمود بتالیف تناقض القرآن که حضرت امام حسن عسکری علیه السلام او را بیک
کلمه باطل کرد و اهل کلام هم اصول چند از فلاسفه گرفتند بعضی مضمون و منه مذکور میشود ایشان مثل
نص الهی مسلم شوند و از قبیل اینکه تا چیزی بحد وجوب نرسد محالست که موجود شود و چون علت تام
شد ممتنع است که موجود نشود بالتزام همین مقدمه تمامی امور شرع مختل است از اختیار شرعی تکلیف
عباد ثواب عقاب معاد بلکه ذات الهی تعالی شانه انداز [illegible] از ملامت باک نداشته
باشند [illegible] گوید که این مقدمه را مسلم ندارم و چون از محققین ایشان مضایقه ندارند از قدم
زمانی عالم صریح قرآن و سنت بحدوث زمانی و نیز از اینکه خدا عین وجود قایم بذات باشد با حکم عقل با امتناع
انقلاب تا بهم بذات بودن امر اعتباری و ممکنات و بعض صحاح در اینکه هیچ چیز خصوصا ذات خدا عین وجود نمیتواند
بود و اگر اهل کلام گفته شده که بجهت حفظ شرع گوید که این را اصل ساخته‌اند همه تحقیقات دور و دراز
نماینده [illegible] دیگر مبین و معارض قول خدا و رسول امین و مخالف اجماع شرع متین است این همه طول
کلام و ترد [illegible] این مرام برای چیست از عالم کسی که مرتکب عظیم شده باشد تشنیع سعی کند که مسئله
افاده عقل را چه محال معارضه نقل است و حال آنکه خودشان با تسلیم این مقدمات در جاها در ماندند اعتراف
بعجز و فهم مینمایند پس پیشتر از هدم قواعد شرع اجتماع میدارد بغیر تعصب و جدال حق تعالی حکم خواهد
کرد میانه ما و ایشان در روز جزا و از اینجاست که رد احادیث متواتره طعن و ذم اهل کلام شده چنانکه
گذشت و نیز شیخ رحمه الله از ابن سنان روایت میکند که مؤمن الطاق که از متکلمین شیعه است
اذن سؤال اذن دخول کرد بر حضرت صادق علیه السلام پس آنحضرت بعد از سخن بسیار
فرمود اذن مده او را بر من بجهت آنکه کلام و خصومت فاسد بر طرف میکند این را و بر روایت دیگر
فرمود متکلمین این طایفه بدترین ایشانند فرمود بدانست بر شما که [illegible] نشود تا از ما نشوند

۱۰ و فرمود هلاک شدند اهل کلام و نجات یافتند مسلمین که مانعند مجادله را نهاد شدند که سو با حضرت عرض
کرد که برای الزام خصم احتیاج بان میشود فرمود مجادله کنید با چیز بشما رسیده از علوم ما پس اگر بر شما غلبه
کنند بر ما غلبه کرده اند و ابن بابویه بسند صحیح از محمد بن عیسی ثقه روایت کرده که خواندم در کتاب علی بن هلال
بحضرت کاظم علیه السلام که اصحاب ما از آباء کرام تو علیهم السلام نقل کرده اند که نهی فرمودند از کلام در امر
دین پس شیعیان تو که متکلمند تاویل کنند که نهی مخصوص کسی است که خوب نمیتواند حرف زد اما چنین است نوشتند
که آنکه خوب میداند و آنکه نمیداند هیچ کلام تکلم نماید که گناهش بیش از نفع است و بعد از این روایت شیخ رحمه الله می‌نویسد
که احادیث بسیار در این معنی متواتر است و در صحیح در تفسیر آیه ان الی ربک المنتهی وارد شده که هرگاه سخن بخدا
منتهی شد ساکت شوید و در صحیح حضرت باقر علیه السلام میفرمایند ای تنها دو حیدرکن و خصومت مکن که موجب
شکست در عمل و هلاکست و شاید کسی بچیزی تکلم نماید که امر دین بر او مشتبه شود بتحقیق که بودند در زمان
گذشته قومی که ترک کردند تحصیل علمیکه مامور و مکلف بان بودند و طلب علمی مینمودند که بهره
ایشان نشده بود تا آنکه کشید ایشان را کلام بسوی خدا پس متحیر شدند بحدیکه اگر مردی را از پیش رو می
طلبیدند از پشت سر جواب میداد و در صحیح فرمود بپرهیز از اصحاب کلام و خصومتها و از همنشینی ایشان
که ترک کرده اند آنچه را که مامور بدانستن آن هستند و بتکلیف و مشقت انداختند خود را بر تحصیل
علمیکه مامور بدانستن آن نشده اند و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه میفرماید که ذم شما و بپرهیزید
از جدال که باعث شک میشود و خود را بتشکیک مدارید تا شک و شبهه بهم رسانید و در دین خدا
و مصالح دینی بهره از کلام و جدال و تفکر در خدا بسیار است که باعث نفاق و حیرت و کینه و
شغل قلب از ذکر خدا و افترا میگردد و بتجربه رسیده و از ابن عباس مرویست که قومی در ذکر صانع تفکر
میکردند پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله ایشان را منع کرد و فرمود تفکروا فی خلق الله و لا تفکروا فی الله مولف
گوید سابقا اشاره شد توهم میشود که علم کلام واجب کفائی باشد برای رفع شبهات اما حق مضایقه نیست
که اگر رفع همه شبهات وظیفه غیر امام هم باشد علم بکتب احادیث اصول زعمت انها بر مجاهد و اکثر کتب مشتمل است
بر جوابهای شافیه متعلقه از شبهات معاندین و مخالفین که ائمه ما علیهم السلام فرموده اند و ضبط آنها کافی
برای هر شبهه تازه هم که رو دهد بجا آنکه احتیاج بکلمات و اصطلاحات فلاسفه نمانند و مقصر بین اظهر معاشر
و فضلای این شهر متهمدم که احادیث مشکله و مطالب غامضه اصولیه را بقدر الهی بعنوان تقریر و تحریر نما

# در بیان شرایط عالم

که اصلا باصطلاح منطق و کلام هم احتیاج نشود الحمد لله جل و علا فرق و تمیز عالمی که ابتدا و ۲
سؤال و ... باعث تقلید اقوال و اعمال و مانند طاعت خدا و رسول عوام است بلکه خواص را باعث طاعت و نجات
ابدی و موجب کرامت سرمدی بلکه اعلی مرتبه رضوان و لذات و درجات سرمدی میتوانند شد با آنکه در او دو شرط
معتبر است باجماع جمیع علمای مؤمنین اول عالم بعلوم اهل بیت رسالت بودن چنانکه گذشت دویم عمل بمقتضای
تعلیم نمودن چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله میفرماید که علما امینان پیغمبرانند بر بندگان خدا تا اختلاط
دنیا و سلطان نکنند چون کردند خیانت به پیغمبران کرده اند پس ایشان را متهم دارید و حذر نمائید و امیر
المؤمنین صلوات الله علیه از نبی علیه السلام ذکر فرموده که دنیا درد دین است و عالم طبیب دوای دین پس
چون به بینید که طبیب درد را بسوی خود میکشد او را متهم دارید که چون خیر خود را نخواهد خیرخواه دیگری
نخواهد بود و حضرت صادق علیه السلام میفرماید که چون عالمی را به بینید که دنیا را دوست میدارد او را متهم
دارید بر دین خود که هر کس چیزی را دوست دارد آن را میطلبد شاید دین خود را برای دنیای خود ضایع نماید بتحقیق که وحی شد
بداود ع که میان من و خود واسطه قرار مده عالمی را که فریفته دنیا شده که ترا از محبت من برمیگرداند بدرستی
که ایشان راه زنان بندگان منند و کمتر عقوبتی که با ایشان میکنم اینست که لذت و حلاوت مناجات خود را
از ایشان سلب میکنم و از رسول خدا صلی الله علیه و آله ذکر فرموده که دو صنفند از امت من که صلاح ایشان
باعث صلاح جمیع امت من است و فساد ایشان باعث فساد جمیع امت من فقها و امرا و حضرت امام حسن
عسکری ع از حضرت سجاد ع ذکر میفرماید که بحسب ظاهر فریب مخورید که بسیار است که دین را دام و
تله دنیا کرده اند و چون بمال حرامی رسند نمیکنند و اگر هم ضبط خود نمود فریب او را مخورید که
شهوتها مختلف میباشد بسیار از حرامی که عفت میورزند و حرام دیگر از مشتهیات نفس مرتکب میشود
و اگر از همه عفت دارند باز هم فریب مخورید تا ملاحظه عقل و عمل او کنید و بسیارند که اینها بنادانی
فاسد میکنند زیاده بر آنچه که بعقل اصلاح میکنند و عقلش را که متین یابید باز هم فریب
مخورید تا هنگام غلبه خواهشهای نفس به بینید تابع اینها میشود یا تابع عقل و بر بینید چون
است محبتش و بریاستهای باطل و مطاع بودن و زهدش در دنیا زیرا که میباشند بعضی که خاسر دنیا
و آخرت اند دنیا را برای دنیا و ریاست اعتبار ترک میکنند پس حضرت این آیه را خواندند یعنی که چون با
او گویند از خدا بترس تکبر و حمیت و جاهلیتش کم باینکه مرتکب آن شود که منع کرده اند و بلجاج زیاد ترکند پس است

# در علامات علمای آخرت

او را جهنم بیرون چیزها میکنند بهانهٔ حضارت برسید انگاه خدا منع لطف از او نموده به طغیان اند چون الله
میکند هر انرا حرام می کند حلال ان را دیرپا ندارد از هر حیله ... [illegible] فوت شود چون ربا است نبوی و سالم ...
که برای ان تقوی را اظهار مینماید لیکن مرد تمام کسی است که خواهش خود را تابع امر خدا نموده و خود را صرف رضای
خدا کند انانکه با حق و راستی که سزاوار باشد عزت ابدی دارد و عزت باطل زود فنا است و بدانکه اند مشغله
دنیا برای تابع حق بهشتی پیدا اند و اگر هرکه زوال دنیا ... [illegible] اند که سر و روی بنها همتا بهشت هوا درد
میکشانند او را بعد از انکه انها فنا گردند و همچنین مرد تمام مرد است پس با این همه متمسک شوید و برکت او بجا
متوسل شوید که رد نمیشود دعای او و حاجتش روا است و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود یا ابا ذر
چون ببینی زاهد خود را از اهل دنیا بیرون شو از او بتحقیق که حکمت به او القا می کند گفت کیست زاهد ترین
مردم فرمود کسی که فراموش نکند قبرهای پوسیده را و ترک کند بادی دنیا را و اختیار کند باقی را بر فانی
و فردا را از ایام عمر خود نشمارد و خود را از مردگان شمارد یا ابا ذر بتحقیق که بدترین مردم در منزلت نزد
خدا عالمی است که به علم خود منتفع نشود و قومی از بهشت بقومی از جهنم مطلع شده گویند چه چیز شما را
به جهنم برد که ما برکت شما به بهشت آمدیم گویند که ما می گفتیم و نمیکردیم یا ابا ذر هر که موافقت نمود قولش
فعلش را پس او کسی است که بهره خود رسید و الا عزان نیست که توبیخ خود خواهد کرد و فرمود وای
بر عالمی که برخواهش نفس تکلم نماید و هر کس عادتش شد بد تر از او نخواهد بود و بر قاضی هیچ عالمی نزد
سلطان نمی باید با اعتبار مکر شریک او باشد دانش ... و احادیث در منع ... و حرص عالم بجمع
در مسئله دین و مذمت ان بسیار است و در حدیث عیسی علیه السلام واعظ غیر متعظ تشبیه شده
بشمع که خود بسوزد برای نفع غیر و بفرما ... که هر چه دقیق و لطیف است بر زبان می کند و بخاطر ... درشت
برای خود نگه میدارد خدا در قران میفرماید یا ایها الذین امنوا لم تقولون ما لا تفعلون کبر مقتا
عند الله ان تقولوا ما لا تفعلون و ترک موعظه بال و فایده ندارد بلکه ... علم و اخبار جرات کرده
بلکه ابتدا به موعظه نفس خود به یاد شاهد مردم پرداخته و عمل مقدم بر قول است چنانکه در وصیت ابوذر
اشعار ... گذشت و در صحیح حضرت صادق علیه السلام میفرماید که مثل بهترین مردم و عظیم ترین مردم در ...
روز قیامت کسی است که حرف عدل گوید و خود نکند ... [illegible] علامت ... بودن از ایها باشد
که بیش از من شیطان ... پناه خود ... بالله الرجیم ... معرفت و ...

و نه معرفتی را مگر با عمل بدرستی که اجزای ایمان از هم حاصل و بهم مربوط اند و مفهوم علم مقرون است بعمل پس هر که
دانست کار می کند و هر که کار کرد دانا میشود و علم میطلبد عمل را که اگر اجابت نماید والا علم هم میرود و نیز جمله
است که هر که عمل کند بانچه داند حق تعالی علم انچه نداند باو بفهماند و مؤلف گوید که بتجربه رسیده هم چنانکه
زیادتی معرفت باحوال مبدا و معاد باعث میشود شوق عبادت را که باعث بهجت و قرب بمبدء و نجات از اهوال و
حسرت معاد است هم چنین بعمل بر طبق آن شوق و زیادتی آن نور معرفت بیشتر و دل نیز و بدل روشن تر میشود
بلکه از حالت سابق او استغاثه میکند و بترک عمل روز بروز ظلمت و قساوت دل زیاده شده بمرتبه ای میرسد
که مانند ارباب علوم باطله بر اتباع عوام کالانعام بنوعی تر و گمراه تر و در عبادت بی بال تر و بی ذوق تر هم
باشد بعلت آنکه شفای توفیق الهی شامل هر کسی میباشد که اول نیت صحیح عمل عمل را که نفس و دل را از
لوث هوا و سیئات و کثافات و رذایل صفات نفسانیه پاک نموده پاکیزه نگرداند و الا از قبیل مقویات بدن
است که در باطن مریض جزم باعث زیادتی قوه مواد فاسده می گردد و از ما لم وضع خوش بوی لطیف بطرف
تند رکثیف تعفن از ظرف البته بهمان قدر لطافت حال و کثافت محل بیشتر میشود و معلوم است که عالم
بی عمل و غیر شرعی بی نیت صحیح تحصیل کرده از این جهت از غیر عالم افسده تر اند بلکه عوام بملازمت و صحبت
علما و شنیدن و تتبع و ممارست آثار ائمه هدی علیهم السلام بمرتبه ای از رشد و صلاح میتوانند رسید
که از علما نقل مسایل دین بر او هدایت و ارشاد مردم توانند نمود مانند اکثر راویان اخبار و مردم هم
از این قسم عامی میتوانند حدیث و مسئله ای پرسید زیرا که هر چه از علما حفظ نکرده بتقوایی که دارند بتکلف
دخل نمیکنند اما از آن قسم عالم ببالت نمیتوانند شنید و طریق تحصیل علم عوام که تصحیح نمود
از سعادت متبر عالم محروم کرده اند مخفی نیست که در مثوبات و درجات علما شریک خواهند بود
چنانکه در حدیث مستفیض منقول است که هر که چهل صباح از برای عبادت خدا اخلاص ورزد حق سبحانه چشمهای حکمت
و معرفت از دل او بر زبانش جاری گرداند و بسند صحیح از حضرت صادق ع منقول است که هر که از امت من چهل حدیث از مسائل
دین حفظ نماید خدا او را عالم فقیه محشور نماید و فرمود یا اباذر هیچ بنده در دنیا زاهد نشد مگر آنکه خدا
ثابت کرد باینده حکمت را در دل او و گویا کرد باین حکمت زبان او را و بینا ساخت او را بعیبهای دنیا و دردها و دواها
آن را باو شناسانید و بیرون برد او را از دنیا سالم بسوی دار السلام بهشت و فرمود هیچ عملی چون یقین در شنیده
نیست و بدانکه احادیث در آداب طلب علم برای خواص و عوام که مرتبه نهاد موضع ترتیب مطلوب البته ملحوظ

# در علامات علمای آخرت

۱۱ بسیار است باید رجوع بکتب ایشان نمود و حضرت صادق عم بعد از آنکه در حدیث طولانی عنوان
بصری که طالب علم و تعلم او بیان از آنحضرت فرمود که علم بتعلم و درس خواندن نیست بلکه همان نوری است
که میتاباند در دل کسی که خدا میخواهد هدایت او را پس هرگاه علم خواهی طلب اول در نفس خود حقیقت بندگی
و طلب علم کن باستعمال آن و طلب فهم کن از خدا تا بفهماند ترا گفت کدام است حقیقت بندگی فرمود
سه چیز یکی آنکه بنده خود را در چیزی که خدا باو داده مالک نبیند که بندگان ملکی نمیباشد و مال را مال
خدا دانسته با آنچه فرموده صرف کنند دیگر آنکه خود را مدبر خود نداند دیگر آنکه شغل خود را در
آنچه خدا امر و نهی فرموده منحصر داند پس چون خود را مالک چیزی نداند انفاق بر او آسان شود در هر مصرفی
که خدا فرموده و چون تدبیر خود را بمدبر خود گذارد آسان شود بر او مصیبتهای دنیا و چون مشغول
مشغول امر و نهی الهی شد فرصت نزاع و مباهات با مردم ندارد پس هرگاه خدا گرامی داشت بنده را باین سه
کرامت سهل شود بر او دنیا و شیطان و مردم و طلب دنیا نمیکند برای تکاثر و تفاخر و طلب چیزی که نزد
مردم است نمیکند برای عزت و رفعت ایام خود را باطل نمیگذارد بغفلت و این حالت اول پایه
تقوی است و فرموده حق تعالی تلک الدار الآخرة نجعلها للذین لا یریدون علوا فی الارض ولا فسادا والعاقبة
للمتقین پس عنوان گفت مرا موعظه و نصیحتی فرما فرمود ترا بنه چیز وصیت میکنم که اینها وصیت من است مریدان راه
حق را و از خدا سؤال میکنم که ترا توفیق استعمال اینها بدهد سه در ریاضت نفس و سه در حلم و سه در علم است
پس حفظ کن اینها را و زنهار اینها را سهل مشمار و سهل انگاری مکن اما آنها که در ریاضت است پس حذر کن از خوردن
چیزی که اشتها نداشته باشی که موجب بلادت و حماقت است و مخور مگر هنگامی که گرسنه باشی و حلال بخور و نام خدا ببر و بیاد آور
حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله را که پر نکرد آدمی هیچ ظرفی را که بدتر از شکم خود باشد اگر ناچار باشد ثلثی
برای طعام قرار ده و ثلثی برای شراب و ثلثی برای نفس خود و اما آنها که در حلم است پس هر که بتو گوید اگر یکی
گوئی ده تا بشنوی بگو اگر ده تا گوئی یکی نشنوی و هر که ترا دشنام دهد بگو اگر راست گوئی خدا مرا
بیامرزد و اگر دروغ گوئی خدا ترا بیامرزد و هر که ترا وعده ناسزا کند تو با او وعده نصیحت و دعا کن و اما
آنها که در علم است پس سؤال کن از علما هرچه ندانی و زنهار بپرسی از ایشان برای امتحان و تجربه و حذر کن
از عمل برای خود چیزی و احتیاط کن باحتیاط در جمیع چیزها هیچ راهی نیابی و بگریز از فتوی مانند گریختن از شیر
و گردن خود را جسر برای مردم مکن و فرمود طالبان علم سه قسم اند یکی طلب کند علم را برای جدال و بجهت

# در علامات عالم است

یکی برای کسب روزی دنیا و فریب مردم و یکی برای عمل اول و روزی مردم است و متعرض کفتکو میشود و مجا
و دانش و علم خود را ابتدا یاد میکنند و خشوع را بر خود میبندد و خدا دماغ و بینی او را بکوبد و
پشت او را بشکند دوم صاحب مکر و حیله است و با امثال خود از علما که رسند بالا دستی و زبان
درازی میکنند و با اغنیا شکستگی و فروتنی مینماید و چربی شیرینی ایشان را خورده دین خود را بر
آنها ضایع کند خدا بینائی او را کور و اثرش از میان علما برطرف و دور کرداند و سیم صاحب حزن و غمگین
و محزون است و شبها بعبادت بیدار است و بیت الحزن می نشیند و بر کلاهی که بر سر دارد و در تاریکی شبها
بعبادت می ایستد و با عبادت همیشه در ساخت و مشغول عبادت و ادعیه و پوستینه مشغول
دعا و تضرع است اقبال دوره بکار خود کرده متوجه اصلاح خود است اهل زمان خود را میشناسد از اوثق
دوستان و برادران خود در حذر است که مبادا دینش را فاسد کنند پس خدا ارکان او را محکم کرداند و از
خوفهای قیامت در حفظ و امان خود نگاه دارد مؤلف گوید که با اطلاع عوام بصفات عالم شرعی
در علم و عمل که اقتدا و متابعت موقوف بر آنست حاصل میشود بمباشرت و ملاحظه صلاح او در
حالات مختلفه از رضا و شدت و غضب و غفلت و شهوت و خلوت و مشاهده اوضاع و اطلاق بموضع
و زهد در دنیا و ملاحظه عقل و انصاف و قول و فعل و احتیاط او در امر دین و فتوی و نقل حدیث و مجا
ادای فرایض خصوصاً نماز از کمال وقت و حضور قلب و عدم وسواس و مواظبت سنن مؤکده و عدم
و همچنین بشهرت میان خلق خصوصاً عرفا که از بواطن امور مطلع میبوده باشد که اغراض نباشد که علما
بیشتر حسد بعضی برند در این مقام اقدام عوام از هر دو طرف افراط و تفریط بسیار میشود اما از طرف
افراط پس هر عالمی بلکه صاحب سوادی را بینند که در نهایت فصاحت حرف بسیار میزند نقلهای عجیب
و طرح مسایل عجیبه حل اخبار مشکله و قصص علما اعصار و سیر فقهاء مرتبا ذکر و بین بهت افضل
مجتهدین و همین است پیشوای اهل دین هر چند فساق و جهالت باطن او را فرو گیرند باشد و همین
افراط امر منحصر بتفریط و باعث بی اعتقادی بعلما هم میشود و این هم از شومی علماء سوء و ضرر ایشانست
بر دین و امیرالمؤمنین صلوات الله علیه میفرماید که دو نفر پشت مرا شکستند دانا بر دنیا دانای بی زبان او در نفاق
و نادان عابد و بزبانی که دادند مردم را از راه حق دور میسازد بسبب بخور و این از راه عبادت که مینماید مردم را از راه
حق باز میدارد بسبب جهل پس پرهیز باید از علماء فاسق و عابدان متعبد که شنیدم از دو ... که علما

# در صفت عالم بی عمل

سخن او درست هم موافق زبان انبیاست و هم روایت میکرد و دیگر تو و تتبع بیهیچ کلام تمام شد که در دست دارم حضرت
سلطان العلماء فرموده عالم بی عمل با ابلیس برابر است و سلطان بی عدل با فرعون برابر است یعنی که منصب عالم [illegible]
برابر است و فقیر بی [illegible] غنی بی کرم [illegible] طمع مال با سگ برابر است و زن بی ضرورت از خانه بیرون آید با کنیز برابر
است اما در علو و تفریط بین بعض [illegible] یاد [illegible] دیگر از علما [illegible] هر چند [illegible]
تواند داشت یا مکروه و ترک اولی باشد و منافی عصمت هم نیست یا بعضی گناهان که اصرار ننموده [illegible]
که از آن [illegible] نماید که منافی عدالت نیست کمال تامل و تحقیق نموده به وسوسه شیطان انس و
جن طعن بر ایشان زنند و بر هر غفلت و [illegible] ایشان دین و آخرت خود را بالمره فاسد کنند و حال آنکه
ایشان [illegible] گناه از ایشان بعید و بدیع نیست و [illegible] در امور معاش و معاملات مردم که لازمه
زندگانیست بعضا [illegible] اتفاق میافتند تا مرتبه اصرار [illegible] مانع اقتدا و
متابعت ایشان نمیشود بلکه موافق احادیث [illegible] برایشان نمیتوان کرد هر چند کبیره و اصرار
بر گناهان هم بکنند [illegible] در صورت [illegible] تقلید نمیتوان کرد تا توبه او معلوم نشود مگر
در صورتیکه استفاده محض تقلید نباشد چنانکه در روایت از رسول خدا صلی الله علیه و آله که اخذ کنید
از علما آنچه [illegible] و بگذارید [illegible] و تحقیق که حق تعالی برای عالم [illegible] نمی
بخشد [illegible] گناه که نبخشیده باشد برای جاهل یک گناه [illegible] کسی را که
[illegible] باشد جمیع اعمال او را [illegible] هر چند [illegible] باشد [illegible] بعضی علما را
یا اکثر علما [illegible] ایشان [illegible] علما [illegible] اعتقاد شده [illegible] گمان می کنند
که [illegible] در این زمان [illegible] بعضی علما است [illegible] ایشان ساقط شده [illegible] ایشان
[illegible] از طلب علم و عمل [illegible] باشد [illegible] خود [illegible] غافل [illegible]
[illegible] اسلام [illegible] صورت [illegible] باید [illegible] پیدا
کنند [illegible] لیکن [illegible] باشد [illegible] خواهند بود [illegible] شنیدم از
[illegible] طلب علم [illegible] قول [illegible] فلان و فلان که
[illegible] معلوم [illegible]
[illegible] ایشان [illegible]

والحق

# در مذمت عالم بی عمل

والحق این عقبهٔ مهلکیست که از دین بی کار ناید و الانسان بیچاره کردد ابتداء این موقع نکند شناخت البته
بفکر این افتاده باشد که هم چنانکه تحصیل هجرت بسوی اهل بیت رسالت و تحصیل علم از ایشان غرض از ایجاد
محمل مینماید هم چنین در این زمان ترک هجرت بسوی علما و طریقهٔ ایشان و تحصیل علم از ایشان غرض محمل
فوت میشود و اگر چه در این اوقات بعلت هجوم حوادث ایام و قلت تمکین فرمان فرمایان انام و سوانح اخر الزمان
علماء موصوفین بدکیج بمولی هرینا ماضلا طالبان را وعده فرموده که برسانند بدانکه چون بسبب کوری
و شدت هرج و مرج و نمود اهل بدعت و ضلالت در این زمان در لباس علما شهرت و کثرت بهم رسانیده
باضلال جهال مشغولند برای اتمام هدایت حجت اهل غفلت در این محل حدیث که برای تنبیه غافلان
باید بمثل این حقیر بی بضاعت رمزی از اشارهٔ خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله رشود و فرمان خاتم الاولیاء
صلوات الله علیه در مقام فضل شیعی جاهل اهل بدعت و طعن ایشان عموما و خصوصا می پردازد
بهلاک من هلک عن بینة و یحیی من حی عن بینة باید دانست که هر عملی بغیر سنت احمد و طریقهٔ محمد صلی الله
علیه و آله و سلم بدعتست و هر بدعتی ضلالت و بازگشتش بسوی آتش دوزخست بحدیث
متواترهٔ نبوی صلی الله علیه و آله و سلم بطرق خاصه و عامه فرموده توبهٔ صاحب بدعت قبول
نمیشود زیرا که در دلش محبت آن جا کرده و بدعت سرزده و در صحیح حضرت صادق علیه السلام پیغمبرها
صاحب بدعتی پشیمان شده و زنجیری در گردن بست و قرار داد که شاید الحال توبه اش را قبول فرمایند
پس وحی شد به پیغمبر آن زمان که بگو با و بعزت و جلال خودم که اگر اینقدر دعا بخوانی که بندهای
تو از هم بپاشد مستجاب نمیکنم دعای ترا و قبول نفرمایم توبهٔ ترا تا زنده کنی آنها را که گمراه کرده
و فرموده که چیزیکه بنده را از ایمان بدر میبرد آنستکه برای خلاف حقی قایل شود و بر آن بماند و این معنی
در صحاح متواتر است و در بعض آنها میفرماید که او ناصبی و دشمن ما است و بخدا مشرک و کافر
شده بنادانی و در حدیث از بدعت بغیر عبادت خدا شده و رسول خدا صلی الله علیه و آله
میفرماید که هر که نزد صاحب بدعتی برود و او را تعظیم نماید سعی کرده در خرابی اسلام و از شنیع و
اشنع بدع تحصیل علوم غیر حقه شرعیست چنانکه گذشت و از جملهٔ ضروریات دین معلومست که هم
از اندار زیرا که شروط آنها هم نشده در این زمان حکم رسیده که هر که بتلاش یا اقبال طبایع او باشد گردد
در مسائل و اجرای احکام کرده بعقل و فهم یا بمحض اینکه کتابی دیده باشد بجرأت حکم نموده و افتا نموده

# در مذمت عالم بی عمل

می نمایند و کبر و تعصب ایشان مانع از اقرار بجهل خود است و از روی جهل امری سند و دیده نیز متوالی از ایشان
تعبیر شود بکفر و ظلم و فسق و در بعضی اخبار متضاده و معارضه مثبتا و در رسول خدا صلی الله علیه و آله منقول است
با آنکه در کاه علمی از تو پرسند که نمیدانی بگو نمیدانم تا نجات یابی از عقوبت و فتوی مده بچیزی که نمیدانی
تا از عذاب روز قیامت نجات یابی و فرمود هر که فتوی دهد و ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه قرآن را
نداند خود و دیگران را هلاک کرده و این معنی متواتر است و ضروری دین اسلام است و حدیث است که جری
ترین شما بر آتش جهنم جری ترین شما است بر فتوی و حضرت باقر علیه السلام می فرماید که هر که فتوی دهد
مردم را بی علم و هدایت لعنت کنند او را ملائکه رحمت و ملائکه عذاب و باو رسد گناه هر که بفتوی او عمل کند و بسند
صحیح حضرت باقر علیه السلام میفرماید حذر نمایم شما را از دو خصلت که در آنها هلاک شده هر که هلاک
شده زنهار که فتوی بری ندهی و زنهار عبادت خدا نکنی بچیزی که ندانی رضای معبود دران است یا نه
همیشه متنبه از شبهه دانستی این بوده و احادیث کثرت و شدت لعن و طعن مفتی بغیر علم بمرتبه است که
بعضی علما قابلیت احتیاط در فتوی و نقل مسئله شرعیه و تعلیم مردم نمیکنند اگرچه این هم بدلائل بسیار
خطا است بلکه غالب اوقات اعانت بر بدعت مذکور است و سایر متوالی که اشاره بانها شده
با احتمال کلی در این شیوه هم میکنند و حضرت باقر میفرماید حق خدا بر خلق این است که آنچه دانند گویند و
آنچه ندانند توقف و سکوت نمایند از انجمله الحاد و تصوف است که بحسب سعی علماء اهل بیت عصمت
و اعانت سلاطین خوش اعتقاد منطمس شده بود تا در این اوقات بعلت فتور و اختلال و تشویش احوال و
ضیاع ایشان و احوال و غلبه مخالفان دین که ترتیب و تقویت صوفیه و ملاحده نمودند با اعانت شیاطین
جن و انس در این ازمنه حول هفتاد سال پیدا شده و اصل این معنی و موضوع در اصطلاح طوایف کسیست
که گوید ذات حق تعالی و کیفیت خلق را نشناختیم که او عین وجود و هستی هر موجود است
و بنا بر این عقاید را طور دیگر ظاهر مظاهر موجودات بعینه مانند تشکل شمع باشکال واهیه و صور غیر
متناهیه و ظهور دریا ها در قالبهای مختلفه از کبیر و صغیر و طویل و قصیر و غلیظ و غیر ذلک از عباد و نباتات
و انسان و حیوانات همه خدا است و صور کاینات در حقیقت هیچ نیست بغیر خدا اما باعتبار محض
خیالی پیدا است و هر چه هست عین خدا است حق سبک و چون بلکه خود شان هم خطای
امثال فرعون دعوی الوهیت میکردند مذاهب تعقیب خود بوده و شیطان را رئیس الموحدین دانسته

# در ذمّ متابعان اهل بدعت

وانند چون خود را موحّد بینند و هر که غیر این گوید نفهمیده یا بتعصب و تقوی تشیع ابا نموده و چون
بنای این بدعت را بر کشف و خیال ضعیف گذاشته اند فرقه متفرقه و آراء مختلفه دارند و اصل این بدعت از
مجوس و نصاری گرفته و منکوس فلاسفه و مجوس بوده و در عهد خلفای اهل ضلال بر خلاف و رغم ائمه
هدی علیهم السلام تجدید یافته بوده بعضی متشبعین بر اهل دین مخلوط نموده اند بطوار ایشان بعقاید حقه بعضای
کورشمس ایشان پیموده اند و بنا که و مفاسد ظاهر این عقیده احتیاج بیان نیست تحقیق مفاسد این عقیده امضه
انظهر و تغییرات و بطلان تکلیف شرایع و ثواب و عقاب غیر ذلک و فروع این مذهب تقیه یا حتی که شیطان
بخواطر ایشان دمیده برای فریفتن هر احمق شقی عامی از غنا و عشق بازی و وصل امردان خود و دست
بازی و سرقت و حیله بازی و رقص و سایر قبایح و فضایح و معاصی که هرگز ندیده و نشنیده و آیات
و احادیث متواتر است در کفر و لعن ایشان و متابعان ایشان عموماً و خصوصاً بسیار است و هر
ابد و امل بنی و سبیلی که در مذهب بدعت و افترا بخدا و رسول واقع شده در طعن ایشان صریح سنت
و در کتاب حدیقة الشیعة منسوب به مولانا احمد اردبیلی از چندین سند که یکی در زمان مصنف نوشته
شده و ذکر فرموده به سند صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام که هر که صوفیه نزد او مذکور شود
و انکار و طعن ایشان نکند بزبان و دل او از ما نیست و هر که انکار و طعن ایشان نماید گویا با کفار جهاد
کرده پیش روی رسول خدا صلی الله علیه و آله و در حدیث صحیح امام حسن عسکری ع میفرماید که خواهد آمد
زمانی که مردم ضعیف دو دل سیاه باشند و در سنت ایشان بدعت و بدعت سنت و هر دقیقه بعضی بدعت
باشد و مؤمن ذلیل و محقر باشد و فاسق عزیز و موقر امراء ایشان جاهل و جورکننده و علماء ایشان
در درگاه ظالمان سرکننده و اغنیاء ایشان دزد توشه فقیران کوچک ایشان تقدم جوید بر
بزرگان و هر نادانی نزد ایشان دانا تمیز نکنند میان مخلص و صاحب شک و نشناسند میش را از گرگ
علما ایشان بدترین خلق اند بر روی زمین که میل میکنند بسوی فلسفه و تصوف بخدا سوگند که ایشان
از حق برگشته و منحرف مبالغه نمایند در محبت مخالفان با گمراه کنند شیعیان ما و دوستان ما
پس اگر منصبی رسند از رشوه سیر نشوند و اگر معزول شوند به ریا بندگی خدا کنند بحقیقت که ایشان
راه زن مؤمنان اند و دعوت کنندگان بشیوه ملحدان پس هر که با ایشان بر خورد باید حذر نماید و
البته دین خود را از ایشان نگه دارد پس فرمود یا ابا هاشم این حدیثی است که خبر داده مرا پدرم از پدران

۱ خود از جعفر بن محمد علیه السلام و این حدیث از اسرار ما است مگر با اهلش و هم در صحیح از آنحضرت سؤال شد
از جعفر بن محمد علیه السلام از حال ابی هاشم کوفی فرمود که بسیار فاسد العقیده بود و او کسی بود که بدعت و اختراع
نمود مذهبی را که تصوف گویند و آن را وسیله و مفر عقیده خبیثه خود ساخت و بروایتی مفر نفس
خبیثه خود و اکثر ملاحده و پناه عقاید باطله خود شان ساخت و این حدیث را از قرب الاسناد
که دو واسطه با آنحضرت دارد نقل نموده شیخ مفید که این کتاب شریف بخط مصنف به دست این فقیر افتاده و
در صحیح بزنطی که یکی از اصحاب ما است گفت بحضرت صادق علیه السلام که ظاهر شده در این زمان قومی که ایشان را صوفیه
گویند چه میفرمائی در باب ایشان فرمود بتحقیق که ایشان دشمنان ما یند پس هر که میل کند با ایشان از
ایشان است و با ایشان محشور خواهد شد و زود باشد که قومی ادعای محبت ما نمایند مایل و مشتبه با ایشان
شوند و خود را بلقب ایشان و صوفیه ملقب سازند و مزخرفات و اباطیل ایشان را تاویل نمایند آگاه باش
که هر که با ایشان میل نماید از ما نیست و بتحقیق که ما از ایشان بری و بیزاریم و هر که انکار و رد نماید و طعن ایشان
کند مانند کسی است که در پیش روی رسول خدا صلی الله علیه و آله با کفار جهاد نموده و شیخ مفید محمد بن
محمد بن حسین که از خواص چند معصوم است گفته که بودیم در خدمت حضرت هادی علیه السلام در مسجد النبی
که جماعتی از اصحاب آنحضرت آمدند از آنجمله ابو هاشم جعفری بود که مرد بلیغ و منزلت عظیمی نزد آنحضرت
داشت بعد از آن جمعی از صوفیه بمسجد در آمدند بگوشه حلقه نشستند شروع بذکر لا اله الا الله
نمودند پس حضرت فرمود ملتفت نمیشوید باین خدعه کنندگان که ایشان بتحقیق که خلیفه شیاطین اند
و خراب کنندگان ایمانند زهد برای بیمانند برای تنبلی و شب بیداری کشند برای شکار جهال چند روز
روزه و دست بهم زدن و از کار ایشان غنا و زمزمه کردن متابعت ایشان نمیکنند مگر سفیهان و
اعتقاد با ایشان نمیکنند مگر احمقان پس هر که برود بدیدن یکی از ایشان زنده و مرده گویا رفته بدیدن شیطان و عباد
وثنه کی نیامده و هر که یکی از ایشان را یاری کند گویا یاری یزید و معاویه و ابو سفیان کرده انگاه
مردی از اصحاب عرض کرد که هر چند بحقوق شما قایل باشند حضرت غضبناک بسوی او نظر کرد و فرمود
واگذار این را چه هر کسی که معترف باشد بحقوق ما میل نکند بسوی خلاف ما هر کسی و عقوق ما
آیا نمیدانی که جمیع طوایف ایشان از صحا لعین ما و طریقه ایشان مغایر طریقه ما است نیستند ایشان
مگر نصاری و مجوس این امت جهد مینمایند در خاموش کردن نور خدا و خدا تمام کننده نور

خود

# در بیان مذهب اهل سنت

خود راست هرچند بخواهند کافران و هم بروایت شیخ معتبره و باسانید صحیحه حضرت امام رضا علیه السلام
میفرمایند که هیچ کس تصوف قایل نشود مگر بجهة خدعه یا ضلالت یا حماقت و احادیث در این خصوص و عموم هر
بدعت و وجوب انکار و طعن و سب هر بدعت خصوصا بدعت باین فساد و شدت زیاده از حد و حصر است
و در صحیح حضرت صادق ع از رسول خدا صلی الله علیه و آله ذکر میفرمایند که هرگاه اهل شک و بدعت را ببینید
بعد از من پس اظهار برائت و بیزاری کنید از ایشان و بسیار دشنام دهید و طعن کنید بر ایشان و بیفکنید در
بدگوئی و آزار ایشان تا طمع در فساد اسلام نکنند و مردم از ایشان حذر نمایند و بدعتهای ایشان را یاد نگیرند
تا بنویسد خدای برای شما باین سبب حسنات و بلند گرداند درجات و احادیث با همین معنی در بغض
فی الله و نهی منکر هم مذکور شد و تامل شود که چگونه از علاج این احادیث و سایر دلایل بطلان تصوف
عاجز و حیرانند و از لذات این تعبد و رزی میشوند که تشریب قلوب ایشان شده گذشتن هم نتوانند
ناچار گویند ما صوفی متشرعیم و تابع اهل بیت رسالت و ارباب شرعیم از قبیل کشیش بدکیش که باد از دین
و جبه پشم سیاه و خرقه بعینه باه ناچار در مسجد مسلمانان گوید من کشیش مسلمانم گویم ای مدبر تیره بخت
اگر مومنی از شرع خارجی کافری و الا رسمی که شارع بقول و فعل ما روا داشته و رسمی که خود پیدا کرده باشد همه
ننگی دارد اگر اشکلی و در لباس ترویج باطل و قدح بر ضلالت مسلمانان میخواهی کشیش و هم چنین صوفی بد
کیش چه فخر و چه ترجیح بر مؤمن و متقی و شیعه و مسلمان دارد که حتما باید خود را بدنام ساخت و بمخالفت
شرع بمجرد لقب کفر نقد ایمان در باخت و اگر هم لفظ صوفی نام مستوا از هیچ عقلی ترویج اتمام باین نام
نمی نمود مانند احمقی که پشمینه پوشیده گوید من حیوانم گوسفند بین تا جای من در تکیه و طویله و شغل کناسی قبیله
است و در اثنای این که روز ادره مجادله و پیکار بعد از آنکه مدتها از شدت فساد و بلا لان و ننک
و از کثافات گونکشی و ضرب سر چنیک بی ناموس ننگ شده آنگاه جستند و سر کشید و باید کند که من حیوان
اما حیوان ناطقم گویم ای بی تمیز نامشخص پس چرا خود را از اول بنام ناجی انسان که اسم حقیقی کامل حیوان ناطق
است نمی نامیدی که مثل خرهای عالم با اجناس ابدال حیوانات عبرت ناموس از نسل حوا و مرس کافر و ننگ
هم جنس شدی لخر نیز او و نسل عربها و قال و قیل از هزار در فرشته و صد هزار گوینده ملا ایجیعلا و فعلا اصر شوی
و قطع نظر از احادیث متواتره که بدهر مت تفرض معرض تهمت واقع شده همان ای درویش اگر کاها
مشایخ طریقت و پیران حقیقت از کوه درافتند با آن همه برهو و بی اضافی که میدانی و افر

# دو مسئله از اجوبات

بعد از جواب این باید درویش بوده ملزم و خجل برگردند والحمد لله ولا حول ولا قوة الا بالله موقف هشتم
مجمل سؤال از عجب و نازش بخود از حال و اعمال مانند صوفیه تا خسران مال که ناشی میشود از نهایت
جهالت و شدت حمق و غفلت از اینکه هر صفتی یا عملی خیر که بتوفیق الهی موجب و تذلل الانت نه خود بینی
و تذلل و اکنون باید بهتر تفتیش عبادات خود نماید و قطع نظر از سیئات مهیا نمیشد مارا مستوجب غضب عقوبت
باید و بلها دیت باید مومن هر چند متعبد باشد خود را از همه قلب پذیر بتکلیف کم مرتبه تقصیر داند و
این بینش و شکر بشکر صادق در بدی و تقصیرات خود با لطاف نامتناهی و نعمتهای الهی و تضرع و
زاری چنانکه در احادیث وارد شده که بسیار بگو اللهم لا تجعلنی من المعارین ولا تخرجنی من حد
التقصیر و در صحیح حضرت باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله ذکر فرموده که حق تعالی
میفرماید که اعتماد نکنند عمل کنندگان بعبادات خود بتحقیق که اگر عمرهای خود را بجهد و تعب
اندازند در عبادت من مقصر باشند در طلب انچه در نزد من است از کرامت و نعیم و درجات رفیعه
ولیکن برحمت من اعتماد نمایند و بفضل من امید وار و بحسن ظن بمن مطمئن باشند که در این حال
رحمت من در یابد ایشان را منم الله و رحمن و رحیم و این نام منسوب بروایت دیگر فرمود هیچکس
باستحقاق و عمل خود داخل بهشت نخواهد شد بغیر تفضل الهی گفتند تو هم یا رسول الله فرمود
منهم و فرمود یا اباذر بتحقیق که حقوق خدا از ان عظیم تر است که بعبادت بان قیام توان کرد و نعمتهای
خدا زیاده بر اینست که توان شمرد و لیکن هر صبح و شام توبه کنید یا اباذر بدرستی که بنده حسنه
میکند و بران اعتماد می نماید و گناهان خرد احقیر میشمارد تا روز قیامت که وارد میشود بر خدا
و او غضبناک است و بنده گناهی میکند و از ان در حذر است پس روز قیامت نزد خدا اید
ایمن و با اطمینان و بروایتی فرمود عابدی چهار صد سال عبادت کرد و سؤال کرد که قبض روح او
در سجده شود و روز قیامت فرماید ببرید بنده مرا به بهشت برحمت من پس گوید بعمل من گو
فرماید حساب او را بکنید پس نور بصرش بر همه اعمالش زیاده اید فرماید ببرید او را بجهنم بعدل من
گوید توبه کردم پس فرماید او را داخل بهشت کنید او را و حضرت صادق علیه السلام میفرماید عابدی بعد
از چهل سال فراموشش شد که بانش بسوزد پس خود را ملامت و توبیخ نمود که تقصیر همه از
نفس و گناه خود است دید او وحی شد که مذمت نفس در درگاه ما بهتر است از عبادت چهل سال الرق

# در مذمّت تکبّر است

و در احادیث بسیار است که خوف گنهکاران بهتر از عجب دلال عابدانست و در صحیح از حضرت صادق منقولست که فرمود
که خدا دانست که گناه برای مؤمن بهتر از عجب است و الا هیچ مؤمن را نمیگذاشت که بگناهی مبتلا شود و هر که
و فرمود که هر که عجب داخل او شد هلاک شد و فرمود حق تعالی فرمود هیچ عملی از کسی که عجب و اعتماد بر عمل خود داشته باشد
بالا نمیرود و فرمود وحی شد بداود که بشارت ده گناهکاران را و بترسان صدیقان را گفت چگونه
فرمود بشارت ده گناهکاران را بتحقیق که قبول توبه و عفو گناه میکنم و بترسان صدیقان را که عجب ننمایند و
اعتماد بعملهای خود نکنند که هیچ بنده نیست که باز دارم او را برای حساب مگر آنکه هلاک شود و از حضرت
رسول خدا منقولست که فرمود که موسی علیه السلام با ابلیس گفت خبر ده مرا بگناهی که چون آدمی کند بر او غالب
و مسلط میشوی گفت وقتیکه عجب بدارد و عملش را بسیار پندارد و گناهانش را کوچک شمارد
مترجم گوید که چون شیطان از اغوای خواص بمحرمات و ترک عبادات و اخلاص عاجز ماند
در کمینگاه عقبهٔ عجب بدر نشسته افساد تمام اعمال ایشان کند بدترین عجبها خوب پنداشتن کار بد
است چنانکه حضرت کاظم علیه السلام در خصوص همین اشاره میفرماید در تفسیر قل هل ننبئکم
بالاخسرین اعمالا یعنی بگو آیا خبر دهم شما را از زیانکارترین مردم آنها که گمراه و ضایع شد سعی
ایشان در دنیا و پندارند که خوبکاری میکنند آنها و بدانکه عجب در غیر عبادت نیز مذموم
است چنانکه در باب کبر و ریا می آید و در حدیث حسن از عقبه مرویست که گفتم بحضرت
باقر ع منم فلان با حسب کننده فرمود چه منت بر ما میگذاری بحسب خود بتحقیق که خدا بلند کرده است
بایمان کسی را که مردم پست نامند و پست کرد بکفر کسی را که شریف دانند و کسی را بر کسی زیادتی
نیست مگر بتقوی و در اخبار بسیار وارد شده که است حسد عجب است **موعظه نهم** آنکه کبر بدترین
که خوار و خوار کننده ترین صفات ذمیمه و اول خطاها و منشاء اکثر گناهان کبیره و موجب
رسوائی و شقاوت دنیا و آخرتست بخلاف تواضع چنانکه حضرت صادق علیه السلام میفرماید
که وحی شد بداود علیه السلام که چنانکه دوسترین مردم بسوی من متواضعانند و همچنین دورترین
مردم از من متکبرانند و در صحیح فرمود که خدا دو ملک گذاشته که هر که تواضع کند بلند و عزیز کنند
و هر که تکبر نماید پست و ذلیلش نمایند و این متواترست و مجربست و در موثق فرمود در جهنم وادی
است برای متکبران نامش سقر شکوه نمود بخدا از شدت گرمی تا اذن یافت و نفسی زد که جهنم سوخت

# در مذمت تکبر است

و در صحیح حضرت سجاد علیه السلام میفرماید عجب است از متکبر فخر کننده که دیروز نطفه بود و فردا مردار خواهد
شد و در حدیث حضرت باقر علیه السلام با اسناد معتبر هست که منادی و جمال منقول است که چه مرد او میشود
و رسول خدا صلی الله علیه و آله گذشت بر جمعیتی که گفتند دیوانه است از صرع و جنون هر کجا میکند
فرمود مبتلا است و مجنون کسی است که به تکبر و خیلا راه رود و بدوش نظر میکند اعضا را با معصیت و مردم از
شرش ایمن نباشند و امید و از خیرش نباشند این است دیوانه و در احادیث بسیار است که کبر و بزرگی
کبریای خدا است هر که با او منازعه کند بیندازد او را بر و پستی و خواری خدا او را برو در جهنم اندازد و هر که
ذره از کبر در دلش باشد داخل بهشت نشود مگر آنکه توبه کند و بحدیث نبوی هر که بقدر خردلی کبر
در دل داشته باشد او را بر روی در آتش جهنم اندازد و فرمود متکبران محشور خواهند شد بقدر مورچه
و پامال میکنند ایشان را مردم تا خدا از حساب مردم فارغ شود و فرمود تکبر و تجبر نمیکند هیچکس مگر آنکه
ذلتی در نفس خود می‌یابد و چون بسیار اند از مراتب اعمال فرمود تکبر بدانکه مراتب و علامات آنجمله
شوم بسیار است از آنجمله تحقیر مردم خصوصاً فقرا و کم خود را و مرض و خون خود را بهتر دانی چنانکه در
حدیث نبوی صلی الله علیه و آله واقع شده دیگر قبول نکردن حق و طعن اهل آن در مسئله و حکم و وعظ
هر چند از ضعیفی باشد و با احادیث بسیار این دو فرد اعظم افراد کبر است و زینت خانه و جامه و امثال
بقصد تفوق و تعزز و ترفع و تواضع و توقع از مردم و خرامیدن و طلب بالا نشستن بقصد غیر
صحیح و کراهت اعمال خیر که منافات و فخر خود بنا دارد و احادیث بر این مضامین روایت شده و علامات
دیگر هم بسیار است و الحق و اشد آنها عصبیت است و بعضی آنقدر اکثر ناس بلکه خواص که از اعتراف آن
استنکاف دارند از کبر و عصبیت و در صحیح حضرت صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله
ذکر فرمود که هر که تعصب نماید یا دیگری برای او تعصب نماید و راضی باشد بتحقیق که ربقه ایمان از گردن
در آورد و هم آنحضرت ذکر فرمود که هر که بقدر خردلی عصبیت در دلش باشد خدا او را با اعراب جاهلیت
محشور فرماید و حضرت سجاد علیه السلام فرمود از عصبیت آدمی قوم خود را بر ظلم یاری کند نه آنکه
قوم خود را دوست دارد و در حدیث نبویست که متواضعان از تواضع کنید و متکبران از تکبر و بخیلی هر دو
صدقه و ... و علامات تواضع که بحدیث ماوی بهتر بعبادات است تمامی بدون مرتبه خود
و ابتدا به سلام هر که برسد که بحدیث سر تواضع است و ترک جدال اگر چه محق باشد و ادای حقوق مردم بقدر.

# در مذمّت کبر است

توقع از ایشان و بر تقوی و زهد و عجب و خواهش مدح نداشتن و علم و ادب و عمل و اسباب و بضاعت خود
و پینه کردن کفش خود چنانکه در اخبار بتفصیل واقع شده و بحدیث منقولست که پشم پوشیدن و بر الاغ سوار
شدن و با مساکین نشستن از کبر نجات یابد و امام حسن عسکری ع میفرماید که تواضع برای برادران مؤمن
نزد خدا از صدیقین و خواص شیعه است و عظیم ترین ایشان نزد خدا کسی است که بحقوق برادران مؤمن داناتر باشد
و حرمت ایشان را بیشتر رعایت نماید و بدانکه از اقوای علامات کبر حب ریاست است بهر وسیله که باشد خصوصا با
آخرت که بدتر است و بحدیث مشهور هر که طلب دنیا کند بعمل آخرت هیچ بهره در آخرت نخواهد داشت
مانند تدریس و قضا و امامت و واعظی و قرائت بقصد ریاست لهذا حضرت صادق ع میفرماید که
ملعونست هر که ریاست پیروی خواهد و ملعونست هر که اراده آن نماید و ملعونست هر که آنرا
بخاطر گذراند و بخدا سوگند که پشت سر هیچکس صدای کفشها برنخواست مگر که هلاک شد و هلاک
کرد و در صحیح محمد بن مسلم فرمود پندارید که نمیشناسم خوب و بد شما را آگاه باشید والله که بدترین شما کسی
است که میخواهد از پی او راه روند و حضرت باقر ع میفرماید طلب ریاست مکن و تابع هر کس هم مباش
و مجوز بواسطه ما که فقیر شوی مگو در چیزیکه خود نمیگویم که بتحقیق که روز قیامت باز داشته و سوال
کرده خواهی شد البته و حضرت صادق ع میفرماید که ضرر دو گرگ درنده بیشتر نیست در گله بی شبان
از ضرر ریاست در دین مسلمانان و در چند حدیث معتبر از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله
منقولست که یا اباذر هر که خواهد که مردم در برابر او بایستند جای خود را در جهنم مهیا داند و فرمود چون
روز قیامت شود از جانب خدا ندا رسد که کجایند ظالمان و اعوان ظالمان و هر که لیقه در دوات ایشان
گذاشته و یا سر کیسه برای ایشان بسته باشد یا ایشان را مداد داده همه را با ظالمان محشور کنند و فرمود هر که
تازیانه حاکمی یا ظالمی بیاویزد گرداند خدا آنرا ماری روز قیامت هفتاد گز و مسلط گرداند بر او در
جهنم و فرمود هر که ملازم سلطان شود مفتون گردد و بقدر قرب پادشاه از خدا دور گردد و فرمود نزدیک
نشد بسلطان هیچکس مگر آنکه از خدا دور شد و بسیار نشد مال کسی مگر آنکه حسابش بسیار شد و
زیاد نشد تبعش مگر آنکه زیاده شد شیاطینش زنهار حذر کنید از درگاه سلطان و تابعان او که
دورترین شما است بخدا و هر که اختیار کند سلطان را بر خدا ورع را از او بگیرد و در عمل حیران گرداند و فرمود
امیر نشود کسی بر ده نفر یا زیاده مگر آنکه در قیامت او را دست بگردن بسته حاضر گردانند پس اگر ظلم نکرده

در مذمت ریا و سمعت

۱ کشاینده الاغلال و محی افزاینده بحد بیحد اورا بکنار جهنم بعد روز حکومت هزار سال همین نماینده و فرمود
اول کسی که وارد جهنم میشود امیر مسلطی است که عدالت نکند و غنی که مال خدا را ندهد و فقیری که فخر و کبر کند و در حدیث
معتبر حضرت صادق فرمود هیچ جباری نیست مگر مؤمنی با او میباشد و خدا با او دفع شر او از شیعیان
میکند و بهره آن مؤمن در آخرت کمتر از همه مؤمنان خواهد بود بعلت مصاحبت آن جبار و فرمود اعوان
ظالمان در آخرت در سرادقات از آتش خواهند بود تا خدا از حساب خلایق فارغ شود و حضرت امیر المؤمنین عم فرمود
بنوف که وصیت مرا قبول کن و نقیب و دیبه و سرکرده و جاکر و عشار و عقاجی مباش که پیغمبر صلی الله علیه و آله
شبی نظر کرد باسمان و فرمود که این ساعتی است که دعا رد نمیشود مگر دعای اینها و حضرت کاظم عم میفرماید که چهار
چیز دلها را فاسد و قساوت و نفاق میرویاند چنانکه آب درخت را غنا را شنیدن و فحش گفتن و بجانب پادشاه
رفتن و شکار و در خصوص علما که ورع نورزند در حدیث وارد شده که پیش از سر عقوبت مبتلا شوند
صحبت حکام و رستاق و جوان مرد شدن موقوف هم از ریا و خود نمائی و سمعه و ریا و نسؤال
کنند و آیات و روایات در شدت و عقوبت این عمل شوم زیاده از حد و حصر است و هر ریائی
شرکست بخدا و آیات و روایات در این معنی بسیار است و هر غرض غیر الهی اگر اندک دخلی در عملی
از اعمال شرعیه داشته باشد مبطل عبادت و اجماع علما و عقلا است و هر عملی که برای خدا خاص و خالص
نباشد خدا قبول نمیکند بلکه مرائی از عهده تکلیف در نیامده و آنچه بعمل آورده مامور به و مطلوب
خدا نبوده چنانکه میفرماید که وما امروا الا لیعبدوا الله مخلصین بلکه عبادتی چنین موجب عقاب
عظیم خواهد بود چنانکه حضرت صادق علیه السلام ذکر میفرماید که اجتناب کنید از ریا که آن شرکست
و در روز جزا مرائی را بچهار نام خوانند یا کافر یا فاجر یا غادر یا خاسر عملت باطل و ثواب عملت برطرف شد
و در حدیث صحیح حضرت کاظم علیه السلام از آنحضرت ذکر فرموده که حق تعالی روز قیامت جمعی را بسوی جهنم امر کند
و بمالک خطاب فرماید که بگو آتش را که بسوزاند پاهای ایشان را که بمسجدها میرفتند و نسوزاند روی ایشان را که
وضوی کامل میساختند و دستهای ایشان را که بدعا برمیداشتند و نسوزاند زبان ایشان را که قرآن بسیار
میخواندند پس مالک گوید ای اشقیا با این اعمال چه کرده اید که موجب دوزخ شده اید گویند اعمال خود را
برای غیر خدا میکردیم امر دنیا کنند که مزد خود را از کسی بگیرید که از برای او کار میکردید و
حضرت باقر علیه السلام از آنحضرت ذکر فرمود که هر که برای مردم نماز کند مشرکست و در زکوة و روزه و حج

و هم

سیّئت دهم از ریاست

۱۸ و هر امر الهی چنین فرموده و در وصیت ابی ذر است که فقیه و دانا نمی‌شود کسی تا مردم را در جنب عظمت
الهی مثل شتران و حیوانات انگارد که در عبادت و خوف و رجا بنظر نیاورد و با ایشان ملازمت کنی پس رو با
نفس خود برگردد و نفس خود را از همه چیز حقیرتر شمارد بدانکه مرائی را علامتها است که باید هر کس خود را
بآن بیازماید که ریا را علامتهای بسیار دقیق میباشد زود و نحو بیشتر که خفی‌تر از اثر مور سیاه است بر سنگ
سخت در شب تار و چه بسیار عابد بلکه عارفی که ریا کند در ترک ریا بلکه بترک ریا مثلا مصیبت که هر که
باطن و نیت خود را نیکو و خالص کند نکند و هر چند روزی که خدا خوبیهای او را بر خلق ظاهر کند و الا آنکه
او را ظاهر کند اندک عملی برای خدا زیاده از آن بر خلق ظاهر شود و عقب بیداری شبها برهاند نظر
جمعی که منظور بوده سهل نماید آیات و اخبار در این معنی بیشمار است پس کسی که برای طمع اول یا خوف ثانی کار
خود ترک ریا کند ریا کرده و داعی بر ترک ریا که افضل عبادات است غیر خدا بوده و نیت همان داعی است که
از دل طراود نه آنکه از خارج تکلف کند ذاتی و بدل بچسباند از غالم کسی که بطمع مالی نماز کند و
بزبان گوید که اصلی قربة الی الله یا ابدا بدل گذراند کسی نگوید که امثال این احادیث برای چه است
زیرا که مفاد آنها ترک ریا است نه برای غیر خدا مثل اخبار سابقه و بدانکه ریا در غیر عبادت هم مذموم
بلکه کبر و از اکبر کبایر است چنانکه در خطبة الوداع است که هر که بنائی سازد برای ریا و سمعه و
شهرت روز قیامت تا هفت طبقه از زمین طوق شود در گردن او و از آتش که شعله کشد پس انداخته شود
در جهنم و پرسیدند از بنای ریا فرمود زیاده بر کفاف یا برای مباهات و فخر و هر که اطعام کند برای
بحق الله خدا مثل آن از چرک و ریم جهنم و اطعام را آتشی گرداند در شکم تا از میان مردم بپردازد و هر که
لباسی پوشد و فخر نماید دران فرو برد خدا او را بجهنم و قرین قارون باشد که او چنین کرد و هر که زنی
خواهد حلال ای بمال حلال اما بقصد فخر و ریا نیفزاید خدا او را باین سبب مگر مذلت و خواری با اینهم
دارد بقدر آن منی که از او بریزد بر لب جهنم تا هفتاد سال بعد از آن فرو میبرد در جهنم و بروایتی امیر المؤمنین
میفرماید هر که کاری کند برای مفاخرت خدا او را روسیاه محشور گرداند موقف **یازدهم و دوازدهم**
مورد سؤال از یأس رحمت نامتناهی و امن عذاب الهی که هر دو بر وفق آیات متکاثره و بر طبق روایات
متواتره اکبر کبایر بوده و سبب غضب پروردگار و عقوبات قاهره است و هر یک باعث سستی و ترک عمل
میشود و در قرآنست انه لا ییأس من روح الله الا القوم الکافرون افأمنوا مکر الله فلا یأمن مکر

# در مذمت یاس از رحمت الهی

الله الا القوم الخاسرون و باید که خوف و رجا هر دو در اعلا مرتبه باشند بلکه مساوی خواهند بود
و مانند سایر حالات نفسانی کسبی میشود مگر بکمال تفکر در الطاف غیر متناهی و دوام تذکر آیات
و وسعت بحار رحمت و فضل الهی و تامل در قبایح سیئات و ناسپاسیهای خود و شدت انتقام جبار
و صعوبت عقوبت قهاری و تتبع و مواظبت آیات و احادیث شوق و خشیت حالات ارباب عبادت
و رهبت در مقدمه متفرقه بعضی مذکور شد که در بیان ثمره خوف و رجا و امتیاز رجا از غرور و خوف از یاس
کافیست حضرت صادق فرمود که اصرار بر گناه ایمن شدنست از مکر الهی و گناه باور وی عمو محل الا کسی
و تاخیر توبه بعضی فرمودست و طول تسویف و پس انداختن توبه و تدارک و امر مهم حیرت و سرگردانیست و ذکر
فرمود از وصیت لقمان بفرزند خود که از خدا چنان بترس که اگر ثواب جن و انس داشته باشی ترا عذاب خواهد
کرد و چنان امیدوار باش که اگر با گناه جن و انس بروی گناه او و ترا رحم خواهد کرد پس فرمود پدرم که
هیچ مومنی نیست مگر در دل او دو نور هست نور خوف و نور رجا که هیچ یک بر دیگری زیاده نباشد و فرمود که
مومن با ایمان نمیباشد تا خائف و امیدوار نباشد و خائف و امیدوار نمیباشد مگر آنکه البته
کاری کند برای آنچه از آن میترسد و امید میدارد و فرمود هر که خدا را شناخت از او میترسد هر که بترسد نفسش از دنیا
رغبت نمیکند و فرمود از خدا چنان امیدوار باش که ترا بر نافرمانی او جرات ندهد و چنان بترس که از رحمت او
مایوس نگرداند و فرمود در حکمت آل داود مذکور است ای فرزند آدم چگونه سخن هدایت گوئی که از مستی گناهان هشیار
نشده صبح نموده دلت با قساوت و فراموش کرده عظمت پروردگار خود را اگر بپروردگار خود دانا
بودی همیشه از او ترسان و بوعدههای او امیدوار بودی بیچاره فرزند آدم چرا بخاطر نمیآوری لحد خود را و
تنهائی خود را در آن مکان در حدیث قدسی وارد است که خداوند فرمود بعزت و جلال خود قسم که در بنده دو خوف و دو امن را
جمع نکنم اگر در دنیا از من نترسد ترسانم او را در روز قیامت و اگر از من ترسان باشد ایمن گردانم او را در قیامت
با آنکه بتحقیق که هر بنده عرض میشود گناهانش در روز قیامت پس میگوید من ترسان بودم از آنها با بسبب
خدا او را میآمرزد با آنکه بسوی کره گناه کاری کند و بسبب آن داخل بهشت شود و فرمود آن گناه برابر دو
چشمهایش است همیشه از آن توبه میکند و به پناه خدای میگریزد و تا آنکه بسبب آن داخل بهشت
میشود و فرمود در حدیث ... بکند کار ... نماید که ای از من شرم نداشتی که معصیت من
نمودی ... ببخشد ... آنگاه ... و از دیگری سوال نماید که ...

# در احوال پل صراط است

پروردگارا گمانم نبود که دنیا بمن جفا کرد و یاران و اولاد من و در بیماری اهل و عیال من و دزدی
روح ملک الموت و در قبر منکر و نکیر و در قیامت دیدم و گمان نداشتم که اینها جفا می کنند اینها پروردگارا
نخواهد کرد مگر همه چون امر فرمودی مرا باتش گفتم الحال هلاک شدم پس حق تعالی فرماید من بحسن
ظن بندهٔ خودم پس گمان نکند بمن آنچه خواهد پس گناه ترا بخشیدم و بروایت دیگر فرمود آخر کسی که بجهنم برند
نگاهی بعقب نماید پس خدا او را سؤال نماید گوید پروردگارا من بتو این گمان نداشتم آنگاه فرماید
ای ملائکه بعزت و جلال خودم که یکساعت از عمر گمان نیکو بمن نداشته و الا باتش نمی رسانیدم
او را باین دروغ به بهشت برید پس فرمود که هرکه حسن ظن بخدا دارد بگمان او با او عمل میکند پس
این آیه را خواند ذلکم ظنکم الذی ظننتم بربکم اردیکم فاصبحتم من الخاسرین و حضرت باقر علیه السلام
فرمود که در کتاب علی هست که رسول خدا صلی الله علیه و آله بر منبر فرمود بحق آن خدائی که بجز او
خدائی نیست که هیچ مؤمنی عطای نشد خیر دنیا و آخرت مگر بحسن ظن و گمان نیکو بخدا و خوف
خوشخلقی و معاشرت مردم و ترک غیبت مؤمنان و بحق آنکه بجز او خدائی نیست که عذاب نخواهد کرد
مؤمنی را بعد از استغفار و توبه مگر بعلت بد گمانی و کوتاهی در امید بپروردگار خود و بدخوئی و غیبت
مؤمنان بحق آنکه بجز او خدائی نیست که هیچ بنده گمان خود را بخدا نیکو نکرده مگر آنکه خدا
موافق گمان او با او عمل کند زیرا که او کریمست همه خیرات بدست او است و حیا میکند از آنکه گمان نیکوی بنده
مؤمن خود را باطل ساختن امید و پس نیکو کنید بپروردگار خود گمان خود را و بسوی او رغبت نمائید
و حضرت صادق ع فرمود که حسن ظن بخدا آنست که بغیر او امید نداری و از هیچ چیز بغیر گناهان خود نترسی
حضرت رضا علیه السلام فرمود خدا فرموده من نزد گمان بندهٔ خودم اگر گمان نیکو بمن دارد با او چنان میکنم
اگر بد گمانست سلوک میکنم با او بهمین و بروایت سابق هر جا از اینجا واقف شد تقصیر کرده و دیدن او
مرده موقوف و محبوس نماند هزار سال باو بشدت و نکال و کمال ملال تا بعد از آنچه حکم فرماید حق تعالی در
متعال عین یازدهم در ذکر حبس و تفصیل عقبات سراسر عقوبات آن ... والدین
تحقیق میزان بدانکه رسولان خدا و ائمه هدی علیهم السلام که ... معرفت و عبادت
و سنجیده خوب و بد اعمال ایشان و مناقب ایشانست چنانچه میزان شد و در حدیث حضرت صادق
فرمایند که والله علی است صراط و میزان و صراط المستقیم و در قرآن ایشان مرادند و اماد یشه در

متواتر است و لیکن مراد اینست که ولایت و اطاعت ایشان در آن تکلیف صراط مستقیم است و در دنیا جز
هم باعث لغزیدن و افتادن می‌شود از پل صراط که همان معبر باشد که از محشر بسوی بهشت خواهند بود
و چون بودن صراط یعنی معبر مذکور و عبارت از اطاعت ائمه ظاهر است معنی محصلی بغیر ظاهری
ندارد بخلاف میزان چنانکه ابن بابویه از مفضل روایت نموده که پرسیدم از حضرت صادق ع از صراط
مستقیم فرمودند راهیست بسوی معرفت الهی و صراط است یکی در دنیا و یکی در آخرت و اما صراط دنیا
امام مفترض الطاعه است هرکه او را شناسد در دنیا و پیروی هدایت او نماید بگذرد بر صراطی که
جسر جهنم است در آخرت و الا قدمش بلغزد و در میان آتش جهنم افتد و قریب به همین از حضرت امام حسن
عسکری ع روایت نموده و الله اعلم و در روایت ابن مسعود از امیرالمؤمنین ع بعد از نصب میزان اعمال
میزان امر میشود برای خلایق بسوی پل صراط که کشیده میشود بر بالای دوزخ تا بجانب بهشت که بجای
آسمانها است از مو باریکتر و از شمشیر تیزتر عرض هر عقبه در جهنم بقدر چهل هزار سال و زبانهٔ آتش
بدو طرف کشیده و هفت جسر است و در هر کدام هفت عقبه است سه هزار سال راه هزار سال بالا و هزار
سال پست است و هزار سال نشیب است قول خدای عز و جل ان ربک لبالمرصاد یعنی که پروردگار تو یا
محمد در کمین گاه است کنایه از اینکه یعنی کمین گاه فرموده کمین گاه صراط است و حضرت باقر ع می
فرماید که چون نازل شد این آیه و جیء یومئذ بجهنم تفسیر آن از رسول خدا ص پرسیدند فرمود جبرئیل
که چون خداوند جلیل اولین و آخرین را در محشر جمع نماید امر فرماید تا جهنم را بمحشر در آورند و آنرا بکشند هزار
مهار و هر مهاری را صد هزار ملائکه غلاظ و شداد بکشند و جهنم فریاد کند از خشم بر گنهکاران و حمله کند
چون بان مهارها او را پس کشند که اگر خدا حفظ نکند همه از شدت هلاک شوند آنگاه گردنی بکشد
که جمیع اهل محشر را فرو گیرد در آن حال هیچ بندهٔ نماند نه ملک مقرب و نه پیغمبر مرسل مگر همه فریاد برآورند که
نفسی نفسی و تو فریاد برآوری که امتی امتی پس صراط را بر روی جهنم گذارند از دم شمشیر باریکتر و در آن سه قنطره
باشد یکی صله رحم و امانت دوم نماز سیم عدالت خدا در مظالم عباد آنگاه مردم را تکلیف نمایند که از
صراط بگذرند پاره از رحم نگهدارد اگر قطع رحم یا امانت ها و پیمانهای الهی شکسته باشند آنجا بمانند
و هر که از آنجا نجات یابد نماز ایشان را نگهدارد و هر که نماز تقصیر کرده بگذرد در مظالم عباد باز میدارند
و سؤال میکنند چنانکه میفرماید ان ربک لبالمرصاد و مردم بر صراط میروند بعضی چسبیده اند و پای بعضی

## در عبور از صراط است

می‌لغزد و ملائکه دور ایشان فریاد می‌کنند که ای خداوند بردبار بیامرز ایشان را و درگذر از گناه ایشان ٢
و بفضل خود با ایشان سرکن و بسلامت ایشان را بگذران و مردم میریزند از صراط بر جهنم مانند پروانه
پس چون کسی برحمت الهی نجات یابد و بگذشت گوید الحمد لله که مرا نجات داد بعد از آنکه مأیوس شده
بودم بتفضل و احسان خود بتحقیق که پروردگار ما آمرزنده و اجر دهنده است و حضرت صادق علیه السلام
میفرماید عبور مردم بر صراط متفاوت است بعضی چون برق جهنده و بعضی چون اسب تندرو و بعضی
چون پیاده که راه رود و بعضی چون طفل خود را بر زمین کشد و جمعی و چندی که آتش پاره
ایشان را گیرد و در گذر بعضی بیفتد و بعضی برود و در افتاده در میان آتش جهنم نعوذ بالله والحذر
از غفلت این عقبات پر وحشت و خوف کردن فرصتی که در دست داریم از تدارک اسباب نجات از آن تاب
آن هنگام پر وحشت حقا که اگر مؤمنی تفکر نماید بجای آنست که زهره اش شکافد چنانکه جمعی که بجا
جای آنکه مشغول لهو و لعب و طرب باشند چه نادر است و چه بیجاست که هر که یقین به بهشت و صراط دارد
شاد میباشد حضرت رسول صلی الله علیه و آله میفرماید که عجب دارم از کسی که یقین دارد باتش جهنم را
چرا میخندد و فرمود بابا ذر صبح میکند مؤمن در دنیا مکروه و محزون و غمگین و چگونه محزون و غمگین
نباشد و حال آنکه بتحقیق خداوند جبار وعده فرموده که او وارد جهنم خواهد شد چنانکه فرموده
وان منکم الا واردها کان علی ربک حتما مقضیا ثم ننجی الذین اتقوا ونذر الظالمین فیها جثیا یعنی
نیست از شما احدی مگر آنکه وارد جهنم خواهد شد و این امریست جزم و قضا کرده شده لازم بحکم پروردگار
کار تو یا محمد ص بعد از آن پرهیزکاران را نجات داده و ستمکاران را در آن وا میخواهیم گذاشت از شدت هول
بزانو درآمده و وعده نفرموده که از آن نجات خواهند یافت یعنی همینا اندکه با تقوی و پرهیزکاری
وارد آنجا خواهد شد یا نه و ورود یا بمعنی دخول است چنانکه در اخبار بطرق عامه از رسول خدا صلی الله
علیه و آله منقول است و لیکن بر مؤمنان سرد و سلامت خواهد بود بحدیکه آتش فریاد کند که بگذر ای مؤمن
که نور تو نائره مرا فرونشاند و بروایتی هفتاد هزار ساله راه از او دور شود یا بمعنی همان عبور از بالای
آن یا حضور بکنار آن چنانکه از حضرت صادق ع منقول است زیرا که از همه خلایق مؤمن و عاصی و فاجر باید
جهنم را ببینند و بر صراط خواهند رسید و مؤمن هم باید که از جسرها که بر روی دوزخ برآورده شده بگذرد
بر هر تقدیر که باشد آتش بلای مؤمن بسبب شفاعت ما از حفظ ایمان بیش که عبادت از آنست

مؤمن مشوش مباش منقولست که چون این آیه نازل شد حضرت از کمال حزن و اندوه قامت مبارکش بیرون نیامد
تا زینب شب بیرون رفت بسوی بقیع محل هموم و احزان و فرمود بعلی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام
که امشب مرا یاری کنید و اعانت نمائید و روهای خود را بر خاک نهاده دعا کنید که پروردگار ترحم
فرماید بر امت محمد در این حال جبرئیل نازل شد و گفت یا محمد چون ایشان سرها بر زمین گذاشتند و
گفتند یارب ملائکه هفت آسمان بسجده افتاده گریان شدند حق تعالی میفرماید مراد تو چیست حضرت
فرمود میخواهم بدانم که با امت من چه خواهند کرد در آتش خدای عزوجل وحی فرمود که آنچه کردم با خلیل
خود که گفتم یا نار کونی بردا و سلاما علی ابرهیم پس اینست معنی قوله ثم ننجی الذین اتقوا الی الاخر و
این آیه مؤید قول مفسریست که تقوی در این آیه بمعنی پرهیز از کفر است و از این جهت یاد هم روضات و جنات
خرم و شادابست [illegible] در ذکر نجات عقیده اولی روایت اولی سؤال از ایمان خالص خواهد
شد و بروایت ابن عباس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از ولایت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
سؤال خواهد شد و هر دو یکی خواهد شد که در ایام فرصت دنیا کسب آن نموده با امنیت دولت
یکی رد و ایمان عبارتست از تصدیق یقین و اذعان قلبی بآنچه خدا فرستاده و پیغمبر آورده از اصول
و فروع دین و اخلاص و مشوب نساختن بعقاید فاسده و اعمال قبیحه کاسده و حق تعالی صریحا در قرآن
فرموده بلکه قسم یاد نموده که جمیع مردم داخل جهنم خواهند شد سوای مخلصین چنانکه ذکر میفرماید
از شیطان که فبعزتک لاغوینهم اجمعین الا عبادک منهم المخلصین یعنی سوگند بعزت تو که گمراه خواهم
کرد همه را مگر بندگان خالص را قال فالحق خدای عزوجل در جوابش فرمود که راستست میگوئی
این خواهی کرد والحق اقول و راست میگویم لاملأن جهنم منک و ممن تبعک منهم اجمعین البته پر خواهم
کرد جهنم را از تو و از هر که پیروی تو نماید و این کلام پر وحشت چنانکه میبینم صریحست در اینکه غیر
مخلصین همه مردم بجهنم خواهند رفت و من اصدق من الله قیلا کیست راستگوتر از خدا شیطان
گمان خود را راست کرد که گمان داری که حق قسم خود را خلف نخواهد فرمود پس کسی که اعتقاد
بقول خدا و رسول داده و نخواسته بجهنم خواهد باید که تحصیل اخلاص نماید و بخدا سوگند که
ممکن نیست مگر بعلما و متعلمان و در حدیث واقع است که هر که ملاقات نماید خدا را با شهادت
ان لا اله الا الله باخلاص و شفاعت کرده باشد بآن چیز دیگر را داخل بهشت خواهد شد پس

# در سؤال از نوع آخر نمازهاست

بر خواست حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه و از اخلاص استفسار نمود فرمود بلی حرص بر دنیا
و جمع آن از غیر حلال و طول در دنیا و رضا بان و فوتها که قول خوبان گویند و عمل بدکاران کنند پس هر که ملازمت
کند خدا را و از این خصال نداشته باشد لا اله الا الله گوید پس برای او است بهشت و برای کسی که
و ترک آخرت کند آتش جهنم است و در روایت امیرالمؤمنین ع نفعی نخواهد داد گفتن مگر با کردار و هیچ
نافع است مگر با اخلاص و هر سه بجا بیاید است مگر با سنت و طریقه پیغمبر صلی الله علیه و آله و حضرت
رضا ع فرمود که مکرر امیرالمؤمنین ع میفرمودند خوشا حال کسی که خالص کند برای خدا عبادت و
دعا را و مشغول نسازد دل خود را بچیزی که ببیند چشم و فراموش کند یاد خدا را بچیزی که بشنود گوش
او و محزون نشود سینه او بچیزی که به دیگری عطا شده و از حضرت امام جعفر صادق ظاهر است و منقولست
بلکه نحش وا بمن با حضرت الله احدنا از نوم شوب غضب صبر نموده باخلاص عقل و پر ما
و در حدیث دیگر وارد است که چون در بصره طلحه بار دیگر از مو و برنده تر از شمشیر با خارها تیره و تاریک تنها
گفت کدام قدم بر این ثابت خواهد بود وحی شد بله هیچ که من حکم و قضا کرده ام که ثابت نشود مگر
پای کسی که بیاید با لا اله الا الله خالص پرسیدند اخلاص فرمود عمل بطاعت و فرمان من کرداد
بیمار شد از خوف و حضرت قیمه در بیان خلاصی از عقوبت عقبه دوم که از نماز خواهند پرسید
پس اگر درست بعمل آورده فایز و ناجی خواهد بود بدانکه بفرموده خدا و رسول و اتفاق اهل
وفاق و ارباب عقول نماز بهترین اعمالست و مدار فوز باعمال دیگر و معیار قبول آن است که هیچ
عملی مقبول نیست و نور چشم پیغمبران و آخر وصیتهای ایشان و کفاره گناهان و عمود و ستون
دین و معراج مؤمن بعالم نور و یقین و وسیله عارفان بقرب و محبت رب العالمین که حفاظ و
بغرمتا الله ارباب قلوب بسیله زاد شده و لذت در دنیا و عقبی بالاتر از این در جهة علیا متصور
نیست و توهم نشود که حدیث مشهور خبر الایمان بالنیات با اقتضای عمل با این منافاتی ندارد
بلکه هر دو مؤید یکدیگرند زیرا که نماز با آداب حضور قلب و طهارت باطن که بآیات و احادیث متواتره
و اجماع بدینها نماز ذی مقبول نیست لیکن در سنن و ترک شوارع ارجاء با نماز نیست بلکه نماز دیگر هم کم لااقل
حصه یقینی منظور هست استثنای ندارد که مشکلترین عملها باشد زیرا که از جمله شروط ایمان
علم بمسائل آن است از مقدمات و کیفیت طهارات و مبطلات نجاسات و مقارنات و مخارج حروف و احکام

سهو بعضی علما و معدودی از منقطعین با ایشان و سایر مردم همگی از این محروم‌اند و از نماز بجهالت
طهور و وضو و جامه و کسی که تقلید اینها کنند یعنی که حقوق خدا و رسول و فقرا و سادات و سایر مردم
در آن باشد چگونه نماز او صحیح و جزم برائة الذمه نموده خواطر شرع جمع ملحوظ که روز حساب که اول
از نماز خواهند شد لهذا در ثبات خواهد داد و حال آنکه می‌بینید در دنیا او را از فحشاء و منکر باز نمی
دارد و خدا میفرماید ان الصلوة تنهی عن الفحشاء والمنکر پس این نمازی نیست که خدا فرموده خدا اهل
از خواب غفلت بیدار کند و از مستی غرور و جهالت هشیار کند جهال را توهم آنکه نماز همان که شد نیست
مثل آنکه مدبر بگرحی علی خیر العمل را از اذان انداختند که بجهت سلطنت شورش و قوی شود و در صحیح معاویة بن
حضرت امام جعفر صادق ع پرسیدم از محبوب‌ترین اعمال و نزدیکترین عبادتها بسوی خدا فرمود بعد از
معرفت چیزی را بهتر از نماز نمیدانم نمی‌بینی که عیسی ع گفت و اوصانی بالصلوة والزکوة ما دمت حیا و فرمود
که والله که بسیاری از عمرشان پنجاه سال میگذرد و حق تعالی یک نماز از ایشان قبول نمیکند آیا کدام چیز از این
بدتر میباشد والله که شما می‌شناسید از همسایه‌ها و مصاحبان خود جمعی که اگر برای یکی شما نمازی بکند قبول
نخواهید کرد پس حق تعالی قبول نمیکند مگر نیکو را پس چگونه قبول میکند چیزی را که سبک شمارند
و فرمود چون بنده نماز را سبک کند خطاب شود به ملائکه آیا نمی‌بینید بنده مرا گویا پندارد که قضا
حاجات او بدست غیر منست یعنی تعجیل میکند که از پی کار خود برود و ابو بصیر از آنحضرت پرسید که آیا
حور العین از خلقهای دنیا است یا آخرت فرمود ترا چه کار است با حور العین بر تو باد بنماز که آخر چیزی
که رسول خدا صلی الله علیه و آله وصیت نمود بآن فرمود نماز بود که زینهار هیچ یکی از شما سبک
نکند و سبک شمارد آنرا و بنا بر این که در جواب انزا تمام و کامل خواهد کرد و نه در بیری و اکمال او فوت
خواهد داشت و هیچ دزدی بدتر از دزد نماز خود نیست یعنی باید در قیام راست و درست بایستد
و در رکوع خوب خم شده ترک طمأنینه نکند و همچنین در سجود و در سر برداشتن نیکو راست شود و در
سجده اعضا را از هم دور دارد و فرمود عبادت و بندگی خدا اینست که خدمت و ثنای در زمین و هیچ
خدمتی مانند نماز نیست از این جهت ملائکه رکوع و سجود بسیار کردند و احادیث بسیار نماز کننده را اسم
فضلت است چون بنماز می‌ایستد ملائکه با او احاطه می‌کنند از محل قدم تا آسمان و نیکویها نثار او
می‌کنند از آسمانها تا فرق او و ملکی موکل او است با او ندا میکند که اگر این مصلی بداند که با که مناجات میکند

## در سؤال عقوبت از نماز

میگوید هر که از نماز فارغ شود منقولست از رسول خدا صلعم که چون آدم نافرمانی کرد خداوند فرمود
که بیرون رو از جوار من نمی باشد کسی که نافرمانی من کند آدم گریست پس حق تعالی جبرئیل را بسوی او فرستاد
تا او را بزمین فرود آورد و تمام سر تا پا سیاه شد ملائکه بر حال او گریستند چنانکه صداهای ایشان بگریه
بلند شد که خدا تعالی امر نمود و از روح خود با و دمید و مسجود ملائکه فرمود و بسبب گناه سفید بپا
سیاهی مبدل شود پس حضرت آدم را امر نمود باینکه هر روز پنج نماز سیاهی را از آنحضرت برطرف شد پس
جبرئیل گفت که مثل تو مثل اولاد تو است که بر پنج از لوث سیئات و گناهان پاک میشوند و مرویست
از رسول خدا صلی الله علیه و آله که جبرئیل گفت که حق تعالی بعد از هجده هزار سال از خلق من یکبار با من
تکلم فرمود که یا جبرئیل گفتم لبیک ربی فرمود تو کیستی و من کیستم گفتم تو خدای منی و من بنده تو ام
دیگر هیچ نفرمود تا هجده هزار سال دیگر بار بعبارت ندا فرمود که یا جبرئیل گفتم لبیک فرمود که
باش ای بکفتم و از کرامت و دوستی تو یا محمد شبانه روز پنج مرتبه با امت تو مکالمه مینماید
یا محمد اگر مصلی بداند که با که راز گوید در چه مقام می ایستد هر که نه براستی و چپ خود ننگرد و همیشه
در رکوع باشد و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که روز قیامت بنده را در مقام حساب باز
می دارند اول چیزیکه از او میپرسند از نماز است اگر تمام بجا آورده نجات خواهد یافت و الا در آتش
فرو میبرند و باحادیث بکثیر هیچ چیز دیگر از او قبول نمیکنند و در صحیح زراره از حضرت باقر ع بتحقیق
که تارک فریضه کافر است و در صحیح از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله مرویست که نیست میان
مسلمان و کفر او مگر ترک نماز فریضه عمدا یا آنکه سهل انگاری کند پس بکند از او فرمود که آنحضرت
دید کسی را که رکوع و سجود نماز را کامل نمیکرد فرمود مثل منقار بزمین زدن کلاغ اگر با این نماز بمیرد
بر غیر دین من مرده و فرمود که آنحضرت در هنگام رحلت میفرمود از ما نیست کسی که نماز را سبک کند
و وارد بر من بر حوض کوثر نخواهد شد بخدا و بروایت حضرت صادق ع فرمود نخواهد رسید شفاعت من
فردای قیامت کسی که تاخیر کند فریضه را تا وقتش بگذرد و ایضا ما از وقت فضیلت تاخیر نباید کرد البته
و بعضی علما وقت اختیاری نماز همان وقت میدانند پس بهر نحو هر باید از وقت مذکور تاخیر نکرد و بروایت
دیگر فرمود نماز بمنزله ستونست هر که تمام صحیح شد تمام میگردد و هر چه را ابش اکمل نیابد بشکست و فرمود
ترک کننده آن با کننده بعلم تفاوتی ندارد و بقول بعضی علما نماز باطل کننده بتحقیق است هر که تارک نماز شد

## در سؤال نمودن از نماز

که قضا نماید رکعتی یکبند بخلاف او که با اعتقاد باطل خود نماز صحیح کرده و خود را مقصر داند و فرموده اند
همیشه شیطان هست و ترسان از مؤمن مادام که بوقت نماز بجا آورد تا پس مبادا التفات میکند و چون ضایع کرد
جرات بهم میرساند بر او و او را در گناهان عظیم می افکند و فرمود ضایع مکنید نمازهای خود را بتحقیق که
ضایع کننده نماز روز قیامت با قارون و هامان محشور می شود و بر خدا لازم است که او را با منافقان بجهنم
برد پس وای بر کسی که محافظت نکند بر نماز و سنتش و از حضرت رضا از آبا کرام خود از آنحضرت روایت کرده که
متهاون و کاهل نماز را حق تعالی پانزده عقوبت نماید شش در دنیا اول آنکه برطرف از روزیش و برکت از
عمرش و هیچ اعمال خیر و عدم استجابت دعا و بی نصیب شدن از دعای صالحان و سه در هنگام
مردن شدت نزع و تشنگی و گرسنگی و سه در قبر غم و درد و از ظلمت و فشار تا قیامت و سه در روز
قیامت اول حساب شدید دوم بغض الهی و ترک نظر رحمت و تکلم خدا با عذاب دردناک سیم محشور مانند
حیوانات بیهایا داخل جهنم شود و بحدیث فرموده هر که اهانت کند بنماز بر او ملعنة یا آنکه گویا هفتاد
پیغمبر را کشته که اول آن آدم صفی الله و آخر شان محمد صلی الله علیه و آله باشد و بحدیث دیگر فرمود پروا
ندارم که بمیرد یهودی یا نصرانی یا مجوسی و فرمود بکسی که روی ضایع فرمود که نماز را سبک شمرد ممکن که
دین اسلام بر غیر من کرده و یا آنکه بدکه تارک نماز شکی نیست در نماز و سایر محرمات نماند چنانکه در
صحیح است که از حضرت صادق پرسیدند که چرا شما تارک نماز را کافر میدانید و ترک کننده سایر را کافر نمیدانید
فرمود که زنا کننده و مانند آن برای غلبه شهوت و لذت می کنند و کسی نماز را ترک نمیکند مگر بسبب
شمردن آن نه بقصد لذت و احادیث شقاوت و کفر و شامت نماز از حد و حصر بیرون است و هم چنین
کسی که نماز را باطل بجا آورد چنانکه مکرر مذکور شد و اهتمامی که در قرآن در خصوص نماز شده در هیچ
فریضه نشده و بعض علما هزار و ششصد و شصت و اند در نماز شمرده اند و در این مجال باشاره باسم باب
باسم بعضی از آن اکتفا مینماید از جمله محافظت اول اوقات چنانکه حضرت صادق میفرماید که چون نماز در
در وقتش گذارد محافظت او بالا رود سفید و پاکیزه و گوید حفظ نمودی مرا خدا ترا حفظ نماید
و در صحیح دیگر فرمود که ترا عهدی نزد خدا و عهد خواهد بود که بان داخل بهشت شود و اگر بیوقت گذارد
و محافظت نکند بالا رود سیاه و تیره و گوید مرا ضایع کردی خدا ترا ضایع کند و فرمود نماز فریضه را
که میکنی در وقت آن کن و نماز وداع کن که گویا آخر نماز تست که میسر نمیکردند توفیق بان بنابر این اخبار در

# در فضیلت نماز

٨ تأکید اول وقت تعیین آن برای غیر مضطر بسیار است حتی آنکه جمعی از علما تأخیر وقت فضیلت را بدون
عذر حرام میدانند بعضی ابواب در روضهٔ هشتم از روضات بتقریب تعداد صبر و بعضی از فواید آن در روز قیامت مذکور
است و از جمله حضور قلب و اقبال دل بجناب اقدس الهی که روح نماز است در احادیث وارد شده که قبول نمیشود
از نماز مگر آنچه با حضور قلب باشد نصف آن یا ثلث آن یا ربع آن و در حدیث نبوی صلی الله علیه و آله وارد
است که بعضی نماز را که هیچ حضور قلب در آن نیست مانند جامهٔ کهنه بر هم پیچیده بر روی صاحبش
میزنند و فرموده اند نماز مکن در سستی و نه بسیار کسلان و نه بکسالت و خواب آلوده و نه باستعجال بلکه
بآرام تن و وقار و خشوع دل و اقبال و باید چنانکه در حدیث نبوی ص واقع شده جمیع اعضا و جوارح
ساکن باشد مگر چشم و لب فرمود دو رکعت مختصر با تفکر بهتر است از نماز یک شب با دل بی حضور و
و در حدیث حضرت صادق ع میفرماید بتحقیق که هیچ مؤمنی نیست که بدل خود اقبال کند بخدای عز و
جل در نماز و دعای خود مگر آنکه برو اقبال کند و اقبال فرماید دلهای مؤمنان را و تبدیل تقویت
نماید بمودت ایشان او را ببهشت و از امیر المؤمنین ع ذکر فرمود که ملکی گوشهٔ چشم خود را از محل وضع
سجود و در حدیث حضرت صادق ع این زیادتی هست که اگر بداند در طرف راست و چپ تو کیست البته نماز را
نیکو نکرده و از آن بداند که در برابر که ایستاده که نمی بیند او را فرمود چون بنده در نماز ملتفت شود
یعنی بچشم یا بدل ندا کند خدای عز و جل که ای بندهٔ من بسوی که التفات میکنی آیا بکسی که بهتر از من است
برای تو و چون سه مرتبه مرتکب چنین بی ادبی شود پس بگرداند حق تعالی او را روی اقبال و نظر رحمت را
و بسند معتبر از رسول خدا ص ذکر فرمود که نماز مکن و حال آنکه چیزی از بول و غایط در خود
باشد و اخبار در این باب بسیار است و در حدیث دیگر آن مثل پیچیدن مو است ... خود و فرمود که گریه کردن در نماز
روشنی چشم است بجا آوردن آنها ... و فضایل گریستن و مذمت قساوت قلب در روضهٔ هشتم از روضات بهشت
تعداد اهل نجات مذکور است و از رسول خدا صلی الله علیه و آله منقولست که نماز را بیشتر برای کسی که تمام نماید
رکوع و سجود او را ... پس بدنها از نماز خود چندان ناقص بدتر نیست که ارکانش را ناقص کند و باسانید
معتبره از حضرت صادق ع منقولست که دو رکعت نماز از متأهل بهتر است از هفتاد رکعت و بروایتی بکر برای نماز
یکشبانه روز و نماز ... فرمود که بهتر از عبادت صد ... عبادت ایشان
و روزه ایشان روزه باشد و فرمود خوابش بهتر از عبادت صد ... فرمود هیچ مسلمانی نیست که

واگذارد ذرهٔ که عبادت خدا کنند مگر برای او و مثل اجر ایشان باشد تا قیامت و بحدیث نبوی صلی الله
علیه و آله از لئیم ترین مردمان عد نمایند و بروایتی معتبر دیدنیا الله که خدا شود الا از برادران شیاطین
هستی و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که یک نماز با بوی خوش بهتر از هفتاد نماز بی آن و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله در مسواک و عمامه هم چنین وارد شده و در دادن نماز بعضی احادیث امر بعمامه
است و بعضی را بیضه و ترک نماز از حضور مسجد در مبین هفتم و روضهٔ هشتم [illegible] است و روضهٔ
در ذکر نجات از عقوبات سیم عقبات که بر رایت سابقا از زکوة و خمس سؤال خواهند کرد و از کمال اهتمام
همراه در کلام ملک علام تالی اول ارکان اسلام ذکر شده که بعد از نماز اعظم ارکان و اهم پایهای ایمان
است و سبب عدم اثر در خصوص زکوة شمرده اند و آیات در مبالغه و تاکید زکوة و کفر و شقاوت و مفاسد و
شامت ترک و تاخیر آن بسیار است و در روضهٔ دوم گذشت که تارک آن هر فریضه کافر است و در صحیح
صادق میفرماید هر که نگه دارد یک قیراط از زکوة را مؤمن نیست و مسلمان هم نیست در هنگام
مرگ سؤال خواهند کرد رجوع بدنیا و این کلام خدا است حتی اذا جاء احدهم الموت تا آخر و ظاهر شاید
است که چون یکی از ایشان امر رد در یابد که پروردگارا بر گردان مرا بدنیا شاید عمل صالحی بجا آورم
در مالی که برای وارث واگذاشتم و زکوة خود را بدهم و فرموده که نمازش مقبول نیست و فرموده خواهد
بمیرد یهودی و خواهد بمیرد نصرانی یعنی از مسلمانی بهره ندارد و از آن حضرت منقولست که بتحقیق
که مانع زکوة در آتش است اگرچه طاعت خدا کرده باشد هزار سال و بروایتی عبادت عیسی بجا
آورده باشد و هر وقت که بمیرد بیچاره در دنیا دعا کند یا در جهنم استغاثه نماید حق تعالی فرماید
اسکت یا ماسحی در بعض احادیث فرماید که من از تو بیزارم و او منزل بسیار دور است از خدا و از بهشت
و در صحیح فرمود که اگر خدا امید است که آنچه برای فقرا مقرر فرموده کافی نیست البته زیاد میکرد
و هر [illegible] و غنی که [illegible] حقوق ایشان است و فقرا محتاج نمیشدند و گرسنه و
برهنه نمی ماندند مگر بسبب گناه و تقصیر اغنیاء و حق ثابت است بر خدا که منع کند رحمت خود را از هر که
منع حق خدا نموده در مال خود و در صحیح فرمود دو خون است در اسلام که حلال است از جانب خدا که حکم
نمیکند باینها کسی تا خدا قائم ما را مبعوث نماید و او حکم خدا را جاری نماید زانی محصن که سنگسار
سنگسارش خواهد کرد و مانع زکوة را که گردنش را خواهد زد و در صحیح فرمود [illegible] صاحب [illegible]

زکوتش

## در شؤم الاثم منع زکوة

که زکوة شتر را حبس کند مگر آنکه حق تعالی او را حبس کند روز قیامت در زمین لغزنده و اژدهائی بر
او مسلط کند که موی سرش از شدت حرارت و حدت زهرش ریخته باشد و او از ایشان
گریزان شود و چون ببیند که خلاصی ندارد دست خود را بدم او دهد پس بدندان دستش را
مانند ترب شکسته در گردن او چون طوق و آتش بپیچد و اینست معنی قول خدا تعالی سیطوقون
ما بخلوا به یوم القیمة و بسند صحیح منقولست که صاحب چهارپایان که ندهند زکوة او را مگر آنکه باز دارد خدا او را روز قیامت
او را در زمین صاف لغزنده و او را پامال کند هر حیوان صاحب پا و بگزد او را هر صاحب دندانی
و بنیش صاحب انیاب و زراعتی که منع زکوة کند مگر آنکه حق تعالی طوق سازد برای او هفت طبقه
از زمین تا روز قیامت و فرمودند که مانع زکوة را ماری که موی سر او ریخته باشد طوق او شده
از دماغ او خواهد خورد و بسند صحیح از حضرت باقر ع که اژدهائی از آتش طوق او شده میگزد گوشت او را
تا حق تعالی از حساب خلایق فارغ شود و در روایت سابقه آیه را تفسیر نموده اند و آیات در تعذیب مانع حقوق
خدا در مال بسیار است مانند آنکه الذین یکنزون الذهب والفضة ولا ینفقونها الآیه
بلکه بظاهر مطلق ذخیره کردن مال دنیا نه بقصد خیر عقوبت خواهد داشت و قصه مشهور
ابی ذر با عثمان هم مؤید اینست و لا اقل حسرت عظیم خواهد داشت که چرا پیش برای خود نفرستاد
و در صحیح فرموده نیست کسی که درهمی از مال حق نگه دارد مگر آنکه در عوض آن دو درهم خرج کند و فرمود
زکوة نداد کسی که مالش کم شده باشد و منع نکرد کسی که مالش زیاد شده باشد و این مکرر بتجربه رسیده
و فرمود هیچ مالی ضایع نشد در دریا و در صحرا مگر آنکه بضایع کردن زکوة و هیچ مرغی شکار
نشد مگر بتضییع تسبیح خود و حضرت باقر ع میفرماید که حق تعالی زکوة را قرین نماز فرموده است
که اقیموا الصلوة واتوا الزکوة پس هر که نماز کند و زکوة ندهد گویا نماز نکرده و در صحیح از رسول خدا
صلی الله علیه و آله منقولست که در مسجد فرمود که برخیز ای فلان و برخیز ای فلان تا پنج نفر را اخراج نمود و
فرمود بیرون روید از مسجد ما و در آن نماز مکنید و حال آنکه زکوة نمیدهید و در روایتی دیگر فرمود که هر که
زکوة نمیدهد چون بمیرد بر هر عضوی از اعضای او ماری و عقربی و وبائی از آتش گذاشته شود و
بروایتی حضرت صادق ع فرمود که پوشیده است امتحان در خیر و خوب شدند الخبائث و امانت زکوة نکنند
بقحط و بلا مبتلا شوند و حضرت کاظم ع میفرماید که هر که زکوة مالش را تمام بیرون نکند و بمستحقان

## در سؤال نمودن از خمس و زکوة

۲۰ سؤال نموده‌اند که از کجا کسب اعمال کرده و بعد فرموده رسول خدا صلعم حق تعالی حاجتهای دنیا و آخرتش را
روا کند هر سعد باو شد تعالی روز قیامت و با پیغمبران داخل بهشت شود و فضایل اطلاق صدقات و عتق با
جمیع مال و عدم اتفاق و سبق زکوة بانفر و حضرت ع میفرماید که هر که اهل زکوة باشد نگیرد مثل کسی باشد که
زکوة ندهد بدانکه اهل زکوة کسی است که فقیر باشد و گناهان از وی بروز نکرده باشد یا توبه کرده باشد
و از بدترین گناهان که ادای و اداب نماز و دین خود و تعلیم نگرفتن است تا هر وقت که زکوة بر غیر مستحق
دهد چنانست که زکوة نداده چنانکه در نماز باطل کنند در عقوبت مانند بی‌نماز است بدانکه منع خمس
مثل منع زکوة است بلکه بدتر و حضرت صادق ع میفرماید که بدترین مردم در شدائد روز قیامت
هنگامیست که صاحب خمس برخیزد و گوید خداوندا خمس خود را میخواهم و فرمود که یکی از شما درهمی میاید
و من قبول میکنم و حال آنکه از غنی‌ترین مردم مدینه‌ام و غرضی ندارم مگر پاکی شما و ابو بصیر بحضرت
باقر ع گفت که مردم بچه آسانی بجهنم میروند فرمود بلی چنین است درهمی از مال یتیم میخورند بجهنم میروند
و ما یتیمیم که خمس را نمیدهند و جمعی از خراسانی بخدمت حضرت امام رضا ع آمدند که خمس را بر ما حلال
گردان حضرت فرمودند محالست و چه محالی پیش گرفته‌اید بزبان اظهار دوستی میکنید و نمیخواهید بدهید
حقی را که خدا برای ما مقرر فرموده هیچکس از شما را حلال نمیکنم و سه مرتبه این را فرمود و بسند صحیح حضرت
باقر ع فرمود از حضرت امیر المؤمنین ع که اکثر عالمیان هالک و اهل جهنم اند بسبب شکم و فرج چون حق
ما را از خمس نمیدهند و حضرت صاحب الزمان ع در بعضی فرامین صحیح بشیخ مفید در جواب از فتنه‌های
آخر الزمان میفرماید بتحقیق که هر یک از برادران دینی که از خدا بترسد و بیرون کنند آنچه بر ذمه او
است از مستحقین ایمن خواهد بود از فتنه و هر که بخل ورزد با آنچه خدا باو عطا فرموده از کسی که امر
بصله او فرموده پس با حرمتی که باین سبب بانکار دنیا و آخرت خواهد بود و اگر شیعیان ما اجتماع بوفا
عهد میکردند البته تاخیر نمیشد از ایشان شرف خدمت و یمن و برکت ملاقات ما و زود فایز میگشتند
بسعادت مشاهده کثیر البرکات ما پس دور از ما محبوس نداشته از ایشان مگر آنچه بما میرسد از چیزهایی چند
که مکروه و از ایشان ناخوش میداریم و فرمود پس میباید عمل کنند هر یک از شما شیعیان بآنچه او را
مقرب میسازد بمحبت ما و باید اجتناب نماید از آنچه او را نزدیک میگرداند بکراهت و غضب ما پس بتحقیق که
امر ظهور ما ناگاه و بی‌خبر خواهد رسید هنگامی که نفعی ندارد و توبه او را نجات نخواهد داد او را از عقاب

# در سؤال از روزه است

با پشیمانی بر تقصیر و ندامت و روضه جهنم آمد بیابانی نجات از عقوبت عقبه چهارم است که موضع سؤال
از روزه است و آن زکوة ابدان و دوری شیطان و سپر دوزخ و امان از آتش سوزان است و با حادیث معتبره
پایه سیم ارکان ایمانست و در صحیح گذشت که کفارات للذنوب کافر است و روزه بعد از زکوة اهم فرایض است و
فضایل آن بسیار و فواید آن در تسهیل سلوک طریق الی دار القرار بی شمار و از همه بلیغتر از اهمیت بسوی
عالم نور و سهل تر از عملیست که روزه بمقام بهجت و سرور ممتاز است از سایر عبادات بچند از روایات
چنانکه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و حضرت باقر علیهم السلام از جناب قدس الهی ذکر میفرمایند که روزه مخصوص من
و اجر آن بر من است و فرمود روزه دار در عبادت است تا غیبت مسلمانی نکند هرچند در خواب باشد و فرمود
بآنخدائیکه جان محمد در قبضه قدرت او است که بوی دهن صائم که خوش میاید نزد حق تعالی البته
خوشبوتر از مشک است و فرمود خدا ملئکه را موکل مقرر فرموده بدعا برای روزه داران و جبرئیل ع مرا آگهی
داده از جانب الهی که امر نکردم ملئکه خود را بدعای کسی مگر آنکه مستجاب کنم و فرمود که وحی کند خدا بسوی
حافظان عمل که منویسند سیئه روزه داران بندگان تا عصر گناهی و فرمود روزه سپر است از آتش و
هر چیزی را دریست و در عبادت روزه است و فرمود روزه روی شیطان را سیاه میکند و صدقه
پشتش را میشکند و دوستی برای خدا و اعانت هم بر عمل برای خدا دان صالح اثر او را بر طرف میکند و
استغفار رگ گردن او را قطع میکند هر چیزی را زکوتیست و زکوة بدنها روزه است و فرمود یک روزه
از بشت ثواب آن عاجزند ملئکه و خدا او را و پدر و مادر او را بیامرزد و در حدیثی فرمود آیا خبر دهم شما را
بچیزیکه شیطان بسبب آن دور شود از شما بدوری مشرق از مغرب عرض کردند بلی فرمود روزه و فرمود
جاری میشود شیطان از مجاری اکل و شرب دمی پس تنگ کنید آنها را بگرسنگی و تشنگی و حضرت
رسول صلی الله علیه و آله فرمودند خواب روزه دار عبادتست و سکوتش تسبیح و عملش مقبول و دعا
مستجاب و در حدیثی نفسش تسبیح و کلامش صدقه و در تفسیر استعینوا بالصبر والصلوة فرمود چون
شدتی و بلائی روی نماید باید روزه بگیرد و صبر روزه است و فرمود آیا خبر دهم شما را بدری خیر که
روزه است که سپریست از آتش و فرمود هر که روزه خود را پنهان کند حق تعالی میفرماید بملئکه که بنده
من پناه آورده بمن از عذاب من پناه دهید او را و ملئکه را موکل کرده اند بدعای روزه داران و همچنین
نفرموده ملئکه را بدعای کسی مگر آنکه مستجاب میکند و فرمود در شدت گرما برای خدا روزه بگیرد پس

## در سؤال از روزهٔ سنت

تشنگی با و برسد حق تعالی هزار ملک بر او موکل گرداند که مسح و پاک کنند روی او را و بشارت
دهند تا وقت افطار خدا فرماید چه خوشبو است بوی تو و روح تو ای ملائکه من شاهد باشید
بتحقیق که آمرزیدم او را و از رسول خدا صلعم مرویست که هر که یک روزه سنت بگیرد خدا او را داخل بهشت
گرداند و بروایت دیگر واجب شود برای او مغفرت و هر که یک روزهٔ پنهان بگیرد از ثلث ثواب او ملائکه
عاجز شوند و حق تعالی ثواب او را بدهد بیامرزد و حضرت صادق علیه السلام فرمود تناول کنید بدرستی
خدا اطعام و شراب بهشت دهد روزه دار را از خوانهای بهشت و احادیث و فضایل روزه عموماً و خصوصاً
در کتب عمل مسطور است و بروایت شیخ معتبر حضرت باقر علیه السلام میفرماید مؤمن هرگاه شب
بقیام و روز را بصیام بگذراند گناهی بر او نوشته نمیشود و گامی بر نمیدارد و کلمهٔ نکوید مگر که
حسنه برای او ثبت شود و اگر این روز بمیرد روز محشر او را با علیین بالا برند و اگر زنده باشد تا افطار
کند او را در زمرهٔ ابن میمون سند بحدیث نبوی صلعم که بیهقی فرموده از جملهٔ خصال روزه است گداختن
گوشت حرام و قرب الهی و کفارهٔ گناهان آدم عم و سهولت موت و گرسنگی و تشنگی روز قیامت و برات
از جهنم و اطعام طیبات بهشت و فرمود خوشا حال کسی که تشنه یا گرسنه باشد در راه خدا ایشانند
که روز قیامت سیر باشند و بروایت صدوق حضرت امام رضا ام میفرماید که قلم برایشان جاری نمیشود
تا افطار نماید مخفی نماناد که اجماع اهل عقل و ارباب قلوب بر طبق آیات و بر وفق روایات محقق است
بر اینکه جوع و صبر بر گرسنگی و تشنگی که یکی از فواید روزه است سر جمیع فضایل است و شبع منشأ
رئیس کل رذایل است و از اکثر اسباب جهالات و دواعی رعونات و سیئات و طرق شهوات و غفلات
و مجاری شیطان و آفات و موانع خیرات و قبول طاعات و اجابت دعوات بالتمام منحصر است در شبع و قساوت
و کدورت خواطر و غفلات و ظلمت دل و قساوت دل بلکه پرخوری و شبع باعث اینها است بالبدیهه چنانکه
منقولست از جناب رسول خدا صلعم که هر که ما لا یشتهیه خورد باشد پس بتحقیق که صاحب وبال اکل اهل العی
صائم گشته سوم بود مجاهد نماید باشتهای خود بجوع و عطش بتحقیق که اجر او مثل اجر مجاهد فی سبیل الله
است بالتمامی که هیچ عملی نزد خدا محبوب تر نیست از گرسنگی و تشنگی و فاضلترین شما و بروایتی نزدیکترین
شما نزد خدا روز قیامت کسی است که گرسنگی و تفکر او بیشتر باشد و دشمن ترین شما بسوی
خدا پرخوار است و فرموده که بدرستیکه حق تعالی با ملائکه مباهات میکند بکسی که کم است خوردن او

# در سؤال از روزه سنت

در دنیا میفرماید ببینید بنده مرا که مبتلا و امتحان کردم او را بطعام و شراب در دنیا پس ترک کرده
از برای من ای ملائکه گواه باشید که هیچ چیز نخورد مگر آنکه در عوض درجات بهشت باو کرامت
شود و باین احادیث بسیار است در حدیث طولانی معراج بعد از وصف جوع و خوف و ذم حرص
بکالیف سکیت سماع بر جیفه و بهایم بر علف و میفرماید اگر توانی که در راه تو زاهد باشی با شکم گرسنه
جگر تشنه بی بهشتی که از آن خواهی که بابان شرف منازل او خواهی بود با پیغمبران شادی کننده و
بود و در روح تو ملائکه ابرار درود و صلوات میفرستند بر تو پروردگار جبار و حضرت صادق میفرماید
نزدیکترین احوال بنده بخدا وقتی است که در سجده باشد گرسنه باشد فرمود سید عمل گرسنگی است
و اعمل و مغز عبادت گرسنگی و در حدیث صحیح ذکر فرموده از رسولخدا صلعم که مؤمن در یک معا میخورد و کافر
در هفت معا و در حکمت مشهور است که اجسام چون گرسنه شوند ارواح گردند و ارواح چون سیر شوند
اجسام گردند و انسان مرکب است از ملکیت و حیوانیت هر روزه سیر گرسنگی حیوانیت و ملکیت منکوب
و سیر شدن ملکیت حیوانیت کند و ابغا از رسولخدا و ائمه هدی علیهم السلام بسیار است که شبع علامت
نفاقست بلکه موروث آنست و منقولست از آنحضرت که داخل ملکوت آسمان نمیشود کسی که شکمش پر باشد
و سؤال شد از علامت مؤمن و منافق فرمود که مؤمن همیشه در نماز و روزه و عبادتست و همت منافق
در طعام و شراب است مانند بهایم و فرمود هر که همتش در چیزی باشد که داخل شکم او شود قیمتش آن چیزی خواهد بود
که از شکم او خارج میشود و فرمود نور حکمت گرسنگی است و دوری از خدا سیر شدنست و فرمود که سیر مشوید که
فراموش میکنند نور معرفت را از دلهای شما و فرمود که حکمت داخل نمیشود شکمی که پر از طعام باشد و
فرمود سه چیز باعث غضب الهی میشود خواب بی بیداری و خنده بی تعجب و اکل بر سیری و بعد از آن فرمود دو چیز باعث
قساوت قلب میشود محبت راحت و محبت خوردن و در حدیث دیگر فرمود هیچ شی بدتر نیست بخدا از شکم پر
و در روایتی فرمود که گرسنگی بچشید نفسهای خود را و تشنگی بدهید جگرهای خود را و بپوشید لباس خشن را
شاید ببینید حق تعالی را بدلهای خود و مشهور است از حضرت عیسی که با علی گرسنگی بخود را تا بر
بیخی مرا و ورع و اجتناب کن از نافرمانی من تا بشناسی مرا و بندگی من کنی تا بیابی مرا و مجرد شو از علایق
و منفرد باش از عوایق تا بقرب من فایز شوی و در حدیث قدسی است که یا احمد نیکبختی در شکم
گرسنه شد یا موزانم با و حکمت را پس اگر کافر باشد حکمت و بال و حجت بر او خواهد بود و اگر

# در سؤال هفتم از حج

مؤمن باشد حکمتش نور و برهان و شفا و رحمت است پس تا [illegible] بیند [illegible]
و نمی بیند [illegible] از غیر مشغول دنیا میشود و درد [illegible] تا شیطان بر او داخل شود از هیچ جا راهی
ندارد با آنکه دشمن [illegible] اهل دنیا را و اهل آن را و دوست دارد آخرت و اهل آن را گفت پروردگارا کیستند اهل دنیا
فرمود هر که بسیار باشد خوراک و خنده او و غضب او [illegible] مؤمن [illegible] الجنان مذکور
است که از توریة منقولست که ای پسر آدم چگونه طمع داری در عبادت با شکم پر و در جلاء قلب با کثرت خواب
و در نور خدا [illegible] و در [illegible] با حرص دنیا و در محبت خدا با محبت دنیا و [illegible] حضرت
سلمان مبالغه میکردند بر طعامی گفت کافی است بدرستیکه شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله که
هر که سیرتر است در دنیا بیشتر گرسنگی او در آخرت بیشتر است ای سلمان بتحقیق دنیا زندان مؤمن و
بهشت کافر است و در حدیث صحیح حضرت کاظم ع چنین است که دنیا زندان مؤمن است و قبر حصن او و بهشت
ماوای او و دنیا بهشت کافر است و قبر زندانش و دوزخ ماوای او و در صحیفة الرضا از امیرالمؤمنین ع مذکور
فرموده که ابو جحیفه [illegible] نزد رسول خدا ص آمد و عرض کرد [illegible] فرمود باز دار
[illegible] که هر که در دنیا سیرتر است گرسنگی او در قیامت بیشتر است [illegible] ابو جحیفه دیگر
شکم خود را پر نکرد از طعام تا بعالم ملحق شد و در روایت دیگر فرمود گرسنگی یک [illegible] باعث
راحت و سیری [illegible] باعث [illegible] فرمود شیخ [illegible] و مرض بدن و بر طرف شدن
[illegible] صلاح شیطان و [illegible] و فراموشی خدا و [illegible] و بر طرف شدن [illegible]
حکمت [illegible] از حضرت عیسی ع منقولست که [illegible] فرمود که
هر که [illegible] حفظ حکمت [illegible] خوف [illegible] رحمت [illegible] دل
و سنگین [illegible] عبادت [illegible] شهوات [illegible] هنگام [illegible] مسلمانان
[illegible] ایشان در دنیا و وبال ایشان در آخرت [illegible]
شیخ [illegible] گرسنگی و قناعت در دنیا و آخرت [illegible] از عقل و نقل و تجربه
[illegible]
[illegible] سؤال میکنند از حج بیت الله الحرام که چهار
ارکان و پایهای اسلام است [illegible] فرموده [illegible] الی الله [illegible] هنگام

# در ثواب نمودن حج

باو گفته میشود که بمیر یهودی یا نصرانی و مثل مانع زکوة از روی رجوع بنا نخواهد کرد و روز قیامت
کور محشور خواهد شد و حضرت صادق ع فرمود هر که توفیق حج نیابد از سعادت دنیا و از جهت گناهیست
البته که از او صادر شده و حضرت حسن فرموده که اگر مردم ترک حج کنند بر والی واجبست جبر ایشان بر آن و بر اقامت
نزد کعبه و همچنین در زیارت نبی و اقامت نزد آنحضرت و اگر مالی نداشته باشند از بیت المال مسلمانان خرج
باو دهند و اگر یکسال خانه کعبه معطل گذارند مهلت نمییابند از عذابهای الهی و احادیث در این خصوص
در شدائد و عقوبات تارک حج بسیار و در فضائل حج و ثواب آن بیشمار است و باسانید معتبره از حضرت
سید سجاد ع باعث کفایت دنیا و آخرت و غنا و دولت میگردد و حضرت صادق علیه السلام فرمود
که حج جهاد ضعیفانست و ما ضعیفانیم و فرمود که هر که حجة الاسلام کند پس بتحقیق که باز کرده از گردن خود
گره آتش را و از جهنم نجات یابد و هر که دو حج بجا آورد همیشه در خیر و نیکویست تا بمیرد و هر که سه حج
بجا آورد بعد از آن حج هم کند و نکند بمنزله کسی است که دائما حج میکند و فرمود یکدرهم در حج بهتر است
از هزار درهم که در غیر حج صرف شود و بروایتی ده هزار درهم در راه خدا و فرمودند یکحج از هر بنده بهتر است
از بیست حج و یک حج بهتر است از خانه پر از طلا که تصدق نمایند تا تمام شود و بروایتی یک حج بهتر است
از بیست عتق و فرمود که دوست وارد میدارند که در راه خدا ... کاش حجی باشند
تمام دنیا و فرمود که بهای ... در بهشت بسته نشده تا واسطه ... همین
است ... که مصافحه میکنند با ایشان ملائکه و حضرت باقر علیه السلام فرمود که هیچکس که کار ... نماند
حج کنند مگر آنکه نظر نماید بحاجی که برگشته باشند و آن حاجت ... باشد و فرمود حج و عمره دو بازار
است از بازارهای آخرت و ملازم ایشان مهمانان خدا است اگر زنده دارد و بگناه باشند ... داخل بهشت
گرداند و فرمود هر که محرم شود ... تلبیه گویان ... و ... شود و ... اکبر که از ...
مانند بدل حجی که از مال خود ... نگاه کن باین کوه بو قبیس که اگر مثل این کوه طلا در راه خدا
خرج کنی اجر حجی نمییابی و بروایتی فرمود حاج سواره را ... هفتاد حسنه است و پیاده را ... هفتصد
و فرمود حج مقبول ... بهشت و فرمود حق تعالی ... و ... نامقبول
وصیت کنند و امضا کنند و حج کنند و حضرت رضا ع فرمود هر که ... را بپرسند ...
نشود ... از ... کسب کرده در ... سؤال عقبه ششم ... ثالث

# در سؤال از مظالم

یعنی وضوء و غسل و تیمم بظاهر روایات ابن مسعود از امیر المؤمنین ع احتمال دارد در رفع حدث و رفع خبث
و طهارت باطن باشد و رفع حدث وضوء و غسل و تیمم است که شرط افضل عبادات ارکان ایمانست
و سایر عبادات و همچنین در رفع خبث و نجاسات ظاهر است و تفصیل آنها و کیفیت ازاله هر یک که
علم آنها بر هر کس واجب است عینی و در فقه مسطور است که طهارت باطن که شرط قبولیت نماز بلکه
شرط تمام صحت نماز باطن است عبارتست از تطهیر و تصفیه دل از لوث معاصی و توبه و از کثافت رذایل
بتهذیب اخلاق بنحویکه در عقبه‌ها گذشت روضهٔ هفتم در ذکر شدائد آخرت و صعوبت عقبات
عظیم العقوبات روز جهانسوز قیامت که از مظالم عباد سؤال خواهد شد و اگر معدودی که از عقبات
حقوق الهی نجات یافته باشند انجا موقوف خواهند شد بشومی حق الناس که با سبب‌ها چنانکه حضرت صادق
علیه السلام در تفسیر ان ربک لبالمرصاد میفرماید قنطره ویل است بر صراط که نمیگذرد از آن هیچکس با
مظلمه و در حدیث از جناب اقدس الهی ذکر فرموده که بحقیقت و هرگز نمیخواهم گذشت مظلمه‌های بندگان هر چند کم
باشند و در حدیث از رسول خدا ص روایتست فرموده که حذر نمائید از ظلم که ظلمات روز قیامت است و از
امیر المؤمنین ع روایت فرموده که هر که از قصاص ترسد باید که از ایستادن ظلم مردم و فرمود یا دمی هر چه کارد
همان را درود نمیاز تلخ شیرین ونه بر عکس و در حدیث فرمود که هر که نگه دارد حق مؤمنی را حق تعالی او را نگه
دارد روز قیامت بر سر دو پای پانصد سال تا عرقش شود از او رودخانها و فرانش شود از جانب خدا که این
ظالمیست که حبس کرده حق مؤمن را انگاه او را سرنگون میکنند تا چهل سال اینجا هم ملشو بسوی جهنم و
فرمود هر که چیزی از مال برادر مؤمنش غصب کند بظلم پاره از آتش روز قیامت برای خود کسب کرده
است و بحدیث حضرت باقر ع از رسول خدا ص روایت کرده است که پیوسته خدا او را روی رحمت گرداند
و اعمال او را دشمن دارد و بر کارهای خیر او ثواب ندهد تا توبه نکند و مال او را رد نماید در حدیث فرمود هیچ
مظلمه بدتر نیست از مظلمه که یاوری ندارد بغیر از خدا و حضرت باقر ع میفرماید که پدرم هنگام رحلت
مرا بسینه خود چسبانید و فرمود وصیت میکنم ترا بانچه پدرم مرا وقت وفات وصیت نموده و
فرمود که پدرش همچنین با او وصیت فرموده که زینهار زینهار بپرهیز از ظلم کسی که بغیر خدا یاوری نداشته
و فرمود هر که ظلمی بکسی کند البته خدا او را بگیرد در جان او یا مالش و فرمود ظلم بر سه قسم است ظلمیکه که نمی
می بخشد خدا و ان شرکست و ظلمیکه می بخشد و ان ظلمیست که کسی بخود کند میان خود و خدا و ظلمیکه وا

نمیگذارد

# در سؤال از مظالم عباد

همچنانکه در اخبار وارد است از مذاهب خلق است تا هم و حضرت امیرالمؤمنین ع در خطبه فرمودند ایها الناس بتحقیق
که گناهان بر سه قسم است مغفور و غیر مغفور و میان خوف و رجا اما مغفور گناهی است که معاقب
شده بر آن در دنیا و خدا کریمتر از آنست که دو بار عقاب کند بنده خود را و گناهی که نبخشیده میشود
مظالم عباد است بلکه حق تعالی حق را از او ظاهر کرده برای خلقش یعنی برای قیامت که امر الهی
ناشی و بی پرده خواهد شد قسم یاد کرده بعزت و جلال خود قسم سوگند که نخواهد گذشت از ظلم ظالمی
هر چند کفی کشیده دستی باشد قصاص خواهد گرفت از شاخ دار برای بی شاخ تا باقی نماند
کسی را بر کسی حقی و مظلمه بعد از آن برما گردانید ایشان را برای حساب و سیم گناهیست که خدا پوشیده
بر خلقش و توبه بارور نزد او ده پس همیشه ترسان از گناهان خود و امیدوار برحمت پروردگار است
و فرموده بد توشه ایست برای روز قیامت تعدی و ظلم بر مردم و فرمود ای گروه شیعیان ما از خدا بترسید
حذر کنید که مبادا هیزم آتش جهنم شوید تا فرمود بتحقیق که هیچ مؤمنی نیست که ظلم کند برادر مؤمن
خود را که شریک او است در ولایت ما مگر آنکه سنگینی کرده از خدا در این آتش غلها و زنجیرها و وزرها
و خلاص نخواهد فرمود مگر بشفاعت ما و بشفاعت شفاعت او نخواهیم کرد مگر بعد از آنکه شفاعت او
نمایم نسبت برادر مؤمنش اگر عفو کرد از او شفاعتش خواهیم کرد و الا طول خواهد کشید مکث او در
آتش و فرموده در وحی علیه السلام است که بدا بنده دعای هیچیک از شما را مستجاب نمیکنم که مظلمه احدی
در نزد او هست و در حدیث است که طالب بشیطان بمال اعطی کند و رسول خدا صلی الله علیه و آله
ابا فرمودند از نماز بر میتی که دو درهم مشغول الذمه بوده تا ستدا و وصیا بر ذمت و الا هست خود گرفت و
در حدیث معتبر فرمود که چهار کسند که آزار بر اهل جهنم میرسانند بآزاری که خود دارند و از حمیم جحیم
بخورد ایشان میدهند و فریاد و اویلا و واثبورا میکنند یکی در تابوتی از آتش و بخته و یکی رودهایش را
میکشند دیگری چرک و خون و ریم از دهانش بیرون می آید و دیگری گوشت خود را میخورد اهل جهنم از ایشان پرسند
که عمل این بدبختان در دنیا چه بوده که اینها آزار ما میکنند او را گویند که برده و مال مردم در گردنش بود
و چیزی نگذاشته که حق مردم را ادا کند دوم پروا از بول نکرده سیم سخن چینی کرد از مردم می شنید حکایت با
تقلید مینمود چهارم گوشت مردم را بغیبت میخورد و فرمودند که حق تعالی ابرا نمیکند خدا جفا از
دو زنا و مرید و هر که تا نکند ادا دادن حق کسی هر روز گناه عشار برای او نوشته شود و برات دیگر فرمود

# در سؤال نمودن از ظالم

پنج نفر در دوزخ در خانه‌ای باشند که درش را بگیرند و راهی ندارند که او از هم بشنوند امیر که از دعا
نال گرفته انصاف ندهد و مطاع قومی که حرف او را بشنوند و او میان قوی و ضعیف تفاوت دهد و کسی
که اهل خود را کار دنیا آموزد و بطاعت الهی نفرماید و حابس کننده مزد اجیر و بروایت حضرت باقر علیه السلام
فرمود عظیم ترین خطاها غصب مال مسلمانان است و فرمود که کنندکارترین مردم نزد خدا کسی است که بناحق
کسی را بکشد یا بزند و فرمود هر که طپانچه بر روی مسلمانی بزند حق تعالی در روز قیامت استخوانهای او را
از هم بپاشد و آتش را بر او هم مسلط گرداند و او را غل کرده بجهنم اندازند و فرمود شما را مغرور نکند حال
کسی که دست بخون مسلمانان گشوده بتحقیق که او را کشنده است که هرگز نمیرد و آن آتش جهنم است و
فرمود هر که دست بمؤمنی زند که او را ذلیل کند یا چیزی باو واقع سازد که کراهت از آن داشته باشد
بلکه بر او لعنت کنند تا او را راضی نماید و توبه کند و حق تعالی فرمود هر که بنده‌ام را ذلیل کند گو با علان بمن
مبارزت و محاربه نموده و فرمود هر که نظری کند بمؤمنی که او را بترساند خدا او را بترساند روزی که پناهی
بغیر سایه رحمت او نباشد و فرمود حق تعالی ملکی را بحق فرستاده که اگر جمیع اهل آسمانها و زمینها را امر
یا شریک باشند بخون مسلمانی حق تعالی همه را با آتش اندازد و فرمود که هر که قاتلی را جا دهد بر او است
لعنت خدا و ملائکه و جمیع خلایق و هیچ عملش مقبول نشود و حضرت باقر فرمود که اول چیزی که خدا در
آن حکم خواهد نمود روز قیامت خون مسلمانان است ما بین اینها گرفته تا آخر بعد از آن حکمهای دیگر میشود
و مقتول خون خود را بر روی قاتل میریزد پس انکار نمیتواند کرد و موید اینست چند رقعه او که گذشت و
فرمود هر که مؤمنی را بکشد جمیع گناهان مقتول بر او نوشته شود و مقتول از گناهان پاک میشود
و در روایت دیگر وارد است که زنهار اجتناب کنید از کشتن بناحق که هر که کسی را بکشد صد هزار بار در جهنم
او را بکشند مثل آن کشتن و بدترین چیزها کشنده مؤمن عمدا و در جهنم و نا امید از رحمت الهی
و حضرت صادق فرمود که آدمی در دین خود هست تا خون حرامی نکرده چون عمدا مؤمنی را بکشد
توفیق توبه نمییابد و هنگام مردن باو خواهند گفت بمیر یهودی یا نصرانی یا مجوسی و در حدیث است
که هر که در روز قیامت در سوی آتش میکنند و با ایشان صداها بلند کنند که وامحمداه آنحضرت
گوید پروردگارا ایشان از امت منند حق تعالی فرماید بدرستی که ایشان خونهای حرام ریخته
اند و در حدیث حضرت صادق علیه السلام میفرماید هر که اعانت کنند بر قتل مؤمنی یا خون مؤمنی

کلمۀ

# در سؤال از مظالم.

۱۰ کلمهٔ روز قیامت بیاید مردی که میان دو چشمش نوشته باشد آیس من رحمة الله و فرمود که روز قیامت
مقتول را نزد کسی که خون او بود بیاورد و گوید پروردگارا از او بپرس که چرا مرا کشت و گوید بکلمه که گفتی با شرکاء او شریک گردیدی
بر قتل من نمودی و فرمود ظالم کننده و معین و راضی هر سه با هم شریکند در ظلم و در احادیث این مضمون
متواتر است که راضی بعمل هر قوم با ایشان شریک است و اجزای این تامعین و مشیر چیز رسیده در حدیث حسن
ابی یعفور است که یکی با حضرت عرض کرد که گاهی یکی را زمان تنگی معاش بما رسید برای تحصیل قوت مشغول
کار حکام شویم که بنائی یا ساختن یا نهری برای ایشان اصلاح کنیم چه میفرمائی فرمود نمیخواهم که گرهی برای
ایشان بزنی یا سر چیزی ببندی و مرا بازای تمام مدینه از کمال ترحم و شفقت بر شیعه خود با ایشان راضی نیستم
و در صحیح یونس فرمود باعانت ایشان مکن بر بنای مسجد احادیث در شومی و مفاسد صحبت و یاری ظلمه
گذشت و بهمین باعث و آیهٔ ولا ترکنوا الی الذین ظلموا فتمسکم النار یعنی میل بایشان عقوبت آتش
جهنم مترتب میشود که از دکون مظالمت که بیقدر جثه او خواهد که دست بکیسه کرده یا وعظا نما
و فرمود یا عوان ظالمان چون روز قیامت در سراپردهای آتش خواهند بود تا خدا از حساب خلایق
فارغ شود و رسول خدا صلی الله علیه و آله بحدیث معتبر فرمود چون روز قیامت میشود ندا میکند کجایند
ظالمان و اعوان ظالمان و هر که لیقه دوات ایشان گذاشته یا سر کیسه برای ایشان بسته باشد یا
مددی بایشان داده باشد ایشان را با ظالمان محشور کنند در میان آتش جهنم یا سر تعظیم خواهند گفت ای پسر
و قادری و غنی که ای کسی که خدا استیلا داد و عدالت بزیردستان نکردی وای آنکه خود را در نظر مردم زینت
دادی بخوبی در حضور خلق معصیت و معجزه نمودی ای آنکه در دنیا خدا مال بسیار داده بکی از راه
خواست بخل کردی هر سه را امیر با یک چون مرغ دانه کیفیت او شامت و عقوبات ظلم و حق الناس در دنیا
و عقوبت نهایت ندارد و انواع حق الناس بسیار گذشت و از غیبت و حقوق برادران و سادات و سایر مردم
و زنای محصنه و لذا رسم و در روز قیامت ظالم با صاحب حق یکجا حاضر شده عادل بزرگ و جز او حکم خواهد
فرمود و حسنات ظالم را بعوض حق مظلوم داده هرگاه و یا آنکه مظلوم را بعلت کمی راه به بهشت نباشد تا
حسنات ظالم بکار شد ایشه گناهان مظلوم را بظالم بار کرده عوض مظلوم بقدر ظلم شود داخل دوزخ عذاب
خواهند کرد چنانکه منقولست از رسول خدا صلعم که مفلس امت من کسی است که بیاید با نماز و روزه
و زکوة که اینرا دشنام داده و آنرا محشور کنند مال اینرا خورده و خون آنرا ریخته و اینرا زده پس از حسنات او

او با زن و زن میدهند اگر حسنات نیز وفا نکند از خطاهای ایشان او طرح می کنند و بجهنم انداخته شود
و از حضرت باقر ع پرسید بعضی حکام که آیا توبه من قبول است جواب فرمود اعاده نمود فرمود تا حق هر صاحب
حقی را ادا کنی و حضرت صادق ع از رسول خدا ص ذکر فرموده هر که ظلمی بکسی کرده و او را نیابد که تدارک
نماید باید برای او استغفار کند تا کفاره آن شود و بدیعیت مراد البانست و در مالیات تا مقدور است باید رد
کرد عین را و اگر تلف شده مثل یا قیمت او را رد کند هر چند دور باشد اگر بعد از تفحص نیابد بمستحق تصدق
نماید از جانب صاحبش و الا توبه اش قبول نخواهد شد و بهنگامه قیامت خواهد ماند مرحق صاحبش بشیء
در ترویج بال و تلیح بعض اعمال فاضله که تقلیلم توفیق انها در این اوقات سابقه این واقعه ها بلا
شک باعث نجات از جمیع اهوال و شدائد این عقبات بهشت و عقوبات گشته موجب خلاصی از
دوزخ و فوز بهشت خواهد بود انشاءالله تعالی از آنجمله تحصیل معرفت و محبت اهل بیت عصمت این
معنی و بحث که گذشت بحدیث نبوی ص حق تعالی علی ع را روز قیامت هفت نام خطاب کند یا صدیق
یا دال یا عابد یا هادی یا مهدی یا فتی یا علی بگذر تو و شیعه تو بسوی بهشت و امیرالمؤمنین ع خبر داد مرا گفت
رسول خدا ص که اول کسی که داخل بهشت شود منم و تو و فاطمه و حسن و حسین گفتم پس محبان ما فرمود
پشت سر ما و فرمود شکوه کردم با حضرت از حسد مردم فرمود آیا راضی نیستی که اول کسی که بهشت داخل
میشود منم و تو و حسن و حسین و زنان ما از پس ما و شیعیان در پی زنان ما و فرمود که انصاری
با حضرت گفت که من تاب مفارقت ترا ندارم بخانه که میروم بیاد تو ترک کارها نموده بحضرت تو می آیم به بینم
ترا از محبت بسیار و روز قیامت که با علا علیین روی ترا نخواهم دید پس این آیه نازل شد و من یطع الله و رسوله
فاولئک مع الذین انعم الله علیهم یعنی پس آنرا طلبید بشارت داد و حضرت صادق ع بعمر بن یزید فرمود
که تو از ما اهل بیتی گفت فدای تو شوم از آل محمد گفت بلی والله از نفس ایشان آیا نخوانده کتاب
عز و جل ان اولی الناس بابرهیم للذین اتبعوه و آیا نخوانده کتاب خدا فمن تبعنی الی آخره پس هر که متابعت من کند پس
بتحقیق که او از من و السلام علی من اتبع الهدی و از آنجمله زیارت قبور مطهره ایشانست و صلوات بر ارواح
طیبات ایشان و مجاورت و ماندن در جوار ایشان و گریستن بر احوال پریشان ایشان در این خصوص
آیات بسیار و احادیث متواتره از طرق دوست و دشمن بحد یقین است و شمه مذکور شده و در
صحیح حضرت صادق ع از رسول خدا صلی الله علیه و آله ذکر میفرماید حدیث وسیله که دیده آنحضرتست

و در

و نظر بجانب سایر پیغمبران مانند ماه است بستارهها که فرمود روز قیامت بامداد پیغمبران را هم
و علی را با هر پیغمبر بعد از من بر این جمیع بهشتها گویند خوشا حال این دو بنده که چه گرامیند نزد خدا پس ندا رسد
که این حبیب من محمد مصطفی و این ولی من علی است خوشا حال هر که او را دوست دارد و وای بر حال کسی
دشمن دارد او را پس هیچ مؤمنی نباشد که ترا دوست دارد مگر از این ندا راحت یابد و رو سفید و خوشدل
گردد و دشمن و منکر حق تو رو سیاه و پاهای او بلرزد در این حال رضوان با کلیدهای بهشت و مالک با
کلیدهای دوزخ از جانب الهی آمده بر من سلام میکنند گویم برادرم علی بن ابیطالب را پس با کلیدها روان شود بکنار
جهنم ایستد در حالتی که شررهای آن در پرواز است و نعرهها و خروش زبانه میکشد علی مهارش را گرفته او گوید
بگذار یا علی نور تو نار مرا خاموش کرد فرماید قرار گیر ای جهنم و بشنو آنچه میگویم این را بگیر که دشمن من است
و این را مگیر که دوست من است والله که جهنم اطاعت علی زیاده بر غلامان شما بشما میکنند و فرمان
او را زیاده بر همه خلق خواهد کرد هر چه بفرماید و قسیم بهشت و دوزخ بودن از طرق مخالف هم
متواتر است و فرموده چون شود روز رسول الله که حوض کوثر را باختیار علی کردم و جهنم را باو سپردم و نمیگذارم
داخل شد بهشت را و در هر که ذره محبت او در دلش باشد و زیارت کنندگان او و دوستانش نزد من و لطف
اند و بر من لازم است که زائر خود را اکرام و عطا کنم هر چه خواهم در قیامت جهان تلافی کنم که اندوه
حال ایشان که هر که مطلع شود و بروایت حضرت باقر علیه السلام فرمود یا علی محبت تو بر هر که قرار گرفت
اگر یک قدمش بر صراط بلغزد پایه قدم دیگرش ثابت میماند تا خدا او را بسبب دوستی تو داخل بهشت گرداند
و هم از آنحضرت نقل فرموده که حضرت فاطمه علیها السلام در قیامت از ظالمان شکوه نموده ندا رسد
که امروز ظلم هیچ ظالمی از من نخواهد گذشت تو شفاعت کن هر که را که خواهی آنگاه شفاعت نماید
در ذریه و شیعیان خود پس ملائکه باذن خدا همه را جمع نموده با آنحضرت بهشت برند و بروایت امیر
المؤمنین فرموده که فاطمه و شیعیانش بر صراط مانند برق جهنده بگذرند و بعد حق فرزندانش شیعه و
و دوستانش از ذات است و بحسب حضرت باقر علیه السلام فرمود یا جابر انصاری که فاطمه از روز خدا سوگند که
شیعیان و محبان خود را از صحرای محشر برباید چنانکه مرغ دانه خوب را از بد جدا نماید آنگاه دوستانش باذن خدا
دست هر که را در دنیا رعایت او نموده اند گرفته به بهشت برند و اخبار در این خصوص بسیار است و در
تعزیه ایشان و گریستن در مصائب و حال بر ایشان احادیث بیشمار است که خدا تقوا را بر ...

# در معرفت و محبت اهل بیت ع

حرام کرده‌اند او را بر بهشت ابد الآباد و جا دهند و منزل نیکو کرامت فرمایند با ما باشد و نزد ما در درجها
ما و در صحیح حضرت صادق ع میفرماید که حسن مجتبی ع از رسول خدا ص پرسید از ثواب زیارت او فرمود که
یا بنی هر که زیارت کند مرا بعد از وفات من برای اوست بهشت و در زیارت پدر و مادر و برادرش همچنین فرمود
و فرمود که هر که امیرالمؤمنین ع را با معرفت بحق زیارت کند خدا بهر گامی حجی و عمره مقبوله برای او بنویسد
بخدا سوگند که آتش نخورد قدمی را که گرد آلوده شود پیاده یا سواره بسوی او و مانند این حدیث را بسیار
و احادیث با این معنی و مستلزم آن متواتر و از حد و حصر متجاوز است خصوصاً در زیارت سید
الشهداء ع و سبب عزای و در زیارت مشهوره عاشورا با مصیبت در وی ثوابهای عظیم وارد
شده از جمله هزار هزار حج و هزار هزار عمره و هزار هزار غزوه با ثواب مصیبت هر پیغمبر و صدیق و شهید
از اول دنیا تا آخر و ثواب هر پیغمبر و رسولی و هر که زیارت مظلوم کرده و خواهد کرد تا قیامت و هزار
هزار حسنه و محو سیئه و رفع درجه و از جمله شهدا باشد با او و شریک درجه ایشان که او را نشناسد
مگر از ایشان و در حدیث حضرت امام محمد باقر ع دو هزار حج و دو هزار عمره و هزار هزار ثواب امام حق
برای بعید که آنحضرت ضامن شده این ثواب را برای او و همچنین حضرت صادق علیه السلام ضامن شده
و در صحیح صفوان فرمود به من ضامنی دارم از پدرم از پدرش و او از پدرانش از رسول خدا صلی الله علیه و آله
که خدای جلیل بذات اقدس خود قسم یاد کرده که همه حاجات او را برآورم و شاد گردانم بفوز
بهشت و آزادی از جهنم و قبول شفاعت و برای هر که خواهد غیر ناصبی گواه گرفته ما را بر این گواه
گرفته بود ملائکه ملکوت را و براستی تو فرستاد با بشارت تو و علی و فاطمه و حسن و حسین و ائمه
تا قیامت ای صفوان ترک مکن البته که خدا خلف وعده خود نمیکند پس خوشا حال سعادتمندی که
خود را فارغ دارد برای کسب این سعادت عظمی و اکتساب چنین کرامت کبری برای خود هر روز از
نزدیک یا دور اللهم وفقنا له ببرکة الحسین و حضرت امام رضا ع میفرماید که هر که مرا با معرفت زیارت
کند در مرتبه نزد من صد هزار شهید دارد و صد هزار صدیق و صد هزار حج و صد هزار عمره و صد هزار غزوه
و روز قیامت در زمره ما محشور شود و در درجات عالیه ما رفیق ما باشد و فرمود من و پدرانم شفعا
ی کنیم و هر که ما شفیعان او باشیم البته نجات می یابد هر چند گناه جن و انس داشته باشد و فرمود هر که زیارت
من کند با دوری قبر من در قیامت در سه جا نزد او آیم تا او را خلاص کنم وقتی که پرواز نامه‌های اعمال از راست و چپ

و نیز پل صراط و میزان و حضرت صادق ع از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که البته بهشت او را واجب
گردد و جهنم بر او حرام و فرمود دست او را گرفته داخل بهشت کنم اگر چه از اهل کبایر باشد و در موثق از امام
با آنحضرت ذکر کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله خطاب بمن فرمود و چگونه خواهید بود هرگاه مدفون
شود در زمین شما پاره تن من و جگر گوشه من و فرمود در خاک شما ستاره من حضرت فرمود بتحقیق که
منم آن ستاره و در روایات آنحضرت است مثل همین روایت و در صحیح از داود بن قاسم که شنیدم از حضرت
جواد ع که میان دو کوه طوس پاره از بهشت هر که داخل آن شود ایمن است روز قیامت از آتش و حدیث به شهد
او بخدا قسم که روضه است از بهشت محل تردد ملائکه پیوسته فوج فوج نازل و فوجی بالا روند تا نفخ صور
و حضرت صادق ع میفرماید که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که رسول خدا صلی الله علیه فرمود یا ابا الحسن خدا
قبر ترا و اولاد ترا بقعه و عرصه از عرصهای بهشت گردانیده و دلهای نجبای خلق و اصفیای بندگان خود را مایل
شما گردانیده که متحمل اذیت و مذلت میشوند در باره شما پس تعمیر و زیارت قبور شما بسیار میکنند برای تقرب
خداوند و محبت رسول او و ایشانند یا علی مخصوصان بشفاعت من و واردان بر حوض من و ایشانند هم
سایگان و زیارت کنندگان من فردا در بهشت پس بشارت باد ترا یا علی و اولاد و محبان ترا از نعیم بهشت و
روشنی بچیزی که چشمی ندیده و گوشی نشنیده و بخاطری نگذشته و حضرت امام هادی میفرماید که تربت
ما همه یکجا جمع بود در طوفان نوح متفرق شد تربتها و حضرت صادق ع میفرماید که کربلا خلق
شد بیست و چهار هزار سال پیش از کعبه حق تعالی از او بهترین بقاع بهشت گردانید اللهم ارزقنا الدفن
فیها بحرمة محمد و آله المصطفین صلوات الله علیه و علیهم اجمعین اما در ثواب صلوات و باعث نجات
شدن از خشم و عقاب و بخشش معصیتها و رفع درجات و نور در ظلمات و رفع امراض و بلیات و کفایت مهمات
و کفاره سیئات و استجابت دعوات و قضاء کل حاجات پس احادیث فوق حد احصا است در اینمقام اکتفا
باهم نوادر میشود بسند معتبر از رسولخدا صلی الله علیه و آله منقول است که دیدم مردی از امت خود
بر صراط افتان و خیزان پس صلوات او بر من فرستاده بود آمد و هر دو قدم او را ثابت داشت تا گذشت
از صراط و در صحیح از ابی حمزه منقول است هر که بگوید صلی الله علی محمد و آل محمد خدای عز و جل میفرماید صلی
الله علیک پس باید بسیار بگوید و از ابن حمزه منقول است که هفتاد و دو شهید ما و رهند بیرون
آید از گناهان مانند روزی که از مادر متولد شده و فرمود هیچ کس از امت من با اخلاص و صدق

# در ثواب صلوات فرستادن

دل و حضور قلب یکصلوات بر من بفرستد حق تعالی ده صلوات بر او فرستد و ده حسنه و محو ده سیئه و
ده درجه با او کرامت فرماید و بروایتی بگو باین یاد چنانچه هست که دو ملک با او موکل و مشتاق فرماید در
تبلیغ سلام او بروح من و مرقبت از سید کاینات محمد مصطفی صلی الله علیه و آله که هر که صلوات بر من
فرستد مرغ مبارکات که در اصل بدنهای عظیم بر درخت نشسته خود را بیند تا آنکه از درخت خود را
بفشارد حق تعالی از هر قطره ملکی بیافریند که استغفار کند برای او و هر که هر صبح وضو ساخته صلوات
فرستد او و والدین او بیامرزد و هر که در وقت خفتن ده صلوات بر من فرستد ثواب نماز گذارندگان
دارد و مهمات و حاجاتش برآید و هر که در بازار روی خود را شانه کشد و هفت صلوات بر من
فرستد چشمش هرگز درد نکند و هر که یکبار بر من صلوات فرستد ملک موکل بر آسمان و زمین ده
صد بار صلوات بر او فرستند و ملائکه آسمان دوم که این را بشنوند دویست بار سیم هزار بار چهارم
دو هزار بار پنجم پنج هزار بار ششم شش هزار بار و هفتم هفت هزار بار و آنگاه خدا فرماید یا ملائکه
بگذارید او را که تعظیم رسول من نموده ثواب او با من است و بروایت حضرت صادق ع فرموده هر که صلوات
بر من فرستد خدا و ملائکه صلوات بر او فرستند تا هر گاه که او صلوات به پیغمبر فرستد که با پیغمبر و هر که صلوات
بر تو بنویسد همیشه ملائکه برای او استغفار کنند و بروایتی صلوات بفرستند تا نام تو در آن نوشته باقیست
صلی الله علیه و آله و بروایتی احمد بر تو صلوات بفرستد که هفتاد هزار ملک بر او صلوات فرستند و حضرت
حضرت صادق ع فرموده صلوات بر من و اهل بیت من نفاق را برطرف کند و بخدا بهشت که صداهای خود را
بلند کنید بصلوات بر من که نفاق را میبرد و فرمود که هر که صلوات را بر من فراموش کند و بروایتی اسم مرا بشنود
و صلوات نفرستد خطا کرده راه بهشت را و حضرت صادق ع میفرماید که چون نام آنحضرت مذکور شود
صلوات بسیار بفرستید بر او و هر که یکصلوات بر او فرستد خدا بر او هزار صلوات فرستد و هزار صف از ملائکه و
هیچ خلقی نماند مگر بسبب صلوات خدا و ملائکه بر او صلوات فرستند پس هر که بچنین رحمتی رغبت نکند جاهل
و غافل است و خدا و رسول و اهل بیتش از او بیزارند و در صحیح مصباح فرموده میخواهی ترا چیزی تعلیم کنم که
حق تعالی بسبب آن روی ترا از آتش جهنم حفظ نماید بگو بعد از نماز صبح صد بار اللهم صل علی محمد و آل محمد و فرموده
هر که بعد از نماز صبح و ظهر صد بار بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم نمیرد تا قائم صلوات الله
و سلامه علیه را ادراک نماید و فرموده هر که صد بار بگوید یا رب صل علی محمد و آل محمد صد حاجت او روا

شود که کسی برای او تنها باشد فرمود که هر که صلوات بر محمد و آل او فرستد خدا و ملائکه بر او صلوات فرستند ۲۱۶
آیا نمی شنوی که خدا فرموده هُوَ الَّذِی یُصَلِّی عَلَیْکُمْ وَمَلَائِکَتُهُ الی آخره و در صحیح فرموده صلوات میان ظهر
و عصر برابر هفتاد رکعت است و بصحیح دیگر هفتاد حج و در صحیح فرموده که در نماز در رکوع و سجود مثل تسبیح
است و ده حسنه دارد و هیچ ملائکه منادی کنند که کدام از آن بر روح نبی الله برسانند و در صحیح فرموده که رسول خدا
صلی الله علیه و آله فرمود آیا بشارت ندهم ترا که خبر داد مرا جبرئیل بعجیبی که هر که از امت من صلوات فرستد بر
من و اهل بیت من گشوده شود برای او درهای آسمان و ملائکه بر او هفتاد صلوات فرستند و اگر گناهکار
باشد پس بریزد از او گناه مانند برگ از درخت و حق تبارک و تعالی فرماید لبیک ای بنده من و سعدیک
ای ملائکه من شما هفتاد صلوات میفرستید بر او و من هفتصد و اگر بعد از صلوات من بر اهل بیت من صلوات
نفرستند هفتاد حجاب میان او و آسمان حایل شود و خدا فرماید لا لبیک و لا سعدیک ای ملائکه من بالا
نبرید دعای او را تا ملحق نماید به پیغمبر من عترت او را **مؤلف گوید** که صاحب مستطرف اربعین در این
باب کتابی جمع نموده خلاصه بعض آن این است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود هر صلوات بر من فرستند
ملائکه بر او صلوات فرستند هر که ملائکه بر او صلوات فرستند خدا صلوات فرستد هر که را خدا صلوات
فرستد نماند چیزی در آسمانها و زمین مگر که بر او صلوات فرستند بروایتی آتش بر او داخل نشود و
بروایتی شفیع او باشم در قیامت و هر که بر من صلوات نفرستد من بیزارم از او و نزدیکترین شما بروایتی
نزد من در قیامت اکثر شما است در صلوات بر من و هر که جمیع عبادت خود را صلوات کرد خدا حاجت
دنیا و آخرت او را برآورد و خدا را درهوا ملائکه چند هست که کاغذها و قلمهای نور بدست است
نمی نویسند مگر صلوات بر من و اهل بیت مرا و خدا را ملائکه چند هست که سیاحت میکنند در زمین
صلوات امت مرا بمن میرسانند پس استغفار میکنم برای ایشان و خدا ملکی را بر قبر من موکل کرده و نامهای
همه خلایق را با او داده پس تا قیامت احدی بر من صلوات نمی فرستد مگر گوید این هدیه فلان است صلوات بر تو
فرستاده بتحقیق که وحی شد بموسی که اگر میخواهی که من نزدیک تو باشم از کلام تو بزبان و تن تو از جان پس بسیار
صلوات فرست بر نبی امی و خدا ملکی را بسبب تقاعد ورزیدن در قلع مدینه مغضوب غضب فرموده بالهای او را شکست پس
بشفاعت جبرئیل امر شد بصلوات بر من و برکت آن مرتبه شد هیچکس سلام بر من نمی فرستد مگر آنکه [illegible]
کند بر من روح مرا تا رد کنم بر او عطاهای خود را مانند قطرها بگرایید صلوات فرستید بر من که بمن میرسد هر جا که باشید

# در فضیلت صلوات

هر که خواهد که ملاقات کند با خداوند تعالی و از او راضی باشد پس بسیار صلوات فرستد هر که بیشتر فرستد که هر که
هر روز پانصد بار صلوات فرستد بر من هرگز محتاج نشود و گناهانش برطرف شود و عمرش با برکت و دعایش
مستجاب شود و آرزوهایش آماده باشد یاری بر دشمن و اسباب خیر یابد از جمیع باشد که رفیق پیغمبر خدا باشد
در بهشت هر که روزی صد بار صلوات فرستد بر من خدا از روی صد حاجت او را بر آورد و در روایتی هفتاد
برای آخرت او و سی برای دنیای او و هر که هر صبح ده صلوات بر من فرستد گناه چهل ساله اش محو شود و روزی
جبرئیل بشارت داد و گفت خدا میفرماید هر که از امت تو سه بار صلوات فرستد بر تو بیامرزم او را اگر ایستاده
باشد پیش از نشستن و اگر نشسته باشد پیش از ایستادن او بیامرزم شکر [illegible] هر مومنی که یکبار صلوات
فرستد بر من خدا ده ملک را فرماید که تا سه روز گناهی برای او ننویسند و بروایت دیگر خدا ده صلوات بر او
فرستد و هر که ده صلوات فرستد خدا صد صلوات فرستد و هر که صد صلوات فرستد خدا هزار صلوات
فرستد بر او و هر که هزار صلوات بر من فرستد خدا او را از بلا آتش آزاد کند و در روایت دیگر پیش از مرگ
او را بهشت بشارت دهند هر که یکبار صلوات فرستد بر من برای تعظیم حق من خدا ملکی را بفرماید
بیافریند که یک بال او در مشرق و یکی در مغرب سرش در زیر عرش و برابر پاهای او در زمین پایین
[illegible] باشد گوید خدایا صلوات بفرست بر بنده خود چنانکه صلوات میفرستد بر پیغمبر تو و بروایت
اصح خدا فرماید صلوات بفرست بر بنده من چنانکه او صلوات فرستاد بر پیغمبر من پس او را صلوات میفرستد
تا قیامت صلوات فرستید بر من که باعث پاکی و پاکیزگی بهشت خودتان است و برای من وسیله را طلب کنید که
شفاعت روز قیامت همیشه اهل بیت ما را یاد کنید با ایشان صلوات [illegible] رد کرده و نمازی بیست
کسی را که صلوات بر پیغمبر خدا نفرستد دعا بعد از صلوات رد میشود و صلوات فرستید بر من و بهم کنید
در دعا و بگوئید اللهم صل علی محمد و آل محمد **مؤلف گوید** که موافق احادیث خاصه هم صلوات بر آل آن
حضرت جزو صلوات بر آن حضرت است و از بهتر این مفهوم میشود و مؤید است [illegible] حضرت
از صلوات بتمامه مسطور وقتی که اصحاب از تفسیر آن سؤال کردند و بطرق خاصه طعن تارک آل
آن حضرت در صلوات وارد شده است و بدانکه فضیلت صلوات بقدر معرفت و محبت و اطاعت
ایشانست و ما ذکر شد [illegible] بعض اوقات و عبادات صلوات را از کتب عبادات بطلب
خصوصا اسرار آل محمد را صلی الله علیه و آله که باعث دوام سرور و قرب عالم نور و قبول اعمال و [illegible]

# در فضیلت صلوات

و محو سیئات و انواع خیرات دنیا و عقبی و رفاقت رسول خدا صلی الله علیه و آله در اعلا درجات جنان میشود
و بسیار کثرت فضایل و وسعت فواید صلوات از اجمال ذکر یافت و از انجمله اشتغال بتعلم و تعلیم علوم اهل بیت
رسالت و جهاد اجتهاد در هدایت و ارشاد ضعفاء شیعه اهل ولایت و تذکر بخیر در مبحث هفتم مذکور شد
در اینمقام کافیست و از انجمله حفظ قرآن که آیاتش بعدد درجات جنانست بکثرت مواظبت و مداومت
محافظت آن چنانکه از رسول خدا صلی الله علیه و آله منقولست که فرمود بخوانید قرآنرا و از حفظ و بر کنید آنرا
پس بتحقیق که حق تعالی عذاب نمیکند دلیرا که ظرف قرآنست و بروایت طبرسی از عاصم از امیر المؤمنین ع فرمود
هر که بخواند قرآنرا و حفظ نماید خدا او را داخل بهشت نماید و در ده نفر از اهل بیتش که همه مستوجب جهنم باشند
شفاعتش را قبول فرماید و فرمود که هر که قرآنرا از بر کند گویا درج و جا داده شده است نبوت میان دو پهلوی
او الا آنکه وحی باو نرسد و فرمود که حاملان قرآن بزرگان اهل بهشتند و فرمود اهل قرآن در اعلا درجات
بهشتند بعد از پیغمبران و در حدیث معتبر فرمود خدا عذاب نخواهد کرد دلیرا که قرآن حفظ نموده باشد
و فرمود اگر این قرآن را در پوستی پیچند آتش باو مس ننماید و فرمود که صاحب قرآنرا خواهند گفت
که بخوان و بالا رو و ترتیل و تانی بخوان چنانکه در دنیا میکردی که جای تو نزد آخر آیه است که می
خوانی هر که از بر کند قرآنرا تخفیف عذاب او شود از والدینش اگر چه کافر باشند فرمود هر که قرآنرا یاد
کرد و بعد از آن فراموش کند بعلتی بغیر از یکی بغیر او پست شود و بیاید روز قیامت در حالتی
که مغلول باشد و فرمود که هر که بعد کبر سن تعلیم قرآن کند اجرش مضاعف گردد و فرمود منزلت قرآن مانند
پنهان دهنده صدقه است و جهر کننده بان مثل آشکار کننده صدقه است و در حدیث وارد شده است
که حامل قرآن و حافظ کلام و پیام رحمن روز قیامت بر منبرها نشسته و مردم در حساب باشند و پیر
ناقها سوار شده بسوی بهشت روان شوند و بسند صحیح از حضرت صادق ع منقولست میفرماید حافظ حامل
قرآن با ملائکه سفره کرام برره باشد و فرمود هر مؤمنی در جوانی قرآن بخواند قرآن بگوشت و خون
او آمیخته شود و خدا او را با رسولان بره یعنی نیکوکار از ملائکه محشور گرداند و قرآن از جانب او حجت
نماید که خدایا هر عاملی که کند اجر خود را یافت مگر قاری خود را میخواهم حق تعالی دو حله بهشت و تاج کرامت باو
و قرآن بگوید آیا راضی شدی گوید بیشتر امید داشتم پس برات امنی بدست راست و مخلد بودن در بهشت بدست
داده داخل بهشتش نماید گوید آیه بخوان و یکدرجه بالا رو و آنگاه بقرآن فرماید آیا راضی شدی گوید بلی

## در ثواب حفظ قرآن

وکسی که حفظ قران براو دشوار باشد مکرر بخواند تا حفظ نماید مثل اجر ثواب او مضاعف و کرامت فرماید
و در حدیث معتبر دیگر فرموده هر که حافظ اشرکه باشد قران ابشان حفظ کند حق تعالی دو برابر اجر باو دهد
و فرموده هر که با سلام در آید بار عیب قران از بر نماید ظاهر و اشکار بخواند ثابت باشد برای او هر سال دویست
اشرفی از بیت المال مسلمین اگر ورد نیاند هند در آخرت خواهد گرفت و بروایت طبرسی این حدیث کالذی
بدانکه حفظ قران سببی عظیم است و ثواب آن و اعمالیکه بسبب حصول آن از نقباء فضل عظیم است
از مواظبت و دوام تلاوت بر حد و تهجد شبها از اسباب اجر بلی و جسیمست و غفلت دران خصوصا
از خواص با حقیقت با تفکر عجایب تفهم و تدبر خواستن و غرایب قران بغایت عزیب و غیر محل آ
بجدیکه حافظی از کل علماء معاصرین معلوم نمیست که با حفظ قران اکا رغبت وا دان پیدا شته اکثر
با قصر سوره اقتضا او قات و اصرف علوم حجی مینماید که با آخرت باقی نخواهد ماند خدایا مگر حسرت و
ندامت خبها دائما بر علوم قران والله لا یستحیی من الحق و فضایل تلاوت در عین دهم مذکور شد
و اهم سور مداومت و انسب ان مقام سوره حمد و مؤمنین و صافات و یس و زمر و حاشیه و فتح و رحمن
و تغابن و حدید و لا اقسم و عادیات و قارعه است بشرحی که در محل خود تفصیل یافت و از انجمله
مداومت بر نوافل یومیه که اعظم شعار امت کمال ایمانست چنانکه در فرایض مؤمنان و نتیجه آگاهی و
بیداری شبها بعبادت و گریستن از خشیت الهی که اقرب و فوز فیوضات نامتناهی و اسهل سبل
تحصیل محبت خدای و انس خلوت بارگاهی کبریایی و حصول اقوی اسباب نجات و ادراک لذت
مناجات و وصول بر نجح حاجات اعلی درجات و محو سیئات و دفع امراض و آفات و مزید برکات و معدن
ابتهاج و تمکین فیوض عالم نور و سر رسول طریقه پیغمبران و امامان و شیوه مستمره صدیقان
و صالحان و اکمل علامات ایمان و اعظم موجبات نور ایمانست همین در بحر از ذکر فضایل تهجد که کافی کریم
توصیف الهی از طی این طریق عدول نموده میفرماید فلا تعلم نفس ما اخفی لهم من قرة اعین هیچکس نمیداند
چه ثواب جمیل و چه اجر جزیل در مکمن غیب که باعث روشنی دیدها خواهد بود برای ایشان مهیا
و اماده شده و سوره مزمل و ایات بسیار و روایات بیشمار در ترغیب این سعادت عظمی و مبالغه
و تاکید در تحصیل این عزت و شرف دنیا و عقبی نازل و وارد شده و رسول خدا صلی الله علیه و آله
میفرماید که چون بنده میان شب تاریک با بستر ها برود که در خود خلوت و مناجات کند حق تعالی

# در نماز مستحبات شب

نوری عظیم در دل او ثابت گرداند و هرگاه گوید یا رب یا رب خطاب رسد لبیک ای بندهٔ من سؤال کن تا
عطا کنم و بر من توکل کن تا امور ترا کفایت کنم ای ملائکه نظر کنید بسوی بندهٔ من که با من خلوت کرده و
تنها ایستاده من امشبها بیدار هنگامی که بطالان از من غافل و در خوابند گواه باشید که او را آمرزیدم
و فرمود جبرئیل پیوسته مرا بنماز شب وصیت مینمود بحدی که پنداشتم خوبان امت من نخواهند خوابید
از ترس فوت نماز شب جبرئیل فرمود موعظه کن مرا گفت یا محمد عیش کن که بتحقیق خواهی مرد و بخواه
هرکه را خواهی که بتحقیق که مفارقت او خواهی کرد و بکن هرچه خواهی که بتحقیق که ملاقات جزای و مکافات
آن خواهی نمود شرف مؤمن نماز شب است و عزتش باز داشتن اذیت از مردم و بزرگواری استغناء از مردم و
باحادیث صحیحه فرمود یا علی وصیت میکنم ترا بخصلت چند از من حفظ کن پس گفت خداوندا یاری کن علی را
بر حفظ ایشان اول راستی که البته نباید دروغ از دهانت بیرون آید هرگز دوم ورع که جرأت منما بر گناه
هرگز سیم ترس خدا که گویا می‌بینی او را چهارم بسیاری گریه از خشیت الهی که بنا میشود برای تو
بهر قطره هزار خانه در بهشت پنجم دادن مال و جان خود در راه دین است ششم ملازمت سنت و طریقه
من در نماز پنجاه رکعت و روزهٔ هر ماهی سه روز پنجشنبه اول و آخر و چهارشنبه وسط و در صدقه تا آنکه
که گویند اسراف کردی و نکرده باشی پس بجهت کمال تاکید سه بار فرمود بر تو باد بنماز شب سه مرتبه بنماز
زوال سه بار و بتلاوت قرآن بر هر حال و بلند کردن دستها در نماز و گردانیدن آنها و بمسواک نزد هر
وضو و بمحاسن اخلاق و بکار بستن آن و از بدخصلتها اجتناب کنید پس اگر نکنید پس وصیت کردم ملامت
مکن هنگام پشیمانی مگر خود را و فرمود یا علی سه چیز فرح مؤمنان است در دنیا ملاقات برادران
مؤمن و افطار و نماز شب و فرمود خدا ابراهیم را خلیل خود نکرد مگر برای اطعام طعام و نماز شب که مردم
در خواب بودند و از حق تعالی منقول است که مستجاب میکنم در دل شب آنچه عاشقان را باشد و فرمود
دو رکعت نصف آخر شب دوست‌تر دارم از دنیا و آنچه در آن است و اگر نه شاق میداشتم بر امتم هر آینه آنها را
واجب میکردم برای ایشان و فرمود هر که خدا توفیق نماز شب دهد او را با وضوی کامل و اخلاص و خشوع و نیت
صادق و دل سالم از بدیها و چشم گریان بدارد و عقب او نه صف از ملائکه از مشرق تا مغرب که عدد
هر صفی غیر خدا نداند پس چون فارغ شود بعدد ایشان درجات برای او بنویسند و فرمود اشراف
امت من حاملان قرآن و شب عبادت کنندگانند و فرمود یا ابا ذر بتحقیق که دوست ترین بندگان

## در ثواب نماز شب

برای آن مؤمنند که بجلال الله با هم دوستی کنند دلهای ایشان بمسجد بسته و استغفار کنند کان در سحرها ایشانند که عقوبت اهل زمین را بسبب ایشان برمیگردانم و در صحیح حضرت باقر علیه السلام میفرماید که هر که ایمان بخدا و قیامت دارد شب بسر نیاورد بی نماز وتر و در صحیح حضرت صادق علیه السلام میفرماید هر که در وتر ایستاده هفتاد بار بگوید استغفر الله و اتوب الیه و تا یکسال مواظبت نماید خدا او را از مستغفرین بالاسحار نویسد و مغفرت از جانب الهی او را واجب شود و فرمود از شیعه ما نیست کسی که نماز شب نکند و فرمود وامگذار برخواستن شب را که بتحقیق مغبون کسی است که محروم شود از نماز شب و فرمود که گاهی بنده شب بر میخیزد و خواب بر او زور آورده است و چپ و راست میل میکند و ذقنش بسینه میچسبد پس حق تعالی امر میفرماید که درهای آسمان را بگشایند و بملائکه میفرماید نظر نمائید بسوی بنده من که چه زحمتی بخود میرساند در تقرب جستن بمن در چیزی که واجب نکرده ام بر او و از من امید یکی از سه چیز دارد از آمرزش گناهان یا تجدید توبه و وسعت در روزی شما را گواه میگیرم که هر سه را با او کرامت کردم و فرمود زمستان بهار مؤمنست شبها بطول قیام و روزها باسایش صیام و در صحیح مفضل میفرماید که حق تعالی بموسی گفت که ای ابن عمران دروغ گفته هر که گمان کرد که مرا دوست میدارد پس چون شب در آید بخواب غافل باشد از من آیا نه چنین است که هر حبیبی دوست میدارد خلوت نمودن خود را با حبیبش ای پسر عمران اینک منم نگران و مطلع بر دوستان خود چون خلوت شب در یابند مایل شود دیده دلهای ایشان بسوی من و متمثل گردد عقوبت من در برابر ایشان خطاب میکنند با من از روی مشاهده و مکالمه مینمایند با من از روی حضور ای پسر عمران ببخش بمن از دل خود خضوع و خشوع و از بدن خود تواضع و خشوع و از دیدهای خود اشکها در تاریکیهای شبها و دعا کن و بخوان مرا که بتحقیق مرا خواهی یافت نزدیک و اجابت کننده دعای خود و ندای الهی هر شب تا صبح دو عین دهم کن شب و شخصی بامیر المؤمنین گفت محروم شده ام از نماز شب فرمود تو مردی هستی که بتحقیق گناهانت ترا مقید کرده و حضرت باقر علیه السلام میفرماید شب را شیطانی است نامش رها پس هر گاه بنده بیدار شود و خواسته برخیزد گوید این ساعت برخواستن نیست و بعد از آن بیدار میشود و گوید وقت برخواستن نشده پس همچنین او را حبس میکند تا صبح پس چون مغلوب شد تا صبح طلوع کرد میشاشد بگوشش و بعد از آن میخندد و میجنباند دم خود را از فخر و شادی و زیاد تفاخر میکند از محروم کردن او از چنین سعادت عظیمی باید که کاهلی و در صحیح

حضرت

# در بیان ثواب نماز شب

حضرت صادق ع میفرماید که پس شیطان پاهای خود را فراخ کند و بشاشد بگوش او و بول کند تا آنکه ۲
می بینی او را که صبح برخیزد سنگین و کسل و بسیاری فواید که بر نماز شب است رضای الهی و قرب رحمتهای
نامتناهی و نجات از اهوال قیامت و عقبات پر عقوبات آن هنگام پر حسرت و ندامت و ایمنی از
فزع اکبر و بهشت روز محشر و خلاصی از نار جحیم و فوز درجات عالیهٔ جنات نعیم از جملهٔ فواید جزئیه آن
که در احادیث متفرقهٔ صحیحهٔ معتبره وارد شده جلای چشم و وسعت روزی و دفع امراض و غمها و اعراض
و قرض و فقر و گناهان امرزیدن آن و نورانی مرد و سفید شدن نیکو و خوش بو و خوش خو بودن و نور اهل
آسمان چون ستاره با اهل زمین و هر هشیاری که بیکبار خود را تکلیف نماز شب با ادعیه و آداب بیارد میداند
که گویا تا آنوقت هر که عبادتی نکرده بود و از چه کرامتهای نامتناهی و موهبات الهی و لذت قرب الهی و دولت
دنیا و عقبی خود را محروم ساخته و نقد عمر خود را بعبث تلف ساخته آنگاه یکشب فوت نماید ثم و لا
حول و لا قوة الا بالله بدانکه موافق احادیث و آیات متواتر است گریستن در هر عبادت و تلاوتی
و دعائی مطلوبست خصوصاً در نماز شب چنانکه دانستی و رسول خدا صلی الله علیه و آله میفرماید
هر که دیدهای او پر از اشک باشد از خشیت و خوف الهی باو هر قطرهٔ اشک قصری در بهشت
کرامت کند مزین بمروارید و جواهر با نعمتی که هیچ گوشی نشنیده و چشمی ندیده و بخاطری نگذشته باشد و در
خطبهٔ وداع است که هر قطره مثل کوه احد است در میزان و بهر یک قطره چشمه در بهشت جاری شود که بر کنارها
آن شهرها و قصرها باشد که چشمی ندیده و گوشی نشنیده و بخاطری نگذشته باشد و فرمود یا اباذر بتحقیق که
پروردگار من خبر داد مرا که بعزت و جلال خود که نیابند عابدان لذتی از هیچ عمل بهتر نیابند از گریه
و زاری از ترس من و بدرستی که بنا میکنم برای ایشان در اعلا درجهٔ بهشت در جوار پیغمبران و مقربان قصری
که هیچ احدی با ایشان شریک نباشد یا اباذر هر که تواند بگرید باید بگرید و هر که نتواند پس شعار دل خود نماید
حزن و اندوه را و بجهد خود را بگریه بدارد بتحقیق که دل سخت با قساوت دور است از خدا ولیکن نمی فهمند
و در حدیث صحیح حضرت صادق ع میفرماید که چیزی نیست مگر آنکه کیلی و وزنی هست مگر اشک که قطرهٔ از آن دریاها
آتش را فرو می نشاند و چون دیدها پر از اشک گردد نرسد باو هرگز خواری و مذلت و چون بر رخسار جاری شود
آن روی را حق تعالی بر آتش جهنم حرام گرداند و اگر در امتی یک گریه کننده باشد البته همه را خدا رحم میکند و
هیچ چیز گرامی تر نیست نزد خدا از قطرهٔ اشک که در تاریکی شب از ترس خدا بیرون آید و غیر

## در ثواب گریه از خوف خدا

برای غیر خدا نباشد و این معنی متواتر است و بعضی علما گفته اند که اگر گریه از محبت و شوق خدا را غیر خدا ٢١
نمیداند و ظاهر آنکه گریه از خشیت الهی شامل اینست فرمود بسیار است میان آدمی و بهشت از تحت
الثری تا عرش و در امت پس گریه ... از ترس خدا ... بهشت از پلک چشم و در حدیث نبوی
است که خوشا حال صورتی که حق تعالی نظر کند بان که میگرید بر گناهی که غیر او
مطلع نباشد و حضرت صادق علیه السلام میفرماید که هیچ قطره محبوبتر نیست بسوی خدا از دو قطره
خونی که در راه خدا ریخته شود و اشکی که در تاریکی شبها برای خدا جاری شود و در حدیث صحیح حضرت صادق ع
میفرماید که موسی ع در مناجات میگفت الهی چیست جزای کسی که ایستاده شود برای تو بنماز فرمود مباهات
میکنم باو با ملائکه خود در حال رکوع و سجود و قیام و قعود گفت چیست جزای کسی که یاد کند ترا بزبان و
دل فرمود جا دهم روز قیامت او را در سایه عرش در کنف خود حمایت میدارم گفت الهی چیست جزای کسی
که چشمان او از ترس تو گریه کرده و ... روی او را از گرمی آتش نگاه میدارم و او را از ترس فزع روز قیامت
ایمن میگردانم گفت الهی چیست جزای کسی که تلاوت حکمت تو نماید در سر و آشکار فرمود بگذرد بر صراط مانند برق
گفت الهی چیست جزای کسی که بخواند کافر را بسوی اسلام فرمود اذن خواهم داد باو شفاعت هر که را خواهد و وارد
شده که روز قیامت هر عضوی از اعضا که ادای شهادت بر معصیت صاحب خود خواهد داد مگر مؤمنی از مژه او که بیرون آید
اذن الله شهادت طلب میشود فرماید بگو ... که زائدی انگاه شهادت میدهد ... از گریه آن
عاصی از ترس او ... در دریای رحمت و بیهوش آمده او و ندا آید که این آزاد کرده خدا است و حضرت
فرمود ... بسیار کسی که بلهو خنده اش در دنیا بسیار باشد در قیامت گریه او بسیار باشد و هر
کسی که بسیار بر گناهان گریان و ترسان باشد در قیامت در بهشت شادی و خنده او بسیار
باشد و رسول خدا صلی الله علیه و آله میفرماید احتراز کنید از بسیاری خنده که دل را میمیراند
و در حدیث دیگر که در قیامت ... فرمود ... بسیاری مزاح و
... عجب دارم از
کسی که یقین باتش جهنم دارد چگونه میخندد ... دهان را از خنده پر میکردند
... گروهی از شما ... باید نظر کنید بقبرها و از
حشر قیامت ... تعجب دارم از کسی که ...

## در ثواب گریه کردن

دهن خود را از خنده و مال آنکه میبندند که حق تعالی او را اضحکت باشد و فرمود که اگر میدانستید آنچه من
میدانم البته خنده کم میکردید و بسیار میگریستید و بروایتی فرمود که هر که کلمه گوید که هم نشینانش بخندند
خدا او را برو بجهنم اندازد و باید دانست که تبسم و خنده نه بودن در غیر اوقات خشیت و موعظه
و مزاح با برادران مؤمن مطلوبست چنانکه حضرت صادق ع میفرماید که هر که شوخی کند با کسی او را استهزا
سازد حق تعالی او را استهزا سازد و فرمود هیچ مؤمنی نیست که خوش طبعی و مزاح نداشته باشد و پرسید از یونس که چونست
مزاح میان شما گفتم کم گفت چنین مکنید که خوش طبعی از حسن خلق است و
ادخال سرور میکند در مؤمن و رسول خدا صلی الله علیه و آله بسیار بود که با کسی خوش طبعی میفرمودند که او را مسرور
نماید و حضرت کاظم ع فرمودند که یحیی بسیار میگریست و نمیخندید و عیسی گاه میگریست و گاه میخندید و بهتر
از یحیی میکرد و مذموم قهقهه و افراط در مزاح است و شوخی بسیار چنانچه در احادیث بسیار واقع شده که قهقهه
از شیطانست و خنده شیطانیست و هر که بقهقهه خندد لعن کند او را جبار در عرش جلال و فرمودند که
و پاکیزه دارید دلهای خود را بکم خندیدن و خوردن و خوابیدن و خنده آنحضرت تبسم بود و
امیرالمؤمنین ع فرمود زنهار بسیار مزاح مکنید که باعث حسد و کینه میشود و دشنام کوچک است
و از جمله قضاء حوائج و مسرور ساختن مؤمنان و دوستی و برادری ایشانست و خدمت علما علیهم
از آن بیان شد چنانکه مکرر مذکور شده و در صحیح حضرت صادق ع میفرماید که در وحی موسی ع است
که بدرستیکه مرا بندگانی چندانست که مباح کنم برای ایشان بهشت خود را و حاکم گردانم در آنجا گفت
پروردگارا کیستند فرمود هر که داخل کند سروری بر مؤمن و بصحیحه دیگر هر که راه رود با برادر مؤمن خود
در حاجت او روا شود یا نشود فرمود مؤمنی از جباری گریخت به بلاد شرک و نازل شد بر یک مشرک و او را اداد
و مهربانی و ضیافتش کرد چون محتضر شد وحی شد باو بعزت و جلال خود قسم که اگر برای تو در بهشت
من جائی میبود ساکن میکردم ترا ولیکن حرامست بر هر که مشرک بمیرد اما ای آتش او را بترسان و آزار
مرسان و روزیش بیاید در صبح و شام یکی پرسید که از بهشت فرمود از هر جا که خدا میخواهد و در صحیح
مفضل فرمود بیک دیگری از شما گمان نکند که خوشحالی بر مؤمن کرده بلکه بخدا قسم ما را بلکه بخدا سوگند
رسول خدا را خوشحال کرده و در اخبار بسیار متواتر است و در بعضی اینها این زیادتی هست که هر که
ادخال سرور بر رسول الله کند بتحقیق که رسانیده است بر الله تعالی و همچنین غمگین کردن مؤمن و فرمود

# در ثواب گریه کردن

یا بهشتی که مؤمن تحفه برای برادر مؤمن میدهد پس تعجیل میکند بسوی فلان و حق تعالی وحی میکند که طعام
تو برای اهل دنیا مکروه بود برای وحی او پس چون روز قیامت شود وحی فرماید به بهشت که تلافی کن دوستان را
تحفه های ایشان آنگاه خدمه از بهشت بیرون آیند با طبقهای پوشیده با دستمالهای مروارید پس
چون نظر نمایند بسوی جهنم و هول شدن و بسوی جهنم و آنچه در اوست عقلشان پرید امتناع کنند
از میل خوردن پس ایشان از عرش ندا رسد که حق تعالی جهنم را حرام کرده بر هر که بخورد طعام جنت را
آنگاه دست دراز میکنند و میخورند و در حدیث فرمود در روز قیامت میکنند مؤمن از شما آشنائی که ملک
میبرد بسوی آتش پس استغاثه کند که ای فلان برس بفریاد من که در دنیا نیکوئی و احسان میکردم با تو
که [illegible] پس مؤمن بملک گوید دست بردار [illegible] ملک [illegible] مؤمن را
قبول نماید و از رسول خدا صلی الله علیه و آله منقولست که بسیار آشنا گیرید از مؤمنین که هیچ مؤمن که
هر مؤمنی را شفاعتی است در روز قیامت فرمود چون مؤمنان خواهند شد از آتش گویند پروردگارا
برادران که با ما نماز و حج میکردند [illegible] بجهنم فرستاده [illegible] فرماید بروید [illegible] را که اگر
میشناسید بیرون آورید [illegible] شده هر که را اراده الهی تعلق بنجات ایشان شده در آن وقت شناخته [illegible]
و [illegible] حق تعالی [illegible] شفاعت [illegible] شفاعت انبیاء و صدیقان
و شهداء و صالحان بیرون آورده [illegible] و بر اهل بهشت [illegible] که [illegible] ایمان عمل خیری
نکرده باشند خود بیرون آرد و حال آنکه از ذغال کف شده باشند و از آنجمله [illegible] ایتام چنانکه رسول
خدا صلی الله علیه و آله فرمود یا علی هر که متکفل خرج یتیمی شود تا مستغنی شود بهشت برای او واجب
شود البته یا علی هر که دست بر سر یتیمی کشد برای ترحم خدای عز و جل بعدد هر موئی نوری با و کرامت
کند و بروایت حضرت باقر علیه السلام از آنحضرت این رفع قساوت میکند و بروایت دیگر این باشد
یتیم [illegible] چنانکه قساوت مقدار هر [illegible]
و [illegible] چون یتیم گریه میکند عرش [illegible] حق تعالی فرماید که [illegible] این بنده مرا که در طفلی پدر
و مادر [illegible] که ساکن میکند او را [illegible] واجب گردانم
برای او بهشت و از آنجمله [illegible] در حدیث حضرت صادق علیه السلام منقول
است [illegible] که در بهشت [illegible] تابنده [illegible] مطیع خدا [illegible]

در حدیث

## در فضیلت اذان گفتن

در حدیث صحیح از رسول خدا صلی الله علیه و آله ذکر فرموده که هر که در شهری از شهرهای مسلمانان یکسال اذان
گوید واجب شود برای او بهشت و ... بکرفرمود ... بعضی او کرده شود حسنه را در دو
... گفت امیرالمؤمنین ... از ان نزاع خواهند بود فرمودند چنین نیست بلکه
بکردن ضعیف ترین خواهند اند ... ایشان گوشت ... گرده بر آتش و از امیرالمؤمنین
علیه السلام منقول است که مؤذن بانگ نماز گوید شیطان ... و بعد بهشت
نبوی صلی الله علیه و آله حکایت اذان ثواب مؤذن را دارد و هر که اجابت مؤذن نکند ... نماز
... شود و در حدیث صحیح حضرت صادق علیه السلام از آبای کرام خود از آنحضرت ذکر فرموده که هر که قران
... و مسجد خانه او باشد حق تعالی خانه ... در بهشت برای او بنا کند و در وصف حضرت رضا علیه
وارد شده که همه کلام ... تمثیل او بایات قران بود و هر سه روز ختمی ... و فرمود
خبر دهم ترا با اهل بهشت ... کرده ... که او ... حقیر شمارند ... و اگر قسم
دراموری ... روا کند ... اعمال ... خود قسم که هیچ بنده ... ضامن شود برای
من چهار چیز مگر آنکه او را داخل بهشت سازم بستن زبان از لا یعنی حفظ دل از هوس ... حدیث نفس
... و حفظ علم و نظر ... و رجوع کفت ... کار ... کرسنگی ... بهشت
فرمود حکمت ... و ... و در بعضی احادیث
وارد شده است که حق تعالی ... که از ... خود ... شیطان ... ملائکه
ایشان را ... که ... اعمال شما ... از معصیت الهی ... ملائکه
گویند ... شما ... پنهان عبادت خدا میکردیم ... داخل بهشت
شد ... و حضرت ... از رسول خدا صلی الله علیه و آله ذکر فرموده هر که ... صاحب الجنه
بود ... و ... بر ... هر که ضبط نماید خود را در سه حال ... شهوت
و غضب خدا ... بر آتش حرام کرداند و از رسول خدا منقولست که هر که ... صبر ...
جمع کند آتش جهنم بر او حرام است و فرمود ... روز قیامت ... خواهند بود
از آتش و بهم ... شهری کشاده ... دنیا ... کرامت کنند ... اهل بهشت کنند
فرمود ... و بهترین ... افشاء سلام و حسن کلام ... باب

# در ثواب انار کفن



است و حضرت صادق ع فرمود هر که خواهد که خدا او را در سایه رحمت بدارد روزی که غیر از پناه وی نیست
تا سه بار دیر برد سر او بهیبت حضرت مانع شد از سؤال آنگاه فرمود پس باید مهلت دهد معسر را و چیزی از
حق خود برای او واگذارد و نباید داشت که صاحب این اعمال را چنانکه حق تعالی با وجود گناهان بسیار از دوزخ
ایمن خواهد فرمود صاحب اعمالی چند هم با وجود مسلمانی و عبادت بسیار از بهشت محروم شده از
شومی کردار خود البته مستوجب جهنم خواهند شد از جمله اعظم آنها اهانت و سهل انگاری بامر نماز است
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود باید هر که محافظت بر نمازها ننماید نیست روز قیامت او را نوری و نه
حجتی و نه امانی و در روایت اخبار که گذشت در احادیث از آنحضرت و حضرت باقر و حضرت صادق ع ایضا منقول
شد که هر که تاخیر نماز عصر کند تا آفتاب زرد یا غائب شود روز قیامت خواهد آمد و نه مال و نه چیز از اهل
و ولد و در تفسیر این حضرت صادق ع فرمود باید که بی اهل و مال خواهد بود و داخل بهشت هم گر باشد
مهمان اهل بهشت خواهد بود و خود منزلی نخواهد داشت و هنگام با ملک رحلت میر قادر خود را
جمع نموده فرمود که بتحقیق که شفاعت ما نمیرسد کسی را که نماز را خفیف شمارد و سبک بجا آورد از
بدترین آفات و سبک داشتن نماز این است که تحصیل علم نکنی با داب آن از مقدمات و مقارنات
یا ندانسته محافظت بر آنها ننماید و گذشت حدیث حضرت باقر ع که رسول خدا ص کسی را که سجده نمازش
سبک و بی تابی میکرد فرمود مثل این مرد همچنانکه کلاغ سجده میکند که بر این حال بمیرد بر غیر دین من مرده
و باحادیث بسیار نماز بی آداب مقبول نیست و در صحیح حضرت صادق ع میفرماید که چون نماز بد بجا
قبول نرسد ملکی که بالا میبرد حق تعالی میفرماید که او را بر بنده من برگردانید و بزنید بر روی او و بعد از
آن میگوید دور کناد ترا الله علیک همیشه مرا تضییع دادی و در صحیح حضرت باقر ع میفرماید نماز وی بهشت
کسی را که از جماعت بی علت رغبت نماید و در صحیح حضرت صادق ع از آباء کرام خود از رسول خدا ص که بهر
همسایگان مسجد فرمود ترک میکنند مفارقت جماعت را و الا امر میکنم علی را که آتش زند با ایشان و خانها
ایشان و از آنحضرت ذکر فرمود که هر که از جماعت دور شود و از مسلمانان بیرون رود بعد از منافق است
بعزم رجوع و بروایت ابن مسعود چنانکه در کتاب سید هاشم بحرانی منقول است فرمود آمد بنزد من جبرئیل
و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل با هفتاد هزار ملک پس گفتند برسان با محمد صلی الله علیه و آله بامت خود این
که هر که بمیرد با مفارقت جماعت نخواهد بوی بهشت را اگر بیش از عمل اهل زمین دارد که هیچ عمل خیری از او

وتو بیزارم و قبول نکنم یا محمد صلی الله علیه وآله تارک جماعت صبح و شام میکنند و لعنت و غضب الهی باشد یا محمد
دعای تارک جماعت را مستجاب نمیکنم و عنقریب ستم و رحمی و ایشان را بهود امت تو اند و نصیبی نیابند
در بهشت اگر مریض شوند عیادت ایشان مکن و اگر بمیرند بجنازه ایشان حاضر مشو و همچنین تارک جماعت
ملعونند در توریة و انجیل و زبور و فرقان و هر چه در زمین است ایشان را لعنت میکنند بعضی اخبار
عقوبات تارک جماعت را غیر این هفتم بتقریب فضایل جماعت مذکور شد که هنگام رحلت امر موقوف
باثبات ده امر که منم را الله اثبات است ما بین هلاک تا اول عالم محل را غیر وضع کنند تا هر امر اعلم امور زد
و آتش بجانب تارک جماعت زنند و هر که جرعه نماز نه در مسجد پرستش کنند و نجمع الا جنگ زاذن
ند هد و شمار بیغیر را در مرتبه ستم با چهارم بسوزانند و مال بخیل را نیز بخشند و بعجوه لا زم صرف نما
و با هر که بعد از نماز صبح صدا یا از قران بخواند عجالت نمایند و نیز اگر به صحبت شوهران خانه برون
رود تا دیه یا کنند و هم چنین فرزند عاق و جوانیکه کار کند بهشا و رت پدر و مهم بکرد.
احادیث متواتره و معتبره وارد شده که بهشت بکر بوی بهشت که از پانصد سال راه میرسد حرام
است بر ایشان قاتل مؤمن و منکبر فخر کننده و عیب کننده مهر زنان یا حق مؤمن یا مال یتیم یا اجر
مزدور و عاق پدر یا مادر و قاطع رحم و فحاش و مرمی بهجو و غیر اینها چنانکه بتقریبات مذکور شد
غیر فواتر با همه را جز این بعد ولد زنا که فاحشه صدق نام جار بشود از شهر از طول او
عقوبات و عذاب نیران جحیم و شمه از عذبه فرات شوق ولذات جنات نعیم و لذات عین چون چشم
اهل بهشت و در او نابع بهر تهی بن سمت جریان بید بره و ما یستوی البحران هذا عذب فرات سائغ شرابه
وهذا ملح اجاج ومن کل تاکلون لحما طریا و تشح جون سلیند جز او ل را ایجه منفجر کردید از جهال سینه قلم
سیه قرا نقشه از اهوال بر ملال اهل جهنم وکرده اند که در وقت احوال معصیت ضلال و شدت نکال دوزخیان
دراتش دوزخ پر ظلمت و وحشت والر قال العادل الجبار یا ایها الذین امنوا قوا انفسکم واهلیکم
نارا وقودها الناس والحجارة علیها ملئکة غلاظ شداد لا یعصون الله ما امرهم ویفعلون ما یؤمرون دلیته
ای مؤمنان حفظ نمائید بتوبه اجتناب معاصی بنصیحت موعظه خود را از اتش که هیزم آن انسان و سنگ
کبریت می کنند بران ملئکه درشت شدید که نافرمانی خدا نمیکنند هر چه فرمایند در تعذیب
اهل دوزخ که نافرمانی کرده اند حضرت باقر ع میفرماید اهل جهنم فریاد کنند مانند سگان و گرگان

# در اوصاف جهنم

از شدت عذاب چنان دارد بگروهی که مرتکب شده اند تا خلاص شوند و عذاب ایشان سبک نشود و در
آتش تشنه و گرسنه و کر و گنگ و کور باشند و مستبا و محروم و نادم و غضب کرده پروردگار خود و رحم بر ایشان
نکنند آتش بر ایشان افروزند و از حمیم جوشان و زقوم عوض آب و طعام بر ایشان بخورانند و با غلهای
آتش بدنهای ایشان را بدوزند و گرزهای آتش بر سر ایشان میکوبند و ملائکه بسیار غلیظ شدید که از
فرمان خدا در رحم نمینمایند ایشان را در شکنجه دارند و بر روی در آتش کشند و با شیاطین با غل و بند
مقید سازند اگر دعا کنند مستجاب نشود و هرگاه حاجتی طلبند روا نشود اینست حال جمعی که بجهنم
میروند ورای المجرمون النار فظنوا انهم مواقعوها ولم یجدوا عنها مصرفا روز قیامت ببینند گناه
کاران معاینه آتش دوزخ را و جزم نمایند افتادن در آن و مهربی نیابند حضرت باقر میفرماید که
آتش شما اهل دنیا یک جزء هفتاد جزو آتش دوزخ که هفتاد بار آنرا بآب خاموش کرده اند باز افروخته
شده و الا هیچکس طاقت نزدیکی آن نداشت بدرستیکه جهنم را بصحرای محشر خواهند آورد تا
صراط را بر روی آن بگذارند پس جهنم فریادی در محشر برآورد که جمیع ملائکه مقربین و انبیاء
مرسلین از هول و بیم آن بزانو در آیند و استغاثه کنند تری الظالمین مشفقین مما کسبوا وهو
واقع بهم خواهی دید یا محمد ظلم کنندگان را در یکی براه ترسان از جزای آنچه کسب کرده اند و آن واقع
شده است بر ایشان پس نفع بحال خود نخواهند داشت در دنیا که نفع دارد ترسیدن از ریزند و آنها را
که ایمان و عمل صالح دارند در باغهای بهشت برای ایشان مهیا است آنچه خواهش نمایند نزد
پروردگار خود اینست دولت کبری و سعادت عظمی که خدا بشارت میدهد بندگان خود را
که ایمان و عمل صالح داشته باشند کل نفس بما کسبت رهینة تا آخر آیات یعنی هر کس رهن آن عملیست
که کسب کرده تا از جهنم کارهای خود در دنیا یاد کرد و بدی ایشان که مؤمنان در بهشت سؤال خواهند کرد
از گناهکاران که چه چیز شما را بجهنم برد گویند ما نمیکردیم و اطعام مساکین نمینمودیم و در باطل خوض
و غور میکردیم و بروز جزا تصدیق نمینمودیم الذین یکنزون الذهب والفضة تا آخر یعنی آنها که طلا
و نقره را ذخیره میکنند و در راه خدا خرج نمیکنند بشارت ده ایشانرا بعذابی دردناک روزیکه
آنها را در آتش دوزخ گرم کنند و داغ میکنند روها و پهلوها و پشتهای ایشانرا اینست آنچه ذخیره
کرده اید پس بچشید آنها را ویل لکل همزة لمزة تا آخر یعنی وای بر حال هر که طعن و عیب نماید بفقرا و که

# در اوصاف جهنم است

جهنم و حاشا می کنند طالبی را که مکرر میشمارند بدانند که همیشه مال او را باقی دارد نه چنین است انشا الله نخند
خواهد شد در حطمه و جهنمیکه چنین است یا محمد صلی الله علیه و آله حطمة التی الهیبت فرو خشم بچشان حطمه
که بجوف رسیده و در آنها سوخته بدستی که آن برایشان اطاعه نموده نحبوسند در عمودهای کشیده و بعد از
تبعه شیطان گمراهی بنی آدم را باز دو رهای باطل میخواند من یتخذ الشیطان ولیا تا آخر آیات یعنی
هر که دوستی و اطاعت کند شیطان را که چنین هست دو گمراهی نموده پس بتحقیق که خسران عظیم و دنیا
بی پایان کرده که فریب او را خورده و گمان او را در حق خود راست نموده که چنین کسان جهنم است
خالدین فیها ابدا آنها که ایمان و عمل صالح دارند نزد ما باشد که ایشان را داخل کنیم بهشتهای
چند که از پای عمارات و اشجار آنها نهرهای آب روانست همیشه متنعم و در نعیم اند و در آنجا ابد الاباد
وعده الهیست بخلاف مبدا از کسی که از خدا راستگوتر است این است که در بهشت و دوزخ بار و
کسی هر کس عمل بد کند جزا ببیند ان المجرمین فی عذاب جهنم خالدون تا آخر آیات یعنی بتحقیق که صاحبان
جرم و گناه در عذاب جهنم خواهند بود همیشه با مدتهای طویل تخفیف داده نخواهد شد عذاب
ایشان و مایوسند و ما ظلمناهم ما ظلم نکردیم بر ایشان بلکه خود بر خود ظلم کردند که با این همه آیات و
مواعظ خداوند مشفق خیر خواه و پیغمبر خیر خواه و مهلت بسیار آگاه نشدند و بضرر خود و اقبول نکردند
ونادوا یا مالک استغاثه کنند بمالک که عرض کن خدا ما را بمیراند گوید بس نیست که شما در اینجا انکم
مکث خواهید نمود و بعضی احادیث فاصله جواب مالک از عجز و استغاثه ایشان هزار سال خواهد
بود پس گویند پروردگارا نخواهند که از خدا رحیم تر نیست گویند پروردگارا شقاوت ما
غالب شد ما را بیرون آور که بار دیگر کنیم البته ستمکار باشیم جواب رسد که ساکت و ذلیل باشید و بر روایت ابن
طاوس چهل سال فاصله این جواب خواهد گفت و سید رضی الله عنه و عنا برحمته بعد از این روایه
در این هنگام مایوس شوند از پروردگار عالمیان که در دنیا که از هر چیز گفتند و بیست [illegible] ایشان
و صدق العمر خواهش خود را ترجیح میدادند بر حق [illegible] و بعقل و نقل [illegible] هذا بیت [illegible] با ایشان [illegible] بود
در فهمیده بود که چنین بلاهای هایل و نکال و انواع [illegible] خواهید دید [illegible] در تو بر عمل
صالح بینه خواهد شد ابد الاباد و در اوقات زندگی دنیا با ایشان فرموده بود بزبان حال نصیحت
بر فرض که شما تصدیق من و کتابها و پیغمبران و مومنان و حجتهای نکنید را بمقال یا احتمال هم [illegible]

# در کیفیت عذاب اهل جهنم است

که وارد است باشد پس چگونه از آتش و شدائد آن ایمن میتوانید بود و بطریق مشغول لهو و لعب میباشید
خدا شما را از خواب غفلت بیدار کند ابن بابویه از حضرت امیرالمؤمنین ع روایت کرده که برای اهل معصیت نقبها
میان آتش کنده اند و دست و پای ایشان را غل در گردن کرده و بر بدنهای ایشان پیراهنها از مس گداخته و
جبه ها از آتش بریده و مبتلا اند در عذابی که گرمی آن بنهایت رسیده و درهای جهنم را بر روی ایشان
بسته اند که هرگز نسیمی داخل نشود و غمی از ایشان برطرف نشود و عذاب ایشان پیوسته شدید است و عقاب ایشان همیشه
جدید است نه خانه ایشان فانی شود و نه عمر ایشان بسر آید با مالک استغاثه کنند که از خدا طلب کن که ما را بمیراند گوید
شما دائم در عذاب خواهید ماند و از رسول خدا صلی الله علیه و آله منقول است که گریه کنید اگر نیاید بتکلف
گریه کنید که اهل جهنم چندان گریه کنند که اشک ایشان فانی شود بعد از آن خون بگریند تا چندان رخسار ایشان شکاف
بهم رسد پس اگر کشتیها اندازند جاری گردد بعد از آن فرمود مسلط میکند بر اهل دوزخ تشنگی
طلب ایشان مرا طلبند هزار سال بعد طلبند ایشان که مرا خواهند مرگ که حیات خواهد ایشان مرا
خواهند [illegible] ولیکن از جهنم استغاثه نمایند بفضل کردگار دیگر که بطلبید از خدا که
یک روز عذاب تخفیف فرماید گویند آیا در دنیا پیغمبران شما موعظه و آیات نیاوردند گویند بلی گویند
پس خود دعا کنید غرض قطع توقع ایشان است ندا لانت لقد جئناکم بالحق [illegible] خواهی فرمود
نصیحت بود بشما فرستادیم اما اکثر شما خوش ندانید ام ابرموا امرا فانا مبرمون یا ابرام و اصرار
میکنند در معصیت نافرمانی و تقصیر تا آخر توبه پشیمانی و بازگشت بجناب اقدس من نمائید پس ما
هم ابرام میکنیم در عذاب هر چند جزع نمایند و بروایتی بعد از هزار سال جزع میگویند صبر را نفع
میبخشید در دنیا پس صبر نمایند هزار سال و تخفیفی نه بینند گویند سواء علینا اجزعنا ام صبرنا
ما لنا من محیص صبر کنیم یا جزع که خلاصی نداریم پس از شدت تشنگی و عذاب استغاثه و جزع نمایند
هزار سال آنگاه ابر سرخی بدیشان باران ببارد پس ببارد بر ایشان عقربها مثل استرها که
گزیدن آنها هزار سال ساکن نگردد و بعد از آن باز تضرع و استغاثه کنند هزار سال تا ابرهای
بر سر ایشان ببارد مارها مانند گردن شترها که وجع زهر آنها هزار سال بماند و این است معنی
کلام الهی زدناهم عذابا فوق العذاب و بروایت دیگر سنگها و [illegible] بر سر ایشان ببارد که کلها
ایشان گویند از قبرشان دود [illegible] جهنم لموعدهم اجمعین لها سبعة ابواب لکل باب منهم جزء مقسوم

بعین

# در بیان طبقات جهنم است

یعنی بتحقیق که جهنم البته وعده گاه جمیع گمراهانست وکسی که از آنان از هفت دراست برای هر دری ۳۲
حصه از ایشان مفروز وقسمت شده روایتست که چون این آیه نازل شد رسول خدا صلی الله علیه وآله بجبرئیل
فرمود که وصف کن برای من احوال جهنم واهل هر بابی را گفت زهری تا در یکی هفتاد سال راهست پس
در بیع ذکر صحیح شده هفتاد برابر در بالا تراست واول هاویه جای منافقین کفار وفرعونیان دوم جحیم
مسکن مشرکین سیم سقر مقر صابئین چهارم لظی ماوای ابلیس واتباعش ومجوس پنجم حطمه منزل یهود
ششم سعیر مکان نصاری وچون بهفتم رسید جبرئیل ساکت شد حضرت فرمود خبر ده مرا از هفتم یا جبرئیل
عرض کرد که در آنجا اهل گناهان کبیره از امت تو خواهند بود که بی توبه بمیرند در حال حضرت بجلال بر
در افتاده بیهوش شد پس جبرئیل سر آن غم خوار امت را بزانوی دلسوزی نهاده چون بهوش باز آمد
فرمود یا جبرئیل عظیم کردی مصیبت واندوه مرا آیا امتی من داخل جهنم خواهند شد گفت بسیار گریستن
شد یک وجبرئیل هم گریان گردید وحضرت تا چند روز که برای عبادت خود راه میداد وبیرون نمی آمد مگر
برای نماز وبا هیچکس تکلم نمی فرمود وچون شروع بنماز میکرد گریه وتضرع مینمود واصحاب بر حال
آنحضرت میگریستند ونمیدانستند که چه نازل شده وعلی علیه السلام غایب بود تا اینکه بخدمت
حضرت زهرا صلوات الله علیها که هر وقت او را میدید شاد میشد پس بدر خانه آنحضرت آمدند
حالتی که جو آسیابی میکردند ومیفرمودند وما عند الله خیر وابقی چون قصه را شنید چادر مبارک بر
سر کشید که دوازده جای آن از لیف خرما وصله داشت وگریست بر حال وقصه ... بعضی اصحاب
وچون وارد آنحضرت شد عرض کرد که ای پدر ... فلان ... تعجب میکند از لباس من بخدا ...
که پنج سال است که بستر من وعلی پوست میشی که روز شتر خود را بر آن علف میدهیم وشب
فرش مینمائیم وبالش ما از پوستی است پر از لیف خرما پس آنحضرت فرمود ... بافتخار الفقر فخری
التفات بان شخص نمود وفرمود واگذار دختر مرا تا شاید ... سابقین گردد چون
حقیقت را بزرگوار خود پرسید بدگه از بسیاری گریه ... مبارکش متغیر وزرد گشته گوشت
رخسار ... روایت کاشفی از بسیاری گریه که در سجده نموده زمین گل شده گویا
شد وگفت جانم فدای تو ای پدر ترا گریان ... فرمود چگونه گریه نکنم که جبرئیل ... آورده که ...
مرا دیگر بیان فرمود ... هفتاد هزار کوه آتش است ودر هر کوهی هفتاد هزار وادی آتش ودر هر

## در کیفیت جهنم است

وادی هفتاد هزار شکاف از آتش و در هر شکافی هفتاد هزار قصر از آتش و در هر قصری هفتاد هزار
هزار خانه از آتش و در هر خانه هفتاد هزار تابوت از آتش و در هر تابوتی هفتاد هزار نوع از
عذاب باشد که در این حال فاطمه صلوات الله علیها مدهوش بر زمین افتاد و میگفت وای وای بر کسی که
داخل آتش شود و چون بهوش آمد پرسید ای بهترین خلق خدا برای کیست این نوع عذابها فرمود برای
کسی که نماز را ضایع کند و متابعت شهوات و خواهشهای نفس شوم نماید بدانستی که این بکتر درکات
پس اصحاب بیرون رفتند و گریه میکردند و بعضی میگفتند کاش از مادر متولد نمیشدیم و ذکر جهنم را نمی
شنیدیم عمار میگفت کاش در دنیا مرغی بودم و مرا حسابی و عقابی نمیبود و سلمان بر بقیع
رفت چون اهل ماتم دست بر سر میزد بلند و فریاد میزد که آه از دوری سفر و کمی توشه در سفر قیامت
پایان حساب و عقابی که در پیش است پس بلال با او برخورده پرسید چه حالت است گفت وای بر من و تو ای بلال هرگاه
بازگشت ما بعد از لباس پشمینه کتان بپا نمائی و آتشین باشد وای بر من و تو ای بلال که بعد از مصاحبت
زنان قرین شیاطین باشیم در غلها وای بر من و تو ای بلال هرگاه بپوشانند ما را از جهنم و ذوق جحیم پس فاطمه
صلوات الله علیها پرسید که چگونه داخل آتش جهنم خواهند شد قوم ملائکه ایشان را میبرند بسوی
آتش و مثل کفار روسیاه و کبود چشم نیستند و زنجیر ندارند گفت چگونه میکشند ایشان را فرمود مردان را از ریش
ایشان و زنان را از گیسو و موهای پیشانی ایشان دنبال صاحب موی سفید از امت من که بکشند ایش
بسوی جهنم و او فریاد کند که وا شیباه وا ضعفاه و بروایت ابن عباس اول کسی که داخل بهشت میشود بعد
از پیغمبران این امت اند و آخر کسی که داخل آتش شود از این امت خواهد بود و چون رسول خدا صلعم میشناسد
که دست و پا سفید اند از اثر وضو خدا تعالی فرماید که غایب کنید ایشان را دور تر قیامت چون
انقضای داخل بهشت شود خداوند فرماید که برآیند ایشان را بسوی مالک دوزخ و چون مالک ایشان را ببیند
که بصورت نیکو بصورت شیاطین نیرو بر آتش کشیده خواهند شد تعجب نموده خطاب میکند که
شما چه مقید ایشان از صولت مالک هراسان و سراسیمه شده از هیبت او نام محمد را فراموش کنند
گویند ما از امتی بودیم که بر ایشان نازل شد قرآن و روزه ماه رمضان مالک گوید که قرآن نازل نشد
مگر بر محمد مصطفی صلعم آیا در قرآن چیزی نبود از موعظه که منع کند شما را از نافرمانی و معصیت الهی پس ندا
رسید یا مالک ایشان را از نالایق بردن جهنم داخل و چون نظر کنند بسوی آتش که زبانه میکشد جزع و

# در انواع عذاب اهل جهنم

والتماس کنند بمالک که ما را این قدر مهلت ده که ساعتی بحال خود گریه کنیم انگاه نوح نوح زاری
و نوحه کنند که چگونه صبر کنیم در اتش و حال انکه بر گرمی افتاب صبر نداشتیم پس چندان گریه کنند که نا
شود اشکهای ایشان و بعد از ان خون گریه کنند و در این حال گویند که چه دنیا نیکو بود که این گریه را در دنیا
میکردیم که فایده میبخشید زیرا که از خشیت الهی گریه در انجا میبود اینجا اصلا اتش بشما نمیرسید و ایشان
در نوحه و گریه باشند که با زندان رسد که یا مالک داخل اتش کن ایشان را از بالاترین ابواب جهنم پس لیکن
گویند ببینید از زندانها و از اتش ناکاه پیران پیشتر و جوانان از پی سر و زنان از پشت سر نعوذ بالله باتش اند
هر چند همگی فریاد یا محمداه یا احمداه یا ابا القاسماه بر اورند کسی نشنود بروایتی چون بدوزخ افتند یکبار
گویند لا اله الا الله اتش دور شود مالک بر اتش ندا کوید چگونه کرم لا اله الا الله میگویند گوید جبرئیل
ایشان را مسوزکه سجده الهی میکردند و دلهای ایشانرا که در ماه رمضان تشنگی و گرسنگی کشیده اند و ند
چگونه بداغ ارادی صبر نموده پس در دوزخ بمانند تا وقتیکه خدا خواهد و پاک شوند و قابل همنشینی نیکان
گردند و باحادیث متفرقه از رسول خدا صلی الله علیه و آله مفهوم میشود صورت احوال بعضی از اهل دوزخ که میان
دوشهای او سه روز راه و بروایتی چهل روز راه هست و دندان اتش مثل کوه احد و کندکی پوست چهل و دو گز
و شکمش مسافت که تا مدینه و دو باتش یکم سی و دو فرسخ پامال مردم و کباب کنند از اتش جهنم و لب بالا
تا میان سر کشیده و لب پائین تا ناف کشیده سرشان مانند کوه بزرگ و چشم گریه مثل چاههای معطله
و موها مانند نیزه های درشت صدای فریادشان مانند صدای رعد در هر انگشتی و انکشتر از اتش نقش اول
بالحق عقابی و بالعدل سخطی و دوم حرمت من رحمتی و املیتهم من کرامتی سیم و قد قدمت الیکم بالوعید
چهارم ما یبدل القول لدی و ما انا بظلام للعبید و این هر دو مضمون قرانست پنجم طعامکم الزقوم
و شرابکم الصدید ششم ابینکم ابلیس و قرنائکم الشیاطین هفتم لا تسجنکم و لا تفرون هشتم سحقا
لاهل النار و بدا لهم من الملک الجبار اسودت وجوههم و عنت مجالسکم و هم حرام علیکم زیادتی
و استماع کلامی و فرمود اگر در این مسجد هزار نفر یا زیاده باشند و اثر نفس یکی از اهل جهنم با ایشان رسد
هر اینه مسجد و هر که در ان است بسوزد و در جهنم مارها هست بکنند گردن شترها که در گزیدن اینها
چهل سال میماند و هم چنین عقربها و بروایت مجاهد پس نجات میدهد اینها را مگر گریختن
باتش و بروایت ابن عباس طول هر ماری سی روز راه با نیشهای چون نخل میگزند چشم و لب جمیع پوست

## در عذاب اهل جهنم

و گوشتها را از استخوانها می‌کشند چون می‌گردند می‌افتند و هر زنجیری از زنجیرهای جهنم که چهل سال فرو میرود ۲۳۵
و در روایت دیگر فرموده که روزی جبرئیل نزد من لرزان از ترس الهی آمد گفتم یا جبرئیل این چه خوف عظیم است گفت بحق
آن خدائی که ترا به پیغمبری فرستاده که نخندیده‌ام از وقتی که عذاب جهنم را آفرید و سزاوار نیست کسی را که
بداند جهنم چیست عذاب الهی شدید است که دیده‌ها روشن شود تا وقتی که از آن ایمن شود گفتم وصف
آنرا گفت یا محمد هر میلی از آن از سرب گداخته است و دیوارهای آن از کبریت است و در روایتی قسم یاد
کرد که هرگاه [illegible] جهنم مثل سوراخ سوزنی در مشرق باشد در مغرب [illegible] آنکه در مغرب است
سیلان نکند و اگر یکی از اهل جهنم را به دنیا بیاورند همه اهل دنیا بمیرند از بدبوئی و زشتی و اگر بعضی از کسوه‌ها
عرض کردم [illegible] که بترسانم از عذاب الهی که دلم بسیار قساوت کرده است فرمود یا محمد
مستعد شو [illegible] که آخر ندارد و فکر و [illegible] از دوست [illegible]
بدانستی که جبرئیل [illegible] از ترس [illegible] از او ظاهر و بیشتر [illegible] هوش
حال [illegible] سبب [illegible] گفت [illegible] های آتش را گذاشتند [illegible] های آتش چیست گفت یا محمد
حق تعالی فرموده دمیدند بر آتش جهنم هزار سال تا سفید شد و هزار سال دیگر تا سرخ شد و هزار سال
دیگر تا سیاه شد اکنون سیاه و تاریک است و اگر قطره از ضریع که عرق اهل جهنم و چرک فرج زناکاران
است و در دیگهای جهنم جوشان و بجای آب بخورد کافران میدهند و اگر قطره از آن در آبهای
دنیا بچکد همه اهل دنیا از گندش بمیرند و اگر حلقه از زنجیر گردن اهل جهنم بر دنیا گذارند از شدت
حدت آن تمام دنیا بگدازد و اگر پیراهنی از اهل آتش را میان زمین و آسمان بیاویزند اهل دنیا از تعفن
آن هلاک شوند پس حضرت و جبرئیل هر دو از شدت خشیت الهی بگریستند تا ملکی نازل شد که پروردگار
شما را سلام میرساند و میفرماید که من شما را ایمن گردانیدم از گناه که موجب عذاب من است پس حضرت
فرمود که اکثر اهل آتش عظمت جهنم و عذاب الهی را خواهند دانست و اهل بهشت عظمت بهشت و نعیم آنرا
و چون آتش کافران را از [illegible] بهم میکنند هفتاد سال سعی میکنند تا خود را به بالای جهنم میرسانند پس ملائکه
گرزهای آهن بر کله‌های ایشان میکوبند تا به قعر جهنم میبرند پس پوستهای تازه بر ایشان میپوشانند تا تاثیر کند
پیغمبر فرمود یا اباذر [illegible] که شب معراج در راه صدائی
شنیدم گفتم [illegible] جبرئیل گفت این سنگی بود که از هفتاد سال پیش از این از کنار جهنم انداخته بودند حالا

## در صفت مالک جهنم

بهشت رسید پس یکی نعمت را نخشیدند تا رحلت فرمود و فرمود چون داخل آسمان پنجم شدم ملکی ۴۳۰
دیدم که از او عظیم‌تر ملکی ندیدم با هیبتی منکر و غضب نمایان پس مرا محبت و دعا کرد ملائکه لیکن تبسم ننموده بود
و لیکن نخندید از جبرئیل پرسیدم که این کیست که از دیدن او بسیار ترسان شدم گفت که جا دارد که از او بترسی
ما همه از او می‌ترسیم این است مالک خازن دوزخ از روزی که خدا او را والی جهنم کرده است هر روز خشمش
بر دشمنان خدا و اهل معصیت زیاده می‌شود برای انتقام از کفار از ایشان حق تعالی امر فرمود پس بر او سلام کردم
و مرا به بهشت بشارت داد گفتم جبرئیل چون همه اهل آسمانها او را طاعت می‌کنند بفرما دوزخ را بمن بنماید
پس پرده برگرفت و دری از درهای جهنم را گشود ناگاه زبانه به آسمان بلند شد و ساطع گردید و چنان بخروش
آمد که هراسان و ترسان شدم پس گفتم بجبرئیل که بگو پرده را بپوشاند و فرمود سهل‌ترین اهل جهنم در
عذاب کسی است که در پاهای او دو نعل آتش باشد که از شدت حرارتش مغز سرش مانند دیگ در
جوش باشد پندارد که از جمیع اهل جهنم عذابش سخت‌تر است و در بعضی حدیث نبوی صلی الله علیه و آله
وارد شده و فرمود فلق در ته جهنم که در آن هفتاد هزار خانه است در هر خانه هفتاد هزار حجره و در
هر حجره هفتاد هزار افعی سیاه و در شکم هر افعی هفتاد هزار سبوی زهر و جمیع اهل جهنم را که از اینها در جوف
افتاده و آیات و روایات در شدت و عقوبات اهل جهنم بسیار است چون به صریح ظاهر درنا بگفتار بودیم
اکتفا نمود و بجای خود مطول لائق سابق پس چون حکم الهی در پاک کردن اهل نجات با آتش جاری گردید فرماید
یا جبرئیل چه کار رنده امتها امت محمد صلی الله علیه و آله گوید الهی تو داناتری فرماید برو حال ایشان نظر کن
پس مالک دوزخ بر منبری نشسته در وسط جهنم نشسته باشد که ناگاه جبرئیل در تعظیم جبرئیل و از سبب آمدنش
سوال کند جبرئیل گوید چه کردید که از امت محمد صلی الله علیه و آله گوید چه بسیار بد است حال ایشان و تنگ
است جاهای ایشان سوخت با آتش جهنم جسدهای ایشان و گوشتهای ایشان که نور ایمانی در دلهای ایشان درخشند
پس چون سرپوش جهنم را بردارند نظرشان بجمال جبرئیل افتد دانند که از ملائکه نزد ایشان رسیده از مالک
که این کیست گوید جبرئیل که صحبت او بود با محمد صلی الله علیه و آله چون نام محمد را بشنوند همگی فریاد برآورند که یا
جبرئیل بگو از ما سلام و بگو که گناهان ما از ما انداخت و بجرم ساختند ما را از نعمت‌ها و خبر کن آنحضرت
را بر بد حالی ما پس چون جبرئیل بمقام عرض میکند فرمان رسد که برو بیاور ایشان را و برواتی از دیگر که آنکه
رکنی فریاد شیعه یا ابا القاسم ای پناه بیوه زنان و ای فریادرس ضعیفان و بیچارگان ای فرمان امت یا شفیع

# در صفت مالک دوزخ

ای ضعفا و امت تو ایم بفریاد ما برس ایشان در ناله الا از امت محمد ایم خازن صبر بر آتش و بر آن شد و تاب طاقت بر ما
نماند پس مالک چون شکایت و استغاثه و شدت عذاب ایشان بر بیند که بنهایت رسیده نرم دلش فتاده متوجه
جانا کرده دست های خود را بگوش نهاده مانند موذن بصدا بلند فریاد کند که یا محمد صلی الله علیه واله تو
در بهشت بتنعم و تعیش و کامرانی مشغولی و ضعفا امت تو در جهنم بتو استغاثه و بتو تشفع میجویند بفریاد
ایشان چون صدای این خبر بحضرت آن بگوش کامش رسالت و ابد رنگ چمن مقام محمود شفاعت را امر ده شاد
یاد آمد بر خاطر عنبر و لامع برخود و زاری خود را از گلبن سر برعزت و کامکاری در پای عرش باری
نهان سجده و خاکساری انداز پس طوطی ناطقه را مشغول ثنا و ستایش فرماید که در آئینه خیال اسکندر مثال
ارتسام نبسته باشد آنگاه نسیم لطف الهی و روح رحمت بالحکمت نامتناهی جبین آن گل عزت بخالت مذلت
امت پر شقاوت افتاده را جبهه از خاک بردارد و با لطف این وحی آن سرور را سرافراز فرماید که سر بردار
و سؤال کن تا عطا کنم عفو و شفاعت کن تا قبول کنم پروردگار پس بعد از شفاعت از کمال اهتمام
خود بنفس نفیس بسوی مالک دوزخ روان شود و چون ابر رحمت سایه مرحمتش بر عرصه دوزخ افکند باشد
باغ و زردی بر آن دو نظر ظلمت منظر امت جفاکار بنور جمال آن مشفق وفادار منور گردد با سینه صد چاک
و دل پر درد ناله بهم بیکبار صداها بلند کنند و فریاد یا محمداه از حضیض درک دوزخ بشرار باوج سیار السلام
سمع سید ابرار رسانند و مانند نامه سیاه خود سرتاپا زبان کشته شکوه حال تباه نمایند پس آنگاه بد
شفقت و مهر ایشان را از جهنم بیرون آرد و حال آنکه از تاب آتش انفحام برشته و از وبال اعمال تیره خود ذغال
کشته باشند پس بنهری در بهشت که آن را نهر حیوان گویند اهل بهشت بر آید غسل نموده چون ماه برآیند
گوشت و خون و موی برآرند نوشته باشد بر پیشانی های ایشان که از جهنمی ها است آزاد کرده های رحمن
از آتش آنگاه داخل بهشت شوند در این حال سایر اهل دوزخ گویند کاش ما هم مسلمان بودیم و این است
معنی کلام الهی ربما یود الذین کفروا لو کانوا مسلمین یعنی بسیار آرزو ها کنند کفار که کاش مسلمان میبودند
تا آخر بعد از پاک شدن از جهنم بیرون آمده داخل بهشت میشوند منقول است که رسول خدا صلعم بعض اصحاب خود را وصیت
میفرمود که مهیا شوید برای روز قیامت پس شروع کرد در شمردن عقبات از روز غم و سوختن دگر شد بلکه گریه بسیار
کرد و فرمود که این امت مرا با آتش عذاب خواهد کرد فرمود بالفعل اشک عنبر و عندالی باید اگر میدانستم که حق تعالی امت
مرا عذاب نخواهد کرد یک قطره اشک از چشم من بیرون نمی آمد لیکن چون نداشتم یقین که از مدد که امت من در آن

# در غذای اهل دوزخ

خواهند ماند هفتاد هزار سال امت تا آنکه ذغال گشته باشند بعد از آن بیرون خواهند آمد آنگاه در ها ۸
جهنم نشسته میشوند پس بر اهلش و بیعنی حضرت باقر ع میفرماید که آخر کسی که از جهنم بیرون می‌آید مردیست همام نام
عمر ع فریاد کند که یا حنان یا منان و در روایت عیاشی آخر کسی که بیرون می‌آید از این امت بعد از هفت
هزار سال است بعد از نه هزار سال فریاد زند بالله یا الله تا هزار سال یا حنان یا منان هزار سال
یا حی یا قیوم هزار سال بعد از آن حق تعالی فرماید یا مالک بنده من مرا میخواند در جهنم بیاور او را بسوی من
پس مالک الهی میزند بر آتش که از هیبت مالک بجوشد بعضی بعضی را و او را جسته گوید ای شقی میطلبد ترا خدا
او تضرع نماید بگذارید مرا گوید چاره نیست بیاورد او را در حالتی که از بیم همتایش ماهی میلرزید باشد
پس حق تعالی فرماید ای بنده من آیا نیافتم یا پروردگار برای تو گوشت و چشم و فلان و فلان اسباب هدایت او
از شرم سر در زیر افکنده گوید پروردگار آتش این جهالت بهتر بود فرماید که برگردانید بندش با آتش
آن بیچاره ملتفت شده گوید ای پروردگار من این گمان به تو نداشتم بلکه گمان کردم که بعد از بیرون
آوردن بار دیگر مرا به دوزخ نخواهی فرستاد آنگاه او را داخل بهشت نماید و حضرت باقر ع فرماید مکث
کند در آتش هفتاد سال بعد از آن سؤال نماید بحق محمد و اهل بیتش که مرا رحم کن پس وحی رسد
به جبرئیل که بیرون آر بنده مرا پس بیابد او را در حالتی که بر رو در افتاده باشد بیرون آورد آنگاه حق تعالی
فرماید ای بنده من چه قدر مکث کردی در آتش گوید نمیدانم خدایا و سوگند میدهی که نمیتوانم احصا نکرده‌ام
فرماید قسم بعزت خودم که اگر نه آن بود از من سؤال کردی البته طول میدادم خواری ترا در آتش ولیکن
حتم کرده‌ام بر خود که سؤال نکند بنده از من بحق محمد و اهل بیتش مگر آنکه بیامرزم او را در اینچه میان من
و او است مؤلف گوید که ظاهر آیات و روایات بسیار دلالت دارد بر اینکه بعضی اهل نجات
با آتش دوزخ معذب خواهند شد استبعادی ندارد بعضی جهال را نشسته از قلت معرفت بعظمت الهی و نامتناهی
شدن قباحت مخالفت او فرمایش و یا بلغتهای نامتناهی که از الطاف ایشان و مثوبات غیر متناهی در ادا
کلمه استبعاد ندارد زهی بیننا بر کن که اگر پادشاهی کسی را از خاک راه برداشته تربیتش کرده باشد آخر
بعد از آنکه از دولت و کمال اجلال و عزت و جلال رسیده باشد یک نگاه بناموس آن پادشاه نماید البته
اگر پادشاه بقتل او فرمان دهد هیچ عاقلی بعید نشمارد بلکه از اغماض پادشاه تعجب و طعن نماید با آنکه
پادشاه نه خالق او است و نه رازق او بیچیزکان وادی بجبار آسمان و زمین و مالک ملک و ملکوت دنیا و

# در سؤال از نعمت

بید قدرت و ارادت خود از ظلمت عدم بنور ایجاد منور کردانیده و خلعت اصطفا و کرامت بتو پوشانیده
وترا از جمیع مخلوقات برای خود برگزیده و کل ذرات کاینات را از ثری تا ثریا بخدمت تو باز داشت و
دستیاری از ملائکه و بندگان خود را بحافظت و حراست تو گماشت و بهیچ حال در اسباب و انواع لطف و
رعایت تو دقیقه فرو نگذاشت و روز بروز بلکه دم بدم در کمال رأفت و داد احسانهای تازه و نعمتهای
بی اندازه بتو داد و تعلیم تو و تمیز دوست و دشمن و تکمیل هدایت و خیرخواهی و عزت و راحت تو با غربت
تو حکمت و قرآن و رسول هادی و برهان بسوی تو فرستاد و در همه احوال مثل پدری که بدون پرستاری
و تربیت و غمخواری یک فرزند مشغول نباشند با شفقتها با لطف و شفقت و رعایت اقبال و رحمت و رأفت
و مرحمت بسوی تو کرده باشند پس همین که ترا بحد کمال رسانیده اند در جزای این همه احسانها با دشمنان
او همداستان شده از کمال بیشرمی شروع بمخالفت و هتک پرده ناموس محارم او نمودی و بعصیان کوس
و پای جفا و بیوفایی راه کدورت و دوری و غضب او پیمودی هرچند صبر و مزید رعایت و تجدید مهلت
نمود و عفو و مماشات و ملایمت فرمود و مصلح و مبلغ بسوی تو فرستاد و درهای آشتی و استمالت بسوی
روی تو گشاد قبول نکردی و باصرار و ابرام از نهایت بیمروتی چون معاندان در مخالفت و نافرمانی
چنان پروردگار رحمن کوشیدی و بتغافل و تعامی بدیده و همه چشم بصیرت و آگاهی از جمیع الطاف نا
متناهی پوشیدی اگر بتوبه و ندامتی هم از تو راضی و قانع شد تو راضی نشدی و حالا خود انصاف ده
که با چنین ناپاکی صحبت ترا بغیر حدت آتش غضب الهی چه چیز بالله مقبول نمود و ناهموار بی حساب
این دل شد بیهوده زشت و روی سخت چون هدیه زشت و اسوای شدت سوزان شده خشک شد
چه سود و دیگر گناه مانند کراهت و عذاب چون هلاکت لازم است بعد از آنکه طبیب مهربان حاذق
ترا از تناول هر چیز مضر منع بلیغ فرماید و آگاه نماید که موجب هلاکت تو دانسته و فهمیده
و شنیده بشربتی سهل یا بمزه ... شد بمخالفت طبیب جرأت اقدام نمائی و باغواء موافقت بعض
دشمنان او و حد بخوردن زهر قاتل تمام و اهتمام نمائی طبیب چه کند استبعاد از او چه سود دهد
غرایب عجایب است بمقاله عجایب نهایت شامل کل حال اینکه بعد از اهتمام کتابهای مبین بتقریب
شیطانی ضایع کرده بیچیدن کرده سوده ها از آن بوصف محال نماند بعد از آن تا سقف عظیم و حزن بسیار
الم گناهی بتحمل شیطانی بتوهم میشوند که شاید بافراط خوف مؤمنا که غرض بالذات از نا ایمنند و ایشان

باین شکل ظاهر شده لهذا در تحریر بهمان منوال بآن جناب قدس الهی استشاره نموده بهمین آیه عبرت آیه
اشاره فرمود وقل الحق من ربکم فمن شاء فلیؤمن ومن شاء فلیکفر انا اعتدنا للظالمین نارا تا آخر آیه یعنی
بگو حقست از جانب پروردگار شما هر که خواهد قبول کند و هر که خواهد کافر شود که بتحقیق که ما مهیا کرده
ایم برای ستمکاران آتشی که احاطه کرده با ایشان سراپرده های آتش و هر گاه استغاثه کنند و از شدت عطش آب طلبند
آبی بایشان دهند چون مس گداخته که بریان کند روهای ایشانرا بد آبیست بد آرامگاهی است که آنها که
ایمان و عمل صالح دارند ما ضایع نخواهیم کرد مزد کسی که عمل نیکو نموده باشد و از حضرت منقولست که
ای پسر آدم چگونه نافرمانی من میکنید و حال آنکه هیچ نمیکشید تاب آفتاب و بتحقیق که دوزخ را هفت طبقه
است و در آن آتشها است که بعضی میخورد بعضی را از شدت و در هر باب هفتاد هزار وادی از آتش باری فرمود
که بذات اقدس خود سوگند که بنا نفرموده ام این آتشها را مگر برای کافران و بخیلان و سخن چینی و عاق والدین
و مرائی و سود خوار و مانع زکوة و زنا کننده و جمع کننده حرام و فراموش کننده قرآن را و آزار کننده همسایگان مگر
توبه کنند و با ایمان عمل صالح نمایند پس بر خود رحم کنید که بدنهای شما ضعیف و [illegible] بادشاه سنگین
و صلابها و پلها عذابهای بسیار [illegible] میکشد حاکم پروردگار را [illegible] موافق [illegible]
اتفاق بلکه ضروری مذهب شیعه است که جهنم و همچنین بهشت بالفعل موجودند و آیات و
احادیث در این باب بسیار است و شب معراج رسول خدا صلی الله علیه و آله داخل بهشت و مطلع بر دوزخ
شدند و انکار این از معتزله کفر است بلکه [illegible] مستور است و [illegible] و اشکال
خواهد شد و بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام عرض شد که بعضی میگویند حالا بهشت و دوزخ مقدر
فرموده که خلق خواهد فرمود ایشان از ما نیستند و ما از ایشان نیستیم و هر که منکر خلق شدن
بهشت و دوزخ است تکذیب پیغمبر کرده و هیچ بهره از ولایت ما ندارد و همیشه در جهنم خواهد بود.
پس استدلال فرموده باین آیات و احادیث و در روایت ابن عباس یهودی از امیر المؤمنین ع پرسیدند کجاست
بهشت و دوزخ فرمود بهشت در آسمان و جهنم در زمین و در روایتی کدام آسمان و کدام زمین گنجایش
بهشت را دارد بلکه بالای آسمان هفتم زیر عرش است حضرت باقر ع میفرماید بخدا سوگند که بهشت
خالی نیست از ارواح مؤمنان از روزی که خدا آنرا آفریده و رسول خدا صلی الله علیه و آله میفرماید که
حق تعالی جبرئیل را فرستاد بسوی بهشت که ببیند آنچه برای اهل آن ساخته پس برگشت و گفت قسم بعزت تو که نمیشنود

# در اوصاف بهشت

کسی خبر آن را که داخل آن نمیشود پس محفوف و مقرون بمکاره گشته و امر شد که برگرد بسوی آن چون برگشت
گفت بعزت تو سوگند که میترسم که احدی داخل نشود پس فرستاد بسوی جهنم گفت بعزت تو سوگند که داخل
آن نخواهد شد هر که بشنود خبر آن را پس محفوف بشهوتها و خواهشها کرد پس امر شد که برگرد بسوی آن چون دید
گفت بعزت تو قسم که میترسم کسی نماند که داخل آن نشود و منقولست که چون جهنم آفریده شد دلهای
ملائکه از بیم سیاست مضطرب گردید چون بنی آدم مخلوق شدند شدت و اضطراب ایشان زایل شد
پس وای برحال بنی آدم غافل که جهنم از برای او مهیا شده خدا همه شیعیان را از خواب حسرت بیدار کند
و توفیق تحصیل نجات کرامت فرماید بحق محمد و آله الطاهرین صلوات الله علیه و علیهم الی یوم الدین
**بیان آنچه در حدیث مسرت نامه جان بشود از رشحه نکهتی از ارواح طیبات**
و طیبات مؤمنان و مثوبات اهل جنان قال الرحمن وعد الله المؤمنین والمؤمنات جنات تجری من
تحتها الانهار خالدین فیها ومساکن طیبة فی جنات عدن ورضوان من الله اکبر ذلک هو الفوز العظیم
یعنی وعده داده خدا تعالی مردان مؤمن و زنان مؤمنه را بهشتهای چند که از پای آنها نهرها رواست همیشه
در آنها متنعم اند و مسکنهای پاکیزه در بهشتهای عدن و رضوان الهی که شامل حال مؤمنان خواهد
شد بزرگتر از اینها است این است فوز و رستگاری عظیم که لذتها و بهجتهای دیگر نظر با آن حقیر است والذین
آمنوا وعملوا الصالحات لنبوئنهم من الجنة غرفا تا آخر آیه و آنها که ایمان و عمل صالح دارند البته جا دهیم
ایشان را از بهشت در قصرها و بلند غرفهای چند که جاری میشود از پای آنها نهرها همیشه در آنها متنعم اند
بی زوال و ملال است خوش احوال کارکنندگان که صبر کنند بر مشقت عبادت و از معصیت الهی توکل نمایند
بر پروردگار خود و در حدیث معراجست که دیدم خازن بهشت که بزرگی که کسی مثل آن ندیده هفتاد
هزار ملک در برابرش ایستاده هر کدام هفتاد هزار خادم پس سؤال از منازل امت خود کردم گفت بتحقیق
که حق تعالی بهشت را سه قسمت نموده دو ثلث از امت تو است و یکی از سایر امتها پس سؤال کردم از کلیدهای
آن گفت صبر کن تا بیاید گفت چون یکی از امت تو تهلیل گوید بنا کنند خدا برای او قصری از نور برای قفل
از نور و کلیدان بمن سپرده شد تا روزیکه از قبر درآید ثم دیدم ملائکه را دیدم که در بهشت
بناها میسازند خشتی از طلا و خشتی از نقره و گاه گاه دست میکشند سبب پرسیدم گفت تا مصالح
برسد که قول مؤمنانست در دنیا سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر تا میگوید بنا میکنیم چون

## در اوصاف بهشت

نزول کنند آنهم ترا تسلیم و تحیت بر من کنند پس تبسم نمود و گفت یا رسول الله امر کن امت خود را
بسؤال الله تعالی مجهون روزه و صدقه و کثرت زیادی مشتاق سؤال شان صفای دندان ما و بسیاری رخسار ما و بزرگی
فرجهای ما و بکارت ایشان از خشیت الهی فرح و شادی ما و از توریة منقولست یا بن آدم چگونه رغبت می
کنی به بنای فانی و نعیم زایل زندگی منقطع پس بدانکه نزدیک ماست برای مطیعان بهشتهای بهشت
کاهر در هر بهشتی هفتاد هزار روضه از زعفران و در هر روضه هفتاد هزار شهر از مروارید و مرجان و
در هر شهری هفتاد هزار قصر از یاقوت و در هر قصری هفتاد هزار خانه از زبرجد و در هر خانه
هفتاد هزار حجره از طلا و در هر حجره هفتاد هزار صفه از نقره و در هر صفه هفتاد هزار مائده و در هر مائده
هفتاد هزار کاسه و در هر کاسه هفتاد هزار رنگ از طعام و بر دور هر صفه هفتاد هزار تخت از طلای
احمر بر هر تختی هفتاد هزار فراش از حریر و دیبا و استبرق و دور هر تختی هفتاد هزار نهر از آب حیوان و شیر و
شراب و عسل مصفا هر نهری هفتاد هزار رنگ از میوه هم چنین در هر حجره هفتاد هزار خیمه از ارغوان و در
هر خیمه هفتاد هزار فرش و در هر فراشی حوری از حور العین بر هر فرشی هفتاد هزار کنیز و بر سر هر کنیز
و بر سر هر قصری هفتاد هزار قبه از کافور و در هر قبه هفتاد هزار هدیه که چشمی ندیده و گوشی نشنیده
و بر خاطر هیچ بشری نگذشته بجهت جمعی عمل کرده اند نه مرکب و نه پیری نه حزنی و نه عبادتی و نه آزاری
و هر چند دوست ندارند پس هر که در کرامت و جوار رحمت من باشد پس باید بطلبد بسبکی و خوار داشتن دنیا
و قناعت بانکی در قرآن بعد از ذکر بعض مثوبات اهل جنان میفرماید لمثل هذا فلیعمل العاملون اذلک
خیر نزلا ام شجرة الزقوم یعنی برای چنین فوز عظیمی باید که عمل کنند عمل کنندگان آیا این بهتر است در
هر آیا درخت زقوم جهنم که محنت و عقوبت ستمکاران است بعد از ذکر بعض احوالات اهل جهنم میفرماید
قل ذلک خیر ام جنة الخلد التی وعد المتقون بگو یا محمد آیا این بهتر است یا بهشت جاودانی که وعده
داده شده پرهیزکاران که مزد عمل و محل بازگشت ایشانست در آنجا مهیا است هر چه خواهند و وعده
است لازم الوفا بر ذمت پروردگار و نیز لکن الذین اتقوا ربهم لهم غرف من فوقها غرف مبنیة تجری من
تحتها الانهار وعد الله لا یخلف الله المیعاد برای آنها که پرهیزکاری نمایند مهیا شده در بهشت
غرفها بالای هم بسیار عالی و محکم از پای آنها نهرها جاری وعده خدا است که خلاف نخواهد
نمود و در حدیث حضرت باقر صلوات الله و سلامه علیه روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله

# در اوصاف بهشت

میفرماید که اعلی این غرفها باشد برای دوستان خدا مروارید و یاقوت و زبرجد و سقفهای آنها از طلا ۲
و نقره فرش و هیچ غرفه نیست که بر در آن طلا و فرشهای عالی از حریر و دیبای ملون پر از عنبر و مشک و
کافور و عبیر و هر ملکی در بالای نشسته پس چون مؤمنان را به منازل داخل کنند تاج پادشاهی و کرامت بر سر
و حلهای مطرز بطلا و نقره و مرصع بمروارید و یاقوت سرخ در بر ایشان و بر تخت خود نشینند و تختها از شادی
بر خود ببالد پس رخصت طلبد ملک موکل بباغهای او که بتهنیت ایشان بیاید از کنیزان و غلامان مؤمن گویند
دوست خدا بر تخت خود تکیه فرموده و حوریهای ملاقات او شده صبر کن تا از شغل خود فارغ شود
پس حوری از خیمه بر آمده و بر تخت مؤمن خرامان و کنیزان نشسته بود و هفتاد حله مکلل بیاقوت
و مروارید و زبرجد دیگر رنگین بمشک و عنبر و تاج کرامت بر سر و نعلین طلا بپا دارد و از یاقوت سرخ
در پا چون نزدیک دوست خدا رسد گوید ای مرد زود و نصب تو بلند تر که من برای تو آمده ام و
تو برای من چون بهم رسند معانقه کنند هیچ از آن نگاه نظر بکردن حوری کنند و طوق مشاهده نماید
از یاقوت سرخ بر لوح وسطش نوشته تو ای دوست خدا محبوب منی و من محبوب توام شوق من برای
تو بنهایت رسیده پس حق تعالی هزار ملک فرستد که او را تهنیت بهشت گویند چون در اول بهشت
او برسند از ملک دربان رخصت طلبند گوید باشید تا بحاجب گویم که عرض کند بمؤمن چون بنزد حاجب
آید که سه حدیقه فاصله دارند گوید بر من بسیار دشوار است که در این حال رخصت طلبم که با زوجه
حوریه خود خلوت کرده و در باغ میان حاجب و مؤمن دو فاصله است پس حاجب به قیم و قیم بر
خادم خواص چون ایشان بولی خدا عرض کنند فرماید داخل شوند پس هر ملکی در آن غرفه
که بان موکل است کشوده پس هر یک از ملائکه از دری داخل شود و هر کدام رسالت پروردگار خود را
برسانند و اشاره باین است قول خدای تعالی والملائکة یدخلون علیهم من کل باب سلام علیکم بما صبرتم
فنعم عقبی الدار و اینچه فرموده و اذا رایت ثم رایت نعیما و ملکا کبیرا این نعیم و پادشاهی است که حق تعالی
بدوستان خود کرامت فرموده که رسولان خدا بی اذن داخل نشوند بعد از بیان نهرها و میوهها
سپس مؤمنان با هم و هر مؤمنی را هفتاد حوریه و چهار آدمیه میدهند و گاه بر تخت خود تکیه
نا ده باشد که ناگاه شعاع نوری او را فرو گیرد بعضی گوید از کجا بود این نور تا آن گویند از حوریست
که هنوز ملاقات نکرده از خیمه در آمده بسوی تو نظر کرده شوق لقاء غلبه نموده بود چون ترا دید که بر تخت

## ذکر اوصاف بهشت

عزت تکبیر فرموده از کثرت شوق و فرح تبسم نمود و از شعاع دندان سفید و صفا و نور آن گشت تمام درختهای او
بوی دوست خدا گوید او را رخصت دهید که نزد من آید چون دوست خدا آنجا رسد هزار هزار غلام و هزار
کنیز مبادرت نموده و این بشارت را بقوت رسانیده او را بخیمه فرود آید بهشت مشاطه الهی او را بستر و به
هفتاد حله مطرز بطلا و نقره مزین بمروارید یاقوت و زبرجد ملون مشک و عنبر بالوان مختلفه
از لطافت چنان باشد که مغز ساقش از زیر هفتاد حله بنماید و قامتش هفتاد ذرع و عرض شانه اش
ده ذرع باشد و چون نزدیک دوست خدا رسد خادمان طبقهای جواهر نثار نمایند پس دست بگردن
یکدیگر در آورند و مدتها ایشان را ملال حاصل نشود بعد از ذکر این حدیث حضرت علیه السلام فرمود
که بهشتها که حق تعالی در قرآن فرموده جنة العدن است جنة الفردوس جنة النعیم و جنة المأوی و در میان
اینها بهشتهای دیگر هست و مؤمنان از بهشتها و باغستانها آنقدر دهد که خواهد در آنها متنعم
کند بهر چه خواهد هر چه خواهد طلب کردنش همین که گوید سبحانک اللهم که بخدمت مبادرت نموده
خواهد بی طلب حاضر سازند چنانکه حق تعالی میفرماید دعویهم فیها سبحانک اللهم و تحیتهم فیها سلام
فرمود تحیت خدام برایشان سلام است و آخر دعویهم ان الحمد لله رب العالمین فرموده مراد این است که بعد
از وصول (حصول) لذت از آنچه خواستند از جماع و اکل و شرب حمد الهی بجا آورند و فرمود که آن نیکو بپروردگار
خود بدار بدیکه بهشت هشت در است عرض هر دری چهل سال است و حق تعالی در شان جمعی که ایمان
عمل صالح دارند میفرماید و اولئک لهم جزاء الضعف یعنی مر ایشان راست همین بقدر کار ایشان است بلکه
مضاعف است بسبب عملی که کرده اند و ایشان در غرفهای جنان ایمنانند از هر هولی و فرمود ان المتقین فی جنات
و عیون تا آخر آیات یعنی بتحقیق که پرهیزکاران از معصیت الهی در بستانها و چشمهها و میوههای بهشت که
میل دارند متنعم اند بخورید و بنوشید گوارا باشد شما را بسبب عملهای خیر که در دنیا میکردید بتحقیق که ما
نیکوکاران چنین جزا میدهیم انهم کانوا قبل ذلک محسنین تا آخر آیات یعنی بجا آوردند طاعت الهی را یعنی ایشان
متقیان نیز که ایشان پیش از این یعنی در دنیا نیکوکار میبودند که شبی بوده که نماز شب بجا نمی آوردند
و سحرها در وقت تهجد استغفار مینمودند و در مالهای خود حقی برای سائل و فقرا مقرر نموده بعد از ذکر
شهوات دنیا که در نظر اهل تکلیف و امتحان مزین شده میفرماید قل أؤنبئکم بخیر من ذلکم بگو
یا محمد صلی الله علیه و آله و سلم که آیا خبر کنم شما را بهتر از این برای پرهیزکاران نزد پروردگار

## در بیان اوصاف بهشت

مهیا است بهشتها که نهرها از پای درختها و عمارتهای ایشان روانست همیشه در آنها بنعم و نیایش
و بنائی چند که پاکیزه‌اند از هر عیب و کثافتی و رضوان از جانب الهی که از همه لذتها اکبر اینهاست این است فوز بزرگتر
است حق بصیر بینا است به بندگان خود بصیر است به اعمال ایشان و نیز هر که برای آنها که طلب آمرزش و نجات می‌کنند
می‌نمایند با صبر و صدق و ایمان و صدقه و استغفار در سحرها متکئین علی سرر مصفوفة و زوجناهم
بحور عین تکیه زده در بهشت بر مسندها و کرسیها در بهشت که مقابل یکدیگر چیده و تزویج کنیم ایشان را با
حوران خوش چشم بهشت یطاف علیهم بصحاف و مؤمنان گردانند غلامان و خدمتکاران جنان با کاسهای
طلا و کوزه‌ها و در آنها است نعمتها که خواطر ایشان میل نماید هر چه ببینند چشمهای ایشان از آن لذت یابد همیشه
بیند و یذوقون فیها الا الموتة که مرگی دیگر نچشند محفوظ مانند از عذاب و رنج که کنند کار غافل برای خود مهیا
کرده‌اند اینها برای مؤمنان با محمد صلی الله علیه و آله افزایش بیت نور و کرامت عظیم بسیار آسان کردیم
قرآن را بزبان تو که شاید مردم از غفلت متنبه شوند در این اوقات قلیله فرصت که ناگاه البته فوت خواهد شد
هر کس این خوش دارد و راحت لذات نعیم ابد با حسرت و عقوبات جحیم است اینها را برای خود مهیا کرده‌اند
خود را واردها بچه بیش فرستاده بیقین دانند ان للمتقین عند ربهم جنات النعیم افنجعل المسلمین
کالمجرمین ما لکم کیف تحکمون یعنی بتحقیق برای پرهیزکاران نزد پروردگار خود که برای او پرهیزکاری و
اطاعت نموده‌اند بهشتهای پر نعمت و لذت و راحت و عشرت مهیا است آیا هر که چنین ثواب با ایشان
بدهیم پس ایشان را مثل گنهکاران خواهیم کرد چیست شما را چگونه حکم می‌کنید و همین کلام ترجمه و رها تمام
است افمن کان مؤمنا کمن کان فاسقا لا یستوون تا آخر آیه یعنی آیا پس کسی که مؤمن باشد مثل کسی است که
فاسق باشد از طاعت خارج باشد مساوی نخواهند شد اما آنها که ایمان و عمل صالح دارند پس برای
ایشان است بهشتهای ماوی عطیه و همه بسبب عملی که در دنیا میکردند و اما آنها که فاسق بودند
پس ماوای ایشان باز گشت ایشان آتش دوزخ است هر بار که خواهند بیرون آیند از جهنم باز ایشان را بر گردانند
و بعد از ندامت و لعنت همچون شکوفه دو روزه دنیا که خانه فریب موجب عذاب شد بهالت میفرماید
سابقوا الی مغفرة من ربکم و جنة عرضها کعرض السماء و الارض اعدت للذین امنوا یعنی پیشی بگیرید تا فرصت
دارید به مثل شتافتن یکدیگر بهم پیشی کردن بتعجیل و تقصیر نکنید و سبقت بمغفرت پروردگار خود و بهشتی
که عرض بسیار وسیع و فضای آن مثل عرض و وسعت آسمان و زمین است حاضر و مهیا شده برای مؤمنین

# مزاوف صابهشت

جنات عدن التی وعد الرحمن یعنی هر که توبه کند از گناهان کند شرط نماید داخل شود بهشتهای عدن که وعده
فرموده خدای دنیا مهربان بندگان خود را غایبانه بتحقیق که وعده الهی آمدنیست نشنوند در آن سخن لغوی
بلکه سلام از جانب هم با ملائکه کرام یا از جانب صاحب جلال و اکرام از طرف ایشان است که عطا خواهم فرمود
از بندگان خود که بر هر نماید معصیت ما و من یؤمن بالله و یعمل صالحا یکفر عنه سیئاته و یدخله جنات
هر که ایمان و عمل صالح دارد محو از بعضی گناهان او و داخل بهشت میکند او را بهشتی چند که زیر اشجار
و عمارات آنها نهرها روانست همیشه متنعم اند در آنجا ابد الآباد و حضرت امیرالمؤمنین ع در حال مؤمنان که
کار که ... باشد ... که چون داخل بهشت شود بدرختی رسد ... 
و انهار روان و میوهای فراوان دارد ساقان دو چشمه در زیر آن بیرون آید یکی غسل کنند که حسن و نضارت بهشت
بر او ظاهر شود چنانکه میفرماید تعرف فی وجوههم نضرة النعیم و از دیگر چشمه بنوشند که از جمیع پلیدیهای
کثافات و کدورات پاک شود چنانکه فرموده و سقاهم ربهم شرابا طهورا یعنی ملائکه با استقبال او
بشتابند گویند خوش آمدی داخل بهشت شو پس بخواهد که ... صف کشیده که
بود که آنها از مروارید ... درختها ... باشد میوه آنها مانند پستان دختران
بکر پس ملائکه با ناقه ها و اسبها از نور و زبرجد های بهشت با استقبال او بشتابند گویند ای ولی خدا هر یک
که خواهی سوار شو و هر حله که خواهی بپوش ... تمام سوار شده ... نور
و از هر جانب ملائکه ... از نور باشند نور او چندان در بهشت ساطع شود که ملائکه متحیر شوند
گویند آمد ... مهمان خدای حلیم غفور پس چون بقصر اول رسد که از نقره باشد با کنگرهای مروارید و یاقوت
و زنان ... از آن قصر مشرف شده مرحبا گویند و چون خواهد در آن قصر ... ملائکه
گویند ... که قصرهای دیگر هم برای تو مهیا شده پس چون بقصر دیگر رسد که از طلا باشد ... کلل
مروارید ... زنان ... آن قصر جلوه نموده گویند مرحبا و تکلیف نزول نمایند چون اراده نزول نماید ملائکه
گویند ای ولی خدا ... که دیگر قصرها برای تو مهیا است پس بگذر بقصر دیگر که اصلش از یاقوت سرخ باشد کلل
مروارید ... الوان چون خواهد نزول ... نماید ملائکه بگذرانند او را تا هزار قصر که ... و لطافت اند ...
از بهشت ... تصور ... چشم زدن ... ملائکه گویند ...
و ... گویند ... خدا در بهشت ... مهیا است

# در اوصاف بهشت

پس بحضرت رسید که از نور الله دو دنان نمایان باشد خشتی از طلا و خشتی از نقره باشد خشتی از مروارید
و خشتی از یاقوت و ملاط خشتها مشک و کنگرها نور درخشان و بهر جانب که نظر نماید عکس خود را
در دیوار ببیند پس فرمود که روزی ام سلمه از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید که آیا زنان دنیا زینت و
امتیازی بر حور العین خواهند داشت فرمود بلی بسبب نماز و روزه و عبادت که بر شما ظاهر خواهد شد تا
ابد بر ایشان بعد از آن بنوعی که یکی از اهل نجاة از صراط میگذرد بکشند دست بهم چسبیده بان و رسیدن
بعضی آتش های دوزخ او را بسوی آتش میکردانند آنگاه از کمال رضا گوید چه بسیار خوبست خدائی که مرا
از تو نجات داد بعد از مکث بسیار گوید پروردگارا روی مرا از دوزخ بگردان که بوی آن مرا آزار کرد و دود
آن مرا سوخت فرماید شاید اگر این را بدهم سؤال دیگر خواهی کرد گوید نه بعزتت پس عهد کند روی او را از آتش برتابد آنگاه
به درختی بر درگاه بهشت نظر نموده گوید مرا بسایهٔ آن رسان فرماید عهد کردی گوید پروردگارا نخواهم طلبید
غیر این پس بعد از آنکه بانجا رسد ببیند بهشت را شوق غلبه نموده سؤال دخول کند خدا فرماید
چه بسیار عذر داری [illegible] یاد کند که دیگر سؤال ننمایم چون داخل بهشت شود ساکت شود خدا فرماید
چرا چیزی طلب نمیکنی گوید شرم میکنم ای پروردگار من فرماید راضی میشوی بانچه از اول دنیا تا فنا دهیم با مثل
آن و ده برابر [illegible] مثل آن گوید با من سخریه میفرمائی تو که پروردگار عالمیانی پس حضرت تبسم فرمود
که چون تصور فرمایند ولیکن [illegible] تا عطا کنم نتوانند که اگر همه اهل دنیا بر تو وارد شوند همه را
طعام و شربت و [illegible] و کسوة عطا کنی از ملک من هیچ کم نشود [illegible] گوید این چیست [illegible] اینست عطا
فرموده بان کسی که داخل بهشت نموده فرماید [illegible] ابو بصیر گوید عرض
کردم بحضرت صادق که از اوصاف بهشت بفرما که مرا مشتاق کردانی فرمود یا ابا محمد بتحقیق که بوی بهشت
را از هزار ساله راه میشنوند [illegible] اهل بهشت را [illegible] و انس [illegible]
[illegible] اهل بهشت چون داخل بهشت شود سه
باغ ببیند چون داخل [illegible] شود [illegible] نعمت [illegible] مشاهده کند که خدا خواهد
بعد از شکر الهی گوید [illegible] و در آنجا [illegible] مشاهده کند در باغ اول [illegible] گوید
[illegible] کرامت [illegible] گوید [illegible]
[illegible]

۲۴۱ اضعاف آنچه دیده بود مشاهده نماید فرح و خوشحالیش مضاعف گردد گوید پروردگارا تراست حمد بی
که احصا نتوان کرد که منت نهادی بر من به بهشتها و نجات از آتش ابو بصیر گفت فدای تو از این بشارتها زیاده
گو بیتم و گفتم فدای تو گردم زیاده کن شوق مرا افزون تر نمودی فرمود در بهشت نهری هست که از کنارهای آن کنیزان روئیده
چون مؤمن یکی از آنها بکند در جایش آید و از زمین بکند حق تعالی عوض از او برویاند گفتم فدای تو شوم
دیگر بفرما فرمود مؤمن را در بهشت هشتصد باکره و چهارهزار ثیبه و دو حور العین کرامت کنند که از زمین
نورانی بهشت مخلوقند مفرشهاشان از زبرجد و حله‌ها با سندس حکم مؤمن با این حور العین است
این است او گفتم آیا حور العین را آنگاهی هست فرمود بلی سخنی که هرگز خلایق مانند آن خوشی سخنی نشنیده اند گفت
سخن ایشان چیست فرمود میگویند مائیم خالدات که هرگز نمیریم و مائیم منعم کنندگان و شادمانان که
هرگز اندوهناک نباشیم مائیم در خانه نعیم پیوسته مقیم که هرگز بیرون نرویم مائیم همیشه شاد و خوشنود
هیچ حال خشم و قهر هرگز نرویم خوشحال کسی که برای ما خلق شده و ما برای او خلق شده‌ایم که اگر یکی از زلفهای ما
میان آسمانها آویزد بیاویزد نور او دیده‌ها را خیره نماید و در حدیث صحیح فرموده در تفسیر آیه فیهن خیرات حسان ایشان
زنان عارفه شیعه اند که در بهشت به مؤمنان تزویج میکنند و در آیه حور مقصورات فی الخیام فرموده مراد
حوران بهشتند با کمال سفیدی و گرد بودن بسیار خیمه‌های از دُر و یاقوت و مرجان نشسته اند هر خیمه را چهار در و هر
دری را هفتاد دختر باکره رسیده دربانند و هر روز کرامتی از خدا میرسد برای بشارت مؤمنان ایشان را پیش
خلق نموده و در حدیث صحیح فرمود بتحقیق که حق تعالی در بهشت برای بندگان مؤمن خود در هر جمعه کرامتی مقرر
فرموده چون روز جمعه شود ملکی نزد مؤمن میفرستند با دو حله چون بدر بهشت نزد مؤمن میرسد به او بار
میگوید از مؤمن رخصت بطلبید چون خبر مؤمن رسد بزنان خود گوید مرا چه باید کرد گویند ای سید
و نزدیک با خدائیکه بهشت را بتصرف تو داده کرامتی باز آید که پروردگار رسولی نزد تو فرستاده
آنگاه ملک در آید و مؤمن یکی از آن دو حله را بر کمر بسته و دیگری را بر دوش افکند با ملک روان شود و بر
هر چیز که بگذرد از نور او روشن شود تا بیاید بموعدگاه رحمت و کرامت پس چون همه مؤمنان
مجتمع شوند حق تعالی نوری از انوار جلال و عظمت خود بر ایشان تجلی فرماید پس بسجده در آیند
خطاب رسد که ای بندگان من سر بردارید که امروز روز سجده و عبادت نیست مشقت تکلیف و
طاعت را از شما برداشتم گویند پروردگارا چه چیز بهتر از این میباشد که ما را کرامت کرده بهشت

## در اوصاف بهشت

بما عطا فرموده فرمایید عطا کردم بشما همچنانکه برای پیغمبرها الا آنکه از جمیع نعمتها و تمامی کرامتها 
پس در هر جمعه مؤمن برمیگردد با همچنان مقابل پیغمبران بشرط اشتراک بهشت قول خدا ولدینا مزید یعنی نزد ما
زیادتیها است از رحمت و کرامتها و نور دائم بهنور رحمت است و روز و شبش بیک اساس میباشد و نور آن بهشت هم
در این شب و روز از صلوات و ذکر خدا شناخته میشود پس چون مؤمنان از وعده گاه برمیگردد و میرسد
که بکدر از نور خود روشن می کرداند تا نزد زنان خود که برسد گویند ای الحمد لله که بهشت را بما عطا
فرموده هر کس از اهل سامرو زند بده ایم کوید از تجلی نور جلال پروردگار خود نوع نعمتها یافته ایم
و زنان بهشت از رشك و حیض و بدخوئی مبرا باشند او صیبه مینمایند که در بهشت غنا میباشد
فرمود بتحقیق که در بهشت درختی است که بامر خدا بادها او را حرکت و ترنم می آرند و نغمه چند
از او ناشی میشود که هرگز خلایق بان خوبی نشنیده اند و آن جزای کسی است که در دنیا ترک غنا از
خوف الهی کرده باشد داوری گفت فدای تو گردم دیگر بفرما حق تعالی بهشتی بید قدرت خود آفریده که
مخلوقی بر آن مطلع نشده هر صبح آنرا گشوده فرماید شمیم و بوی خوش خود را با اهل بهشت زیاده فرشت
اینست قول خدا فلا تعلم نفس ما اخفی لهم من قرة اعین جزاء بما کانوا یعملون که در ثوابها زیاده میسر
که هیچ کسی نمیداند آنچه برای ایشان اعداد و مهیا شده از چیزها که موجب روشنی چشم ایشان خواهد شد
بسبب عملهای ایشان که در دنیا میکردند و در صحیح فرمود طوبی درختیست در بهشت در خانه امیرالمؤمنین
بگیر بیان امتنراسنا بافکنده و در خانه هر شیعه شاخ از آن هست بنجیب امیرالمؤمنین هر خواهش هر
چیز بکند بخاطرش و را با انشاج حاضر میسازد و صد سال سوار بتند براسایش نتواند در رفت
کلاغ بلند پرواز با پای از سر آن حرکت کند که چنین سعادت تند سعی نمایید در تحصیل این
چنین کرامتی و فرمود در بهشت درختی هست که از بالای آن حلها برآید و از پائینش اسبها ابلق زین
و لجام کرده و بالدار که نه سرگین و بول ندارند ایشان دوستان خدا را برداشته پرواز کنند هر جا
که ایشان خواهند بسایهها که در بهشت توانند که پروردگار ایشان این چنین کرامتی ...
فرماید ایشان شبها برمیخواستند بعبادت و دنیا بنجوا بیابان ... روزه میداشتند و روزه ها چیز هم
خورده ... کردند ... و باحادیث نبوی صلی الله علیه و آله
ساق هر ... از ... است اهل بهشت را بول و غایط نمیباشد بلکه دفع میشود بعرق خوشبوتر از مشک

واهل

# ذکر اوقات ضیافت بهشت

واهل بهشت را هر روز حسن و جمال و صفا و طراوت زیاده می‌شود چنانکه اهل دنیا را روز بروز پیری
و قباحت صغار و فرسوده پشت تر [illegible] اهل بهشت را هشتاد هزار خادم و بود و دو مرتبه از مراتب عالیه د
بهشت مقرر سازند و بهر یکی هر مؤمنی از پیغمبر متصل عطا شود قامت آدم [illegible]
و سال حسن یوسف پس نور روی ایشان زیاده و بلند می‌شود صوت داود و خلق محمد صلی الله علیه و آله
و زبان او و مروایت یکو [illegible] سالم و صفا [illegible] کرامت [illegible] باشند [illegible]
نو [illegible] بالابد [illegible] شود که [illegible] ایام [illegible] وصال [illegible]
زنان توانگاه حرکت می‌کنند و چیز [illegible] دیگر که [illegible] زنان [illegible]
مایه پیش او نهاده شود و بر هر یکی [illegible] طاس [illegible] صد هزار [illegible]
که از هر لقمه هزار لذت یابند و هر ده [illegible] و خواهش [illegible]
خواهش می‌کنند فوراً پیش خود حاضر می‌بینند پس چون دست کشند [illegible] سال [illegible]
می‌نشینند مشغول اکل مرغ و چون بکام اشتها [illegible] شود و طعام چون خالی شود از نو پر شود
و ایمه رسول پروردگار عالمیان برای تهنیت و ضیافت [illegible] سلام کنند [illegible]
سلام و پیام رسانند که خانه خانه شما است پروردگار [illegible] شما است [illegible]
بیتاب آنگاه طبق از نور پیش او نهند چون [illegible] بینند [illegible] حور
نقابدار [illegible] وصف حسنش نتوان کرد چون اراده کشف نقاب و [illegible]
بخوان آنگاه روی [illegible] عنوان نامه نوشته باشد که از جناب پادشاهی [illegible]
و نلت [illegible] نامه [illegible] با نواع تلطف نوشته باشد که از [illegible] بارگاه
من ای [illegible] مشتاق لقا [illegible] بیارگاه
جلال و لذت تجلی [illegible] و استماع سلام و کلام ذوالجلال والاکرام [illegible]
وصف دار السلام از زبان [illegible] و [illegible] اهل بهشت [illegible]
[illegible] روز شنبه [illegible] اهل بهشت ضیافت [illegible] آدم [illegible] در جنة الخلد [illegible] یکشنبه [illegible]
[illegible] در جنة النعیم و دوشنبه ضیافت [illegible] در جنة المأوی و سه‌شنبه ضیافت [illegible] در دار السلام
و چهارشنبه ضیافت [illegible] در جنة العدن آنگاه ندا کنند روز پنجشنبه [illegible] اهل سعادت [illegible]

## در اوصاف بهشت

سید انبیاء در ظل سدرة المنتهی جبرئیل و میکائیل خدمت نمایند و قبهٔ انحضرت که از یک دانه مروارید باشد و هزار در دارد و وسعت هر دری پانصد ساله راه و بروایتی بر سر مائده سیصد هزار ساله منتوشند
از شربت مختوم که در بهشت از آن نوشند تا شدا بیست شراب طاهر از برود کار ظاهر نیکو بندهٔ ظاهر
بروایت ولی چون ارادهٔ رجوع از ضیافت رسولخدا صلی الله علیه و آله نمایند ندا رسد از جانب رب العزة
که فرا دادن شما جمیع عید مؤمنان بوده و روز مزیدالت حاضر شوند در دار الجلال بوعده گاه و مشاهدهٔ
نور تجلی نور جمال و حلیت طول داریند در ضیافت الهی انواع لذتها یابند از اکل و شرب ده قسم که اسم نهاده قرآن
مذکور است و از اقسام تفکر و تمنی که کمان چنان لذتها نبرداشتند پس خلعتها پوشند هر کدام هفتاد
نوع و بروایتی رنگی جبنانده از اوراق آن هفتاد حله موافق پوشند انگاه ابر رحمت طیب بر ایشان بارد
بروایت ابن عباس از رسولخدا صلی الله علیه و آله هر روز از آخرت هزار ساله دنیا است پس تناول چاشت
کنند سیصد ساله و میان روز مثل جمعهٔ حوران کنند سیصد ساله و سیصد ساله دیگر در بساتین جنان
بتفرج و شکار و داشتغال نمایند و صد ساله آخر روز متوجه زیارت جلوه گاه و محل دیدگاه قرب جناب اقدس
الله نمایند هم چنین ابد الآبدین مؤلف کوید که اینها شمه است از نسایم مثوبات الهی که برای قوم مهیا فرموده
اگر طاعت و عبادت نمائی پس لیل بر فرض احتیاج نظر کن که اندک بی‌محنت و عشرت بی‌مشقت دو روزهٔ فانی با قابل این
است که برای او خود از فوز چنین سعادت عظمی محروم و بچنان شقاوت و حسرت کبری گرفتار گردانی با بهشت
ابدی و بوادی رحمت ابدی و رضوان و شرب بارگاه احد و نجات از دوزخ حسرت که انقدر بسیار و حقراست
که برای فوز بانها از نوشیدن شراب پریشیدن مجروده کن شستن نتوانی و جرم بدانکه چنانکه بدن کن شستن از این مسیر
نیست که بان بر سی هم چنین با وجود کن نشستن از این حال است که بان نرسی و هیچ سود جبر از رانت حالیه جنان
مهیا شد که خدا مطلق بحکم شما نه الهای متعدد و اصنام سنان از انتونموده باشی نرسند از رشد ابدی عقبی که
برای همه نجات از آن تراد لالت و هدایت نموده باشد چنانکه در جیحون ساقه مکرور دیگر پس باد دو ماه
عاطل عمر خود را که سرمایه کسب سعادت ابدیست ضایع و باطل مگردان و براه ظلم و زور و تلبیس تدبر ابلیس
مرو و در هائی پیش ریب بر رو دل خود مکشا و یقین بدانکه هر منزل راه الهی است و راه بهشت منحصر
در طریق اطاعت که عبادت از تحصیل معرفت و عبادت الهیست پس راه چپ پیمودن و متوقع وصول مقصد
راست بودن خود را استهزاء نمودن بایست کار نکرده طمع مزد داشتن محض سفاهت در شوره زار دهام طمع

ملاهت

## در اوصاف بهشت

ملاحظت کاشتن در دوجی اهل بهشت که یا موسی چیز نیست کم است شرم و تعجب کسی که طمع میدارد بهشت را بعمل
چگونه جود و عطا کنم کسی که بخل میورزد در طاعت من آیا نشنیده که آدم هم بسبب نافرمانی از بهشت بیرون
شد پنداری با وجود چندین نافرمانی و عدم توبه و پشیمانی به بهشت خواهی رفت و در قرآن میفرماید
ایطمع کل امرئ منهم ان یدخل جنة نعیم کلا انا خلقناهم مما یعلمون یا طمع میدارد هر کسی که او را داخل بهشت
خواهند نمود نه چنین است تحقیق که ما آفریدیم ایشان را از چیزی که خود میدانند یعنی آب کثیف ناپاکی که
اهلیت بهشت و لیاقت محل پاکان ندارد مگر بتحصیل پاکیزگی ایمان بمعرفت و عبادت و تکمیل و تهذیب
اخلاق مقدسین بصبر بر ریاضت بتعبیر و ناپاک تر کردن آن بخالفت و کثافات نمایم و معصیت میفرماید
ام حسبتم ان تدخلوا الجنة تا آخر آیه یعنی آیا پندارید که داخل بهشت خواهید شد بی مجاهده و ریاضت
و بدون صبر از معصیت و بر طاعت و میفرماید تلک الجنة التی نورث من عبادنا من کان تقیا یعنی این بهشتی
است که از بندگان خود بکسی که پرهیزکار باشد و بهمین معنی میفرماید ذلک لمن خشی ربه و میفرماید
تلک الدار الآخرة نجعلها للذین لا یریدون علوا فی الارض و لا فسادا و العاقبة للمتقین و می
فرماید ذلک الذی یبشر الله عباده الذین آمنوا و عملوا الصالحات و میفرماید هذا ما توعدون
لکل اواب حفیظ من خشی الرحمن بالغیب تا آخر آیات یعنی این بهشتی که برای شما وصف و وعده می
فرمائیم برای هر کسی که توبه و رجوع بسوی خدا بسیار نماید و رعایت و حفظ حدود و احکام الهی کند و
ترس خدا غایبانه دارد و دل با انابه بدرگاه اله آورد داخل بهشت شوید بجماعت یا آنکه صحبت با سلامتی
از آفات با سلام از جانب الهی این است روز راحت ابدی و لذت سرمدی شما برای ایشان مهیا است در
بهشت آنچه خواهند و نزد ما است زیادتی از نعمتها و کرامتها زیاده بر آنها که بوصف در نیاید میفرماید تلک الجنة
التی اورثتموها بما کنتم تعملون یعنی این بهشتی است که عطا شد بشما بسبب عملهایی که در دنیا میکردید
و میفرماید کلوا و اشربوا هنیئا بما کنتم تعملون هنیئا بما اسلفتم فی الایام الخالیة بخورید و بنوشید
گوارا باد شما را بسبب لذتهای بهشت آنچه عمل میآورید گوارا باد شما از نعمتهای بهشت بسبب اعمال صالح
که پیش فرستاده بودید در ایام گذشته و مکرر میفرماید جزاء بما کنتم تعملون جزاء بما کانوا یعملون و می
فرماید ان المتقین فی جنات و عیون ان المتقین فی ظلال و عیون ان المتقین فی جنات و نعیم ان المتقین
عند ربهم جنات النعیم که هر جا از اهل بهشت تعبیر بوصف عنوانی پرهیزکار فرموده و در همان آیات سابقه

۲۵ هر که او ضمانت بهشت را شنید و بکند صبر بجا که بهشت را بازاء تقوی و طاعت وعده فرمود و تغییر مردم عمل و
عبادت متقرر میشود و هر که بخواهد به نفسه صفت بهشت را بکسی خواهم داد تا تو توهم کنی که شاید من هم بدهم
بلکه برای تصریح با حضا و قطع حجت و قطع طمع خام اهل معرفت حسرت مدار بتکرار میفرماید ما تجزون الا ما
کنتم تعملون هل تجزون الا ما کنتم تعملون جزا داده نخواهید شد مگر همان عملیکه میکردید نه خوب مردم عمل
بد را خواهد گرفت و نه بد مزد کار خیر را خواهد یافت افنجعل المسلمین کالمجرمین ام نجعل المتقین کالفجار
آیا هرگاه چنین نکنیم پس آنها که تسلیم و اطاعت امر الهی میکنند مانند گناهکاران خواهیم کرد چنانکه مکرر
گذشت و در خصوص کفار میفرماید فلا یجزی الذین عملوا السیئات الا ما کانوا یعملون مزد نخواهند
یافت آنها که عمل بد نموده اند مگر موافق همان کاری که می کرده اند و میفرماید لیس بامانیکم ولا امانی اهل الکتا
من یعمل سوء یجز به یعنی کار بهشت بآرزوهای شما و اهل کتاب نیست هر که کار بدی بکند جزاء بد باید و
در تفسیر واقع شده که این آیه وقتی نازل شد که مسلمانان فخر میکردند که ما اولائیم به بهشت که امت خاتم
انبیائیم و اهل کتاب که خود را سابقان او لاد پیمبران می دانستند میگفتند غیر ما اهل بهشت نخواهند شد
و اسمعیل از پدرش پرسید حضرت صادق ع که حال گناهکاران از ما یعنی اهل بیت رسالت چگونه است
حضرت این آیه را خواندند و رسول خدا صلی الله علیه و آله در مرض موت بدوش امیر المؤمنین ع و فضل تکیه فرموده
بر جهت رفعت شدید بر منبر بالا رفته و بر سر مبارک دستمالی بسته و از ضعف ... بسته بود پس فرمود که
ایها الناس نزدیک شده که از میان شما بروم هر که را وعده و دینی بر من باشد خبر کنید بگوئید مردم بتحقیق
که نیست میانه خدا و کسی وسیله که بسبب آن خیری رساند یا شری که بر گرداند اطاعت و طلب خوشنودی
خود نم شان ایها الناس دعوی نکند ادعا کننده که بغیر طاعت الهی برضای او میرسم بحق آن خدائیکه مرا بحق
فرستاده که نجات نخواهد داد از عذاب الهی مگر عمل نیکو با رحمت خدا و اگر معصیت خدا کنم البته بجهنم میروم
و فرموده بود بنده ام مانند آتش دوزخی که داخل آن در خواب غفلت باشند و مثل بهشتی که طالب
و خواهان آن در خواب حسرت مانده که بی انتساب سعی و جد و جهد که مقصد یا شد نجات از آن فوز یابند در این دو روز
مهلت زندگانی ... که فرصت ... برای همین باو داده اند البته ... اوقات
... و از نزلهم من المنازل للمتقین بما یستطلب من العمل یعنی ...
... [illegible]

## موعظه منوّر حضرت امیر ع

منکند که بعمل دران روزی داده شده اند برای آخرت کار نمیکنند که بدون عمل دران غذا کرده خواهند
شد از عالم کسی که شبهی دارد روز میسوزانند و شب بی ظلمت میمانند و از امیر المؤمنین ع شخصی موعظه
طلبید فرمود لاتکن ممن یرجو الجنة بغیر عمل و یؤخر التوبة بطول الامل یعنی مباش از جمله کسانیکه امید روز
بهشت می دارد بی عمل تاخیر توبه و تدارک آخرت خود مینماید از برای طول امل دیگری مواعظه خواست
فرمود ان الابرار لفی نعیم و ان الفجار لفی جحیم و فرمود که ببینا نزدیکیست راحت روند از آخرت باقی از
چند روز دنیای فانی و سهل تعبیست که بعد از آن بهشت باشد و چه راحتیست که بعد از آن آتش جهنم
باشد و بعد ازین بوجه ع خواهند و در ضمن ترین اهل دنیا از اهل دوزخ و در آتش فرو برند یک فرو بردنی آنگاه
گویند ای پسر آدم آیا هرگز خیر و راحتی در دنیا بتو رسیده گوید نه بخدا سوگند و می آورند پریشان ترین اهل
دنیا را از اهل بهشت و بنعیم بهشت فرو برند و بپرسند آیا هیچ پریشانی و شدتی بتو گذشته گوید
نه بخدا سوگند ای پروردگار من و از توریة منقول است که ای فرزند آدم هرگاه داخل دوزخ شوند ملوک
شما بجور و عرب بتعصب و علما بحسد و فقرا بدروغ و خیانت و زارع بجهالت و عباد بریا و اغنیا بکبر پس
کو طالب بهشت ای پسر آدم منم ملک و پادشاهی که هرگز زوال ندارم عمل و اطاعت کن بفرموده من تا بگردانم
ترا زنده که هرگز ممات ندارد و در قرآن بعد از اوصاف می فرماید فی ذلک فلیتنافس المتنافسون یعنی
در چنین بهشتی با لذت و راحتی باید رغبت نمایند رغبت کنندگان یعنی عمل و عبادتی که باعث فوز باین بهشت
عظمی گردد بجا آرند لاهوام طمع تنبلی و راحت مفت اینجا میل و رغبت بسیاری دارد پس احتیاج ترغیب
الهی است پس هر که اسباب بهشت را برای خود مهیا نکند گویا رغبت بآن نکرده و هم چنین جهنم هر که
از اسباب آن احتراز و پرهیز نکند گویا از آن ترس ندارد بلکه اعتقاد بآن ندارد چنانکه حق تعالی ذکر میفرماید از
زبان اهل جهنم که در جواب ملائکه که میپرسند آیا نیامد بشما پیغمبران بحکمت و موعظه الهی شما را از امر
ترسانید خواهند گفت لو کنا نسمع او نعقل ما کنا فی اصحاب السعیر یعنی هرگاه ما میشنیدیم و می
فهمیدیم در صف اهل جهنم نمی بودیم و حال آنکه البته شنیده و فهمیده بودند اما چون مقتضای
شنیدن و فهمیدن را بجا نیاوردند گویا نشنیده اند و نفهمیده اند و از اینجا نزد عارف جازم احتمال کلی رود
که بسیاری از شدائد اهوال و عقوبات اهل جهنم که در قرآن برای بی ایمان و بی اعتقاد و
واقع شده و با همین جهت سابقاً ذکر نکردیم نسبت با اهل دنیا و اهل غفلت از مسلمین هم عموم دارد

## موعظه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

باشد لعینها بالله الرحیم از آیات و احادیث بسیار ظاهر میشود که کسی مقتضای امور آخرت را بعمل ۲۰۶
نیاورد گویا اعتبار اعتقاد را بآنها ندارد و در دینها ولی بعض بنا که گذشت امیرالمؤمنین علیه السلام
میفرماید کسی که یقین میدارد بمفارقت احباب ساکن شدن بر تراب و ایستاده شدن برای حساب
الارباب در مقام حساب و باحتیاج خود بانچه پیش فرستاده باشد و یاس و انقطاع دست خود از آنچه واگذاشته
باشد از میراث و ترکه خود باید کوتاه کند آرزوی خود را که فریب دنیا و شیطان نخورد و عمل صالح
بدنیا بجا آورد که در تدارک سفر آخرت بالبنیت فرمود نیست میان شما و بهشت یا دوزخ مگر مرگ
و در حدیث طولانی بعد از آن و صفات بهشت میفرماید بخوش حال کسی که ایمان آورد با بهار اوی که نبیند
بعد اکثر از جمله مؤمنانم بانها بدل الکف ولی نرویند تو که هر که ایمان آورد و تصدیق نماید با
بهجتی و سزاوار بتصدیق امت رغبت میکند بدنیا و خواهش مینماید زینت دنیا را و اختیار میکند
باقی بر فانی و حسنات نفس خود را میکنند آنگاه که نیست میان ترم زد که ما ببدانشیم که هلاک شد علی
از آن گفت طلب نجات کنید برای خود و تعجیل نمائید عمل تعجیل نمائید عمل باید بدنیا تقصیر مکنید از آنکه تقصیر
مکنید در اعمال کنید از آنچه تقصیر کردم تمت کتبه العبد العاصی میرزا احمد بن محمد فصیح الخوانساری
بشهر ذی الحجة الحرام سنه ثلث و ثلثمائة بعد الالف من الهجرة النبویة المصطفویة علی هاجرها
الف تحیة و سلام

هو الباقی و کل شیء هالک سواه
شرف اختتام یافت این نسخه شریفه که مشتمل است بر احادیث و اخبار
ائمه اطهار صلوات الله علیهم اجمعین که منتفع میشوند خواص و عوام
بنسخ و اهتمام [illegible] ثانی [illegible] مشهدی حسین خوانساری الاصل
و المسکن امید از برادران ایمانی آنکه در هنگام مطالعه کتاب [illegible]
تقصیر فرمایند را از دعا فراموش
نفرمایند انشاء الله
والسلام ۱۳۳